

و است تا هر چه از خیر و شر بر سر فرزند آید و بچش نکند تا مضرتی و گزند بی بوی نرسد و در جبهه او را در
 پیشتر از ملک المخلد وجهه که اولت چون بومنی خوابی بیند یا ویرا بخواب بیند واجبست دانستن
 بدانست یک بهره شادی برگیرد و از خواب بیدار کند یعنی بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود و اگر
 نه الله علیه گوید که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش نکرده و قیاسش تغییر
 برین آن معلوم نکند که این علم از اصل نکرده و از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و ویانت و همت و ارادت
 باجتناف و قضا میگرد و وزیر که وقتی تغییرش با اصل یابد کرد و وقتی بصددگاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان
 حلام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر علمی که علمی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معتبر باید که بهر
 هر کتاب و صطفی علیه السلام و امثال شعار عرب و عجم و نوا در و شفاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یکدیگر
 لطیف و ادیب باشد و شامیل و احوال مردم نیکه شناسد بقیاس علم حصول نیک و نیک و اولم
 و خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و برزانش صلاح و صواب را نداند و اینچنین حاجت سبحانه و تعالی کسب
 تمام خوردن و از سخنها می ناکار و دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سلک اهل کمال
 بخیالان باشد پس بر فردمندان واجب باشد دانستن علم تعبیر و شناختن قوانین
 که این قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اولئک است
 اعلم بالصواب فصل اول در شناختن مزاج و خوا
 غایب از بخارهای تر متعده است
 مستعمل مفضل شود و در هر کتاب



الفضا
 کتاب
 در شناختن مزاج و خوا
 فصل اول

بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان بروف و باران و بچ و سر مار افتاد است چون بیدار
 شود و جامه خواب از روی او در شده باشد آن سر مار بخواب دیدن سبب برپیشگی باشد و بی جاگی او بود و آن خواب
 را اصلی نباشد و اگر بخواب بیدار که اندر کر ما بود یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود و جامه بسیار بر خود
 پیچیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیدار که از غلطی می نالد و در روی
 و راندام وی افتاده بود و پیرا بخور نمیداشت و همان در و دارد آنچه در خواب بیدار که بول میکرد و چون بیدار شود بیدار
 که در جامه خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم
 در دانستن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از
 دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان
 دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب ازادگان ششم خواب بندگان
 هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب توانگران
 دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خواب
 پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چندان فضیلت است
 که پادشاهان را بر رعیت چه از سبب آنکه جلای پادشاهان را برگزیده و سرور می داده و خلق فرمود تا از
 وی بجا آورند و قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر من
 و رسول الله علیه و سلم فرمود من اطاع الامیر فقد اطاع به الله و و سوگند پس هر چه
 خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیدار آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و خواب پادشاه نزدیک تر
 او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر
 در کارهای خاص و عام بشتن و کشاون با مورخلاق همه از قاضیان بود و خواب فقرا را فضیلت است
 بر خواب عوام چه ایشان دانا اند باصول فقه و حده و مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان
 بتوان دانست و خواب ازادان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا
 و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علماء افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را بر
 و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند
 را منفعت دهد که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری
 سبحانه و تعالی ایشان را برگزید بر زنان و بچند چیز رحمان داده تفصیل نهاد و قوله تعالی الرجال قوا
 علی النساء وینما مبرنا علیهم السلام فرستاد همه مردان بودند و جای دیگر فرمود و قوا علی الرجال و قوا
 علی النساء

عَنْ حُذْرٍ مِّنَ الشُّكِّ كَأَنَّهُ يَدِيرُهُ عَقْلٌ صَبْرٌ وَجُودٌ وَرَأْيٌ وَشَجَاعَةٌ وَسَخَاوَةٌ وَعِلَامَةٌ وَخَدَمَةٌ مِّثَالُ ذَلِكَ
 مَرَدُّ رَجُلٍ مَّرْدَانٍ مَذْكُورٍ كَرَانِيدِهِ وَخَوَابِ زَمَانٍ نَزْدِكِيَّتِ بِخَوَابِ بَنَدِ كَانٍ وَخَوَابِ صَالِحِي نَزْدِكِيَّتِ بِرَجُلٍ
 فَاسِقَانٍ اِزْبَارُكَهُ خَوَابُ صِلَاحٍ بِطَاعَتِ مَيْلِ مِي كُنْدِ وَارِ مَعْصِيَّتِ وَوَرِ بَاشِنْدِ وَخَوَابِ فَاسِقَانٍ كِه رُفُوزِ مَيْتِ
 بِرَ اِيشَانِ حِجَّتِ بَاشِنْدِ چنانكه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب تو آنکه غرور و بیش فضل دارد زیرا که
 مگر کذو و صدق و ده حج و غیر آنکه در رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که يَكُ الْعَالِيَا حَيْرٌ مِّنْ يَكُ السُّفْلَى
 یعنی دست نخیزنده بر از دست ستاننده است و گریه ای از معبران گویند که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره
 دل ایشان را بر ایشان باشد از غم کسب و عیال چون در ویش خواب نیکو بیند اثر آن ویریدد آید و چون به بیند اثر
 آن زود ظاهر گردد و خواب تو آنکه از خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد زیرا که شہوت بر ایشان
 غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد و بعضی از معبران گویند که خواب کودکی نابالغ چون نیک باشد نیکی آن پدر و
 ستم و بدی آن زبان دارد و خواب کودکی نابالغ را دو قولست قولی آنست که خواب ایشان درست و درست
 است و حکمش پدید آید زیرا که دل کودکی از کثرت صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قولی دیگر خواب
 ایشان کار را عقل و تمیز چنانچه باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حایض درست باشد چنانچه صفیه بنت مبشر
 را خواب دید که ماه و اقیاب از آسمان هر دو بچهاروی افتاد و چون بیدار شد امیر خیر را ازین خواب آگاه کرد و امیر خیر
 را چنانچه بر روی وی زد و گفت اگر این خواب راست میگوید محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خیر است و در برابر نبی کنی بگوید
 یا رسول الله علیه و سلم خیر گرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش بردند رسول صلی الله علیه و سلم از صفیه پرسید که آیا
 چیزی روی که بر روی شست خیر است صفیه این صورت خواب باز گفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد
 و ائمه علم بالصواب فضل مفتخر در معرفت فرق میان خوابها که مانی رحمة الله علیه گویند که خواب مسلمانان درست
 از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی اَمْ حَسِبَ
 الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ وَهُمْ
 فِي سَوَاءٍ مَّحَالٍ و خواب بیزان بهتر و راست تر از خواب کودکی و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیز بود
 هر کس مجرب را باید که در وقت گذاردن خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سؤال کند و الفاظ
 که شنود همه را بقبول عقل راست کند چنانکه لفظ اول باخر بود و از آن آخرا بآول را و آنکه تعبیر کند و هر کدام که
 بهتر بنید باصول بهمان لفظ تعبیر کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد و او را غلط نیفتد و آنچه گوید صواب گوید
 و اسلامی قدیم قبایس چنین گردندی و صواب و راست آمدی حکایت چنین گویند مروی از ابن سیرین
 علیه السلام که خواب دیدم که بانگ نماز گفتن این سیرین گفت حج اسلام بگذاری هم در آن وقت مروی است

و گفت که خواب دیدم که بانگ نمازی گفتم گفت ترا بدزدی متهم کنند شاگردان گفتند که این دو خواب که
داشت که بانگ نمازی گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت از آسمانی صلاح دیدم گفتم که چنانچه بگویی قوله تعالى
وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ وَادٍ مِّنْهُم مَّرْجَلٌ وَفِرَّحُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ هَٰذَا صَفْوَةٌ مِّنَ الْبَشَرِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
قوله تعالى فَإِذَا نَزَلَ بِكَ الْبُرْجَانِ كَذَّبَ الْكَاذِبُونَ جعفر صادق رضي الله عنه كذبك و وقتی باشد
بیند و تاویل آن هم در آن روز باشد و خوابی اندر شب بیند و تاویل آن کیسان باشد و خوابی در شب بیند و تاویل آن
شش ماه باشد و وقتی باشد که خوابی بیند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه
المؤمنین حسین رضي الله عنه و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه و سلم خواب دید که سبکی خون و می
بعد از چهل سال در شبی آن خواب پدید آمد که او را شنید که درند جابر مغربی رحمه الله علیه که دید که تاویل خواب
از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بیند درست نباشد اکثر اکثر تشریف اندیشه و اشغال خوابی که در نیم شب بیند
از قسم اصفا و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ
بنماید این سبب تاویلش درست و راست بود این سیرین رحمه الله علیه که دید خوابیکه در اول شب بیند تاویلش
بر پنج سال پدید شود و اگر میان شب بیند تاویلش بر پنجاه پدید شود و اگر در سحرگاه بیند تاویلش تا ده روز
شود علی الجمله هر چند که شب بر روز نزدیک تر خواب درست تر و دور تر بود تاویل آن فصل هشتم در دلتن
زجر بر سحر راست آید و انبیا علیه السلام که دید هر که خواب که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم زجر و فال را
استادان قدیم را بود نیک بدانند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل پرسد اگر نامش نیک
باشد و لیل بر نیک کند چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سنان و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین مانند در کتاب
را دالت بر خیر و فرج بود بر آنکس که رسیده اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر و رسد و چون سائل از
تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان پیش سب یا استر یا خرمیند بدانند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز میند
خواب سفر کند خاصه که اسب و استر یازین و لکام بیند قوله تعالى وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لَتَكُنَّ بَوَالِغًا
بِزِينَةٍ وَ اگر سائل از وی تعبیر خواب پرسد و از زمان کلاغ سب یا بانگ کند دلیل بر خیر و نیک کند و اگر کلاغ دو یا
بانگ کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جابر مغربی رحمه الله علیه که دید شخصی خوابی می پرسید از عبد الله بن عباس
رضی الله عنه در آن حال کلاغی بیاید و بر دیوار خانه نشست و دو بانگ کرد و عبد الله بن عباس گفت دلیل آن
ستورسد هم در آن شب دزدی بخانه وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبد الله گفت که من بایاران گفتم
که اگر کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ دو یا بانگ کند دلیل بر مصرت و زیان بود و اگر چهار بانگ کند دلیل بر خیر
و نیکوی و اگر پنجاه بانگ بد باشد و اگر شش یا بانگ کند نیک باشد این سیرین رحمه الله علیه که دید که بانگ کلاغ

طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جنت باشد دلیل بر تباهی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخندد
 به نیت آنکه خوابی به بیند و از آن خواب احوال نیک و بد یازد و آن را در خواب گویند یا به یاکا و یا اسپ و یا
 این باشد که گوشت و می چیزی خورند دلیل بر تباهی کار او باشد اگر بیند در بسته از بر او گشادند و یا طعامی شیرین
 یافت و خورد دلیل بر نیکی کند فصل پنجم در خوابیکه فراموش کرده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی
 خوابی دیده باشد و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بداند طریق آنست که نامش پرسند و حرفهای نامش
 ستارده و بحساب بجد نه از وی بیدار و نگاه کند که چند مانده است مثلا اگر نه مانده باشد شهر را خواب بدنامش
 شای بر خدا کند قوله تعالى وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ شَجَةٌ دَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَكَانَ يُصَلِّونَ
 وَكَانَ رِيشَتُ مَانَدَه باشد سفر یا تزویج دیده باشد قوله تعالى تَمَائِيحُ فَإِنْ أَمْتَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
 و اگر بیفت مانده باشد و آن یاسکان دیده باشد قوله تعالى يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَتَامَنَهُمْ كَلْبُهُمْ
 و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب مستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را خواب دیده باشد تا پیش
 تمامی اشغال می باشد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد خواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال
 او کند قوله تعالى خَلَقَ السَّمَوَاتِ بَعْدَ عَمَلٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ و اگر پنج مانده باشد این
 و سلا حجاب خواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان خواب دیده باشد فی أربعة آیاه سواء
 للثلاثة الذين و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مایکون من بخوي ثلثة الا هو و
 و دیگر گفت ثلثة آیاه الا اگر دو مانده باشد یا یک دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثلثین اذ هما
 فی الغار و يقول لصاحبه لا تحزن تا و پیش آنست که آنچه میترسید این گرد و این سیرین رحمة الله علیه گوید چون
 کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواهد که خواب بداند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نه از اعضا
 خویش اگر بر سر بند کوه در خواب دیده باشد و اگر چشم نه چشم آب شور دیده باشد و اگر بر بینی نهد دهن کوه دیده باشد
 و اگر بر خنجر نهد مرغار دیده باشد و اگر بر دامن نهد چشم آب خوش دیده باشد و اگر بر گوش نهد شکاف و مغاکا دیده
 باشد و اگر بر ریش نهد کیا بهما در خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد و در خانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت نهد
 خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش نهد کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد و خست میوه و کیده باشد
 و اگر بر گشتان نهد شاخهای خور و درخت دیده باشد و اگر بر مقعد نهد مزله دیده باشد و اگر از نو نهد کریه دیده باشد
 و اگر بر ساق نهد و درخت بی بر دیده باشد و آنیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب بیند و فراموش کند از چهار چیز بود
 باشد یکی از بسیاری گناه دوم از گرد و از مختلف سوم از صفت نیت چهارم از مختلف طبع که چون از حال بگرد و لا جرم خوابها
 فراموش کند فصل ششم در گذاردن خواب بقول جابران کرمانی رحمه الله علیه که بداند علم و حکمت جایز نیست اند که

کسی خواب پیش ما بل گوید یا تعبیر آن از ما بل پرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دیده و از نادانی پرسید و او تعبیر کرد و آنچه
 تعبیر گفته باشد واقع شود و این محالست زیرا که نمانده خواب فرشته است و هرگز خطا نماند و آنچه که بدخ باشد حق
 بقول نادان باطل گردد و میان عالم و جاهل فرق بسیار است قَوْلُهُ تَعَالَى فَلْهَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
 وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که لا یستوی العالم و الجاهل و چون منوار خواب بر
 ایست که از لوح محفوظ گفته باشد و اگر بیند که خیر خواهد رسید یا شر و هر که عالم و جاهل خواهند که از بزرگداشتند و آنچه رسد
 بود برسد مگر قضای معلوق بود که بدعا و صدقه دفع شود و چون ملک ریان خواب دید چنانکه حق تعالی فرمود قَدْ
 أَصْحَفْنَا أَحْلَامَهُ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ قوم خویش را بخواند و این خواب پرسید و گفت
 تَعَالَى يَا أَيُّهَا الْمَلَأَةُ أَفْقَحِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ یعنی ای بزرگواران فتوی که
 مراد این خواب قوم او گفتند یا تعبیر این خواب بنماید اینم پس یوسف علیه السلام تعبیر کرد و حدیث هفت ساله قضا گفت
 بدین عجب دانستیم که هر چند جلال تعبیر خواب کنند حق باطل نکرد و فضل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات
 و اصناف و نباتات این سیرین رحمه الله علیه که بد خواب باوقات کرد و چنانکه اگر کسی شب خواب بیند که بر سیلی
 نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندر آن منفعت اندک بود و اگر این خواب بر روز بیند دلیل که بزرگی
 طلاق دهد و اگر شب بیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را بامردی آبله کار افتد و اگر بر روز بیند که در جگر صفا
 رضی الله عنه گوید که خواب از هسل نکرد و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر
 عذاب بود قوله تَعَالَى غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا چون این خواب مردی صالح بیند دلیل که دست از کارها
 و کارهای نامرئیه بردارد و چنانکه محمد بن عبدالغفر نیز روایت کند با سناد درست از عبدالرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 میان ابو بکر صدیق و سلمان پارسی رضی الله عنهما بر او روی کرده و او و سلمان خوابی دیدم ابو بکر گفت و سبب خواب
 اندوی دور شد و ابو بکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شد تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب بد
 عالم را صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد و تاویل همان فرمود که ابو بکر رضی الله عنه گفته بود و ابو سلمه رضی الله عنه روایت کرد
 از عطاء بن خواب که محمد بن سیرین رحمه الله علیه گوید که تاویل خواب کسیکه بر منبر و چنین کرد که اگر از اهل صلاح است
 و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است بر دارش کنند و در حدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابو عبید
 که زنی از محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم پرسید خواب دیدم که ستون سقف خانه من بر من شکسته بود گفت که شوهرت از سفر
 باز آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابو بکر رضی الله عنه رفت و از او پرسید گفت شوهرت بمیرد و خواب بر روی کی بود
 اما تاویلش از اختلاف وقت بگشت و ابو حاتم روایت کند از اسمعیل که اشعری پرسید که خواب دیدم که گندم بجز
 فروختنی گفت شعر بقرآن بدل کنی و گندم جوارا هسل بگردانید از گشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب بیند باشد که حساب

سمعی حدیث کرده که مانی رحمه الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیدار باشد و نیکو باشد و حکم تا پیش
 تاخیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیدار باشد و حکم تا پیش زود تر و توی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیدار
 تا پیش درست نیاید و بر درستی این سخن دلیل آنست که مردی از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید که خواب
 برکت شروه از خودی بمن داده اند ابو بکر گفت هفتاد و چوب بر تو زنند در آن هفته هفتاد و چوب بروی بزدن پس همین سال دیگر
 در آن خواب دید همان هفتاد و یک از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید هفتاد و هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین
 ستم سال همین خواب دیدم تاویل آن هفتاد و چوب بود اس سال هفتاد و هزار درم مرا گفتی از فصل این خیر کن گفت پارسا فصل
 ایشان دیده بودی در آنوقت در خندان همه خشک می شدند و برکت میرجیت تاویل آن آن بود و اس سال بهار است و
 در آن سال روی باقبال دارند تا ویش اینست آموزد هفتاد و هزار درم یافت و انبیال علیه السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب
 برسد یعنی از باد تاخیر و حکم تا ویش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شب نگاه دلیل بر بر سر و فساد بود و تعبیر آن
 خواب بروی زود و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب شاید پرسید جابر مغربی رحمه الله علیه گوید درست
 ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب بر آمدن بیدار است و استوار آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تاویل آن
 و شکفتن درختان و رسیدن سیو یا خوابهای عظیم نیکو بود و تاویل آن درست آید و خوابیکه روز زمستان بیدار حکم تا ویش
 ضعیف باشد که در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است فصل دوازدهم
 در معرفت شرایط آداب باطل خواب و انبیال علیه السلام گوید مجرباید که دانا و پارسا باشد و ساکت و علم و از خصیان
 دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل با حقیقت تمام بشنود و بداند که سایل باطل است
 یا رعیت کمتر است یا ماهر عالمست یا جاهل آزاد است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درهش مرد
 یا زین فارغ و دست یا مشغول و تابستان دیده است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بدانند هر یکی را اقبال
 عقل چنانکه سادگان این علم گفته اند تاویل کند و از خود نکوید این سیرین رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم با هم
 بود با اینهمه فضل خوابهای که تعبیر آن نداشتی گفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابو المقدم که این سیرین از سایل
 که پرسیدندی یک جواب گفتی و باقی را تعبیر گفتی پس معبر باید که اول سخن ببنده خواب نیکو بشنود و آنرا تعبیر نکند بداند و در آن
 تاویل کند و اگر سخن درست باشد معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنکه تعبیر کند و اگر سخنی در میان سخن باشد
 آن جزو از وی جدا بکند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ سبکی که نماند اضمحالت و احلام است و تاویل
 آن بکند و اگر تاویل آن پیشتر بروی از آن معنی پرسد از سایل که تنگ و دست یا خوشدل و آنچه از وی بشنود بنا تعبیر
 خواب بر آن نهند و اگر نتواند گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبع عبارت و گفتار و روشنی و نیکوئی
 و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نکوید و بروی پوشیده و اگر مانی رحمه الله علیه گوید فصل خواب

چیز است یکی جنس دوم صفت سوم طبع و جنس چنان درختان و مرغان بود اینهمه در تاویل مردان باشد و صفت نیست
 که معبر بدانند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنس است و از چه صفت است و اگر درخت کردگان به قیاس بدانند
 که مردی عجمی است زیرا که در عرب درخت کردگان نباشد و اگر مرغ طایوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد مردی عربی
 بود و طبع آنست که بدانند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کند اگر درخت کردگان بود مردی توکم
 بود و لیکن بد معاظه و بخیل و شنیع بود زیرا که چون کردگان بخیلانی با نکت کنند و ناشکی مغزش بیرون نیاید و اگر درخت
 خرمای باشد کاری اعتبار کند که آسان باشد کتبخیره طیبیه اصلها ثابته و قروعهها فی السماء و شجره طیبه
 و درخت خرمای بود و اگر مرغی باشد که بی پرد باشد که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز بیاید و دانستن که اگر کلاغ باشد مردی
 بد عهد بود و نیز بیننده خواب باید که مردی راست و با دیانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان
 نکند زیرا که همه خواب را بر زبان آورد و اگر کسی خوابی بیند و از آن بترسد باید که سله باریت اگر کسی بخواند و باد بر خیزد و بد
 و بگوید اَعُوذُ بِرَبِّ مُوسَىٰ وَابْنِ اٰهِيْمَ الَّذِي وَمِنْ شَرِّ الرَّقِيَا الَّتِي رَانِيهَا مِنْ مَنَاخِي اَنْ يَضْرِبَنِي
 فِي دَنِيٍّ وَدُنْيَايَ وَمَعِيشَتِي عَزَّ جَارِكُ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَكَرَّمَ اللّٰهُ خَيْرُكَ پس از آن دور کند
 ناز بخواند و صدقه دهد شتران بگرد و مرغی رحمة الله عليه کوبد ابلیس علیه اللغه و همه خوابها اعتراض کند و همه چیزها
 مانند مگر بخدای عزوجل و فرشتگان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماهتاب و ستارگان خود را بدان تشبیه مانند
 نتواند کردن و اگر ویرا قوت آن بودی که خود را مانند اینچیز یا نمودی میان غلایق فتنه گفتندی که گاهی خود را بصورت
 پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو خوشنودم هر چه خواهی میکنم با دیگری میکنی که من آفریدگار تو ام کنایه آن ترا عفو کردم
 و ترا آمرزیدم و خیر گفتی که بندگان خدا یعنی عزوجل را که روی جعفر صادق رضی الله عنه کوبید هرگاه که ابلیس علیه
 اللغه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید یا آسمان آتشی فرو آید و آتزا بسوزاند و صعبترین کار را بر ابلیس
 علیه اللغه آن باشد که دل مومن روشن بود حق تعالی عزوجل را بداند و خوابهای او راست باشد فضل سیر و فهم
 در آداب نگاه داشتن سبیل و مبر که مانی رحمة الله عليه کوبید گاه داشتن مبر آن بود که آتشی و هوشیاری سرایه خود را
 بوقت سوال تا خواب نیکو بشنود و در یابد و بر دین و مذہب و اعتقاد او واقف گردد و تا بداند که سخن او راست است
 که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود اَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا اَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا هر که راست گوید راست خواب
 او راست تر گوید و جعفر صادق رضی الله عنه کوبید و اجبت بر مرد عاقل که با طهارت خند و بهنگام خفتن خدای
 تعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ نَفْسِي الْيَاكُ وَوَجْهَتُ وَجْهِي
 اِلَيْكَ وَفَوْضْتُ اِلَيْكَ وَالحَادِثَ ظَهَرِي اِلَيْكَ لَا مَلْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ تَبَارَكَتَ وَتَبْنَا
 وَتَعَالَيْتَ اَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ اَسْتَغْفِرُكَ وَاتُوبُ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَوُيَا صَادِقَةً

د

غاربه صالحه غیر فاسده خیر مجربه رافعه غیر اضمیه و چون بجنبه بروست راست بجنبه
 و چون بیدار شود همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوره
 دیده باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و قل هو الله احد تمام بخواند و با بر سوی دست چپ خویش دهد و بگوید
 یا رب تودانی و من ندانم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان
 دور دار یا محجیب دعوت المضطربین یا الله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخواستن
 و ابتداء کار که کند این دعا بخواند اللهم الوحمن الرحیم اللهم الذی لا یضر مع استئذان شیء فی الارض
 و لا فی السماء و هو السميع العظیم و با دعا چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و دعوت بخواند آنگاه بر خیزد
 و نوزد یک معبر دهد باید که وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیادت و نقصان نکوید این سیرین رحمه الله علیه که بد شرط
 معبر است که چون خواب شنود با طهارت باشد و اگر کسی دشمن او باشد از بهر دشمنی خلاف نکوید و شر شخصی که بداند با دیگران
 نکوید مگر بی رحمه الله علیه که بد هر که خوابی بلید باید که زیادت و نقصان نکوید و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب
 راست و حی می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ برخی سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب نمانی
 است میان خدا و تعالی و بنده و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ میگوید بر نسبت خدا و منی و گوا
 تباهی بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ اقرار میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عامی میشود و این دلیل است
 بر تنظیم و بزرگی خواب و شرط او بکا داشتن بر معبر و سایل و هفت فصل چهاردهم در معرفت آنکه تعبیر از چند
 نوع باشد این سیرین رحمه الله علیه که بد معبر باید که تخنق نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل معلوم
 کند و وقت و بین خواب که در روز و در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب
 بر چه نشی میگذارد و فصل پانزدهم در روز ماه تازی بداند آنگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند و انبیا که بد چون
 کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه در خبر فال دلیل کند بر خیر و بشارت و خوشی
 و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و انبیا علیه السلام که بد خواب در اول روز کشیده نیکو بود که تعلق با قضا و
 در اول روز و شب تعلق بجاه دارد و نیکو باشد و در اول روز کشیده تعلق بمرح و دارد و پرسیدن خواب نشاید و در اول روز چهارشنبه
 تعلق بقطار دارد و دو قوم بود و صاحب السر بلاک شدند هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه بیشتر باشد و اول روز خواب
 دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آینه زهره را بود دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمیع خاطر باشد
 مگر بی رحمه الله علیه که بد معبر باید که او را تجربه بسیار می باشد و اگر در خواب چنانکه طلب را تجربه به بیمار و محالیت او
 حکایت امیر المؤمنین محمدی شبی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد ترسید و معبر از اجماع کرده خواب
 بگفت در تاویل معبران در مانند و تاویل آن ندانستند و بر ابریم کرمانی رحمه الله علیه که استاد معبران بود حاضر آورد و در خواب

خلیفه بشنید گفت ترا و ختری آید معبران گفتند ترا و لیل برین چیست گفت واذا ابیت احدثتم بالانثی ظل وجهه
مسنود او و هو کظیم پس امیر المؤمنین هزار درم بکرمانی دادیم در آن روز او را و ختری آمده هزار درم دیگر با براسیم کرمانی
نشد حکایت مردی بجواب دید که در اخصی کرد و نیز دیک معبران آمد و پرسید که وی گفتند این مرد و و بمیرد و دیگری
گفت از فرزندان جدا کرد و دیگری گفت عده او نقصان کند و دیگری گفت نسل او بریده شود و دیگری گفت زن او طلاق
و ده پس روزگاری بر نیامد که زن را طلاق داد و فرزندان بر گرفت و غم سفر کرد و در دریا در کشتی نشست بادی مخالف
برخواست و کشتی غرق شد و در میان دریا ماهی ذکر و خصیتین او بخورد و مال فرزندان او جمله هلاک شدند و بعضی بگویند
چنان آمد که معبران گفته بودند که کرمانی رحمه الله علیه گوید باید که معبران کورستانها تغیر و آنچه و سایل در وقت سؤال راست
گوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ كُنتُمْ تَنَافَسُونَ هر دو خال که پرسیدند راست آمد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار کرده خواب پرسیدن روانها شد یکی از بیدگان دوم از زمان سوم از جابان
چهارم از دشمنان **فصل** نایز و هم در داستان سایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار سایل بود که از سایل پرسید
که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه با بعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر معلوم پوشیده نماید این سیرین رحمه الله علیه گوید که طالع
در خواب دیدن کارزار باشد و بیداری و کریمین در خواب شادی بود به بیداری و حجامت کردن در خواب قباله شستن
بود و در و دندان محلی دیدن خود را و دلیل کند که در گوش کنند و در خواب خود را و کور و بدن دلیل کند که در زندان باشند
به بیداری در خواب خانه غریب شدن و حشران دادن بود و حشران زادن در خواب کشت کردن بود و قوله لک انساؤکم خوفکم فاقوا
حقنکم آتی ششم نیکی در خواب که پاسبان تنیدن بود و کر پاسبان تنیدن در خواب نیکی کردن بود و انجیر خوردن و پاسبان
خوردن بود و سایل بجای آمدن دشمنی بود و بیداری و آمدن همه چیز که نوازنا نیک باشد که گفته اند باشد و هر چه که
در خواب کهن آن بد باشد نوازنا نیک باشد چنانکه موزه نو اگر کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با
سلاح موزه گفته پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر میخورد
نیک باشد و اگر کزین میخورد نیک باشد و اگر میخورد نیک باشد چنانکه درین قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را یاد کنیم
کتاب دراز کرد و لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی **فصل** شانزدهم در دیدن خداست
و مشتگان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمه الله علیه که استاد این ضعیف بود تا و لیل دیدن
خداوند تبارک و تعالی و مشتگان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه ماینر صواب چنان دیدیم
که در اول کتاب باو کنیم تا بیا و باها و دیگر بر نسق حروف مجسم بترتیب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز بنام کتاب
آن برخوانند و موزه آسان کرد تا و لیل دیدن خداوند تبارک و تعالی و انبیا علیهم السلام گوید هر بنده منومن که خدا
تعالی عزوجل را در خواب بیند بچون و بچگون چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را ویدار خویش روزی کرد و

و حاجتهای او را کند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد
و مغفرت مخصوص کرد و اگر گناهکار بود توبه کند این سیرین رحمة الله علیه که یا اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی را از نیت
دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی گردد و قوله تعالی وَ قَدْ بَنَاهُ يُحْيَا اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ
دلیل که او را درین ضللی یا خطائی باشد قوله تعالی وَ مَا کَانَ لِیُکَلِّمَهُ اللهُ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ
حجاب و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را بیا مریزید دلیل کند که او را بیا مریزد و آما
در دنیا با وی بکار و اگر بیند که خداوند عزوجل او را پسند میداد دلیل کند که رضای خدای عزوجل در آن نبود و قوله تعالی
یُعْظِمُکُمْ لَعْنُکُمْ تَذْکُرُونَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ
که او را بیم کرد و دلیل کند بر غضب خدای عزوجل اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ
که غم و اندوه رسد قوله تعالی وَلَوْ تَرَى اِذِ الْخُرُوجِ فَاکْشَرُوا وُجُوهَهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ کَرَامِی وَ حَمَّةٌ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ اَکْرِیْبُکَ
که اگر بیند که خدایتعالی او را چیزی داد و دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی گمارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید
دلیل کند که بهشت و لقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از مستاع و نیا چیزی داد و دلیل که بیماری سخت بکشد و آن
اجر و ثواب یا بد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت کرد و اگر خدای عزوجل بیند اگر کسی او را که بدید که این خدا
عزوجل است دلیل که او را بیانشی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل بر زمین فرو آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل
آنموضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آنموضع انصرت دهد و اگر در آنموضع خطا و تنگی بود و بفرسخی مبدل گردد و اگر
اهل آنموضع گناهکار و حامی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در خانه فرود
می آید و بلطف و مستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید یا بر گرفت یا بر بخانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی
اما در دنیا رنج و بیماری بکشد و اگر خدایتعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد و آنرا دلیل چشم
و اندوه کند و اگر بیند که خدایتعالی او را نامی دیگر نهاد و دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بروی چشم گرفت
دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدایتعالی او را نزد یک خود خواند و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد
مغربی رحمة الله علیه که یا اگر کسی خدا را عزوجل در شهری یابد و می بیند دلیل کند که آنموضع آنانکه مصلح اند و عزو
شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آنموضع دور شود و قوله تعالی اَللّٰهُ یُحْکِمُ بَیْنَکُمْ فَمَیْثَا کُنْتُمْ فِیْهِ
تَحْتَ لَیْقُونَ و اگر بیند که خدای عزوجل بر اهل آنموضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی شهر میل بدانست کند یا امیر
آن شهر یا رعیت ظلم کند یا عام آن شهر بدوین باشد و اگر این خوب و زوی بیند دلیل کند که دست و پای وی بر
و در آن شهر فتنه و بلا افتد و قتل واقع گردد و قوله تعالی وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ یُرْسِلُ عَلَیْکُمْ حَفَظَةً
حَتّٰی اِذَا جَاءَ اَحَدُکُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا یُفَرِّطُونَ عِبَادَتِیْ رَضِیَ اللهُ عَنْهُمْ

اگر کسی خدای عزوجل را بچگون و بچگون در خواب ببیند از ترس و بیم این گردد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان
 بود در آخرت دیدار حق تعالی ببیند قوله تعالی **لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ** مفسران تفسیر در لغات حق
 سبحانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی ببیند که مثل آن صورت ندیده باشد دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر
 بر صورت مردی ببیند دلیل کند که آن مرد قاهر و نامدار گردد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح ببیند دلیل کند
 بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غرابیند دلیل کند که آن غازیان از نصرت بشد
 و اگر خدای تعالی را بر سر تربت مردگان ببیند دلیل کند که آن مردگان از بیا مرز و آفرینند که خدای عزوجل را دشنام
 میداد و دلیل کند که آنکس کافر گردد و اگر ببیند که خدای تعالی بر تختی نشسته بود و یا خفته این همه صفات نامتناهی است
 و دلیل کند که ببیننده این خواب بدین و عاصی بود و جعفر صادق رضی الله عنه که دید این خواب بدین خدای تعالی است
 وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نوروادایت و قوت در دین چهارم تظفر بر ایل ظلم چشم
 ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم دران دیار آبادانی و عدل پادشاه و مغم غر و شرف و بلندی در دنیا و
 آخرت چون رحمت نظر کند و اگر نعوذ با الله منها بنظر قهر نگاه کند بر خلاف آن باشد و اگر قاضی ببیند که خداوند تعالی
 عزوجل با وی باخشم بود دلیل کند که از شرع تجاوز کند و با مظلوم نهد و اگر پادشاه بود دلیل بر سبیل کند و اگر عالم بود
 در دین و اعتقاد داخل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر گاه بنظر قهر ببیند رحمت و عذاب بود و رحمت
 با آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است و دین او را نده عقل باشد پس باید که بخواب دیدن خدای تعالی عزوجل
 ممکن نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی خواسته را بخواهش
 بچگون و بچگونه رویت الملائکه تاویل دیدن فرشتگان دلیل کند بر پادشاه و امکار با دین و دیانت و یا عالمی پر
 کار و برتر کترین ملائکه چهار اند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیه السلام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 که اگر کسی جبرائیل علیه السلام را در خواب ببیند خوش طبع و گشاده روی دلیل کند بر دشمن ظفر یابد و برادر برسد و اگر جبرائیل
 این ببیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب ببیند که او را جبرائیل مرده داد و یا عدد و نیکو یا از کاری باز داشت و دولت
 و عزت و جمعیت یا بدو اگر ببیند که جبرائیل او را چیزی داد و دلیل کند که از پادشاه قدر یا بد بعضی از سبب آن گفته اند که اگر جبرائیل
 بوی چیزی داد و دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر در خواب ببیند که مردم بدو گویند که تو جبرائیلی و دلیل کند که خدا
 قضیع کرد و مراد بیا بد و با امانت و دیانت مشهور گردد و اگر کسی میکائیل علیه السلام در خواب ببیند چنانکه صورت
 اوست دلیل کند بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرائیل آمده عذاب و میکائیل آمده بشارت و خیر و نعمت است
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب ببیند که میکائیل او را عطا داد و دلیل کند خیر و بزرگی یابد و اگر جبرائیل
 که گویند تو میکائیلی و دلیل کند که خیر و بشارت بدو رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد و دیدن اسرافیل را

و بچگونه رویت الملائکه

ابن سیرین رحمه الله علیه که یک اسرافیل را بنحیث دیدن چنانکه صورت او دست و پایی بر قوت و بزرگی و جاه و مال و شوکت
 بود و در دیار که او را بینه دلیل بر اینی و آبادانی اند و بار بود و اگر بیند که صورت در دست داشت و میسید دلیل بر بلا و فتنه کند
 زیرا که او را امر خدای تعالی بدیدن صورت او است و هر جا که دیدن صورت پیدا شود سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی
 وَفُتِحَ فِي الصُّورِ فَصَحِّقْ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَكَرِهَ اسرافیل علیه السلام صورت در دست
 داشت و میسید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس افتد و اگر بیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار
 شود و دلیل که پادشاه آن شهر بروی چشم گیر و کرمانی رحمه الله علیه که یک که اسرافیل را بنحیث بیند که اند و بکین بود و صورت میسید
 او و بتهن آه از صورتی شهنشاه دلیل که در آن دیار زمین مرکب بسیار بود و ظالمان هلاک شوند و اگر بیند که اسرافیل تازه روی بود
 و شادمان در روی نکا و میگرد دلیل که او را از پادشاه خیر و اینی رسد و اگر بیند که اسرافیل بر نامه مکرر و بد و او دلیل که جلش
 نزدیک باشد و اگر بیند که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد و بدین خبر اسرافیل را ۴
 ابن سیرین رحمه الله علیه که یک که اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل که کار که بود مغرول شود و اگر ملک الموت
 را نزدیک خود بیند دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل که شهید گردد و اگر بیند که
 با ملک گشتی گرفت و افتاد و دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که ملک الموت را بیدار است بعضی از خبر آن گفته اند که بسیار شود و اما شفا
 یابد مغربی رحمه الله علیه که یک که هر که ملک الموت را بنحیث بیند خورم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بیند که ملک
 الموت بروی سلام کرد و دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و خانه کاروی بر شهادت نزد و اگر بیند که ملک الموت
 بروی چیزی شهربین داد و دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر بیند که ملک الموت بروی چشم گیر است دلیل که با خطر
 مرگ او باشد و اگر بیند که ملک الموت بروی چیزی تلخ داد و دلیل که جان کندن بروی دشوار باشد و اگر بیند که او را خبر داد
 که ملک الموت بظان حاست و او از دور نکا و کرد و دلیل که او را بپادشاه کار افتد و اگر بیند که ملک الموت بر پشت
 دلیل کند که او دشمن خلق کرد و بدین حمله العرش آن فرشتگان اند که عرش را با هر چه محل علامت برشته اند اگر کسی
 ایشان را بنحیث بیند دلیل که با سلطانی کار افتد و مراد بابد و اگر بیند که ایشان پیوستگی داشت و دلیل که او را بپادشاه
 بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند که کرمانی رحمه الله علیه که یک دلیل که با کسانیکه اهل دین باشند پیوستگی کند و بچ کار
 قوله تعالی وَتَوَيَّ الْمَلَائِكَةُ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ لِئِنْ جَاءَ بِكُمْ آيَاتٌ مِنْ رَبِّكُمْ لَتَقُولُنَّ نَحْنُ الْغَاثُ وَكَانَ
 و پند کی خویش باز داشتند و دلیل که جلش فرسیده باشد که اما کاتبین هو کلانند که کردار و گفتار غلطی از نک و بد
 میسند ابن سیرین رحمه الله علیه که یک که اگر کسی که اما کاتبین را بنحیث بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح و وجهانی حاصل
 شود و اگر مفلس بود غم و اندوه بسیار کند قوله تعالی يَتَكُونَنَّ مَا تَفْعَلُونَ ابن سیرین رحمه الله علیه که یک که اگر بیند
 که فرشتگان با هم جنگ و نبرد میکرد و دلیل که کنه کار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی

اَنَا فَتَبَيَّنْتُ لَكُمْ لَيْلًا هَاجِسَةً يَحْيَىٰ وَكَرَّمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ لَمَطَرِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 وَلَيْسَ كُنْهٌ اِلاَّ اَحْوَالِهَا وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 اَنْتُمْ يَا سَيِّدِيْنَ وَاتَّخَذْتُمْ الْمَلٰٓئِكَةَ اَنَا اَنَا اَنْتُمْ لَتَقُوْلُوْنَ قَوْلًا عَظِيْمًا وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 عِيْ يَرْيَدُ اجْتِهَادِيْكَ بِوَدَّ اِيْزْدِيْستَانِ وَوَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 كِهْ اَوْرَا حَصِيْبَتِيْ رَسَدِ قَوْلُهُ تَعَالٰى يَوْمَ يَوْمٍ اَنْتُمْ لَتَقُوْلُوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ لَا تَحْصُرُوْا يَوْمَ يَوْمٍ لِّلْجَبْرِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 خُوْ فَرَمُوْندِ دَلِيْلُ كِهْ اَوْرَا اَهْلُ خِيْرٍ وَصَلٰحٌ بٰشَدِ شَادِيْ وَخُوْ رِيْ مِيْنَدِ اَزْ اَهْلُ ضَادِ بٰشَدِ رِيْجِ وَانْدِ وَهُوَ يَوْمِيْ رَسَدِ قَوْلُهُ تَعَالٰى
 اَقْبِرْ اَكْبَا بَكَ كَفِيْ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسْبُكَ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 طَفَرِيَا بَدِ عَاقِبَتِ كَارِشِ مَحْمُوْدِ كُرُوْدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 زِيْرُ كِهْ فَرَشْتَاكَ بِسِيْمَتِ بَصْرَتِ پَخِيْرَانِ اَمْدِهْ اَنْدِ كِهْ مَافِيْ رَحْمَةِ اَللّٰهِ عَلَيْهِ كِهْ يَدِيْدِيْنِ فَرَشْتَاكَ بِسِيْمَتِ بَصْرَتِ بٰشَدِ خَدَوَنْدِ حَوَابِ
 رَا وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ اَوْرَا وَصِيْتِ كِهْ دُوْپَنْدِ وَاَزْدِيْستَانِ شَهِيْدِ بَرُوْدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ مَقْرَبِ رَا دَرِ جَايِ مِيْنَدِ كِهْ اِنْجَا اَهْلُ اِسْلَامِ
 بٰشَدِ وَبَاكَ فَرَا نِ جَنَّتِ مِيْكَنَدِ اَهْلُ اِسْلَامِ اَهْ طَفَرِيَا بَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 وَتَشْكِيْ خَلَاصِيْ يَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ كَشْتِ وَبَآسْمَانِ رَفْتِ دَلِيْلُ كِهْ دَرْ دِيْزَا زِهْدِ وَوَرَعِ اَخْتِيَارِ كُنْدِ وَدَسْتِ اَزْدِيْستَانِ بَرُوْدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 جُوْ يَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ بَآسْمَانِ رَفْتِ وَبَازِيْزَا مَزُوْدِ وَاَزْدِيْستَانِ بَرُوْدِ وَوَنَاشِ دَرِ جَهَانِ بَدِيْنِيْ كِهْ يَدِ جَا بَرِ مَغْرَبِيْ رَحْمَةِ اَللّٰهِ عَلَيْهِ
 وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ مَقْرَبِ دَرُوِيْ بِحَشَمِ مَحْمُوْدِ نَكَاهِ كُرُوْدِ دَلِيْلُ كِهْ اَزْ بِيْمَارِيْ زُوْدِ شَفَا يَدِ وَبَعْدِ اَزْ اَنْ كِهْ كُنْدِ وَغَزَا خِيْرَتِ بَآسْمَانِ
 كُنْدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ بِصُوْرَتِ فَرَشْتَاكَ مِيْنَدِ دَلِيْلُ كِهْ اَزْ غَمِ فَرَجِ يَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 شُوْدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ بَآسْمَانِ رَفْتِ دَلِيْلُ كِهْ اَزْ غَمِ فَرَجِ يَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 بَشَلِ بَازِ دَارِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ اَوْرَا عَطَا وَدَعَا وَبَرِيْ كِهْ يَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 دُوْ جَهَانِيْ يَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ بَدِيْنِ اَوْدَنْدِ وَشَمْعِهَا وَبَرِ اَعْمَادِشْتِهْ اَنْدِ دَلِيْلُ كِهْ اَوْرَا فَرْزَنْدِيْ عَالَمِ دُوْنَا اَمْدِهْ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 كِهْ فَرَشْتَاكَ اَوْرَا جَاهِ سَعِيْدِ يَسْبُرُوْندِ دَلِيْلُ كِهْ كَسِيْ اَزْ خُوْشِيَانِ اَوْبِيْرِ دِيَا اَجَلِشْ بَرَسَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ
 كَارِشِ سَعَادَتِ بُوْدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ اَوْرَا جَامِعِ قُرْآنِ وَاَدِ يَاطْلِيْ نَشْتِهْ دَلِيْلُ كِهْ كَسِيْ بَرُوِيْ دَاوَرِيْ كُنْدِ وَبَرُوِيْ خَالِبِ كُرُوْدِ
 تَاوِيْلِ رُوِيْتِ پَخِيْرَانِ عَلَيْهِ اِسْلَامِ اَبِ سَيِّدِيْنِ رَحْمَةِ اَللّٰهِ عَلَيْهِ كِهْ مَرَاتِبِ پَخِيْرَانِ عَلَيْهِمُ اِسْلَامِ بَرَسْتِهْ كُنْدِ اَسْتِ اَوَّلِ اَلْوَلُوْعِ
 وَدُوْمِ مَرَسَدِ سُوْمِ نَبِيْ وَپَخِيْرَانِ اَلْوَلُوْعِ شَشْ اَوَّلِ اَدَمِ وَدُوْمِ نُوْحِ سَلُوْمِ اَبْرَاهِيْمِ چَهَارَمِ مُوْسَىٰ خِيْمِ عِيْسَى شَشْمِ مُحَمَّدِ مَصْطَفَىٰ
 صَلَوَاتُ اَللّٰهِ عَلَيْهِ وَسَلَامٌ نَا اَنْدِ كِهْ جَبْرِيْلُ اَبْرَا اِيْشَانِ وَحِيْ اَوْرُوْ اِيْشَانِ سَيِّدِ وَبَرِيْ اِيْشَانِ پَخِيْرَانِ اَنْدِ كِهْ جَبْرِيْلُ
 عَلَيْهِ اِسْلَامِ بَا اِيْشَانِ بِيَا دِ وِهْرُ كِهْ اَلْوَلُوْعِ رَا اَجَابِ مِيْنَدِ وَفِيْلُ كِهْ عَزْ جَلَالَتِ يَدِ وَاَكْرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ وَرَبَّكَ مَوْضِعِ اسْنَادِهِ وَهُوَ ذَا جَبْرِ اِزْدِيْستَانِ اَلْاَقْبَسِ وَدَرْزَالِ فَتَوَكَّرَمِيْنَهُ فَرَشْتَاكَ

و اگر اهل آن موضع در غم و اندوه و سختی و دلاست باشند بشمار ایشان بود بخیر و صلاح و آبادانی کار وین و دنیا و اگر بیند که پیغمبران از جای نقل میکردند و بر اهل آن موضع دعای بد میکردند و دلیل آن خدا تعالی بای عظیم بر اهل آن موضع فرستد مگر توبه کنند و نه خدا تعالی بآن گرامی رحمت الله علیه که دید هر بنده مومن که پیغامبری را در جای خود تازه روی و شادمان بیند و دلیل عز و جاه و نصرت یابد و اگر از چیزی خشمگین بود دلیل به بد حالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل از علم آن پیغامبران بهره یابد و شادمان شود و اگر بیند که پیغامبری را بکشت دلیل که خیانت کرده باشد لقوله تعالی فَمَا نَقْضُ لَكُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَكُفِّرْهُمْ بَدَائِلِهِمْ قَاتِلْهُمْ بَلِ آيَاتُ اللَّهِ وَقَاتِلُهُمْ الْأَنْبِيَاءُ يَغْيُرُ حَقَّ جَفَرٍ صَادِقٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گویند که اگر آدم علیه السلام را بخواب بیند بزرگی و ولایت یابد لقوله تعالی وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى و اگر بخواب بیند که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموز و و علم آدم است الْأَسْمَاءُ كُلُّهَا و اگر بیند که آدم دوست او گرفت بزرگی و مملکت یابد و اگر بخواب بیند که آدم را طاعت بزد دلیل که عاصی و بد بخت شود و حق علیه السلام را بخواب بیند دلیل که دولت و اقبال یابد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و عمر دراز گردد و نوح علیه السلام را بخواب بیند عرش دراز گردد و ولسکن از دشمن رنج و سختی بیند و عاقبت برادر رسد و ادریس علیه السلام را بخواب بیند کارش نیکو شود و عاقبت محمود گردد و عیسی علیه السلام را بخواب بیند دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبت برایشان ظفر یابد و لوط علیه السلام را بخواب بیند کارش بصلاح باز آید و مردان بیند صالح علیه السلام را بخواب بیند از جای بجای تحویل کند و در خیر بروی کشاده شود و ابراهیم علیه السلام را بخواب بیند حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بد خوئی کند با مردم و پدر ایل علیه السلام را بخواب بیند بشارت فتح و غنیمت یابد لقوله تعالی وَكَثُرْنَا لَهُ يَارَسُوخِي بَنِي آدَمَ مِنَ الصَّالِحِينَ یعقوب علیه السلام را بخواب بیند از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یابد یعقوب علیه السلام را بخواب بیند خوششان بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یابد شعیب علیه السلام را بخواب بیند خشم بروی غلبه کند و بعد از بروی ظفر یابد موسی علیه السلام را بخواب بیند مستلا گردد و باطن و عیان او بعد از آن حالش نیکو گردد و در شمس ظفر یابد لقوله غر جمل وَهَبْنَا لَهُ مِزَانًا حَمِيدًا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا بعضی معبران گویند که موسی علیه السلام دیدن دلیل که پادشاه دران دایر پاک شود و او و عمار را بخواب حق تعالی او را بزرگ و پادشاهی و نعمت و مال جاهش زیادت کرد و اندر که با علیه السلام را بخواب بیند حق تعالی او را توفیق دهد در طاعت یحیی علیه السلام را بخواب بیند حق تعالی او را توفیق دهد در خیر خضر علیه السلام را بخواب بیند مغزی دراز کند با ائمه و زرق و عمر دراز بپوشش علیه السلام را بخواب بیند از عذاب فرج یابد و در تاریکی روشنائی آید انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را بخواب بیند کارهای مرده بروی زنده گردد و توفیق طاعت و خیرات یابد حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را بخواب بیند از همه عذاب فرج یابد و اگر و اما را باشد و پیش گذارد شود و اگر

بنده در زندان بود زمانی یا بدو اگر ترس باشد ایمنی یا بدو اگر در محظوظی بود و فراخی یا بدو بعضی گفته اند که هر کس که تو را کرد
 درویش شود و ابو برره رضی الله عنه گفت از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده ام هر که مراد خواب دید حق دیده باشد
 که من وانی فقد رآی الحق فان الشیطان لا یتمثل لی بدرستی و درستی که شیطان بصورتی مثل من شود اگر
 کسی مراد خواب بیند غم و اندوه بوی ترسد عجب دارد که تاویل و بیابان بر سخاوت حضرت بیشتر باشد اما اگر محمد ص را ترسیدی
 بخواب بیند دلیل بستی دین و آشکارا شدن بدعت و آن دیار بود و اگر رسول الله صلی الله علیه و سلم مراد خواب بیند که در
 جای بانکت میگردد دلیل که اگر آن دیار خواب بود او را بدید که چیزی میخورد و دلیل که صدقه و زکوة باید داد
 و اگر بوی در جانی بیند که در آنجا هیچ پلا و محنت نبوده و اهل آن موضع را نعمت زیاده کرده و خاصه که اگر او را مسجد بیند و اگر او را غنای
 یا بیمار بیند دین او ضعیف بود و زمانی رحمه الله علیه گوید که اگر محمد مصطفی راضی الله علیه و سلم در شهری یا جایی بیند دلیل
 در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را حقیقت پیدا آید و اهل آن موضع بر دشمن نظر نمایند اگر بیند که اندامی از اندامهای رسول
 صلی الله علیه و سلم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت است باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان دین او باشد
 و اگر بیند که مصطفی صلی الله علیه و سلم از یومای تر با شکست بوی داد و او را در دین و پارسائی مرثبت حاصل شود این سیرین
 رحمه الله علیه گوید که اگر کسی رسول الله صلی الله علیه و سلم ماض بین نقصان آن بیند و نگاه کرد و زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم
 در مردم نیک بخواب بیند و مردم نیک دام زده و بنده بود و بخیر بگوید و بوی خواهد رسید و مردم پیدا خد فرماید از محسبت
 کردن تا از عفویت پشیمان گردد و زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم بشیر و نذیر بود بشیر مؤمنان و نذیر کافران و اگر او را یک
 بیند بد باشد عیبا فیه بن عباس منی الله عنه گوید که اگر کسی جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم بخواب بیند و از یاد ببرد محسبت
 بسیار بود و اگر گوید که این جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفت دلیل بر هوا بدعت باشد اگر بیند که او را زیارت میکرد
 دلیل که مال نعمت و ولایت یا بدو اگر بیند که رسول الله صلی الله علیه و سلم بروی افسوس میکرد دلیل که کارش و لغوه لغو لغو
 قل ابا الله و ایاة و رسولکم کنتم کتلتهم فکن لا تقتلوا فکد کفرتم بعد انما یکم جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید که زیارت پیغمبران در خواب برود وجه بود یکی رحمت و هم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم
 ظفر هفتم سعادت ششم جمعیت هفتم فوت و هم خیر و جهانی و نیکویی مردم آن موضع که این خواب بیند تاویل و تفسیر
 را شنیدن اول امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه در خواب
 بیند دلیل شادی و کرامت بود و زمانی رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه زنده در شهری بیند دلیل که بر
 اندام او نشتر زکوة و صدقه بسیار دهنند چون او را کشاده روی و خوش طبع بیند و اگر ترش روی بیند و خوش طبع بیند
 این بود امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه این سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المومنین عمر خطاب را رضی الله
 عنه بخواب بیند دلیل که او را و با انصاف بود و اگر او را در شهری کشاده روی و خوش طبع بیند دلیل که در آن شهر عدل

باب الف

با انصاف بود و اگر او را در شهری گشاده روی و خوش طبع بیند و دلیل که در آن شهر عدل و انصاف پدید آید امیر المومنین
 عثمان بن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المومنین عثمان بن عفان رضی الله عنه و خواب
 بیند و دلیل که در غرض و پیر بر کار می اختیار کند و اگر او را در شهری خوش طبع و گشاده روی بیند و دلیل که مردمان شهر
 بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المومنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المومنین
 علی مرتضی رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع و دلیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند انشراح
 و انصاف موصوف کرد و ولیکن گاه گاه میان ایشان خصوصیت بود تا ویل صحابه رضوان الله علیهم همین ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند و دلیل که در راه دین و اسلام بیکاندا باشد و در میان مسلمانان صادق
 القول گردد و بدیانت موصوف کرد و لقوله علیه السلام اصحابی کالبحر یاربهم اقلنا یسثم افسدکم ثم خرجت منکم
 علیه و سلم یاران من ستار کنند هر که اقتدای آنها کند راه یابد امیر المومنین حسن و حسین رضی الله عنهما را بخواب بیند
 خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهادت یابد جعفر طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند و دلیل که حج و غزوات ابو هریره
 و انس بن مالک رضی الله عنهما اگر بخواب بیند و دلیل که بسنتها را غلب بود و علم و شریعت دوست دارد و مسلمان
 فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند و دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد و عبد الله
 بن عباس ابن مسعود رضی الله عنهما را بخواب بیند و دلیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند
 و دلیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت رود فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه
 علیه و سلم و دلیل بر خیر و منفعت و نیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زما و بخواب بیند و دلیل که بر کار
 خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما و ارثان مصطفی الله صلی الله علیه و سلم و راه نمایان مسلمانان را که
 بیند که در شهری و یا در محلی کرده علما و حکما جمع آمده بودند و دلیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جا بلان بگفتا و کرد
 امر و نهی منکر تمام سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیر چیزی می بود که بیند
 بر حروف مجسم بیان کنیم بعون الله تعالی حرف الف من کتاب کامل التبعیر آبادانی ابن سیرین گوید
 اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان همی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین نماید دلیل که بر صلاح دین و خرد و کمال
 آخرت که در حاصل کرده و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان همی کرد چون سر و دوکان و مانند این دلیل که خبر و فایده
 اینجهان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان ببقا و دو خراب شد و دلیل که اهل آنجا بیکاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که
 اگر کسی خوشین بخواب در جایگاه بی آبادان مقیم بیند دلیل که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که ویده بود و اگر بخلاف بیند
 دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بر او اول بر صلاح کار
 اینجهانی و دوم خیر و منفعت ستیم بر او و کامرانی چهارم بر کشایش کار می بسته آب بلکه زندگانی هم چیز است

باب الف

باب الف

باب الف

قَوْلُهُ لَنَا مِنْ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى ابْنِ سِيرِينَ كَوَيْدُكَ بَرَزَ آبَ هِي رَفَتْ چُون آبِ دِرِیا وِرو خانِه وَا بَنَجِه بَدِینِ بَایِ
 دِلِیلِ كُنْدِ بَر تَوَه اِيْمَانِ وَا عَقْدِ وَا پاكِ وِی وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كَا آبِ صَافِ خُشْكُواری سِیَارِ بَجَزِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه عَمَرِشِ دِرِا زِیو مَحِیثِ
 وِی خُوشِ بُوَد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ آبِ تِرِه بِا شُورِ هِمِی خُورِ وَا وِیلِ بَخْلَافِ اِینِ بُوَد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كِه اَزِ دِرِیا آبِ صَافِ خُوشِ هِمِی خُورِ دِلِیلِ
 كُنْدِ كِه بَقْدَرِ اَنْ اَزِ پادِشاهِ مالِ وَا نَعْتِ یابِد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ جِلْمِ آبِ دِرِیا بَجَزِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه پادِشاهِی هِمِه جِهانِ رَا بَكِیْرِ وَا بَعْضِ
 كُو بِنْدِ كِه بَقْدَرِ اَنْ اَزِ آبِ دِرِیا خُورِه بُد وِزِیرِ اَبَرِی كِی وَا مالِ وَا نَعْتِ حَاصِلِ كِرِو چُونِ آبِ رُوشَنِ وَا صَافِی بُوَد اَمَّا اَكْرِیْمِ كُنْدِ
 اَبَجِه بَدِ وِرْسِدِ یَا رِجِ وَا سَخِی وِیْمِ وِزِیرِ بُوَد كَرِیْمِ كُنْدِ كِه اَكْرِیْمِ كُنْدِ آبِ كَرِیْمِ خُورِ دِلِیلِ بُوَد كِه هِماری وِرِجِ كُنْدِ اَكْرِیْمِ كُنْدِ
 كِه بَرِوِی آبِ كَرِیْمِ هِمِی رِجِیْنْدِ چِیَا كُنْدِ وَا رِجِیْنْدِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه هِماری كِرِو دِیا عِمِی سَخِی بَدِ وِرْسِدِ وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كِه آبِ سَفِیَا وَا دِلِیلِ
 كُنْدِ كِه وِرِجِ وَا عَمِ كَرِ قَا رِ كِرِوَد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ آبِ بَجَامِ یابِرِ دِا شَتِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه بَرِ مالِ وَا زَنْدِ كَانِی فَرِیْقَتِه كِرِوَد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كِه دِرِ كاشِه
 اَبَكِیْمِ بَرِنِ خُوشِ وَا دَوِ كاشِه اَبَكِیْمِ رَا سَبَبِ بَجَزِ زَنْانِ كِرِوَد اَنْدِ آبِ كِه دِرِ كاشِه اَبَكِیْمِ بُوَد فَرِزَنْدِ طُفْلِ بُوَد كِه وِرِشْكِمِ مَارِ
 بَاشَدِ اَكْرِیْمِ كُنْدِ كِه آبِ بَرِیْحِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه جَفَتِ اَوِ بَمِیْرِو وَا فَرِزَنْدِشِ بَازِ وَا كَرِیْمِ كُنْدِ آبِ بَرِیْحِ وَا كاشِه
 مَازِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه فَرِزَنْدِشِ مِیْرِو زَنْانِ اَوِ بَازِ وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كِه بَیْ هِیَا آبِ بَرِو مِیْمِ دَا وَا دِلِیلِ كُنْدِ كِه دِرِ دُنْیا وَا خَرِجِ خُزْرا وَا بَرِو مِیْمِ
 وَا جَا یَكِه خُزْرا بَا اَدَانِی كُنْدِ وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كِه دِرِ خَا تِه كِه اَنْدِ اَنْ آبِ رِجِیْنْدِ بُوَد وَا خَلِ شَدِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه عَمَلِیْنِ وَا مُشْكِرِ كِرِوَد وَا كَرِیْمِ
 بِنْدِ كِه آبِ صَافِی بَیْالِه مَازِ سَكِی خُورِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه زَنْدِ كَانِی بَعِیْشِ وَا عَشْرَتِ كُنْدِ اَمَّا كَارِی كُنْدِ كِه بِلَا وُفْتِه بَدِ وِرْسِدِ كِه مالِ
 جَمْعِ رَا اَنْدِ كِه بَرِو مانِ بَجَشْدِ وَا بَجِزِ اَتِ خَرِجِ كُنْدِ جَا بَرِ مَغْرِبِی كُو یَدِ كِه اَهَا كِه بُوَقْتِ زَیَادِه شُودِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه دَرِ اَسْنا لِ فَرَاغِی
 وَا نَعْتِ بُوَد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ آبِ سِیَارِ وِیْدِ كِه بَرِ مِینِ خُورِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه مَرِو مانِ عَامِه رَا سَلَامَتِ وَا عَافِیْتِ بُوَد قَوْلُهُ تَعَالَى وَ قِيلَ
 اَيُّهَا اَرْضُ بَلْعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ اقْلَعِي وَ غِيْضُ الْمَاءِ كَوَيْدُكَ اَبَا اَنْسَرِ مَرِو مانِ فَرِو مِیْمِ اَیْدِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه دَرِ اَسْنا لِ
 نَعْتِ وَا فَرَاغِی بُوَد وَا اَنْ دِیا رِ قَوْلُهُ تَعَالَى اِنَّا سَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كِه دِرِ خَا تِه وَا آبِ صَافِی بُوَد دِلِیلِ كُنْدِ نَعْتِ وَا خَرِیْمِ
 وَا مَحِیثِ یابِد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كِه دِرِ خَا تِه وِی آبِ تِرِه اِیْتَا وِه بَاشَدِ تا وِیْلِشِ بَخْلَافِ اِینِ بُوَد وَا اِنْبِیَالِ كُو یَدِ كِه آبِ دَا وَنْ بَاغِ وَا كَشْتِ
 اَزِ جِهیا وِرِو دِلِیلِ كُنْدِ بَرِ مالِ وِرِشْكاری اَزِ عَمِ وَا زَنْدِ وَا آبِ دَا وَنْ مَرِو مانِ اَزِ دِلِیلِ كُنْدِ بَرِ دِینِ وَا دِیا نَتِ وَا كَرِو اَرِیْمِ
 نِیْكِ وَا پَسَنْدِ یَدِه بُوَد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ آبِ اَنْدِ هِمِی رَفَتْ وَا اَنْدِ اَنْ وُقْتِشِ اَوِ قُوِی بُوَد دِلِیلِ كُنْدِ كِه بَشْغَلِ صَحْبِ شُخْلِ كِرِوَد
 اَزِ قَبْلِ رِیْسِی وَا قَوْلِ وَا اَنْدِ اَنْ مَقْضُولِ بُوَد خَاصَه كَارِی اَنْدِ اَنْ كَارِ ظَا هِرِ كِرِوَد وَا كَرِیْمِ كُنْدِ كِه آبِ صَافِی رَفَتْ وَا وِیْشِدِه بُوَد
 دِلِیلِ بَرِ قُوتِ دِینِ بُوَد وَا قَوْلِ كِرِوَنْ بَرِ اِیْرِو تَعَالَى وَا سَتَقَامَتِ كَارِوِی وَا كَرِیْمِ كُنْدِ آبِ بَاغِ هِمِی بَرِو دِلِیلِ كُنْدِ كِه زَنْ خُوا هِرِ
 یَا كُنْزِ خُورِ وَا كَرِیْمِ كُنْدِ آبِ پاكِ بَرِوِی رِیْحِ دِلِیلِ كُنْدِ كِه اَزِ اَنْ كَسِ خَیْرِ وَا مَنَفْعَتِ بَدِ وِرْسِدِ وَا كَرِیْمِ كُنْدِ آبِ تِرِه بَرِوِی رِیْحِ
 تا وِیْلِشِ بَخْلَافِ اِینِ بُوَد حَضْرَتِ صَادِقِ عَلَیْهِ السَّلَامِ مِیْفَرِ مَایِدِ كِه آبِ فَرِو رَفْتِ بَخْلَافِ اِینِ رِیْحِ وَا جِه تَعْبِیْرِ كُنْدِ اَوَّلِ یَقِینِ
 دَوِیْمِ قُوتِ سِیْمِ كَارِ دِشُوارِ چَا رَمِ نَدِیْمِ حَسْبِ عَمَلِ اَزِ جِه رِیْسِ شَهْرِ بَا نَكِه تا وِیْلِ بَارِانِ دِرِ حَرْفِ بَیْ سِیَانِ كُنِیمِ وَا وِیْلِ آبِ

در باب
در بیان

در بیان

چشمه آب چاه و آب جوی را بحر جیم و آب دریا را بحر ف و آب رود و بحر ف را آب کار و بحر ف کاف و بحر ف کاف
خواه های دیگر را بر ترتیب هر چیزی بموضعش باز نمایم تا معلوم بود آب بینی وانیال کوید که آب بینی دلیل بر فرزند کند و اگر
آب از بینی آید دلیل کند که وی را فرزند آید و اگر بینی او خن برون آمد مهر دلیل کند که مانی کوید اگر بینی که از بینی او آب
فرود می آید دلیل کند که و امش گذاره شود و از ریح و سختی و غم برده و اگر بیمار بود و شفا یابد این سیرین کوید که آب بینی در خواب
فرزند بود و لیکن اگر بینی که آب بینی بر اندام و افتاد دلیل کند که ویرا پس آید و اگر بینی که بر زمین افتاد و دلیل کند که و خن آید و اگر بینی
که آب بینی بر زن خویش افتاد و دلیل کند که زن او آستین کرد و لیکن فرزند را بنفشند و اگر بینی که زن بروی آب بینی افکند دلیل
کند که او را پسری آید و اگر بینی که آب بینی در سرای همسایه افکند دلیل کند که زن همسایه خیانت کند و اگر بینی که آب بینی خود
را در بستر مردی افکند همین دلیل کند این سیرین کوید اگر بینی که آب بینی خود را بر می خورد و دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بدل
کند اگر بینی که آب بینی زن خویش را بر می خورد و دلیل کند که او را فرزند نشود و اگر بینی که آب بینی او سیاه و تیره بود و دلیل کند که فرزند
او را ندیده و مصیبت رسد و اگر بینی که آب بینی او زرد بود و دلیل کند که فرزندش بیمار گردد و آب تا خن این سیرین
که اگر کسی بینی که آب تا خن کند بجا یکا می که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب نمکین و وام دار بود و دلیل کند که از غم فرج
یابد و و امش گذاره کرد و اگر بینی در خواب تا آنکه کرد و دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تا خن وانیال کوید اگر بینی
که در جای یکا می مجهول آب تا خن کند و دلیل بود که از اهل آن موضع زن خواهد یا کینک خرد و اگر بینی که بجای آب تا خن خون بهی
و دلیل کند که او را ناقص آید و اگر بینی که بجای آب تا خن بر می خفت و دلیل کند که او را فرزند می آید و بعضی معتقدند که آب تا خن مال مرد
بود و اگر بینی که آب تا خن می خورد و دلیل کند که مال حرام خود را مانی کوید اگر بینی که اندر جای آب تا خن کرد و دلیل کند که اگر کسی مال حرام
ببیند که آب تا خن می خورد و دلیل کند که او را فرزند می آید که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بینی که برخی از آب تا خن ریخته و برخی
با خود داشت و دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بینی که مردمان از آب تا خن جوی
مسح می کردند دلیل کند که او را فرزند می آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند و جابر خبری کوید اگر بینی که در مسجد
آب تا خن می کرد و دلیل کند که مال خویش خرنه کند نه بر وجه خویش و اگر بینی که جامه وی با آب تا خن آلوده گشت و دلیل کند
که مال خویش بر فرزند خویش خرنه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تا خن در خواب بموضع خویش مردمان را تا آنکه
رسد اما آنکه درویش باشد و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و مجوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل را
معزولی بود و خلیفه را مرگ بود و قاضی را غل و بازگامان را زیان بود و در تجارت استعلیل اشعث کوید که اگر بینی که در
خانه خویش بموضعش آب تا خن می کرد و دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش کند لیکن بعضی آن باز آید قوله تعالی و ما انفک
من شیء فهو خلیفه و هو خیر الزانین اینجا نه این سیرین کوید اگر کسی در خواب بینی که آنجا نه می ساخت
و دلیل کند که بجه کردن مال دنیا حلیص گردد و در غل و دزدی و دزدان مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند

در بیان

حواسته مال او را حاصل کرد و کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آبله بود و دلیل او که بقدر آن ز مال حرام حاصل شود حضرت
 صادق علیه السلام فرماید که آبله بر تن دیدن برنج و جود بود و قول زیادتی مال دو نیم زن خوابیم پسش آید چنان
 حاجت روا شدن چنانچه از ترس بیم ایمن کرد و چون آبله سفید آید بنوس این پیرین گوید که دیدن آبنوس در خواب
 مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما ناکر و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب
 زنی بود و هم برین صنعت که نادر کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت
 که گفته کرد دید آتش و انیال کرد اگر کسی آتش بیاد و در خواب بیند دلیل که بیاد شایسته نزدیک کرد و کار بسته او
 مشاهده کرد و اگر بیند که کسی ویران آتش کند و آتش بر آسوخست دلیل که پادشاه بروی ستم کند لیکن زود خلاص
 یابد و بشارت نیکویی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید فرموده قلنا یا ناکر کون فی بؤسک و سلاک ما علی
 ابن ایهیم و اگر بیند که آتش در آسوخست دلیل کند که روی بگراست سفری کند و اگر آتش را بافت و موز و سوز بپزد
 دلیل کند که از علت شب بیمار کرد و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آسوخگی و پیرایه و فقر
 رسد و اگر کسی بیند که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را بسوخت و زبانه همی زد و از و سهم و ترس در دل افتاد
 دلیل کند که از محنت و مصیبت که بدو رسد سبب بیماری و ضعف بود چون همراه طاعون و آبله و سرخه و آفتاب
 ماند و اگر بیند که از آن آتش فرا گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را در دلو
 و لیل کند که مال حرام وی را برنج و تیار حاصل کرد و با جنک و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و تپش بوی میرسد
 و لیل کند که کسی وی را زد و در عینت کند کرمانی گوید اگر بیند که شعله آتش بر دامن می انداخت و لیل کند که در میان مردم
 حداوت و دشمنی افکند و اگر باز کرمانی بیند که آتش در دوکان و کالای او افتاد و لیل کند که کالای که دارد برباد و ویران
 بدزمی از دلبسته درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانه کسی افتاد و لیل کند که آنکس در جنگ و شجاعت
 و جوهر سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامه او را بسوخت دلیل کند که با خویشان جنک و خصومت کند و از سبب مال
 اندوختن کرد و اگر کسی آتش عظیم در زمینی بیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی سوخته بیند دلیل
 کند که آن جهت زمان ویران با کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محلی آتش افتاد چنانکه هر چه بود سوزد و آسوخست
 آن آتش زبانه میزد و آواز سهکین می داد و دلیل کند که در آن موضع جنک و کارزار بود یا بیماری مصیبت افتد و اگر بیند که
 برنج چیزی را بسوخت و برنجی را کرد و آواز سهکین نداشت دلیل بود بر جنک و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروغ
 نداشت دلیل بر بیماری صاحب کند و اگر آتش را باد و بیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کار یا و اگر بیند که آتش از آسمان
 بیفتد و شهری یا محله یا سرای بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر آن موضع شهر بود و اگر بیند که آواز سهکین نداشت
 و زبانه همی زد و در جانی افتاد لیکن کند زبانه نیکو و دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد و زبانه و اگر بیند

سجده

توبه

توبه

باب

که از زیر زمین آتشی سبکین بر آید و سومی آسمان شد و دلیل بود که آموخت و دوستان با حق تعالی حرب کنند بدو غ و بهتان گفتند
بقد و قوه آن آتش که دیده بود و اگر بنید آتشی از جانی بجائی می رفت و آن آتش هیچ گزند نمیکرد بلکه دلیل بود که در آن منفعت
یابد و اگر در ویش بود و اگر کرد و اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند که از آسمان مانند باران آتش بسیار و دلیل بر بلا و خون بخشن
بود و اجبت پاوشا بان در آن موضع و اگر بیند که آتشی از آسمان بیاید و چیزی های خورونی که از آن آید و بسوخت و دلیل کند که عطا
وی نزد حق تعالی پذیرفته کرد و قوله تعالی یقر بان یا کله الثانی و اگر بیند که از آسمان آتش می آید و کسی را سوخت بیم خدا
حق تعالی باشد قوله تعالی عذاب النار الکی کنتم بها کنگر یون و باشد که از پادشاه و پیرایم بود و اگر بیند که سر آتشی بزرگ
گرم میشد دلیل کند که پادشاهی بزرگ نزدیک کرد و اگر بیند که بر آتشی چیزی می بخت که شغل دنیا و دنیاوی تمام کرد و اگر بیند
که آتشی از آسمان فرو داد و نبات زمین را بسوخت دلیل بود که در آن دیار لغو و با ندم مرگ مغاجات بسیار بود و اگر بیند که آتشی
قبه یا مناره بسوخت دلیل کند که پادشاه آن موضع ملک کرد و بعضی از متعبران گویند که اگر کسی بیند که آتشی از زمین بر آید و فروغ
مسید و دلیل کند که در آن موضع کینه بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند بارهای آتش میخورد و دلیل کند که مال بیتان خود
قوله تعالی الذین یا کفون أموال الیتامی ظلما انما یا کفون فی بطونهم فادوا و یصلون سعینا
و اگر بیند که از دمان وی آتش بیرون می آید و دلیل کند که سخن بدو غ و بهتان گوید و اگر بیند که بر جانی آتشی میوزند میگویند دلیل کند که از
بر جانی میبخی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بیند که در پهلوی او آتشی فروخته بود و او را زیان نداشت دلیل کند که بدو
خیر و نیکی رسد قوله تعالی انوا یتیم النار التي تودون و اگر بیند بنیرم آتش عظیم میسوخت دلیل بر جنگ و فتنه کند و در آن
قوله تعالی کلتا اوقد و فادوا للحرب و اگر بیند که آتش در مردم میزد و دلیل نصرت بود و او را بر دشمنان و اگر بیند که آتش وی
بسوخت و آن آتش نور نداشت دلیل کند که از غلت سرسام بهاری کشد و اگر بیند آن آتش را نور بود و دلیل بود که کسی را از آتش
و فرزندان وی فرزندی آید که مردمان بروی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در درگاه آتش میزد و دلیل کند
بر بیمارهای صعب چون آبله و طاعون و سرسام و مرگ مغاجات لغو و با ندم و اگر آن آتش را باد و دود بیند و دلیل کند که از آتش
او ترس میم بود و اگر آتش را در بازار بیند و دلیل کند بر بیداری اهل بازار و اگر اهل بازار در تجارت انصاف نمیند و بر خرید و فروش
گویند و اگر در وی آتشی افتاده بیند و دلیل کند که در مردم بجا مصادره بود و از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در راه مجهول
آتش میزد و دلیل بر بدی بود و اگر آتش در جائه کسی افتاده بیند و دلیل کند که آنکس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خونی بر آتش
ایستاده بیند و دلیل که او را بجز آتش فروختن این سیرین گوید که آتش او ختن بجا پادشاه را قوت بود و آتش بدو
فروغ قوت بود و خواسته و آتش باد و پادشاه ستم و غم داند و در میان بود و اگر بیند که آتش بر آفر و خست تا گرم کرد و کسی
و دیگر بدان گرم شود و دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بیند که بیفایده آتشی بر آفر و خست و دلیل کند که بی سببی
جنگ و خصومت کند و اگر بیند که آتشی بر آفر و خست تا چیزی بریان کند و دلیل کند که کاری پیش گیرد و بسبب غیبت مردمان

بخت

یاد

فان طلب حال کسی کند و اگر بیند که ازان بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه و اگر بیند که بزیرو آتش می افروخت و در دیکت گوشت بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که ازان کار که با نومی خانه را منفعت رسد و اگر بیند که در آن دیکت هیچ طعام نبود دلیل کند که ازان کار را ورا غم و اندوه بود و اگر بیند که آتشی برافروخت حلوایز و دلیل کند که او را سخی نیکو کند و اگر بیند که آتشی برافروخت اندر برای روشنائی دلیل کند که کاری را بخت و برهان روشن گرداند که فانی کوید که بیند در جایگاه آتشی برافروخت تا ابل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که ابل آن موضع را غیبت کند بدی کوید و اگر بیند که در تنور یا در آتش دان همی افروخت بی آنکه طعام بپزد دلیل کند که با مزوی از خویشان و یا اهل بیت او حاجت و خصوصت افتد و اگر بیند که خواست تا آتش برافروزد و از بهر منفعت پیش و آن آتش بر نمی افروخت و روشنائی نمیداد دلیل کند که از علم خویش بر خوراری یا بدو اگر این کس پادشاه بود و غر و جاه و دولتش افزون کرد و اگر بیند که آن آتش که افروخت بر دلیلی کند که بلاک کرد و جابر کوید اگر بیند که در بیابان آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و بهر کس صنعت و مقام خویش می یافتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره می اندوراه راست گیرند و اگر بیند که آن آتش فرو میرود و نور او زایل میگردد و دلیل کند که آتش متغیر باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در بیابان افروخت نمیرد و راست می درخشد دلیل کند که علم او مردمان را بر راه ضلالت برود و اگر بیند که آتشی در موضعی برافروخت تا آن موضع را بسوزد و آتش سوخت و آن باز در کان بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش همی بر دلیلی کند که مالی حرام بدورسد و روشنائی آتش این سیرین کوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانکه بدان روشنائی راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یا بدو اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند دلیل کند که سبب دولت او چنانجا بود و اگر افروخته دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پذیرد یا بدو اگر در خانه خود او خرد چنانکه از نور آن خانه روشن بود دلیل کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده کرد و اگر بیند که آن آتش را کشت دلیل کند که در خانه آن خصوصت و داور می بود آتش پرستیدن و انبیا کوید اگر بیند که آتش را می پرستند و سجد میگرد و دلیل که با او سجد میگرد و سجد کند و بخدمت او مشغول گردد چنانکه او را تشکیمد اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجد میگرد و دلیل که بخدمت او مشغول گردد و اگر بیند که آتش را بوسه می داد و می پرستید دلیل کند که صاحب خبر پادشاه کرد و اگر بیند که در میان آتش مراغه می کرد دلیل که پادشاه بطوح و رغبت باز در کانی کند و لیکن عاقبت کارش بر خطر بود و خاصه که از آتش بر تن او کردند و اگر آتش بر تن او ایستد که نرسد و دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفس و جمعیت بار و روزگار او از ناپوشیده و اگر بیند که در میان آتش رفت دلیل کند که بقدر آن از ناپوشیده و منفعت یا بدو اگر بیند که آتش از روی یا از جامه یا از دست او روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او محروم بود و دلیل بود که بر دشمن ظفر میزد و مراد و جهانی حاصل کرد و قوله تعالی و اخذ من یلک فی حبیبک مخرج بیضا من غیر سق و این مخرج حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل اشعث

وین

وین

باب الحائض
در سجده

گوید که اگر کسی در خواب بیدار شد که آتش میسپرد و دلیل کند که بازواری و عوامی کند و آن آتش که میسپرد اگر شکل اختری بود که
 غرض از این جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شراره آتش بن سیرین گوید که شراره آتش در خواب بخن
 باشد که بوی رسد و اگر بقیاس شراره آتش در وی می افتاد و دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار گردد و گویا فی گوید
 اگر بیند که در شهری یا کوچه شراره آتش می افتاد و دلیل کند که بخت و فتنه در آن موضع پیدا آید و اگر بیند که شراره آتش
 سخت بزرگ بودند دلیل بود که غداً خدای عزوجل بدو رسد یا بدو موضع رسد قوله تعالی ان الله لا یهدی القوم الضالین
 کما یهدی القوم الضالین و اگر بیند که شراره آتش در میان مردمان افتد دلیل کند که مردمان آن موضع را بکشد
 جنگ و خصومت افتد و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخت شست لفتن بود و جایز غریبی گوید اگر بیند که باره آتش
 در دست و پشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش در دو بود و دلیل کند که در آن کار او را
 بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست می فرو مرد و دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر
 که از آن آتش پاره مردم را بوی داد و دلیل کند که از کار و روی مردمان رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند
 که چیزی از خود بی بر روی می بخت و میوزد و دلیل کند که سخنها می خوش شود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش
 در خواب بر بیت و بیخ و وجه بود اول فتنه بود و دوم کارزار و سیم فساد و چهارم مرگ و پنجم خصومت و ششم سخنها
 به قتل من از کام و مراد و ششم خشم پادشاه و ششم عقوبت و ششم فتنه یا دو و ششم پیری و دو و ششم علم و حکمت و ششم
 راه پیری چهارم مصیبت یا ترس و ششم شانه زده و ششم سوختن و هفتم خدمت پادشاه و هفتم طاعون و ششم
 سیرام و ششم آب و ششم گشایش کار و ششم دویم فضیلت بیت و سوم مال حرام بیت و چهارم روزه
 بیت و پنجم منفعت آتش و آن ابن سیرین گوید که آتش در آن نجواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش در
 آسمان بود و دلیل کند که آن از خوشیشان اهل آن خانه بود و اگر آتش در آن چوبین بود و دلیل کند که آن زن از خوشیشان
 اهل آن خانه بود و اهل فتنه بود و اگر آتش در آن کل بود و دلیل بود که آن زن اهل کردن گشتن باشد و از مشرکان نیز
 بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش در نجواب برده و وجه بود اول زن خادمه و دوم کین آتش زن ابن
 سیرین گوید که آتش زن و سنگ آتش و آن این برود و انبار باشد که از ایشان کی قوی و دلیر بود و سوم سخت دل بود و این هر دو
 بر شرف و کدای بزرگ و آورند که مالی گوید اگر بیند که از آتش زن آتش بیرون می آید و از او شمع یا چراغ برافروخت اگر بیند
 پادشاه بود و دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش یابند و اگر بیند خواب عالم بود و دلیل که مردم از علم و دانش او
 یابند و اگر از کان بود و دلیل کند که بزرگواران و خیر و وجود و احسان کند و اگر در ویش بود و دلیل کند که مردمان از سیرت و کرداری
 منشست یابند حضرت صادق میفرماید که اگر بیند که از آتش زن بیرون آورد و دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه چنانچه
 او مشغول گردد و از رشوت مال بدست آید و اگر بیند که از آتش زن نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیاید

در سجده
در سجده

در سجده

باب الحاشی

منتهی

منتهی

آسمان سپهر و هم سفری بود با نعمت و برکت و اگر بیند که همچنان رست سپهر به تا آسمان رسید دلیل کند که حضرت و رنج بیند و اگر
بیند که آسمان رفت بدان نیت که بر زمین باز نیاید دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و کاری بزرگ طلب کند و بیاید و اگر بیند که از
آسمان با نیت نود و نهمی نشود و دلیل کند بر خیر و سلامت و اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن بگفت دلیل بود که شادمان گردد و اگر با
کودک بیند که او در آسمان سبب یابد و سبب چنانکه مردمان از زمین بنیاد بود و دلیل که اجاش نزدیک بود و اگر بیند که بنیاد
چون بنیاد دنیا از خشت و گل و گچ و آجر و دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور گردد و اگر بیند که از آسمان انجبین می بارید دلیل کند که
مردمان را خیر و نعمت و غنیمت بود و اگر بیند که از آسمان ریخت یا خاک میبارید و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار
بود دلیل آن بد بود و اگر بیند که از آسمان کرم یا مار یا سنگ می بارید دلیل بود بر عذاب خدای عزوجل اندران دیار و اگر بیند که خود را از
آسمان فرو افتاد و نیت دلیل کند که کار او بلند گردد و چاه بر مغربی گوید اگر بیند که بر بالای هفتم آسمان رفت بجائی که و هم آنجا نچند و فرو نیامد
و دلیل کند که اجل و نزدیک آمده بود و غایت که او را نشدیده بود و اگر خداوند خواب مستور بود و صبح و بیند که در آنجا فرو افتاد و دلیل که در آن
دین نازد کرد و اگر خداوند خواب صبح و مستور نباشد و دلیل بود که توبه کند یا پاک گردد و اگر بیند که از آسمان بر زمین آمد دلیل کند که از
و بیماری بر سر عطا پاک رسد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که در میان آسمان و زمین بنیاد می بود چون قبه یا کاشی که نه از سنگ و آجر
بود و دلیل بود که خداوند خواب در اصل عمل مغرور گشته بود و اگر بیند که در آسمان کشت و فو دلیل کند که عمارت آن سال ستیاب گردد
و باران بسیار بارد و آبها فراوان بود و قوله تعالی **فَقَفَّضْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ مِمَّا فَوْقَ السَّمَاءِ** **فَأَنزَلْنَا الْأَرْضَ عُيُوتًا فَالْتَقَى الْمَاءُ كُلُّهُ**
أَمْرًا فَلَمْ يَذَرِكْ إِلَّا دَلًّا وَآسَمَانُ دَرِيٍّ أَمْرًا مَرْمُومًا **أَنذَارُ كُشَادِهِ** که در دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آید یا رنج
که با کشتادن آن در اثر خیر ظاهر گردد و اگر بیند که آسمان بغیا و دلیل کند که ایزد و تعالی با وی بخشش بود اما جمیع صفاتی میفرماید اگر بیند
که آسمان بگونه سبز بود و دلیل بود که در آن دیار خیر و صلاح و امینی بود و اگر بیند که بگونه سفید بود و دلیل که در آن موضع رنج و بیماری بود و اگر
بیند که آسمان سرخ بود و دلیل کند که در آن دیار جنگ و خون ریزی بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود و دلیل که در آن دیار بلا و فتنه و غلیم بود
و اگر بیند که آسمان روشن و ترازان بود که بود و دلیل کند که او را حق تعالی روشنی تمام در دین حاصل کرد و اگر بیند که بر او در آسمان کشته
شد دلیل کند بر خیر و روزی بر او کشته و کرده عالم حکیم کرد و از وی روزی بسیار بردم رسد و اگر بیند که در آسمان علامتهای رنج بود
بگرد و نمود و دلیل کند که پارسایان آن موضع را علامت نصرت بود و اگر بیند که آسمان پر بزمی پسندید و دلیل کند که بدین و مکر او در دوا و دلیل
است که دید اگر کسی بیند که از آسمان سنگ چون باران می آید و دلیل کند که بلا و سخت و عذاب بابل آن موضع رسد و قوله تعالی **وَأَمْطَرْنَا**
عَلَيْهِمْ حُمُوحًا **وَمِنْ بَعْضِهِ** **وَأَكْرَمِينَ** که از آسمان کندم و جو میبارید و دلیل کند که اندران دیار نعمتهای الوان بقیاس بود و خلق با
این سخن و کتب حدیث بود آسمان نه ابن سیرین گوید اگر بیند که آسمان خانه وی بلند کرد و دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد
و شرف و منزلت و اگر بیند که آسمان خانه او بغیا و دلیل که از شرف و منزلت بخت و نزد مردمان خوار گردد و اگر بیند که از آسمان
خانه وی آب صافی چون باران می بارید دلیل که بقدر آن مال و نعمت باشد و اگر بیند که از آسمان خانه وی بار و کثرت و همی افتاد و اگر

پادشاه یا از بزرگی و اراغ و اندوه رسد که مانی گوید اگر بیند که ستانه خانه بروی بخت و دوزیران گرفتار گردید و دلیل کند که او برین
 بلاست بود تو له تعالی *عَلَيْهِمْ السَّكْفُ مِنْ قَوَّامِهِمْ* و اگر بیند که ستانه خانه او بر تنگنای قنون و منقش بود دلیل کند که
 او را ریش دنیا مشغول کرد و سیاه و انیال گوید اگر بیند که در آسیاب غله بر دوار دهمی کرد دلیل کند که از خداوند آسیاب
 خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسیاب شکست و از کار بخت و دلیل که خداوند آسیاب هلاک کرد و اگر بیند که سنگ آسیاب
 بشکافت تا غللی در وی پدید آید دلیل که در معیشت خداوند سیاه بستی و غللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب را کسی بزد
 و دلیل که خداوند آسیاب را منفعت او مضرت شود این سیرین گوید که در آسیاب خواب جنگ و خصومت بود اگر کسی خور
 در آسیاب بیند دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت افتد اما اگر داند که آسیاب هلاک و برون آسان تر بود و اگر که در سیاه غله داشت و هیچ
 که آسیاب چگونه میگرد و دلیل که سفر رفت و اگر بیند که سنگ آسیاب ریس یا از بزرگی یا از آهین بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر
 بیند که سنگ آسیاب از آهین بود دلیل کند که خصومتش با زمان بود و اگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای غله آرد و دیگر دلیل
 کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت افتد و لیکن بیند که آسیاب را بدست میگردانید دلیل کند که او را انبازی سخت دل بود
 و بواسطه او کارش نظام نباشد حضرت صادق علیه السلام فرمود که آسیاب در خواب دیدن دانش برین وجه بود اول پادشاه و دوم رئیس
 ستمگر و اگر کسی را مرد و دلیر جلید و ستم خانسالار یا پادشاه و دیدن جایگاه آسیاب جای ریس بزرگ بود و اگر بیند که آسیاب را از جنگ کرد
 که اندران چیزی که آسیاب منسوبت خراب کرد و آسیابان در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میگرد و چیزی
 بدست می آورد و تا اهل آن خانه بدان تعیش کنند این سیرین گوید که دیدن آسیابان در خواب بتاویل مردی بود که مرد را در دست
 او روزی بود و چون آسیابان جوان بود بتاویل نیکو باشد و اگر بیند که آسیاب بخر میگرد یا با شتر و آرد
 نیکو فرومی آید دلیل بود که آسیابان دولت و اقبال بود و اگر بوقت کرد دیدن آسیابان با گشت سنگ آسیاب میشنود و دلیل کند
 کاره می تویر کرد و آشتی کردن این سیرین گوید اگر بیند که کسی آشتی کرد و دلیل که عرش و راز کرد و اگر بیند که در آشتی کسی را
 نفسا و دین خواند دلیل که در اصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که در خشم کسی را اصلاح دین میخواند و دلیل که وی را نفسا و راه شر
 خواند حضرت صادق علیه السلام فرمود که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر تنه وجه اقل بر درازی عمر و دیگر بر قوه ستم بر سیرت عظام
 پسندیده آغوش گرفتن کرمانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت دلیل کند که اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر
 دین یابد و اگر بیند که کودکی را در آغوش گرفت دلیل بود که خوشکار و محب فرزند بود و اگر بیند که شیر بر او آغوش گرفت دلیل بود
 که با دشمن صلح کند آفتاب و انیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان
 ترا گرفت یا در ملک خویش گرفت دلیل که پادشاهی و بزرگی یا بدیادوست و مقرب پادشاه کرد و اگر بیند که خود آفتاب
 دلیل کند که پادشاه کرد و بر خنده روشنائی آفتاب اگر از اهل آن نباشد بر قوه و همت و صل خویش بزرگی و شجاعت یابد
 و اگر بیند که با آفتاب بجنگ بود دلیل که پادشاه با او جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماهیتم

در سیاه غله
 در سیاه غله
 در سیاه غله

در سیاه غله

در سیاه غله

در سیاه غله

در سیاه غله

باب الحادس

شد دلیل که پادشاه گردد و مملکت بروی تقیم گردد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بسته دلیل که ملک از پادشاهی بزرگستان
 و اگر بیند که آفتاب را فرات رفت لیکن نه آسمان و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل که لشکر از جنگها
 فرج یابد و اگر بیند که آفتاب تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود این سه چیز
 که آفتاب و خواب پادشاه بزرگوار بود و ماه و زهره و زهره پادشاه و عطارد و سیاره پادشاه و مریخ پهلوان پادشاه و شهاب
 دیگر لشکر بود و جابر مغربی گوید که آفتاب در خواب پدر بود و ماه و زهره و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی در کتاب خود
 یوسف فرموده است قوله تعالی ارفعنا و ایت احد عشر کواکبا و الشمس و القمر و ایتهم لی ساجدين
 و هر زیادت و نقصان که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه برآمد و در خانه
 وی تافت دلیل کند که از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که بر پا چیزی دیگر نور آفتاب را پس پادشاه اند دلیل که حال پادشاه مفرک
 و احوالش بد شود و خاصه وقتی که بیند آفتاب مسکف گردید و اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد لیکن
 زود بهبود شود و اگر بیند که بر جسم آفتاب رسی یا رشته فرو بسته بود و او دست بر این رسد و دلیل که از پادشاه و اوقات و یاری بود
 و اگر بیند که آن رس گشت و او بیفتاد دلیل که از بزرگی و منزلت بخت و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد و دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر
 و اگر بیند که آفتاب یا ماه یا ستارگان در یکجا جمع شدند و جمله را گرفت و نور ایشان بسته دلیل که پادشاهی جهان بکشد و پادشاه
 جهان جمله مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب و ماه و ستارگان از یکدیگر جدا شدند و همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که میند خواب ملک گردد و خاصه
 که ظالم و مستکبر و کرامتی که پادشاه را آفتاب قطعه سیاهی بود دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو
 پادشاه را با هم جنگ و خصومت بود و دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین و بهج نازل شد
 و دلیل بود که پادشاه اند یا مغرور گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش و سیاه کرد و چنانکه دلیل که پادشاه را غنی بزرگ
 رسد و از غیر زنان بهره جو و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شده و ناپدید گردید و دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عاشره مردم را رحم
 رسد و اگر بیند که آفتاب ببلد و ستارگان از آسمان بیفتد دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمن بزمیت شوند و اگر بیند که آفتاب را می
 پرستند یا طبعی که پادشاهی بزرگ مغرب گردد و اسمعیل اشعث که پادشاه گسی وید بر فلک نشست و روی آفتاب بر او پس بگرمار
 مردی از آفتاب بگردانید و دلیل که اگر سخت کار بود و پس سلمان کرد و در باقیبت کار کرد و اگر بیند که آفتاب باز وید و دلیل بود که پادشاه
 اند یا در باجبت چیزی جزئی رنجی رسد از جانی که امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت و دلیل کند که پادشاه جاه و حشمت
 و بزرگی یا بد حضرت صادق امیر مایه که تاویل بدین آفتاب بر بهشت وجه بود و اقل خلیفه و دوم سلطان بزرگ ستم پیش جاپم عالمی
 بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم شغفت رعیت هفتم مر و رازن و زن را شوی ششم کار و زوس نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجده
 کردی دلیل که سلطان او را بنوازد و مقرب خود گرداند و کار وی بالا گیرد و عدل و انصاف و رشید و امیران و یار پدید آید و شعاع
 آفتاب بخراب و بدین ضلالت بود که گفتیم آفتاب به این سرین که پادشاه به خواب زن خادمه بود و با کینک که چراغ خانه بدید

و بیست و پنج

و اگر بیند که پوست آهوا چای خورد و دلیل که او را از زنی خوب روی حاصل کرد و اگر بیند که پوست آهوا یا کشت یا پیله او را
 عاید شد دلیل که او را از زن مال رسد و اگر بیند که آهوا کجست دلیل که از قبل زن اند و کین کرد و این سیرین که پدر اگر بیند که بی انگ
 کرد آهوا بود و بیفکند دلیل که کینز کی یازنی را و پیشتر کی نبرد و اگر بیند که آهوا وقت شکار بیفکند دلیل که غنیمت یابد و اگر بیند که آهوا
 در خانه او بود دلیل که از جبهه زن غم و اندوه بد و رسد و اگر بیند که آهوا بسکت یا به تیر زود دلیل که سختی ناسزا کوید زنی را یا خبری
 گوید اگر بیند که آهوا فرار گرفت یا کسی بد و او دلیل که ویرا از کینز کی فرزند آید حضرت صادق فرماید که دیدم آهوا در خواب بر چاه
 بود و اول زن دویم کینز کی سیم فرزند چهارم منفعت از زنان آواز این سیرین گوید که آواز مرد در خواب چون بلند بود دلیل
 کند که در میان مردم بزرگی یا بد اگر کسی بیند که آوازش بلند شده بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز و نام و با کفش بلند کرد و اگر بیند که
 آوازش ضعیف شده بود دلیل که بانگ و نامش ضعیف کرد و چنانکه کس یا داد و کند کمانی یا در بلندی آواز مردان را و دلیل شد
 و بلندی نام کند اما بلندی آواز زنان در خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان بود بسیاری آویندن و انیال گوید اگر کسی
 بیند که پادشاه فرمود تا او را بیا ویزند دلیل که از پادشاه حنمت و جاه و بزرگی یا بد لیکن دلیل که در پیش خلل افتد و اگر کسی
 که بیند که آویندن مردمان نظر دوری میکرد و دلیل که بر عدد و اقوام مهتری و فرمان روائی یا بد اگر بیند که روی چرخ و ویرا بود
 و دلیل که بر اقوام مهتری و فرمان روا کرد و اگر بیند که پیری مجهول ویرا بیا و بخت و مردمان بنظر آهوا می بود و دلیل که بر خلق
 جهان فرمان روا کرد و چون بیند که خویشان بنظر آهوا می بود و اگر بیند که خویشان بیا و بخت و میچس در وی نظر آهوا
 بلکه خود را و بخت می دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند و لیکن کسی مطیع او نکند و جابر مغربی گوید چون ویرا بخت
 بود و در لیسان برید و بیضا و دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت پیغته آئینه ابن سیرین گوید که آئینه در خواب جاه و ولایت
 بود اگر بیند که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد دلیل کند که بعد بزرگی آئینه جاه و منزلت و ولایت و بخت یابد و اگر
 بیند که آئینه کسی داد و دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی بند و اگر بیند که در آئینه سیمین نگاه میکرد دلیل که از مرست و جاه و
 کرامت بیند زیرا که سیمین آئینه سیمین را کرده و بیند و اندک زمانی که بد که اگر مردی در آئینه آئینین می نگرید دلیل که اگر زن
 وی حالمه بود پس آورد که بجهت چهره ما نند پدر بود و اگر زن بیند که در آئینه سیمین است و آئینین بود و دلیل که دختر آید و که بهر
 چیز نماند و بود و اگر زن آئینین نباشد و دلیل که شوهر او اطلاق دهد و زن دیگر بخوابد و از زن شوهری دیگر کند و اگر سیمین
 که در آئینه نظر میکرد و دلیل که او را برادر می آید و اگر دختر نگاه کند و بر او خبری آید و اگر پادشاه یا عاقل نگاه کند مغرور
 گردد و ولایت از دست او برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی گوید که روی نیکو در خواب آئینه دید چون معروف
 بود پادشاه بود و اگر معروف نباشد تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد بائینه باز کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که
 دیدن آئینه بخواستش وجه بود اول زن دویم پسر سیم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم انبار ششم کارساز
 و سیم او گوید اگر مردی غریب آئینه در خواب بیند و دلیل که زن خواهد و بزرگی یا بد و اگر دختر بیند و دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر عزیز

برای
باید

نوکرامی بود و اگر بیند که مروی مجهول آیین بدو و در وی نکر نیست دلیل که بدین دوستی غایب شادمان گردد
 بر ویدن در خواب و انیال کوید که بر بخواب دیدن برش نوع بود اول بر سفید و سیاه و زرد و سرخ و بر بارنده و نابارنده
 و بر پیکر انقباض و منقبض است و اگر کسی خوشیست را در زیر بر سفید بارنده و بدلیل که خدای عزوجل بر علم و حکمت از زانی و او
 و مردمان از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند که در زیر بر زرد و بدلیل که هر کس که در بعضی از مستحارن گفته اند که زنی خواهد
 و از وی رنج و غم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر بر سرخ بود دلیل که بر محنت و بلا گرفتار گردد و زیرا که خدای عزوجل بر هر قومی که خدا
 و ستادی بخت بر سرخ برقرار آن ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز بر سر راست بایستد و دلیل که بقدر آن فرمان روائی نماید و اگر
 بیند که بر سر سویی میکند دلیل که او را با کسی نیکو جاده و نیکو عهد و محبت افتد و مرادش از وی حاصل گردد و این سیرین
 اگر بیند که بر را در خواب می راند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را با پادشاه بیند دلیل که در ولایت خورشید
 رسولان و صاحب خیران فرستد و اگر بیند که بر را از هوا گرفت و بر زمین آورد و دلیل که کارش نیکو گردد و بزرگی یابد و علم و حکمت
 و اگر بیند که بر بر سر سویی سایه می کرد و دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد و قوله تعالی وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا
 عَلَيْهِمُ الْمَنَّانَ وَالْمُنَّى کَلَامًا اگر بیند که از بار جاده در دخت بود و پوشید دلیل که چندان علم حاصل کند که کس را
 بنود و اگر بیند که بر بر سر جهان را پوشید و هیچ باران نبود و دلیل که بدو کرمائی کوید که اگر بیند که بر را جمع کرد یا بر داشت یا بخورد
 و دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش یگان گردد و جابر مغربی کوید اگر بیند که بر را میخورد و دلیل که چشمت او از
 حکمت بزرده اگر بیند که بر سیاه بر فراز موضع جای گزیده بود و دلیل بر خشم و خداحتی بود و اندازد پس هر که اندازد از بر نزدیک بر بیند و خدا
 و حق تعالی نزدیک بود و اگر از باران بر بید دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر بیند که از باران بران می خورد و دلیل که بقدر آن ویرانست و نیکوئی رسد و اگر
 با بر باران در حد سخت بود و دلیل که بر ترس از دعای مادر و پدر یا از دعای مسلمانان و اگر بار حد برق بیند این خدا را ستود و قریه بود و اگر
 صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در خانه وی و جایگاه نشستن بر گسترده شده است دلیل که فرزند او این است
 حکمت بود و دانش نیز حاصل گردد و بر قدرشکی و تاریکی حضرت صادق علیه السلام فرماید که بر بخواب ویدن بر نرو وجه بود و اول حکمت
 و دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت پنجم پرستگاری ششم عذاب هفتم قضا هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل شصت
 کوید که بر سیاه بخواب دلیل هم و ترس و سختی بود و بر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن را بر که از کلمات
 دریا آید که بتنازی آنرا سفیج خوانند ویدن وی در خواب غنیمت بود بر قدر آنچه دیده بود و اگر بر و با این سیرین کوید بر باران
 ویدن بخواب دین بود و اگر بیند که بر وایش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود و دلیل که زینت وی تمام و کمال بود و اگر بیند
 که بر وایش فرو ریخت تا ویش بخلاف این بود کرمائی کوید اگر بیند که بر و داشت یا موی بر ویش فرو ریخت دلیل که آهنگ
 چیزی کند که از آن چیزی را بدنامی و فساد دین حاصل گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که قصد چیزی کند که دیرانیک نامی صلاح
 دین حاصل آید و اگر بیند که بر وایش سفید گشته بود و دلیل که علم و آهنگی وی زیاده کرد و لیکن الش را نقصان بود و جابر مغربی کوید

باید

بیماری
عصب

گر یکبار روی نویسنده ریخته و دیده و یکراکنده دید و پس کند که در مال و جاه و بی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل
بر نقصان زینت دین وی کند اگر پیشم بداند که تاویل بر پیشم بچرا تاویل قریب و دور حرف قاف گفته میشود و خواهد شد باطل
و انیال که بدیده و بدین الیسر بجای لیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبده و بیشتر و نو میدارنی و هر دوازده بدی است
و شرف و فساد اگر بیند که با الیسر در جنگ و بنود بود و او را خبر کرد دلیل که ویرا بخیر و صلاح میل بود و اگر بیند که الیسر روی غلبه کرد دلیل
که برادره شرف و فساد میل بود و اگر بیند که الیسر با وی سخن می گفت دلیل کند که او را از راه بگرداند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که الیسر
او را نصیحت میکرد وی را خوش می آمد دلیل که او را هم مال و هم بدن حضرت رسد و اگر بیند که الیسر دست او گرفت و بجای میبرد
و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بگناه بزرگ مبتلا کرد و بعد از آن بجهت کسی از آن گناه باز نشد
و اگر بیند که الیسر با بر کردن غل نهاده و دلیل که اهل دین و صلاح را شادی رسد اگر بیند که الیسر ضعیف و در مانده بود دلیل که علما
و مردمان مصلح را قوت بود که رانی گوید اگر بیند که الیسر را مطیع شد دلیل که بهیوی نفس مبتلا کرد و اگر بیند که الیسر چیزی را عطا
داد و اگر آن چیز نیک بود دلیل که مال حرام یا بد و اگر آن چیز بد بود دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که الیسر شاد و خرم بود دلیل که کار
مردمان بفساد و قوی کرد و اگر بیند که الیسر را خواست که شمشیر زند و بکشد و بکشد و بکشد دلیل کند که ولایتی بدست آورد و عدل
و انصاف کند اگر بیند که الیسر را بکشت دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح و رزق را از زیر پای سپرد گوید اگر بیند که رزق را
داشت دلیل که بر قدر آن ویرا چیزی را ستاع و بنا حاصل کرد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبق و مانند این و دانند که ملک است
و دلیل که بعد از آن ویرا خد شکار و چاکر بود که رانی گوید اگر بیند که از زیر نهی که اذیت دلیل بود که در زبان مردم افتد بدی حضرت صلی الله علیه و آله
فرماید که و بدن از زیر در خواب سته و جبهه و اقل شفقت و ویم خد شکار ستم متاع خانه از ش ابن سپهرین گوید اگر بیند که بازش
یا چیزی دیگر بازش می پیچد و او را سود و منفعت بود جابر گوید اگر بیند که رسن یا جانه بشین بود دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام پذیرد
از ۵ ابن سپهرین گوید اگر در خواب بیند که بازه و دختری را وکیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد و مغارت چوید و او را سیاه
و تاویل بر دختری در حرف و ال بیان کنیم و اگر بیند که فرزند یا دریا و یا خواهر خویش را بازه بدو پاره ببرد و دلیل که مانند آن ویرا فرزند
و دیگر سیاه یا دریا و یا خواهر کرمانی گوید اگر بیند که از ه فرا گرفت یا بجزید یا کسی بدو داد و دلیل که اگر کسی را بدو ویرا سپرد و دیگر
و اگر دختر دارد وی را و ختری دیگر آید و اگر فرزند ندارد و چهار پای دارد و دلیل که چهار پای مثل آن ویرا حاصل کرد و حضرت صادق فرماید که راه
در خواب دیدن بر سته و جبهه و اقل فرزند و ویم خواهر یا دریا و ستم انباز از ابن سپهرین گوید که از راه در خواب زن بود و اگر بیند
که از راه و رسیان بست دلیل که زن خواهد یا کنیزی خورد و اگر بیند که از راه وی ضایع شد دلیل که از زن جدا کرد و اگر بیند که از راه
ببرد و دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که از راه وی بازش سوخت دلیل اذیت و بیماری زن بود و جابر مغربی گوید اگر بیند که از راه
پیشین یا پیچیده بود دلیل که زن او مستیزه و دین دارد و اگر بیند که از راه کس و چکر کن داشت تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که از راه
قرین یا بر شین داشت دلیل که ویرا فی معاشره یا متکبر بود و پیغمبری و انیال که گوید اگر بیند که پیغمبری شد از جمله پیغمبران خلق

زینت

شیر

زینت

زینت

پیغمبری

بسیار

توبه

اسپندان

بسیار

همچنانکه از راه توحید می نمود دلیل که تحت محبت و بلا گرفتار گردد و بعد از آن بر دشمنان خطر یابد و اگر بیند که راه مصیبت
بهین دلیل کند لکن محبت و بلا می رود و نیکی که از آن بود و اگر بیند که او محترم و ثوابگر و بدیعت و دنیا پروری فراخ کرد و با دین و
تبا که در و کرمانی گوید اگر بیند که نام وی متغیر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی
و شایین دلیل بود که او را بد کرد و نیکی یا وسازند و اگر بخلاف این بیند مردمان و برایش بدی یا نکند و اگر بیند که او یا دشمن و یا
یا قاضی شد و دلیل که در شغل خویش عدل و انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند دلیل شود بدی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که
صلح بفساد منتهی شد دلیل کند بر خبی و او داری وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیای وی از وی
این سیرین گوید از او را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که از وی با بی و اشت دلیل که با بزرگان
اگر بیند که با از او با جنگ و نبرد و بر او خیره شد دلیل که بر دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سر انجام دشمن را قه کند اگر بیند
که از او با راجست و گوشت و می بخورد و دلیل که بر دشمن خطر یابد و مال بستاند و بر نیت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که از او با راجست
دلیل که بر دشمن بود که دشمن و بر او پاک کرد و اگر بیند که بر پشت از او با نشسته بود و او را با مطیع و فرمان بر او بود و دلیل که
بزرگ و بر او مطیع و فرمان بر او کرد و کارهای او بظلمت کرد و اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل غم بود و اگر بیند که
همی خورد و دلیل که بقدر آن ویرا غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بد و او دلیل که غمی از آن گس بر او می حاصل کرد و اگر بیند که
اسپندان او بکسی را غمی از وی بردل او حاصل کرد و اسم تحیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت لکن بخورد یا بکسی داد
یا از خانه بیرون رفت و دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود اسپندان و انیال گوید که اسب تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی
و عز و جاه بود و اگر بیند که بر اسب تازی نشسته بود و آن اسب مطیع و فرمان او بود و دلیل که عز و بزرگی و دولت یابد بر قدر
نیکو فی و حقیقت اسب اگر بیند که اسب را فر گرفت و نه تازی بود یا کسی بد و او بد و می نشست دلیل که شرف و بزرگی یابد
لیکن کمتر از آن که در اسب تازی گفتم و اگر بیند که از آن اسپ چیری کم بود یا زین یا بند زین یا لکام و دلیل که بر قدر آن نقصان
و بزرگی او بود و اگر بیند که اسب ویرا و نوب نبوه و دراز بود و دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر بیند که نوب
اسب او بریده بود و دلیل که ویرا خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از انعام اسب او ناقص بود و دلیل که بقدر آن از غم و شرف
او نقصان بود و اگر بیند که با اسب جنگ و نبرد و می کرد و اسب غالب بود و فرمان بروی نبود و دلیل که مصیبت و کناه کند محبت
این سیرین گوید اگر کسی بیند که بر اسب بر نیت نشسته و دلیل که مصیبت و مصیبت و کناه او بیشتر بود اگر آن اسب از کسی دیگر بود آنچه
خداوند اسب را بود اگر بیند که اسب بر نیت بود لکن مطیع او شد و دلیل بر بزرگی و شرف او بود و اگر بیند که بر اسبی نشسته بود و آن
اسب بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود و دلیل که بکفایت از کلاه بیشتر و صعب تر کند و اگر بیند بر اسبی نشسته بود و آن اسب در
همی برید یا بیند که آن اسب را بر نیت بود چون مرغ می پرید و دلیل که ویرا شرف و بزرگی بود و درین و دنیا و باشد که خداوند شرف کند
کرمانی گوید اگر بیند که بر اسب ابلق نشسته بود و دلیل که کاری کند که بروی کواهی دهند و اگر بیند که بر اسب سیاه نشسته بود و دلیل که

باب الف

کند که در مال و هنری حاصل کرد و اگر بید که بر اسب کسب نشسته بود دلیل که از پادشاه قوت و بزرگی یابد و اگر بید که بر اسب
 اشقر بود دلیل که بر صلاح دین و حرمت از پادشاه و اگر بید که بر اسب زرد بود دلیل که از یک بیماری یا بد و بر اسب سبزه
 دلیل بود و اگر بید که بر اسب خرم بود دلیل که بر خیر صلاح و اگر بید که بر اسب سبزه بود دلیل که از پادشاه و اگر بید که از اسب فرو آمد
 دلیل که از شرف و بزرگی بقیه و اگر بید که از اسب بر پهنه فرو آمد دلیل که از گناه و محصیت باز ایستد و اگر بید که بر اسب نشسته بود و اسب
 تمام پوشیده بود دلیل که شرف و بزرگی یا بد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیاید و اگر بید که اسب ایستاد تا
 جنگ کند دلیل که از وی کناهی در وجود آید یا ترس و وحشی بدور رسد بر قدر تا خفتن اسب و اگر بید که بر اسب نشسته بود
 و اسب او را در مسجد برد و دلیل که هیچ خیر از این نبود و اگر بید که اسب او را از آنجا بیرون آورد و اگر بید که اسب او را مرعنه
 می کرد دلیل که مال دولت یا بد و اگر بید که اسب با وی سخن گفت دلیل بود که کاری کند که مردمان را از آن شکست
 و اگر بید که اسب بیکانه در سرای وی در آمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دارد و سرای او در کوچه وی در آید بعد
 و حقیقت اسب در آنجا مقام سازد و اگر بید که اسب از کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نام دارد و در کوچه
 او غایب گردد یا میر و جابر گوید و اگر بید که اسب مادیان فرا گرفت یا کسی بد و داد و بروی نشست دلیل که از آن
 خواهد بروی مبارک بود و اگر بید که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار نباشد و اگر بید که آن
 مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر مادیان جرمه باشد دلیل کند که آن زن خوب
 روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرستیز کار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن
 غریب و خداوند جا بود و اگر کسب بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بید که آن مادیان کره داشت
 دلیل کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود
 و اگر بید که گوشت اسب می خورد دلیل که پادشاه او را خاستار کرد و در پنج شستن نزدیک کند و اگر بید که در پس کسی
 با سب نشسته بود دلیل کند که آن مرد که در پس وی نشسته بود تابع او گردد و اگر بید که اسبان بسیار پیر من سرایا که چه او بود
 دلیل که در آن موضع باران بار و یا سیلاب روان کرد و اسمعیل اشعث گوید و اگر بید که بر اسب بهوار نشسته بود دلیل که
 تو اگر با صلاح بر نی بجای آید و اگر اهل آن نباشد زیرا که با چنین فی مصاحبت افتد و از او منفعت نیکویی یابد و اگر بید که کوش
 اسب او بریده بود دلیل کند که پیغام محنت از وی بریده گردد و اگر بید که اسب بر در آمد و زود بر خاست دلیل کند که
 بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر بار صلاح باز آید و اگر بید که اسب خرم بی دم و بر او نشست دلیل کند که فیصل بر نی
 بخوابد و اگر بید که با اسب بهوار شد و بعد از آن از هوا فرو آمد دلیل کند که بر دست پادشاه پلاک کرد و اگر بید که اسب
 ویرا لگد زد یا بگریز دلیل که عیالش بجهان مشغول گردد و اگر بید که کسی اسب ویرا بدزدیدیم بود که عیالش پلاک کرد و اگر
 که اسب وی کم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بید که اسب خویش را بفروخت دلیل که غوغا و کم کرد و یا عیال از وی جدا

بسیار

کرد و اگر بیند که بر اسب بازگشته نشسته بود و دلیل که از وی بقصد کاری میسر می آید که در آن ویرامش و علامت بود جای
 گوید که اسب و خواب هوای سینه نفس خواب بود و اگر اسب پیش از سرکش بنشیند دلیل کند که هوای نفس او سرکش باشد و اگر بیند
 که اسب پیش از طبع و فرمان بر او و دلیل که هوای نفس او صعب تر بود و بیدی و بدانکه بر اندامی از اندامهای اسب را نشانی
 بود از پادشاه و اگر خون پادشاه را بر اسب بنشیند و در وقت او بود و مردم عامه را اسب بخواب دیدن غرضت بود و اگر
 بیند که اسب پس مجبور از محلی بیرون آمد و دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برو و اما خالدا صغمانی گوید که اسب یا لانی بخواب
 بخت بر او بود و هر چند یا لانی فرمان بر او را تر باشد بخواب و طبع تر و فرمان بر او را تر بود اگر بیند یا لانی در شهری با ورمی یا در سراسر دلیل که موفقی
 عجمی در اینجا دید که اگر تکیه که بر پسی دراز دم نشسته بود و دلیل کند که ویرا تیغ زیاده کرد و بقدر درازی دم اسب و اگر بخواب
 این بیند دلیل که حال بروی بد کرد و در عیش بروی تنگ کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که اسب و خواب بر سرخ و ص
 بود اول خود و نیم مرتبت سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحدیث اخیر معقود
 الخیل و البرکت الی یوم القيمة و الذل فی اوبار البقر و اگر بیند که بونین بر اسب او نشسته بود و دلیل که هوای بازن وی
 فساد کند و اگر بیند که سکی بر اسب او نشسته بود و دلیل کند که معنی بازن وی فساد کند و استرین سیرین گوید که چون استر
 خواب بیند اگر طبع بنمود و می بدخوی و چون طبع بود نیک بود و اگر تکیه که بر استری بی زمین نشسته بود و دانست که استر آن
 کیست دلیل کند که سفر شود و اگر بیند که بر استر خویش نشسته بود چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر بیند که بر استرین یا پالان یا
 عماری نهاده بود و دلیل کند که زن او نازاید و خاصه که واند استر ملک او بود یا کسی بر او بنشیند بود و گمانی گوید که اگر بیند که بر
 استر نهاده سیاه نشسته بود و دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر استر بگونه سفید بیند آن زن که خواهد با جمال
 و خوب روی بود و اگر استر بگونه سبز بیند دلیل که آن زن دین دار و پر پیو کار بود و اگر استر بگونه سرخ بیند دلیل که آن زن مطرب
 دوست بود و اگر استر بگونه زرد یا اشقر بیند دلیل که آن زن بهارگون و زرد روی بود و اگر استر بر سینه و رام کرده بیند دلیل
 که بر مردی ضعیف جابر مغربی گوید که استر نهاده در خواب مولانا زاده بود و اگر استر نهاده و بعضی از استادان این
 صناعت گفته اند که استر نهاده بود و استر نهاده زن و اگر بیند که از کسی استر نهاده بخوابد دلیل که از کسی که نیک بخوابد و اگر بیند که استر نهاده
 بفروخت دلیل که نیک بفروشد یا از نیک جدا کرد و اگر بیند که بر استر نهاده نشسته بود و دلیل که زنی کند که بر او فرزند نیاید و اگر بیند که بر استر
 بود و دلیل که عروسی دراز بود و حاصل کرد و اگر بیند که استر از پیش می سپید و دلیل که ویرا عجمی رسد و دلیل که اگر بیند که استر نهاده
 و دلیل که نیک بزیادتی مال زبخت نماند و اگر بیند که استر وی سخن گفت و دلیل کند که کار عجب برایش آید که در آن گفت یا اگر بیند که استر
 دلیل کند که مال یا بد و اگر بیند که استر وی بر وی ضایع شد و دلیل کند که از آن نیکتر است و اگر بیند که استر وی را صحت مردی
 جدا کرد و بدانکه کشت و پوست استر مال بود و بعضی از متجربان گفته اند که کشته
 که بر دشواری و ترس عجم وی بقدر شیر که خورده بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که

که نهاده استرین کند
 جدا شود و او را بدید

باب
تخت

تخت

طراب

ساج

ش

و یوم زندگانی درازستم ظهر دشمن چهارم جمال و آرایش نیم مرد حق بود و استراوده
و یافتن مرا بود استخوان ابن سیرین کوید که استخوان در خواب مالی بود که مردم بدان حیثت
و بران استخوان گوشت بود و دلیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد و اگر بیند که فی گوشت بود دلیل
که او کسی استخوان و او دلیل که از او بد انگس خبر رسد که مالی کوید اگر بیند که استخوان کسی را شکسته بود می
که او کون یابد و کردار نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار بیند مالی از او نوا کرد و حضرت صادق علیه السلام
بغت وجه بود اول مال و دوم خویشان ستم فرزندان چهارم قیم خانه نیم مال ششم برادران هفتم
بدانکه استغفار کردن استغفار الله بود و بعضی از مرزش خواستن از خدای عزوجل ابن سیرین کوید اگر بیند که در خواب
که ایند تعالی برای مال فرزندان را زی دارد چنانکه در کلام حمید فرموده است قوله تعالی و استغفر فان یکم آیه کان عفا و ایرون
السماء علیکم وید را و او میگوید که با موال و بنین حضرت صادق علیه السلام فرماید که استغفار کردن در خواب چهار وجه بود اول
مال و دوم فرزندان ستم از حق تعالی چهارم تو بر کردن از کفایتان اسطراب که مالی کوید اسطراب در خواب تبایل اصحاب سلطان
بود و بهتر بزرگ اگر بیند که اسطراب و شست یا اگر کسی بخرد یا کسی بدو داد و دلیل که از اصحاب سلطان کرد و دو مهر فرمی کرد و اگر بیند
که اسطراب و ضایع کرد و دید یا شکست دلیل کند که جاهد و منزلهش نقصان یابد جابر مغربی کوید اگر بیند که در اسطراب باقی بماند
میکرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول گردد و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از معبران گفته اند که اسطراب
در خواب مردی بود که ویران شای نباشد و بر کار پاینده نبود اسفاناج ابن سیرین کوید دیدن اسفاناج در خواب دلیل غم و اندوه
بود و خوردن وی دلیل بر ضرر و نقصان مال بود اما اگر بیند که گوشت بخند بود و روغن و از او همی خورد دلیل بر خیر و منفعت
کند بر قدر آنچه خورده بود اشتر ابن سیرین کوید اگر کسی خود را بر شتری مجهول بیند که بشتاب می رفت دلیل کند که بسفر
و اگر بیند که بر شتری جولان می کرد دلیل که نمکین و متفکر گردد و اگر بیند که بر شتری نشسته بود و راه مکرده میراند و ندانست
که راه راست کجاست دلیل که در راه خویش فروماند و هیچ تدبیر آن نتواند ساخت و اگر بیند که ماده شتری یافت دلیل کند که
خواهد و اگر شتر باجیه بود آن زن که خواهد با فرزند بود اگر بیند که شتر از پسل و می و وید دلیل که نمکین گردد و اگر بیند که شتر از وی رو برد
و طبع او نشد دلیل که اندو بکین گردد و نیال کوید اگر بیند که بر شتر شتم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر بیند
که با شتر جنگ و نبرد میکند دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود مر او را با وی خصومت افتد و اگر بیند که ربه شتران را می چربد
و دانست که از ملک او بود دلیل کند که ویران لایقی بود و مردم آن ولایت فرمان روا کرد و اگر بیند که شتر را همی و وشد دلیل که
از پادشاه مال یابد بر قدر آن شیر که و وشد بود اگر بیند که بجای شیر از پستان شتر خون آمد دلیل که آن مال که بدو رسد حرام بود و اگر بیند
ویران لایق و یا کسی بدو بخشید یا کسی او بخرد دلیل که زن خواهد یا کین بخرد و اگر بیند که ماده شتری که از او بود بکینت یا در ویر دلیل که از زن
که اسب وی کریان ایشان خصومت افتد و اگر بیند که ماده شتر او بر وید دلیل که در شتر او و اگر بیند که شتر او بر وید دلیل که در وید و اگر

بسیار

و در او اگر بنید که بر حسب باز که
 باید که است و خواب بر روی میگرداند که گوشت شتر میخورد و دلیل که بسیار کرد و زمانی که بدید اگر بنید که کسی گوشت شتر بسیار بدید
 که است و شتر و اگر بنید که شتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد و دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان کرد و در پیش
 بود از پادشاه و اگر بنید که شتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد و دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان کرد و در پیش
 بنید که کسی مجهول از محنتی کرد و اگر بنید که شتر را بدار کند و وجود شتر و دلیل که از آن دشمن در آنجا خیر و برکت بود و جابر که بدید که
 بخت در دود و بنید که شتر را بدار کند و دلیل که از آن دشمن در آنجا خیر و برکت بود و جابر که بدید که
 غمی در آنجا بدید و اگر بنید که شتر را بدار کند و دلیل که از آن دشمن در آنجا خیر و برکت بود و جابر که بدید که
 از بزرگی و فرمان روائی یا بدید بر جماعت بیان کرد و اگر بنید که دو شتر یافت و دلیل که مال یا بدید اگر بنید که کسی وی را شتر می داد
 و دلیل که بقدر و محنت آن منفعت یا بدید اگر بنید که قومی شتر می بخشند و گوشت آنرا قسمت کردند و دلیل که در آن موضع مردی
 بزرگ ببرد و مال ویرا قسمت کند و میراث اسمعیل اشعث کوید اگر بنید که شتر را بسیار داشت و داشت که آن جمله ملک است
 و اگر شتر را اعرابی بود و دلیل که در دیار عرب پادشاه کرد و اگر شتر را غمی بود و دلیل که در دیار عجم پادشاه کرد و اگر بنید که شتر را
 بجز و دلیل که از پادشاه مال و نعمت یا بدید و بدانکه پوست شتر نیز همین دلیل دارد و بعضی از متعجبان گفته اند که میراث یا بدید که شتر
 با او سخن گفت و دلیل که خیر و نیکی بدو رسیده و حضرت صادق علیه السلام فرمودند که اگر بنید که شتر را بدید و دلیل که مردی غمی
 است و مردی در میان سیل پنج فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و شتر عربی دلیل بر مرد غم است
 و اگر شتر غمی دلیل بر مرد غمی و بدانکه شتر بانی تاویل خداوند تبارک و تعالی بود و در است کنند کار با بود و همچنین است شتر مرغ
 این سیرین کوید که شتر مرغ و خواب مردی بیابانی بود و اگر شتر مرغ ماه بود و زن بیابانی بود و اگر بنید که شتر مرغ ماه گرفت یا کسی بدید
 و دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم بخوابد یا کینک بخورد و اگر بنید که بر شتر مرغ نشسته بود و دلیل که سفر بسیار آن رود و بعضی از متعجبان
 گفته اند که بر مردی بیابان نشین غالب کرد و بکارهای بزرگ رسد که زمانی که بدید اگر بنید که شتر مرغ را بگشت دلیل که بر مردی بیابانی
 است یا بدید و اگر بنید که خانه شتر مرغ یا بر یا استخوان او داشت و دلیل که از مردی بیابانی ویرا مال حاصل کرد و اگر بنید که
 شتر مرغ داشت و دلیل که فرزند مردی بیابانی او را حاصل کرد و جابر مرغی کوید اگر بنید که با شتر مرغ نشست و آن شتر مرغ او را طبع بود
 و او را در هوا برد و دیگر باره از هوا بر زمین آمد و دلیل که با مردی بیابانی بسفر در شود و باز آید یا سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بنید
 بدید و شتر غازی این سیرین کوید که بدید و بدید شتر غازی بخوابد یا غم و اندوه بود و اگر بنید که شتر غازی گرفت یا کسی بدید و او را از او غمی
 و دلیل که بدید و بدید و اندوه خورد و اگر بنید که وی از آن کسی و او را بفروخت و دلیل که غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که شتر غازی داشت
 و بخورد و شتر غمی و دلیل که آنکس از بهر آن شتر اندوکید که در او انباشت کرد و زمانی که بدید اگر بنید که شاکست سر و از چشم او بیبارید و دلیل که
 که شاد و خوشی یا بدید که شاکست با بدید و دلیل که غم و اندوه خورد و اگر بنید که بی کریش شاکست بروی او بود و دلیل که در

بسیار

بسیار

بسیار

چنگ و نیز بهی کرد دلیل که او را پادشاه جنگ و نصرت بود و اگر بیند که اله بخرد یا پادشاه کند که بقدر آن از پادشاه مال و
 یابد و اگر بیند که اله بر سر روی وی نشسته بود دلیل کند که ویرا پسری آید و پادشاه کرد و حضرت صادق ع فرماید که اله در خواب و و وجه
 بود اول پادشاه ظالم و متکبر و خوار و ویم عالم بی دیانت و جلیلی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که اله داشت دلیل که عمر او دراز بود
 الوی شرح این سیرین گوید اگر خواب الوی سرخ و سیاه را وقت خود بیند دلیل بر مال و خوشه بود و الوی زرد و دلیل بر بیماری کند
 اگر بیند که الوی زرد و با سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود و فرا گرفت یا کسی بد و داد و بخورد دلیل کند که بقدر آن مال خواسته نیاید اگر بیند که الوی
 زرد و خورد و وقت آن بود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و نصرت و اگر بطعم ترش بود بهتر بود این سیرین گوید اما مت کردن اگر
 که پیش قوی مای کرد و اما نم بود دلیل کند که در انقوش مهتر کرد و جمله تابع او شود چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که جماعتی
 ابنوه در نماز بودند و ویرا گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود با و که امامی کن و او پیش رفت و امامت کرد و دلیل کند که در ایام
 سیر و فرمان روا کرد و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز بر کعبه و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان
 کرد و دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود این سیرین گوید اگر بیند که امامی میکرد و لیکن نشسته بود
 و دلیل که بیمار کرد و اگر بر پهلوی نشسته بود و در نماز چیزی بخورد و دلیل کند که زود میرد و انقوش برومی نماز کند و اگر امامی را بجزاب دید
 دلیل که شرف و منزلت یابد بر قدر و شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی نمی داد یا با امام در خانه رفت یا امام را در چیزی
 بخشید یا با امام طعام خورد و دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بد و درسد جا بر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود و دلیل کند که با دولت
 و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در دوی یا در شهری اسمعیل شست گوید هر چه که در امام در خوشی زیاوت بیند و ولایت
 و بزرگی او زیاد و کرد و و هر چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت و نقصان کرد و حضرت صادق ع فرماید که امامی که در دنیا
 برش وجه بود اول فرمان روائی و ویم پادشاهی بعد از انصاف ستم علم چارم قصد کردن بکار خیر ستم منفعت ششم پستی از حسن
 و اگر بیند که امامی زن آن کرد و دلیل کند بر و ضعیفان و الی کرد و اگر بیند که امامی از آسمان فرو آمد و قومی را امامت کرد و دلیل کند
 که رحمت بود بر اهل زمین و اگر بیند که بر مرده نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمان روائی یا بد امر و این سیرین گوید که خوردن امر و
 بوقت خود چون سیر شیرین بود و دلیل که مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود و بیماری بود اگر بیند که امر و میخورد و وزر بود و دلیل کند که
 کرد و که نه بشکام او بود و اگر امر و بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین بود مال بود و اگر ترش و ناخوش بود و اندوه بود و گمانی گوید
 امر و سبز و شیرین بوقت خود دید یافتن مراد بود و اگر بیند که امر و را همی خورد و دلیل بر منفعت بود حضرت صادق ع فرماید که خوردن
 امر و در خواب بر بچه بود اول الحلال و ویم تو اگر سیم زن چهارم یافتن مراد و ستم منفعت و اگر بیند که پادشاه امر و میخورد
 دلیل کند که امر و دی بزرگوار منفعت یابد بقدر آن که خورده بود اما و انشال گوید که اصل نارنجاب مال بود لیکن بقدر ستم مردم صحت
 که بوقت خود بود و اگر بوقت خود بود و اگر بیند که نار از درخت برید و بخورد و دلیل کند که از دنیا با جمل منفعت یا در این سیرین
 گوید که اگر نار شیرین بخواب بیند مال جمع کرده بود و بعضی از معبران گفته اند که بکثرت نار شیرین خوردن بخواب هزار درم بود که بیاید اما

بسیار است
 و در خواب
 و در نماز

و در خواب

و در خواب

باب

ترش غم و اندوه و ندامتی که نماند ترش یا شیرین بود و بقیه شرح بن انا شیرین بود و چو مغربی گوید اگر کسی بیند که انا شیرین بود و شیرینی
خود و دلیل کند که هزار درم بیاید یا اینکه کمترش بخواهد و نیاز بود که بیاید و باشد که آنچه دیگر گفتیم درم بیاید پس متعجب باید که بقدر محبت بزرگ
مردم تاویل کند و اگر بیند که انا برستان همی خورد و دلیل که بعد و هر دانه را چوبی بنهند در همه چیز انا ترش خوردن و در وقت و بی وقت
به بود و حکم انا شیرین میان بود که زمانی گوید اگر کسی بیند که انا شیرین بود و بخورد و اگر باز کان بود قماش و متاع آورد و اگر کرد و اگر
و اگر ساف و بود و دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود و اگر بیند که انا را بهفت یا کسی بدو داد و دلیل که در وقت آن و بی آن
سردار بقت بود و اگر بوقت و اگر انا شیرین با پوست و پیله آن بخورد و دلیل که از همه چیز بخورد واری یا به حضرت صدق آفرین یا به خود
انا شیرین و خواب بر سه وجه بود اول مال جمع کرده بود و دوم زن یا ساسیم شهر آبادان و لیکن انا را ش غم بود و همچنین شفت که به
اگر پادشاه بیند که انا ری و شفت ولایت یا شهر یا به وریش را روی بود و باز که نازده هزار درم و یا نازده هزار درم و مردم در شهر
و درم یا یک درم بود و آنچه این سیرین گوید که خوردن آنچه خواب اگر و نقش بود و اگر بی وقت بدو و اگر بیند که آنچه می خورد و می جمع
سبک و یا کسی بدو بخشد و دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که انا از آن پیشانی خود در زمانی گوید که آنچه خورد و خواب دیدن
و خوردن و دلیل بیاید که کند و آنچه سیاه و دلیل بر غم و اندوه و آنچه سبز خوردن بوقت چون بطعم شیرین بود و زمانی نازد و آنچه خیل این سیرین
گوید اگر بیند که آنچه خیل بی خود و دلیل بود که از حق باطل فریفته کرد و خود را می شود و این سیرین گوید که بیند از کتاب خیل بی خود و دلیل کند که از
کسانی از ملت عیسی باشد خیر اندک بدو رسد و اگر از بر میخورد دلیل که از حق باطل کرد و دو دستار ترسایان شود و انداختن مردم سیرین
گوید اگر کسی بیند که کسی با بدین دخت و دلیل که بر خصم خیره کرد و اگر بیند که کسی او را بدین دخت دلیل که خصم بر وی خیره کرد و اگر بیند که کسی
سنگ انداخت و دلیل که سخی سخت کسی گوید و بعضی از متعبران گفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بکناهی متهم کردند و اندوه اگر کسی بیند که
انداختن هم سخن درشت بود که بکسی گوید و متعبران گویند اگر کسی بیند که شکر یا دام یا قند بیند دخت اگر اگر کسی معروف بود و دلیل کند و بدین
عطا یا بدو اگر مهول بود بهمان مقدار که بکسی انداخت صحت و عطا یا بدو اگر کسی بیند ازین خورد و نیما که گفتیم سوی چهار پان انا و دلیل
که مال خویش بر جا جان بزرگ کند انا هم این سیرین گوید که اندامهای قوم را اگر بیند که افزون شد و دلیل کند که خویشان و اهل بیت او
زیاده کردند و او در موضع خویش مقیم بود و اگر بیند که اندامهای او پریده شد یا از تن او بیفتاد و دلیل کند که سفر رود و خویشان او بزرگ
کردند و اگر بیند که اندام خویش میرد و پرانده میگرد و دلیل کند که اهل بیت خود را در شهر یا در کنده کند زمانی گوید اگر کسی بیند
که پاره گوشت از اندامش میرد و دلیل کند که اگر کسی را خبر و منفعت رسد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد و دلیل که کسی از مال او چیزی
بستاند و اگر بیند که گوشت از اندام خویش میرد و در پیش مرغی میفکند و دلیل که از مال او چیزی بکسی بخشد یا بر مغربی گوید اگر بیند که اندام
از تن وی با سخن گفت دلیل بود که میان خلق رسوا کرد و قوله تعالی قَالُوا أَنْطَقْنَاهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلُّ شَيْءٍ اگر بیند که اندامی از
خویش بگریزی رفت و دلیل که کاری کند که بران اعتماد و وارد اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد و دلیل کند که کسی از خویشان او بفرستد
و اگر بیند که اندامهایش آرزو بود و دلیل که بجا کرد و اگر بیند که مرغی از اندام وی پاره گوشت بر بود و دلیل که مال او چیزی بزرگ بستاند و اگر

خجسته

خجسته

خجسته

خجسته

باز

جیب

نشان

کند که گوشت از اندام خویش می برید و در پیش مرغ می انگذد و لیل کند که از مال خویش چیزی بکشد یا بر مرغی گوید که از اندام حرامی
 شاه گوشت و لیل کند که بر است نبوده ام خصل گوید که بر رسول خدا عرض کردم یا رسول الله خوابی سنگر دیده ام فرمود و چه دیدی عرض
 کردم بجا ب دیدم که باز و از اندام تو بریدند و بر کنار نهادند رسول خدا فرمود که خاطر را پس گرد که در کنار تو برکت شود و بعد از آن از خانه
 حسین بوجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پروردید انگبین کرمانی گوید که انگبین در خواب غنیمت بود از مالها و یکی بود از کوارا
 زیرا که در وی شغای در و ما است و شهید روزی بسیار بود چنانکه حق تعالی در کلام مجید خویش فرموده است **لَا تَقَالُ تَقَالُ** یعنی شغای
 لکن کس خضر صفاق فرماید که خورون انگبین در خواب برسته وجه بود اول روزی ملال دویم منفعت سیم کام دل یافتن و برین
 روزی بود که بی منت بد و رسد قوله تعالی **وَإِنْ كُنَّا عَلَيْنَا لَقَدْ كُنَّا عَلَيْنَا** انگشتان این سیرن که به پنج انگشت دست راست
 در تاویل پنج ناز بود پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از متبران گفته اند که انگشت همین دلیل نماز با مدد و انگشت سیم در نماز
 و لیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان و لیل بر نماز و بگرد انگشت خضر دلیل بر نماز خفتن و صلاح نماز
 بود و اگر بیند که انگشت دست راست داشت دلیل که فرزندان برادرش میرد و بعضی گویند فرزندان برادرش رخصت رسد کرمانی گوید
 اگر بیند که انگشتان را در هم گذاشته و انگشت و لیل که سگ دست کرد و اگر بیند که انگشتان را با هم جمع کرد و لیل که کار برادران و فرزندان
 را اصلاح آورد و اگر بیند که انگشتان را بگرداشت در هم بسته بود و لیل کند که کار با برودی بسته کرد و در هم بر این بیت او جابر مغربی گوید
 که اگر بیند که انگشت همین او بریده است و لیل که توهالتش بود و اگر بیند که انگشت چهارم او بریده است دلیل که در فریضه نماز تقصیر کند
 و اگر بیند که انگشت میان او بریده است و لیل که در شهری یا در شاهی یا بزرگی میرد و اگر بیند که انگشت بعد از میان او بریده است
 و لیل کند که ویران مال زیان افتد و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است و لیل کند که فرزند نازده او بمیرد و اسمعیل شافعی گوید که انگشت
 پای در خواب دیدن دلیل بود بر نیت آرایش و اگر انگشتان پای او درشت قوی بنید و لیل کند که کار که خدا فی و ساخنه کرد و اگر بخلاف این بنید کار وی ناساخته
 بگیند که انگشت پای او را قوی رسیده چنانکه رفتن توانست و لیل کند که ویرانی سخت رسد بسبب رفتن مال اگر انگشتان دست و پای او
 گسریند و لیل کند که کار وی بازگردد نشود و خضر صفاق فرماید که دیدن انگشتان در خواب برشش وجه بود اول فرزند و دوم برادر از او
 ستم خادمان چهارم باران پنجم قوه ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان وی بیفتاد یا بریده شد و لیل کند که از انگشتان که گفتیم او را
 مفارقت افتد و اگر بیند که انگشت او شکست و لیل کند که یکی از اهل بیت او بمیرد و خلفه از صفه های گوید اگر بیند که از انگشت همین
 او شیر می آمد یا از انگشت سنا یا در خون می آمد و لیل که انگس با مادر زن خویش فساد کند و اگر بیند که از انگشت او آواز برآید و لیل کند
 که در میان خویشان او گفتگو رود انگشتی و انبیا گوید که چون بیند نقش و صفت انگشتی دلیل که از خداوندش بد و خیرش یکی است
 و اگر بیند که انگشتی کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند و لیل که از آنچه لایق او باشد برخی سیاه یعنی اگر لایق باو شاهی باشد
 باو شاهی سیاه و اگر توانگر بود مال با بد بقدر و بقیمت انگشت اگر بیند که در مسجدی یا در نماز یا در خواست انگشتی بوی داد اگر انگس
 زاده و عابد بود و اگر بازرگان بود و نصیب و نفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس بود و اگر بیند که انگشتی سلطان بوی داد

نشان

بسیار

دلیل کند که از ملکتی سلطان بوسی دهد یا دلیل که از ملکت سلطان بدی بدورسد یا بخویشان وی این سرین کویدار گریست
 که انگشتی او ضایع شد یا دزد برد دلیل بود که در کارهای او آفت و دشواری پدید آید و اگر بیند که انگشتی او بشکست و نگه این
 باشد دلیل که بزرگی او و جاه او به شود و آبرو و بهیشتش بر جای بود و اگر بیند که انگشتی نگین او بشکست دلیل کند که آبرو و بهیشتش
 بشود و جاه او بر جا ماند و اگر بیند که انگشتی خود را بکسی بخشید دلیل که از آنچه دارد و از مال و ملک برخی از آن به بخشید و اگر بیند که
 انگشتی خویش را بفروخت و بهایست دلیل کند که از آنچه دارد و جمله بفروشد و نه برینه کند و اگر بهایست آنچه دارد برخی از آن
 بفروشد که مانی کویدار بیند که صناعت انگشتی او ناپسندیده است دلیل کند که از مانی که دارد چیزی بشود و پادشاه
 بر وی خشم گیرد و اگر بیند که انگشتی او از نیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر انگشتی از زر بیند دلیل که آنچه
 دارد از مال مکرده و حرم حاصل کند و اگر انگشتی از آهن بیند آنچه دارد و اندک حقیر بود و اگر بیند که انگشتی از نقره باشد یا از
 سپید روی بود دلیل بود بر آنچه در آهن گفتیم اگر بیند که انگشتی از زور بود بر بود و حقیر تر از آن جمله بود که گفتیم چار بر مغزی بود
 اگر بیند که در شکست وی انگشتی آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که از برنج یا از مس بود دلیل کند که از
 مردمان بی حاصل منفعت یابد و اگر بیند که بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدورسد و اگر بیند که از نیم است از اجناس
 و اگر بیند که انگشتی خویش نزد کسی با نیت بنا دیا وی را بخشید و آنکس هم انگشتی بدور کرد و دلیل کند
 که از بیند که بخوبی خواهد دلیل بود که در سر او بدو نرسد و اگر بیند که انگشتی او بشکست یا از شکست انگشتی او در میان او
 که زنی بیکاه بخوابد و اجابتش کند و اگر از زنی بیکاه بخوابد و اجابتش نکند یا از زنی بیکاه بخوابد و اجابتش نکند یا از زنی بیکاه بخوابد و اجابتش نکند
 جدائی افتد و اگر بیند که انگشتی او دو نوکین داشت یا کسی بدو او که آن هر دو نوکین موافق یکدیگر اند و دلیل که خداوند
 غلام تر بود و اگر بیند که از آن دو نوکین یکی بنیفتا و دلیل کند که از دو کناه یکی را توبه کند و اگر بیند که نامه نوشته بود و پشتم
 خویش مکرر و دلیل کند که چیزی پنهان بدورسد و اگر بیند که نامه کشاده را مکرر و دلیل کند که چیزی آشکار بدورسد و حضرت
 صادق علیه السلام فرمود که انگشتی سیمین در خواب بر چهار وجه بود و اول ملکوت و دوم زمین سیمین فرزند چهارم مال و انگشتی زین
 نیک بود و اگر زنی بیند که انگشتی با کین از او ضایع شد دلیل کند که حسنت و جاده او بشود یا فرزندش میرد یا مالش تلف گردد و اگر
 بر او حمله کرده و اگر زن به بیند شوهرش میرد یا فرزندش انگور و انیال گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بوقت
 ترس هم بود و بخیر آن گفته اند بعد و هر دانه انگور که خورده بود زخم چوب یا نازیانه بر او زنند و خوردن انگور سفید بوقت خود غم
 و خیر دنیا بود و بیش از آنکه امید دارد و بوقت دلیل کند که از دامن خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر حرف مال
 و اگر انگور سیخ بیند سیمین دلیل کند که سیمین گوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی بدست آید و هر انگوری که بدست
 خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انگوری که بدست او سخت بود دلیل که مالی بدست آید و هر انگوری که بدست
 روشن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انگوری که آب و تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انگوری که بدیدار سیخ نماید دلیل بر مال
 کند و هر انگوری که بدیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند و هر انگوری که شیرین تر و پاکیزه تر بود دلیل بر مال جاهد نماید و هر

سجده

کرد و جابر گوید اگر کسی بیند که انکور بر حصه چوبین می نشیند و دلیل که خدمت پادشاه شکر کند و اگر بیند که آن حصه از خشت و گل بود و دلیل
 خدمت پادشاه با ویانت کند و اگر معصرا خشت بخت یا از یک و سنگ یک است بود و دلیل که خدمت پادشاه با سبب است و با سبب است کند و اگر بیند
 که انکور در پشت می نشیند و دلیل که خدمت زنی بزرگ کند و اگر بیند که انکور در کاشه می نشیند و دلیل که خدمت شخصی خدیش کند و اگر بیند که انکور بر می نشیند و دلیل
 آن و چنانچه می جمع کرد و دلیل که از بخت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انکور در حصه با این عیال می نشیند و دلیل که او را عیال دارد و خدمت
 پادشاه منفعت رسد و اگر بیند که خواهر بر خدمت پادشاه نباشد و دلیل که کاری از بسبب می حاصل کند و در حصه صفاق می نماید که انکور بر سینه
 بوقت خود و بوقت بر سینه بود و اول فرزند نیک و دوم علم فرزند ستم مال حلال می نشیند و انکور در خواب ستم حضرت که نیک بر سینه بود و اول مال نیک و دوم
 و دوم فراخی نعمت ستم رخصه امان یافتن تولد تکامل فیه یغاث الناس و فیه یغیر بعضی و ن افنا و ن ابن سیرین که دید اگر کسی خواب می بیند
 که بروی در افتاد و دلیل تنویش او بود و خاصه در جنگ و خصومت و اگر بیند که از جایگاهی بر افتاد و چنانکه از کوهی یا از بایمه یا از
 دیواری دلیل کند که از روی در می بود تمام بر نشود و مرادش حاصل کرد و اگر کسی بیند که از جایگاهی بر افتاد و دلیل بود که سیدی دارد و بر نیاید و نا امید
 و اگر بیند که از کوه بر افتاد و دلیل که حالش بد کرد و در بقدر افتاد و ن برتن در پنج رسد و اگر بیند که چمنی سخت بوی رسید و خون از آن عصبه روان شد و دلیل که بقدر
 زخم و دیار زبانی رسد و اگر بیند که پیش باغزید و بیضا و دلیل که برنجی و المی بدور رسد و اگر بیند که بیضا و در سنجی بدور رسد
 و دلیل کند که سهل آسان بود و اگر بیند که آستانه خانه او مار و کرم و کزنندگان بیضا و دلیل کند که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ
 غم و اندوه رسد و اگر بیند که باغ خانه یا دیوار بر افتاد و دلیل کند که مال بسیار بدور رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب ستم
 و شادان کرد و کارش کشا و ده شود و او اندک علم بالحق و اب حریف الباعین کتاب کامل التبصیر با و اوم این بین
 گوید که با و اوم در خواب دیدن نعمت و روزی بود لکن بخصوص بدست آید اگر بیند که با و اوم فرا گرفت و دلیل بود که بقدر
 آن ویران نعمت و روزی بود و دشوار بدست آید و معجزان گویند که تاویل با و اوم در خواب علم بود و شفا از رنج و چون منغزاه
 بیند بهتر بود که رانی گوید اگر بیند که با و اوم با پوست داشت یا کسی بومی و او دلیل که از مردی بخیل چیزی یا بدستی اگر بیند که از منغزاه و اوم
 تلخ روغن بیرون آورد و دلیل کند که از مردی بخیل ویران بقدر آن روغن منقعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن با و اوم در خواب مال
 و نعمت بود اما اگر با و اوم با پوست بیند و دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون با و اوم با پوست بیند و دلیل که
 مال با سانی بدست آورد و در حصه صفاق می نماید که انکور بر سینه بود و اول مال نیک و دوم علم فرزند ستم مال حلال می نشیند و انکور در خواب ستم حضرت که نیک بر سینه بود و اول مال نیک و دوم
 از بیماری شفا یابد و اگر بیند که ابن سیرین گوید که و از ده چیز است که سینده خواب را دلیل بر پادشاهی بود و اول آنکه بیند که چشم
 او را مام کرد و دوم علم شریعت و روز و سیم آنکه گوشش می شنود و بیند یعنی نظر قائمست و نماز بود و چهارم آنکه بر منبر
 او خطبه کرد و پنجم آنکه جامه رسول پوشید و ششم آنکه اکثری بیند که در انکشت دارد و هفتم آنکه بیند که او آفتاب یا ماه تاب کرد و بد
 هفتم آنکه بیند که تن او در خانه شده است و نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر کشته است و دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جامع
 شده است یا زده م آنکه پادشاه مرده او را اکثری و دوازدهم آنکه بیند که چشم او مانند گاوی شده است این و از ده چیز

سجده

سجده

نسخه

در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی و انشای گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد و کلاه داد و دلیل که بر مردمان
خویش رئیس و والی گردد و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود یا کینه و دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی عمر او و اگر بیند که بر
پادشاه کلاه چرخ و دریده بود و دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر حق
بود و دلیل بود که پادشاه عدل انصافی برسد و اگر بیند که پادشاه را باو بکرفت و بفرمان او شد دلیل که مملکت جهان بجز و بران
قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه کردید و دلیل که بیند خواب تو انگر کرد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سرای او در آنجا که در میان
او نزاری و انکار بود و دلیل کند که اهل موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی **اِنَّ الْمُلُوكَ اِذَا خُلُوْا مِنْ مَّوَلٰٓئِهِمْ**
اَفْتَدَوْا مِنْهَا وَجَعَلُوْا اٰیَةً لِّهٖ وَاَلٰیهَا اَتُوْنَ و اگر بیند که در آمدن او انجا چیزی منکر نبود و دلیل بود که هیچ حضرت و زیان هسل
آن موضع نرسد که فانی گوید اگر بیند که پادشاهی برده و فتنه بخزند و بر وی نکر بیند و کفن نشا خند و جنازه او بزد نشد و دلیل
که بعضی از سرای او خراب گردد و باشد که متفکر دل و بر بخور گردد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سرای او بود یا سرای او کعبه بود و دلیل
بود که هرگز مملکت او از زوال نباشد و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که کسی سلام میکرد و یا کسی سلام بد و دلیل اینی بود از غم و اندوه
و خلود مراد چنانکه محتال فرموده **سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْنِمُ فَاَذْخَاوُهَا خَالِدٌ** و اگر پادشاه بیند که رس و دست و دست
یا دست و در رس زده بود و دلیل بود که برادر است و در جاده عدل و انصاف قامت نماید قوله تعالی **وَاصْبِرْ صَوْبًا لِّجَبَلٍ**
یَنْهٰی جَابِرًا یعنی گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودی و دلیل بود که از پادشاه بهره و ضیبت یا بد و اگر پادشاه را در لباسی نیکو
بیند و سرانی یا در کپه که منسوب با و بود و دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاده وی و خدم و خشم و مال و خزان
او و اگر بیند که در پادشاه نقصانی بود تا ویش بخلاف این بود که فانی گوید اگر بیند که پادشاه بر وی خفته بود و دلیل که پادشاهی بر وی
و اگر پادشاه بیند که بر زمین فرو شد و دلیل که از روی پادشاه او را حرمت و منزلت میفرزید حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر کسی پادشاه را
روی و خرم بیند دلیل بود که کار او گشاده گردد و اگر کسی وزیر یا پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کاری کند که در او بصلح باز آید و اگر حاجب یا وکیل
که از شعله فرو انداخته بجاقت بر او برسد و اگر بیند که او را کسی طاعت رسد و اگر از زبان پادشاه را بیند دلیل که شعله بر او بصلح آید
و ندیمان پادشاه را بیند دلیل که کار او گشاده گردد و اگر وزیر پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را طاعت کند و چیزیکه از دست او رفته بود
به دست او باز آید و اگر چاکران و کنینش دلیل کند که کسی او را طاعت کند که از شغل و دین عاجز گردد و اگر پادشاه را بیند دلیل بود
که کار بسته او گشاده گردد و اگر صفت زن پادشاه را بیند دلیل که کسی او را وعده دهد و بدو روغ و اگر از ندانان پادشاه را بیند دلیل بود که
غلبه و مستمند گردد و اگر جلد پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود حاصل گردد و اگر ویر یا پادشاه را بیند دلیل کند که آنچه میجوید بسیار
و اگر سلاح پادشاه را بیند دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکاب پادشاه را بیند دلیل کند که سفری دروغ و بی اصل نشود و اگر
و اگر پادشاه را بیند که او را غم و اندوه رسد و اگر جامه و یا پادشاه را بیند دلیل که گدایان و شکو گرد و اگر و اوت و اگر پادشاه را بیند دلیل
که او را از زمان چیزی حاصل گردد و اگر خاندان را پادشاه را بیند دلیل که خرم گردد و مال حاصل کند و معیشت او بدست گوید اگر جنبه پادشاه

بشتری در آمد و بر پادشاه ان شهر غلبه کرد و دلیل کند که کار آن شهر نقصان یافت پذیر بود و اگر بیند که پادشاه در شهر او یعنی خانه او بخت
 دلیل کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فرماید یا تنبیه این سیرین گوید که پاتیل در خواب و دیدن که بانوی خانه بود
 و اگر بیند که پاتیل نو بخیرد یا کسی بد و او دلیل کند که بانوی خانه را آفت رسد که مانی گوید اگر بیند که در پاتیل چیزی بود از هر روئی
 دلیل بود که او را از که بانوی خانه خبر و منفعت رسد و اگر بیند که در پاتیل چیزی ناخوش بود از طعامها و دلیل بود که او را از که بانوی خانه
 ضرر رسد این سیرین گوید که چون پاتیل در خواب چیزی زیاده بنهد و با و این سیرین گوید اگر کسی بیند که با و سختی هست دلیل بود که
 مردم اند یا را بیم و ترس بود و اگر بیند که با و چنان سخت بود که در خانه از ای کند و خرابی می کرد و دلیل کند که اهل اند یا را بلا و مصیبت
 از طاعت طاعون و سر همه و مانند این که مانی گوید که با و سبب بود در خواب لیل بر بیا ریهای سر و کند و با و معتدل سر و دیدن در خواب لیل
 بیمار ریهای شوریده بود و در آن دیار و با و معتدل و دیدن و دلیل بر تن و رستی بود از مردم آند یا را و موجب نیکوئی و کسب اند یا را کند و اگر بیند
 که با و او را از جانی بجائی میرد دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه او را با و بنشین برده باشد و اگر بیند که با و
 با و او تاریکی بود و دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه آن قوم جابر مغربی گوید اگر بیند که او را با و سختی بودی آسمانها بر و دلیل که اهل از که
 بود و اگر بیند که او را با و آسمان بنشین بود و دلیل بود که بسیار کرد و در عاقبت شقایق یا جعفر صفا و قیام خود را دید که با و در خواب بر نه و هم
 بود و اول شارت و دوم فرمان روانی ستم مال چهارم مرکب خیم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا عظم راحت اگر بیند که با و
 نشسته بود و دلیل بود که بزرگی و فرمان روانی یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با و مغرب نرم جست دلیل که مردم آند یا را مال و ثروت
 زیاده کرد و اگر بیند که با و شمال نرم جست دلیل کند بر شفا و راحت آند یا را و اگر بخلاف این بود دلیل خیر نباشد و اگر بیند که آواز
 همی شنید دلیل که خیر یا پادشاه بزرگ در آن دیار گسترده کرد و اگر بیند که با و مردم آند یا را بر گرفت و بر بیا بر و دلیل بود که آن مردان
 و بزرگی یابند با و را که در آن این سیرین گوید که اگر کسی بیند که در میان مجمع مردمان با و را که در چنانکه مردمان او را از آن شنیدند
 دلیل که سختی زشت گوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا کرد و اگر بیند که با و نرم را کرد و آواز از آن شنیدند
 تا ویش بخلاف این بود و اگر این خواب موی بند و بیند دلیل که او را آخری رسد که مانی گوید اگر بیند که با و را که در آواز بلند می بود
 ناخوشی داشت دلیل کند که کاری کند که مردم بر او تشنیه کنند و او را علامت کنند و بدی او گویند و اگر بیند که آواز داشت و بدی ناخوش
 نداشت دلیل کند که آن کاری بیفایده جدا کرد و خیرش در آن بود و اگر بیند که بر قصد با و را که در مردمان را و بخت پذیرد و او شرم
 میداشت دلیل بود که از کاری بی شغل میشت او ساخته کرد و جعفر صفا و قیام خود را دید که با و را که در آن در خواب بر چهار وجه بود و اول سختی
 زشت و دوم تشنیه ستم کاری بلاست چهارم رسوائی اگر بیند که با و را قصد را کرد و دلیل بود که آنکس بدین و بد مذنب بود و با و رو
 نوعی است از آن این سیرین گوید اگر بیند که با و روکت همی خورد و دلیل بود که حاجت او را کرد و خوا و بیا بد زیرا که رسول خدا فرمود
 الحلیث ما اخطیبت و ما اخطیبت یعنی بوی خوش و چه خوش بوی تو جعفر صفا و قیام خود را دید که با و را که در آن با و روکت
 در خواب ناله و جبه بود و اول حاجت روانی و دوم کام یافتن ستم و بد را غایب دیدن با و رسیده بدانکه با و رسیده مهره دوک بود که مانی

خواب
 سیرین

سیرین

سیرین

سیرین
 با و رسیده

خواجه نصیر

بود اما باری زرد و لیل برینج و یاری بود و اگر باری کبود بود و لیل بر کلاه و مصیبت بود و اگر باری زرافه بیند و لیل بود جزیر منقبت
 که از جانی بد و رسد باری این سیرین گوید که روی شهر و قلعه و ده و لیل بر پادشاه کند یا بروالی و معتبران کند که باری روی شهر و لیل بر پاد
 بود باری ده و لیل بر خدا و ندوده کند اگر بیند که باری روی شهر قوی و بلند بود و لیل بر قوه و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باری روی شهر
 بیضا و و خراب شد اگر جمعه بیضا و و لیل بر پلاک پادشاه کند و اگر برینج از ان بیضا و و لیل بر پلاک وانی بود و اگر بیند که باری و را نو کردند
 و لیل بود که پادشاه نور آتش میخیزد و اگر بعضی از باری روی شهر را نو کرده بیند و لیل کند وانی نور آتش میخیزد که در کمانی گوید که باری
 شهر و آنچه نزدیک دروازه شهر بود تا ویش عیش و این بود و آنچه در پس آن شهر بوده باشد و هر یک و بد و زیاده و نقصان که در درگاه
 بیند و لیل برینج که در کمانی گوید که باری روی شهر قوی و بلند بود و لیل بر قوه و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باری روی شهر
 و لیل کند بر بزرگی قدر و اخروی جاده و منزلت او و اگر بیند باری سفید بر دست او نشست و لیل کند که از پادشاه قدر و منزلت یابد
 و اگر بیند که باز دست او بیضا و و لیل بود که از منزلت بد و روشنی و چپا کی افتد کمانی گوید که بیند که باری سفید بیضا و و لیل کند
 مردمان پادشاه بود و لیل که از پادشاه و ولایت و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که باری کسی بودی شید
 و لیل که او را فرزندی آید صاحب جن و جاده و اگر بیند که باری بر ارم او نشست و لیل کند که او را با پادشاه دوستی افتد و از او منفعت
 یابد و اگر بیند که باز بر کفایت و در خانه نشد یا در زیر و من زنی پنهان کرد و و لیل که از ان راسپری خوب روی بد یابد و اگر بیند که باری
 پای انباز زنگنه زین پنهان بود و لیل که از ان زن را دختر می آید جای مرغی گوید اگر کسی بیند که باری بیاض است و او را بخت لیل کند
 اینکس از مردم پادشاه بود و معزول کرد و از عمل و اگر مردم پادشاه بنود و از رنجی و غمی رسد از نهته اهل بیت و اگر بیند که باز دست
 او برید و باز نهد و اگر انچه را پادشاه دیده بود و لیل که مملکت از دست او برود و اگر باز بیاد و بر دست او نشست تا ویش
 انکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق ع فرماید که چون بیند که باز مطیع او بود تا ویش برینج وجه بود اقل امتش و تویم شادی
 سیم بشارت چهارم فرمان روانی پنجم یافتن مراد و مال بقدر و قیمت باز دو هزار و درم خاصه چون باز سفید و مطیع او بود
 و چون باز مطیع نباشد تا ویش بر چهار وجه بود اقل پادشاه ستم و تویم حاکمی که میل کند ستم حقیه خاین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر
 نبرد باز و ی این سیرین گوید که باری روی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست سخت یا انباز اگر بیند که باری روی قوی بود و لیل بود که باز
 از ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این بیند و لیل کند که او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر بیند که باری و اوقات و یا اگر کسی
 باری او را برید و لیل کند که برادر یا دوست یا انباز از او و نیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت صادق ع فرماید که دیدن باز
 در خواب برش وجه بود اقل برادر تویم فرزند ستم انباز چهارم و دوست پنجم سیریم ششم همسایه باز و بند کمانی که در دست
 زمین اگر بیند که در باز و دست و لیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراست رسد و اگر باز و بند سیمین و در بخبران گویند که بیند
 خود را یا دختر خواهر خود را بشهر دهد و اگر این خواب زنی بیند و لیل کند که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که بوقت خویش دیده بود
 داشت و لیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر بیند که باز و بند شکست یا ضایع شد تا ویش پنجاه و نهم و بالا و نهم و لیل

خواجه نصیر

خواجه نصیر

خواجه نصیر

نسخ

پیت

پیت

پیت

کند که آنچه چو یار و عاقلش را کرد و بعضی از متعبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالا بهی رفت دلیل که آنچه میجو بدشواری باشد
 و اگر بیند که بر نزد بان بالا میشت دلیل بود که درین شرف منزلت یا بد خاصه که نزد بان او از کل بود و اگر بیند که نزد بان از یک و سنک
 دلیل بود که درین و غل باشد که فانی گوید که از نزد بان هر امارت از یک و سنک دلیل که شرف و بزرگی یا بد و رنجان و اگر بیند که از
 خام و کل بود دلیل بود که قدر و منزلت یا بد و رنجان و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اجل و نزدیک است
 و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت چهار کرد و سر انجام شفا یا بد حضرت صادق علیه السلام دیدن بر بالا شدن برینج
 وجه بود و اول روانی حاجت و دیگر زن خواستن ستم قرب و بزرگی چهارم مراد بافتن خیم بالا رفتن کاپالان ابن سیرین گوید که پالان
 دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا کسی به بهای بخیر دلیل که زن خواهد یا کینک خور و اگر بیند که پالان بر پشت
 داشت دلیل که مطیع و فرمان برادر زن کرد و بر روی ستولی کرد و اگر بیند که پالان از روی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا
 گردد یا طلاقش دهد یا بر غریبی گوید اگر بیند که پالان پاکیزه نداشت دلیل بود که زن مستور ساز کار بخوابد و او خیر و منفعت یا بد و اگر بیند
 که پالان درشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازگار و از وی مضرت بیند یا بالش بر سیرین گوید که بالش
 در خواب خادم بود و بیند خواب را اگر بیند که بالش بر نو گرفت و آن بالش بر نو بدی کسی بوی داد و دلیل که او را خادم یا خدمتکار
 مصحح یا رسپید کرد و اگر بیند که بالش او کس و چرکن و زرد و سیاه بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که بالش او بدرید
 یا سخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع کرد یا بگریزد یا رنج و بلائی بد و رسد و بسبب آن از وی جدا
 گردد که فانی گوید اگر بیند که کسی از خانه او بالش بدید دلیل بود که کسی از بی زن او میگردد که او را بفرضید یا زنی کینک وی تعجب
 گویند که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از آن خانه بگریزد و اگر روی بیند که بالش بسیار یافت دلیل بود که بعد از آن بالشها او را
 خواهند و کینک آن حاصل کرد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش او بسخت دلیل بود که خادمان او کینک آن او بر نو بدی بگریزد حضرت صادق علیه السلام فرماید که
 بالش در خواب برینج و جدا و اول خادم و دیگر کینک ستم ریاست چهارم دین نیکوچم برینج کاری و عدل با هم و اگر بیند که برام خانه مهمل بود دلیل بود که
 خواب بر بر قدر بندی با هم با قدر و وقت اگر بیند که با هم آن خانه معروف بود دلیل که شرف بزرگی یا بد و کارش بر نظام کرد و جای غریبی گوید که اگر بیند که برام
 یا شاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یا بد و اگر بیند که از با هم بنفعا و از جا و منزلت بیفتد و او را اندوه رسد یا نکشتن
 جانوران محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم بخواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آن موضع و اگر بیند که او را بانگ
 میکرد و ناز جانی دور اگر جواب داد دلیل بود که زود میرد و اگر بیند که جواب نهد دلیل که بیمار کرد و اگر بیند که آواز کسیتن
 دلیل بود که شادمان کرد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش شنود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که
 حاجت او را کرد و بر دشمن ظفر یا بد و اگر بانگ دشنام شنود و اگر ایتی بوی رسد و زوایل کرد و اگر فانی گوید اگر بیند که اسپین
 میکرد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از متعبران گویند که البته مکر و بی بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نمویند و اگر بیند که خر
 بانگ میکرد از دشمنی و جایی فریاد و شناخت شنود و قوله تعالی انکم الا صوات لصوت الحمیر و اگر بیند که شتر بانگ
 است که او

بیچ

دلیل کنج رو یا به تجارت و در آن ویران شود و منفعت یابد و اگر بیند که سفیدی بانگت میگرد و دلیل که از زهر کی ویران شود و منفعت
 و اگر بیند که از زهر غله بانگت دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر بیند که آه بانگت میگرد و دلیل بود که او را کینری حاصل کرد و اگر بیند
 که شیر بانگت میگرد و دلیل بود که بیم و ترس یا دزد یا پادشاه و اگر بیند که پلنگ بانگت میگرد و دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند
 که یوز بانگت میگرد و دلیل که کسی بروی خشم گیرد و بروی گیر کند و اگر بیند که گز بانگت میگرد و دلیل بود که او را کینری حاصل کرد و اگر بیند
 بر غم و اندیشه کند از سبب دشمنان و اگر بیند که روباهی بانگت میگرد و دلیل بود که مردی دروغ زن بادی کرد و حیل کند و اگر بیند که گربه بانگت میگرد و دلیل بود
 که او را از روی بیم بود و اگر بیند که شتر مرغ بانگت میگرد و دلیل کند که خادم و لیر یا بد و اگر بیند که گرس بانگت میگرد و دلیل بود که از خبر مردی بزرگ گشت
 کرد و اگر بانگت میگرد و دلیل که خبر پادشاه بشنود و اگر بیند که گوسر بانگت میگرد و دلیل بود که خبر سر میکان پادشاه بشنود و اگر بیند که خر و بانگت
 میگرد و دلیل بود که خبر مردی جوهر و دشمن و اگر بیند که کلازه بانگت میگرد و دلیل بود که خبر مردی پوشیده بشنود و اگر بیند که جغل بانگت میگرد و دلیل که
 اندوه و مصیبت بشنود و اگر بیند که بوم بانگت میگرد و دلیل همین بود و اگر بیند که فاخته بانگت میگرد و دلیل که خبر دروغ بشنود و اگر بیند که تدر و بانگت
 میگرد و دلیل که خبر زنی با جمال بشنود و اگر بیند که طاوس بانگت میگرد و دلیل که خبر پادشاه عجمی بشنود و اگر بیند که کلانک بانگت میگرد و دلیل که خبر
 مردی بشنود و اگر بیند که لکک بانگت میگرد و دلیل که خبر مردی و بهقانی بشنود و از آن خرم کرد و اگر بیند که کبک بانگت میگرد و دلیل که خبر
 زنی بشنود و اگر بیند که بکبان میشنود و دلیل کند که خبر زنی مسرور شود و اگر بیند که بانگت کلاغ میشنود و دلیل که خبر مردی جاهل
 خوار و دشمن و اگر بیند که کجنگ بانگت میگرد و خبر خوش بشنود و اگر بیند که بلبل بانگت میگرد و خبر سطر یا نوحه گری بشنود و اگر بیند
 که سار بانگت میگرد و دلیل همین بود و اگر بیند که مرغ آبی بانگت میگرد و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که بط بانگت میگرد و خبر مصیبت
 از اهل و دشمن و اگر بانگت بچکان مرغ بشنود و نام مصیبت است حضرت صادق فرماید که بانگت همه مرغان و خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را فغان
 که بانگت و اندوه و مصیبت بود و بانگت ترس و بیم بود و از دشمن یا بانگت زنبور و دلیل بر ترس و بیم بود و بانگت وزغ و دلیل کند که دروغ می فرود آید
 جا بر مرغی که دید اگر بیند که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانگت سحکین می آید و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه کند و هر چند بهتر
 خیر و شر بود حکایت آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که دایه جنبند و با من سخن می گفت ابن سیرین
 گفت که ترا اصل نزدیک آمده است قوله تعالی و اذا وقع القول علیهم اخرجناهم و انزلنا فی کلهم ان الناس
 و چون بگفته بر آمد از دنیا رحلت کرد و بانگت نماز ابن سیرین کوید که هر سنده که مصلح و مؤمن و مستور چون بیند که در جایگاه
 معارف بانگت نماز نشنود و یا بانگت نماز بد و دلیل کند که حج بیت الله بگذارد و قوله تعالی و اخذ فی الناس بالحق یا تؤکد یا
 و اگر بانگت نماز در جایگاه بیجهل بود و کروی و ناپسندیده بد و رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بیند و دلیل که او را بد روی
 و اگر بیند بانگت نماز از مسجد یا از مناره بد و دلیل بود که مرد نماز بخواند و اگر بیند که در بسته خفته بانگت نماز میداد و دلیل بود که
 زن خود الفت دارد و اگر بیند که بانگت نماز در خانه خود میداد و دلیل بود که مغلس و درویش کرد و کوید کسی از اهل بیت و اگر
 و اگر بیند که بانگت در چاه یا در سر راه میداد و دلیل بود که آنکس زنی یا منافق بود و اگر بیند که بانگت نماز کرد و چه میداد و دلیل بر

بیچ

سید

گند ز مانی که بد کردی میند که باز خود مانت نامید و دلیل بود که از دنیا رحلت کند بزودی و اگر میند که در کلمه های بانگ نماز باشد
و نقصانی از دلیل بود که مردمان ستم و سید و کند و اگر میند که کوکی بانگ نماز میند و دلیل بود که پدر و مادر او دروغ گوید و اگر میند که بانگ
نماز در گمراه میند و دلیل به جالی او بود و درین دنیا و اگر میند که بانگ نماز در قافله یا در لشکرگاه میند و تا ویش بد بود و اگر میند که
جوسی و زندان بانگ نماز میند او اقامت کرد و از زندان ربائی یا بد و اگر میند که بانگ نماز به یهود و بازاری میند و دلیل که ملاک کرد
و اگر میند که بر سر کوهی بانگ نماز میند و دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و او را بجز این تعالی خواند و اگر میند که در شماره بانگ نماز
میند و دلیل بود که بزرگی و وفاداری یا بد و اگر میند که در کج خانه بانگ نماز و دلیل که در کار حق خیانت کند و اگر میند که در سفر
بانگ نماز و دلیل بود که بسفر نزد دشمن و در آن سفر بچ و غلام شود ویر بماند و اگر میند که در میان کوهی بانگ نماز کرد و دلیل بود که در
میان قومی شکر گرفتار آید و با وی خیانت کنند و اگر میند که بر کرسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده ببلند و بانگ نماز میکرد و دلیل بود
که عقل از او فایده کرد و اگر میند که دیگری بانگ نماز کرد و او بشنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کامل بود و کسی او را نمیدانست
خواند و اگر میند که بانگ اقامت بشنود و دلیل بود که در کارهای حق و نیکو یا بر حضر و صیاد و یا فرماید که بانگ نماز در خواب و بیدار
و بود اول حج و دوم سخن سوم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر مقدمه هفتم برین هشتم مفلسی نهم خجسته
دهم جاسوسی یازدهم منافقت و بددینی دوازدهم بریدن دست پانزدهم برین کویر که بچاره پاسبان و خواب دیدن پنجمین
و لطیف بود یا بوسه بود که بفرزند و عیال یا بد یا بدستی دهد و اگر پاسبان بسیار میند نصرت و روزی حلال بود بقدر آنکه دیده و گاه
میند که پیر و زنی بخوار یا پاسبان و بخشید دلیل بود که مال و نعمت دنیا بیا بد و بقدر آن که ازین نظام گیرد و اگر میند که پاسبان بسیار
داشت و جمله را به بخشید یا از وی ضایع شد دلیل است که اگر نعمت دارد و جمله را نفق کند یا از وی ضایع کرد و پای و نیل
گوید اگر کسی میند که کپای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال از وی ضایع کرد و او هر دو پای بریده یا شکسته و دلیل
بود که جمله مالش برود و یا خود بمیرد و معتزلان گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته دلیل بود که بسفر شود و اگر
که پای او بپایان رسید و دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر میند که پایش بپایان رسید و دلیل بود که عمرش زود سفری کرد
و مالش نماند زیرا که آنگونه را بقا و قوه نبود و اگر میند که پایش شل یا مبتلا شده بود دلیل بود که بختی و ضعف حال او بپایان رسید
زخمه شتر برین کویر که اگر صالحی میند که پایش شل شده بود دلیل بود که بر زیادتی توین او قول تعالی و کلام علی علیه السلام
میند که پاسبان او برین بسته بود دلیل بود که از کسی منفعتی بوی رسد و اگر میند که پایش نبود و بچوب راه میرفت دلیل بود که غنا
بر کسی کند و از آنکس خانیاد و اگر کسی حال پادشاه میند که هر دو پای او بریده بود دلیل بود که از عمل معزول گردد و مالش تلف
شود و اگر میند که پای او آهین بود دلیل بود که مالش زیاد گردد و اگر میند که پایش سهین بود و کعبش برین میند که دلیل کند
میند که پای او در دامن بود دلیل که او را زانی رسد و اگر میند که پای او بستنی بسته بود و این دلیل بهتر بود زیرا که درخت چو
بود و ستون چون مرده و اگر میند که پای او در دامن گرفتار شده بود یا در جانی فرو رفته بود و دلیل بود که در هر جلیتی گرفتار

سید

سید

بقدر آنکه پانی دی و زان سخت شده بود اگر بینه که پای در پایکای یاد کوری بلخرید دلیل بود که از کار وین و دنیا بازماند پای
 سختی بدو که از ان رنجور کرد و اگر بینه که پای بر ستوری همی جنبانید دلیل بود بر غایت طلب انکار که میجوید که گمانی کوید که هر دو
 پای تنبا و دل و در و پدر باشد بر ضعفی و نقصانی که در پابینه میز دلیل بر پدر و مادر کند و اگر بینه که پای بسیار داشت دلیل که بفر
 شود و اگر در ویش بود تو انکر رود و دیدن پیش پای خود دلیل زینت و بود و حصول مال و طاعت که کرده بود و جابر مغربی کوید که
 اگر بینه که پای او چون پای شتر با پای کاه بود دلیل بود که قوه و مالش زیادت کرد و اگر بینه که پای او چون پای اسب بود یا چرخ
 دلیل بود که قوت و جاه و افزون کرد و اگر پای خود چون پای ورنه کان یا دو کان بینه چیزی حرم حاصل کند و اگر پای خود را
 چنگال مرغان بینه دلیل بر قوه و کسب معیشت او بود و بر دشمن ظفر یا جگر صفاق فرماید که دیدن پای در خواب بر بینه بود
 اول عیش و دیم عمر ستم سخی کردن چهارم طلب مال پنجم قوه ششم سفر به مقام زن و پای کو فتن و خواب غم و مصیبت بود پای
 او رنجن ابن سیرین کوید که اگر مردی در خواب بینه که پای او رنجن در پای داشت دلیل بود که او رانج بود و اگر بینه که سیمین بود
 رنج و سختی او کمتر بود که گمانی کوید که پای او رنجن زانرا نشوی بود و زانرا نیک بود و پیراهن پای زانرا نیک بود و در وانه را
 و اگر بینه که او رنجن زانرا پیرین کرد یا زوی ضایع شد دلیل بود که انگر از وی رنجور دل کرد و بینه نما و ابن سیرین کوید که اگر
 بند بر پای خود نهاده بینه دلیل بود که ترسان و حراسان کرد و اگر بینه که بر پای او دو بند نهاده بود و او مسجد بود و دلیل بود که
 او را درین ثبات بود یا در نماز یا در خرای یا در کار که دران صلاح وین بود که گمانی کوید که بینه در خواب بند را که در پای خویش بند بود
 و او را غم سفر افتاد و دلیل که در آن سفر دیر ماند و در آنجا مقیم کرد و هر چند که بر پای بند قوی تر و محکم تر بینه دلیل که اقامتش
 در آنجا بیشتر بود اگر بند فراخ بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بینه که بندش از سر بود همین دلیل کند و اگر بندش از آهین بود دلیل بود
 بر آنچه که تخت یا کرده شد و اگر بینه که بندش از سر بود مقیم شدن از بهرین بود و اگر بینه که او چون چوب بود مقیم شدن
 از بهر فساد وین بود و جابر مغربی کوید که اگر بیماری بینه که بر پای او بند بود دلیل بود که از ان رحمت غلاصی یابد و اگر پادشاه بینه که بر
 او بند بود دلیل که پادشاهی بروی پایار بود و حضرت صفاق فرماید دیدن پای بند در خواب بر سر و وجه بود اول ثبات و درین قیام
 زن خواستن ستم از سفر باز آمدن و علی الحمله هر که در خواب بینه که در پای او بند بود و اگر درینکی در وی پایار بود و اگر در وی
 بود و همچنین پای تا به ابن سیرین کوید که پای تا به در خواب چون نهاده بینه مال بود و چون پای یا چیده بینه سفر بود و اگر
 که پای تا به بر پای چیده است چنانکه مسافران اینک بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود دلیل بود که زود از
 دنیا رحلت کند و اگر بینه که پای تا به خویش بفر و خست یا بکسی بخشید دلیل بود که مال او ضایع کرد و حضرت صفاق فرماید که پای
 در خواب بر سر و وجه بود اول مال و خوشه بود و دیم سفر ستم مرگ بود و کسیکه بر پای چیده و تنها غم بیابان کرده یا چیده
 ابن سیرین کوید که اگر کسی در خواب بینه که پاچه کوسفند همی خورد و دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد بقدر آنکه خورده بود و اگر بینه
 که پاچه کاه همی خورد و دلیل بود که در آنسال او را فراخی و نعمت بود و بر اندازد خورون او جابر مغربی کوید که خورون پاچه در خواب

پای او رنجن
 بند بر پای

سفر
 ستم

و عالم میگردید و لیل و نهار و مال حرام باید پیرستان برین گوید اگر کسی بیند که برست و پشت یا کسی بوی و او دلیل بود
 که از کسی که از او جدا شده بود موافقت کرد و در مقام او قرار گیرد و اگر بیند که برست و راجحت یا از دست بیفتد و دلیل بود که
 که برست و از جهتی بود و در شود که مانی گوید که دیدن برست و در خواب مردی توانگر با خبر بوده اگر برست و در مادی بیند
 با خبر بود و اگر بیند که برست و از مانی گوید که از مردی توانگر جدا کرده و اگر بیند که برست و در دست و دلیلی بود که با او
 میرود و در آن و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که برست و در مانی را گرفت دلیل که از غم و آفرین برین کرم کرد و برست
 این برین گوید که برف بواب دیدن غم و اندوه و در غاب بود که اندکی دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجا بکاهی که برست و در آن
 برف بود دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید که دیدن برف بواب لشکر نهی می بود و خاصه که برف بیند
 صادق فرماید که دیدن برف بواب برش و وجه بود و اول روزی و تویم زندگانی ستم مال بسیار و اندازنی از خنجا چارم لشکر بسیار
 پنجم بیماری ششم غم و اندوه و اگر بیند که بتابستان برف جمع میکرد دلیل که مال حلال جمع میکرد و دلیل که بعبث خوش گذرانند
 و منفعت بسیار باید که مانی گوید که برف بواب دیدن در سر و سپر و دلیل بر خیر و نیکی کند و در که میسر و دلیل بر غم و اندوه و قضا و بیان
 و اگر بیند که برف بوقت خود مجوز بهتر از آن بود که بوقت بود برقی این برین گوید که برق در خواب خزان و بار پادشاه بود و
 از متجران گفته اند که برق وعده کردن پادشاه بود و بیدی و موطاع را بطبع وی اگر بیند که برق آسمان را از بار فرافروفت دلیل که
 کند که در آن خنکی و خیر آن بود اگر بیند که برق می درخشید و دلیل که در آن سال لغت فراخ بود و خاصه که با برق باد آهسته بود و خنجر
 فرماید که برق در خواب برین وجه بود و اول خزان و بار پادشاه و تویم و عده بدستیم حساب چهارم رحمت پنجم راه راست بر کشود
 این برین گوید که بر کشود در خواب ستواری و محکم کاری بود اگر بیند که بر پسی یا بر گسوان نشسته بود دلیل بود که کار وی محکم و استوار
 کرد و بر دشمن ظفر باید و خنجر را قهر کند جابر مغربی گوید اگر بیند که اسب وی با بر گسوان و در میان دزد میسر و دلیل بود که کار بر او خوب
 و دولت مساعد و کرد و اگر بیند که بر گسوان از اسب و در افتاد یا ضایع کرد و دلیل بود که نام او یابد و در دست و خنجران غلبه کرد
 برین برین گوید که برین دیدن بواب مالی بود که برین حاصل کرد و بعد از آنکه دیده بود که مانی گوید اگر بیند که برین پنجه می خورد و دلیل بود که
 حاجت او را کرد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که برین با کشت پنجه می خورد بهتر و نیکی تر بود و برین با شیر خوردن نجابت نیکی بود و
 بیند که برین با و و پنجه می خورد و دلیل بر غم و اندوه کند و خنجر صادق فرماید که دیدن برین در خواب برست و وجه بود و اول و تویم حاکم
 شیر خنجر و منفعت که بدو رسد برنده این برین گوید اگر بیند که برنده داشت و از دست او برید و دیگر بار دست او دلیلی بود که
 او را کرد و اگر بیند که برید و دلیل بود که بعضی از مال او و بر نیان بدانکه بر نیان در خواب چون تاوان یا دزد شرج آن در حرف
 و مال میان کرده شود بره این برین گوید که بره در خواب اگر برید و اگر ما بود و فرزند بود اگر بیند که بره فرافروفت یا کسی بدو
 و او دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند بوی بود و اگر بیند که بره را بکشت دلیل بود که فرزند او میسر و اگر بیند که کشت بر
 را بخورد و او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد که مانی گوید که دیدن بره در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بهتر از آن

باید پیرستان

باید

باید

باید

باید

باید

و اگر کسی

بازرسی

بازرسی

بازرسی

بازرسی

بازرسی

و یکدیگر او را بکینه کرده و داشت و ارباب غفلت رسد بقدر آن و اگر بکینه کرده یا بفرقه را بکشت و از آنجا رود و از هر کشت کشت
 دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت صادق علیه السلام که دیدن برده در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند و دوم مال حلال
 ستم معیشت چهارم غم و اندوه بر سر یکی محمد بن سیرین که پدر اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند
 دلیل بود که حج طلب کند و اگر بکینه خواب بر روی مستور صالح بود کنا پیش عفو کرد و اگر خداوند خواب صالح بپوشاند دلیلش بر بودگرمانی بود
 اگر کسی خود را برهنه بیند و طلب دنیا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بکینه که از آری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت و عبادت محنت کند
 چار مغزنی که پدر بر سر یکی در خواب لیل محنت و روانی بود اما اگر عورت را پوشیده بیند مرد صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود حضرت صادق
 فرماید که بر سر یکی در خواب بر روی صالح را خیره و نگی بود و مرد مفسد را بدی و روانی و حیضی پر روانه این سیرین که پدر که پروانه در خواب دیدن
 مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنا وانی در پلاک اندازد که گمانی که پدر اگر بکینه که پروانه از پس پشت او سپرد و انگس او را نگر فیل
 که مینرکی دوشیزه دراز کند و از وی پسری آید اگر بکینه که پروانه را بکشت یا در دست او ملاک شد دلیل که فرزندش ملاک کرد و
 بروت در خواب دیدن دلیل بر بهیبت مرد کند اگر بکینه که کنی بروت او را بمضاض بسیار است تا دلیل نیکو بود و او بر حضرت رسد
 و اگر بکینه که بروت او در وقت پیرستن از تن برید یا بستر دلیل نقصان معیبت مرد بود که گمانی که پدر اگر بکینه که بروت دراز شده بود دلیل
 که او را قوتی بود و اگر بکینه که کسی بروت او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بکینه که بروش سفید کرده بود دلیل که از کار ناکر وانی
 باز ایستد و اگر بکینه که او را بروت بود و اگر از او بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر از آنک بود دلیل بر غم و اندوه و مراد کند بر ج و انیال که پدر
 که دیدن حمل و اسد و قوس شکریا پادشاه بود و دیدن ثور و سنبله و جیدی سپر یا پادشاه و دیدن خوز و میزان و دلو قاضی و ساجت
 پادشاه بود و دیدن سلطان و حشر و حوت و دیار صاحب شرط و شراب و پادشاه بود و این سیرین که پدر اگر کسی حمل را بخواب بیند با مرد
 محشم در کارهای افتد و حاجت او روا کند و اگر ثور را بیند با مردی حامل و ناوان او را کارهای افتد و حاجت او روا کرد و اگر خوز را بیند با مردی بی
 با زبان و نا کارهای افتد و حاجتش روا کرد و اگر سلطان را بیند با مردی با ملکی کارهای افتد و حاجتش روا کرد و اگر ثور را بیند با مردی با
 با مردی کشا و زبونی کارهای افتد و مرد او را بیند با مردی با ملکی کارهای افتد و حاجتش روا کرد و اگر ثور را بیند با مردی با
 مفسد بد کاری اندند و او را رحمت رسد و تخمین کرد و اگر قوس را بیند با مردی با ملکی کارهای افتد و حاجتش روا کرد و اگر خوز را بیند با مردی با
 او را دوست دارند و اگر حوت را بیند با مردی غریب ساده دل و نیکوای مهربان کم سخن کارهای افتد و حاجت او روا کرد و اگر در پر
 ست بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند محبت است و کام روانی در آنکار که بود ابوهریره که پدر از رسول خدا
 مردی در خواب دولت و بزرگی بود و دوست دوست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود و محمد بن سیرین
 که پدر دیدن که خوشنوی و شادمان و خوب روی بود دلیل که خود دولت یابد و اگر از داشت و تخمین بیند دلیل بر غم و اندوه
 کتا و اگر پری خوش را مرد بیند کار او شود و دیده کرد و اگر با پری جنگ میکرد دلیل که کار او آشفته کرد و گمانی که پدر که پیران بعضی ستم
 در خواب دیدار دوست و محبت و دولت بود و آنچه کافر باشد دیدار ایشان دیدار دشمن و او با و اندوه بود و انیال که پدر اگر کسی در خواب

بسیار

و تویم بزرگی و رفت ستم مرتبت چهارم مان خیم عمر در از ششم تا بقدر بزرگی بدانکه چون بساط فروش چون بهاستان بخاک
این بود بستر این سیمین کوی که بستر خواب زن بود و نیک و بدان تعلقی زن وار و اگر بید که بستی خرید یا بستر را بدل کرد یا از
بستر بستر دیگر شد و دلیل بود که زن دیگر خواهد وزن نخستین اطلاق دهد و اگر بید که بستر از حال خود متغیر کرد و دلیل بود که زن او را
بجای دیگر کرد و اگر بید که بستی بستر دیگر شد بهتر از آن یا که از آن و دلیل کند که زنی بخواد وزن نخستین را اطلاق دهد و اگر بید که
تویشتر از غیر و حیثیت با و زیشت دلیل بود که زن را اطلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی ببرد و کافی کوی اگر کسی خود بر بستر
مجمول بید دلیل که بقدر قیمت آن او را زبانی رسد و اگر بید که بستی بر تختی مجهول گسترده بود و بر وی نشسته بود و دلیل بود که بزرگی
و ثمرت یابد و دشمنان را قهر کند جابر مغربی کوی که بستر در خواب ولایت و تن آسانی بود و قوله تعالی مشککین علی فومش
بجایگاه است و اگر بید که بستر از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد و دلیل بود که میان او وزن اطلاق و حی
افتد و اگر خوشن را به بستر چهارم بزرگی افتاده بید و دلیل کند که بستر او به بستی زنی بخواد یا اینکه ضرر و اگر بستر خود را در خانه
بید یا در مخاک که از آنجا بیرون نخواست و دلیل بود که زنش رنجور گردد و از آن رنج خلاصی نیابد و اگر خویش را بر بستر نیم
گسترده بید که خفته بود و دلیل بود که آنسال بروی مبارک گردد و اگر بید که بستر او از ششم گنده بود و دلیل بود که زن او را خواهد و اگر
که بستر او دیده بود یا سوخته بود و دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد اگر بید که بستر او از
بود و بستر کس پائین بدل کرد و دلیل بود که زن فاسقه را دست بداد و زن مسوره بخاد و اگر بید که بستر او مشهور بود و دلیل
بود که میان آن او و کسی نامزد محاطی اتفاق افتد و بفساد و ف
اطلاق دهد و در وی دیگر خواهد یا بستی محروم را کوی که بید که بستان آمان برید و دلیل کند که بید که بستر او از ششم خود بستر
برید و دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و باید از گناه توبه کند اگر بید که بزرگداشت لیکن بجای بستر مخان دلیل کند که بیمار گردد و در نزد
پلاک رسد و حاجت شفا یابد و اگر بید که از جانی بجانی پرواز میکند و دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت صادق فرماید که بید که بستر او از ششم
وجه بود اول سفر و تویم سیم بزرگی چهارم تغییر حال خیم بیماری و مرگ لغو باقی است بر بیان محمد بن سیرین کوی که بریان در خواب خواب و
سخن بود و فراخی طلب روزی و گوشت بخت تاویل بهتر از گوشت خام بود کرامی کوی که کسی بید که بریان از گوشت که سفید خورد
و دلیل کند که بقدر آن مال بزرگ و سختی بدست آورد و اگر بید که بریان از گوشت کا و خورد و دلیل بود که از ترس و بیم این گردد و اگر بید که
بریان بی خورد و دلیل بود که او را مالی اندک حاصل کرد و بعضی از متغیران گفته اند که خوردن بزرگ بخت در خواب دلیل آمدن بیماری کند جابر مغربی
گوید که بید که سر بریان میخورد و دلیل بود که او از ترس می منفعت رسد و اگر بید که مرغ بریان میخورد و دلیل بود که مالی از جهت زنی بگریزد
بدست آورد و اگر بید که ماهی بریان کرده میخورد و دلیل بود که بسفر شود و بطلب علم یا بصحت مردی بزرگ پیوندد و اگر خداوند خواست
بود و اگر مفسد بود و دلیل بر پنج و خم و اندوه بود و دشمنی ماهی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و ماهی بزرگ بهتر از خرد بود
و دیدن بریان فروش در خواب مردی بود که سبب وی دیگر این فرخ روزی کرد و بزرگ از بغا سی جامه فروش بود و ویش مردی بود
عظیم خطرناک زیرا که بهای جامه درم و دینار بود که و بپزد و ستاند و مایل درم و دینار مکرده و اندک بپزد و در آن هیچ خیر نباشد لکن

بسیار

بسیار

بسیار است
بسیار است
بسیار است

گوید اگر خواب بیند که بست میخیزد یا بست دارد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورده و اگر بدید که بست کسی داد یا بفروخت دلیل بود
 که از وی بداند که غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که بست داشت و از خانه بیرون ریخت یا کسی بخشد و میخیزد از آن بخور و دلیل بود که از
 غم رسته کرد و از آن خلاصی یابد بستانان فروز این سیرین گوید که بستانان فروز در خواب دیدن نشاوی بود لکن بدین باب و اگر بیند که
 بستانان فروز فریاد گرفت یا کسی بدو داد و دلیل بر خرم و شادی بود که خرم کرد و اگر بیند که بستانان فروز کسی داد و دلیل بود که او را خرم کرد
 اگر مانی گوید که بستانان فروز چون بوقت خود بیند مغمی بود و بعضی از متعبران گویند که زن باز در کانی توان کرد بود با جمال و خوش طبع و اگر
 بیند که بستانان فروز در خواب در جایگاه خویش میگرد و دلیل که در باز در کانی دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین بگردد دلیل که از
 صحبت مردی جدا گردد و بستانان در خواب و خمر بود و آنچه در بستانان بیند از زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران گفته و اگر بیند
 که از بستانانش شیر روان کرد و دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ کرد و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از بستانانش خون نشوید
 بود و دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بیند که بستانان پیش از اندازه فرو و آنچه بود و دلیل بود که او را دشمنی آید و اگر مردی بیند که بستانان او
 شیر جمع کرد و بدو را کرن نذر زن خود و فروزندش آید و اگر زن دارد و توانگر شود و اگر این خواب را بچرخه بیند دلیل بود که بر وی دشمنی بود
 و اگر زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که ترش درازد و اگر دشمنی بیند دلیل بود که هم دشمنی بر وی میرسد و مانی گوید اگر مردی بیند که بستانان
 مردی بکشد دلیل بود که بیمار گردد و اگر زنش آبستن بود پس آورد و اگر زن بیند که از بستانان چیزی و دلیل بود که کار دنیا بر وی بسته گردد
 جابر مغربی گوید بستانان در خواب زن او بود و بستانان زن و دشمنی و اگر زنی بیند که بستانان او بر سر بود و دلیل بود که دشمنی
 نیز میخیزد و دلیل شد که بیمار گردد و زود شفایابد و پوست بپیم و میخیزد و اگر زنی بیند که در بستانان پستانی دیگر بر آید دلیل بود که دشمنی
 یا سیاف یا بجزید و دلیل کند که در فرازند میبارد آید و اگر بزغال ریخت دلیل که فرزند او مال گردد و اگر بیند که گوشت بزغال را بخورد
 و دلیل که از مال فرزندی بخورد حضرت صادق فرماید که بز در خواب مقدم لشکر بود و اگر بیند که بز بیافت و بر وی نشست دلیل بود که آن
 مرد مقدم لشکر گردد و اگر از مردم خاصه بود و دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و توانگر شود و حضرت صادق فرماید که از پیغمبر شنیدم که فرمود
 که هر که بز را خواب بیند که بجزید یا بخورد و دلیل که روزی دور گردد و دیدن بز فروش در خواب مردی بود که مردان فرزندان را جمع کند که مانی
 گوید که بز ماده در خواب دیدن و گوشت او خوردن مال صحیح گردان بود و بعضی از متعبران گویند که مالی صحیح کرده او را حاصل گردد و جابر
 گوید که بز ماده دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت است چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود و دلیل بر غم و اندوه کند بذر
 قسطو نا این سیرین گوید که دیدن بز قسطو نا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود
 بساط یا آنکه بساط در خواب شاد و روان بود و اگر بیند که بساطی بکشد و بر وی نشست دلیل بود که روزی بر وی فراخ کرد و دو دشمن
 دراز بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ فراخ و دلیل بود که نعمت و مال او بسیار گردد و خاصه که کس و دیند
 که بساط خویش بفروخت یا کسی بخشد دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بر وی
 بسته گردد و حالش بد شود و حضرت صادق فرماید که دیدن بساط در خواب چون بزرگ و نو بود برش وجه بود و او را خورده جابه

بسیار است
بسیار است
بسیار است

نیم

نیم

نیم

نیم

رسد و اگر بید که پشت او درشت و با قوه بود و لیل بود که او را فرزند می بیند و دانا و عاش بود و اگر بید که چیری بر پشت گرفت لیل بود که بعد از آن کرانی و غم و اندوه بودی رسد و اگر بید که مرده بر پشت گرفت دلیل بود که بموت کسان مرده بودی بود و اگر بید که پشت او بر پشت لیل بود که حال او بد کرد و جابر مغربی بود که بید که پشت و شمن بخواب دیدن ایمنی بود از شر و شمن و ویرن پشت زن لیل شمن و دنیا بود اسمعیل شفت که پشت بخواب دیدن برادر بود و اگر بید که پشت او شکست دلیل که برادرش میر و اگر بید که پشت او دور و همسگر و لیل بود که برادر از برادر باز مرده غم و اندوه رسد و اگر بید که بسبب عتقی پشت او داغ کرد و دلیل بود که بر صلاح دین و دنیا می وی و اگر بید که پشت بدیوار باز داد و لیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشت بخواب دیدن بر و دراز و ده وجه بود اول قوه و دوم بروری ستم یا چهارم پا و شاه پنجم وزیر ششم حجت هفتم پدر ششم برادر نهم سپهر نهم مال نهم مایاری و اوان و دوازدهم جد یعنی پدر پدر و معتبران گفته اند که دیدن پشت کاغذ از انجان بود و فاسقا از التوبه و جاد و اسلام و منافقانی اخلاص پشت این سیرین بود که اگر که دید و پشت زمین مامون نشسته بود یا بر پشت کوبی دلیل بود که بر مودی بزرگوار که شرف و منزلت یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی از زمین بود که سیرین که هست و اگر بید که بر سر آن پشت ایستاده بود دلیل که بنزدیک مودی بر شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر بید که آن پشت ملک و موضع او بود و لیل بود که مودی بزرگ او را خیر کند و نعمت و مال او بستاند و بجای او مقیم گردد و اگر بید که بعضی از آن پشت ملک او است دلیل بود که بقدر آن نعمت و بزرگی یابد و اگر بید که از آن بزرگتر یا کسی از آن بزرگتر باشد و دلیل بود که بسبب مودی بزرگوار میرمت گردد و حضرت بید و اگر بید که بر آن پشت بد شواری و رحمت بالا می رفت دلیل بود که غم و اندوه بد برسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشت دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بندی و دوم مال ستم قدیم چهارم تنومندی و پنجم این سیرین بود که پشت در خواب دیدن از همه و جی مال حلال و روزی بود و پیشمی که باقیه نباشد بر تیر و پنجه و اگر بید که پشت یک کسی بد و او یا بخیر یا بموضع خویش بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و قوله تعالی **وَصَوِّفْهَا وَأَوْبَارَهَا وَأَشْعَارَهَا أَفَّا تَأْتُوا مَكَائِلَ حِينِ كَرَامِي كَوَيْدِ كَيْشَمِ** از خویش و در جی از اذاحت دلیل بود که مال خود را تلف کند و اگر بید که پشت می سوخت دلیل بود که مال خود را از هر چه کند و اگر بید که بر تن وی جائه نشین بود دلیل بود که مال از آن نان مال حاصل کرد و اگر بید که جائه نشین یا بنه بخیر یا بسری از پشت داشت دلیل که زنی توانگر نخواهد جابر مغربی که بود که پشت او در خواب مال بود از قبل او شاه و معتبران گویند که میراث بود پشت این سیرین که یکد که پشت مودی ضعیف و خوار و نیک بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر بید که با پشت جنگنا میگرد و لیل بود که مودی ضعیف خصوصت کند و اگر بید که پشت بکلوی او فرود شد و لیل بود که مودی حقیر کار می حقیر مشغول گردد و از او اندک چیزی بد و رسد و اگر بید که پشت بسیار بر تن او جمع شده و او را میگرد و لیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی حضرت رسد و باشد که او را زبان رسد زیرا که پشت خون مر و مر که و اگر بید که پشت او گوش را در بینی او فرود شد و او را در پنج و گرد یافت دلیل بود که او درم ضعیف بد و کرد رسد کرانی گوید اگر بید که پشت بسیار بجا ناله و از آن لیل بود که او را غم و اندوه رسد و اگر بید که پشت کان غلبه کردند و در خانه او جمع شدند دلیل بود که بر شمن ضعیف نظر نماید و اگر بید که پشت در بینی او شده و بر

شاید دلیل بود که در محنت و بلا گرفتار کرد و بطاعت این سیرین گوید که بطور خواب دیدن مال و نعمت بود که بدو رسد بقدر آنکه دید و بدو حاصل
 که در خانه و ملک خود دید و بود اگر بیند که بطلان بسیار در سر پایور کوچه و جمع شده بودند و بانگت همیداشتند دلیل بود که در آن موضع
 مصیبت افتد اگر بیند که با وی سخن گفتند دلیل بود که بسبب زنی توانگر سفر کند و در آن سفر حرمت و منفعت یا بدگمانی گوید بطور خواب
 مردی بود بزرگ از این بیت با مال چشم بسیار اگر بیند که از اندام چیزی یافت دلیل بود که از مردم بدین صفت که گفته شد چیزی یابد
 حضرت صادق فرماید که بطسفی در خواب مال بود یا زن توانگر و بطسفا در خواب کینه بود اگر بیند که بطرا بکشت و از گوشت می بخرد
 دلیل بود که مال زن میراث ستاند و هزینه کند بخل این سیرین گوید که بغل دیدن بخواب بلیل بر طاعت و رشتی بود که بدو رسد و مومها
 بغل دلیل کند بر یافتن مراد و غالب شدن دشمن بروی کرمانی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد دلیل بود که مال حرام
 جابر مغربی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد هم مال حرام یابد و اگر کسی بیند که دستها و زیر بغل داشت دلیل بود بر یافتن
 مراد و قهر دشمن قوله تعالی **وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ وَرِجْلَكَ خِلْفَكَ** و بعضی از معبران گویند که دلیل بود بر ویشتر برکت
 و جود مردی و هر که بیند که در بغل او نقصانی نیست بود که مراد وی کشند و دشمن بروی غالب کرد و اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش
 می آمد دلیل بود که مال بوی رسد اما بدشوار می و اگر بیند که از زیر بغل عرق روان شد دلیل بود که بقدر آن عرق از مال چیزی نقصان
 کرد و بقالی کردن این سیرین گوید که بقالی کردن در خواب جسد کردن بود در کار یا چیزی حاصل کردن چه معیشت اگر بیند
 که بقالی می کرد دلیل بود که بکار و کسب دنیا مشغول گردد و بقدر آنچه داشت و تر از متاع دنیا حاصل کرد و کرمانی گوید اگر بیند که متاع
 بقالی را ببرد و در مفر خفت دلیل کند بر غم و اندوه زیرا که زرد و درم تپا و غم و اندوه بود و حضرت صادق فرماید که بقالی کردن در خواب
 برشته وجه بود اول کسب کردن و تویم منفعت بافتن ستم و اندوه چون بیند که متاعها را می فروخت بزد و درم بلا بکفنی این سیرین
 گوید که بلا بکفنی در دست داشتن بخواب دلیل بود که او را از کسی مدد و قوت نماند و اگر بیند که بلا بکفنی از چوب نرم بسته بود تا ویشتر نماند
 این بود که گفته شد پلاس در خواب دیدن در خوشی بود مصلح و پارسا و دین دار از احوال و افعال با امانت اگر بیند که پلاسی پشیمانی
 داشت دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت یابد و اگر بیند که پلاس بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن
 او را مال و نعمت حاصل گردد و معبران گویند که پلاس مالی حلال بود و اگر بخواب بیند که پلاس نیافت دلیل بود که زن پارسای توانگر
 بخوابد و از او خیر و منفعت بیند و اگر مردی بیند که پلاس نوجوید دلیل بود که کثیرتک پارسا بخوابد و از او خیر و منفعت یابد بلیل دیدن کرمانی
 گوید بلیل در خواب دیدن فرزند کوچک و غلام بود و از او در خواب کلام خوش سخن لطیف بود و اگر بیند که بلیل بر پدید دلیل بود که فرزند غلام
 او ضایع گردد و اگر بیند که بلیل در دست او بر دلیلی بود که فرزند یا غلامش میرد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلیلان بسیار داشت دلیل بود
 که بقدر آن غلامان بخوابد و اگر بیند که بلیلان بکشت و از گوشت آنها بخورد دلیل بود که غلام او میراث یابد بلیل کرمانی گوید که بلیل در خواب
 دیدن کینه بود و این سیرین گوید زن او بود و اگر بیند که بلیل خرد یا کسی بوی داد و دلیل بود که کینه خرد یا زن خواهد و اگر بیند که از آن
 آب می خور و دلیل بود که با زن مجامعت کند و اگر بیند که آن بلیل شکست دلیل بود که زن یا کینه وی بخورد حکایت

تجارت

تجارت

تجارت

تجارت

تجارت

تجارت

تجارت

کنند از او غله که او گفت که پیش من بودم مردی بیاد و گفت خواب دیدم که از بیدار آب میخورد و آن بیدار را دور خود دارد
آتش سیرین خوش میخورد و از یکی آب شور و تلخ این سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را بکار میداری تو بکن و از خدا بترس
بر سر مرد و گفت چنین است که تو گفتی تو بکردم و بخدا باز کردیدم بلغم دیدن این سیرین که بید که بلغم در خواب مانی بود که بوجه صلاح
اعمال و الفقه کند کسی خواب ببیند که بلغم بجای کاهی ببرد انداخت تا ویش بخلاف این بود اگر ببیند که بلغم سفید از گلو را انداخت بجا
یا کینه و دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند که مانی کوید اگر بجای میبند که بلغم را بچکند دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر ببیند که بلغم
بچکند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر ببیند که بلغم خون آلود بود دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان کرد و اگر ببیند که بلغم بدرون خانه
سوزاند و انداخت دلیل بود که مال بر یکا بکمان نفقه کند و اگر ببیند که بلغم در مسجد بچکند دلیل بود که مال نه بوجه صلاح بر یکا بکمان نفقه
برکت این سیرین کوید که در خواب دیدن برکت و زشت بر درخت خلق و خوی به بیند خواب بود و خاصه به شکام وی و اگر ببیند
که برکت بهر از درخت پاره فرا گرفت یا کسی با و داد و دلیل ببیند خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو که مانی کوید اگر
ببیند که از درخت برکت تازه فرا گرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل کرد و جای مرغی کوید که برکت و خشان میوه
شیرین و دلیل بر خلق نیکو بود و برکت و خشان میوه تریش دلیل بر خلق بد بود و برکت و خشان نیکه را رتیا و رند دلیل بر دردم و
بود و خشان کوید که برکت و خشان نیکه میوه دارند دلیل بر دردم و دینار کند پلنگت این سیرین کوید که پلنگت در خواب
و دشمن قوی و توانا بود و اگر ببیند که با پلنگت جنگ میکند و دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود و پلنگی که
پلنگت بر روی غالب کرد و دشمن بر روی غالب کرد و اگر او بر پلنگت غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر ببیند که او
پلنگت می خورد و دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن مظهر کرد و شرف و بزرگی یا بد که مانی کوید اگر ببیند که پلنگت
نشست دلیل بود که بر خود و جاه وی دشمن را قهر کند و اگر ببیند که با پلنگت جنگ میکند و هیچکدام بر یکدیگر ظفر نیافتند
و دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بدورسد یا بیماری صعب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر ببیند که شیر پلنگ را همی خورد
و دلیل بود که از دشمن ترسی بدورسد و سر انجام امین کرد و اگر ببیند که پوست پلنگت یا استخوان یا میوی او را فرا گرفت
یا کسی بدو داد و دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیاورد اگر ببیند که پلنگی را بکشت دلیل بود که از اسلام روی بگرداند و در او
هیچ خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پلنگت در خواب بر سر و جد بود و اقل دشمن قوی و قوی مال یا خلق از دشمن شتم
ترس از پادشاه بلور بداند که بلور در خواب بی بی اصل بود و اگر ببیند که بلور داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که زنی بی اصل
زنی بی بخا و اگر ببیند که بلور داشت یا صاحب شد و دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب کرد و اگر ببیند که بلور بسیار داشت
و دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل کرد و جای مرغی کوید اگر ببیند که بلور میفر و خشت دلیل بود که دلالی زنان بی اصل
و اگر ببیند که بعضی از آن بلور که میفر و خشت بعضی سوراخ داشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلالی دختران و شیر و زنان
میوه بی اصل کند بلوط این سیرین کوید که دیدن بلوط و خواب روزی حلال بود و بقدر آنکه خورد و بود اگر ببیند که در خانه و

فقه
نیمه

سپ

سپ

سپ

سپ

اما نشانی بلوط بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار او را و آتشال حاصل کرد و چون دانند که آن بلوط ملک می هست و اگر بلوط در خانه
 دیگران بود دلیل که مردان پیش او امانت ندارند حضرت صادق فرمود که دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال و دوم
 منفعت ستم معیشت نیکو پلیت که مانی گوید که پلیت افروخته در خواب کار فرمائی بود که پیش مردمان بود و پیرامن وی کرد و ستم
 کند اگر پلیت افروخته نباشد تا ویش بخلاف این بود بناگوش در خواب دیدن پسری خوب روی مبارک بود و هر دو بناگوش
 و هر پسر بود که مانی گوید که دیدن بناگوش در خواب دلیل بر قدر و جاه و بود و زیادت نقصان دیدن در بناگوش دلیل بر قدر و جاه و
 خواب بود حضرت صادق فرمود که دیدن بناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول پسری نیکو روی و دوم قدر و جاه ستم دین و
 چهارم منفعت از سبب فرزند پنبه ابن سیرین گوید که پنبه در خواب مال حلال بود و بقدر آنکه دیده بود و از اندک و بسیار و پنبه دان
 بخواب دیدن دلیل بر مال بود که و از آسان بدست آورد بی ریخ و لقب حضرت صادق فرمود که پنبه در خواب بر سه وجه بود اول مال
 حلال و دوم منفعت ستم سربودن پنبه و آن ابن سیرین گوید پنبه دان در خواب بر دو وجه بود که بود و بخشش دانای که بود بخشش
 در خواب دیدن مردی با قدر و جاه بود اگر صاحب ستر بود و اگر ستر نبود و پنبه که او را بدام باجیستی گرفت و دلیل بود که با مردم به قدر مروت
 ساز و عاودا فرزند و اگر پنبه که بخشش داد و گرفت دلیل بود که زنی با قدر و روی ظفر نایب و اگر پنبه که گرفت دی بخور و دلیل بود که مال از مرد
 که گرفت می خورد بود و بدو رسد و اگر پنبه که بخشش از نمایان بیرون آورد و دلیل بود که بدو ریخ و علامت رسد که تا که دیدن ابن سیرین گوید اگر پنبه که بخشش
 شکار میکرد و کردن پیش از فرو می شکست و در انبان می نهاد و دلیل بود که معلمی که دوکان بکند و اندام ایشان را بجا بود و کند و اگر
 بخشش سرخ را صید کرد و دلیل بود که زنی خوب روی خوابد یا کنترکی با جمال بخورد و اگر پنبه که بخشش زی یافت دلیل بود که زنی بجا که زرد
 کند و معتبران گویند که بخشش یافتن در خواب فرزند بود یا غلام اگر پنبه که بخشش گوشت و داشت دلیل بود که با مردی هموار یا بفعل دوستی
 کند و گفته اند که یافتن بخشش در خواب دلیل بود که اگر درویش بودش مردم بیاید و اگر تو فقر بودش هزار مردم بیاید و خانه بخشش
 خواب دیدن دلیل بر خیر و مخرمی و امینی بود و اگر پنبه که بخشش را از خانه بیرون آورد و دلیل بود که
 او را فرزندان باشند از حلال و حرام و اگر بخواب که بخشش آواز می کرد و آواز او را می شنید دلیل بود که
 سخنانی شنود که او را از آن شکفت آید و معتبران گویند که آواز بخشش آن در خواب تسبیح کردن بود
 اگر پنبه که بخشش بسیار و امهمل شد و دلیل بود که بر سر قومی سردی کند و مالی بسیار یا بر که مانی گوید که بخشش در خواب ستم دین کی بیند
 فرزند بود اگر پنبه که بخشش بسیار بکشد و دلیل بود که او را با مردمان غوغا کاری افتد و اگر پنبه که بخشش در میان نهاد
 و فرو برد دلیل بود که او را فرزندی آید اگر پنبه که بخشش بسیاری بد بخشید و دلیل بود که بقدر آن مال یا بد اگر پنبه که بخشش
 یا در دست او بود دلیل کند که زنی بدو رسد و فرزندش بیرون آید اگر پنبه که خانه بخشش را گرفت دلیل بود که او را فرزند آید و در دست
 اندام حضرت صادق فرمود که دیدن بخشش در خواب بر نه وجه بود اول پادشاه و دوم والی ستم مردی بزرگ قدر چهارم غلام خوب روی
 پنجم قاضی ششم بازگان هفتم مرد را دهن هشتم مرد با خصوصیت نهم مردی بخلی که درین سبب بود حکایت کرد

بخشش
 بخشش
 بخشش
 بخشش

مفسر

بجاء

بجاء

بجاء

زوی چندین فرزندان در وجود آمدند و آنکه گفتند از عمر بزرگتر و منفعت بیند یا ثنای نیکو بدان نمی گفتند که دلبسته
 آن چیزش بود و دستا نهاده او آدم نماز بودی خوش ثنای نیکو بود و چنان دانید که هر خوابی که استادان تعبیر آن کرده اند از آنکه
 برای بیم که بدید که در خواب بیماری بود و خواب بوقت و خواه بیوقت و هر چند که بگونه زرد و بیماری صعب تر بود و حضرت صادق
 فرماید که دیدن بد خواب چون بوقت خود بود بگونه سیر بود و بتاویل فرزند بود و چون نه در وقت خود بیند که بگونه زرد و بیماری بود و چنان
 بن سیرین گوید که بهار در وقت بهار باد و شاه بود و اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا نامحتمل چنانکه اگر می و سردی مرد و نام
 حضرت و پنج رسیدی دلیل بود که اهل انداز را از پادشاه پنج و حضرت رسد و بیند و اگر بیند که هوا محتمل بود و چنان خرم گشته
 از آن و شکوفه مردم را پنج و حضرت نبود دلیل که مردم آید از پادشاه و خبر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود با محتمل بیند
 دلیل که جاه و عز و رفعت بود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تاویل فصل پائین
 همین بود و بهشت ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و مژده بود از خدا تعالی قوله تعالی اَوْ خَلَوْهَا بِسَلَاةٍ اَمْنٍ
 و اگر بیند که از میوه های بهشت فرا گرفت یا کسی بوی واد و بخورد و دلیل بود که آنقدر که میوه بهشت خورده بود علم و دانش آموز و سیرت
 بون ماند لیکن بود و نذر و اگر بیند که با حوران بهشت همی بود و دلیل بود که نزع بروی آسان کرد و اگر بیند که در بهشت مقیم شود و لیکن
 گنا شدند دلیل بود که در دنیا میکش و فساد و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت بر روی او بسته کردید دلیل بود که مادر و پدر از وی
 ناخوش نبود باشند و اگر بیند که بر نزدیک بهشت شده باز کردید دلیل بود که بهار کرد و بحال مرگ لیکن از آن شفا یابد و اگر بیند که
 فرشتگان دست و پا گرفتند که در بهشت بر ندان مهر و در زیر درخت طوبی نشست دلیل بود که مراد و دهانی یا بد قوله تعالی
 طُوبَى لِمَنْ وَحَسَّ مَا بَدَا و اگر بیند که وی را از خوردن شراب و شیر منع میکرد و دلیل بود بر تبااهی و بر می قوله تعالی
 وَمَنْ تَبَرَّأَ إِلَى اللَّهِ فَقَدْ خَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ و اگر بیند که از میوه های بهشت کسی بد واد و دلیل بود که آنکس را از علم و
 بهره بود و اگر بیند که در بهشت نشاندخت دلیل بود که از باغ کسی بحرام چیزی خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد و دلیل بود که
 دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشه های بهشت را یکی بوی داد و دلیل بود که دلار می یا کینز کی بر نی بخوابد جابر مغربی گوید که اگر بیند که
 در برابر او خرم و شادمان بود دلیل که از کسی خرم و شادمان کرد و لغت یا بد قوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا الْجَنَّاتِ
 و اگر بیند که بر جایگاه بلند نیکو بود که صورت بهشت و بهشت و او پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل پیوند
 یا با تانگری یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که براه حق پیوسته بود و حضرت صادق فرماید که دیدن
 بهشت در خواب بر نه بود و اول علم و توهم زده شستم چهارم شادی پنجم بشارت ششم امینی هفتم خیر و برکت هشتم نفع و بهر
 سعادت و اگر خواب بیند که در بهشت بود و دلیل مراد و دهانی بود و بدست اخیرات بسیار رود و اما چون مصلحت بیند دلیل بود که بهر
 یا به طایفه مستلک و چنانکه ثواب اهل بهشت بیابد و عالم گردد و مردمان با علم و منفعت یا بهر کس که بپلوی او سرخ شده بود
 زن بود و اگر بیند که بپلوی چپ او آس کرده بود دلیل بود که زن و کینز او هر دو آستین شوند و اگر بیند که بپلوی او سرخ شده بود

و این

و پار و گوشت خون آلود از پهلوی او بقیفا و دلیل بود که زن او بچه بهنگام میبندد و اگر ببیند که هر دو دست بر پهلوی او نهاده بود دلیل بود که پیر
 عی سخت رسد که مانی که دید اگر کسی بخواب میبندد که استخوان پهلوی او شکسته بود و دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدور رسد و اگر
 که پوست پهلوی چپ وی جدا شده و بقیفا و دلیل بود که مادر عیالش هر دو تلف کردند و اگر ببیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل
 عیالش بخور کرد و اگر ببیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن کوهری یا لوله می بقیفا و دلیل بود که او از فرزندش عالم آید یا رسا و اگر
 ببیند که هر دو پهلوی او فراموش کرد و دلیل بود که ویران غم و اندوه رسد و اگر ببیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود که بر دوستی دین
 وقوه عیال او و اگر ببیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود تا ویش بخلافین بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوی مادر خواب و دلیل بر زنان
 بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر خبر و شکر که در پهلوی مادر تاویل آن بر زنان باز کرد و اگر ببیند که در پهلوی
 مادر وند و اگر ببیند که از پهلوی او ماری بیرون آمد دلیل بود که او از فرزند آید حضرت

بسیار بود دلیل

و این

صداق عیال بود و اول زن دویم و خستیم که نیک چهارم خادم چیم پیر زنی که در خانه بود و بوی
 این سیرین بود که در و مال حلال که از زن بدور رسد و اگر ببیند که بوی تیار را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بعد از
 از زن مال بخور و اگر ببیند که بوی تیار را بگشت و از گوشت وی بخور و دلیل بود که بعد از آن از مال زن بخور و مانی که دید که بوی
 دیدن در خواب و اگر ببیند که بوی تیار را بگرفت و بخانه آورد و دلیل بود که از خوشی خود زنی خواهد و از او مال و منفعت
 حاصل کند بوی این سیرین گوید اگر کسی بدو یا کند دلیل کند بر مردی که سفید و جنس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خود را بی صحت و ضعیف
 حال و از مردم ملامت یا بد و اگر ببیند که بوی یا بیاخت و سپری شد دلیل بود که شغلش را تمام کند و اگر ببیند که بوی یا از بوی خانه
 دلیل کند که بوی خدا فی خود مشغول کرد و جابر مغربی گوید اگر ببیند که بوی یا و بشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او از زنی منفعت
 گوید و بزرگی بوی یا حضرت صدق فرماید که بوی یا و خواب بر سر و وجه بود و اول منفعت دویم خوشن زنی است و بعد از آن خوشن
 بوی زنی این سیرین گوید که بوی زنی در خواب دلیل بر دشمنی فریبیده طعن بود اگر ببیند که بوی زنی نشسته بود و آن بوی زنی مطیع او بود و دلیل
 که بر دشمن غالب کرد و او را قهر کند و اگر ببیند که بوی زنی بر روی خیره شد دلیل بود که بیمار کرد و از آن شفا نیابد یا عیسی برتر
 پیدا آید که از آن خلاصی نیابد که مانی که دید اگر ببیند که بوی زنی را بگشت دلیل بود که دشمن را قهر کند و اگر ببیند که گوشت او بخور و دلیل بود که
 در بخی و عیسی که فرار آید و اگر ببیند که کسی بوی زنی بخشد دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر گوید اگر کسی ببیند که بوی زنی را بگشت
 دلیل بود که بیمار کرد و زود شفا یابد اگر ببیند که بوی زنی بر سر نشسته بود دلیل بود که جوهری با زن او فساد کند و بوی زنی مفسد
 جادو بود و اگر ببیند که بوی زنی در آرد دلیل بود که در آن خانه زنی او را جادو کند و اگر ببیند که بوی زنی با وی سخن گفت دلیل بود که زن
 با وی در آن زانی کند و اگر ببیند که بوی زنی را بگرفت دلیل بود که بیمار کرد و یا از عیال خود و شفا نشود و اگر ببیند که بوی زنی چوبی داد و یا بخور و دلیل
 که مال خویش را بر اهل بیت هزینه کند پوست و انبال گوید که پوست تن مردم در خواب آرایش که خدای مردم بود این سیرین گوید که اگر
 که پوست مردم ستر و مال و برکت بود اگر کسی پوست تن خود را بر خسته بیند و افتاده دلیل بود که ستر و راز وی کشاد کرد و مال و تلف

و این

نیک

نیک

نیک

نیک

که دو واکر پوست تن خود را بگوید یا سپاه بینه و لیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر بید که پوست پایش روشن بود و دلیل بود که کار
 خاسته کرد و کرمانی گوید که پوست جلد چهار پایان خواب ویدن مال بود و پوست شرمیراث بود از مردی بزرگ و پوست کوسفند
 صاحب را در قری بود و اگر پوست درخت بنه خداوندش روزه دار بود و اگر بید که پوست از مسلخ باز کرد و دلیل که از انگشتر
 بران منسوب بود مالی است از اگر بید که سرانی بنا کرد از بهر پوست باز کردن دلیل بود که اگر انگشتر قصاب بود و در سری او دیوانه
 و اگر حکم بود بر کوه کان ستم کند جابر مغربی گوید اگر بید که پوست کوی باز سیکر و دلیل بود که انگشتر خلهای کهن و چیزهای تنه
 شده را اصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میباید که چون امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند در کارهای بسیار پوین
 این سیرین گوید اگر کسی در خواب بید که پوستین پوشیده بود و وقت زمستان بود و دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجهیست
 او بود و اگر در وقت تابستان بود و پوستین پوشیده بود و وقت زمستان بود و دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجهیست
 دلیل بود که زنی توانگر خواهد و از آن مال یا بد و اگر بید که پوستین سحر پوشیده داشت دلیل بود که زنی نخواهد که توانگر و مالدار
 بود و اگر بید که پوستین روم از نو پوشیده داشت دلیل بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریبیده و حیل کرد و اگر بید که پوستین
 خرگوش پوشیده داشت دلیل که زنی ناکار بد فعل بخواد و از او صحت بید و اگر بید که پوستین سنجاب پوشیده داشت دلیل بود
 که زنی ناسازگار بر زنی بخواد و اگر بید که پوستین کر به پوشیده بود و دلیل بود که زنی بد خو بر زنی بخواد و در زنی امانت بود و اگر
 بید که پوستین و شش پوشیده بود و دلیل بود که زنی اخیل وین و از بر زنی کند و اگر بید که پوستین جوش پوشیده داشت دلیل بود
 و نسیب زنی بخواد و اگر بید که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده بود و دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود و پوست
 حلوتی که سیرین گوید اگر کسی بید که کسی را بوسه داد و دلیل بود که آنکس را دوست و خوششکار بود و اگر آنکس مجبور بود و دلیل
 از جانی که قطع نداشت و خیر و منفعت بید و اگر بید که مع و فی او را بوسه میداد و دلیل است که آنکس خیر و منفعت بید کرمانی گوید
 اگر بید که مرد بر البشروت بوسه میداد و دلیل بود که از بهر مرده خیر کند یا او را بد حالی خیر یابد و اگر بید که مرده ویرا بوسه میداد
 دلیل بود که طالب و خوششکار وی بود و اگر بخلاف این بید و دلیل بود که مراد مقصود دنیا بد حضرت صادق فرماید که بوسه دادن
 خواب و دلیلش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت و دوم حاجت روائی ستم بر دشمن ظفر یا ختن چهارم سخن شنیدن بوق
 این سیرین گوید اگر کسی بخواب بید که بوق میرود و بوق زدن را نمیدانست دلیل بود که مردم را از ترس و آگاه کند و اگر بید که بوق میرود
 دلیل بود که در میان مهران دروغ گوید و اندر دروغ را بسو کند راست کند و بعاقبت ظاهراً که دروغ گوید و دروغ بود جابر مغربی گوید که بوق
 زدن بتاویل مردان در مصیبت بود و زنا را سوائی و ظاهر شدن را از ایشان حضرت صادق فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار
 وجه بود اول خیر و دروغ و دوم سخن مکر و ستم ظاهر شدن را از چهارم معصیت بود و دلیل ساختن این سیرین گوید که پیل در خواب
 پادشاه بود و مردی بزرگ که مردمان بسبب او برادر برسد کرمانی گوید که پیل در خواب تا ویش آن بود که نیکو باشد اگر بید که پیل
 بکشت دلیل بود که از پادشاه او را عز و جاه رسد و از او منفعت بید و اگر بید که بنیادی پیل مینماید و عمارت سیکر و دلیل بود که پادشاه

و پادشاهی مایه و مال بسیار را جمع کرد و قوله تعالی **وَالْقَنَا حُلِيَّ الْمَقْطَرِ** **مِرَالِ الْفَتَى** حضرت صادق علیه السلام فرمود که پل در خواب بر چهار روزه
 بود و اول روزه بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه کس را کند و دوم روزه پادشاه ششم نیکوئی و کامرانی یافتن چهارم مال بسیار حاصل کرد
 اگر بیند که پل سفید و در خواب شد دلیل بود بر تنهایی حال پادشاه و نقصان ملک و بوجوم خواب دیدن مردی در دنیا بکار سفید بود
 اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال دیدن بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید اگر
 بیند که بومی داشت یا کسی بد و او دلیل بود که مردی در روزی که بیند که کشت بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن کشت مال از دست
 روز بخورد اگر بیند که بوم داشت دلیل بود که غلام کوچک در دنیا شکر دی اندوزد او را حاصل کرد و بوم سیاهی خوش این سر برکت
 که بومای خوش و ناخوش شنی نیک و بد و دهن و سخن ناصواب بود اگر بیند که بومی خوش شنید دلیل بود که او را نکو پیش کنند و اگر در خواب
 بومی خوش بسیار شنود دلیل بود بر مرکب زیرا که مرد را از بوی خوش و حلو طنا کر نیز بود که مانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوی کردند دلیل بود
 که او را ستایش کنند و ثنای گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب بخوبی شنید و نام او بر نشستی منتشک و دینی
 ابن سیرین گوید که پی در خواب صبح کننده حال کار او بود اگر خواب بیند که پی بر اندام او خشک شد یا بکست دلیل بود که دینی
 که جمع کننده کار و حال او بود از او غایب گردد و یا از دنیا رحلت کند اگر بیند که پیها بر تن او خشک شدند دلیل بود که از دنیا
 مفارقت جوید که مانی گوید که پیهای تن دلیل بر خویشتن و اهل بیت بود اگر بیند که پیهای او بر پشت و قومی بودند دلیل بود
 که خویشتن و اهل بیت او بد حال و ضعیف گردند پیها بان و انیال گوید که پیها بان در خواب صفت روزی بود بقدر بزرگی فرا
 آن اگر بیند و پیها بان تنها بود دلیل بود که اگر سبب خیش مال فراوان حاصل کند اگر بیند که با گروهی در پیها بان میکشد دلیل بود که
 مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی کشاد و کرد و ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از پیها بان بیرون آمد دلیل بود که از
 غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که پیها بان شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن پیها بان در خواب
 بر چهار روزه بود اول روزه و صفت دوم حیرت و سرشتگی سیم خنا و پنج چهارم بیم و خطر و هاک یک از وی زد و بیرون آید
 پیاز که مانی گوید که پیاز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت و اگر بیند خواب مصحح و مستور بود و بجهت خود
 از خوردن آن دفع کنند و اگر بیند خواب مصحح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی سخنان زشت گویند خاصه
 چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پنجه خورد دلیل بود که سر انجام از حرام خوردن تو بکند و بخدایت باز گردد و حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که پیاز در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام و دوم عینیت و سخن زشت سیم پشیمانی در کار یا پیاله محمد بن سیرین گوید
 که پیاله در خواب کثیر کند بود که با وی عشرت و طرب کند اگر بیند که از پیاله آب یا حلاب میخورد دلیل بود که با کثیری بحال جمع
 و از وی فرزندان حاصل بیاورد و اگر بیند که آن حلاب یا آن آب از پیاله ریخت دلیل بود که فرزندی بمیرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود
 که پیاله در خواب بر دو وجه بود اول کثرت و دوم پیراهن و انیال گوید که پیراهن سفید در خواب دیدن مرد و دود و بعضی از
 مجرمان گویند که پیراهن زن بود و دلیل حال کار او بود و در کسب معیشت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده بود دلیل بود که

در خواب
 چهار روزه
 سی
 میان
 پنج
 یک
 این

کار و نیکوئی احوال و اگر بید که پاره از پیر این آوریده بود تا ویش میانه بود و رنگی و بدی و اگر بید که پیر این وی کس و چکن بود
و لیل بود که در ویشی و چپا رکنی رنج و غم بدور رسد و هر چند پیر این را گفته تر و دریده تر بید بلا و نصیبت و همیشه مشیت بود که خداوند
خواب هلاکت کرد و اگر کسی بید که پادشاه او را پیر این خود او و پوشید و لیل بود که پادشاهی از وی بستادگر مانی کوید اگر کسی بید
که پیر این پوشید و بود و لیل بود که بظا هر نیکو بود و باطن بد و اگر بید که پیر این و شکواریش جمله چکن بود و کس لیل بود که اگر نیکو
بود و ویش کرد و در غم و اندوه گرفتار کرد و جابر مغربی کوید اگر کسی بید که پیر این نو و فراخ پوشید و داشت و لیل بود که عیش
فراخ کرد و اگر بید که پیر این تنگ بود و لیل بود که عیش هر وی تنگ کرد و اگر بید که پیر این او دریده بود و لیل بود که رازش کار
کرد و اگر بید که پیر این بی گریان بود و بی استین و یکد ز بود و پوشید و لیل بود که اجلس نزدیک آمده باشد و اگر بید که پیر این
او را داشت و لیل که کارش بر کرد و در مرادش بر آید و اگر بید که گریان پیر این از سوی پس هریده بود و لیل بود که او را بد و سخت
نهند قوله تعالی و ان کان قبیضه قل من ذی ینکد کتب و اگر بید که پیر این کبی و او را انگس پیر این را بوی فرو مالید
و لیل بود که پیغم کرد و از جای کبابی او را بشارت رسد قوله تعالی اذ هبوا یعیضی هذا افاقه و علی وجه آخری است
بصیرت اگر بید که پیر این خون آلود و دروشت و لیل بود که روزگار روز و در غم و اندوه بماند و اگر بید که پیر این دریده پوشید و بود و لیل
بود که کارش کند و در رازش آشکارا شود حضرت حق عفو نماید که دیدن پیر این در خواب چون نو و فراخ بود و ویش شش و سه بود
و لیل دیدن مردم و دویم ستر شیم عیش خوش چهارم ریاست ستم ریش و غری ششم بشارت بیت المعمور خانه است
در آسمان چهارم بر کعبه و آن حج گاه فرشتگان بود این سیرین کوید اگر کسی بید که در بیت المعمور شد و لیل بود که در میان مردم بود
یا بعلم ظاهر کرد و معج کند و از شر و دشمنان امین کرد و اگر بیت المعمور را بر زمین بنید و لیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته کرد
و اگر بید که در بیت المعمور خانه ساخت یا بخت و لیل بود که اجل وی نزدیک آمده باشد و اگر بید که پیر این بیت المعمور طواف کرد
سیرین لیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بر و مسجدی دید و در وی نماز کرد و لیل بود که همه حاجات او را کرد
گر مانی کوید اگر کسی بید که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود و لیل بود که مردمان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بید که
بیت المعمور آراسته است و فرشتگان بروی طواف میگردند و لیل بود که علماء و اهل بن بظام شوند و غر و جاده یا بند پیر این
سیرین کوید که پیر این در خواب لیل بر مال و زینت زنان و کینک کند بر قدر و محبت پیر این که دیده بود و گر مانی کوید اگر بید که پیر این
آراسته بود و بجای هر و پوشید و بود و لیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل کرد و اگر بید که پیر این از ضایع کرد و لیل بود که او را
غم و اندوه رسد و اگر مردی بید که پیر این از زنان داشت و لیل بود که غمگین کرد و پیر و زها این سیرین کوید که پیر و زه در خواب
ظفر و نحوه و حال روانی بود و اگر بید که پیر و زه از وی ضایع کرد و لیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی کوید اگر بید که پیر و زه
بجوار داشت و لیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و شرف و بزرگی یا بد حضرت صادق عفو نماید که دیدن پیر و زه در خواب
بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت و دویم حاجت روانی سیم توه چهارم ولایت پیر شدن این سیرین کوید اگر کسی بخواب بید

خواب

بیت المعمور

سیرین

بیت المعمور

که پیر کرد

که پیر کرد و محاسن و سفید شد دلیل که غرور شرف یابد و اگر پیری محمول بماند که خرم و شادمان بود دلیل که از دوستی مراد نامی او برآید و از
خرم رسته کرد و اگر پیری معروف بماند که خرم و شادمان بود دلیل بود که از او چیزی بدورسد و اگر او را ترش روی و غمگین بماند دلیل
بجای این بود جابر مغربی گوید اگر پیر بماند که جوان شد دلیل بود که در غرور بزرگی او نقصان باشد و در دنیا سفر و کرد و اگر جوانی
یا کودکی بماند که پیر شد دلیل بود که غرور بزرگی یا بد و بکار آخرت شغل کرد و پیری این سیرین گوید که پیری در خواب مال و توانگری بود
و اگر بماند که تن او پس کرد و دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل کرد و بعضی از مجربان گویند که پیری در خواب پیر بود
حضرت صادق علیه السلام فرمود که پیری در خواب بر چهار وجه بود اول مال و تویم میراث ششم منفعت چهارم بدیدادن کار مشکلی جابر مغربی
گوید اگر بماند که با مردی پیوسته او را رحمت بود اگر آن مرد صالح و مستور بود دلیل بود که او منفعت آخرت بود و اگر آن مرد فاسد
و عیال لیل بود که او را از حرام منفعتی رسد پیشانی این سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر وجه مردم بود زیرا که موضوع سجده بآن
تلاست و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزندی بود که از اهل بیت و توانگر کرد و اگر بماند که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خدا
در پاک دینی و پرستگاری مشهور کرد و اگر بماند که کسی زخمی پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده کرد و اگر بماند
که پیشانی او کوکب گردید و پیشانی این بود و اگر بماند که پیشانی او از حال خود گشت دلیل بود که زانی بی روی رسد و اگر بماند که بر پیشانی
او مورسته است دلیل بود که وام دارد کرد و اگر بماند که آتشی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن و آتش از بهت عیال بود و اگر بماند که پیشانی
او آس داشت دلیل بود که مالش زیاده کرد و اگر بماند که از پیشانی او مار یا کرم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را
الهم و نزد از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بماند که بر پیشانی پاکت ششم داشت دلیل بود که کار که خدائی او پندارد و اگر بماند که
پیشانی چشمهای بسیار داشت بهر دلیل کند که او را در مصالح خود پنداری تمام بود و اگر بماند که بر پیشانی وی خطی سه نوشته بود
که او را فرزندی آید عالم و پرستگار و اگر بماند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت را محو و کند و بر پیشانی
او بود و اگر بماند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محو و نباشد و تاویل بجای این بود حضرت صادق علیه السلام فرمود
که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر و تویم غرور بزرگی ششم فرزندی تو اگر چهارم سعادت ششم ریاست ششم جود و بزرگی
پیشانی گرفتن این سیرین گوید اگر بماند که در کاری پیشی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غیره آنچه دیدن اند دلیل بود
که در آخرت رستگاری یا بد و او را نزد خدا تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیا پیشی گرفت دلیل بود که غرور و اقبال آن با حضرت
صادق علیه السلام فرمود که پیشی گرفتن در خواب در کارهای خیر و صلاح دلیل بر خیر و صلاح و وجهانی بود و اگر بماند که پیشی گرفتن در کار شر و فساد
دلیل کند بر فساد و وجهانی پیشینه این سیرین گوید که پیشه در خواب دیدن اگر بماند که پیشه خود را با کرد و بد پیشه از آن بهتر شغل کرد
دلیل بود که کاشن جانش بهتر کرد و در کسب و کار وی نیکی بدیدادن و اگر بماند که پیشه ای که ناگوار بود که اگر آن پیشه را نیکو بود
بر خیر و نیکی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر بماند که بعضی از پیشهها بد بود و بعضی نیکت هر کدام قوی تر بود حکم بد آن
این سیرین گوید که پیشه درختان در خواب زنی بود بیا بانی اگر بماند که در پیشه شد و آن پیشه سیر بود و درختان میوه دار و روان بود و

جابر

پیری

پیری

پیری

پیری

در وقت آن و از سیه آن همیشه می خورد و دلیل بود که زنی خواهد که اسل او بیایانی بود یا کینز که خرد که در بنایان او را پرورده باشند و از
ران او را خیر و منفعت رسد و اگر آن همیشه را خالی از اینها و بدلیل بر سر حضرت کند و اگر بیند که در آن همیشه بجای رختان خراب و دانه خانی
او را کند و دلیل کند که او را غم خواند و بجهت زمان رسد حضرت باوقی گوید که دیدن بیشه در خواب بر چهار وجه بود و اول زن بیایانی
و دوم کینز که نیم منفعت چهارم غم داند و بود هیچ این سیرین گوید اگر بیند که مصحف بفرخت و دلیل بود که
درین او نژاد و حقیر بود و خوار و اگر بیند که بنده خویش را بفرخت و دلیل بود که کار بر وی تنگ آید و سنگ کرد و اگر بیند که زن خویش را
بفرخت و دلیل بود که حرمت و بزرگی او زایل و ذلت نام کرد و بکار خزانین زن که بفرخت او را زنی دیگر بود و دلیل بود که کارش صلاح
باز آید که مانی که بدید هر چه که درین عزیز بود و فروختن آن بجناب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود و پس بیکان در خواب دیدن مردی که
خطر بسیار بود و اگر بیند که بیکانی تیر یافت یا کسی بوی بخشد و دلیل بود بر درستی کار که بدو رسد جابر مغربی گوید که دیدن بیکان در خواب
خود بود و در خنخی که بیند خواب با خصم گوید خاصه که بیکان از نواد و روشن بود و اگر شکسته یا زکار گرفته بیند تا ویش بخت این بود
پیغمبر بداند که تا ویش پیغام بران و فصل شانزدهم یاد کردیم از انجام طالع باید کرد و بیکار بر سیرین گوید که بیکار بجناب زن بود و اگر بیند
که او را بیکری بود و دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که بیکار از کسی بیجا بخرد و دلیل بود که کینز خرد و بیکار بیند که بیکری در پشت و از وی
ضایع شد یا از دست او بفتاد و شکست و دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از لاش از دنیا رحلت کند و اگر چهره بیکر خود را بصورت
دیگر بیند دلیل بود که احوالش بگردد و هم بران بیایات که آن چیز رسیده بود که مانی که بدید اگر بیکر خویش را بصورتی درشت بدل کرده بیند
و دلیل که حال او متغیر گردد و اگر بیند که بحال و صورت خود کرد و دلیل بود که بحال خود و بوسی خدا باز گردد و اگر بیکر خویش با شکوه
دلیل بود که همه روی از وی بگرداند و بروی جفا کند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بیکار آدمی یا بیکر حیوانی بدل می کرد و دلیل
که آنکس بد مذنب و دروغ گو بود یا در صفات خدا بیغالی چیزی گوید و اگر بیند که بیکر کسی بگردد و دیگر که نزد جنس او بود و بکشت و دلیل
که بیند را کار صعب پیدا آید و در آن متحیر ماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر خدا بیغالی دروغ گوید و پس این سیرین
که مقبران گویند که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در پس اگر کسی در خواب بیند که بر پس نشسته است و دلیل بود که
زنی خواهد تا کار و اگر این خواب را بر روز بیند و دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کینز را بفرخت و اگر بیند که بیکار بکشت و دلیل کند که با دشمن
بر دست او کشته گردد یا حصار می محکم را بکشد یا و اگر بیند که پس ای بر سر وی نهاد و او را بکشت و دلیل بود که بملک نزدیک کرد و دلیل
بگرد و اگر بیند که بر سر پس نشسته بود و آن پس دیگری و پشت و دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود و گمانی
گوید اگر بیند که بر پس نشسته بود و آن پس صلاح و نیک طبع او بود و دلیل کند که پادشاه عجم کرد و یا پادشاه عجم را تهم کند و اگر بیند
که با دشمن پس می خورد و دلیل بود که بقدر انگوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بیند که از استخوان پس یا از پوست او چیزی خورد
دانش چهره پس کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بیند که بین کام زدم بروی نشسته و دلیل بود که دشمنی بزرگ و دهر
کند و بر این قول قصه محاب الفیل را دلیل آورد و اگر بیند که از پشت پس سیاه و دلیل بود که در ایامی تنگی خدا کند و پس بیند

خواب

بیکر

بیکر

بیکر

چنانکه بنفشه و بر و دلیل بود که پادشاه اند یا بر غیر و جا بر خربی که ید اگر بیند که از بر نشان بریل نشسته بود و قادر بود و دلیل بود که
 بشکل خود بخوابد و از آن بر وی قادر کرد و اگر بخلاف این بیند و دلیل بود که بر زن قادر کرد و اگر بیند که سیل مسلح پوشیده بود و در
 شهر لشکر دیگری میرفت دلیل بود که بر ملک آن دیار پادشاه یا پادشاهی دیگر افتاد و او را ملک کند حضرت صادق عقی میر فایده که در
 سیل در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه عجمی و قیوم مرد غلام سیم مرد مکار چهارم مرد با قوت و هیدیت پنجم مرد و ششم ستمکاری چون
 خواجه سیل گوش کبابی است که بر یک بزرگ پهن دارد و آنرا شکوفه زرد است ویدن آن در خواب زنی بود خادومه و بی اصل و نسب
 اگر کسی خواب ببیند که سیل گوش و هشت یا کسی بوی داد و دلیل بود که او را با چنین زنی صحبت افتد و از او نصبت بیند سیل و این سیر که
 که سیل در خواب مانند طبیب بود و مانند نقیه زیرا که طبیب بیمار را از معالجه کند و نقیه مردمان را راه وین نماید اگر بیند که سیل در خواب و از او نصبت
 و راحت رسد و بدین سبب دلیل بر خیر و سعادت کند تا چنانچه اگر کسی بیند که سیل در خواب و دلیل بود که از آن کسی خیر و منفعت بر کس برسد
 و نامش به نیکی در آن دیار منتشر گردد و سیل این سیرین که ید که سیل در خواب خادومی بود که کار با کند که مالی که ید که سیل در خواب خادومی بود
 که کار با بنفاق کند و بعضی که بیند که سیل در خواب کاری بود که از پنج و عشا حاصل کرد و اگر کسی بیند که سیل در خواب و از آن کاری کند و دلیل بود که
 تمام کرد و اگر بدان کار نکند و دلیل بود که از آن کار بریده کرد و بیماری این سیرین که ید که اگر کسی در خواب ببیند که بیمار است و دلیل بود که در آن
 بقضا بود و گفتار او با مردم بنفاق بود و بعضی که بیند که در آن سال میرد و اگر بیند که از بیماری تن در رفته شده بود و در خانه بنده و سیل
 سخن بیک گفت و دلیل کند که بیماری بروی دراز کرد و در خطر بوده باشد که بمیرد و اما اگر بیند که با مردمان محالست میکرد و سخن بیک گفت و دلیل
 کند که زود از بیماری شفا یابد که مالی که ید که بیند از بیماری وی بر نه بود و دلیل بود که نه و میرد و مصبران گفته اند که بیماری وی در خواب سیل
 بر فراق و غم و اندوه و دلش سلطان یا از قتل عیان بنده بیند و یا بر خربی که ید که بیمار بیماری که ید که در خواب و دلیل بود و بر خرابی
 خرمیها و سستیها حضرت صادق عقی میر فایده که در خواب سیل بود که از غم این کرد و اگر از بیماری خالی
 و رفی و شاکر بود تا ویش بینی و صحت بود و اگر بیند که بیمار و بر نه بود و دلیل که اجلس نزد یک بنده باشد بخود الله تعالی لعل الله یخیرکم و یوفقکم
 خادومی حکما خلق کند اول ستمگر یا این که ید که بیماری در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود با مردمان خاصه چون بیماری
 در خواب سیل بود و اگر بیند که بیماری بستد یا کسی بد و او و دلیل بود که رستی و انصاف کند و معالجه و او و ستمگر بخت کند و اگر بیند که بیماری
 او شکست یا سخته دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر بیند که از بیماری خیری می پیود اگر لعل علم بود و دلیل که قاضی کرد و اگر از لعل
 علم نباشد دلیل از بهر وادری بقاضی محتاج کرد و بقول که بیماری در خواب بروی بود رستی بکوی و منفعت که او مردمان و در مینی نایل
 که ید که مینی در خواب بیک بر جاده و منزلت بیند بود و هر زیاده و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه بر بیند بود و اگر بیند که مینی او کویا
 شده بود و دلیل بود بر نقصان قدر و منزلت آن اگر بیند که مینی آن افتاده بود و دلیل کند که از جاده و منزلت سفتد و اگر بیند که سوار خربی او
 فراخ شده بود و دلیل بود که معیشت بوی فراخ کرد و اگر شکست شده بود و دلیل که معیشت بروی تنگ کرد و این سیرین که ید که اگر بیند که
 از مینی او بیرون آمده بود و دلیل بود که از متری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از مینی وی بیرون آمد چون کرم و مکر و مانند این دلیل بود

نصفه

سیل

بیم

بیماری

بیماری

بیماری

بسم الله الرحمن الرحيم

که اورا فرزندی آید و اگر بیند که در بینی او سوراخ بود و عصاره در بینی او کرده بود و دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا باری بزرگ صاحب کون
وار او مال و نعمت یابد و اگر بیند که سرش بی او بسته بود چنانکه دم زدن نتوانست و دلیل بود که کار بر وی بسته گردد و اگر بیند که سخن در بینی
میگوید و دلیل بود که دولتش آید که در او اگر بیند که پوست سرش بی او رفته بود و دلیل بود که او را زیانی افتد جابر بود اگر کسی در خواب بیند که از بینی
او خون می آید و معتبر است که اگر بیند که آب دیدم که از بینی من خون می آید و دلیل که مال بسیار یا بد که دیدم که در بینی من پدید آمد و دلیل که
مالش برود یا بد که چون سائل سخن گوید معتبر بر لفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی بیند که هر دو سوراخ بینی او یکی شد
بود و دلیل بود که باز آن عاقل جمع گردد و اگر بیند که سرش بی او بریده بود و دلیل که فرزند خویش اخته کند و بعضی گویند که در جاه و منزلت
او نقصان شود جابر بود اگر کسی بیند که چیزی بکارت در بینی او شد و دلیل بر خشم و نکی بود و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آید چنانکه
چند تن از خون آلود گردید و دلیل بود که مطلق حرام بودی رسد و اگر بیند که خون سبز و اندک از بینی او بیرون آید و دلیل بود که او را فرزند نر از هم
ماوریه نشد بقول معتبران در ویش کرد و اگر بیند که خون از بینی او بیرون آید و خون آلود نکشت دلیل بود که فرزند باری از خانه بیرون
یا با ایشان کند رسد و اگر بیند که بینی او بر زمین افتاد و دلیل بود که او را دختری رسد و اگر بیند که بینی خود را بهی شست و دلیل بود که
مردی زن او را بفریبد و اگر بیند که بینی وی مرعی بیرون آید و دلیل بود که چهار پای دارد و بچه آورد و بقول بعضی از معتبران خون
آید از بینی مال بود که از پا و شاه آید یا روی رسد استخفیل شفت گوید اگر بیند که بینی وی بر مثال خرطوم بزرگ شده بود و دلیل
از آن دلیل بود که بقدر آن بر غوغا و وی بخیر آید و از آن خویشان نیز زیاده کرد و اگر بیند که در بینی او بوی خوش رفت و دلیل بود که
او را فرزندی مصلح بود و اگر بیند که در بینی او ناخوش رفت تا ویش بخلاف این بود و جاحظ گوید اگر بیند که بینی ناز و دلیل بود
که کسی از خویشان وی بمیرد و اگر بیند که او را در بینی بود و دلیل بود که در میان او و عیال خلافت افتد و اگر بیند که کسی بوی خوش فر
مینی او داشت و دلیل بود که او را که از آن کس منفعت رسد و اگر بیند که خواب ندان بود و دلیل بود که او را پیری مصلح آید و اگر بیند که شخصی
بوی ناخوش در زیر بینی او داشت و دلیل بود که از آن کس خشمی فرو خورده و حضرت صادق فرماید که دیدن بینی در خواب بر سر و وجه بود و او را
و ویم مال ستم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش و شرم پیچ خوردن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پیه میخورد و دلیل بود که خیر و نعمت
و فراخی یابد و اگر بیند که پیه کوفته و میخورد و دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که پیه جانوری میخورد که گوشت احوال
و دلیل بود که مال حلال یا بد حضرت صادق فرماید که دیدن پیه در خواب بر سر و وجه بود و دلیل بود که او را قتل و فراخی و ویم مال و منفعت ستم کش
کاری بسته میباشی که مانی گوید اگر کسی بیند که پیه شکر در وید چنانکه عقل او را زایل کرد و دلیل بود که او را کاری پیش آید که در آن ستم
و متحیر گردد و لیکن سرجام کارش نیکو گردد و حضرت صادق فرماید که پیه شوی در خواب بر سر و وجه بود و او را قتل و فراخی و ویم ستم و سر کشی
و فرموده اندکی و بچارگی حرف التماس کتاب کامل التبعیر و تاب و اوان ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که رس و آب
سید و یا بسمان از دلیل بود که بفرشته و فرشت بقدر درازی و کوتاهی رس و یا بسمان بود و اگر دراز بود و سفر دراز کند و اگر کوتاه بود و سفر کوتاه بود و اگر
چیز و وقتن رسیان را تاب میداد و دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس یا بخت کند حضرت صادق فرماید که اگر آب

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

سیرین
تاج
سیرین

حسن و رسیان بر سر و جبهه بود و اول سفر و تحویل دو نیم بر با صحت نفس سیم کشایش کار می فروخته تا بستان این سیرین که بدید که تاج
 بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر کار می سخت بود و چنانکه مردم را از آن زبان بود دلیل بود که مردم آن و یار از پادشاه خیر صلاح
 و تابستان را بوقت خویش بخواب دیدن بهتر بود که مانی کوید اگر کسی تابستان را بخواب بیند بوقت خود چنانکه جهان خرم بود و درختان پر بار
 دلیل بود که عز و دلش زیاده کرد و و گارش برادر شد و مردم غام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر
 تابستان را نه بوقت خویش بیند تا ویش اختلاف این بود و تاج سیرین که بدید که تاج در خواب دیدن پادشاهان را بگشود و تاج
 بود و نه تاج شوهر و مردم عامه را بنگوئی حال اگر بیند که بر سر تاج داشت از زهر مرصع دلیل بود که قدری بلند و تفرقی عظیم باید بکن
 در چنین راه شریعت ضعیف نبود و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهری کند صاحب شست و جاه و شغل و نیاگر فانی
 کوید اگر بیند که پادشاه بر سر وی تاج بستاند و دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کام روانی بود اگر بیند که پادشاه تاج بوی داد و دلیل بود
 او او بر سر نهاد و دلیل بود که معنی توانگر خوب روی بخوابد و از او کام دل و او باید و اگر بیند که تاج از سر او بفتاد و شکست
 و دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی بیند که تاج از سر وی برگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که
 تاج از سر وی بفتاد و شکست دلیل بود که زن او بعیر و یا کسی از این میت او بعیر و از دنیا رحلت کند حضرت عیسی و حق فرماید
 اگر زنی بیند که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد و دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد و دلیل بود که بر زنان مستکر و دو اگر زنی
 بیند که تاج از سر او برگرفته شد دلیل بود که شوهر از زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج مرصع بکشد بر سر شوهر
 بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بپذیرد تا راج این سیرین کوید که اگر بیند که مال و نعمت کسی را بقتاراج برد و دلیل بود
 که آنکس را نعم و اندوه و زیان رسد بقدر آنکه از وی برود و حضرت عیسی و حق فرماید که تاج کرون و دلیل بود بر چهار وجه اول
 شعب دو نیم زبان سیم غم و اندوه چهارم از زانی ریخ مگر که غنیمت بود و تاج یکی این سیرین کوید که تاریکی در خواب ضلالت
 بود و راه دین اگر بیند که تاریکی فکر گرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و مگر ای باید اگر بیند که تاریکی
 بود و آن تاریکی بروشنائی تبدیل کرد و دلیل بود که توبه کند و راه دین بر او گشاده کرد و مانی کوید اگر بیند که تاریکی بود
 و آن تاریکی باز بروشنائی شد و دیگر بارتاریکی شد و دلیل بود که این منافق بود و قوله تعالی و انذا آظلم کلکم فاعلموا انکم
 جابر کوید که تاریکی بخواب غم و اندوه بود اگر بیند که هوا سخت تاریک کرد و دلیل بود که مردم آند یا غم و اندوه رسد و کار
 ایشان بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و تاریکی ابر ناگاه بدید آمد دلیل بود که در آند یا رگب مضاجات ظاهر گردد و حضرت
 صادق فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اول کفر و دویم تحیر سیم فرو بستن کار چهارم بدعت پنجم و ضلالت افکار
 اسمعیل اشعث کوید اگر بخواب بیند که از تاریکی بروشنائی آمد و دلیل بود که از درویشی بتواند مگر می افتد و از غم فرج یابد و کار
 برومی گشاده کرد و از راه ضلالت دور بود و تاریخانه و انیال کوید اگر کسی بیند که تاریخانه بخورده و داشت دلیل بود که تاج
 نه بر او و نظام او بود و اگر بیند که تاریخانه او خنجر خطه نکرده بود و دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تاریخانه و بعضی کوید که تاریخانه

سیرین

سیرین

سیرین

تاریخ

در خواب دلیل بر مال آنک بود بر قدر سینه خواب اگر بیند که دال تازیانه او یکست دلیل بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد
این سیرین کوید اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزد و دلیل بود که بجای مشغول گردد و آنکس و کسب غایب و بد و زسد اگر بیند
که تازیانه از دست بیند اخت دلیل بود که انکاری که دوست دارد و بیند از او اگر بیند که چون را بتازیانه بزد خون از تن وی
روان شد و دلیل بود که سخنها یا ناخوش شوند و اگر بیند که خون از وی نرفت دلیل بود که بر تازیانه درمی یابد که مانی کوید اگر
بیند که او را بتازیانه بزد و دلیل بود که آنکس مال حرام یا با اگر بیند که زخم تازیانه خون از او روان شد و دلیل بود که مال با او اگر بیند
که زخم تازیانه بر تن او ماند و دلیل بود که سخنها یا ناخوش شوند و اگر بیند که او را بتازیانه بزد و نشسته که کسی زد و دلیل بود که
تا که مال یا در جابر کوید اگر کسی بخواب بیند که دوست تازیانه نیکو و هشت یا علاقه بر شمع لیل کند که او را فرزند ی آید اگر
بیند که تازیانه انچوب بود و دلیل بود بر قوه حال وی و اگر بیند که تازیانه از او جدا شد و دلیل بود که خیر و منفعت بدو
و اگر بیند که تازیانه در دست او شکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر سببش بود و بتازیانه
میرد و دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بروی منت نهد و اگر بیند که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون برآمد و دلیل بود
که آنکس مال حرام یا بد یا زنده او را متمم کند بجای و اگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند و ندانست که چه کس زد و دلیل بود که
و نیای و او تمام کرد و اگر بیند که بر کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره کرد و دلیل کند که اهل تفرق کردند و اگر کسی را بی انداز تازیانه
زد و دلیل بود که ویرانم و اندوه رسد اسمعیل اشعث کوید اگر کسی بیند که در خانه خود دست خود تازیانه کوفتا بود و پس از آن دراز
کرد و دلیل بود که زبان او بر خشم و داز کرد و اگر بیند که داز بود و کوفتا کشت دلیل بود که دشمن بروی غلبه کند حضرت علی و حق
فرماید که تازیانه در خواب بر رخ بود و اول شعث و دوم جدل کردن سیم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگ
و مال تاوه این سیرین کوید که تاوه در خواب خدمتکار خانه بود که آنچه بر که خدای خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران نفقه کند اگر
که تاوه بود و هشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که خدمتکاری مصداق او حاصل کرد و یا از وی جدا کرد و جابر مغزی کوید اگر بیند که در تاوه
چیزی میچند دلیل کند که کار خدمتکار او نیکو گردد و اگر بیند که تاوه چیز خیر زد و دلیل بود که از آن خدمتکار خیر و منفعت بدو رسد
بگذر خور و لی و اگر بیند که آن خور دلی ترش و ناخوش بود و دلیل بود بر غم و اندوه وی تب این سیرین کوید اگر کسی بخواب بیند
که او را تب پیوسته بود چنانکه زمایش را غنیکر و دلیل کند که پیوسته بفساد و کثافت مشغول بود و تب باید که تاوه عقوبت بخت است
که مانی کوید اگر کسی بیند که تنش دراز بود و دلیل کند که تنش درست و عمرش دراز بود و اگر بیند که پیرا تب زد که بدو تاوه بیش بخلاف
این بود و تب این سیرین کوید که تب در خواب خدمتکاری بود که بجا که کاری کند و اگر او را کاری فرماید خواهد که آنرا کس که در
تاوه کارش نفرمایند جابر کوید که تب در خواب بروی ترسیده بود و اگر یاری خواهد از مرد منافق بود و در میان مردم جنگ جابر
جنگ و اگر بیند که تبی و هشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که او را با مردی بدان صفت دوستی افتد اگر بیند که تب او شکست یا ضعیف
گرد و دلیل کند که آن مرد را اجل فرارسد تبیر هفتاد و سه بل بود و دیدن آن در خواب خبر مرگ و سخن دروغ بود و کاری پیدا

کتاب

مباح

مباح

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

و روشن و این جمله دلیل بر زنده آن کند این سیرین گوید اگر بیند که با تیره پای گوید و رقص کند و لیل بود که بر غم و اندوه و
 و اگر بیند که او تیره مفروض می زد و دلیل بود که سخن باطل گوید یا کاری با صواب کند که بدان شهر کرد و بعضی از جوان گویند که تیره در
 آواز خوش بود و لکن باطل بود که مانی گوید اگر کسی بیند که تیره میزد و دلیل کند که کارهای باطل کند یا شست که در آن هیچ حاصل نشد و با
 مردمان هر و عده که در جمله دروغ باشد حضرت صادق گوید که تیره زدن در خواب کاری بود که بنا وانی کرده شود و عاقبت آن کار
 نظام هر که بود که باطلست و تیره زدن در خواب مردی بود که دروغ میسرین و راسته گوید بظاهر دور باطن مرد و از این عینت کند و سخنان
 ترشت گوید که محتاج این سیرین گوید اگر کسی بیند که تهاج بگوشت تیره یا با گوشت کوفته و اسفند و ماست شیرین میخورد و دلیل کند که بقدر آن
 از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت کا و یا با گوشت خرگوش کنگک و ماست ترش میخورد و دلیل بود که منفعت
 اندک از مردم سفله و دون بد و رسد جا بر گوید که تهاج با گوشت خرگوش یا چیزی ترش دلیل بر غم و اندوه بود و تحت محمد بن سیرین
 اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی کسوده نبود و دلیل کند که بسفر شود اگر بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن چیزی کسوده
 بود و دلیل بود که بزرگی یا بد و بقدر و قیمت تحت دشمنان را فخر کند اما ازین غافل بود و اگر این کس از اهل فساد بود و دلیل بود که برادران
 خاصه که خود را بر تخت نشسته بیند و اگر بیند که تحت شکست و اوبیقا و دلیل کند که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش بد گردد و حضرت صادق
 فرماید که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اول غر و جاه و دوم سفر ستم مرتبه چهارم بلندی تخم و ولایت ششم قدر و جاه و هفتم عالی
 شدن کار با تخم کاشتن این سیرین گوید اگر کسی خواب ببیند که تخم کاشت و باز جمع کرد و دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد و اگر بیند که از
 آنجا که کاشته بود میخورد و دلیلش ازین نیکوتر بود و اگر بیند که از آنجا کاشته بود چیزی حاصل نگردد و یا ندانست که باران چیست و نیز آن
 و بسیار آنرا ندانست دلیل بر غم و اندوه کند که مانی گوید اگر بیند که تخم کاشت و دلیل کند که او را خیر و نیکویی رسد و اگر بیند که چیزی
 و دلیل بود که او را مال جمع کرد و اگر بیند که کا و پس همی کاشت و دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقل و لوبیا و مانند آن بکاشت
 و دلیل بر غم و اندوه کند و انبیا گوید که در زمین خویش تخم همی کاشت و دلیل کند که زنی خواهد که کارش ساخته گردد و اگر زمین کاشته خویش را
 ناکشته بیند و دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجای جمول تخم همی کاشت و برآمد دلیل بود که غرا کند و غراب روی آسان گردد
 و خیر را کند و اگر بیند که در زمین خویش میکرد و دلیل بود که او را مال و لغت حاصل گردد و اگر بیند که جو یا کدو یا دخت در زمین بکاشت
 و دلیل که جاه و غر او زیاده گردد و بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی و دوم فساد
 ستم مال حرام چهارم نفع در بازگانی تخمه این سیرین گوید اگر بیند که او را تخمه بود و دلیل بود که او مال بی خود و فساد کند یا بد که ازین
 گناه تو بر کند تا از عقوبت تعالی نجات یابد و اتفاق مقبران است که در خواب تخمه دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق فرماید که تخمه در خواب
 بر چهار وجه بود اول مال بد و دوم فساد ستم مال حرام چهارم متابعت هوا می نفس کند تخمها را مانی گوید که تخمها در خواب دیدن بچه
 ترش و ناخوش بود و جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بد و صعبه بود و اما آنچه بطعم شیرین بود خوردن آن در خواب
 منفعت اندک بود جا بر مغربی گوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد مگر آن تخم که پوسیده یا گرم خورده بود و مژروا

بهرین کوی که تذرو معنی است در خواب مردی بخوابد و تذرو ماده زنی فریفته بود و بهتر آن کوی که تذرو مال حرام بود که بحیل
دست آورد و اگر بید که با تذرو در بر بود و دلیل بود که با کسی بخوابد و او را خصوصیت افتد و اگر بید که تذرو ماده او را حاصل کرد و دلیل
کند که زنی خواهد که در وی هیچ چیز نباشد و اگر خانه تذرو بید و لیست که زنی خوب روی بکجای خوابد بر قدر سفیدی و پاکیزگی از آنجا
گرمائی کوی که اگر بید که تذرو در خانه داشت و برود دلیل کند که زن او بپاک کرد و یا بجهت زن او را مصیبتی افتد و اگر بید که تذرو را
او بید و دلیل بود که زنی اطلاق دهد و یا بر مغربی کوی که تذرو در خواب زن با رسا بود با جمال و مال اگر بید که تذرو یا نیت یا کوی و دلیل
بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بید که تذرو در کسار افتاد و بخت دلیل بود که کسی با عیال او سر و کاری دارد و او
می فریفته حضرت صادق فرماید که تذرو در خواب بر چهار وجه بود اول زن و دوم مال حرام و سوم عیث چهارم کام دل و حسن تر از
این بهرین کوی که تذرو در خواب قاضی بود اگر بید که تذرو می نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را موضوع قاضی بود و قضیت
وین و گفته تذرو و مسح قاضی بود و در حاکم در آن بود و خصوصیت بود که تذرو قاضی کند و سنگهای تذرو عدل و داد بود که قاضی بود
خصوصا کند بوقت حکومت و اگر بید که تذرو او را ایستاده بود و چنانکه هیچ میل نداشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بید که تذرو را
نبود و دلیل که قاضی راست و منصف بود و در حکومت میل کند که زنی کوی که تذرو بید که عمد و تذرو و شکست دلیل بود که قاضی از ارباب
بسیرو و اگر بید که تذرو زیاد و و نقصان بود و دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاد و و نقصان بود و جابر کوی که بلک و در آن
در خواب رستن قاضی بود و از عذاب و دوزخ تر از و اگر خواب دیدن پادشاه عادل بود و تذرو می راست قاضی راست حکم بود
یا وزیر عادل حضرت صادق فرماید که تذرو می قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود اول قاضی دوم پادشاه ستم فقیر چهارم
سیاهی پنجم حکم راست ششم کوی که تذرو می قیامت پیش از کردار بدی بود و لیست که بخت یا بد
و اگر عقوبت رسته کرد و قول تعالی *فَوَلِّصْ لَهُ مَا فِي بَيْتِهِ* و اگر بخلاف این بود دلیل بود که مستوجب
عقوبت و دوزخ بود و قول تعالی *وَمَنْ جَفَّتْ فَاوْزِنُهُ فَاُولَئِكَ الْبَنَ خَيْرٌ وَاَنْفُسُهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ* و اگر
گرمائی کوی که تذرو بخواب دیدن غم و اندوه بود و خاصه که خوردن اگر بید که بخورد و دلیل بود که بعد از آن غم و اندوه بدو رسد و اگر
بید که کسی ترب بدو داد دلیل بود که از آن غم و اندوه بدل او رسد و اگر بید که از ترب کسی داد و یا از خانه بیرون نکند و هیچ از آن
نخورد و دلیل بود که از غم و اندوه رسته کرد و ترب بدو این بهرین کوی که تذرو در خواب دیدن دلیل بر غم و اندیشه کند اگر بید که خورد و دلیل
بر زبان مال کند بعد از آنکه خورد و بود و ترخون این بهرین کوی که تذرو مردی بد که هر بد کردار بود و نیز که اصل وی سپید است و بید
بسر که تر سیاه غنود می را کند تا طبع و طعم وی از حال خود ببرد و بعد از آن ویرا بکارند چون بر آید ترخون بود و اگر بید که تذرو
داشت یا کسی بوی او و دلیل باشد که از آن مرد ویرا هفت و زبانی رسد و اگر بید که تذرو کسی داد و یا از خانه بیرون انداخت
دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدائی جوید و از او دور شود و ترسائی که زنی کوی که تذرو بید که مسلمان ترسائی شد و دلیل بود که او را
راهی بدعت و کفر ای بدید و او را در دین مسلمان تذرو جابر کوی که بید که دشمنی دارد و بدوی نصرت یا بدیز که ترسائی

تذرو

تذرو

تذرو

تذرو

تذرو

تذرو

بود و مشتق از نصرت است و اگر ترسانی نمید که مسلمان شد دلیل بود که مسلمان که بود و یا بمیر و حضرت صادق فرمود اگر کسی بمید که ترسان
صحبت داشت دلیل بود که دوستدار و همواجرا او بود و اعتقادش در دین اسلام ضعیف بود و ترسیدن این سیرین گوید که
ترسیدن در خواب یعنی بود و هر که در خواب ببیند که می ترسد از کسی و نداند که ترس از او نیست دلیل بود که مگر و بی ازان ترسانند و بی
رسد حضرت صادق فرمود که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول خدا فرموده المصرة بالترعب یعنی نصرت یافتن ترسانند و اگر
ببیند که از خود می یازد یا از خود می ترسد دلیل بود که اگر کسی که با او منسوب اند و بر نصرت رسد ترسیدند این سیرین گوید که ترسیدند
خود و در خواب هم و اندیشه و غم بود خاصه می ترسد و اگر ببیند کسی چیزی ترسیده و او دلیل کند که از او بوی ترس و غم و اندوه
رسد و اگر ببیند که او چیزی ترسیده و او دلیل بود که بسبب غم و اندوه بوی رسد فی الجمله در خود بی ترس هیچ خیر نباشد ترف
این سیرین گوید که ترف دیدن در خواب غم و اندوه بود و اگر ببیند که ترف بهی خود و دلیل بود که دام و اگر در و بسبب آن غمگین کرد
که ترف بطعم ترس و بدیدار تره جابر گوید که دیدن ترف در خواب مال اندک بود و خوردن و غم و اندوه بود و ترس و انیال گوید که ترس
اگر چه کم بود زود است اما بوی خوش دارد و بطعم بدیدار پاکیزه بود و گویند که از میوه های بهشت است و دیدن او خواب نیک است و انیال
گوید که اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب ببیند تا ویش فرزند بود و اگر بسیار ببیند مال و نعمت حلال یا بد و ترنج بنزدیدن در خواب
بهتر از ترنج زرد بود که ترنج در خواب بر وی بود تو انکه و با جمال و برهان نزد یک چنانکه همه کس او را دوست دارند و اگر
که ترنجی داشت یا کسی بد و او دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود دید دلیل بود که او را فرزند بی خوبی
آید و اگر ببیند که ترنج را بخورد و دلیل بود که او را از مال خود یا از مال بزرگی بهره رسد و اگر ببیند که ترنج را بفروشد و دلیل بود که ترس
بلاک کرد و اگر ببیند که در خانه ترنج بسیار داشت و کسی بخشد دلیل کند که در کسی شکوفی کند و اگر ببیند که ترنج در سبزه ها و دلیل بود که او
فرزند از کینک آید و اگر ببیند که از آستین او بیفتد و دلیل بود که او را فرزند بی حاصل کرد و حضرت صادق فرمود که دیدن ترنج در خواب
بر چهار وجه بود اول زن نیکو روی و قویم کینک پاک و بن سیم دوست تو انکه چهارم فرزند شریف صالح ترنگبین این سیرین گوید
که ترنگبین در خواب مال حلال بی منت بود و الله تعالی و انزلنا علیکم القرآن و انزلنا علیکم القرآن و انزلنا علیکم القرآن
و اگر ببیند که ترنگبین بسیار داشت یا کسی بد و او دلیل کند که روزی بسیار یا بد از آنجا که امید ندارد و کارهای او بنظام شود و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که اگر ترنگبین در خواب دید یا خورد ویش برسد وجه بود اول مال و روزی حلال بی منت غلق و قویم صحبت و کینک
کار ما سیم کام دل یافتن تره و غم این سیرین گوید که خوردن تره و غم بخواب دلیل بر غم و اندوه کند تره این سیرین گوید که تره را
آنچه بطعم ترنج و ناخوش بود دلیل بر مصرت کند تره فروشی اگر کسی خواب ببیند که تره فروشی کردی تا ویش نیکو بود و تره که بدست او
کاری رود که خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب بیماری و مغس و غم و اندوه بود و تره یک این سیرین گوید که اگر کسی ببیند که تره
از بهر بیماری خورد و دلیل بود که ترنج بر مرد و کار و بروی کشاده کرد و اگر بخلاف این بود و دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان بود
ترنج این سیرین گوید که اگر ببیند که زن خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد و اگر غم بود دلیل بود که بی تو انکه خواهد و اگر ترسید

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

ترسیدن

می نوشت و مردم میداد و بهامی سند دلیل بود که اندوکیدن کرد و متفکر تغار و بدین تغار زنی بود و حکما و صراط
که خانه او را اصلاح و او را به خیر مردم آموزد و از شر و فساد و توبه کند که مانی کوید اگر بیند که تغار او شکست یا ضایع کرد
دلیل کند که آن زن از او جدا کرد و یا از دنیا رحلت کند و بقول بعضی جهان تغار کثیر بود و خواهر و تفرقه شد با لکه تفرقه
عس نچته بود اگر کسی آنرا بخواب بیند دلیل بر غم و اندوه کند این سیرین کوید اگر بیند که تفرقه شد با لکه تفرقه
یا او را با کسی خصومت افتد و بدین سبب بخواب کرد و در علی الجمله در تفرقه خوردن هیچ خیر و منفعت نداشتند بکسیر کردن این
سیرین کوید اگر کسی در خواب بیند که بکسیر میگرد و دلیل کند که از شر و دشمنان این کرد و در خیرات بروی کشا و در خدمت
صدا و قی فرماید که بدین بکسیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول یعنی از دشمن دویم رستگاری از بلا و غم سیم خیر و بر
چهارم کشایش کارهای بسته تکرک این سیرین کوید که تکرک در خواب دیدن عذاب تنگی دنیا بود و هر اندک بود و وقت
خود بود و دلیل که اهل آن موضع فراخی و نعمت بود لکن تکرک دیدن بد وقت خود و دلیل بر غم و اندوه بود اهل آن موضع را
حضرت صادق کوید که دیدن تکرک در خواب بر پنج وجه بود اول بلا و دویم خصومت سیم لشکر چهارم خط سیم بیماری
بغاری می نشته بود و شرح و تاویل آن در حرف بابیان کردیم تمام شدن کار این سیرین کوید که هر که بخواب بیند که کارها
دنیا فی او بنظام گشت و کامکار شد دلیل کند که احوالش متغیر کرد و قوله تعالی حتی اذا اخذت الارض فخر و فخر
و اذ تیکت و هر که بیند که کارش تمام نشد دلیل بر تغییر حال او بود و بهم سیم بود که عمرش سپری کرد و بهم میداد که بود که از تو
گشتن مردم این سیرین کوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود که معیشت مردم بود و هر زیاده و نقصان
که در تن بیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل بود بر دوریشی و بنگاری کار یا و اگر تنش
بیند دلیل کند بر تو انگری و کشایش کار با و اگر بیند که از تن او رسته نیروی آمد و دراز میگرد و دلیل کند که زندگانی بهین
و فراخی گذرانده و مالش زیاده کرده و اگر بیند که از رسته کسسته شده و مالش بخلاف این بود و اگر بیند که تن او آمیز شده
پسین دلیل بود که عمرش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ کرد و اگر بیند که تن او آبکینه بود و دلیل بود که اجلش نزدیک
باشد که مانی کوید اگر بیند که تن او قوی و درست بود دلیل بود که کارش بنظام شود و راز او پوشیده باشد و اگر بیند که تنش ضعیف
است دلیل بود که درویش کرد و درازش آشکارا کرد و حضرت صادق میفرماید که اگر بر تنش نیای بیند دلیل کند بر قوه و کوه
و طهر یا فتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی بیند و لیش بخلاف این بود و اگر بیند که جسم تن او آسوده است و دلیل بود که
کرد و تندرست پاری رخد بود و دیدن او در خواب بر عده بود و از عالم از خواب این سیرین کوید اگر بیند که غریب تندر را
بازین دلیل بود که مردمان از ترس بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر بیند که باران سخت بار و تندرست بارید و دلیل بود
ترس که ای بیند خواب از دعای پدر و مادر که مانی کوید که غریب رخد اندک و باریدن باران اندک دلیل بر ترس که ای از باران
از دعای مادران و صالحان حضرت صادق فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب دویم حکمت سیم خجتم چهارم

تغار

تغار

تغار

تغار

تغار

تغار

که فرزندش میرود و مادرش باز و اگر بیند که جامه اش گسست و آب باز و دلیل کند که زشت می رود و فرزندش باز و اگر جامه اش گسست و آب
دلیل بر ملاک فرزند بود و مادر و پدر و جابر مغربی گوید اگر بیند که جامه در خانه آلوده و آلوده نشاند و دلیل بود که بعد از آن جامه اول
کنیز کان و زنان بودند و اگر جامه سفید یا سبز بیند دلیل بود که او از زنان صلیح یا رسا باشد و اگر جامه های سرخ بیند دلیل کند که او از زنان
سحاشه و عصبه بود و اگر جامه زرد بیند دلیل بود که از زنان او بیار و زرد کون باشد و اگر جامه سیاه بیند دلیل بود که او از زنان اندک بیند و بیند
باشد جامه و نیال نکو بد که جامه در خواب گسست کار مرد بود و اگر جامه خردانیکو بیند دلیل گسست کار و نیکو کرد و اگر جامه را بر بیند دلیل گسست
و کارش بد شود و اگر پادشاه در خواب جامه خود را سیاه بیند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر عیت جامه خود را سیاه بیند دلیل غم و اندوه و جامه زرد
بیماری بود و جامه سرخ در خواب غم می بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان نیز خوب بود و قوله تعالی عَالَمَهُمْ نِیْمًا
سُئِلَ عَنْ خُصْرِ وَاسْتَبْرَقٍ وَجَانِمُ سَعِيدٌ شَشْتُهُ سَاخَتْنِیْ کَارِ مَرْدَمُ بُوْد وَجَانِمُ بُوْد دِلِیْ بِمُفْرَتِ بُوْد وَجَانِمُ سُوخْتُهُ دِلِیْ زَنَانِ
بُوْد وَازِ سَبَبِ پادشاه و جامه و ریده و دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه پشه و نمین و پلاس از پشه اینچله دلیل بر مال و خوشه و
حاصل کرد و جامه مرقع دلیل بر وریشی و تنگ دستی بود و جامه چکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل
بر ملاست و شناخت کند و جامه که از پوست چهار پایان بود دلیل بر خیر و منفعت بود که بد و رسد و جامه بید ز بشکل کفن دلیل گسست
شغلهایی وی در دین تمام کرد و دلکن عمرش با آخر رسیده باشد و اگر بیند که پوست خروپشیده بود دلیل بود که غم و جاده یا بد بخت
گوید اگر بیند که جامه متری پوشیده است اگر از ابل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی کرده و اگر بیند که جامه وری پوشیده است
و دلیل که مال بسیار یا بد امان خلق ملامتش بود و اگر بیند که جامه حاجی پوشیده بود دلیل بود که اعطای بزرگان محروم ماند و اگر بیند که
جوانی جامه عوانی پوشیده است دلیل کند که کسی او را یاری و به بطار رسانیدن بوی و اگر بیند که جامه جلادی پوشیده است دلیل
که منفعت یا بد و اگر بیند که جامه صاحب پوشیده است دلیل است که با امانت و زبان آور کرد و و به مات ساختن خلق مشغول کرد
و اگر بیند که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که وین او زیاده کرده و اگر بیند که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که با امانت
بود و اگر بیند که جامه بازگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب و کلاه او نیکو کرده و اگر بیند که جامه ابل صلاح داشت دلیل بود که
کار و پیش به صلاح آید و اگر بیند که جامه ابل فساد پوشیده است دلیل بود که او را ابل فساد و غم و اندوه رسد و اگر بیند که جامه فروز و رکا
کن داشت دلیل بود که شغور و بخور کرده و اگر بیند که جامه طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو کرد و دو در میان مردمان مشهور کرده و اگر
بیند که جامه جودان داشت دلیل بود که بکر و حیل کسی را ملاک کند و سر انجام کارش بد شود و اگر بیند که جامه ترسیان داشت دلیل کند
که کاری کند که سبب آن از دوست و دشمن ایمن نباشد و اگر بیند که جامه کشیشی داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و بسیار کفر
و ضلالت بود و اگر بیند که جامه مخارن داشت دلیل بود که میانش بکایب بد و بیان و جابلان بود و اگر بیند که جامه صبا ازان پوشیده
است دلیل بود که لورا ابکی عداوت فتنه و اگر بیند که جامه مرتدی پوشیده است دلیل بود که کسی خطائی بد و بد بخت است و جامه
و اگر بیند که جامه بت پرستی داشت دلیل بود بخت پادشاه مشغول کرد و یا خدمت متری و اگر بیند که جامه زنی پوشیده است دلیل

بود که از متفرخیش دور کرد و اگر بیند که جامه مردان زندانی پوشیده داشت دلیل بود که بسبب کاری عظیمی دستمند کرد و اگر بیند که
 جامه حامل پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و نکشتن گاهی کرد و اگر بیند که جامه کویری داشته دلیل کند که خدمت مردی سخته
 و درین جهت مشغول کرد و اگر بیند که جامه کشیتانی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصیبت روزی حلالی و رسد و اگر بیند که جامه تصانی
 داشت دلیل بود که دیرانی و اندوهی رسد و اگر بیند که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که بازن صحبت دارد و نه راست کوفتی
 گوید اگر بیند جامه نو داشت و او را قصاص کرده بودند نیکو بود و جامه رنگ و درین و جامه جام از جامه کاری کرده بهتر بود و جامه
 در بخت زن خردمند و کثرت با فرزند است بود و جامه بر دو خط خیره و منفعت بود و جامه رستی که بجهول بود و خرم نازبان بود یا غمی سخت
 که بدو رسد و جامه معین دل و خواسته بود جامه بر دویدن جامه بر دو کونه است یک کونه بدین تعلق دارد و یک کونه دیگر دنیا
 و جامه سفید وین است و جامه نو عمامه دنیا اگر کسی بیند که جامه سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامه تنگ
 بیند هم دین را بد بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامه سرخ زانرا نیکو بود و دنیا
 و دروازه نیکو بود و پیرایه و ازار و طبلستان و قبا و دستار را بخیله مردان را غم و اندوه بود یا جنگ و خصومت و جامه زرد و دروازه ایست
 بود و بقول بعضی از متعبران اگر بیند زنی که جامه زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید و اگر درویش را کرد و جامه سبز زنان و
 مردان را دین بود و اگر بر زنده بیند صلاح دین بود و اگر بر مرده بیند دلیل رشکاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشیده شود
 اما آنکه پیوسته سفید پوشید جامه سیاه دیدن نیکو نباشد و دین و دنیا را و جامه سیاه بقول بعضی از متعبران خطیب قاضی و پادشاه را
 نیکو بود و اندر رعیت را غم و اندوه بود و جامه کبود بهتان و غم و مصیبت بود و اگر کسی بیند که جامه طوق داشت یعنی سبز و سرخ و در دلیل
 که از پادشاه یا والی آفرایت سخت شتو و کد را خوش نیاید و هم عیال شت که در اگر کسی بخراب بیند که جامه داشت از نیکویش
 از نیکو دلیل بود که با اهل دین و دنیا بذلت زندگانی کند و اگر بیند که از جامه خویش بی خود دلیل کند که از مال خود نفقه بسیار کند و اگر
 و اگر بیند که جامه ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بر کاری و میرا برندان کشد و اگر بیند که جامه و صافی
 گردید یا از وی بستاند و او برهنه بماند دلیل بود که قدر و جاهش کم کرد و حقیر و خوار گردد و اگر بیند که جامه خویشتن را بریدنند
 که اندوه بگیرد و در وازن خویش خصومت کند و اگر بیند که جامه وی بدرید دلیل کند که از آنگس شود و اگر بیند که جامه خود را
 یا جامه اهل خود را مومی کرد دلیل کند که او را با خویش خود خصومت افتد یا از دوستی و اگر بیند که جامه او کسی برود و برهنه بماند
 کند که از خدمت و منزلت بیفتد و اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد و نیست که بسفر شود و اگر بیند که جامه باز کرده را در بخت
 دلیل بود که غایتش از سفر باز آید و اگر بیند که جامه زندان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده کرد اما تا مرسی عظیم بدو رسد و
 او را غم و اندوه رسد و بهیچت کرد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیره و غمت بدو رسد و جامه
 در خواب غم بود بقدر درازی و کوتاهی جامه و در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد و دلیل بود که از غم باز در اصفهانی گوید
 که بهترین جامه در خواب جامه ایست که از پنبه بود و در وی قریب از پنبه نباشد و جامه غنائی از پنبه و ابریشم بود و جامه خشم

هر دو دلیل بر مال حرم و جفا کند درین و جامه و بیای حریز و ابریشم و از آنرا بد بود و از آنرا نیک و جامه کن غم و اندوه بود
از قبل و شاه و اگر کسی بید که جامه کنه فرو شد نیک بود و اگر بید که جامه کن سبز بد بود و جامه کن سبز پوشیدن
بد است و جامه کن سبز از تن بیرون کردن نیک است جامه مغربی کوید اگر بید که جامه شسته بود و پوشید و دلیل بود که تائب بود
و اگر بید که جامه چرک داشت و رویش کرد و اگر بید که جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود او را نیک بود
و اگر بید که جامه باشکوه داشت دلیل بود که او پسر کسی پدید آمد حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن جامه نو در خواب بسیار
وجه بود و اول زن و دوم پادشاه ستم مال چهارم خیر و منفعت و پنجم او کوید اگر کسی بید که جامه خود را بمقصر بیرون دلیل
که خیری بد و رسد و اگر بید که جوان جامه او را بیرون کرد و دلیل بود که فساد و در میان زنانی افتد جامه خواب
این سیرن کوید که جامه خواب دیدن بتاویلین بود و اگر بید که جامه خواب غنچه پاکیزه بود و دلیل که عیال شرمین و او بود
و مستور و اگر بید که جامه خواب او سیاه بود و دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بد و رسد و بعضی از فقیران کوید که جامه سیاه در خواب
پادشاه را نیک و در عیالت را بد بود و اگر جامه خواب را کوید و دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بید
که جامه خواب چرک و وریده بود و دلیل بود که زن او چرک و پید و ناسازگار بود و اگر بید که جامه خوابش ضعیف کرد و یا بد زود
و دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او مفارقت کند و اگر بید که جامه خوابش سوخت دلیل کند که عیالش میر و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که دیدن جامه خواب برسته وجه بود و اول زنی نیک و دوم راحت و آسانی ستم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرن
کوید که جان بخواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر بید که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش خیر و یا مال
تلف کرد و یا خود را نکند و اگر جان خویش بصورت مردی نیک و بید دلیل بود که وی را فرزند نیکو یا مردی و حالش نیکو کرد و یا بخت
پادشاه خوش طبع جانم و سپید و حالش نیکو کرد و اگر جان خود را بصورت مردی رشت بید تا ویش بخلاف این بود که گفتیم حکما
در خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا کفار گرفتند
از آن آسمان رفت رسول فرمود که وصیت کن که جان تو بجان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد دنیا رحلت کرد و کافی کوید اگر کسی
که جان خود را در کف خود دید دلیل بود که بکار محاطه مشغول کرد و که در آن ویرانیم جان بود و اگر بید که جان از کف او آسمان شد و بخت
که زود میرد و اگر بید که در کف جان او زد و بد و که در بیماری صعب میرد و اگر جازا بگونه سنج و یا سفید بید عاقبتش نیکو بود و از غم و کسرت
یا بد و اگر بید که بگونه سیاه بود و دلیل است که مستوجب عذاب حق تعالی بود و جامه مغربی کوید اگر بید که مرده جان می کند و خویشان او
بر روی نوحه و زاری می کردند و دلیل بود که این بیت مرده را غم و اندوه رسد و اگر بید که خویشان وی آهسته میگردند و دلیل که خویشان او
از وی شادی و خوشی رسد حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن جامه مرده در خواب جان میکند و دلیل بود که جانش در عقوبت بود چاه
سیرن کوید که چاه در اصل تاویلین بود و اگر بید که در جایگاهی چاه میکند دلیل بود که زن خوابد و اگر بید که بچندن چاه کسی او را بد و کسرت
دلیل کند که میان او و اقربان کسی متوسط است و خواهد که بگوید حید از زن را برنی می و بریزد که کندن چاه که چیده بود و در اشکال کوید

نیک

چاه

جان

چاه

که طلاق

بجای

که فلان چاه برای فلان یکسند یعنی بوی بدی و مکرر خاک و آب چاه در خواب مانن بود اگر کسی بیدار نیاید و دلیل بود که مانن بجز و اگر جای چاه
 که از پشت پنجه برآورد و بود و هم دلیل بر مانن کند و اگر بیدار کسی چاه کند و آب بر نیاید دلیل بود که زنی در ویش خواب کرده و اگر
 اگر بیدار آب چاه خوردن بطعم خوش بود دلیل بود که مانن بکر است بستاند و اگر بیدار آب چاه گرم هم خورد دلیل بود که بکر
 مانن زن چاه باید و بقول بعضی از معبران بیمار کرد و اگر بیدار آب چاه خشک و خوش بود دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند
 و اگر بیدار آب چاه بسیار بود که زن جوان مرد و سخی بود و اگر بیدار آب چاه اندک بود و دلیل بود که زن سفله و دون بود و اگر بیدار
 که چاه بکند و آب زد و برآمد دلیل بود که زن بیمار کرد و مال خود در بیماری بجز و اگر از چاه آب سیاه برآمد یا کبود دلیل بود که عمر
 و اندوه بدورسد و اگر بیدار از چاه آب سفید برآمد دلیل بود که میراث یابد و اگر بیدار آب چاه بقعر فرو رفت و هیچ نماند دلیل بود
 که زن هلاک کرد و مالش تلف شود و اگر بیدار چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن کرمانی کوید اگر کسی بیدار بود
 در چاه کرد و آب برآورد و در چاه افتاد و در میان گشت شد دلیل بود که او را فرزندی آید تا نام حکایت و خبر است که هر کجا
 از عباد الله عباس پرسید که خواب دیدم که در چاه کردم تا آب برآرم ریسمان بدو پاره گشت و آن دو پاره را یکی برآورد و
 دیگری در چاه ماند عباد الله گفت که تو انجیل خود غایب بودی و ترا فرزندی آمدشش مایه که ویرا دفن کردند از تو گفت که مرا
 از انجیل عجب آمد و انجیل را که دید اگر کسی بیدار که در جای کجایی معروف چایی میکند دلیل کند که با کسان خود مکرر حیل سازد
 و بقول بعضی از معبران کندن چاه و برآمدن آب حکم نکاه دارد و اگر بیدار چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط
 بود و کسی را بکلیح کردن جابر کوید اگر بیدار آب چاه میکشد دلیل بود که بکر و حیل مال جمع کند خاصه که چاه خود کند باشد اگر بیدار
 بدو آب هم کشید و در سبزه ریخت دلیل بود که مال خود نیکو نکاه دارد و اگر بیدار آن آب را بر کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که مال را
 نفقه کند بخیر و اگر که در چاه افتاد و دلیل کند که در مکر و حیل افتد و اگر بیدار که باغ را آب هم داد و دلیل کند که مالی که حاصل کرده است
 زن خواهد یا کینک خرد و اگر بیدار که در باغ میوه بود و دلیل بود که او را فرزندی آید و بعضی کوید که اگر بیدار که باغ را آب بسپارد دلیل
 کند که باز خود مجامعت کند و اگر بیدار آب بر سر چاه آمد و روان شد دلیل کند که زنی توانگر برنی خواهد و از آن زن او را مال نعمت
 حاصل کرد و حضرت صادق فرماید که دیدن چاه در خواب برشش وجه بود اول آن و تویم کینک ستم عالم چهارم توانگری چشم
 مکر ششم مکر و حیل و مرد چاه کن در خواب مکر و حیل بود و چشمه این سیرین کوید که چشمه در خواب مان بود و اگر بیدار که چشمه فراخ و پاکیزه داشت دلیل
 کند که زن او نیکو رای و نیکو سیرت بود و اگر خلاف بیند دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر بیدار که چشمه او بدرید یا بر حشت
 دلیل که میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق فرماید که دیدن چاه در خواب که بیدار در میان درشت داشت نیکوتر بود و آن چاه
 وجه بود و اول زن و دوم قوه ستم شادی چهارم منفعت و چشمه کن و چکر کن و اندوه بود و جابر کوید اگر بیدار که چشمه نوداشت مکر کسی هم
 داد و در نیک نبود دلیل بود که زن پاکیزه بود و اگر بیدار که چشمه نوداشت زنی ناپرسا و با امانت بود و اگر زنی بیدار که
 بود و اگر کوید بود و زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بیدار زنی معاش بود و با او سازگاری کم کند چشمه این سیرین که دید اگر کسی بیدار که

بجای

بجای

سرا و چند سیر و نه دلیل بود که اگر اهل آن بود پادشاهی باید و اگر اهل آن نباشد دلیل که بزرگی باید و اگر نبیند که چهره پادشاه در دست او
دلیل که مقرب حضرت پادشاه کرد و حضرت عطاء و قیام نماید که دیدن چهره در خواب بر هفت وجه بود اول سلطنت و دوم عزت و سیم مرتبه
چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان چراغ کرامانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و مقرب آن
که که بانوی خانه بود و اگر در خواب ببیند که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود
و اگر ببیند که چراغ تاریک میسوخت دلیل بود بر رنج که بانوی خانه یا زن یا خادم اگر ببیند که چراغ فرو مر و دلیل بود که خانه باکد نوی غایب
جایه بود که اگر ببیند که آتش نه چراغ بر آتش و دلیل که اگر زن دارد و فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا نیک نکرده و اگر در سفر غایب و او
بسلامت باز آید و اگر ببیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه ولایت عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر عسرت
و شغل بسیار بود و همچنین اشغاف گوید که اگر ببیند که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر
ببیند که خواب فاسق بود دلیل که خدا تعالی باز کرد و دوباره کند و اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد و اگر
و سیر اجاق تفتی و آب شیر انوشه بنیان بآن طعمه و کینه گویا و اگر ببیند که چراغ بر دلیلی بود که فرزندش بپاک کرد و اگر
و در نقش نقصان پذیرد و اگر ببیند که در هر دو دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیای او ساخته و اگر ببیند که در دست یک چراغ
داشت که روی و دود راخ و دودش بد فرخته بود و دلیلست که او را و فرزند نیک بود که بیک شکم آید حضرت عطاء و قیام نماید که در
چراغ در خواب بر چهارده وجه بود اول پادشاه و دوم قاضی سیم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم خدمت ششم شکار
نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش و دوازدهم کینه کینه و سیم منفعت چهاردهم آنچه ببیند همچنان بود چراغ پایه ابن سیرین
که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر ببیند که چراغ پایه داشت یا کسی با و او دلیل بود که خادمه او خوش طبع و معربان بود و اگر
چراغ پایه زنک گرفته بود دلیل بود که زن خادمه متکبر و خود بین بود و دیش ضعیف بود و اگر ببیند که چراغ پایه چوبین بود زن خادمه
غله و دود بود و بر تواری و هم او و نیز چراغ دان در خواب زن بود و مقرب آن که ببیند که خدمتکار خانه بود و قبیل و چراغ دان کار فرمای بود و اگر بانی
بود که ببیند که چراغ دان چنین بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار گریه بوده باشد و اگر خالین ببیند اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دیر می ماند تا با او
و اگر ببیند که چراغ دان از دست او بیفتاد و شکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او میر و چراغ ابن سیرین گوید که چراغ در خواب پادشاه بود
و اگر چراغ خوشی ببیند دلیل فرزندی بود که بعد بلوغ و مروی رسد و اگر ببیند که چراغ را بگرفت و بد و شکار میکرد و دلیل بود که پادشاه
بر او ستم و بد او کند و اگر ببیند که پادشاه چراغ بد و او و شکار میکرد و دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی باید و بر دیگران
ستم کند و اگر ببیند که چراغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزندی آید یا فرمان اگر ببیند که از گوشت آن چراغ چیزی می بخورد
دلیل بود که از فرزند رنج و بدی ببیند کرامانی گوید که چراغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با سبب و قوت بود و اگر ببیند
که چراغ در خانه وی بیکار بود یا دو بار یا نیک میکرد و دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر سته بار یا نیک کرد و هیچ زبانش نرسد و بعضی از
مستحبران گویند که چراغ مروی در زبانی که با کینه چرخ ابن سیرین گوید که هر که در خواب ببیند که جامه چرخ داشت دلیل که

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

که

چشم
ببیند
چشم

فنا و کار بود و اگر کسی بیند که جامه بچاک یا چیزی دیگر آلوده بود و دلیل بود بر تباہی دین و دنیا می او و اگر بیند که چرت جانانه او
بر دکان بود و دلیل بر شاد و دین و صلاح و دنیا بود و اگر کسی که چرت در خواب دیدن بر سر روشن غم داند و بود و دیدن چرت بر تن
خیر و منفعت نباشد چرخ و خواب زنی بود و مختلف حال و پراکنده کی احوال و سوزی زاده اگر بیند که چرخ داشت یا کسی بد و او دلیل بود
که زنی بد نصبت که گفتیم بگوید و اگر بیند که چرخ او ضایع و دلیل بود که زنی بیرون میرود یا طلاق و دیگر جابر مغربی گوید اگر بیند که چرخ سفید روشن
بود و دلیل بود که زنی مستور با نام است و خوب روی بخوابد اگر بیند که چرخ تیره و سیاه بود و تا ویشتر بخلاف این بود و چشمت این برین
اگر کسی بیند که از جانی میجست لیل بود که از جانی که وارد بجال و میگرد و اگر چشمت دور بود و دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چلی
یا نیمه در دست داشت و بدان از جانی بجای میجست و دلیل بود بر روی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد و کارهای ناانکار بر او می
آید و اگر بیند که از دیواری فرو جست و بر سر نشست و دلیل بود که پلاک کرد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فروفت
و بر و دلیل بود که زن انا و جدا گردد و با پیش روی آید و اگر بیند که از زمین بهو ابر جست و روی بقبله آورد و بعد از آن در اوج و در حرم و در
یا در که باور مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرانی بهو ل سرانی مجهول جست و دلیل بود که پلاک کرد و اگر بیند که با شکوه
همی جست و مطلق همی زد و دلیل بود که کار وی با شکوه بود و عیش بروی تباہ کرد و اگر بیند که بهو ابر جست و مرغی را گرفت و دلیل کند
که زن خود را بگذار و وزن و دیگر خواهد و اگر بیند که بچی یا بعصائی از جانی بجای همی جست و دلیل بود که از پنج و اندیشه برسد و کارش نظام شود
چشم این برین که یک چشم خواب دیدن مرد بینائی بود که بدان راه هدی یا بر چشم از رزق بدعت بود و چشم ششماره زن بود
و اگر بیند که ما بینا شده است دلیل بود که از راه هدی کشده بود و یا فرزند وی میرود و اگر بیند که چشمش کور شد و دلیل بود که یک چشم
رفته بود یا کماهی بزرگ کرده بود و یک دست یا یک پای یا یک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آن می کرمانی که یک
بیند که در چشم سرمه کشید و دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که از سرمه مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خویشش را با نام است
و دین دار بر دامن نماید تا غریز کرد و اگر بیند که کسی سرمه بوی داد و تا در چشم کشد و دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنی
چشم او ضعیف بود و بظاہر و باطن دور روی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز را با بکمال مسید و دلیل بود
بر زیادتی صلاح وی در دین و بگمای آوردن سنت و فرائض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند و دلیل بود که چیزی که چشم او
بدان روشن بود و از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب کرد و چنانکه دیگر باز بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از این است
و دلیل بود که پرده او دیده کرد و اگر بیند که هر دو چشم او آما سیده بودند چنانچه چشم بار میفتد است کرد و دلیل بود که با مردی مخالفت
کند و اگر چشم او ضعیف بیند و دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشم خود را کند و بیند و دلیل بود که از دین شریعت
بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است دلیل بود که بر زبان او سخن نماند و در باب دین و اگر بیند که چشمهای او
است و مردمان بپندارند که او کور است یا شب کور و دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاہر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و دلیل
شد و دلیل بدی و بر کشتن حال او بود و قوله تعالی وَخَشِيَ الْمُنَافِقِينَ يُؤْمِنُونَ وَفَقَا و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره

چشم

شست دلیل بود که بیمار کرد و یا با کسی خدمت کند اگر میند که چشم او سیاه گشت چنانکه سفیدی نداشت دلیل بود که شکم کرد
 اگر میند که یک چشم او گشت رسیده دلیل بود که فرزندان او را آفت رسد و اگر میند که کسی دست فراز کرد و یک چشم او را بر کند دلیل
 که فرزند او را از راه بیرون اگر میند که کسی چشم او را بست یا بدست گرفت دلیل بود که فرزند او را زبانی رسد یا مالش برود یا گستا
 کند و اگر میند که از دیده او خون همی رفت دلیل بود که بجهت فرزند عینی بوی رسد یا نقصان مال او شود و همچنین شست گوید اگر
 میند که چشم او گوش گشت و گوش او چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را و خیری بود و یا هر دو مجامعت کند و اگر میند که چشم
 کف و شستش بود دلیل بود که مال یا بد و اگر میند که چشم او سفیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و قوله تعالی و انما یبصرون
 حیث ینزلون حکایت چنین گویند که مردی پیش را نیای آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بود
 چشم چپ من رسد و گفت ای مرد از خدا ترس و تو به کن و بعد ازین باز من همسایه خیانت کن تا از عقوبت حق تعالی ایمن گرد
 مرد گفت که تو به کردم که بعد ازین زن کنم حضرت صادق علیه السلام فرمود که چشم در خواب بر بخت وجه بود اول روشنایی و تویم دین
 هر ی چشم سلام چهارم فرزند چشم مال ششم علم هفتم زیادتی در دین و مال چشمه این سیرین گوید که چشمه آب در خواب چینی
 بود و جو از نخلش چون آب خوش طعم و خوش بوی بود قوله تعالی قیلما عین جباریه و اگر آبش تیره و کدو و خارش
 بود دلیل بود که انجام غم و بیماری و مصیبت بود و اگر میند که از آن چشمه می کرد دلیل بود که از غما فرج یابد و اگر میند که
 چشمه زیاد شد دلیل بود که جاه و عزت و دران و یا در جو از نخلی زیاد کرد و اگر میند که آب چشمه نقصان کرد و تا ویش کلا
 این بود و اگر میند که آب چشمه خشک کرد دلیل بود که مری جو از نخلی از اندیاز حلت کند که مانی گوید اگر میند که در خانه او یا
 و کان آب چشمه آب برید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و گریستن بود بر قدر و قوت آب چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش
 غم و اندوه بود و مصعب تر و اگر میند که در آن چشمه دست و روی میشت دلیل بود که اگر میند بود از آرد کرد و اگر شکم بود
 از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار و وامش که آرد و شود و اگر گناه کار بود تو به کند و اگر حج نکرده باشد حج کند
 جابر گوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر صاحب خواب بود و با نقد که چشمه آب میند خاصه که دست و ران آب زنده و آب
 ایستاده بتا و مل صلیف تر از آب روان بود و بعضی از معبران گویند که چون آب چشمه ایستاده بود بتا و مل دلیل بر خیر و صلاح
 دین کند و چون روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن آب چشمه در خواب برنج وجه بود اول چشم
 جو از نخل و تویم غم و اندوه چشم مصیبت چهارم بیماری چشم غم و زنده گانی یا فتن چنانکه ابن سیرین گوید که چنانچه در خواب
 سخن باطل و دروغ بود و اگر میند که چنانچه میزد دلیل که سخن باطل و دروغ گوید یا در غم و اندوه رسد و اگر میند که پادشاه و پیر
 چنانچه داد دلیل بود که از پادشاه و پیر غم و اندوه رسد و اگر میند که چنانچه ریشکست و میفکند دلیل بود که از دروغ و باطل
 تو به کند و اگر میند که چنانچه بر سر میزد و چنانچه نذا زد دلیل بود که اگر صاحب علم او مر و ما را تعلیم کند و از آن علم فایز
 بردمان رسد و باشد که از شکونه علم گوید تفسیر و علم حدیث و فقه و اگر انیس جابل بود و شخی پیشه کند که از شغل در است و از

چشم

چشم

چشم

کند

گفتند و اگر بیند که با چنانه جنگ و نانی و رقص بود و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند چقدر در خواب مردی بود و با یکبار چنان
و حرام بود و اگر بیند که کسی چندی همی که در دلیل بود که او را با چنین مردی خصوصیت افتد و دیگر همه حال دیدن چقدر در خواب بسیار که
نشانده که مانی که دید اگر کسی بیند که او از چندی همی شنید و دلیل بود که در آنجا توجه و شیون بود و بقدر بانک چقدر و اگر بیند که چقدر بود
و دلیل که فرزند او شود و ناله و ناله بود و اگر بیند که در شست چندی همی خورد و دلیل بود که از مال مردی در دنیا بکار بقدر آن چیزی
بخورد و چقدر را بن سیرین که دید که چقدر در خواب دلیل غم و اندوه بود و اگر کسی بیند که چقدر همی خورد و دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه
خورد و اگر بیند که چقدر از خانه بیرون انداخت و دلیل بود که از غم فرج یابد این سیرین که دید که چقدر در خواب منفعت اندک بود از جهت زمان چقدر
پخته ام از زمان منفعت یابد اندکی چک محمد بن سیرین که دید که اگر بیند که چک جره جره بوی داد یا مهر کرده بیافت و دلیل بود که مال
و منفعت یابد اگر کسی بیند که کسی برو چک یا خط و قبالة هیئت و دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی که دید که اگر بیند که چک جهره
کرد و داشت مهر از بر گرفت و دلیل است که در مال و نقصان افتد اگر بیند که چک از وی ضایع شد یا سوخت و دلیل بود که وی
ضایع کرد و چکا و ک افشاری قبره خوانند و تاملش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکا و ک نر گرفت یا کسی که
او و دلیل است که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکا و ک نر بود و غلام پسر آید و اگر ماده بود غلام را دختر آید که مانی که دید که چکا و ک
در خواب مردی بود شیرین سخن غیب و کم از هر چرب زبانی اگر کسی بیند که چکا و ک ویر اعطاء او یا گرفت و دلیل بود که با چنین مردی
او را صحبت افتد چک بن سیرین که دید که چقدر در خواب مال پنهان کرده بود اگر بیند که چک مردم بود و دلیل بود که مال پنهان کرده یا با
و هرگز نکند اگر بیند که بسیار چک پخته یا بیان کرده او را حاصل کرد و یا خام و دلیل کند که کج بیاید و چک کا و ک و ک سفید هم دلیل مال
و لغت بود و بعضی از متبران گویند که چک در خواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول فرمود او لا دنا الکا و دنا که مانی که دید
که بیرون آمدن چک پیدا شدن مال پنهان بود که پیدا کرد و چک بسیار اگر پخته یا خام بود و دلیل کند بر یافتن کج و بر علم غیب
صادق فرماید که دیدن چک در خواب بر سه وجه بود اول فرزندان و دوم دوست که بجای فرزند بود و سیم علم و اگر بیند که زخام
او چک بیرون میگرداند یا آتش چک را را میسوزد و دلیل بود که پادشاه کج و مال و بستاند و اگر این خواب را عالمی بیند و دلیل بود که
جمله فراموش کند محجامت و انبیا که دید که محجامت کردن در خواب روا شدن حاجت بود خاصه چون بیند که سنی از وی
جد و دید اگر کسی بیند که با کسی جماع کرد و دلیل بود که از آنکس نیکی یابد و حاجت او روا کرد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد و دلیل بود که
او توانگر گردد و اگر بیند که با زن خود جماعت کرد و چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت
بیند این سیرین که دید که اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر جماعت و دلیل که مردی مستعجب بود و بر طلب کار ناسزا و در آنکار او
صلحت نباشد و سنت رسول اگر آنکاره ندارد و اگر بیند که با پدر یا مادر یا خواهر یا برادر یا کسی که بر وی حسد است جماعت کرد و دلیل بود
که شفقت خویشی از وی بر برده کرد و اگر زننده بود یا مرد و دلیل بر غم و اندوه و بعضی از متبران گویند که اگر زننده بود از وی خیر و نیکی
بیند و باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زن که مرده بود جماعت کرد و دلیل بود که غلبن مستمند کرد و اگر بیند که با زن مرده بیگانه

جایگاه کرد و دلیل بود که کاری کند که از آن نوسید شده باشد بنامی نیاید مرده که بیگانه بود اگر میند که با جان مجهول مجامعت کرد و میند
ایشان خصوصت بود و دلیل بود که محبت با خدا و از او خیر و نیکی میند و اگر آن مرده جان معروف بود و بر وی ظفر یا بد اگر میند که جماع
با مردی پیر میگرد و دلیل بود که خیر و نیکی از محبت خود میند که مانی که بد اگر میند که دختری بد و شیزگی بست دلیل بود که در آن سال فی خواهر
یا کینزگی بخرد و اگر میند که محرم یا دشنام شد و مجامعت کرد و دلیل بود که بر دشمن ظفر یا بد اگر میند که با دوی جماع کرد و بهین دلیل کند و گاهی
بر او دشنام و بعضی گویند که از پادشاه و ترس و بیم بوی رسد و اگر میند که با مرغی مجامعت کرد و دلیل کند که با کسی که بد بان منسوب باشد
ظفر یا بد اگر میند که با ترسائی یا جهود می یا کبری مجامعت کرد و دلیل بود که کارهای و شمای او بنظام شود و اگر مردی پیر که بکل
شهر و تن زایل شده بود و خواب میند که شهرتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود و دلیل کند که در کار وین نیک راغب بود
و اگر میند که با زنی نابکار جماع کرد و دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر انجواب زنی میند بهین تاویل دارد و جاه مغربی
گوید اگر میند که با شتر جماع کرد و دلیل بود که از سختی برده و بر دشمن ظفر یا بد و مالش بسیار و نداشت بلکه در دو و اگر میند که با پادشاه
جماع کرد و دلیل است که خرم و نزدیکی کرد و اگر میند که با زن پادشاه جماع کرد و دلیل بود که از او منفعت یابد و اگر میند که با زن عاقل جماعت کرد و دلیل
که گدازد و شود و اگر میند که با زن مجامعت کرد که مرده بود و دلیل که کارش بگردید یا با خویشان او پیوندد و وصلت کند و اگر آن زن زنده بود و از
خویشان او مفارقت کند بعضی از معتبران گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیا فی بود و همیصل شتت گوید اگر کسی میند
که با زن او که کینزگی بود مجامعت کرد و دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بد و رسد و اگر میند که با مردی معروف جماع کرد و دلیل است که از او خیری بدید
و اگر میند که با مردی مجهول جماع کرد و دلیل بود که از پادشاه حاجت رود و اگر میند که با مردی مرده جماع کرد و دلیل بود که از برای او دعای یا کبریا
کند و اگر میند که با زنی دیگر جماع کرد و دلیل بود که از او نیکی میند و حاجتش را کرد و در حضور حق و عزو یاد که در خواست جماع کردن که از او منافع واجب و نیکویش
جدا باین برین که بد که جلاب خردن مال حلال دین پاک بود و اگر کسی میند که او را جلاب داده و بخورد و دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل کرد
و دلیل است بر دین نیک و اعتقاد و درست او و اگر میند که کسی با او جلاب داد و دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت یابد و اگر میند که جلاب
بخورد و بر زمین بخت تا ویش بخلاف این جنازه اگر کسی میند که جنازه میبرد و دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردان
که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا کرد و لکن بر ایشان ظلم کند و اگر میند که او بر مرد و او را بر جنازه نهاد و او را میبرد و مردمان را پس
جنازه او میبرد و دلیل بود که شرف و بزرگی یا بد لکن دین او فساد بود و با القوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر میند که جنازه
مرده برداشت و میبرد و دلیل بود که بخد مت پادشاه پیوندد و از او خیر و نیکی میند و اگر میند که جوی از پس جنازه او میرفتند و در پیش
و دلیل که مردی بزرگ را از شهر در سفر میبرد و اگر خویشین را در جنازه میند که آن جنازه بر زمین همیرفت و دلیل کند که بسفر شود که مانی که
اگر میند که جنازه میبرد و دلیل چنانکه او کسی نبود و دلیل بر نقصان عز و جاه و کار و می کند و اگر میند که مردمان و دلیل چنانکه
او بود و تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که بر جنازه گران بود و دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر میند که بر جنازه سبک بود و دلیل بود
که بر مردمان سبک بار بود و حالش نیکو کرد و اگر میند که از جنازه و بیفایا و یا کسان که او را میبرد و از جنازه میند اخذند و دلیل بود که از او

سجده

بلاست

سجده

پیفته و کار او بسته کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چنانچه خواب دیدن بر سر تو و وجه بود و اول بزرگی و تویم و لایست پیغمبر خود جاده و منت
 جنب بود اگر میند که جنب بود و دلیل بود که در حرم آشفته و سرگشته شده باشد و بعضی از معبران گویند که سفر کند و مراد دنیا بیاید
 و کارش تباها کرد و اگر میند که خور از جنب است و جامه پوشید دلیل بود که سرانجام از آنکار رسته کرد و دو کار بسته کرد و اگر میند که خور
 ای نیست دلیل بود که کارش بر تمام نکند و یعنی که تمام بر نیاید که مانی کوید اگر کسی در خواب جنب میند خور و بر سر نه دلیل بود که در
 و متحیر و عاجز کرد و اگر میند که خور و اگر میند که شب و سپهر و آمد و جامه پاکیزه و پوشید دلیل بود که بخند باز کرد و تو به کند چنانکه
 اگر کسی خور چون مرغان چنگال دارد میند دلیل کند که او را قوه بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر میند که چنگال مرغان در رسته
 دلیل بود که بقدر وقت آنخ خیر و منفعت بد و در حد حضرت صادق علیه السلام فرمود که چنگال در خواب بر سر نه وجه بود و اول قوه و توانایی و کار
 و تویم معیشت ستم کسب کردن چنگاله در خواب مری بود دیگر دار و عذاب کننده و چنگاله را بفارسی معلاق خوانند اگر میند چنگال
 داشت یا کسی بوی داد و دلیل بود که با مری برین صفت او را صحبت و دوستی افتد و اگر میند که چنگاله اندام او را بخت و دلیل بود
 که او را از مری بد کرد و از مضرت و زیان رسد و اگر میند که چنگاله از او ضایع کرد و یا به بختید دلیل بود که از صحبت مری بد کرد و از جدا کرد
 چنگت زدن این مری که بد که چنگت زدن در خواب سخن دروغ بود اگر میند که چنگت میزد و دلیل سخن باطل و دروغ بود و او را از آن
 غم و اندوه و زیان رسد و اگر میند که پادشاه او را چنگت داد و دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر از اهل آن بود از غم و
 فسخ یا بد و اگر میند که چنگت را شکست یا سیف کند دلیل بود که از دروغ و باطل بوی کند و اگر میند که کسی چنگت میزد و او مسلح میکرد و دلیل
 بود که شنونده دروغ و باطل بود و بعضی از معبران گویند که چنگت زدن در خواب دلیل بر عمر و از بزرگی مانی کوید اگر کسی میند که چنگت میزد
 دلیل بود که بزرگی بزرگ از نهان پوخته کرد و او را از او عجز و جاه یا به هم حال و به هم سخن روانی و آخر کار آتین را بکنج بخواد و اگر میند با چنگت
 و چنانچه و نانی و رقص هم ایخله دلیل بود بر غم و مصیبت جابر مغربی کوید اگر کسی در بیماری میند که چنگت و چنانچه میزد و دلیل بود بر غم
 او چنگت کردن این مری که بد که اگر کسی میند که او چنگت کرد و با مردمان یا حیوان و دیگر چون پرواز یک صحن باشند اگر کسی
 بود بر دشمنان ظاهر یا به جو و شدن این مری که بد که اگر کسی در خواب میند که او چنگت کرد و دلیل بود که بر راه دعوت بود و جو و از نایاری دهد و قول ایشان
 راست دارد این مری که بد که اگر میند که او چنگت کرد و دلیل بر صلوات و کرامی او و بر خدا تعالی استوار و دروغ کوید اگر
 میند که از آن گشت و سلمان شد و دلیل که گاهی بزرگ از او در جو و آید و سرانجام تو به کند و بسوی حقیقت باز کرد و اگر خواب میند که نازکدام دین
 باز کدام قبله نازی با دیگر و دلیل بود که سرگشته و متحیر و سرگردان شود و فرمود حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر کسی میند که او چنگت کرد و دلیل بود که صاحب
 خواب را کاری مشکل پیدا کرد و در پنج الف شریعت سخت یا بد زیرا که یهود مشتق است از هدی و اگر مغی را خواب میند که دلیل
 بود که صاحب خواب را بکارهای دنیا فریفته کرد و غافل بود از کار آخرت جابر کوید اگر چندی خواب میند که مسلمان شد
 دلیل بود که نزد و بمیرد یا مسلمان کرد و جو که مانی کوید اگر میند که جو تر یا خشک یا پخته همی خورد و دلیل بود که چیزی اندک
 بوی رسد و اگر کسی میند که جو داشت یا کسی بوی بختید دلیل بود که بقدر آن خیر و نیکوئی بد و رسد و دلیل بر تن و رستی بود

جنب بود

چنگال

چنگال

چنگال

چنگال

چنگال

و

و اگر بیند که جشن پوشیده داشت دلیل بود بر حصاد آن و از شر دشمنان که بر روی ظفر نیامد و اگر بیند که با جشن دیگر صلاح داشت
دلیل بود که از کرم منافق و شرع عامه ایمن کرد و بعضی از معتبران گویند که جشن در خواب زیاده دینی و دین او بود و هر که جشن در خواب
پوشیده در حفظ خدای عزوجل بود حضرت صادق فرماید که جشن در خواب برش وجه بود و اول بزدکی و دوم پناه ستم قوه چهارم
از چشم زندگانی ششم زندگانی و زیاده دینی در دین و جشن در خواب دیدن مولس مردم بود چو کان نه دین ابن سیرین گویند
اگر بیند که چو کان در دست داشت و کوی میزد و دلیل که آنچیز میزد و قدرت و زلفتش بسیار بود و دین و طاعت است بود
که رمانی گوید اگر چو کان را در خواب بدست پادشاهی دید دلیل بود که بر دشمنان ظفر میاید و چو کان چون در دست مردم عامه بیند
دلیل بود که با مردم جنگ و خصومت کند و سخن زشت شنود و از قربانان و معتبران تشبیه کرده اند بدان چو کان را بر زمان چو کان
ابن سیرین گوید که چو لاله در خواب بر روی مسافر یا عیث بود که در عالم بهی کرد و اگر بیند که چو لاهی جائه بهی یافت یا کسی و راجه
چشم بهیافتند نیز که اگر باس یافتن تاویل جنگ و جدل بود که رمانی گوید بافتن جامه در خواب در حرفه بافتن چیز یا بیان کردیم
اگر بیند که جامه را تمام یافت دلیل کند که اندو بکین کرد و چو هر لباسی که هر فروش گویند ابن سیرین گوید اگر بیند که کوه هر دو را دید
میفرودخت و آن کوه هر ملک او بود و دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خداوند دین نباشد دلیل
که خداوند غلامان کرد و در بقدر وقت که او را مال حاصل کرد و حضرت صادق فرماید اگر مصلح و مستور بود و دید که کوه را میفرود
دلیل بود که در علم و دین حاصل کرد و جوئی آب ابن سیرین گوید که جوئی آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود و پاکیزه
دلیل که زندگیانی و خوش بود و اگر بیند که از جوئی مجهول آب صافی میخورد و اینک در سفر بود یا در جایگاهی بیکانه دلیل بود که در کاری
مجهول مشغول کرد و عمر خود را از گذارد و بمقدار آن آب که در جوئی خورده بود منفعت یابد و اگر آب جوئی شور و تلخ و ناخوش بود
دلیل بود بر تلخی معیشت و زندگانی او ابن سیرین گوید که جوئی در خواب دیدن اصل جوئی وکیل بود که مقرب کرد و اگر کسی آب جوئی
روان و صافی بیند دلیل که مقرب کرد و اگر کسی آب جوئی را روان و صاف بیند دلیل بود که کار وی روان کرده شود و اگر بیند
که آب جوئی تیره بود و دلیل بود که کارش تیره و بی نظام شود و هر جای که آب جوئی بیند دلیلش بر وکیل ناحیه بود و هر زیاده نقصان
که در جوئی بود بوی گل یا زرد کرد و اگر بیند که بر سختی نشسته بود و در زیر آن تحت آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روی
بوی نهد و احوال او جهانی و او نیکو کرد و قوله تعالی تجرئی من تحتها الا نهارا طعم فیها ما کیشاؤون و اگر بیند که در
جوئی آب صافی نشست دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفایابد و اگر اوام دار بود و امش گذارده کرد و اگر در سفر بود
زود باز آید جابر گوید که جوئی در تاویل مردی بود و محشم با منفعت اگر بیند که آب جوئی برداشت دلیل است که بقدر آن از مرد
محشم مال یابد و جوئی خور و زندگانی بود و اندک علم با تصواب صرف الحاء من کتاب کامل التبعیر و حبر
ابن سیرین گوید که حبر در خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود و اگر بیند که حبر بخورد یا کسی بوی داد و دلیل بود که حبر
بر روی فراخ کرد و در مزادش حاصل کرد و اگر بیند که حبر بر سخت یا از وی صنایع یاویش بخلاف این بود که رمانی گوید اگر بیند که حبر

۱۰۰

5

اروات دینے پر آمینہ ہو کر ۱۲
۱۲

برجسته و بخت دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر میر بود او را زیان نداد و اگر میند که بجز جیزی مینوشت اگر آنچه نوشت از قرآن
یا از نام خدایتعالی بود و دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که میند دلیل بر شر و فساد او کند حسب خوردن این سیرین
بود که حسب خوردن در خواب اگر میند که از برای بیماری خورد و دید که در خوردن او شفا و منفعت یا در دلیل بر خیر و منفعت کار کند اگر میند که از خواب
او را منفعت نباشد و باویش بخلاف این بود که گذاردن این سیرین بر تنه الله علیه گوید که خواب میند که در رفتن سحرانه و تعالاج گذاردن و از روی
و اگر بیماری این خواب میند شفا یابد و اگر وام و از میند و امش گذارد و شود و اگر کسفری میند بسلا منت بجام خود برسد
و اگر خواب میند که بچ رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عرش در آن گیرود و کارش نظام بود که مانی رحمة الله علیه گوید که
خواب میند که بچ رفت و در حرم لبت میزد دلیل که او را ترس می بود و اگر میند که حج بروی واجب شد لیکن در رفتن قصد نکند
دلیل که خیانت کند و اگر میند که روز عرفه است دلیل که با کسی صلح کند و اگر میند که در خانه کعبه نماز میکند و دلیل که از بزرگان
منفعت یابد و کارش نیکو شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گذاردن در خواب بر بخت وجه بود یکی ترویج کردن و یکم
کینت خریدن سوم زیارت پادشاه و او که گذاردن چهارم نیکوئی پیچمی نمودن در کار خیر ششم فروغ یافتن هفتم بصیرت
علم رسیدن حجر الاسود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر میند که حجر اسود دست نماید دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر میند
که حجر الاسود را بر کنده داشت دلیل که بد مذہب باشد ولی اعتقاد و ناپاک بود و اگر میند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل که
باز بر راه صلاح آید و اگر میند که آب زمزم میخورد دلیل که چیزی که از وی کشیده باشد باز بوی رسد که مانی رحمه الله علیه گوید که اگر میند
که حجر الاسود را بوسه میداد و بروی روی میمالید دلیل که خیر و صلاح و برین می زیاده شود و با علی پیوندد و حجامت کردن
سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر میند که حجامت او حجامی بیکانه در جانی بیکانه کرد و دلیل که امانتی در گذردن خود کند و اگر میند که حجامت
کننده دوست بود دلیل که امانتی بدو سپارد و از شر دشمنان امن شود و از غم فرج یابد اگر جوی این خواب میند بهمن و دل دارد
و اگر میری میند بزرگی یابد که مانی رحمه الله علیه گوید که اگر میند که پیر را حجامت کرد و دلیل که کارش نیکو شود و اگر میند که پادشاه را حجامت
کرد و دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر میند که چون حجامت کرد و خون از وی نیاید و دلیل که زن از وی بنا کام جدا گردد و با او طلاق
بود یا میر و مغربی رحمه الله علیه گوید که حجامت بر بخت میند که خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر میند که خواب خداوند
و دلیل که سستی شود یا بر پادشاه گردد و اگر جابل بود و در قرض غرق شود و جعفر صادق علیه السلام میگوید حجامت کردن در خواب بر بخت
وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شرط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم غرور بزرگی پنجم مرقت ششم سبب پیغام
السلام هفتم آنکه اگر عامل بود و عمل مغفول کرد و بعضی از متبران گویند که حجامت جان بود دلیل که محاسب خرج بود یا نیامده و خبر
و کار مردم بدست وی کشاده گردد حدیثی از ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که حدیثی در خواب دلیل بر فراهم آمدن کارها
باشد اگر میند که او را حد میزنند دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر میند که او را کسی حد زد و او را ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله
گوید که میند که کسی را از بهر کنایه حد زد و اگر میند که خواب صلح بود و شغل و نیامشغول شود و اگر میند که خواب منفعت بود دلیل که

خواب میند که بچ رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عرش در آن گیرود و کارش نظام بود که مانی رحمة الله علیه گوید که

خواب میند که حجر الاسود را بر کنده داشت دلیل که بد مذہب باشد ولی اعتقاد و ناپاک بود و اگر میند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل که

حدیثی از ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که حدیثی در خواب دلیل بر فراهم آمدن کارها

در خواب دیدن برشش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم با ست ششم منفعت هفتم حرم جای این
 اگر میند که در حرم کعبه بود دلیل که از آفات دنیا ایمنی یابد و او را حج روزی شود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که در حرم پادشاه یا بزرگ
 از میند دلیل که از همه شر ایمن گردد و پادشاه چندی بوی رسد و بعضی معتبران گویند که او را حاجت با اهل آن حرم و اگر میند که
 پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه مشروع کند کاری کند که او را از آن کار بدنامی حاصل آید و اگر
 میند که حرم پادشاه ظالم رفت بهین تاویل دارد حریر و خرو و سیب در حرف دل بیان کنیم حساب ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه که اگر کسی بخواب میند که حساب میکرد و دلیل که در محنت و عذاب افتد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که حق سبحانه و تعالی در حق
 حساب با وی آسان میکرد و امید هست که رشکاری یابد و اگر بخلاف این میند دلیل که در محنت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 حساب قیامت بخواب دیدن برشش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و پنج چهارم بد حالی پنجم اندوه ششم
 عمر کوتاهی و چهارم اگر میند که در حصاری شد و دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر میند که از حصاری بیرون آید و دلیل که بر دشمن ظفر یا بدکاری
 رحمة الله علیه گوید اگر میند که در حصاری محکم بود و آن حصاری از آن او بود و دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر میند که از حصاری بیرون آید بخلاف
 این در آخری رحمة الله علیه گوید اگر خود را در حصاری میند و دلیل که لغت در روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این میند دلیل بر تنهایی ال
 او و فو بشکی کار باشد حصیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب میند که حصیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یابد و اگر میند
 که حصیر میبافت و دلیل که بر تنی عاشق شود و اگر میند که حصیر کم به باد که میبافت و دلیل که از زن بی فصل و درویش بود و اگر میند که
 قتیق یا ناکیزه بود و دلیل که زنی محترم با اهل بخوابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که حصیر میبافت و میفرودخت و دلیل که او را
 عمنی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم منفعت سوم خوشکاری که از آن
 او را نفع بود و حقه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چفته در خواب در خشم شدن باشد و از جانی بیانی شدن چنانکه
 از خصی آن بیرون شود و بعضی از معتبران گویند چفته در خواب کاری بود که بر میند و باز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند
 که او را حقه کردند و از آن رنج دید و دلیل بر بدی احوال و بود و اگر بخلاف این میند خیر و منفعت یا بد چفته ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید چفته در خواب از آن باشد یا لیکر اگر میند که حقه نو فرافت یا بخیر یا کسی بوی داد و دلیل که زن خواهد یا لیکر خرو و اگر میند که
 حقه شکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که حقه بزرگ نقش است و دلیل که
 زنی تو را نکوه خواهد و از منفعت یابد و اگر بخلاف این میند و دلیل که زنی زشت روی و درویش بخوابد حکمت ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه که اگر بخواب میند که علم حکمت میخواند و دلیل که قرآن خوان شود و اگر میند که کتاب حکمت بخفت و دلیل بر تنهایی دین وی بود

کسانی رحمة الله عليه که دیگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق می بیند
 دلیل که بیننده خواب نماز نگذارد و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاج ابن سیرین رحمة الله
 علیه گوید که حلاج در خواب مردی خوی بود که کارهای مردم بردست وی کشاده کرد و اگر بیند که حلاجی میکرد و دلیل که با
 مردی چنین که گفتیم اور صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه که در حلاجی در خواب برو و وجه بودی که منفعت و تویم کشایی
 حکمت است آنکوز بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود و حلاجی ابن سیرین رحمة الله علیه که در حلاجی در خواب با
 بود که بر دست پادشاه که نشسته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه که در حلاجی در خواب مال بسیار بود و درین حال
 و یک لقمه از حلاجی بوسه بود که بفرزند و هر یک لقمه نوزینه نیکو بود و حلاجی که مغربا دم یا مغربوز و رو یا شد منفعت بود که در
 رسید از مردی چنین مغرب رحمة الله علیه که در حلاجی در خواب دلیل که بقدر آن حال در روزی حلال یا بد و اگر بیند که در حلاجی
 زعفران بود بهتر بود و حلاجی فروش در خواب مردی شیرین سخن بود و حال ابن سیرین رحمة الله علیه که در حلاجی در خواب
 خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک شد و آن بار ملک او بود و دلیل که بقدر آن بار او را راحت و خیر
 رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که میبرد رسید دلیل که کما به کار و جوی شود و توله نقایح حلاجی
 از ابراهیم کاهن یوم القیمه مغرب رحمة الله علیه که دیگر اگر بیند که حامی از بر دیگران میکرد و بی اجرت دلیل که با خلق خدا خیر و حسن
 کند و اگر بیند که حامی میکرد و مزد میگرفت تا ویش غم و اندوه بود و حلاجی که با رحمة الله علیه که دیگر اگر بیند که بر دست و پای
 حنا نهد و دلیل که خوشنشین بسیار یا بد و لیکن در دین که راست بود و بعضی معبران گویند که حال خوشنشان از او پوشیده ماند
 و اگر این خواب کسی دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید و دلیل که غم نومی رسد و زود فرج یا بد جعفر صادق رضی الله عنه که در
 حنا بستن در خواب بر سر و وجه بودی که آرایش نشان و دم ستر این بیت سوم غم و اندوه حنوط بوی خوش باشد که بر مرده کنند
 ابن سیرین رحمة الله علیه که دیگر اگر بیند که حنوط بر وی پراکند و دلیل که تائب گردد و در پناه حق تعالی باشد و اگر این خواب کسی مصلح بیند از غم
 و اندوه فرج یابد و اندر ترس این که در کارانی که در حنوط خوشبو شدن ستایش مردم بود با خطر بجهت آنکه بعضی از معبران گویند
 که نیکنمی بود بر این و میت بر اندازد حنوط حوض ابن سیرین رحمة الله علیه که چنانچه حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در
 حوض آب پاک صفائی خورد و دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خوراک آب حوض میشت و دلیل که توفیق طاعت یابد و از عیب
 باز ایستد و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذرانند و مالش زیاده شود و کارانی که دیگر اگر بیند که جامه خود را در
 بشت و دلیل که این بیت او توبه کند و براه دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوض میشت و پلیدی در زیر آب ظاهر شد و دلیل که بکام
 بکند و اگر بیند که بکنار حوض بنزد رسته بود و دلیل که از غم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند و حوض که حوض کف او بود
 و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض نبرد
 و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود مغرب رحمة الله علیه که دیگر اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یابد از مردی که او را در حاجت وی نموده

حلاجی بن سیرین رحمة الله علیه که در حلاجی در خواب مال بسیار بود و درین حال
 بود که بر دست پادشاه که نشسته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه که در حلاجی در خواب مال بسیار بود و درین حال
 و یک لقمه از حلاجی بوسه بود که بفرزند و هر یک لقمه نوزینه نیکو بود و حلاجی که مغربا دم یا مغربوز و رو یا شد منفعت بود که در
 رسید از مردی چنین مغرب رحمة الله علیه که در حلاجی در خواب دلیل که بقدر آن حال در روزی حلال یا بد و اگر بیند که در حلاجی
 زعفران بود بهتر بود و حلاجی فروش در خواب مردی شیرین سخن بود و حال ابن سیرین رحمة الله علیه که در حلاجی در خواب
 خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک شد و آن بار ملک او بود و دلیل که بقدر آن بار او را راحت و خیر
 رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که میبرد رسید دلیل که کما به کار و جوی شود و توله نقایح حلاجی
 از ابراهیم کاهن یوم القیمه مغرب رحمة الله علیه که دیگر اگر بیند که حامی از بر دیگران میکرد و بی اجرت دلیل که با خلق خدا خیر و حسن
 کند و اگر بیند که حامی میکرد و مزد میگرفت تا ویش غم و اندوه بود و حلاجی که با رحمة الله علیه که دیگر اگر بیند که بر دست و پای
 حنا نهد و دلیل که خوشنشین بسیار یا بد و لیکن در دین که راست بود و بعضی معبران گویند که حال خوشنشان از او پوشیده ماند
 و اگر این خواب کسی دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید و دلیل که غم نومی رسد و زود فرج یا بد جعفر صادق رضی الله عنه که در
 حنا بستن در خواب بر سر و وجه بودی که آرایش نشان و دم ستر این بیت سوم غم و اندوه حنوط بوی خوش باشد که بر مرده کنند
 ابن سیرین رحمة الله علیه که دیگر اگر بیند که حنوط بر وی پراکند و دلیل که تائب گردد و در پناه حق تعالی باشد و اگر این خواب کسی مصلح بیند از غم
 و اندوه فرج یابد و اندر ترس این که در کارانی که در حنوط خوشبو شدن ستایش مردم بود با خطر بجهت آنکه بعضی از معبران گویند
 که نیکنمی بود بر این و میت بر اندازد حنوط حوض ابن سیرین رحمة الله علیه که چنانچه حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در
 حوض آب پاک صفائی خورد و دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خوراک آب حوض میشت و دلیل که توفیق طاعت یابد و از عیب
 باز ایستد و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذرانند و مالش زیاده شود و کارانی که دیگر اگر بیند که جامه خود را در
 بشت و دلیل که این بیت او توبه کند و براه دین در آیند و اگر بیند که جامه در حوض میشت و پلیدی در زیر آب ظاهر شد و دلیل که بکام
 بکند و اگر بیند که بکنار حوض بنزد رسته بود و دلیل که از غم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند و حوض که حوض کف او بود
 و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض نبرد
 و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود مغرب رحمة الله علیه که دیگر اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یابد از مردی که او را در حاجت وی نموده

بود جعفر صادق رضی الله عنه که دیدن جعفر در خواب بر چهار وجه بود یکی از روی بامشفت و دو چشم روی تو اگر سوخته و حال جمع کردن چنان
 عالمی که مردم از علم وی نفع یابند جعفر کوثر ابن سیرین روید اگر خواب ببیند که قیمت بزرگ است خلق را بزرگویت جعفر کوثر طلسم
 میکرد و دلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند اگر خواب ببیند که از جعفر کوثر یک جام آب خورد دلیل که مرگ
 وی بر مسلمانان بود و اگر ببیند که بر اسب جعفر کوثر میگشت و آب میخورد و او را آب نداد و دلیل که دشمن یا ان پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 و اگر ببیند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم او را از جعفر کوثر آب داد و بخورد و دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و سلم بهره یابد اگر کوفتی رحمة الله علیه گوید
 ببیند که نام وی بر جعفر کوثر ثبت بود و جامی بسته و آب میخورد و دلیل که او را با عالمی محبت افتد و از وی منفعت و دو جانی یا پدری رحمة الله
 علیه گوید اگر ببیند که از جعفر کوثر آب میخورد و آب تیره بود دلیل که ببیند خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر خواب ببیند
 که جعفر کوثر بر آن صفت بود که در اخبار آمده است و او را صحنه آب کوثر بخورد و دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد
 و از جمله بزرگان دین گردد حیض ابن سیرین رحمه الله علیه گوید جعفر در خواب دراز ایستاده و در محبت و در نماز زیادتی مال اگر ببیند
 که جایض شد و دلیل بر فساد و حرام باشد و مقبران گویند اگر خواب ببیند که جایض شد دلیل بر اندوه و سختی بود و اگر زنی ببیند که جایض
 شد و دلیل که تقدیر خون جعفر مال حرام حاصل کند و اگر مردی ببیند که زنیش جایض شد دلیل که کار دنیا بر وی بسته شود و اگر ببیند که حساب
 خواب ستور بود و دلیل که در دین متحرک و دو اگر ببیند که زنیش جعفر پاک شد غسل کرد و دلیل که کارهای دنیا و بر وی کشاید و اگر دو و الله
 اعلم حرف الخاء خالج ابن سیرین روید اگر ببیند که خالج بخیرد یا کسی بوی داد و دلیل که در دین وی غلبه باشد و میشلن کافران
 بود و اگر ببیند که خالج در گردن داشت و دلیل که اعتقادش نادرست بود و اگر ببیند که خالج میسر سید دلیل که در ذات خداوند تعالی
 کرده که اگر ببیند که خالج بدو داد و او شکست یا از خانه بیرون انداخت و دلیل که دین اسلام در وی محکم و استوار گردد و کافران دشمن
 گردد و اگر ببیند که خالج را بوسه داد و عزیز داشت بخلاف این بدو خار و در خواب و ام بود اگر ببیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری
 بوی زد و دلیل که از کسی دومی مبتلا بود و بقدر ریخ خار از وی سخن تلخ نشود و اگر ببیند که او خار در اندام کسی زد و دلیل که او کسی را و ام و در
 و سخن تلخ انگس را گوید که کانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که خار بسیار داشت و پایش را از آن خار دگر نبرد سید دلیل که مردم دارند و
 و عاقبت و ام تا بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه که بد خار در خواب بر سه وجه بود یکی و ام و دوم دشنام سوم دشواری کار و اخبار
 جعفر بر مغربی رحمة الله علیه گوید خار پشته در خواب دشمنی زشت دیدار بود اگر ببیند که خار پشته را بگشت و دلیل که دشمن را قهر کند و اگر
 ببیند که زشت خار پشته بخورد و دلیل که به قدر آن مال دشمن میخورد و اگر ببیند که خار پشته را بگشت و دلیل که او را از دشمن حضرت رسد
 خاصه چون ببیند که از آن زخم خون میرفت خارش تن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که خارش تن بدیدام دلیل
 طلب خویشان کند و از جعفر ایشان غم و اندوه خورد و کانی رحمة الله علیه گوید خارش نام دلیل بر جستن احوال خویشان و این است
 و غم و در کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه که بد خارش تن را بگشت و او را از خویشان حضرت رسد خاشاک
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خاشاک بچاب و دیدن مال و نعمت بود و مردم عامه را اگر ببیند که خاشاک در خانه ایشان بسیار بود

خارجی امور

خداوند

و او در میان خاشاک میخیزد و دلیل که بقدر آن او را مال لغت حاصل شود و اگر میند که خاشاک او را با و بر دیا بشن بسوخت دلیل که با و
مال در ایستادن و اگر میند که خاشاک در زیر دیکت یا زیر تور میخیزد و دلیل که مال خود بر نیند و اگر میند که خاشاک انحصامی آورد و
بخانه میسیر و دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه با و خاشاک می آورد و دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن
بیزخیر و منفعت رسد خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خاشاک در خواب دیدن اندک و بسیار در دم بود و اگر میند که در خانه او خاشاک
و دلیل که بقدر آن خاشاک در دم یا بدوی ریختن بوی رسد و اگر میند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر سیدشت میخیزد
و دلیل بر مال بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که خاک از خانه نیکشید و در پیرون خانه پر کند و میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاک از
میان افتاد و دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معتبران گویند که از مال بی دست ماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خاشاک و خواب بر پنج وجه
یکی مال دوم منفعت سوم شغل چهارم غایده از قبل پادشاه تخم غایده از قبل رئیس خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خاشاک در خواب
مال باطل بود و از قبل سلطان که بر کسی باقی نباشد و معتبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید خاشاک در خواب بر نه وجه بود یکی علم ناپذیر فتنه دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت تخم فتنه ششم عرو حیدت
هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاریکه در آن خیر نبود قوله تعالی **مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي آيَاتِنَا كَمَثَلِ الْفَخْرِصَةِ عَلَى الْحَذِّ لَا تَسْتَقِمْ**
وَيَرْجِعُ فِي نِقْمٍ خَاصِفٍ خامه قلم باشد اگر میند که قلمی را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که علم حاصل کند و کارش درست شود
و مرادش بر آید اگر میند که قلم چیزی می نوشت اگر آن نوشته خیر بود و دلیل بر نیکوئی کند و اگر شر بود و دلیل بر فساد کند و اگر میند که بد
قلم می نوشت و دلیل غایبی که در سفر وارد زود باز آید که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی در دست خود قلم بنشیند یا اگر از اهل علم بود
دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر میند که قلم چیزی می نوشت و میخواند و دلیل بر مرگ وی بود قوله تعالی **كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ عَلَى شِرْكٍ**
يُنْفِيسُ إِلَيْكُمْ عَلَيْنَا حَسِيدًا و اگر آنچه نوشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود و دلیل که عز و جاوید و اگر میند که قلم در دست وی
بنگشت اگر عالم بود و دلیل که حسرتش کم شود و کارش بی رونق گردد و اگر میند که بقلم شکسته می نوشت و اگر آنچه نوشت از شما جدا یا
بود یا از شمار پرندگان تا و دلیل آن که بوی و صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قلم در خواب بر هفت وجه بود
یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فریبگنج و لایق ششم راست شدن چیزها هفتم کام و مراد خانه ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید خانه مرد را در خواب بود اگر خواب میند که خانه به ستونها از جای برداشته و دلیل که زنی خواهد با مروت و کرم بود و اگر میند که
خانه نشد دلیل که زن توانگر خواهد و توانگر شود و اگر میند که خانه مفرد بچ اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست و دلیل که صاحب
آن خانه از دنیا برود و اگر میند که در خانه که خفته بود و در آن خانه خلق کرده بود و آن خانه نمجانه های دیگر پیوسته و دلیل که از بزرگ سخنی
رسته گردد و اگر بسیار بود و شفا یابد و اگر میند که در خانه خود بنگست دلیل که مال بر نیند و اگر میند که خانه وی از آن بزرگتر شد که بود و دلیل
مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر خلاف این بود و دلیل که مال لغت بروی تنگ گردد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که خانه او
بسیار و یا در خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر میند که خانه وی بی سببی خراب شد و دلیل که مال و درش حاصل شود و اگر میند که خانه

خاشاک در خواب

خاشاک در خواب

خاشاک در خواب

آهین است دلیل که تو نگردد و اگر بینه که در خانه او سینه بود دلیل که او را توبه باید کرد و قوله تعالی **لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَسِنَّةً مِّنْ ذَنبِهِمْ** و اگر تو اگر بود نعمت وی زیادت شود و اگر بینه که پیر من خانه وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تنه کرد و خرابی این سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بر سر شد نسبت اگر بینه که در خرابی فرو شد دلیل که عکس کرد و اگر بینه که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمناخ یا بد کرداتی رحمة الله علیه گوید اگر در سرانی یا در خانه خانانی بسیار بدید دلیل که انجاء و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطر قد بود دلیل بدین خالیست در خواب بر قومی منبری کند اگر بینه که خالیست در است یا کسی بوی داد و دلیل که او را با مته قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بینه که بر خالیست کسی را بر زده مته را مقهور کند و اگر بینه که خالیست او ضایع شد دلیل که از متهری جدا افتد کرداتی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری نداند و بینه که خالیست بر سندان میزد و دلیل که میانه دو مته سخن چینی کند و دشمنی نکند خایه مرغ دانستال علیه السلام گوید خایه مرغ در کتیک بود اگر خواب بینه که ماکیان پیش او خایه کرد و مجول میند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری در از آن زن بماند و اگر بینه که خایه مرغ پنجه میخورد و دلیل که مال حرام خورد و مرغ و غم بوی رسد و اگر بینه که خایه پادوست خورد و دلیل که بطن مردگان ستاند کرداتی گوید اگر بینه که خایه می کرد و دلیل که زن بسیار بخوابد و بجماع حریص بود و اگر بینه که بر خایه نشست چنانکه مرغان نشینند دلیل که بازمان نشیند و خایه یابد و اگر بینه که خایه در زیر مرغ نهاده مرغ آن خایه بیرون افکند و دلیل که کار مرده اوزند و گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بینه که خایه شکست دلیل که دختر بزد و شیرازی بستاند و اگر بینه که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حال آید و خایه بط فرزند درویش و سچاره بود و خایه پنجه شکست دلیل بر خورد میو و خایه آدمی ابن سیرین گوید اگر بینه که خایه او بزرگ شد دلیل که قوت و فرزندان و مالش زیادت شود و اگر بینه که هر دو خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بود و اگر بینه که خایه او بریده است دلیل که دشمنان او ظفر بایند و اگر بینه که خایه خود کسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرام زاده بود که نسبت ی از کسی دیگر باشد و اگر بینه که خایه اش آسیده بود یا باد بر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بینه که خایه اش دراز چنانکه بر زمین می کشید دلیل که مال بسیار او حاصل شود و اگر بینه که خایه های کسی بکشید دلیل که هر دو بازمان یکدیگر ضا می کنند و اگر بینه که پوست خایه خود بکشید دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بینه که کسی خانه وی سخت گرفت دلیل که خیرین فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بینه که خایه از بن برید دلیل که قوتش بریده شود و اگر بینه که خایه های وی بر لیسان یا پیر نی دیگر بسته بود دلیل که کار نابروی بسته کرد و مغربی رج گوید خایه مردم در خواب بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بینه که خایه وی نقصان بود دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بینه که خایه او بیرون کشیدند دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم مال سوم ابلت چهارم غنیمت بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چاره بود یکی

این سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بر سر شد نسبت اگر بینه که در خرابی فرو شد دلیل که عکس کرد و اگر بینه که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمناخ یا بد کرداتی رحمة الله علیه گوید اگر در سرانی یا در خانه خانانی بسیار بدید دلیل که انجاء و اندوه و مصیبت بود و خالیست مطر قد بود دلیل بدین خالیست در خواب بر قومی منبری کند اگر بینه که خالیست در است یا کسی بوی داد و دلیل که او را با مته قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بینه که بر خالیست کسی را بر زده مته را مقهور کند و اگر بینه که خالیست او ضایع شد دلیل که از متهری جدا افتد کرداتی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری نداند و بینه که خالیست بر سندان میزد و دلیل که میانه دو مته سخن چینی کند و دشمنی نکند خایه مرغ دانستال علیه السلام گوید خایه مرغ در کتیک بود اگر خواب بینه که ماکیان پیش او خایه کرد و مجول میند و نداند که خایه چیست دلیل که زنی خواهد و روز کاری در از آن زن بماند و اگر بینه که خایه مرغ پنجه میخورد و دلیل که مال حرام خورد و مرغ و غم بوی رسد و اگر بینه که خایه پادوست خورد و دلیل که بطن مردگان ستاند کرداتی گوید اگر بینه که خایه می کرد و دلیل که زن بسیار بخوابد و بجماع حریص بود و اگر بینه که بر خایه نشست چنانکه مرغان نشینند دلیل که بازمان نشیند و خایه یابد و اگر بینه که خایه در زیر مرغ نهاده مرغ آن خایه بیرون افکند و دلیل که کار مرده اوزند و گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بینه که خایه شکست دلیل که دختر بزد و شیرازی بستاند و اگر بینه که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حال آید و خایه بط فرزند درویش و سچاره بود و خایه پنجه شکست دلیل بر خورد میو و خایه آدمی ابن سیرین گوید اگر بینه که خایه او بزرگ شد دلیل که قوت و فرزندان و مالش زیادت شود و اگر بینه که هر دو خایه او کوچک شدند تا ویش بخلاف این بود و اگر بینه که خایه او بریده است دلیل که دشمنان او ظفر بایند و اگر بینه که خایه خود کسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرام زاده بود که نسبت ی از کسی دیگر باشد و اگر بینه که خایه اش آسیده بود یا باد بر شده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بینه که خایه اش دراز چنانکه بر زمین می کشید دلیل که مال بسیار او حاصل شود و اگر بینه که خایه های کسی بکشید دلیل که هر دو بازمان یکدیگر ضا می کنند و اگر بینه که پوست خایه خود بکشید دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بینه که کسی خانه وی سخت گرفت دلیل که خیرین فرزند نشود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بینه که خایه از بن برید دلیل که قوتش بریده شود و اگر بینه که خایه های وی بر لیسان یا پیر نی دیگر بسته بود دلیل که کار نابروی بسته کرد و مغربی رج گوید خایه مردم در خواب بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بینه که خایه وی نقصان بود دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بینه که خایه او بیرون کشیدند دلیل که هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم مال سوم ابلت چهارم غنیمت بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایه مرغ آبی بر چاره بود یکی

خایه آدمی

خایه مرغ

مرا و یا فتن دوم زن خوشن سوم کثیرک خردین چهارم فرزندان آوردن خنبه کردن ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر خواب ببیند که خنبه کرد و دلیل که شکم شود و در علی مغرول گردد و اگر ببیند که کسی را خنبه کرد و دلیل بر غم و اندوه بود و بعضی از
مستقران گویند تنگ عیشی بود خفته کردن ابن سیرین رح گوید اگر خواب ببیند که خفته کرد و دلیل که سختی بجای آورد که او را
یا که گرانده از گناهان و اگر ببیند که به هنگام خفته خون از وی روان شد دلیل که در آن صنت ثابت بود و از گناهان توبه
کند و اگر ببیند که چون خفته میکرد و نظر بر خفته داشت و دلیل که غم و اندوه و بسیار رسد که آن رح گوید اگر ببیند که او را خفته کردند دلیل که از گناهان پاک گردد و اگر
مکرده باشد و دلیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود جعفر صادق رضی الله عنه گویند
کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکی و چارم ریش خیم جانی از زن و فرزند خرم
بن سیرین رحمه الله علیه گوید خربزه در خواب بیماری بود و سبب و شیرین عافیت و منفعت بود چون بوقت خود ببیند و خربزه خورد
نیکی و از بزرگ بود که آن رح الله علیه گوید خربزه سبز در خواب دلیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر ببیند که خربزه بسیار پیش وی
نهاده بود و دلیل که باند وی گرفتار گردد و مغربی رح گوید خربزه در خواب چون بوقت خود ببیند زنی بود با منفعت بسیار عیش
خوش جعفر صادق رضی الله عنه گوید خربزه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت
عیش خوش خاصه که چون شیرین بود و خرچینک در خواب دلیل بر مردود و نیت بود و اگر ببیند که خرچینک گرفت دلیل که با کسی
همت بدخوی مصاحب گردد و اندک مایه از وی نفع یابد و اگر ببیند که خرچینک را بکشت یا دور انداخت دلیل که از بدخوی دور
همت جدا گردد و اگر ببیند که گوشت خرچینک میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند که آن رح گوید اگر ببیند که خرچینکی داشت
و دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشی باشد که از وی نیکی باشد خر و انیل علیه السلام گوید خرد خواب دیدن نیت
و بزرگی بود و نیکی و بدی خربه ببیند و خواب باز گردد و اگر ببیند که خری ملک وی شد یا در وثاق وی آمد و او خردا گرفت و
دلیل که در خیر بروی کشاده شود و غم رسته گردد و اگر خربسار ببیند دلیل که نعمت مال او زیاده گردد و بهترین خربانی که خواب
ببیند آنست که مطیع بود و ابن سیرین رح گوید اگر ببیند که بر خری سیاه نشسته بود و دلیل که منتی و بزرگی یابد و اگر ببیند که
خر سیاه نشست دلیل که عود جایش میفراید و اگر ببیند که بر خری بنفشه نشست دلیل که عابد و ناپاک گردد و اگر ببیند که بر خری
سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر ببیند که بر خری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر ببیند که بر خر صافه آبستن نشست دلیل که خرم خرمی
و اگر ببیند که گوشت خر میخورد و دلیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر ببیند که خر خود بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که مال خود بخرید کند و اگر ببیند
نشست و خر خورد و دلیل که او بزروی بمیرد و اگر ببیند که از خر خویش سیفت و دلیل که در ویش و تنگ عیش شود و اگر ببیند که از
خر یکم مال او نبود و سیفت و دلیل که از کسی محضرت و زیان یابد و اگر ببیند که از خر فرو داد و دیگری بر خر نشست و دلیل که مال خود را
نفعه کند و اگر ببیند که از بهر کاری از خر فرو داد و دلیل که کاوی و حاجتی که طلب کند و در میان اگر دو که آن رح گوید اگر ببیند که
شیر خر میخورد و دلیل که بیمار شود و دود و شفا یابد و اگر ببیند که خری خرید و بهای او انداد و دلیل که راحتی یابد بسبب سخن که بگوید

خوب

خوب

خوب

خوب

اگریم بود و خرماء خشک در خواب لیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرمای تازه روشنائی چشم و مال حلال و فرزند و نیکی بود و حاکم
 شخصی پیش این سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سراسی سلطان چیل خرمایافتم گفت فردا ترا باها چیل چوب بزنند و بچنان بود
 و سال دیگر همان مرد پیش این سیرین رح آمد و گفت که بخواب دیدم که بر در سراسی سلطان چیل خرمایافتم گفت چیل هزار درم بیالی
 گفت پارسال تغییر این خواب بگوئید و دیگر بود و سال چوبست که بخلاف آنست گفت پارسال خرمایافتم بود و تاویل آن چوبست
 و سال خرمایافتم است و درختان سبز و تازه اند و تغییر این چنین باشد بعد از یک هفته آن شخص هزار درم یافت خرمن کوفتن
 این سیرین رحه الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و لغب مال حاصل کند و آن مال بکداف بزنند و اگر بیند که کشت
 و در و در خرمن در آورد دلیل که مال برنج حاصل کند که آنی رحه الله علیه گوید اگر بیند که خرمن غله بخرید یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خواب
 و بعضی گویند که او را بامردی صحبت افتد که مال برنج و لغب حاصل کند خرمنو بخت این سیرین رحه الله علیه گوید خرمنو در خواب
 مردی باشد که مال سختی و برنج بدست آورده باشد اگر بیند که خرمنو خورد و دلیل که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد و اگر بیند
 که خرمنو از دست جمع میکرد و دلیل که از مردی بخیل مقدار آن مال حاصل کند و اگر بیند که خرمنو با تش میسخت و دلیل که پادشاه
 مال و ملک بتنازد خروس این سیرین رحه الله علیه گوید اگر بیند که خروس داشت و دانست که ملک اوست دلیل که مردی که
 بنده زاده او بود و او را قهر کند و اگر بیند که خروس را بکشت و دلیل که بر بنده زاده ظفر ببرد و اگر بیند که با خروس جنگ میکند و دلیل که بامرد
 خصومت کند و اگر بیند که از خروس او را بکشد و دلیل که از آن غنی او را مضرت رسد و اگر بیند که خروس بچه یافت و دلیل که غلامی
 که بچاک یا پسری از بچاک او را حاصل آید و اگر بیند که بچاک خروس می شنید و دلیل که نیکی و خیرات گیرند و اگر بیند که خروس بر بچاک
 و دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خانه خروس در خواب غلام بود و اگر بیند که کسی خروس بچه بوی داد و دلیل که غلامی بوی بخشد
 سفری رحه الله علیه گوید اگر در خواب بیند که خروس داشت و دلیل که او را پسری آید یا او را بامردی مؤذن صحبت افتد چنانکه رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود **وَهُوَ يَدْعُو إِلَى الصَّلَاةِ** یعنی خروس دوست صفت که مرد را بنا بر میخواند
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر خروس دست یافت و دلیل که بر مهر زاده دست یابد و بروی قلبه کند و اگر بخوابد
 که تخم خروسی یافت و شکست و دلیل که بر مهری و یا خوردی دست یابد خرید و فروخت این سیرین رحه الله علیه گوید خرید
 و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که مردم دنیا را کنند و اگر کالای بکالای معاوضه کند و دلیل که بقدار آن خیر و منفعت یابد
 این سیرین رحه الله علیه گوید خرد در خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین ماند جمله مردانرا پسندیده باشد و رنگ این جامها اگر
 بر یک صورت بود و اگر بنوعی و غم و اندوه بود و رنگ سبز جامها نیک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن خرد در خواب
 کسی را که شرابی خربود بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عرق و جاه چهارم مرتبت با نذاته قیمت چشم
 ریاست و بزرگی که آنی رح گوید پوشیدن جامه خرد در خواب لیل بر مال حرام کند و بزرگان گویند مردانرا بر ششم در خواب دیدن جامه
 و نازاریات باشد و مرد و خرد و پیش کسی باشد که دنیا را بپای اختیار کند خسته گردان این سیرین رحه الله علیه گوید اگر بیند که زن او را

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

کسی بخت ناز و خون بیرون آمد دلیل که خسته کننده او را بختی رست گوید چنانکه باشد که جواب تواند کرد و اگر بیدار از آن حیرت
 خون نیا بد دلیل که او را بختی گوید که دروغ باشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که تیغ برو و دینم کرد و او را دلیل که پیش او بختی گوید
 و بر وطنه زند و اگر کسی در خواب خشکی بسیار بر تن خود بیند دلیل که از پادشاه منفعت یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید خشکی بسیار
 بر تن نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید خشکی در خواب بر سر و به بود یکی مال مردم منفعت سوم سخن
 مانوش خشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه خشتی هزار درم نماند و اگر بیدار که
 بسیار جمع کرد دلیل که او را مال بسیار جمع شود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که خشت از دیواری برشید دلیل که مال خداوند
 دیوار بر و اگر بیدار که خشت پاره پاره کرد و بر آید دلیل که مال خود را پاره کند و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت
 چخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر رخ و اندوه بود و چشم که خشت ابن سیرین
 رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که بر کسی خشم از بر دنیا گرفت دلیل که کار دین را حقیر و خوار دارد و دنیا مغرور شود که آنی رحمة الله علیه
 علیه گوید اگر بیدار که بد را و ما در بروی خشم گرفت دلیل که از اجائی بلند افتد قوله تعالی وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ
 هَوَىٰ خُصُومَتِ ابْنِ سِيرِينَ رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که با کسی خصومت کرد و بره غالب شد دلیل که سر انجام
 کار غالب گردد و در چشم غلبه نماید و اگر بیدار که دشمن بر او غالب شد و بدیش خلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر
 او بر دلاکت رسید و اگر خلاف این بیند از او
 بیند که با والی آمد یا خصومت کرد و بر غالب شد دلیل که از والی بد و خیر منفعت رسد و اگر خلاف این بیند از او
 چ بیند و اگر بیدار که پیش پادشاه خصومت رفت دلیل که حاجتش رد و اگر در مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که با مردم بی
 خصومت کرد و دلیل که مردم از وی اند و بکنین گردند زیرا که از مردم جوید خصمی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که
 راضی کرد و دلیل که حاجتش رد و اگر در بعضی معتبران گویند که فرزندش میرد الا بطاعت باری سبحانه و تعالی را راغب باشد و
 تو اگر شود و اگر کسی مجهول خصمی بیند دلیل که آنکس بسزیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد که او را بر خیر و صلاح خواند
 یا بخرات مرده و پدر زیرا که فرشتگان از شهرت نیست اگر بیدار که در خفت علم و حکمت نیست آنکس فرشته نباشد و اگر آنکس که در خصمی بود
 و مغرور بود آنچه از نیک و بد دید تا و بدیش بروی باز کرد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که خایه روی بریده شده و پتیا
 و دلیل که بر دشمن ظفر ناید و بعضی معتبران گویند بریدن خایه در خواب بر پدر و دختران بود یعنی پس از آن او را و ختری خود زیرا
 که خایگان دختر بود و اگر بیدار که خایه خود پدر آورد و بکسی داد و دلیل که دختران کسی در مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که بی
 سببی خصمی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیه پیش ازین بریده شد همین تاویل دارد و نامش از میان مردم
 کشد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خصمی در خواب بر سر و به بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم عباد
 خضاب کردن و انبیا علیه السلام گوید خضاب کردن برایش پوشیدن کار با باشد اگر بیدار که سر را با زین خضاب
 کرده رنگ نیک گرفت دلیل که ظاهر مردم نماید و اگر بیدار که خضاب کرد و دلیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده بماند

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چیزها میگرد که مردم آنرا میگردند و دلیل که خود را بخیزه های محال کارهای بی پای
 دهد و اگر بیند که دست و پای بخنا خضاب کرد و دلیل که مال از دست افتد و باز آید و اگر بیند که هر دو دست را بخنا خضاب کرد
 و دلیل که فرزندان خود را بسیار بآریشی که خلاف شرع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را نکارد و بخنا خضاب
 کرد و دلیل که خداوند مکر و حیلت بود و در کسب عمل خویش و اگر بیند که نکاروی هم شده بود و دلیل که او را غریزی میبرد و یا خود را نکار شود
 و اگر این خوابها را نمی بیند شادی و خوشی بیند بمحصل اشعث علیه الرحمه گوید اگر بیند که دست و پای خود بخنا خضاب کرد
 و دلیل کار می کند که مردم بروی افوس کنند و اگر بیند که سرش را بخنا خضاب کرد و دلیل که تسلیج کند جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کار شایسته دوم آرایش حال نیا سوم طلب غرض جاه چهارم معرفت
 شدن بدو غرض خطبه خواندن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر سرش خطبه بخواند و از اهل خطابت بود و دلیل آنس
 غرض نزدیکی یا بد و اگر از اهل خطابت نبود و دلیل که بسفر رود و در نکات بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر تو را نگردد و در نکات
 و اگر بیند که بی دینی خطبه بخواند و دلیل که مسلمان شود یا میرد که مانی گوید اگر بیند که پاوشایی بر سرش خطبه بخواند اگر پاوشا صلی
 بود و دلیل که عدل نماید و اگر مضطرب بود و دلیل که ثابت گردد و اگر بیند که زنی بر سرش خطبه بخواند و مردم را پند میداد و دلیل که شهادت
 رسوا شود و قضیه حقیقت و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه ترویج میخواند و دلیل که با همه کس خیر و جهان کند فی صلوات
 و منفعت یا بد خطمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن خلعت بود و بیوقت غم و اندوه بود و خوردن
 آن مضرت و نقصان بود و شستن بآن دلیل بر توبه و پاک وینی بود خشن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خفتن در خواب
 را کسی را که پوشیده بود و راحت و دستگیری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود و دلیل که بزرگی یا بد و از راه وین بر پهنی گاری بخیزد
 زیرا که خفتن خلعت بود و در راه وین و اگر بیند که در جای گاهی بر سرش خوابیده بود و دلیل بر جرات و خواری بود که مانی رحمه الله علیه
 گوید خواب ترسیده را یعنی بود و مرده را از ترس بیمار را شفا و زنده ای را خلاصی بود و غریبی که دیگر بیند که در میان مردگان خفته بود مردم را وادار
 و دلیل که در میان مردم شهرت یا بد و نکاح و تحسین هم اتفاقا و هم وقوعا خلل کردن ابن سیرین گوید خال کردن در خواب بگوشت یا زکام
 ابل بیت بود و خلل انداختن جاروب که مال ابل بیت میرد و اگر بیند که خلل میگرد و دلیل که بقدر آن که از دندان بیرون می آید
 نقصان ابل بیت می باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آنچه خلل از بدن و دندان بیرون آید و در و کبسی و او دلیل که از مال
 ابل بیت خویش بناحق بستاند و کبسی و بد خلعت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود و دلیل
 عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد وزن و کثیرت و حکم تاویل بقدر قیمت خلعت و پند بود که مانی
 گوید اگر بیند که پاوشا و او دلیل که آن پاوشا بقدر آن خلعت مال یا بد و اگر بیند که عالمی و یا خلعت و او دلیل
 که از آن عالم وی را علم و دانش حاصل کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بدو دادند سفید بود یا بن
 و دلیل که غرض جاه دینی یا بد و اگر ویسایا جامه بر شین بود و دلیل که غرض جاه دنیا یا بد حرقه جامه کهنه پوشیدن آن غم

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

بود و اگر بیند که جائه خرقان ازین خود بیرون کرد و دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیزهای نوح و جاب دیدن نیکو باشد که مکرر کند
که از نو بهتر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب غرق و فروشی کند بد باشد و اگر جائه نوح و بفرشد نیکو باشد و غرق و فروشی
در خواب مردی بود که بدی از خود دور کند حکم مختلط باشد که ازین بیرون می آید اگر بیند که ازین بی وی غم می آید و دلیل که در خواب
شود و از غم و اندوه رسته گردد و این سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب لیل بر فرزند بود اگر بیند که غم بر جائه وی افتاد و دلیل که
در اسپری آید و اگر بیند که غم ازین بی وی بر زمین افتاد و دلیل که او را دشمنی آید و اگر بیند که غم بر زمین افتاد و دلیل که ازین بی
گردد و فرزند از شکم پیدا شود و اگر بیند که زینش غم بر وی افتاد و دلیل که بر زمین حسا پیدا کند و اگر بیند که غم خود و دلیل که مال از او
خورد و بوی نیک خلیفه ابن سیرین رحمة الله علیه در خواب غلیظه روی کشا و ده بیند دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر بیند که غلیظه
او را کاری فرمود از کار مانی خاص دلیل که غم و بزرگی و مرتبت یابد و اگر بیند که خلیفه و او را ولایتی داد و اگر از مسلمان بود و دلیل که
شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خلیفه نشسته و دلیل که از مقربان وی شود و اگر بیند که خلیفه از شمع دنیا چیزی بوی داد و دلیل که
منزلت یابد و میان بزرگان نامدار شود و مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصوصت کرد و از بهر کار که شمع تعلقی دارد
دلیل که حاجتش را و شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در ستر جای خلیفه خفته بود و دلیل که خلیفه او را زنی یا کنیزی یا مان هر و اگر بیند که در ستر
اسپ خلیفه نشسته بود و دلیل که در خلافت با او شریک بود و اگر بیند که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه و میرفت و دلیل که مقدم در شعلهای وی
باشد و اگر بیند که خلیفه با وی ترش روی بود و دلیل که در دین وی خلل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه شده است و او
از اهل آن نباشد و دلیل که او را بکاری فرستد و اگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستد و دلیل که وی خیر منفعت یابد و جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده بیند و شادمان بود و با وی سخن گفت و دلیل که مراد وی حاصل شود و غم و دولت یابد و اگر خلیفه
غمگین بیند تا ویشن مخالف این بود و غم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب زنی بود که از قبل او فایده نماند برسد و بعد بر سر
غم کرمانی رحمة الله علیه گوید غم سنگی یافتن در خواب گنج بود و غم آب زن بود اما زن توانگر باشد و اگر بیند که در خانه و غم بر آب بود
و از آن آب میخورد و دلیل که مال بسیار یابد و در راه خیر خرج کند و غم سر که خواب مردی بر سر کار بود و غم مسکه و روغن دلیل بر زیادتی
مال حلال بود و غم آب که مردی بیمار بود و غم نفت دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و غم در خواب دیدن دلیل بر سلطان
کند و ریاست صاحب طمان خیمه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرشتن آرد بنا و دل درستی دین باشد و سرشتن آرد
کند مانی بود که از تجارت حاصل شده باشد و اگر خیر بخاسته بود و اگر خیر بخاسته نبود و دلیل بر فساد کند و سرشتن آرد که در خواب نفع
اندک که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیمه فرا گرفت یا بخاید یا کسی بوی داد و اگر خیمه جوین بود و دوستی دین و حتما
بود و اگر خیمه گندم بود و بعد از آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خیمه کاو رسد و دلیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن خیمه در خواب رسته و وجه بود و بوی زیادتی در دین و غم منفعت سوم مال حلال خیمه و در خیمه سه و سست
بعضی گویند خامه بود و بعضی گویند پیغام بشهر آید و او را و بعضی گویند زن بود و اگر بیند که خیمه اکینه در خانه است و دلیل که

خواب

خواب

خواب

خواب

در روز و دلیل که مال و نعمت حاصل کند و ام این سیرین رحمه الله علیه گوید و ام در خواب مکر و حیلت نمود اگر بیند که یا
 او بدام گرفتار شد تا دیش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که جانور یا بدام گرفتار آید که بداند
 جانور منسوب بود و مکر و حیلت بدست آورد و آنها این سیرین رحمه الله علیه گوید و آنها در خواب اگر بخیم یا خام ببیند
 دلیل غم و اندوه بود و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که و آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترش از زان گردد و هر
 چیز از و آنها که دید و در خانه خود بر دیا و در حال کرد دلیل که آنچه زان کرد و اگر ببیند که مردکان و آنها بروم میدادند دلیل
 که زن و آنها از زان شوند و باغی کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید و باغی کردن در خواب گذاردن شغل و فرام
 بود اگر خواب ببیند که باغی میکرد دلیل که پیشه باغی کند که مانی رحمه الله علیه گوید و باغی بنا و علی بود و پوست درخت
 میراث باشد و مغربی رحمه الله علیه گوید و باغ در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به این سیرین رحمه
 الله علیه گوید و به رخن در خواب مردی این بود اگر ببیند که دانه رخن داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی این بود
 صحبت افتد و اندوختی و منفعت یا بد بقد آن دانه رخن و اگر دانه چرکین و کمنه بود دلیل که ببیند که حضرت رسد خبر
 صادق رضی الله عنه گوید و دیدن دانه در خواب بر نه وجه بود یکی مرد این دوم زن سیوم خادم چهارم قوام دین
 صلاح تن ششم عمر در از هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم میراث از جنت زمان و سیری این سیرین رحمه الله علیه
 گوید اگر خواب ببیند که دبیری میکرد دلیل که مال مردکان بحیلت ستاند و کارهای ناکردنی کند و اگر ببیند که دبیری پاوشه کرد
 دلیل که از قوم پاوشه منفعت یا بد اگر ببیند که دبیری مردم عام میکرد دلیل که دهلای مردم بر خود کرم کند و انیال علیه السلام
 گوید اگر ببیند که نویسنده شد دلیل که مکر و حیلت روزی از مردم بدست آورد و اگر بر دانا بود که دبیری میکرد دلیل که خیر و منفعت
 بسیار یا بد و اگر ببیند خواب عمل را بود دلیل که مغرول شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که جامع قرآن و حدیث می
 دلیل که خیر و منفعت آنجهانی یا بد و اگر ببیند که غزل و شعر می نوشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر ببیند که نامه می نوشت
 و مداونیک بود دلیل که قباله را بنویسد و اگر ببیند که آنچه می نوشت خلاف شریعت بود و دلیل که عاقبتش بد بود و سیرین
 خواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و جمال این سیرین رحمه الله علیه
 رجال را در جانی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زمان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد
 و خست این سیرین رحمه الله علیه گوید و خست خواب دیدن فرج و شادی بود و اگر خواب ببیند که او را دختری آمد یا کسی خوش
 بوی داد و یا بخندید دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او مال و خورجی و نعمت حاصل گردد و اگر ببیند که دختر بد و تاملش نکند
 این بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دختری چرکین و ناقص بود و دلیل بر غم بود و اگر ببیند که دختر برگرفته بود
 دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر ببیند که دختر خود کسی داد و دلیل که از وی خورجی بر آنکس رسد و خسته اگر ببیند که در زیر خود دود
 عود میکرد یا از بویها خوش چیزی داشت دلیل که پیشه یا موز و از آن منفعت یا بد و با مردم عیش خوش گذراند

در روز و دلیل

او بدام گرفتار

جانور منسوب

میراث باشد

صالح تن ششم

جمال و بزرگی

خست این سیرین

دلیل بر خیر

افسانه
وین

و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که و خند در خواب برسته وجه بود یکی کسب و حیثیت دوم
و منفعت سوم بهای نیک و دوگان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دوکان داشت جمله خرشدند یا یکی خرش
میگی گاو و یکی کوسبند و دلیل که روزی بروی فراخ شود ولیکن او را زیان دارد و اگر ببیند که چهار پامان وی دوکان شده
تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه
چهارم سوم زنان سلطه چهارم همسایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که گوشه میخورد و دلیل که مال مردم بحیثیت پادشاه
گرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که بصورت دومی شد و دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر ببیند که دوکان با وی سخن گفتند
و دلیل که پادشاهی یابد و اگر ببیند که دوکان را میکشت و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و راج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راج در
خواب زنی خوب روی بود و مهر که باشو هر ساز کاری نیکند اگر ببیند که در باجی گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی بدین
صفت خواهد و اگر ببیند که گوشت در باج بخورد و دلیل که مقدار آن مال زن مبتدا مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در باج
بسیار داشت و دانست که ملک است و دلیل که بقدر آن زنان و کنیزکان او را حاصل آید اگر ببیند که در باج از دست وی
برید و دلیل که زنا حلاق دهد و راعه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که دراعه نو بزرگ و فراخ و سبزه
بود و دلیل که بقدر آن او را جاه و قوت و شرف دروین بود و اگر ببیند که دراعه چرکین و تنگ پوشیده بود تا ویش بخلاف
این بود گرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که دراعه سپید پوشیده بود و دلیل که مال نعمت و بزرگی یابد و اگر دراعه سرخ بود
بود و دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود و دلیل غم و اندوه باشد لیکن دراعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر ببیند
که دراعه از تن وی بیرون کرد و دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دراعه در خواب بر هفت
وجه بود یکی فرخ دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم کلام هفتم زن در خواب
زن بود و اگر ببیند که درای بسته از جای معرب یا مجهول در برابرش کشادند و آن درگاه کشاده شد بر جانب راه بود
و دلیل که مالی که دارد خرج کند و اگر ببیند که در سرانی در برابرش کشاده شد و دلیل که مالی از پادشاه بیاید و بر عیال نفقه کند
و اگر ببیند که در سرای بیشکست دلیل مصیبت و پنج عظیم بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در سرای او کنند و
بروند و کس ندانست که کار برند و دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر ببیند که در سرای او انباشتند و دلیل بر
مصیبت اهل سرای بود و اگر ببیند که در وی کوچک بود و دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر ببیند که در سرش چنان فراخ
بود که هیچ دری بدان فراخی نبود و دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند بقوت و مصیبت باخصومت اگر ببیند که حلقه
در سرای او می جنبانند اگر ویش او ند و دلیل که وعای او مستجاب گردد و باشد که کجی بیاید و اگر ببیند که چون حلقه جنبانند
زود در آن سرای را بکشادند و دلیل که خدایتعالی البته وعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد گرمانی رحمه الله علیه گوید
اگر ببیند که در محکم مبت و قفل بر و نه و دلیل که زرش میرد یا زنا حلاق دهد و اگر ببیند که در و در که را فرمود تا در نو

راج

راج

راج

در خاندان

در خاندان

در خاندان

در خاندان

خاندان و ند دلیل که کثرتی و دشمنی و مجروح و اگر بینه که در خانه ویران خلق نبود دلیل که زنی بیوه بخانه سفر نمی رفته باشد علی بن ابی طالب که در خانه ویران بود و ند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند اگر بینه که در آسمان پاک شده شد دلیل که برادر اندکی در خیرات بکشانید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سره و جد بود یکی خداوند سزای دوم زن سزاوار و در اواز این سرین رحمه الله علیه گوید هر که در اواز شهری بخواب بینه دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و دربان در خواب دیدن مردی بزرگ بود و در بانی کرد این سرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بینه که در بانی میگرد و دلیل که حاجتی که دارد و در اواز مردی بزرگ عروجه یا بد و اگر بینه که در بانی میگرد و در بینه دلیل که حاجت بروی سبب کسی بود و در اواز و اما او جاه نیا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که در بانی پادشاه میگرد و دلیل که مقرب پادشاه گردد و در بر گرفتن شرح بر گرفتن در حرف الف کفیم و رختان و انیل علیه السلام گوید درختی که پیش مردم غریز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و اگر درختی بینه که پیش مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دارد و دلیل که مردی توانگر بود و درختی بی بر و دلیل بر مردی درویش بود و درختی که در دایر عجب بود و دلیل بر مردی بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد و دلیل بر مردی عجمی باشد و درختی که در باغ بیند و دلیل بر مال بود بخانه باغ اگر بینه که درختی ازین بکند و دلیل که مردی از ازاها و نعمت افکند و درخت خمر اگر درخت خمر بخواب بینه دلیل بر مردی شریف و عالم بود و اگر بینه که درخت خمر دارد خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود خمر چون باغ بیند دلیل که تاویل او بخانه و در اواز باغ گردد و درخت انبوس دلیل بر مردی فزاده شود و در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کینک و درخت الو مردی طبیب بود که از وی نفع بر کس رسد و درخت با و ام زنی خوبروی صاحب حال بود و درخت انار مردی توانگر بود و با منفعت و درخت پیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند و درخت بر و دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود و درخت ترنج دلیل بر مردی مخالف خود را می کند و درخت زیتون دلیل بر مردی پهل و سبب باشد و درخت خنظل دلیل بر مردی درویش بدین کند و درخت زرد لو دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند و درخت سرو و دلیل بر مردی عجمی خوش طبع کند و درخت سخی دلیل بر مردی سبک است و محنتش باشد و درخت سیب دلیل بر مردی بیمارگون باشد و درخت شمامه دلیل بر مردی تیز و ولست کند که نژاد پاک شود و درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که بشیر باشد و درخت عفو و دلیل بر مردی نیک و می و خوش زبان باشد و درخت حشوق دلیل بر مردی توانگر بخیل بود و درخت کل دلیل بر مردی شاد کام باشد و درخت فندق دلیل بر مردی سخت دل بود که لهو دوست دارد و درخت بلوط دلیل بر مردی بخیر منافق بود و درخت جوز و دلیل بر مردی شریف و جواد بود و درخت جوز بندی دلیل بر مردی عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بینه که بالای درخت بود و دلیل که مردی بزرگ میزند و از منفعت و بزرگی یا بد و درخت لیمون و دلیل بر مردی بود که جادو کند یا مخمور بود و درخت مور و دلیل بر مردی کران طبع و ناساز دار بود و درخت فی و دلیل بر مردی بد خوئی و سخن چین بود و هر درختی که میوه دارد و دلیل که میوه او بود و اگر بینه که از درختی میوه دارد میوه میخورد و دلیل که بقدر و قیمت آن میوه مال و نعمت یا بد و مقبران گویند دیدن در

در خواب

خانه خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانه پادشاه بیند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق ندارد
 همچون درخت خیار و خرفه ماه و بیش بر مردمان دون بود که مانی رحمت الله علیه گوید اگر گمائی درخت قوی بیند دلیل که زکوة مال
 داده باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت را بود و شاخ درخت برادران و خویشان فرزند
 بود و اگر بیند که درخت بر کما بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارانی اندک دارد و نامایش بخلاف این بود
 و میوه درخت دلیل بر خداوندش که بر نیز کار و دین دارد و اگر بیند که درخت پیر و بیفتاد و دلیل بر مرگ خداوندش بود و مغربی
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که درختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل بر مردی صالح و پاک دین بود و اگر بیند که درختی میوه ناس
 دارد و خار دارد و دلیل بر مردی مضطرب و بی دینت باشد و اگر بیند که در سراسر او یا در سراسر دیگران کوتاه درخت بود و دلیل بر مصیبت
 بود که در آن سراسر افتد و اگر بیند که در سراسر خود تنگی میکشد دلیل که بعد از آن تنگی چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین
 بیگانه می نشاند دلیل که با مردم بیگانه او را صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سراسر خود تنگی می نشاند دلیل که با
 او در و اگر بیند که بر بالای درختی بلند میشود دلیل که کار وی بزرگ شود و اگر بیند که برگ درختان هیچ میکرد و دلیل که بعد از آن
 مردم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میکرد و دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت شود و اگر درختان میوه را بسیار
 دادند که ملک اوست دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند که درخت را میبرد و دلیل که بیمار گردد یا از آن کسی
 ببرد و اگر بیند که در وقت نحران در باغ مجهول بود و میباید که برگ از درختان می افتاد و دلیل نموده بود و اگر بیند که درخت
 با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بیند که درخت از جای بکند دلیل که بیمار شود یا از آن موضع که
 کند کسی میرد و مغربی رحمت الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند دلیل که مردمان بدین باشد و هر درختی که نیکو
 بیند دلیل که دین او نیکوتر باشد و هر چه در درخت نقصان بیند و دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایه درخت نشسته بود و خفته
 بود و دلیل که در سایه مردی رود که بدان درخت منسوب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب برده و وجه بود یکی
 پادشاه و دوم زن سوم بازگان چهارم مردم مبارک پنجم عالم ششم مؤمن هفتم کافر هشتم عوان نهم خصومت دهم مال شربت
 خور و اندامها این سپهر رحمت الله علیه گوید اگر در خواب بیند که اندامهای وی در میکرد و دلیل که مال از دست وی برود و اگر
 بیند که سرش در میکرد و دلیل که گناه بسیار کرده بود و توبه کند و صدقه دهد قوله تعالی فمن كان منكم من خصيا او يه اذني
 من رأسه فخذ يه من خصيا او و صدق الله و اگر بیند که پیشانی وی در میکرد و دلیل بر فساد دین
 و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود را در و کرد و دلیل که او را کسی ماه نماید و حق و اگر بیند که گوش در میکرد و دلیل که از هر کس سخنانی
 شنود و اگر بیند که بینی وی در میکرد یا در زبان وی نقصان بود و دلیل که سخن گوید که بواب باز گردد و اگر این خواب باز در کافری
 دلیل که در تجارت دروغ گوید و اگر زبان خود بریده بیند و دلیل که بر صلاح و پارسائی نبود و اگر بیند که کاش در میکرد و ناس شربت
 و دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دانهش در میکرد و دلیل که از خویشان اندوه یابد و اگر بیند که گردن او در میکرد و دلیل که

در خواب

در کرون وی باشد و نمیکند و اگر نمیکند در میکش در میکش و دلیل که مال حرام خورد و اگر نمیکند که پشت و در و میکش و دلیل که از دست خود و از دست
 و اگر نمیکند که پهلوی او و در و میکش و دلیل که سبب خوشان در و بنید و بنجر شود و اگر نمیکند که جگر او و در و میکش و دلیل که هر فرزندش شفق بود و اگر
 در و در و ست بنید و دلیل که برادر بسیار در اجها کند و اگر نمیکند که در گشت داشت و دلیل که کینه دارد و اگر در و ناف بنید و دلیل که عیال را رنج
 و اگر نمیکند که عورت او در و میکش و دلیل که بغضا دارد و اگر نمیکند که متعده او در و میکش و دلیل که فساد و حرام کند و اگر نمیکند که سرخ و در و میکش و دلیل
 بر خوشان و در و ستان جفا کند و اگر نمیکند که پای وی در و میکش و دلیل که بر زیر دستان شفقت کند و اگر نمیکند که تن در و اوج میکش و دلیل که
 مال یا بد و درم این سیرین رحمة الله علیه که بد طلبهای مردم مختلف بود و مردمی باشد که در مرا بخواب بنید و دلیل که حاصل شدنی
 است در بیداری و بعضی بخیران گویند هر که درم در خواب بنید و دلیل که سرخوش شود و یا توحید باری سبحان تعالی گوید و اگر نمیکند که درم
 بود و دلیل که خوب تر و اگر درم سیاه باشد و بدان نقش صورت بود و دلیل که بر جگر و خصوصیت بود و بعضی از متعبدان گویند اگر کسی که
 یافت و دلیل که بر فرزند کوچک بود و بعضی از متعبدان گویند اگر نمیکند که درم صنایع شد یا کسی از وی دزدید و دلیل که از فرزند وی خود را برب
 او آید و اگر نمیکند که درم کوچک گوید و باز یافت و دلیل که آن رنج از دل وی زایل کرد و اگر باز یافت و دلیل که فرزند او هلاک شود و کرانی
 رحمة الله علیه گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیکو بود و درم شکسته سخن پراکنده و درم بسیار مال باشد و اگر نمیکند که در خانه
 با عیال خود در هموار دست صفت کرد و دلیل که میان ایشان و او بی افتد و اگر نمیکند که درم در خانه مسجد داشت بقدر آن مال یا بد
 و اگر نمیکند که درم بسیار جمع کرد و دلیل که مردم را رنج و باطل باز دارد و قوله تعالی جمع مالا و قوله تعالی ان ماله اخلت و اگر
 که درم سپید و کف خونی بنید و دلیل که او از فرزند وی آید و اگر نمیکند که آن درم از وی صنایع شد و دلیل که فرزندش میرد و اگر درم و درم و درم
 یافت و دلیل که مال لغت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب بنید و درم سیاه یا بد و بسیار مردم در خواب
 بنید و در بیداری همان یا بد به حیل اشعث رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صغای دین بود و درم شکسته خصوصیت بود و اگر
 نمیکند که پادشاه او را درم داد و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بریازده و وجه بود و یکی
 درست و دوم که نذر حاجت سوم و لایب چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم یعنی دهم
 کینرت یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب ستور بود و اگر ستور نبود و دلیل که رحمت فرزندان و غم و اندوه بود و اما درم
 شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن بدست و دوم جنگ و خصوصیت ستورم بنده زنان چهارم گفتگوی و مرسته این سیرین رح که بد درم
 در خواب دیدن و دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل نقصان احوال بود و دروغ گفتن این سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ
 در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر نمیکند که گواهی دروغ میداد و دلیل که دین وی تباه شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
 نمیکند که پادشاه دروغ گفت و دلیل که مردم نکویش و بدی او گویند و حراست و آبروی او برود و دروغ دگر می کردن این
 سیرین رحمة الله علیه گوید و دروغی در خواب نیکو خواهد بود و لیکن صحبت با مردم منافق و بد مذہب باشد و برادرانش
 و وزیر که اهل چوب بخواب دیدن دلیل بر نفاق باشد و قوله تعالی کانهم خشب مسنگ جعفر صادق علیه السلام گوید که در

خداوند

ت

ی

ج

ج

و اگر بیند که آب دریا تیره بود و از نرسکاز میگرفت دلیل بر هلاک وی باشد و که تعالی و استغفر الله عن القریة التي مکنا
 حاصوة البحر و اگر بیند که از دریا مر جان و یا قوت بر آرد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گردد و از ابل علم باشد مجلس
 زیادت شود و اگر بیند که از دریا ننگی را بگرفت و بکشت دلیل که دشمن پادشاه بر دست وی هلاک شود و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید و دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مالک پنجم عالم ششم
 کاری بزرگ و شتابین سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در بناء کرد دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که در خود را
 خراب کرد دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود که مانی رحمة الله علیه گوید در خواب گنج و آجر سیکر و دلیل که صاحب درخت
 و اگر بیند که از گنج خشت میکرد دلیل که از عامل اهل بیست بود و اگر در محکم مقیم بود دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه اگر بیند که در
 از در پیون آمد و یا زرد و نرغون میشد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در در بین بقول مغربی دلیل بر
 صلاح دین بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی و ضعف در دین وی بود و زردی کردن اگر بیند که مال کسی زردید
 و چیزی خرج کرد دلیل که او را بکشند و اگر بیند که نیت داشت که بدزد و ماند زودید دلیل که کسی مکر و بی رساند و بعضی گویند که بیجا
 شود و اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزدید دلیل که برخی واقعی بوی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب ببیند
 که او در دست درویش شد دلیل که حال وی بد شود و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که دروان بر وی راه زد و دلیل که غم
 و اندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر زردی کالا و کسان برود دلیل که عیش بر خرد و نذ خواب تباه شود جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید زردی بخواب بیماری بود و بخزان گویند آنجا که در وی کشند دلیل و اما دوی باشد یا پسری در وجود آید و اگر خداوند خواب
 غامبی وارد بسلامت باز آید و انیال علیه السلام گوید زرد خواب دیدن خیانت و حلیت بود و ستار چه ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید اگر بیند که ستار چه از گشتان بر دست داشت دلیل که او را از مردی یا رسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ستار چه
 از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او را زانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ستار چه در خواب بر سه وجه بود یکی منفعت
 دوم کینک سوم عطاء اندک و ستار چه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ستار چه بخواب دیدن دین بود و اگر بیند که ستار چه
 یا سبز بود یا از گشتان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود و اگر بیند که ستار چه پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و دنیا بود و ستار چه
 و بر ششم دلیل نیکویی حال ایشان بود و اگر بیند که ستار روی و ستار دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی و منزلتش پیشتر گردد و اگر بیند که
 از وی بغیثا و ضایع شد دلیل بر نقصان دین و بخرستی او باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر ستار خود زردیده بیند دلیل بر نقصان
 قدر و جاه او بود و اگر بیند که ستاری پیچیده خوب داشت دلیل اصحابین و دنیا سازگاری کند و اگر بیند که ستار دراز داشت
 دلیل که در میان سفر دردم مشهور گردد و اگر بیند که ستار و هاشم شمس جمله سبز بود دلیل که بشما دت از دنیا برود و مغربی رحمة الله
 علیه گوید هر چند که ستار بزرگتر باشد غر و هاشم شمس نیز و اگر بیند که ستار خور و چکرین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر
 ستار رخ بیند دلیل که کسی شتم کند و اگر زرد بیند دلیل که بیمار شود و اگر گوید بیند دلیل که او در مصیبت رسد و اگر سیاه بیند دلیل که زنا

در خفا

در خفا

در خفا

و مضرت بند که خلیف و قاضی و اگر بر سر دست را بر زمین بند دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بینه که دست
 دراز نیچیده بود و دلیل که از سفر زود باز آید و دست را بر زمین دلیل بر فساد و دین بود و جعفر صادق علیه السلام که دیدن دست را دراز
 بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانایی هفتم سفر و دست را حامی در حرف می بیند
 کنیم انشاء الله تعالی دست اس این سیرین رحمة الله علیه گوید دست اس در خواب از فکر رستن بود و اگر بینه که دست
 داشت دلیل که بقدران خیر و منفعت یابد و اگر بینه که سنگ است دست شکست دلیل که خداوند دست هلاک یا محنت است
 و اگر بینه که سنگ است دست بند زید و دلیل که بیمار شود و اگر بینه که اس دست حنا و غیره خور و دیگر دلیل بر خصومت بود و دست
 و انیال علیه السلام گوید دست رست تاویل برادر بود و دست چپ خواهر بود و اگر بینه که دست راست وی دراز شد و دلیل که
 کار برادرش یا اینبارش نیکو گردد و اگر بینه که هر دو دستش بازگشته شد و دلیل که برادر و خواهر از وی روی بگردانند و اگر بینه که هر دو دستش
 کوتاه شد و دلیل که نفع از برادر و خواهر باز نگردد و اگر بینه که هر دو دستش بریده و افتاده بود و دلیل که برادر و خواهر بزندگی از وی جدا
 و اگر بینه که هر دو دست بر سینه نهاده بود و دلیل که بحجت دوستان خود غم خورد و اگر بینه که میان گروهی بود و دوست میزند و دلیل که
 در اینجا عروسی کند و اگر بینه که پشیمان دست میزند و شادی میگرد و دلیل غم و اندوه بود و اگر بینه که قاضی یا سلطان دست رست
 بریدند بقول ابن سیرین رحمة الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندانش میرد و اگر هر دو دستش بریده و دلیل که از کتب و مراد و بارها
 و اگر بینه که یک دست از دست دیگر پوست باز میگرد و دلیل که بر کسان خود ظلم و بیاد کند و اگر بینه که دست خود را بکار میبرد و دلیل
 که با کسی خصومت کند یا دل وی کسی مشغول بود و قوله تعالی *فقطعه من آتیل یهتق* و اگر بینه که کف دستها بر یکدیگر می شود و دلیل که خوشی
 بکلیج آرد و اگر بینه که یکی دستش بریدند و او را برادر کند و دلیل که نهیر آن موضع مغزول گردند و اگر بینه که مانند چهارپای بجهت
 و پای میرفت و بازگردد روی آسمان و دست دلیل که آرزوی محال بود و بدشواری بر آید و اگر بینه که دست وی مادر و خشک بود و دلیل
 از صدقه دادن و کار خیر فرو ماند که فی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که دستهایش بسوزن نیک کرده بود و دلیل که هفتش نعمت عظمی
 بود و اگر بینه که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود و دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر بینه که چون دستش
 بریده شد و قرآن میخواند و دلیل که دستش از مصیبت باز دارد و معتبران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز گردد و عصیان از ترک کردن
 بکار خیر مشغول بودن و اگر بینه که دست راست او از بهر گناهی بریده ماند و دلیل که دروغ گوئی بود و بی دینت بود مغربی رحمة الله علیه گوید
 اگر بینه که دست خویش چون چنبره گردن کرده بود و دلیل که برادر نیک و نماز و طاعت و حج و خرا کردن و کردار نیک بجای آورد
 و اگر بینه که دست راست او بریدند و دلیل که سوگند بر رخ خورد و اگر بینه که دست از تن وی تحمل کرد بر تن پادشاهی وقت الزان
 پادشاه مصلح بود و دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود و سیدین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بینه که دست
 وی از دست دیگر درازتر شد و دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند بیاید و اگر بینه که بر دو دست میرفت و دلیل که کار خود اعتماد نماند و معتبران
 گویند که از خویشان منفعت یابد و اگر بینه که دست و پای سخن گفت با و دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بینه که از بهر دو دست خود را

بسته داشت دلیل که جمله قرآن بطاهر بخواند امجد است رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود و دلیل
بزرگی و پادشاهی باید و اگر بیند که دست راست او زین شده بود و دلیل که دولتش نایل گردد و اگر بیند که دست خود با نشان
و صابون می شست دلیل که نامیده شود و اگر بیند که جانوری که در تاول نیکو باشد از دست چپ او بیرون آید و بدست راست
بدرشد از دست راست بداند و بدست چپ بیرون شد دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمود گردد و اگر آن جانور تاول
باشد دلیل که بر صفتی است که اگر بیند که دست وی خشک شد و دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بیند که دست وی در دست گرفت
یا دست در گردن او زد و انگش زنده است یا مرده دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که بدست مشرکی دستتینها میکرد دلیل که آن
مشرک بدست وی مسلمان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر و دوم خواهر
سوم انبار چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم دشمن
دست او بر بختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بدست او بر بختن در خواب دوازده بار شوهر بود مردانرا غم داند و بود و اگر بیند
که دست او بر بختن شصین داشت دلیل که اندویش کمتر بود و گرنه در حق الله علیه گوید اگر بیند که بخت او بر بختن بدو او دلیل که
او را فرزندی آید یا بر دوی و اگر این خواب ننی بیند دلیل که شوهری کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که بر دوی
او بر بختن داشت دلیل که او را مال و نعمت برنج حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست او بر بختن در خواب
برنج و جود بود یکی زیابست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند دست و روی شصین ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر بیند که دست و روی تاب صافی پشت دلیل که از غم فرج یابد و اگر بیچار بود شفا یابد و اگر وام دارد بود او اشکند و شود
و اگر بیند که دست و روی ناسته نما میگذارد و دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود و مغربی رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که بر دوی می شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می شست
و او را حدیثی بیاید که در وضویش اطل شد دلیل که در کار و کسب خود بیچاره گردد و اگر بیند که او را حدیث افتاد و دیگر در دست
شست و نماز آغاز کرد و اما نماز تمام نکرد و دلیل که عمرش با آخر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست
و روی او را شست و او تامل در آن میکرد دلیل که مرادش حاصل آید و سینه در خواب مردان را بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمه الله علیه
علیه گوید اگر بیند که سینه از آسین در دست داشت دلیل که او را توانگری و قوت بود بر دشمن ظفر یا بد خاصه که سینه از پولاد
و اگر سینه زرین یا سپین باشد تا دلش چون دست او بر بختن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سینه در خواب بر سه
وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیای و دشمن اگر خواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد
و دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بروی غلبه کرد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن او را بخورد و دلیل که در بلا و مصیبت
افتد و بایکرون تا بلا دفع شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی تسکین کار
دوم غم داند و سوم خسار مال و ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که کسی او را دشنام میداد دلیل که او را

دست

دست

دست

دست

دست

دست

نیکو بود و آنکس بر دشنام دهند و ظفر بیدار گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند کسی در دشنام داد و دلیل که آنکس بر وی چیره و کاکا
 شود و عاگردن این سیرین رحمة الله علیه گوید عاگردن در خواب روانی حاجت بود اگر بیند که خوراد عاگردن و امرش مستجاب
 دلیل که خاتمه و کارش بخیر بود و حاجتش بر آید و اگر بیند که مصلحی را عاگردن دلیل که بظلم و فساد نکند و امر معروف بجای آورد و اگر
 بیند که حلقه او همسک و دلیل که نیکخواه خلق بود و حاجتها می وی روا گرد و اگر بیند که دعاء خاص میخواند و دلیل که فرزندش آید و که
 آنکه فاد حلقه نیک و خفیا گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ناریکی و عا میخواند اگر مصلح و پارسا بود و دلیل که حقیقا او را
 بسیار مردود حاجت می وی روا گرد و اگر بیند آن خواب غصه بود و او را توبه دهند و اگر کافر بود اسلام آورد و وف زدن این
 سیرین رضی الله عنه گوید زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است و اگر بیند که دین و دین و دلیل که تبرک کا صلاح کند
 گمانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که دین و دین و دلیل که زنی بد کرد و اگر بخوابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز وف
 در خواب شنیدن نشاط بود و چون از کینگی وزنی بشنود بهتر بود و اگر از مردی بشنود دولت و بزرگی یابد و چون از جوانی نشنود
 دلیل ظاهر شدن کار با باشد و دلالی کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی مصلحت
 کردن در میان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجای آوردن و دلالی مردی بود که بر نهانی مردمان
 باشد بخیر و اگر کسی خواب بیند که دلالی میکرد و دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود
 که بالا ذکر رفته است اول بدانکه دل پادشاه شهر زن است و تن بفرمان او قایم است و دل خزانة عقلست در نهان و این کار
 این سیرین رحمة الله علیه که بدولت خواب دیدن جمع کردن مالیت که بوی رسد و اگر بیند که دل بیرون از تن وی بود و دلیل
 صلاح و نیکوئی بود قوله تعالى افترع عن قلوبهم قالوا ماذا افعل قال یحیی قال لو الحق اگر بیند که دل وی تنگ شد دلیل که کار
 بیرونی دشوار شود و اگر بیند که دل او شادمان بود و دلیل که کار بیرونی کشاده گرد و دل را فرو بسته بیند و دلیل که از گناه توبه
 کرد قوله تعالى افعل لیتک یرون القرآن ام علی قلوب افعلوا انما ذلک لعلکم توعیون اگر بیند که دل او را بر دست نهاده بیند و دلیل که بهار گرد و اگر بیند
 که دل بهر دو دست گرفته بود و دلیل که کارهای وی بر آید گمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دلش در پیگرد و دلیل که مالش زیاد گردد
 و اگر بیند که چشمهای دل وی کشاده بود و دلیل که بکارهای بیرون جهان راغب و حرص بود و اگر بیند که از دل وی خون بیرون می آید
 و دلیل که از کار ناگردد و بی نوبه کند و بخواند یا بیغالی باز گردد و اگر بیند که از دل وی صفرا بیرون آید و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که در دل
 خشکی رسیده دلیل که بیغم شود و اگر بیند که از دل وی گوهر بیرون آید و دلیل که بهر از دین فکند و دلیل که کافر گردد و اگر بیند که گوهر از زمین برآید
 و بخیزد و دلیل که باز مسلمان گردد و اگر بیند که بهر از دل برآورد و کردار او مردوارید بسته بود و مردوارید بر زمین بخت و گوهر فرو خورد و دلیل که تبرک
 بخیزد و گوهر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دل او پاره پاره شد و دلیل که دل را بهر سهامی محال مشغول گرداند و اگر بیند که دل وی
 روشن و مشهور بود و دلیل بر صلاح دین کند و اگر بیند که دلش تاریک بود و تابویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
 دل در خواب برده وجه بود یکی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جانفروشی ششم حرص هفتم قوت ثامن نصرت نهم شهنشاه دهم نماندن

در خواب
 دیدن
 دل

در خواب
 دیدن
 دل

در خواب
 دیدن
 دل

در خواب
 دیدن
 دل

در خواب
 دیدن
 دل

احوال خویش و نبال این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند چون سب فرو کا دوم داشت دلیل که مالش زیاد کرد و زندگانی او
براحت کرد و اما در راه دین است بود و اگر میند که دم او چون دم سبک یا چون دم کرک یا شغال بود و دلیل مال حرام یا بد مردم او است
گفتند و اگر که در دست دم سب یا کا و یا خر داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت یابد و اگر میند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت
و حرام بود و دلیل که مال حرام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و نبال بحاب دیدن بر چهار وجه بود یکی سیج دوم باران سوم مال
چهارم راحت عیش و نبال این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب میند که دلیل که مالش زیاد شود بقدر دلیل اگر میند
وی شکافت و خون آمد و دلیل که چندی از مال می تلف شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که از نبل خون در می آید می دلیل
که بقدر آن مال حرام یابد و اگر میند که در نبال نسا و عا م از خون پشت و دلیل که از حرام توبه کند و نبال این سیرین رحمة الله علیه گوید
در خواب بد رو مال بود که یکی میند که در مالان بود بر قیاس زیادت و یکی او اگر میند که تنه خام می خورد و دلیل که مال شبهه خور و اگر
میند که تنه پنجه می خورد و دلیل که دشمنش از مال می بخورد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که از چون گوسفند و تنه بود و دلیل که او از فرزندی
که خداوند دولت اقبال بود و زوزی فراخ کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و تنه در خواب دیدن بد رو بود و ندان و نبال علیه السلام
گوید و ندان در خواب دیدن ابله خاندان بود و ندانهای بالا دلیل بر زیننه بود و ندانهای زیرین دلیل بر اوینه بود و ندانهای پسین
و دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود یا پدر و مادر و ندانهای که بر جنب آن باشد و دلیل بر غم و غمادگان بود و ندانهای پسین
و دلیل بر خویشان و دور بود و سفیدی و پاکیزگی و ندان و دلیل بر قوت و جاه اهل بیت بود و بعضی معتبران گویند که ندانهای پیشین کج
از سوی رهت است و دلیل بر پدر و خویشان او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خویشان مادر بود و اگر میند که ندانهای پیشین
می جنبد و دلیل برین جماعت که وصف کردیم یکی میار کرد و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب میند که ندان پیشین آید و بر کف دست یا
کنار یا بر زمین خشت و بجاک آلوده نکشت و دلیل که او از فرزندی آید یا برادر می یا خواهر می و اگر میند که ندان می در خاک نشاند
یا صنایع شد و دلیل که از ایشان که گفتیم یکی میار کرد و اگر میند که ندان می شکست یا پوشیده شد و دلیل از اینها که گفتیم یکی رافقی
موسد و اگر میند که ندان پیشین او گرفته شد و دلیل که او را با چنین کسان خصومت افتد و اگر میند که از ندان می که چندی و دلیل که با آنها
او رسخی زشت بگوید و از وی مفارقت جویند و اگر میند که ندان پیشین وی زیاده شد و دلیل که از اینها که گفتیم یکی در خر می خور
باشد و اگر میند که جنب و ندان از و ندان دیگر است اگر از زیر بود و دلیل که او را و ختمی آید و اگر از بالا بود و دلیل که او را پسری آید و اگر از
که ندان پیشین خود بر کند و دلیل که او را و از اینها که گفتیم بستاند و اگر میند که جمله و ندان بیفتاد و در حال بدید شد و دلیل بر ابله
خاندان او باشد و اگر میند که ندانها بر کف دست یا در کنارش افتاد و دلیل که اهل خانه نانش بسیار کرده و اگر میند که همه ندان او را
زیر بود و اگر میند که خواب ابله صلا بود و دلیل بر خیر و نیکوئی او بود و اگر از ابله شر بود و دلیل بر شر و ضا و او بود و اگر میند که ندانهای ابله
یا از آینه بود یا از شغال و دلیل بر نالاک او بود و معتبران گویند که افتاد و ندان گذاردن و اوم بود و بعضی گویند و دلیل بر جنگ و
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید و ندان بالا که در مقابل چشم است دلیل بر زیننه کند و ندان زیر و دلیل بر اوینه کند و اگر میند که جمله

و خدای تعالی

و زندانش در کنار افتاد و حلقه دست گرفت و لیل که خوشیانش خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند و اگر بیند که از
 زندانش بوی خوش می آید و لیل که خوشیانش نشناک بیند و اگر بخلاف این بیند و لیل که علیبت وی کند و اگر بیند که زندانش را میگوید
 و لیل بر عزم و اندوه بود و اگر بیند که زندانش را بود و لیل آنکس که بدان منسوب بود و اگر بیند که زندانش او سها شد
 و لیل که او را غم داند و درسد و اگر بیند که زندانش افتاده بود و زکوه پاره بسته و لیل که عمرش دراز گردد و چنانچه همه خوشیانش خود را
 کند مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که زندان وی در و میگرد و بدست خود بر کند و بدست گرفت و لیل که مال فراوان باشد
 و اگر بیند که از دانی خون آلوده بدست گرفت و لیل منفعت او را بود که زندان برگرفت اما او را مصیبت رسد و اگر بیند
 که بعضی از زندانشان پدید شد و لیل که بعضی از خوشیانش وی بخرمت روند و بسلاست بآید و اگر بیند که زندانش او و میان بان
 جمع شدند و دیگر بر دانی بجای خود باز نشد و لیل که از خوشیانش متشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زندان در خواب
 بود و لی آن بیت و دوم مال سوم منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مصرت و مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید در دانی
 در خواب کلید کار داد و حالتی که روی و هر چه از دانی بیرون آید و لیل بر چه و کلام بود و اگر رنگت باشد و اگر بد باشد
 و در دانی بود و دنیا وی بود و اگر آن بکر است و در دانی بود و لیل بر محنت و رنج بود و در معیشت و آنچه در دانی شیرین بود و دانی
 فرود و لیل بر معیشت در حجت و عیش و در دانی شیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دانی وی سخت بسته بود و لیل که هلاکت
 و اگر بیند که دانی از آن روزی که گندم آید و لیل که جلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که دانی او فراخ شد چنانکه طعام بسیار
 در دانی بخند و لیل که بقدراک و در نعمت و روزی برسد و اگر بیند که دانی او نیکو بود و لیل که خنهای نیکو شدند و اگر بیند که گوشه
 او بفتاد و لیل که در دانی رسد و اگر بیند که از دانی خون بیرون آید و لیل که با کسی گفتگوی کند و معیشت حتمه الله علیه گوید
 اگر بیند که از دانی گندم و یا جانوری بیرون آید و لیل که یکی از خیال او جدا شود و اگر بیند که از دانی بی پیدی بیرون آید و لیل
 که هر چه بجای برده باشد بسبب منت نهادن باطل شود و اگر بیند که از دانی میروارید بیرون افتاد و مردم بر میگرفتند و لیل که
 مردم از علم وی بهره میبند و اگر بیند که از دانی خود پیدی می انداخت و مردم از آن میگرفتند و لیل که شاعر بود و مردم را چه گوید
 و اگر بیند که کسی در دانی وی مهر نهاد و ندانست که کیست و لیل که رسوا شود و لیل که ختم علی افواههم و تکلم
 آید یا هم و کشف از جملهم حافظ معیر رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی خوب از دانی بیرون آید و لیل که خن گوید
 نیکو می داند و اگر بخلاف این بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که چیزی در دانی نهاد و آن چیزی نیکو بود و لیل که چیزی حلال بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید در دانی در خواب بر هفت وجه بود یکی منزل دوم خزانه سوم کشایش کار چهارم مانجم
 حاجت ششم زیر بختم و ریان و لیل زون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و لیل زون و خواب کلام باطل خبر کرده و دروغ
 و کارهای پیاور و شن بود و تا و لیل این جمله زنده و لیل بد باشد اگر بیند که با و لیل زون و پایی گویند و لیل بر غم داند و بود
 و اگر بیند که و لیل متنا میزند و لیل که کلام باطل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و لیل زون در خواب خبرهای مختلف بود و در دانی

و خدای تعالی

و خدای تعالی

و خدای تعالی

و خدای تعالی

هیچ فایده نبود و دلیل که مافی رحمته الله علیه گوید و دلیر در خانه خادم بود و اگر بیدار بود و دلیر آبادان بود و نیکو بود و دلیل بر تندی نظام
 خادم خانه بود و اگر بیدار بود و دلیر خراب است و دلیر بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار بود و دلیر خانه را دیوار از پشت
 و کل بود و دلیل که اگر داخل بود خادم خانه مسند و بیدار بود و دلیر این سرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بیدار و دلیر این
 و منفعت بود و بعد از آن جانور که دوال از پوست می بود یا بد و اگر بیدار دوال پاره پاره کرد یا صنایع شد و دلیل که بعد از آن
 حضرت بیدار مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار دوال بسیار داشت و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال است
 و دلیل که مال حلال باشد و اگر بخلاف این بیدار دلیل که مال حرام باشد و در وقت حرامه این سرین رحمه الله علیه گوید اگر در وقت حرامه
 که حرامه خود مسند و حنت و دلیل که کارش بر او شود و حالش بصلاح آید و اگر جاهل عیال خود مسند و حنت بهین تاویل دارد و اگر بیدار
 که حمانه زنی بیکانه مسند و حنت و دلیل که معنی و زبانی بد و رسد و اگر بیدار حمانه مردی مسند و حنت و دلیل که خیر و نیکو بیدار و اگر بیدار
 سوزن در دست و حمانه تمام و حنت و دلیل که سرشغلی که پیش گیر و تمام کند و اگر بیدار حمانه و حنت و در خانه بسیار داشت و دلیل که
 ای فسخ کرد و مال تمام از میراث یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که پیرایه از هر خود بد و حنت و تمام کرد و دلیل که با عیال سازگار
 بود و اگر بیدار که شکاری بد و حنت و نیت آن تمام نکرد و دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بیدار که قبی بد و حنت و دلیل که
 که بجهت می شغول گردد و اگر بیدار حمانه عیال مسند و حنت و دلیل که بگفتگوی عیال در مانده شود و اگر بیدار که از هر حمانه رفته میتا فسخ
 عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بیدار که از هر عیال خود حمانه بر شین و حنت و دلیل که غمگین کرد و دوشمیت کنایه اند و یا جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید روزی در خواب دیدن کسی بود که کالای پرکنده بدست وی جمع شود و با صلاح آید و در این سرین
 رحمه الله علیه گوید و در خواب یا دوشاه شکر بود و اگر بیدار که از جانب شرق یا مغرب دوی عظیم بود و دلیل که مردم آمد یا ر
 از دست یا دوشاه جور و ستم کشد و اگر بیدار که دود در عالم بر خاسته بود و آتش زبانه نیز د و دلیل که غلته در عالم افتد مغربی رحمه الله
 علیه گوید اگر بیدار که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود و دود بود و دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بیم بود و اگر بیدار که از
 خانه یا از نان وی دود می آید و دلیل که یا دوشاه ظالم و امارت یا مصادره کند و مال می بر زبانه اند و در این سرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که در دوزخ بود و بیرون نیاید و دلیل که حمانه و بد کردار باشد و باید کردن و اگر دوزخ را دید و از آن
 که نذی بوی نرسید و دلیل که در دوزخ و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یابد و اگر بیدار که در دوزخ مقیم بود و ندانست که کی انجا رفت
 و دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بیدار که طعام و شراب با بل دوزخ میخورد و در آتش میسوزد و دلیل که در دنیا که در آتش
 در آخرت و بال بود و اگر بیدار که فرشته از سوی پیشانی او را گرفت و در دوزخ انداخت و دلیل که بیدار خواب را علامت بر
 باشد که مافی رحمه الله علیه گوید اگر خود را در دوزخ بیند و دلیل که بر کنه کردن و دلیر بود و اگر بیدار که از قوم و حسیم خود و دلیل که بعلی باطل
 جمیع شغول گردد و اگر بیدار که شمشیر بر کشید و در دوزخ رفت و دلیل که سخن بخش و منکر گوید و اگر بیدار که در دوزخ چیزی میخورد و دلیل
 که مال تنیم و با خود و اگر بیدار که نزدیک دوزخ آتش می افروخت و حنت و دلیل که کاری صحب او را پیش آید مغربی رحمه الله علیه گوید

یا از اهل آن باشد که خزانه خود بسازد اگر بینه که پادشاهی یا بزرگی و یا دولتی و یا دودلی که از پادشاه یا از خان خود بسیار
 و اگر بینه که از دولاب آب میخورد یا جمع میکرد و دلیل که از خزانه دار او و منفعت رسد و لو که زمانی رحمة الله علیه گوید و در خواب میگوید
 بود که مالها تا شناخته میروند آرد و اگر بینه که دلو پر آب کرد و یا بدو آب میکشید و دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد و اگر
 و اگر بینه که دلو پر آب صافی داشت یا کسی بوی و او دلیل که او را مالی آسان بدست آید و اگر بینه که بدو آب از جوی بر میگرفت و دلیل
 که بقدر آن مال یا بدو آن مال بکر و خیلست بدست آرد و اگر بینه که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال بخیری خرج کند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید اگر بینه که دلو بزرگ داشت یا کسی بوی و او دلیل که با مردی مالدار دوستی کند و از وی منفعت یابد
 و او است این میرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که دواتی داشت یا کسی بوی و او دلیل که با کسی از خویشاوندان خویش خصوصاً
 و اگر بینه که بدوات می نشست دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بینه که دوات شکست یا بدزدید یا ضایع شد دلیل
 که زن بیوه بکر است بخانه و اگر بینه که بقم سیاهی در دوات میکرد دلیل که او از فرزندی نرنیزد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
 که دوات از زمین بود و دلیل که متفکر شود و اگر بینه که دوات مسین بود و دلیل که زن خواهد یا کینتری خرد و اگر بینه که دوات و برین
 بود و دلیل که منفعت یابد و اگر دوات آهین بود و دلیل که در کار با قوت یابد و اگر دوات مسین بود و دلیل که چیزی کمتر بوی
 و دیدن این میرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که میدوید یا ستور میدوید و دلیل که بسفر رود و هر چند و دیدن آهین
 تر بود سفرش دور تر بود و اگر بینه که بر سبب بالائی سوار بود و میدوید و دلیل که با عیال بسفر رود و مال یا بد مغربی رحمة
 الله علیه گوید اگر بینه که در دو بدن بر کسی سبق گرفت و دلیل که بجز مال از وی سبق گیرد و اگر بینه که در دو بدن مانده شد
 و آرام گرفت و دلیل که دنیا را ترک گیرد و قانع گردد و سیاه این میرین گوید و بسیار خواب خیر و صلاح این جهانی بود و اگر زنان
 بینه بهتر بود و اگر مردی بینه که قیای و سیاه و پریشان پوشیده بود و غر اگر و دلیل که عروجه یا بدرد وین و دنیا مغربی رحمة
 علیه گوید اگر زنی بینه که حبه و لاجه طلسم نه پوشیده بود و دلیل که آن زن دنیا را بدو بمانت بود و اگر بینه که طلسم سفید پوشیده بود و دلیل که
 او کند و اگر طلسم که بود و دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بینه که طلسم سیاه بود و دلیل که اندو بگین گردد و سیاه بافت در خواب مردی
 مسافر بود با صلاح دنیا و فساد دین و تاویل پریشان چون تاویل و سیاه بود و یک این میرین رحمة الله علیه گوید و یک
 در خواب زن بود و مهران گویند که و یک که خدای خانه بود و اگر بخواب بینه که و یک که گرفت یا کسی بوی و او بر آتش نهاد
 و خوردنی می بخت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بینه که و یک مسین یا و یک سنگین داشت
 دلیل که بقدر قیمت و یک خانه یابد و اگر و یک سفالین بود و دلیل که کاری کند که بدان کار از مخرانه چیزی بوی رسد
 و اگر و یک بر آتش نهاد و در وی هیچ طعام نبود و دلیل که مردی کار می برد که در آن کار او را کراهیت باشد که زمانی رحمة الله
 علیه گوید و یک در خواب که خدای خانه یا که با نوب و اگر بینه که و یک که گشت و خوردنی بود و دلیل که روزی بی بی برنج بوی رسد
 و اگر بینه که و یک وی شکست دلیل که که خدا و که با نوب و بهیروز جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن و یک در خواب

در خواب

و

و

و

و

در خواب

و در خواب

و در خواب

و در خواب

و در خواب

برنج و جو بود یکی که خدای خانه دوم که بانو سیدم رئیس چهارم خادم خیم سوخت و یکدیگر از این سیرن رحمة الله علیه که در خواب
در خواب بود و جو بود یکی که خدای دوم که بانو اگر خواب بیند که و یکدیگر از آن گرفت یا کسی بوی داد و لیل که که بانو بی بخانه آورد و اگر زنی
بیند که و یکدیگر از شکست دلیل که که خدای خانه سیرن رحمة الله علیه گوید یکدیگر از خدای خانه بود و یا مردی قوی حال که از کسی
نه اندیشد و نیاز و انبیا علیه السلام گوید که اگر سیرن در دست دینار داشت که بعد و پیش از چهار بود و دلیل که او را اگر است رسد یا سختی
شود و که ویرا دشوار آید این سیرن رحمة الله علیه گوید اگر خیمه و درم باشد دلیل که کاری پسندیده و نیکو کند و اگر با وی یکت دینار بود
یا هزار دینار دلیل که علی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن عدد وی باید که جفت بود و اگر بیند که دینار کسی داد یا ضایع شد
دلیل که از جهت فرزند او در مصیبت رسد و اگر بیند که دینار های بسیار داشت دلیل که برخی بوی رسد و معتبران گویند که دینار را در
خواب مانده باشد و گذاردنی تو که تعالی و مقرر هم من آن تا منتهی بدینا را لا یقوت به الیک اگر در کف دست فرو برد و نیاز بیند
دلیل که هیچ ناز و فزنی بجای آرد و اگر بیند که دینار های بسیار داشت و بجای محکم نماند و دلیل که امانت مسلمان نگه دارد و اگر بیند که نیاز
فتنت کرد دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یکت دینار یافت دلیل که بروی
قبایل نو پسند از بهرامانی که بد و سپارند و بسیار بود که در خواب دینار یابد و در بیداری هم دینار یابد و اسمعیل شعث رحمة الله علیه
که دینار در خواب دیدن دین بود و راه دست ما دام که بدان و دنیا صورت نقش نکرده باشد اگر بیند که دینار داشت و یکت برایش
نام خدای عفو فعل بود و بر روی دیگر صورت اگر بیند که صاحب خواب مسلمان بود و دلیل که مژده شود و اگر کافر بود و مسلمان شود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید در خواب بر پنج ناز بود و اگر بیند که بعد و جفت بود دلیل که دین پاک و علم با سخت بود و اگر بیند که بعد و جفت
بود تا ویش بخلاف این بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید و نیاز در خواب زن و فرزند و کثیر بود و دینار بسیار دلیل بر مالی بود که برنج
و خصوصت بدست آرد و دین این سیرن رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که در وی بود و نام آن دین نداند دلیل خیر و یکی بود
و اگر نام آن دین نداند دلیل بر بدی باشد و اگر بیند که از وی بیرون آمد دلیل بر نیکویی باشد و اگر بیند که در وی رفت دلیل بر بدی
باشد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که از شهری بدی آید و آن شده که در وی نعمت بود و دلیل بر خیر و برکت و غرض اقبال
کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و ادا بود و اگر خواب بیند که در وی کشیده بود دلیل بر خیر بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خواب
بیند که کسی دینی مجهول بوی داد یا بخیر یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت و دین خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بود دلیل
مضر است یا بد و لیو از این سیرن رحمة الله علیه گوید که دیوار حال بیننده خواب باشد و اگر بیند که دیوار محکم و نیکو بود و دلیل بر نیکویی
حال او بود و در دنیا و اگر بیند که دیوار کهنه بود و خراب میگرد دلیل که مال یابد و اگر بیند که دیوار نو بود و خراب میگرد دلیل بر غم و اندوه
بقدر خرابی و دیوار و اگر بیند که دیوار سست و تنگ بود دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بیند که دیوار برابری بود دلیل که
حالش مستقیم باشد و اگر بیند که دیوار او خیمه بود دلیل بر پرگندگی احوال و زوال عیش و بی بود و اگر بیند که دیوار سفید و دلیل که منیست
و صنعت بیفتد و بی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع بیفتد و دلیل که والی آن شهر طاع شود و اگر بیند که دیوار

در خواب

خود دیوار از گل خشت گردن جعفر صادق رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر از گنج و آجر بود دلیل بر ثنای حال او بود و درین
 و اگر دیوار از آهک سنگ بود دلیل که بدینا فرقیته شود و طالب آخرت نباشد و یونان سیرین رحمه الله علیه گوید دیو در خواب دشمنی بر
 باشد فریبده و مکار و اگر میند که دیو او را سوسه کرد دلیل که از کارهای ناصواب توبه باید کردن تا دشمن بر وی ظفر نباشد قوله
لَمَّا إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَثَلَهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَكَسَّرُوا فَإِنَّهُمْ مُبْصِرُونَ و اگر میند که با دشمنی
 بود و از غلبه دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل از ضعف دین باشد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر دیو
 خرم میند دلیل که بهوا و شهوات مشغول گردد و اگر دیو را غمگین میند دلیل که بهبوات و صلاح دین مشغول گردد و اگر میند که دیو به
 از تن وی بشیبه اگر عامل بود دلیل که از عمل معزول گردد و اگر این خواب دیده شد دلیل که او را حضرت رسد مغربی رحمه الله علیه
 اگر میند که دیو از بی وفرا شد دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر میند که او بدست دیو میرشد و او را بر دلیل که بر سوانی مشهور گردد
 و اگر میند که با دیو صحبت کرد دلیل که کتابی بزرگ از وی صادر شود و اگر میند که با دیو گفتگو میکرد دلیل که با دشمن با صلاح می شود
 و این در تعالی جل و علا را دلشان بهر قوله **إِنَّمَا الْخَوْفُ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَائِرٍ شَيْئًا**
لَكَ يَا خِرَافَةُ اسمعيل شعث رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که با دیو طعام و شراب میخورد دلیل که بهراقت و فساد و در این
 دیو کند و اگر خلاف این میند دلیل بهرا خیر و صلاح باشد و قانع راه دین بود و اگر میند که دیو را گرفت یا در شکم دیو در رفت دلیل که
 از راه فساد دور شود و توبه کند و بطاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیو در خواب بر شش وجه بود یکی دیو
 دشمن و دوم فساد و سوم شهوت و صلیت و هوائی نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر و صلاح دوری ششم
 چیزهای حرام و دیوانگی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود بر میند که خواب بقدر دیوانگی که او را
 الله علیه گوید اگر میند که دیو او را نه بود دلیل که مجرم افتد و باخورد قوله تعالی **الَّذِينَ يَكُونُونَ التَّوْبَةَ لَا يَفْقَهُونَ** **الْكَافِرِينَ**
يَقُولُ الَّذِينَ يَخْطِئُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْكُفْرِ مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که با دیو نه هم صحبت بود دلیل که با مردی
 را با خوار مفید صاحب گردد و او را طاعت و بدنامی حاصل گردد و حرف **الذَّالِ** و ذکر و انشای علیه السلام گوید قضیب
 خواب فرزندی مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب میند که او را و قضیب بود دلیل که او را فرزند بود و هم بزرگی میان
 یابد و اگر میند که قضیب می بریده شد دلیل که فرزندش میرد و اگر میند که قضیب و خیمه بر دلیل که فرزندش نباشد و اگر میند که قضیب
 وی سست شد دلیل که فرزندش مجامد شود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بزرگی قضیب دلیل بسیار می فرزند و نام آوری بود و اگر
 قضیب بخلاف این بود و اگر میند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخها پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند
 زادگان باشد و اگر میند که از قضیب وی مایه بیرون آمد دلیل که او را و ختری آید از نیکه آن زن از آنکه در بای مشرق باشد و اگر میند
 که از قضیب وی گریه بیرون آمد دلیل که او را فرزند می دزد و را برهن پدید آید و اگر میند که از قضیب او مرغی بیرون آمد تا ویش از
 آن مرغ باشد و اگر میند که از قضیب او موشی بیرون آمد دلیل که او را و ختری نابکار آید که در وی خیر نباشد اگر میند که از قضیب او آب

در خواب

در خواب

خبر

کرامتی رحمه الله علیه گوید ران راست دلیل بر خوشیشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خوشیشان مادری کند اگر بیند که ران چپ یا راست
دلیل که کار خوشیشان می ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خوشیشان جدائی جوید و اگر بیند که ران وی شکست
دلیل که از خوشی زل و خواری بدورسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود دلیل که مال خوشیشان وی ضایع شود و مغربی
گوید اگر بیند که رانهایش بر زمینان بسته بود دلیل که از خوشیشان جدا نشود و پیوستگی بکلی کند و اگر بیند که گوشت ران خود پیوستگی
بقدر آن مال خوشیشان بخورد حکایت چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمه الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که ران من بر زمین
شده بود و بر روی سویی بسته بود و کسی گفت که موی ران من بر شش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که تو وامی داری و از خوشیشان
نوکسی وام ترا بگذار و دو بهم در آغاه کسی از خوشیشان آن شخص پیدا آمد و دو دلیست دنیا را وام بگذار و جعفر صادق رضی الله
عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت دوم دوستان که برایشان اعتماد باشد سوم مال چهارم چشم
راه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه خواب دیدن دلیل برین استقامت بود و حسن بسنی در راه دین و اگر بیند که در راه
میرفت دلیل که براه دین بود و اگر بیند که گروهی را براه راست بر سیری میکرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین است
کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یا در کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که در راه کلا
او را از راه ببرند دلیل که بقدر آنچه برود غم است کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده نمیشد دلیل که حق خود را بداند
از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست براد که برود دلیل که بمعصیتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که
بشب تاریک میرفت و راه بر او مشکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت و راه راست یابد و اگر
راههایی بیند و نداند که از کدام راهی باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت با مردمان بد دین دارد و اگر بیند که راه
بروی مشکل شده است که گام برود و بقول پیغمبر صلی الله علیه و سلم جانب راست است گرفت دلیل که راه حق بر وی
پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست میسر میرفت دلیل که بر دشمن مکر و حیلت سازد و اگر بیند که براه راست میرفت از برادر
حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بمحالات مشغول شود و بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت
و زنی پیشش آمد و بسبب آزارن از راه گشت و میسر رفت دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدینا فریفته شود و مغربی رحمه الله علیه
گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده و پنهان میرفت دلیل
که در دین بدعت گردد یا در کار خود سرگشته شود و قوله تعالی *ان هذا صراطی مستقیم* فاتبوه و اگر بیند که کسی از راه
ببرد دلیل که بر فساد دین وی بود و قتل خواب من دستهای اسمعیل است رحمه الله علیه گوید راه راست در خواب
مسلمانی نبود و راهی که بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا باشد و اگر بیند
سوم کار نیکو چاه خیزد و برکت پنجم آسانی و رحمت را بهرن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه برین در خواب مردی بر دین آمد و پیش از
کند اگر بیند که راه برین مال وی بسته دلیل که با مردی پیوندد که او را غرضی در کامی کند و از وی فایده ما. سه اگر بیند که از غضب او بآگاه

ح

نیت

و اگر بیند که راه زمان بروی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیمار شود و شفایا بد کرد مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که راه زمان از وی چیزی بدزدید و دلیل که اگر برهن با وی دروغ گوید و اگر بیند که برهنان کلاه او را بردند و دلیل که مصیبتی آلوده گردد
 سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهزنی کرد و کالائی کسی را برد و دلیل که آنکس با وی خشم گیرد و اگر خود راه زد و کالای کسی را برد
 و دلیل که آنکس بیمار گردد و شفایا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهزنی در خواب بر سر نهاده بود یکی جنگ دوم خصومت دوم
 و دروغ گفتن سیوم تباهی عیش و بیماری ربهما ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ربهما در خوابیدن آنچه خوش طعم و خوشبو
 بود و دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود و دلیل بر مصرت و رنج و اندوه بود و بخت رب در خواب چون شیرین بود دلیل کار خیر
 و منفعت بود و چون ترش بود تا و طیش بخلاف این بود و باب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رباب در خواب دلیل بر سخن
 باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر خواب بیند که رباب میزد و دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را مایه و ستایش بدو کند و اگر
 که در پیش وی رباب میزد و دلیل که سخن باطل و مضاد هر کس مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رباب جنگ و چغانه و نامی بود
 و اینجمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که رباب شکست یا ضایع شد و دلیل که از دروغ تو بد کند و اگر بیمار بیند که رباب میزد و دلیل که
 یا بیماری بروی سخت شود و خسار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر خواب
 بیند که خسار او رخ بود و پاکیزه و دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که خسار سیاه یا زرد گشته بود تا و طیش بخلاف
 این بود که مانی رحمة الله علیه گوید خساره در خواب آرایش مردم و که خدای بود و اگر خسار چندی بیند دلیل نقصان که خدائی بود
 و اگر بخلاف این بود و دلیل شکی که خدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خساره در خواب دیدن دلیل بر نیکی و حال شادی
 بود و زشتی خساره دلیل بر غم و اندوه و بیازمی کند رز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل بر نیکی و حال شادی
 بیند که رزی داشت که در خان سبز و پاکیزه بود و در هنگام وی و دلیل که رزی نیکی کار برنی کند و از و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در خان
 رز را هیچ برک نبود تا و طیش بخلاف این بود و اگر بیند بر گهای رز زرد گشته بود و دلیل که بیمار شود و اگر ملک است و نبود تا و طیش بخلاف
 رز کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سر نهاده بود یکی زن که میزد و دلیل که رز زرد گشته بود و اندوه
 و اگر در خواب بیند دلیل بر بدی حال خداوند زرد بود رز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت است و حشر
 بر خاست دلیل که حقیقی مبن علی در اندیشه عدل کشته و اگر پادشاه آن دیار ظالم باشد و دلیل که بلائی و آفتی بر ایشان فرستد و اگر
 مظلوم باشد و دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خدا بیگانی است و اند دلیل که خشم خدا بر ایشان
 است که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بر خاست و دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت باشد و دلیل که خلاص
 ز که علامتی از علامتهای قیامت پیدا شد چنانچه افساب از ضرب بر آمد یا جوج یا دجال علیه السلام پیدا شد یا نشانی
 الهی باز رود و اگر بیند که شمار گاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اقرب للناس حسا بجمعه
 و اگر بیند که با وی شمار کردند و دلیل که او را از یاد حق رسد قوله تعالی تحاسبنا هاهنا حسا بجمعه

جنگ و خصوصیت بود اگر بیند که جامه یا مفتحه خور از روبرو دلیل که او را کسی از خویشان خصوصیت یافته یا دوستی که در وی خیر نیاید
گرمانی رحمة الله علیه که اگر بیند که جامه خور از روبرو میگرد و نتوانست دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و رفوگر در خواب نباشد و اند
جنگ و خصوصیت بود و بجهت کار خود را با صلاح آورد و از خصوصیت بر بد رقص کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید یا کسی که وقت
در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معتبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مردان از ازدخان خلاصی بود که گرمانی رحمة الله
علیه که بد رقص کردن در خواب زمان از رسوائی بود و مردان از مصیبت آقا صوفیاز و کسانی که رقص بسیار گفتند ایشانرا غم و اندوه
منو و رقص در خواب همردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رقص کردن در خواب
غم و مصیبت بود در کشتن او این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را رک کشتا و ندلیل که از دوستی خنجر کشیده یا
تلف شود و اگر بیند که رک کشا و خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان او را سختی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل
آنکه زحمت باشد و بعد از خون زحمت یابد که گرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عالمی از رک زد و خون بسیار آمد و در جانی که در
دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسامعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رک از دست راست کشا و پس از آن
مال و خوشه بود و اگر از دست چپ کشا و دلیل بر زیادتى مال و دستان بود و اگر بیند که معرفی او را رک کشا و اگر زشت است خنجر
دلیل که آگست شود و اگر آگست بود دلیل که دشمنی آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رک زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل
که او را سختی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رک زدن در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی کشادن کار و دوم سفر سوم خصوصیت
چهارم از جهت مال انبازی کردن و اگر بیند که رک زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصوصیت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد چنانکه
در تن خون نماند دلیل بر خصوصیت بود و اگر بیند که بر جراحی خون آلوده کشت دلیل که چیزی بوی رسد و معتبران گویند که رک زدن
در خواب اگر بیند خواب مستور بود دلیل که خوری و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد و کدر رکص این سیرین رحمة الله
علیه گوید بر گماعت دلیل بر اطمینان بود اگر بیند که رک را از اندام وی آفتی رسیده دلیل که خویشان وی غم و اندوه خوردند
و هر یکی که معین است که یکی تعلق دارد بر گماعت پیشانی و دلیل بر متران کنند و گماعتی دست و بازو دلیل بر فرزندان و بر گماعت
دلیل بر خویشان مادر و گماعتی پشت دلیل بر خویشان پدر کنند و گماعتی سیرین در آن دلیل بر اطمینان و دزدان و دستان و گماعت
ساق و دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که گماعت بخشاد و بر پهنار و دریده شد یا خشک شده دلیل که از خویشان وی یکی که
تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معتبران گویند که غمی و اندوهی بر خویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان
جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رک زد و دلیل که از خویشان خود سختی درشت میشود و بعضی گویند که بعد از آن خون از وی رفته
مال یکی از خویشان خود تلف کند و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که رک قیال بکشد و دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که
باسیق کشا و بهین دلیل دارد و چون سایل گوید که از رک من خون می آید دلیل بر که باشد مانع و اگر گوید که از دست چپ
بسیق کشا دلیل که او را زبانی رسد و معتبر باید که در لفظ گویند خواب نگاه کند و تعبیر بر موجب لفظ او کند و اگر بیند که رک از تن وی

در دلیلی که او را ندیده است
در دلیلی که او را ندیده است
در دلیلی که او را ندیده است
در دلیلی که او را ندیده است

بود و دلیل که او را ندیده است برسد رکاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که رکاب از زمین جدا شود و دلیل بر فرزند یا اندام
 بود و اگر رکاب با زمین بود و دلیل بر فرزند یا بود که در هیچ خیانت نباشد که آنانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که رکاب و زمین بود و دلیل که او را ندیده است
 خوشتر است بین و شک اگر او را ببیند که رکاب سیم بود و دلیل که فرزند یا مال نیافریده شود و اگر ببیند که رکاب سیم بود یا برنجین است
 فرزند و ن همت بود و اگر رکاب سیم بود و دلیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت در کار دنیا بود و اگر رکاب او چوبین بود و دلیل
 فرزند او بد را می و فرومایه بود و رکاب دارد و خواب نیکو بود زیرا که او بهترین نزد یک است رنگها ابن سیرین رحمه الله علیه
 رنگ عین خواب دیدن در جامه و غیر آن دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ سیخ مردان را که است و رخ بود و زنا را نیک بود و رنگ
 زنا را مرد و زنا نیک باشد در دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد که کسی نیک پوشد و رنگ کبود زنا را مرد و زنا نیک باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید رنگ سبز و سفید دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس این هشت است رو باه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رو باه در خواب مرمی فریبده باشد یا زن یا کینک دروغ زن اگر ببیند که رو باه در بر و بود
 و دلیل که او را با مرمی خصوصیت افتد و اگر ببیند که رو باه میجت از پیران دلیل که ترسند شود و اگر ببیند که با رو باه ناز میگرد
 و دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود که آنانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که رو باهی سبانه میگرد و دلیل که با کسی
 حلیت کند و او را بفریبد و اگر ببیند که رو باهی پیش او چای پوسی میگرد و دلیل که غریبی با او مکر حلیت کند و پوست رو باه مالی بود
 که بحلیت بدست آرد و شیر رو باه بخواب خوردن دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و
 بعضی از متبران گویند که شیر رو باه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید رو باه در خواب
 دیدن زن در غلو باشد اگر ببیند که رو باه گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی فریبده و دروغ زن خواهد و اگر ببیند که رو باه
 در خانه وی آمد و قرار گرفت دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود که اگر ببیند که رو باه از او بگریخت دلیل که وام دارد او بگریزد
 رو باه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید رو بزرگ در خواب مرمی بزرگ بود و اگر ببیند که در رو بزرگ صافی شد و دلیل که
 با مرمی بزرگ با دیانت پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر ببیند که از رو دبیر و ن آمد دلیل که از بلا و غم نرسد و
 و اگر ببیند که در رو دبیر رفت و آبش تیره بود و دلیل که با مرمی بزرگ شکم پیوندد و اگر ببیند که در آن رو غرق شد
 و دلیل که تارک ازان ستکاری یابد و انیال علیه السلام گوید رو بزرگ و زیر بود و اگر ببیند که رو بزرگ خشک شد
 و دلیل که وزیر مغرول گردد و اگر آب رو در زیادت ببیند و دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رو دیره ببیند و دلیل که مال
 حرام یابد و اگر آب تلخ بود و دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رو دکنه ببیند و دلیل که بیمار گردد و اگر آب رو دسرد
 و خوش بود و دلیل که از وزیر نزاحت یابد و اگر ببیند که در جونی خون بود و میرخت و دلیل که در آذینار غریبش
 بسیار شود و اگر ببیند که آب رو سفید و خوش بود و دلیل که مرمی عام ثنائی وزیر کویند و اگر ببیند که آب رو دبیرین
 رفت و هیچ نماد و دلیل بر عقوبت باشد و آنرا خود که تعالی قل رأیتهم ان اصبح مسا و کم محو و انما یبکی

هفتاد و نه و اگر بید که باب روزه در شب است دلیل که از شر پادشاه و وزیر این که روزه اگر بید که باب روزه میخورد دلیل که از روزه
 بجا شود و اگر بید که بجا شد در شب است دلیل که او را اهل بیت او را از پادشاه و وزیر این بود و اگر بید که در روزه میخورد و بجا آمد
 گشت دلیل که از قبل از روزه در شب است و اگر روزه در شب بید بود که باقی روزه الله علیه خلیفه بود و در و جیون پادشاه خراسان
 در و جیون پادشاه بید بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی گویند پادشاه روزه بود و در و جیون پادشاه مصر بود و در و جیون پادشاه
 ارمنه بود و آب خوردن و شستن خود را در آن خیره منفعت بود و بقدر آن آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خورده باشد و اگر خورد
 در و جیون پادشاه دلیل که در فتنه افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین روز در خواب بر بخت و جبه بود یک سجده دوم بید که سیوم بود
 چهارم تجارت پنجم مال شتر ریاست بهتم ظفر و دو بار وادی را گویند که در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر از روزه در شب بید که از غم و اندوه بیرون آید که باقی روزه الله علیه گوید در و جیون پادشاه
 اسلام بود و قوله تعالی یوای غیر ذین ذریع عنک بنیات الحشر مغربی رحمه الله علیه گوید در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه
 شمر بود و الشعرای یمنهم النباون الهم تراکهم فی کل واحد یفهمون روزه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب
 بید که روزه فراگرفت و بخورد دلیل که از خوشی و خیره منفعت بید که روزه ای از روزه و بید که دلیل که فرزند می از خوشی
 وی کمتر گردد و اگر بید که روزه کسی بخورد دلیل که بقدر آن مال کسی بخورد که باقی روزه الله علیه گوید اگر بخورد که در و جیون پادشاه
 مال نماند بود که بید که در و جیون پادشاه دلیل که روزه از دانش بیرون آمد دلیل که مرکب فرزندانش بود و اگر بید که روزه
 کسی بیرون آورد و دلیل که بقدر آن مال نهان کرده کسی را بسیار جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه در خواب بر شش و جبه بود یک
 مال هر دو دوم خفاسی ناخوش سیوم و شام چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن خویش روز ما ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر بید که روزه آید و در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه
 آینه بود و بخلاف آن بود و اگر بید که شب است و روزه باشد دلیل که یکی باشد و اگر بید که روزه نشد بود دلیل که دوست جیون پادشاه
 و اگر بید که خواب بید دلیل که دوست ترسایان باشد و اگر بید که آینه بید دلیل که بر او خاد اهل نعمت و توانا باشد جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید بهترین روز روزه آینه بود و در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه دلیل که در و جیون پادشاه
 بهتر بود و روزه در شستن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که روزه میباش و شنب و تلیل و قرآن بخواند دلیل که از
 گناه و حرام توبه کند اگر بید که روزه داشت و غیبت مردم میکرد و یا خوش میگفت دلیل که او طاعت بر میا میکند و راه در میان
 نیست که باقی روزه الله علیه گوید اگر بید که ماه روزه بود دلیل که گرانی و تنگی طعام بود و بعضی گویند که دلیل که بر درستی دین بود و از
 غم فرج یافتن باشد و گذاردن و ام خاصه که چون در ماه رمضان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه در شستن و خواب برده
 و جبه بود یک بزرگ دوم ریاست سیوم تند رستی چهارم مرتبت پنجم توبه ظفر هفتم لغت هشتم حج نهم غدا هم پیر مار زده که
 بفراموشی دلیل بر نیک فردی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد گشتاید دلیل بر نیک فردی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد گشتاید

فصل

و در و جیون

و در و جیون

و در و جیون

و در و جیون

دین فروگذارده و حق بنی برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بجا آنکه هست دلیل که شرف و منزلت او زیاد
 گردد و اگر روی خود رشت و ناخوش بیند شرفش کم گردد که آنانی رحمة الله علیه گوید اگر گونه روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که در دنیا
 گردد و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل بر فوت دین وی بود قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْصَرَتْ وَجُوهُهُمْ فَأَمِغَتْ**
الْأَبْصَارُ فَمِنْهُمْ قَوْمٌ لَّا يَسْمَعُونَ و اگر بیند که گونه روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق رسوا
 گردد و اگر بیند که با سیاهی روی چانه سفید پوشیده بود دلیل که او را دشمنی آید قوله تعالی **وَأَنذَرْتَهُمْ أَصْحَابُ الْأَنْخِاطِ**
وَجْهَهُمْ مَّسْوُودٌ و اگر بیند که با سیاهی روی او گرد آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش زرد بود یا
 زرد و آب از رویش می آمد و او را بروی جراحت نبود دلیل که زبان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تنهایی حال وی
 و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که وادار شود مغرانی رحمة الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نیکو بیند رآب یا دانه یا کسی
 او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر رشت بود تا رویش بخلاف این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را
 بکسی مساطره افتد و خشم خود و اگر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه
 و می طره کفر بود قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْصَرَتْ وَجُوهُهُمْ فَأَمِغَتْ** بعد از آنکه رشت و اگر بر روی خود جراحتی بیند دلیل
 که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و دینی خللی افتد و اگر در روی بیند دلیل بر سختی
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن روی در خواب بر پشت وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم خدای و حقارت سیدم نظام
 کار و چهارم دین و دایم پنجم اندوه و رسوائی ششم و هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت و نهم اگر بیند که ریحان سبز
 و خوشبوی بود دلیل بر فرزندان بود و کندن ریحان از زمین دلیل گرسنگی و اندوه بود و بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ریحان در جایگاه
 خود بیند دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند و انیال علیه السلام گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب
 کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ریحان بخواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم کینه
 سیدم دوست چهارم فرزند پنجم سخن ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که در سرائی یا باغ او ریحان بود دلیل بر خیر
 که مغرانی رحمة الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خود نیکو بود و ریحان در خواب فرو بود اگر بیند که از چشم یا موی ریحان
 می رشت چنانکه زنان ریحان ریسند دلیل که کاری حلال کند و اگر ریحان بچو لایه بر و ما جامه بافتد دلیل که در تدبیر کاری باشد
 که او را از آن خصوصیت بود که آنانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی مانند موی ریحان از چشم یا موی می رشت دلیل که او را با
 از سفر نماید و اگر بیند که بوقت رشتن ریحان او گسسته شد دلیل که غایش و سفر دیر بماند و اگر بیند که ریحان بسیار رشت و دلیل که
 دراز بود و بقدر ریحان خیر و منفعت از او نشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریحان در خواب بر پنجه وجه بود یکی سفر
 دوم نزد کار سوسم عمر دراز چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال و یو اسس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ریحان
 بخواب دیدن اندوه بود و بقدر خوردن آن اگر بیند که ریحان سبزه است دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که ریحان سرسبز

خواب بیند که ریحان سبزه است
 دلیل که از غم و اندوه رسته گردد

چنان

چنان

چنان

بدر لیل

بدر لیل که حضرت کسرت بود و الله اعلم ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش در خواب آرایش مردم و که خدای او باشد و خبر کرده
که حق سبحانه و تعالی را فرشته است که تسبیح او اینست سبحان من و من الرجال بالبحر و السماء بالذو و آب یعنی پاکست
آنچه است که بسیار است مردان را بر ریش و نماز را بکشد و اگر بینه که ریش او را از شد دلیل که کار که خدای او ساخته کرد و اما چون بدر آری
که نشسته باشد و لیل غم و اندوه بود و اگر بینه که ریش خود را با خن بیدار است دلیل که خدای او خود را بیا رینه و اگر بینه که ریش خود را
کرد و دلیل که حال خود را بر دمان نماید و بپوشد و اگر بینه که ریش خود بر زمین میکشد دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بینه که ریش او بر
بود دلیل که زبان مال خواست و جاه او بزد و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بر داری و آبشکی او زیادت شود ولیکن عینک ریش
و اگر بینه که ریش بدندان می برید دلیل که ابله است و پیران رسد و اگر بینه که ریش او از بیماری فرو رخت دلیل که او را زهر
سفاحات بیم باشد و مال او بر ریش برده و اگر بینه که ریش را نشانه کرد و بوزد و گلاب بر رخت دلیل که شغل کند که مردم بنگارند
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که ریش او را از شد چنانکه بخت ناف بود و دلیل که مال یابد و اگر بینه که دست بر ریش فراگرفت
و یا ریش بدست او بماند و آزار بیداشت دلیل که مال از دستش برود و اگر بینه که پا ریش و چرمی نهد و بنگارند
دلیل که مال بنگارند و اگر بینه که ریش او کو چاک و کوتاه بود و اگر اوام دارد و دلیل که ویش گذارده شود و اگر عینک بود دلیل
که بپوشد و اگر بینه که ریش او بر زمین افتاده بود و دلیل که میرد و اگر بینه که ریش او کنده شد دلیل که مرگش بیکبار برود و اگر
بینه که موی سپید از ریش خود بر کند دلیل که او مخالفت سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم باشد و سبیل اشک رحمة الله
علیه گوید اگر بینه که او را در حرم بر بوسه سر تراشیدند و اگر اوام دارد و دلیل که ویش گذارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بینه که
سر ویش را بیکبار بر سر و دلیل که حرمت و آبروی او برود و اگر بینه که بی سببی اندک اندک ریش او می افتد و نقصان
در وی ظاهر شد و دلیل که از پنج و سختی فرج یابد و اگر بینه که ریش او تمام سفید شد دلیل که اندکی در مرگش نقصان شد
و اگر زنی بینه که او را ریش بود و دلیل عینک شود و کاری کند که از آن رسوا گردد و اگر مردی بینه که او را ریش برآمد و دلیل
که او را بر کفر و فرزند نداشت و اگر فرزند آید محشم و قوی گردد و اگر کوگی نابالغ خود را با ریش بینه و دلیل که بر غم و اندوه است
و اگر بینه که ریش کسی گرفت و میکشد دلیل که آنکس مال او میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب
برده وجه بود یکی بیج و دم غم و جاه و پیوم مرتبت چهارم سبب پنجم مروت ششم نیکی هفتم ترشح بیستم مال نهم فرزند
و هم گرامی شدن توله تعالی و لطف کرمتا بچای آدم اما ریش ستر در خواب حاجب از او زدنیا را میگوید باشد یک
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش و خواب لیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بینه که در میان ریش میکشد دلیل که ابر
کسب بخیل مشغول گردد و بقدر کم و بیش و اگر بینه که یک مجوز یا جمع میگرد و دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید یک در خواب بر چهار وجه بود یک مشغول بودن دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت
پنجم بیکبار ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بینه که بر تنی ریشی بود و در آن نیم جمع شده بود و دلیل

فصل

سید

سید

سید

سید

که بقدر آن ریم در مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال او را نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن وی بیرون آید و باز
 بجای میشتد دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بخواب بیند که ریم کید و میخورد دلیل که مال
 وی لیس که مال حرام خوردنی البتة جمع شدن ریم در اندام وی لیس جمع مال بود و این سیرین رحمته الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی ریم بیرون
 آید و بقدر آن مال او نقصان شود و ریم در تن اگر جمع شود دلیل که مال بود و میخوردی رحمته الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جمله اندام
 ریش بود دلیل که غم و اندوه بود و ریم این سیرین رحمته الله علیه گوید ریم در خواب مال بود و بر خداوند خواب اگر بیند که از تن وی ریم
 بیرون می آید و باز بجای خود میخفت دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود که مافی رحمته الله علیه گوید اگر بیند که ریم بیرون
 میخورد و ریم و سیم و این و غیره دلیل بر غم و اندوه بود و ریم این سیرین رحمته الله علیه گوید اگر بیند که ریم بیرون بسیار و
 دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علایج ریوند خورد و از آن تندستی حاصل شد دلیل که بر صحت و تندستی
 و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر بچ و بیماری بود و الله اعلم **حرف الزا** زن این سیرین رحمته الله علیه
 گوید اگر زنی بخواب بیند که او را دختری بود یا دختر می داشت دلیل که چیزی بوی رسد و از خوشبختی او خرم شود و اگر بیند که
 پسری را او را زارش آید که زن نباشد دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که دختری را او را پسری آید که مافی رحمته الله علیه گوید اگر زن
 پادشاهی بیند که دختری را او را دلیل که شوهرش کنجی باید و اگر بیند که پسری را او را دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که دختری
 را او را دلیل که عکس شود و اگر بیند که پسری را او را دلیل که کارش خوب شود و اگر دختر و شیرین بیند که دختری را او را دلیل که توبل
 آئین دار و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی بخواب بیند که پسری را او را هم در آن روز با وی سخن گفت دلیل بر خیر
 بیند که بود و اگر بیند که دختری را او را دلیل که فرزندی از نسل وی آید که همه خرم گردد و رافع ابن سیرین رحمته الله علیه گوید
 زنا و خواب مردی فاسق بدین و دروغ زن بود و اگر بیند که زانی را گرفت دلیل که با کسی بدین پیوند که صفت
 او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که زانی را بکشت دلیل که در آنجا دزدان و فاسدان و فاسقان
 گرد آیند و اگر بیند که زانی شکار کرد دلیل که از جای باطل مال باید که مافی رحمته الله علیه گوید اگر زنا و خواب بیند که بیند که
 تاویل آن باشد و زانهای بسیار در خواب دیدن لشکر بود و اگر بیند که زانی را پوست بر کند دلیل که با زانی غیب زنا کند و اگر
 بیند که زانی را بکشت دلیل که اهل بیت او را حضرت رسد و اگر بیند که زانهای بسیار و ربهوای آمدند و میگفتند دلیل که
 در آن دیار لشکری پیدا آید بقدر آن را زانها مغربی رحمته الله علیه گوید اگر خواب بیند که زنا و تندر و هر دو در شکار بود و دلیل
 که با کینه کینا و کینه و اگر بیند که با زانی محبت میکرد و دلیل که مردی در زنا باند کند زانها این سیرین رحمته الله علیه گوید اگر جمله
 زانها را زاک سبزه تر بود و دیگر زاک سبزه تر زاک زرد و بیماری بود و زاک سیاه صلیب بود و زانها زاک لیل بر مرکب بود
 و زاکت جامه و غیره بدین تاویل باشد و در و بدن زاک هیچ منفعت نبود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زاک و خواب

نسخه
نیمه

بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زمان ثاله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
اگر بیند که در شهری یا در محلی ثاله می بارد دلیل که مردم آن شهر را از پادشاه رنج رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برقی
و یا ثاله بود دلیل که در اینجا قحط و تشنگی و مضرت بود که ثانی رحمه الله علیه گوید ثاله باران بجزاب و دیدن لیل بر نعت جزا
و ایمنی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ثاله در خواب دیدن برنج و جود بود یکی با دوم خصومت سیوم لشکر چهارم قحط پنجم
بیماری زلو حانور است که در آب می باشد بیماری آنرا دیوچه گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زلو و خواب دیدن
و دشمن طمع بود و اگر بیند که زلو خون از اندام می کشد دلیل که دشمن بروی چهره او بقدر خونی که خورده باشد ثاله
وی نقصان شود و اگر بیند زلو در گلو می وی شد دلیل که دشمن از درون خانه با وی محالست کند و اگر بیند که زلو از
اندام خود جدا گردد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یا دیگر ثانی رحمه الله علیه گوید زلو عیالی باشد که مال دیگران خورد و اگر بیند
که زلو بسیاری جمع شدند و خون و پیرامی کشید دلیل که مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمه الله علیه گوید
که زلو بر اندام وی بود و خون می کشد دلیل که از دشمن او را مضرت رسد از ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
را نو در خواب میبخت میبندد خواب بود اگر بیند که زانو وی او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی گردد و عیش و
فراخ شود و اگر بیند که زانو بر او میرفت دلیل که کار او ضعیف گردد و میبخت بروی تنگ شود و اگر بیند که چشمه از
وی ضعیف یا شکسته بود دلیل که کار وی تبا گردد و اگر بیند که چشمه زانو وی او قوی و ثاله دلیل که مایه که دارد از دست او
گرمانی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب کسب میبخت مردم بوده و اگر بیند که زانو وی سخت قوی گشت دلیل که کسب
و میبخت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانو وی او ضعیف بود دلیل که کسب و میبخت وی ضعیف شود و منقطع گردد
مغربی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه رنج و غنا باشد و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو
بیند تا ویش چنین بود که یاد کردیم زبا و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبا در دست یا کسی بوی داد
دلیل که با ادب و فریب است بود و مردمان مدح و ثنائی او میگویند و اگر که زان زبا در بوی خوش می آمد دلیل که مردمان
نگویش وی کنند و اگر بیند که زان زبا در بوی نیکو می کشد که از او هیچ منت ندارد و اگر بیند که زبا در بوی
دلیل که فرزندان وی با ادب و فریب است باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید زبا در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب
دوم فریب است سیوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده زبان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبانش بریده
و ناقص گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت و بوقت حجت زبانش بسته شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که
زبانش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش بوقت حجت زیادت شود و جزم روان گردد و خطر مله بد
و اگر بیند که زبان وی دراز شده بجهت دلیل که سخن گفتن دراز شود که ثانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را در زبان
بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بیند که زبان خود بر بقیه سخنان نگوید دلیل که از گفتن طلب

فصل

نوشته کند و اگر بیند که بر زبانش خطا رفت دلیل که نمی گوید که حق تعالی اجل علا و دان راضی نباشد و اگر بیند که کسی زبان در دهان
 وی نهاد و دلیل که او از کسی قوی و محنتی باشد در سخن و اگر بیند که زبان کسی می گوید و دلیل که از آنکس علم و دانش حاصل کند مغربی
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ شده بود و دلیل بر فساد دین و دنیای وی بود و اگر بیند که زبان در دهانش برید و دلیل که
 چیزی بدر ویش دهد و اگر بیند که زبان زنی برید و دلیل که بیشترش کند و ارزش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش بکام کم و قبیح بود
 و دلیل که دام دارد شود و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان می قوی و ستر شد و دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبان
 ریش گشت و دلیل که بر کسی بهائی بنده و یاد و معنی گوید و اگر بیند که بر زبان می موی برآمده بود و دلیل که از سبب گفتارش در کار
 افتد و اگر بیند که زبان وی آما سیده بود و دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید استعجیل اشعت رحمه الله علیه گوید اگر بیند
 که زبان وی ووشاخ شده بود و دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت و دلیل که از همه شغلها فرامانده و اگر کسی ببیند که
 زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن نتوانست گفت دلیل که شغل می بدست وکیل برآید و اگر بیند که زبانش خشک شده بود
 و دلیل که در مال باشد جعفر صادق رحمه الله علیه گوید دیدن زبان در خواب شش جبه بود یکی حکمت دوم ریاست
 ترجمان چهارم حاجت چشم وکیل ششم یار و سخن گفتن در زبانها در حرف سین یا خو ابریم کرد ز بر جلد این سیرین رحمه الله علیه
 گوید ز بر جلد در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بیند که ز بر جلد بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند
 و اگر بیند که ز بر جلد روی ضایع شد و دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ز بر جلد در خواب
 بر سه وجه بود یکی خورمی دوم مال سوم منفعت زبور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب میزد زبور میخواند دلیل که
 خداوند تبارک و تعالی بازگرد و بکار خیر رغبت نماید و اگر بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که ز بر و خیرات بر او نفاق کند
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبور میخواند دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند دلیل که
 کار و کردار او نیکو گردد و ز بر خیر حال گرفتن بیابان مرغان بود اگر بیند که بیابان مرغان فال می گرفت تا ویش ضرر و باطل نیاید
 و در خواب و بیداری از راه و نایل نکو میباید بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیابان مرغان فال می گرفت و دلیل
 که باطل نیاید نایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیابان مرغان فال می گرفت و اگر فرزند باشد
 و دلیل که نیکو بود و اگر بعد از زوج باشد و دلیل که بیمار گردد و شفای یابد زخم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که برین
 داشت و از خون پیدا بود و دلیل که بر زخم زننده خطر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان و اندام او آلود
 شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که اندامش آلوده بگشت و دلیل که زننده او را بجای می یا تهمتی شتم گردانده و اگر بیند که زخم خود
 دین او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمه الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زخم در
 دیدن بر سه وجه بود یکی خطر یا چنن دوم خیر و منفعت سیوم نقصان مال زنون و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را
 تازیانه زدند چنانکه اثر زنون بر پدید آمد یا در سبوتن بستند و چندان زدند که خون از زنی بیرون آمد تا ویش بد باشد

باب

باب

باب

باب

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که او را تازیانه زد و دلیل که مال حرام بحال آید خاصه چون ببیند که از اندام
 خون آمد و اندام خون آلوده گشت و اگر خشکی بر تن وی پیدا شد دلیل که بقدر آن از بهر کسی فایده یابد و بعضی از معتبران گویند که
 جامه نو پوشد که مافی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تازیانه بر پشت وی زد و خون بیرون آمد دلیل که انگس مال حرام یابد
 و اگر ببیند که بر پشت خود تازیانه دید و ندانست که او را که زد و دلیل که شغل دین و دنیا می وی نیکو باشد و اگر ببیند که تازیانه بر کسی
 چند تازیانه پاره پاره گشت و دلیل که اهل خاندان وی پرالکنده گردند و اگر ببیند که او را کسی تازیانه بشمار زد و دلیل که او را غنی
 رسد و اگر کسی در خواب او را تازیانه زد و دلیل که غلغله شود و سبب مردی بد دین و منافق و اگر ببیند که محبت او را بده برود و دلیل
 که سلطان او را اعل و در کارش نیکو گردد و اگر ببیند کسی او را بگلج زد و دلیل که از انگس منفعت یابد و اگر ببیند که کلاخی بر پشت وی
 زد و دلیل که کسی او را خضیعت کند و اگر ببیند که طباچه بر روی وی زد و دلیل که از کسی سخنی زشت نشنود و مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر ببیند که مرده او را میزد و دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد و اگر ببیند که مرده بود و او را میزد و دلیل
 که قوت دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب بر شتر چه بود و بوی منفعت و دم مجا و له سوم روشن شدن
 کار مشکل چپام سفر خیم شرف و بزرگی ششم مال حرام زدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زدن در خواب دیدن مراد از دلیل غمناک
 بوده زنا زنی و پسندیدگی باشد و اگر ببیند که زنی یا کسی بوی او و دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود که مافی رحمه الله
 علیه گوید اگر ببیند که زنی یا سیم میگذاخت و دلیل که در زبان مردم افتد و اگر ببیند که زنی میزد و دلیل که او را غنی و اندوهی
 و اگر ببیند که زنی بخوابد و دلیل که مال بدهد اگر ببیند که زنی بخورد و دلیل که بقدر آن مال چپا می افتد و مغربی رحمه الله علیه
 از سیم در خواب مردان را بد بود اگر کسی زنی سیم بچسباند و دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم ببیند و دلیل که دختر بزرگی خواهد
 و گویند که زنی بخوابد مردی باشد و دروغ زن و اگر ببیند که پیش زنی نشست و با وی محالست می کرد و دلیل که او را با دروغ
 گوئی سروکاری افتد زنی و ابو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنی و الو بوقت خود چون شیرین بود و بزرگ آوئی که خورد
 باشد دلیل که و نیاری حاصل کند و اگر زنی او را ترش بود و دلیل بجاری و غم بود و بعضی معتبران گویند که زنی و الو بخوابد بین
 بود یا مال که مافی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که آتخان بشکست و تلخ بود و دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید زنی و الو بوقت بجاری بود و بوقت و ترش غم و اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد و یحیی ابن سیرین رحمه الله علیه
 زنی و الو در خواب دیدن بجاری بود و از سیم خورده و و جاها زرشک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنی و الو در خواب دیدن
 بود و خوردن آن همچنین و اگر ببیند که زرشک از درخت جمع میکرد و دلیل که او را بامردی خیل خصوصت افتد زنی یحیی ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید اگر خواب ببیند که زنی سیم بخورد و دلیل بر بیماری و پاک بود و اگر ببیند که زنی سیم فروخت یا کسی را و دلیل که از بیماری بین
 اگر در مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی سیم یافت و دلیل که مال بسیار بدست آید و و بیماری بخورد و اگر ببیند که زنی سیم در جامی
 جمع کرد و دلیل که در سفر بیمار گردد زنی و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی پوشیده بود و دلیل که از روشن این کار

خواب

...

...

...

...

...

خبر

عقربان

عن

ت

ی

و

ی

مینه که زره صانع شد دلیل که دشمن بروی چیره گردد و اگر مینه که کسی ندیده بوی داد و او پوشیده دلیل که با او شکر کند یا بقدر کردن
دشمن با وی یار گردد و دو دو نصرت و بی خواهد و بعضی خبر آن گویند که زره حصن دین است که تانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب
مینه که زره داشت دلیل که او را و این سیت او را ایمنی بود از دشمنان و اگر مینه که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از دشمنان و دشمن
ایمن گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن برشش و چه بود یکی آینه از دشمنان دوم حصن دین سوم قوچان
مال چهارم ندکانی ششم نیکوئی و زره که در خواب مردی بود که مردمان را ادب آموزد زعفران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی خواب ببیند که زعفران داشت دلیل که مردم را مدح و ثنا گوید و اگر مینه که زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود
و تانی رحمة الله علیه گوید اگر مینه که زعفران ناکوخته بود که بوی دادند دلیل که زنی توانگر خواهد و اگر مینه که زعفران بخورد و داشت
او میخورد و دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد زعفران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زعفران در خواب دلیل بر پادشاه آموخت
کند اگر مینه که زعفران طبع او گشت دلیل که او را علامتی باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آتسش ببیند دلیل که پسری
که مقرب پادشاه گردد و تانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب ببیند که زعفران از دست پیر یا از زنی آتسش ببیند دلیل که فرزندی زاده
یازد و نیاید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زعفران در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگواری سیوم فروز
چهارم مال زلفت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زلفت در خواب غم و اندوه بود و اگر مینه که زلفت داشت تالیسی بوی داد
و دلیل که بچ فاند و گرفتار آید و اگر مینه که زلفت میخورد و دلیل که غم و اندیشه او را از بهر عیال باشد و اگر مینه که زلفت را بفرخت یا بکشت
یا از خانه ببرد و دلیل که از غم و اندوه دستکاری یا بدستخوابی رحمة الله علیه گوید اگر مینه که زلفت در جراحت متاد و درست شد
و دلیل که اگر کسی خیر و راحت ببیند و اگر مینه که جامه وی زلفت آلوده گشت و دلیل که از وی کاری آید که او را از آن رشتی و جدا
حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مینه که زکوة مال میداد و دلیل که مالش زیادت شود و اگر مینه که زکوة فخر بود
و دلیل که نامزد و زوجه و شایع زاده کند و دستکاری یا بدو اگر وام دارد و گذارده شود و اگر بپارید و شفا یابد و اگر دشمنی دارد و بروی
ظفر یابد که تانی رحمة الله علیه گوید اگر مینه که زکوة مال میداد و دلیل که مال او حصن او آید و بلا از وی وقع شود بقول حضرت رسول
الله علیه و سلم حصنوا أموالکم بالزکوة یعنی حصن سازید خود را بزرکوة مال و اذن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مینه
زکوة مال میداد و دلیل بر فروز شدن مال باشد قوله تعالی وَمَا أَوْفَتْهُمْ مِنْ زَكَاةٍ يُرِيدُونَ وَجَاءَهُ اللَّهُ فَأَتَتْ
هُمْ الْمَخَضِرَةُ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب بر هشت وجه بود یکی بشارت دوم خبر بد
سیوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنی ششم فراغ از غم هفتم زیادت در ثمن ثامن طفر یافتن بر دشمنان
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر مینه که زنگار از کسی بست و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل
و اگر مینه که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیک افروخت دلیل که با پادشاه معاشرت کند و از وی فایده یابد که تانی رحمة الله علیه
گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خواسته بود و اگر مینه که جامه یا اندامش بزنگار شد دلیل که او را از سلطان مضرت رسد اگر

در زمین

را مانند چاه و سوراخ میکنند و دلیل که در اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بینه که در زمین فرو رود و بزرگی
شکست شد و میرفت در اینجا دلیل که در اینجا از کاری شکست بکاری مجهول افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بینه که زمین با وی
سخت گفت و بخیر و صلاح او را مرده و او دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کند و اگر بینه که زمین با او را اول
و بزرگ شد دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بینه که زمین می پیوست و دلیل که بسفر رود و اسماعیل شعث رحمه الله علیه گوید
اگر بینه که زمین از بهر شکست پیشگفت دلیل که بسفلی بزرگ مشغول گردد و از قبل آن منفعت یابد و اگر بینه که زمین خویش را آبادان میکند
و دلیل که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین با خراب بینه تا و پیش بخلاف این بود و او را با کسی خدمت افتد و اگر خود را در زمین
بینه دلیل که او را با کسی انبازی بود یا بدی را بکنج در آورد و اگر بینه که بی آمد و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تبا کرد و دلیل که از
پادشاهی ملامت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین با در خوابیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیدوم مال چهارم
زنان این سیرین رحمه الله علیه گوید زن جوان در خواب نشادی بود و زن پیر دنیا و مشغول اینجانی و نیز دیدن نان و خواب بقدر خوبی
و حال و فریبی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بینه زنی باشد معروف باشد و زن غریبه و معروفه و زنی روزی بود و زن ترشت
و لاغری و تنگی بود و زنان شادمان و آسوده مراد اینجانی بود و پیر زن چرکین دلیل بر نامرادی و بد حالی بود که زنی رحمه الله علیه
گوید اگر زنی بینه که او را قضیب بود همچون مردان و دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگت و سرور گردد و اگر زنی جوان
بینه که پیر شده بود و دلیل بر خیر و صلاح دین و دنیا کند و اگر زنی بینه که قضیب داشت مجامعت کرد و دلیل که هرمت و بزرگی او
کم شود و اگر بینه که زنی جائمه مرده پوشیده بود و اگر آن زن مستور بود و دلیل که خیر و صلاح بود و اگر غصه بود و دلیل بر شر و فساد و بد مغربی رحمه الله
علیه گوید و هر سستی زنان در خواب اهل دنیا را زیادتی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریب را تا و اهل ستم از زن شتابان باشد و اگر
بینه که بر زن وی کسی دست درازی کرد و دلیل که اهل آن زن توانگر شوند و اگر بینه که زنی بفساد و نزدیکی بچا رفت دلیل که پیری
آورد و خیره منفعت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زن جوان در خواب بر شش وجه بود یکی نشادی دوم دنیا سیدوم مال
اینجانی چهارم فراخی نعمت پنجم خط ششم توانگری زن تا این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که زنی در دست داشت دلیل که
در دین ضعیف بود و اگر بینه که زن آبر بر میان گشته بود و اگر بینه مستور نبود و دلیل که کار نشود و اگر بینه مستور بود و انصاف خصم
و اگر بینه که زن آبر بر دین انداخت دلیل که از کار بد توبه کند و بخدا استعا باز گردد و راه صلاح خلتا کند زن شور را بر سیرین رحمه الله علیه
گوید زن شور در خواب مردی دون و سفید بود اگر بینه که زن شور را در بکند دلیل که از مردی دون او را بخی رسد و اگر بینه که زن شور بسیار زود
جمعه شد و دلیل که میان مرد و زن گرفتار گردد و خاصه چون زن شور را در بکند زنی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که زن شور گردید و دلیل که او را با
دون و سخن چین کا افتد و اگر بینه که زن شور را بکشت دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بینه که از بهر زن شوران بسیار بقیاس کوا
بود و دلیل که در آن دیار لشکری برسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زن شور در خواب بر شش وجه بود یکی غوغا دوم مردود
سیدوم لشکر چهارم غلج پنجم شمس ششم فرزندان زبیل این سیرین رحمه الله علیه گوید زن بیل در خواب نشان بود و اگر بینه که زن

زنان

زنان

زنان

زنان

مستطاب

مستطاب

مستطاب

مستطاب

مستطاب

مستطاب

مستطاب

و اگر بید که تن او را از زهر گندمی رسیده با کس داشت دلیل که بقدر آس او غم و اندوه رسد و اگر بید که زهر خورد و دلیل که اگر کسی خشم خود زهره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که زهره مردم میخورد و دلیل که خشم خود خورد و اگر بید که زهره چهار پائی میخورد و دلیل که بدخوی و خشمناک شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که تن وی زهره مردمان آلوده کشت دلیل که آزار مردمان چو بدو اگر بید که تن وی زهره چهار پائیان آلوده کشت دلیل که لباس حرم بپوشد و اگر بید که تن وی زهره دادن آلوده کشت دلیل که صحبت با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود زو باین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بید که زو بین دردست داشت و چیزی دیگر غیر زو بین با وی نبود و دلیل که آزار از زندی آید و اگر بید که بازو بین سلاجمای دیگر داشت دلیل که از بازو او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که زو بین انداخت دلیل که کسی را سخن بدگوید و اگر بید که بزو بین کسی را مخرج گردانید دلیل که بر کسی بهتان نهند زیتون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیتون در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که زیتون داشت با کسی بوی داد و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیتون در خواب دلیل خیر و برکت باشد و اگر بید که روغن زیت می پالود و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که زیتون تلخ نبود و با نان میخورد و دلیل که او منفعت بخشد حاصل شود زیره باج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره باج در خواب چون ترش نباشد و سیل شیرینی دارد و دلیل خیر و منفعت باشد و چون ترشی دارد و دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود دلیل بر بیماری بود و بعضی از متعجب گویند که خوردن زیره باج در خواب دلیل بر مصیبت و غم و اندوه بود زیلو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیلو در خواب چون گسترده باشد دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زیلو دراز نباشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل بر نقصان عمر کند و اگر بید که زیلو کی کوچک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود و اگر زیلو بدست خود پیچیده و در گنج خانه نهاد دلیل که غنود و ولت خود آتیه کند و اگر بید که زیلو بر پشت نهاد دلیل که امانت مردم برگردن وی باشد و اگر بید که زیلو پیچیده و بکسی دیگر داد و دلیل که عمرش با خیر رسیده باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که زیلو میسزد داشت و پاکیزه بود و دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و اگر بید که زیلو بی گنمه و دریده بود دلیل که عیش و روی دشوار شود و اگر بید که زیلو بی گنمه بود و دلیل که آنچه دوست دارد از دست او برود و اگر بید که زیلو بی نو بند و دادند در خانه بگستر و دلیل که دولت اقبال یابد و عمرش دراز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زیلو در خواب شورش وجه بود یکی ساختگی کار و دوم عمر دراز سیوم روزی فراخ چهارم غنود و ولت پنجم دشواری عیش ششم گناه زیره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره در خواب چون بسیار بید و دلیل منفعت دین و دنیا می باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیره در خواب چون اندک بید منفعت کمتر بود زین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زین بید چون بر پشت چهار پائی نباشد زن بود و اگر بید که بر پشت چهار پائی بود و دلیل که حکم نیکت و بدان بر راکب باشد

و اگر بیدار نیستی بخیزد یا کسی بوی داد و دلیل که کثیر که بخیزد یا زنی بخیزد و خداوند مال بسیار نشود و باشد که میراث یابد و اگر
بیدار که زمین وی بشکست دلیل که زن بیدار و یا بیمار شود و اگر بیدار که زمین بی بر و سیم آراسته بود و دلیل که زن خوشترین
و مشکبهر بود و اگر بیدار که زمین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و زمین کرد خواب زن دلاله بود
و دلالی کار بود و الله اعلم بالصواب **حرف السین** به سار این سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب
بیدار که ساری داشت دلیل که مردی مسکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیدار که ساری بخت یا کسی بوی داد و دلیل که مامروی مسافر
اورا صحبت افتد و اگر بیدار که گوشت سار بخورد و دلیل که بقدر آنچه خورد بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید
سار در خواب مردی کافر بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیدار که سار بسیار بروی جمع شد و دلیل که میان کافران گرفتار شود
مساحطو را این سیرین رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی شجاع و دلیر بود اگر بخواب بیدار که ساطور داشت دلیل که با چنین
مردی اورا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیدار که ساطور بشکست یا ضایع شد دلیل که چنین مردی او را جدائی افتد
مغربی رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسیار و آسان کرد و خاصه که ساطور بر زک بود
سار عدابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساعد دست و دست و انبار معتد بود و اگر بیدار که ساعد و شش قوی بود و دلیل که او را از انبار
و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بیدار که ساعد وی بشکست دلیل که انبار و دوستان از وی جدا شود و مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیدار که بر ساعد دست وی موی بسیار بود و دلیل که دوستان از وی جدا شود و غلبه کند و اگر بیدار که موی از ساعد خود بر
دلیل که ویش گذارده شود و ساق این سیرین رحمة الله علیه گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معتبر
گویند که ساق مرد را غوغا به باشد و اگر بیدار که ساق وی قوی بود و دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساق ضعیف بود و دلیل که
حال کارش ضعیف و بی نظام بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که ساقش این چنین یار و زمین بود و دلیل که عمرش دراز شود و دلیل
باقی ماند و اگر بیدار که ساق و بشکست دلیل که برین ابد باشد و مغربی رحمة الله علیه گوید ویدن ساق در خواب مرد را از زن بود
و زنا را نشوی اگر بیدار که ساقهای وی بر یکدیگر می پیچید و دلیل هم پاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود و دلیل که وادار گردد
و اگر بیدار که موی از ساق بهتر و دلیل که ویش گذارده شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن ساق در خواب بر چهار ص
بود و یکی مال و دوم معیشت سوم مرد را ز چهارم مرد را ز از زن و زنا را نشوی سایه این سیرین رحمة الله علیه گوید سایه در خواب نیکو
و طبیعت بود و سایه پادشاه و راویل هم پادشاه بود و سایه دیوار مردی بزرگ بود و سایه درخت بی بر و دلیل بر فساد است
و مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که در جانی زیر سایه نیشته بود و دلیل که مرگش نزدیک بود و قوله تعالی **الَّذِي تَوَلَّى بَيْنَ يَدَيْكَ** كَيْفَ
مَكَانَ الظِّلِّ وَلَوْ تَشَاءُ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر سایه نیشتن در خواب بر پنج وجه بود یکی
دوم سهیت سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ سایه بان این سیرین رحمة الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه و پناه
بود و اگر بیدار که زیر سایه بان نیشته بود و دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیدار که سایه بان مردی افتاد و او را از نزدی سایه

خواب

دلیل

دلیل

دلیل

دلیل

دلیل

دلیل

دلیل

دلیل

دلیل

در سوره غافر
ج ۱۹

و دلیل که پادشاه بروی چشم گیر و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که سایبان پشمین یا کپس بود و لون آن بنر یا سپید بود و دلیل که
 پادشاه عالم کند سپهر این سپهرین رحمه الله علیه گوید سپهر در خواب در دست داشتن دلیل که از کسان پادشاه و اورا پناه بود و اگر میند که با
 سلاح دیگر بود و دلیل بر روی بود که دوستان و برادران از از شرنگا دارد و اگر میند که سپهر زمین نهاد و دلیل که او را بامروی چهل صحبت
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپهر در خواب بر شش وجه بود یکی برادر و دوم یاریدم قوت چهارم سپهر خیمه پنجم شش
 و نپناه بقدر بندگی سپهر سپهر این سپهرین رحمه الله علیه گوید سپهر در خواب دیدن مال شادی بود و اگر میند که سپهر کا و دشت دلیل که
 او را و ان سال چیزی حاصل کرد و اگر میند که سپهر دشت دلیل که ویران روی بزرگ مال حاصل آید و اگر میند که سپهر چهار پای دشت
 دلیل که او را از روی غریب مال حاصل شود و اگر سپهر دان و دشت دلیل که بقدر آن مال از زیر پای و جعفر صادق رضی الله عنه که
 دیدن سپهر پای مجموع در خواب مال بود و سپهر جانور که گوشت و علال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت و بی علم باشد مال
 بود و سپهره این سپهرین رحمه الله علیه گوید سپهره در خواب دیدن بود خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی خواب بیند که زمین دشت
 دوران سپهره بسیار بود و دلیل بر صلاح و پاک دینی وی بود و اگر میند که درانی پس گناه محمول بود و او ان گناه را نشناخت به دوران می نگرست
 و دانست که در آن زمین ملک و است یا حمله و دلیل بر دین و واپاست بیننده کند و اگر میند که در آن زمین گناه معروف بود و دلیل بر فرا
 نعمت و مالی بود و مغربی رحمه الله علیه گوید سپهره در خواب چون بوقت بیند دلیل از بد و درج بود این سپهرین رحمه الله علیه گوید سپهره
 در خواب نیک بود و اگر میند که در سپهره زانمقیم شد و دلیل که در راه وین مقیم شود و اگر میند که مرده در میان سپهره زانمقیم بود و دلیل بر قوت
 و ثواب عزت و بود که کافی رحمه الله علیه گوید اگر سپهره زار پاکیزه و خرم بیند و اندک ملک است و دلیل بر دین پاک و درج و دین
 او باشد و اگر سپهره زار زرد و پرمرده بیند و مالش بخلاف این بود و اگر میند که در میان سپهره زاری بود که ملک دیگران بود و دلیل که صحبت
 او با مردمان پارسا و باواینت باشد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که صحبت او با مردمان مفسد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپهره
 در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام و دوم دین سوم عتقا و پاک چهارم بر سپهر گاری سبل این سپهرین رحمه الله علیه گوید اگر
 که چشمهای وی سبل دشت چنانکه نمیتوانست دیدن و دلیل که بقدر تاریکی و دین وی نقصان باشد و اگر چشمهای ازرق بود و دلیل
 در آن بود و دلیل که در راه بدعت باشد و اگر چشمهای شعله دار و دلیل در آن بود و دلیل که فرزندش بیمار بود و اگر میند که سبل چشمهای برتر شد
 و دلیل که تو بکنند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غمت بود و دلیل که سلامت و وطن خود باز رسد و سپهر
 این سپهرین رحمه الله علیه گوید سپهر در خواب بر دو منافع بود که بر دست وی مال ضایع شود و کافی رحمه الله علیه گوید سپهر در خواب
 کثیرن یا خادم بود و اگر میند که سبونی نو فر گرفت یا بخیرید و دلیل که کثیرن بخیر یا خادمی او را حاصل شود و اگر میند که سبونی ضایع شد یا کثیرن
 و دلیل که کثیرن یا خادم او بمیرد و اگر میند که سبونی او را سوراخ شد و دلیل که کثیرن یا خادم او بیمار شود و اگر میند که سبونی از آب صافی بود
 و دلیل که از کثیرن یا خادم منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپهر در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی مرد و زن ثانی و دوم زن
 خادم چهارم کثیرن پنجم قوام وین سبوس این سپهرین رحمه الله علیه گوید سبوس در خواب دلیل بر نیازمندی بود و اگر کجای سبوس

سپهر

سپهر

سپهر

سپهر

سپهر

سپهر

سپهر

در خواب
دیدن
و این
که

ان سبوس میخورد و دلیل که در آن دنیا خط و تکی افتد و اگر میند که سبوس را از خانه بیرون ریخت و دلیل بر نعمت و فراخی بود و جعفر صادق علیه السلام
 گفته که سبوس در خواب بر سر نهاده بود یکی نیاز مندی و دوم خط سبوس منکی میشت سبیداب ابن سیرین رحمه الله علیه گویند
 بخواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میند که سبیداب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته بخمکین باشد و اگر
 که سبیداب بروی داشت و دلیل که بقدر اور اشتیاق دنیا حاصل شود که آمانی رحمة الله علیه گویند سبید روی خد مکار بود و بعضی است
 گویند که که خدائی خانه بود و نیک و بدان بکد خدی خانه باز کرد و سبیداب ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که اگر میند که سبیداب
 بر سبیداب دلیل که از نهان وی ظاهر گردد و اگر میند که سبیداب نتوانست زدن و دلیل که کاری کند که آن کار نماند مغربی رحمه الله علیه
 سبیداب در خواب دیدن مرد از راج و سختی بود و زمار سوائی و ظاهر شدن از خواب و جعفر صادق علیه السلام
 خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر کرده و دوم سخن دروغ سبوسم ظاهر شدن از چهار وجه و سختی ستارگان و انبیا علیه السلام
 گویند ستارگان در خواب دلیل بر بزرگان و امیران و افاض بر پا و شاه و ماه و دلیل بر وزیر بود و اگر زحل را بخواب بیند دلیل که او را با
 و اقصین شغل افتد و او را مان نعمت از او حاصل آید و اگر مشتری را بخواب بیند دلیل که او را با همتری پارسا و مصلح نیک خواه کارفت
 و اگر زحل را بخواب بیند دلیل که آن بر زمان خبر روی محشم و خادمان پیوند و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطارد را بخواب
 و دلیل که او را با مردم حکیم مشکلی پیوستگی افتد و از وفایده یابد و اگر میند که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند و دلیل که بزرگی و شرف
 ابن سیرین رحمه الله علیه گویند که اگر ستارگان ناسته چون عیوق و عقیق و سیل و کلک بعضی از مشرکان می پرسند که اگر یکی از ایشان
 بخواب بیند و دلیل که او را با مشرکان محبت افتد و اگر میند که ستاره روشن بر زمین افتاد و ناپدید شد و دلیل عالمی در آن دنیا بر وی و قوت
 و حکمت و بالیم هم یفتند و آن اگر میند که ستارگان میگردند و دلیل که غنچه و آشوب در بزرگان افتد و اگر میند که ستاره بر سر
 گرفت و دلیل که او را پسر آید و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بیند و دلیل که او را فرزندان بسیار شود و که آمانی رحمة الله
 علیه گویند که اگر میند که ستارگان در آسمان متفرق شدند و دلیل که فقره در میان پادشاه افتد و اگر میند که ستارگان سعد بهم جمع شدند
 و دلیل که حالش نیک شود و اگر میند که ستارگان از خانه وی بر آید و دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند و اگر میند که ستاره
 سطح وی شد و دلیل که پادشاهی یابد و اگر میند که ستارگان سخن میگفتند و دلیل که پادشاه وقت داد و اگر خلافت این
 بیند و دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود و اگر میند که ستارگان با هم جنگ میکردند و دلیل که در آن دنیا جنگ و کارزار باشد و اگر میند که ستاره
 در ستین خود نماند و دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گویند که اگر میند که از ستارگان یک ستاره در برابر او متحرک شود و
 وی افتاد و دلیل که در آن دنیا غریزی و گرامی آید و اگر میند ستاره که خداوند طالع دوست و در منزلت خویش است و دلیل که سلسله زیاده شود
 و اگر میند که ستاره می پرسند و دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند استیعیل اشعث رحمه الله علیه گویند ستارگان که مردم و رسیان بدو
 می برند و خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگانیکه مردم آزادی پرسند و دلیل بر شر و مضرت بود و جعفر صادق علیه السلام
 گویند دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی افتاد و دوم علم سبوسم قضات چهارم خلفا پنجم و ششم و هفتم خزانة دارم و هشتم

در خواب
دیدن
و این
که

باشد و اگر سر و قشا و گوید تاویل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که بر اندامی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل بر خوشتن گو
 راست و به قوله تعالی یَوْمَ تُنْفَخُ عَنْهُمْ أَسْتَنْتُهُمْ وَآيَاتُهُمْ وَاجْلَهُمْ عَاكِفًا لِّأَعْمَالِهِمْ ه
 و هر اندامی که بدان سخن گوید دلیل بر ستم و بیداد باشد سراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سراب در خواب خصوصت و داور
 بر و اگر بیند که سراب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی خصوصت کند و اگر بیند که سراب بخورد و همین تاویل دارد مغربی رحمه الله علیه
 اگر بیند که سراب زده شده بود و بخورد و دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سراب کسی داد یا از خانه بیرون افکند دلیل از جنات خصوصت خلاصی
 و در دیدن سراب خواب هیچ منفعت نباشد سر و انیال علیه السلام گوید سراب دیدن موقوف بود و اگر بیند که سر بریده شد دلیل
 که متمریر او است و از دوازی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر خیم سرش از تن جدا گردد و دام دارد باشد دلیل که مالش گذرد
 شود و از خیم فرج یابد و اگر این خواب بنده بیند دلیل که از در گرد و اگر بخورد بنده شفا یابد و اگر متمریری بیند ولایت یابد و اگر از آن بیند دلیل که
 خواهد تا آنکه اگر باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سرانی بریده بسیار بیند دلیل که متهمان اینجا بسیار جمع شوند و اگر بیند که از آن سر
 یا پوست یا مغز یا هر دو است دلیل که از آن متهمان مال یابد و اگر بیند که پوست سر یا سر خود دلیل که از متهمان و طیسان مال حاصل کند و اگر بیند
 که پوست سر یا سر مردم میخورد و دلیل که متمریری با وی عتاب کند و اگر بیند که سر مردی معروض میخورد و دلیل که سر مایه خود را بخورد و اگر بیند که سر حیا
 یا بی دشتی میخورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر مردی همچون میخورد و دلیل که سر مایه کسی بخورد و اگر بیند که سر مرغی میخورد و دلیل که بقدر آن مال و پناه
 بخورد و اگر بیند که مردی سری یا سر یا پیش او آورد و دلیل که سر و او گروه گردد و از ایشان خیر و نیکی بیند و اگر خواب سر زنی بیند دلیل که از زن
 تو اگر راحت یابد و اگر بیند که سر کو سپندی میخورد و دلیل که عمرش دراز گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر گاو میخورد و دلیل که انسان مال و
 نعمت یابد که تا فی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب سر بزگ بیند و دلیل که جاه و مرتبت یابد و اگر بیند که او را و سر و دلیل که کارش قوی
 و اگر سر خود برهنه بیند دلیل که از شغلی که دارد بیفتد و عموگین شود و اگر بر سر خود جراحی بیند که از آن خون می آید و دلیل که با کسی داور می
 و اگر بیند که سر وی مغز بیرون آید بر زمین افتاد و دلیل که سر مایه از دست وی برود و اگر بیند که مغز یا زجای خود نهد و دلیل که مایه باز پست
 آورد و اگر بیند که سر وی چرب بود و دلیل که کار با بی خیر کند و اگر بیند که سر بریده در دست داشت و دلیل که مال بسیار یابد و در ولایتی متمریر
 و فرمان روا گردد و اگر بیند که سر وی سخن نگوید و دلیل که نیکو کار باشد و در کارها انصاف نگاهداند و اگر سخن بد گفت تا و پیشانی خلاف این
 و اگر سر خود را بدو نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست راست داشت و یک نیمه در دست چپ داشت و دلیل که مایه و پدر وی میرد و اگر بیند
 سر خود در دست خود داشت و دلیل که از متمریری خیر و منفعت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سر پیل شد و دلیل که ولایت یابد
 و اگر بیند که سر وی چون سر شتر شد و دلیل که بفساد و حرم گراید و اگر بیند که سر وی چون سر پل شد و دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که
 وی چون سر خر شد و دلیل که از بخت خود کامکاری یابد و اگر بیند که سر وی چون سر گاو شد و دلیل که بنزد خلق خواهد گرد و اگر بیند که سر
 چون سر گوسفند شد و دلیل که چهل بروی غالب گردد و اگر سر خود چون سر شیر بیند و دلیل که فرمان روائی یابد و دشمنان احق کند و اگر سر خود
 چون سر گاو بیند و دلیل که دل و خواری یابد و اگر بیند که سر خرک شد و دلیل که بخت خود با نفع و نسیانها و اگر بیند که سر وی گاو بیند

در این

دلیل بر پاک دی بود و اگر میند که سر از زمین یا زمین شد دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر او آسمین یا آسمین بود دلیل که خدمت تری عمل
 کند و اگر میند که سر او چمن بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر میند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مروی لافزن
 کند و اگر میند که سر وی چون سر مرغان شد دلیل که بسفر رود و اگر میند که سر او بریده داشت دلیل که او را بر دار کنند و اگر میند که سر
 از تن جدا کردند و باز بر جای نهادند و درست شد دلیل که عاقبت در جهنم باشد یا بد و اگر میند که سر وی داشت در نش آسمین بود دلیل
 که او را پسری آید و اگر زنی خود را بر سر آشفیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد و اگر میند که سر بریان میخورد و دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر بریان
 بچند یکسوی بوی داد و از آن بخورد و دلیل که از مهربانی غایب یا بد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان تبا وین میس یا مهربانی کردن
 باشد و اگر میند که سر خام میخورد و دلیل که مهربان غایت کند و سر خنجر بهتر از خام بود و جعفر رحمه الله علیه گوید سر مردم بخواب
 بود یا مهربان یا سپرد و اگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایشان پیوند گوید
 سر خود را باز گردان خود بست دلیل که از کسی بضاغت بستاند یا دام کند و اگر میند که سر می بریده در پیش داشت و دهنش میگرد
 دلیل که مهربانند یا را غم و اندوه و صیبت شد و اگر سر او پناه برد و سر خود بیند دلیل که ده هزار درم یا بد و جعفر صادق رضی الله عنه
 سر مردم بخواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس و دوم مهربان سوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم
 نهم سپرد و هم عالم یازدهم زن و دوازدهم تو اگر کسی بخواب بیند که سر بزرگ کرد و جامه پاک پوشیده بود دلیل که او را با مهربان
 افتد و اگر جامه چرکین بود که پوشیده دلیل که از مهربانی غم و اندوه یا بد و اگر میند که سر را در تنور نهاد و دلیل که از مهربان و خادم کارش
 بر سر آب تا ویش سخن باطل باشد و علی که در منفعت نبود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در زمین بر آبی مقیم شد دلیل
 که بعلم باطل و سخنی که در و خیر نباشد مشغول گردد و اگر میند که از زمین سراب میخورد و دلیل که از علم باطل نان چسب کند سر او ده این
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خود را در سر پرده بیند و اندک ملک او بود دلیل که بزرگی و منزلت یا بد و باشد که حشر لشکر شود یا اگر
 که در سر پرده پادشاه مقیم شد دلیل که از پادشاه حرمت و جاه یا بد و اگر میند که سر پرده پادشاه بیفتد و دلیل که زوال ملک است و بی
 و اگر میند که سر پرده پادشاه بسوخت و دلیل که پادشاه بمیرد و اگر میند که پادشاه او را از سر پرده بیرون آورد و دلیل که پادشاهی
 و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن سر پرده در خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت دوم ریاست سیوم ولایت
 چهارم دولت پنجم سرهنگی سسر ادانیال علیه السلام گوید اگر کسی خواب بیند که در سرای بیگانه شد و هیچ نشناخت و در آنجا مرگ و کشته
 دلیل که آن سرای آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر میند که در آنجا شد و بیرون آمد و دلیل که بر بیماری او بود و بیک
 شفا یا بد و اگر میند که بر سرای معروف شد و بنیادش از گل بود و دلیل که روزی محال یا بد و اگر میند که بنیادش از گچ و آجر و آجر بود و دلیل که مال
 حرام یا بد و اگر میند که آن سرای بزرگ و فراخ بود و دلیل که روزی بزرگ و فراخ گردد و اگر سرای کوچک بود و دلیل که بنیادش بر آب و برین
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که سرای خود میکند و دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر میند که سرای کهنه را میکند و دلیل که در
 خیرات بروی کشاده شود و اگر میند که سرای نوید یا کهنه بود و دلیل که بر تن درستی و عمر دوازده و پیر کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که بر سرای نو

در این

در این

و پاکیزه در شده و دانست که ملک نیست دلیل که روزی بروی فراخ گردد و خود خواه یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرای
در خواب بر بخت وجه بود یکی مردان وزن را شوی دوم توانگری سیدم اینی چهارم عیش پنجم مال ششم ولایت هفتم امانت و هشت
سرب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که سرب داشت دلیل که از شتاع و نیاجیری دون او حاصل شود و اگر ببیند که سرب
نیک داشت دلیل که به بدی و زبان مردم افتد سرخی جامه بداند و جائه مردان سرخی که است بود و برج و اندیشه و زانرا خبر دهد
و اگر روی ببیند که همه جامه روی سرخ بود دلیل که فتنه و خون ریختن را دوست دارد و بر مردم قسم کند بعد سرخی جامه سرخچه
در خواب دیدن دلیل بر نادانی مال بود و اگر ببیند که بر تنی سرخچه بیرون آمد دلیل که مالی بخر و سختی پست آورد و اگر ببیند که سرخ
از تن او ناپدید شد تا ویشتر بخلاصت باشد سرخچه این سیرین رحمة الله علیه گوید سر فین در خواب برنج و بهر بود یکی سرفه زد و دم
سرفه خشک سوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون برآورد پنجم سرفه که صفرا برآورد اگر خواب ببیند که بگاه سر فین بلغم برآورد دلیل
پیش کسی شکایت کند از غانی که بوی رسید یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر ببیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت
وی از محال میبوه بود و اگر ببیند که سرفه تر داشت دلیل که شکایت می از خویشان بود و اگر ببیند که سرفه خون داشت دلیل
شکایت وی از فرزندان بود و اگر ببیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از بیم شکایت کند و اگر ببیند که متری می سرفه
و دلیل که غمخوارین بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که در سرفه می آمد دلیل که ناتوانی باشد و اگر ببیند که سرفه در گلو می آید و جامه
و دلیل که وقت مرگش باشد اگر ببیند که در سرفه پیران پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت و دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر خواب ببیند که می سرفه دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد سر که این سیرین رحمة الله علیه گوید سر که در
مال غلال بود بابرکت و خور و نشن تاویل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه السلام فرمود خبث الاقدام خل
و بعضی خبران گفته اند که سر که ترش در خواب غم و اندوه بود و سر که فروش در خواب مردی قصودت طلب بود و سر که این سیرین
رحمة الله علیه گوید سر کهین سب و کا و در خواب مال و نعمت بود و اگر ببیند که سر کهین بسیار جمع آورد و دلیل که او مال و نعمت حاصل
و اگر ببیند که سر کهین مردم بود و دلیل بر مال حرام بود و اگر ببیند که در آب خانه سر کهین می انداخت دلیل که مکر و بی بوی رسد و نقصان
مال وی بود و اگر ببیند که در بستر پیدای بگرد و دلیل که از مال خود بعضی بخیال دهد و اگر ببیند که سر کهین نکند فان سر کهین را بجان کشید
و دلیل که مال در زمین پنهان کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که سر کهین مردم می خورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که بجا بکشد
محول سر کهین نمکند دلیل که مال خود بجا فی خرج کند و اگر ببیند که تن خود را بر سر کهین بپاشد و دلیل که در گناه افتد و اگر ببیند که اسبها
پیدا شد و دلیل که مال با اسراف خرج کند و انبیا علیهم السلام گوید سر کهین مردم مال حرام بود و سر کهین چهار پایان مال غلال
و سر کهین دوان مالی باشد که بظلم بدست آید مغر فی رحمة الله علیه گوید بر پیدای که از مردم جدا شود و دلیل بر نایان باشد و اگر ببیند
مسلمان پیدای هر سنت و غرق شد و دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر ببیند که پای بر پیدای نهاد و بختیا و جامه داد
آلوده گشت دلیل که از حاکم مضرت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر کهین در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم کثرت

بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پیکر کند و سرین چپ دلیل بر دختر کند و اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود دلیل که
 فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی شکست دلیل که
 فرزندش بمیرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم فوت سوم باغ چهارم یکی از
 خوش نشان سطل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر دشمنی بود و اگر بیند که سطلی از بخربزه دلیل که کثیرش بخرد و اگر
 بیند که سطلی شوراخ شد دلیل که عیبی بر کثیرش ظاهر شود و سحر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سحر در خواب غم و اندوه بود و
 خوردن آن خسروست و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن سحر در خواب خیر نباشد سفر کردن ابن
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و دانست که آن مقام بهتر از اینست که بود دلیل که حاشا نیکو شود و الا بخلاف این
 بود و اگر بیند که سفر کرد و ندانست که بگرفت دلیل که آن خیال خود و کرد و یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بود
 قوی بر رفت یا اگر وی بود و او می آمد و دلیل که مدتی حال و کار بروی متغیر گردد و باز به حال خویش آید مغربی رحمة
 علیه گوید اگر بیند که باریک و ساز تمام بسفر رفت دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود و سفره
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو و پاکیزه داشت یا بخوبی دلیل که کثیرش زشت روی بود و اگر بیند که
 بر نان و نعمت بود و دلیل که از آن کثیرش منفعت یا بدگفتی رحمه الله علیه گوید سفره بواب سفری با منفعت بسیار
 و اگر سفره کوچک و تنگی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد و دلیل که کثیرش بمیرد
 یا مالش تلف شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کثیرش دوم خدمت کار
 سوم سفر چهارم کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود سقا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقا
 مردی بود که بر دست وی خیرات بود و خاصه که اگر بیند که بر مردان آب بی طبع میداد و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که سقائی میکرد بی طبع دلیل که بکار خیرت راجع باشد و اگر بیند که مشک پر آب کرد و کسی نداد و دلیل که مال
 جمع کند و الا راحت از آن نیابد و اگر بیند که آب بخانه کسان میرد و دلیل که بخت کسان مال جمع کند و او را از آن هیچ
 منتفع نباشد سفقور باهی است که در میان ریگ میداشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب سفقور
 داشت دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما درین ضعیف بود و متحیران گویند که باهی
 در خواب کرده باشد سفقور یا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سفقور یا در خواب لیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود
 و اگر بیند که از بهر علتی خورد و از آن شفا یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سفقور یا مضرت یافت
 و دلیل بر نقصان مال بود سگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی فرومایه بود و مهربان با
 و سگ سیاه دشمنی از غریب بود و سگ سفید دشمنی از بجم باشد و اگر بیند که سگی او را بکشد و دلیل که از دشمنی گزند یابد

سکین

و اگر بنید که جامه او باب و پس سگ کرده شد و لیل که از دشمن بچن خسته گرد و اگر بنید که سگ جامه او بدرید و لیل که در مال نقص
 آید و اگر بنید که گوشت سگ سیخ و لیل که دشمنی را دفع کند و اگر بنید که مان بسگ و او لیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بنید که
 با وی نزدیکی کرد و لیل که دشمنی بوی طبع کند و اگر بنید که سگ بروی بچیر کرد و لیل که بر دشمنی فرمایند و اگر بنید که شیر سگ بخورد
 و لیل که ترسی و پیروی رسد و اگر بنید که سگ از وی بچیرد و لیل که دشمنی بر حذر باشد که مان رحمة الله علیه گوید اگر بنید که ماده سگی در
 خانه وی آمد و لیل که زنی و دین حمت و فرومایه بر نی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بنید
 که بسگ شکاری شکار میکرد و لیل که او را از دشمن که دعوی داشت کند خیری بد و رسد و اگر بنید که گوشت سگ شکاری بخورد و لیل
 که مبراته یابد و اگر بنید که سگ شکاری از وی دور گشت و لیل که از دشمن بامنفعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه طامع سوم دانشمند چهارم مرغ و غماز سگ با ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید سگ اگر گوشت گو سپند و حایج نیکو بخت بود و لیل بر عیش خوش غرور و جاه بود و اگر گوشت گاو بخت بود و لیل بر یافتن مال حرام
 بود و اگر گوشت مرغ بخت بود و لیل بر عیش خوش بزرگی و فرمان روائی بود و سگ کوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سگ در
 نو بد و او اند و لیل که سختی لطیف شنود و اگر بنید که سگ کوره شکست یا ضایع شد و لیل که سخن باطل شنود و بعضی از سحران گویند
 که سگ کوره در خواب کینک بود و اگر بنید که سگ کوره نو خرید و لیل که کینک نومی خورد و اگر بنید که سگ کوره شکست و لیل که کینک نومی
 صاوق رضی الله عنه گوید که سگ کوره در خواب بر نه وجه بود یکی آن دوم خام سلیم کینک چهارم دین پنجم صلاح تر ششم در بخت و هفتم
 سخن خوش نهم میراث نهم زنان سگ بنجین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سگ بنجین در خواب چون شیرین بود و لیل بر مال روزی حلال
 که آسان بدست آید و اگر ترش بود و لیل بر غم و اندوه بود که مان رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سگ بنجین خورد و اگر شیرین بود و لیل که شفا
 یابد و اگر ترش بود و لیل که بیماری او را زد و صلاح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که سلاح پوشیده در میان خلقی بگانه بود
 و لیل که عوام زبان بروی در کنند و لیکن هر وی بوی رسد و اگر بنید که وی شتاب و اندویش بر دشمنان ظاهر نماید که مان رحمة الله علیه گوید اگر بنید
 بایر و کمان بنید و لیل که بزرگی یابد و اگر بنید که از آن انتهای که بدان جنگ کنند چیزی شکست یا ضایع شد و لیل نقصان بزرگی بود
 و اگر بنید که با کسی جنگ نزد میکرد و لیل که در جنگ خصوصیت افتد و اگر بنید که کسی او را بود و لیل که آنکس از حضرت رساند مغربی رحمة الله
 علیه گوید اگر بنید که کسی او را زخمی برزد و نداند که آنکس که بود و لیل که او را حضرت رسد و اگر بنید که در آن زخم بریم جعش و لیل که بقدر آن مال
 شود و اگر بنید که بدان زخم که زد و گوشت دستخوان ببرد و لیل که از آنکس مال و نعمت رسد و اگر بنید که در حرب دست کسی ببرد و لیل که او را سخن
 سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد و اگر بنید که سر یکی ببرد و لیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین سلاح در خواب
 وجه بود یکی قوت دوم بزرگی سلیم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حسن و صلاح گر و خواب پادشاه بزرگ و او را بود
 سلام کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنید که دوستی بروی سلام کرد و لیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر
 بنید که دشمنی بروی سلام کرد و لیل که دشمن دوستی شود و اگر بنید که کسی مجهول بروی سلام کرد که او را ندید بود و لیل که غمجا

سکین

سکین

سکین

سکین

سکین

نوشته

سلطان

نوشته

نوشته

نوشته

نوشته

با وی دوستی و شنائی گیرد و اگر میند که پیری بروی سلام کرد که او ندیده بود و دلیل که از عذاب حق تعالی این گروندگان میند که پیری شنائی
 بروی سلام کرد و دلیل که زنی خوبروی خود که زانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز داد و دلیل که میان
 ایشان جدائی افتد سخرانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که زنی جوان بروی سلام کرد و دلیل که اقبال دنیا بایده و اگر میند که در نماز بود و سلام
 بجانب چپ داد و دلیل که کارش شورید و اگر وجوه صاف و رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی و دوم شادی
 سیوم اقبال چهارم منفعت مال سلطان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سلطان در سراسی یا در مسجدی یا در شهری یا در دهی
 شد و دلیل که بجای مصیبتی بران مقام رسد قوله تعالی ان الملوك اذا دخلوا اقویة قسدا وها اگر میند که در جنگ سلطان
 علیه که و دلیل که حاجتیکه دارد روا شود و بمقصود برسد و اگر میند که سلطان دست رهنش برید و دلیل که سگندش و میند که اگر میند که
 سلطان از تحت بخت شکست یا ناپ اوزال که زو یا شمشیر وی بشکست یا کادی سروی بروی زد و او را مجروح گردانید
 این سه دلیل بر زوال ملک است وی بود و اگر سلطان را و اگر میند دلیل بر شرف بزرگی وی بود بقدر آنکه عدل کند و اگر میند که سلطان بسط
 بزرگ بکشد و دلیل که ملک دنیا و اشود و عمرش دراز کرد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر سلطان کج خویش نیکو میند دلیل که عمر و جانش
 زیادت کرد و اگر سلطان مرده را کشته و روی و خرم میند و با وی سخن گفت و دلیل که کار او نیکو شود و دشمنهای مرده او زنده گردد
 و سهار و غیبه که است که او را کجای خوانند و پیران وی خواب زنی بود که در وی خیر نباشد و اگر مادرش سمار و غیبه میند دلیل بر آنست
 بود که از زنی بوی رسد که زانی رحمة الله علیه گوید اگر سمار و غیبه بزرگ بود و دلیل که او را پیری آید و اگر کوچک بود او را خسری آید و سمار
 این سیرین رحمة الله علیه گوید سحاق در خواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود اگر میند که سحاق خورد و دلیل که کسی ننگو کند و در خوردن
 سحاق هیچ چیز نبود و سمانه این سیرین رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب پیری غلام بود اگر خواب میند که سمانه بگرفت یا کسی بوی
 و دلیل که غلامش را فرزندی آید و اگر میند که سمانه در دست وی برید فرزند و غلامش میرد که زانی رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب
 مال روزی حلال بود قوله تعالی و اقولنا علیکم المن والسکون و اگر میند که گوشت سمانه میخورد و دلیل که روزی حلال باشد
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم حیر و مال هم
 این سیرین رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی کافر ظالم و اهرن بود اگر میند که با سمور نیز و میگرد و دلیل که با مردی بدین صفت خصومت
 کند و قوتش را بود که غالب آید و اگر میند که گوشت سمور بخورد و دلیل که مال مردی ظالم بخورد که زانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی
 غریب توانگر بود و گوشت و پوست و موی وی در خواب مال و خوشه بود و اگر میند که سمور بجفت و گوشت او بر زمین افتاد
 و دلیل که مال مردی غریب تلف کند سنان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سنان بر تن خصم زد و او را بکشد و دلیل که خصم
 بجفت غلبه کند و بروی ظفر بایده و اگر میند که سنان وی بشکست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود که زانی رحمة الله علیه گوید
 اگر میند که سنان بر لاد درفشند و داشت اگر از اهل آن باشد و دلیل که ولایت بایده و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیش از
 میند که سنانش زنگار گرفته بود و دلیل که نفقش از کتب جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن سنان در خواب بر شش وجه بود یکی بخت

در خواب

نمید

نمید

نمید

نمید

نمید

نمید

دوم ولایت سوم عمر در چهارم ظاهر پنجم یاست ششم منفعت بقدر قیمت سنگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سبب در خواب فرزند
بود اگر بیند که سنی فراگرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که سنی داشت و از صنایع شد دلیل که فرزندش غایت
بامیر و کرامی رحمه الله علیه گوید سبب در خواب مال بود و اگر بیند که سنبها فراگرفت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
و اگر بیند که بر پای او سنب بود و دلیل که عمرش خوشی و تحریری گذرد و اگر بیند که سنب غنیا و تایلش بخلاف این بود سنبیل این سبب
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سنبیل داشت و دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بیند که سنبیل خشک داشت و دلیل
بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سنبیل تازه میخورد و دلیل که مال حلال بدست آید یا فرزندی آید که در اندامش شود
گردد و اگر بیند که سنبیل بر آتش میسوزد و دلیل که نقصان مال بود سنجاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سنجاب در خواب مردی غریبه
و تو اگر و نا آفریننده بود و پوست و موی و استخوانی مال و خسته بود و گوشت سی مال غریبی بود و اگر بیند که سنجاب بر آتش
و گوشت او بخورد و بپزند و پوست و پاره کرد و دلیل که مال مردی غریب تاه کند و یا بقصب بستاند کرامی رحمه الله علیه گوید
اگر بیند که سنجاب را خفه کرد و دوازده نفر غنی و آن شد و دلیل که دو شیرگی و خری سیرین رحمه الله علیه گوید سنجاب
در خواب مالی صالح بود که پنج بدست آید و اگر بیند که سنجاب خری یا کسی بوی داد و دلیل که مال با حاصل کند و اگر بیند که سنجاب
میخورد و دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجاب بر سر وجه بود یکی مال پنج دوم مال پنج سید
منفعت از مردم بدخوی سندان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سندان بخواب دیدن رئیس بزرگ بود و اگر بیند که سندان فراگرفت
یا کسی بوی داد و دانست که ملک دست و دلیل که از رئیس خیر و منفعت یا بد کرامی رحمه الله علیه گوید سندان در خواب دلیل
بامتری محبت افتاد از وی راحت یا بد و اگر بیند که سندان کسی داد یا صنایع شد دلیل که از محبت مردی بزرگ جدا شود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید و دیدن سندان در خواب بر سر وجه بود یکی متری دوم منفعت سیدم خوت چهارم ولایت پنجم اقبال کار
سنگها کرامی رحمه الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها بر سر وجه بود یکی مال دوم متری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر
و اگر بیند که سنگی سپید گرفت و دلیل که بامتری خوش خلق او را صحبت افتد و از وی منفعت یا بد و اگر بیند که سنگی سیاه گرفت
و دلیل که بامتری از عیب او را صحبت افتد و اگر بیند که سنگی سرخ گرفت و دلیل که بامتری مفسد او را حاجتی باشد و اگر بیند که بزرگ
برفت و سنگهای بسیار در دامن که به گرفت و بسیار و دیگرند اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود و دلیل بر منفعتی کند ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید و دیدن سنگها در خواب سخنی باشد و اگر بیند که سنگ از زیر آب جمع میکرد و دلیل که مال بکرو حیات جمع کند و اگر بیند که
از کوه میتراشید و دلیل که مال از بزرگی جمع کند و اگر بیند که سنگ از میان جمع میکرد و دلیل که از سفر مال جمع کند و اگر بیند که سنگ
از داخت و دلیل که بکراست از مال خود بکسی چیزی دهد و اگر بیند که کسی سنگ بر او داخت و دلیل که بقدر آن مال یا بد مغربی رحمه الله علیه
اگر بیند که بکسی سنگ انداخت و دلیل که بروی ثمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی
مال دوم متری سیدم سختی در کار یا چهارم کسب پنج سنگ خواره مرغیت که سنگ زیر میخورد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید

اگر بیند که سنگ خواره گرفت دلیل که در کار و شکاری افتد و از آن خبر نریند یا او را بامردی ابله کار افتد و اگر بیند که سنگ خواره از
دستش پیرید یا در دستش برود دلیل که از کاری و شوار برزودی خلاصی یابد و اگر بیند که گوشت سنگ خواره خور و دلیل که از
کسب بدشواری چیزی بدست آرد و سوار می گردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوار می شود و دلیل که از پادشاه
اسب و سلاح و نعمت یابد و اگر بیند که با سواران می کشد و سواران مطیع او بود و دلیل که بر گروهی فرمان روائی یابد و اگر بیند
که سواران مجبور از مطیع و نیا چیزی بوی دادند دلیل که او را کسی غریب نصفت رسد و اگر بیند که سواران معروف چیزی بوی دادند دلیل
که او را از دشمنی یا دوستی منفعت رسد و اگر سواران را با جماعت کود و بر سپاهان می چرخد بیند تا ویش به خلق این بود و سوار می توانی
خواندن در خواب سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که عمرش دراز باشد و طاعت
کارش نامیان بود و سوره البقره اگر خواب بیند که سوره البقره میخواند همین تاویل دارد و از شتر و شتران این گرد و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید میان خلق رست گوی باشد و اگر در ویش باشد تو انگر دو و اگر سوار بود و شفا یابد و اگر غمگین بود و شفا گردد و اگر
بیند بود و از در سوره آل عمران این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره آل عمران میخواند دلیل که از همه بدیها این گرد و پادشاه
شود و عاقبت خیر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که آیه شهادت میخواند دلیل که بقضای حق تعالی ارضی باشد که مانی رحمة
الله علیه گوید اگر او می داد و بگذارد و مردم او را عزیز دارند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آیه قل اللهم فالک الملائک
در خواب میخواند دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او روا گردد و سوره التبا این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره التبا
میخواند دلیل که میراث یابد و خویشان و اهل بیت او بسیار شوند که مانی رحمة الله علیه گوید آن نعمت و بسیار شود و سوره المائدة
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که سوره مایه میخواند دلیل که شرف و بزرگی یابد که مانی رحمة الله علیه گوید خواندن سوره
ماید و دلیل زیادتی مال و نعمت بود و تبران گویند که خواندن سوره ماید در خواب دلیل صحت و سلامتی بود و سوره الانعام این سیرین رحمة الله علیه
اگر کسی خواب بیند که سوره الانعام میخواند دلیل که سعادت و دنیا و آخرت یابد که مانی رحمة الله علیه گوید چهار پان بسیار حاصل کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که با حسان و سخاوت توفیق یابد و سوره الاعراف این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الاعراف
میخواند دلیل که دینار و زمین بود و عاقبتش محمود گردد که مانی رحمة الله علیه گوید خواندن سوره اعراف در خواب دلیل که در طور راز باز است
جعفر صادق رضی الله عنه گوید خواندن سوره اعراف در خواب دلیل که خفته روی خوش شود و در و امانت نگارد و سوره الانفال این سیرین رحمة الله علیه
علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الانفال میخواند دلیل که بخیر و صلاح بود و سوره التوبة این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره التوبة
دلیل که از گناه توبه کند که مانی رحمة الله علیه گوید هر بخام کاشن بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راه وین یگان بود و سوره یونس این سیرین
گوید اگر خواب بیند که سوره یونس میخواند دلیل که روزی او فراخ گردد و کاشن برادش و در مانی رح که گوید که کافران کید جا و دزدی دفع شود و بر تو غالب گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفظ عبادتش نیکو شود و سوره هود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره هود میخواند دلیل که روزی او ارادت فرزند بود که مانی رحمة
گوید کاشن نیکو گردد و در کار با اقبال با جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه وین یگان شود و سوره یوسف این سیرین رحمة الله علیه

سوره الفاتحه
سوره البقره
سوره آل عمران
سوره التبا
سوره المائدة
سوره الاعراف
سوره الانفال
سوره التوبة
سوره یونس
سوره هود
سوره یوسف

[illegible]

باری سبحانه و تعالی اوراندا خواش نگاه دار و سوره النحل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره النحل میخواند دلیل بر آنست
یابد که مانی رحمه الله علیه گوید دولت بخش مساعده کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان یابد سوره القصص
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره القصص میخواند دلیل بر آنست نعمت یابد و برحق تعالی مشغول گردد که مانی رحمه الله علیه
پیوسته در راه دین و صلاح کوشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در مای حمت بروی کشاده گردد سوره العنکبوت ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره العنکبوت میخواند دلیل بر آنست که تا وقت مرگ در امان خداست تعالی باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر
و بلا این گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت و نصیب بود سوره الروم ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر خواب بیند که سوره الروم میخواند دلیل بر آنست وی شهری از روم کشاده گردد که مانی رحمه الله علیه گوید در کار دین و غرضها
مجتهد گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که موم را از دین و صلاح وی بهره باشد سوره السجده ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر خواب بیند که سوره السجده میخواند دلیل بر آنست که در سجده باشد که از دنیا برود که مانی رحمه الله علیه گوید که بجهنم حق تعالی بسیار کند جعفر صادق
علیه السلام گوید که عاقبت کارش محمود باشد سوره الاحزاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الاحزاب
دلیل بر آنست که مان ببرد و محضم دهد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند دلیل بر آنست که صدقین یابد و جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که سورت الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانه یابد سوره التبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره
التبا میخواند دلیل بر آنست که زاهد و عابد گردد که مانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صلی کریند
سوره فاطر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره فاطر میخواند دلیل بر آنست که عاقبتش محمود گردد که مانی رحمه الله علیه گوید
پیوسته در طاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی کشاده گردد و سوره یس ابن سیرین رحمه الله علیه
علیه گوید اگر خواب بیند که سوره یس میخواند دلیل بر آنست که عاقبتش خیر باشد که مانی رحمه الله علیه گوید که عمرش دراز باشد ان شاء تعالی
رحمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه و سلم در دلش مستقیم شود و سوره الصافات
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الصافات میخواند دلیل بر آنست که بهدایت دین از باری سبحانه و تعالی توفیق یابد که مانی
رحمه الله علیه گوید که براه صلاح و راه جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزندی صالح آید سوره ص ابن سیرین رحمه الله علیه
اگر خواب بیند که سوره ص میخواند دلیل بر آنست که مالش زیاده گردد و بزرگ شود سوره الزمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند
سوره الزمر میخواند دلیل بر آنست که بی سببانه و تعالی گناهش عفو کند که مانی رحمه الله علیه گوید خاتمت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه
عنه گوید و پیش قوی گردد و سوره مؤمن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره مؤمن میخواند دلیل بر آنست که محصل
بود که مانی رحمه الله علیه گوید شریعت نگاهدارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد سوره فصلت ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره فصلت میخواند از مقربان حق گردد که مانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در صلاح دین گردد و جعفر
صادق رضی الله عنه گوید داعی بود بحق و اجابت کند ویرا سوره حمع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که

سوره النحل
سوره القصص
سوره الروم
سوره الاحزاب
سوره التبا
سوره الفاطر
سوره الصافات
سوره الزمر
سوره فصلت
سوره حمع

سوره حم عشق میخواند دلیل که در آخرت از عذاب سسته گردگرمانی رحمة الله علیه گوید تا ویش سپهر باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید عرض در از گرد و سوره الزخرف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت بسیار
کند و پیوسته روزه دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب خیال بود سوره الدخان ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند که گرامی رحمة الله علیه گوید راست کشی باشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید تو اگر گرد و سوره الحاشیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحاشیه میخواند دلیل که توبه کند
و بخواند ثوابی باز گرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بسز و کار بود توبه کند سوره الاحقاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
که سوره الاحقاف میخواند دلیل که فرمان مالد و پدر بجای آورد و گرامی رحمة الله علیه گوید با در و پدر چنان کند و عجایب بسیار بیند سوره فتح علیه السلام ابن سیرین
غنیه گوید اگر بخواب بیند که سوره فتح علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر یابد که گرامی رحمة الله علیه گوید اذات و ابلایمین گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد سوره الفتح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الفتح
میخواند دلیل که در همه باب و افتخ و نصرت باشد سوره الحجرات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحجرات
میخواند دلیل که مرد مرا بالقلب خواند و غیبت نکند که گرامی رحمة الله علیه گوید که آثار کس بخواب جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با
مردم پیوند سوره الذاریات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بیند که سوره الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت مشغول
گرد و گرامی رحمة الله علیه گوید که با خلق خدای جود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر وی روزی فراخ گردد سوره
قاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد
گرامی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بر وی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از کسب خود بهره یابد سوره الطور
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الطور میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر یابد که گرامی رحمة الله علیه گوید که حق تعالی او را
اورا یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در مکه مجاز شود سوره النجم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
النجم میخواند دلیل که حق تعالی جلق و علای رحمت بروی کشاد گرداند که گرامی رحمة الله علیه گوید که بر دشمنان ظفر یابد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که حق سبحانه و تعالی او را پسری صالح دهد سوره القمر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القمر میخواند
دلیل که بر دشمنان ظفر یابد که گرامی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بر وی آسان گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مجاز و بر
کار نکند سوره الرحمن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الرحمن میخواند دلیل که از دوزخ و حرام اجتناب
کند که گرامی رحمة الله علیه گوید که سیرت نیکو و راه دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین جهان مال یا بد و در آخرت
نعمت سوره الواقعة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الواقعة میخواند دلیل که از گناهان توبه کند که گرامی
رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سبقت کند سوره الحیدر ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحیدر میخواند دلیل که روزی برین و خوشی یابد که گرامی رحمة الله علیه گوید که راه آخرت

سورة الاحقاف

از سید و رضای جعفر صادق علیه السلام که در راه وین ستوده کرد و سوره الحجا و له ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحجا و له میخواند دلیل که او را بازمان حضورت افتد که مانی رحمه الله علیه گوید
که در راه وین با خلق حجا و له کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با ایل خود حضورت کند سوره الحشر ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مخلصان باشد که مانی رحمه الله علیه گوید که صحت
او با وین داران و ایل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر ناید سوره الممتحنة ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الممتحنة میخواند دلیل که آزمایش کار بر راستی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که صحت
او با ایل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نجحتی گرفتار شود که هلاک و دران باشد سوره الصافات
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الصافات میخواند دلیل که در راه خدای خود صل غرا کند که مانی رحمه الله
علیه گوید که پیوسته در رضای خدایتعالی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که آخر عمر شهادت یابد سوره الحجة
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحجج میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را توبه روزی کند که مانی
رحمه الله علیه گوید که توفیق خیرات یابد سوره المنافقون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
المنافقون میخواند دلیل که منافق باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از منافق توبه کند سوره التغابن
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التغابن میخواند دلیل که صدقات بسیار دهد که مانی رحمه الله علیه گوید
که دستگیری ضعیفان بکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول و مقیم احوال باشد سوره الطلاق
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الطلاق میخواند دلیل که بازمان گفتگوئی کند که مانی رحمه الله علیه
گوید که سیرت حق نگا دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند سوره التحريم ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التحريم میخواند دلیل که در خانه خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
توبه کند و دور باشد سوره الملک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الملک میخواند دلیل که او را عذاب کور نباشد که مانی رحمه الله علیه
محمود باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد سوره الظلم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سوره الظلم میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن و دست اراد که مانی رحمه الله علیه گوید که با همه کس حساب کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که خدای خود جل و احلم روزی کند سوره الحاقة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
الحاقة میخواند دلیل که فریضهای خدایتعالی بگذارد که مانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که بر جا و شرع باشد سوره المعارج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المعارج میخواند دلیل
خیر و نیکی بسیار کند که مانی رحمه الله علیه گوید که بخیرات و حسنات گراید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس بیم
سوره القیامه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القیامه میخواند دلیل که توبه کند و عقابش محمود گردد

سوره الحجة
سوره الحشر
سوره الصافات
سوره المنافقون
سوره التغابن
سوره الطلاق
سوره التحريم
سوره الملک
سوره الظلم
سوره الحاقة
سوره المعارج
سوره القیامه

که مانی رحمة الله عليه گوید که تا ویش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که امر معروف کند سورة الجن ابن
سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجن میخواند دلیل که توبه کند و از آفت جن این باشد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که دیو و پری محترمت او را رسد سورة منزل ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة منزل
میخواند دلیل که ناز شب دوست دارد که مانی رحمة الله عليه گوید که توفیق طاعت یابد سورة مدثر ابن سیرین رحمة الله
عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة المدثر میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک
و راه راست یابد سورة العنقبة ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة العنقبة میخواند دلیل که بشهادت
از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که تائب گردد سورة الانسان ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب
بیند که سورة الانسان میخواند دلیل که در ویش ناز طعام دهد و رضای حق تعالی خود چل جوید که مانی رحمة الله عليه گوید که سیرت پاک
و شکر نعمت توفیق یابد سورة المرسلات ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة المرسلات میخواند دلیل
از دروغ گفتن توبه کند که مانی رحمة الله عليه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فرج کرد
سورة النبا ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة النبا میخواند دلیل که ترس کار و مشوکل بود که مانی
رحمة الله عليه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سورة النازعات
ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کنان از مرگ نترسد که مانی
رحمة الله عليه گوید که توبه کند و از عقوبت این گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از مرگ وحشت و خیانت پاک
گردد سورة عبس ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة عبس میخواند دلیل که بر مردم روی ترش
کند که مانی رحمة الله عليه گوید که روزه بسیار دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سورة التکوین
ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة التکوین میخواند دلیل که از در چشم نرسد که مانی رحمة الله عليه گوید
که سفر بسیار کند از جانب شرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد این شود سورة الانفطار ابن سیرین
رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفطار میخواند دلیل که از خدا بیگانه ترسد که مانی رحمة الله عليه گوید که سیل
و بی باال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملک عزیز و محترم باشد سورة المطففين ابن
سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة المطففين میخواند دلیل که کیل و بیایند است و در که مانی رحمة الله عليه
گوید که رستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود سورة الانشقاق ابن سیرین رحمة الله
رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمالی در دست راستی
و بهند که مانی رحمة الله عليه گوید که حساب و شمار قیامت به امان و صدقانه روی آسان گردد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که تسلسل بسیار گردد سورة البروج ابن سیرین رحمة الله عليه گوید اگر بخواب بیند که سورة البروج میخواند دلیل

الدهر

سورة الجن
سورة المدثر
سورة العنقبة
سورة الانسان
سورة المرسلات
سورة النبا
سورة النازعات
سورة عبس
سورة التکوین
سورة الانفطار
سورة المطففين
سورة الانشقاق
سورة البروج

در دنیا اند و بکین باشد و عاقبت کاش محمود در کرانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع اندرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که از عهده فرج یا در سورة الطارق این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الطارق میخواند دلیل که او را فرزند صالح
آید که کرانی رحمة الله علیه گوید او را فرزند بی فروی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سبب فرزند مقبل فرزند شود سورة الاعلی
این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تهلیل بسیار خواند کرانی رحمة الله علیه گوید که تسبیح
و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار دشوار بروی آسان گردد سورة الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
بیند که سورة الفاتحه میخواند دلیل که از هر دول قیامت ترسد و توبه کند و از آن ترس این گرد کرانی رحمة الله علیه گوید که در خیای
حق تعالی غرض جل ثابت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او بزرگ شود سورة الفجر این سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر خواب بیند که سورة الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد کرانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام گذارد جعفر صادق رضی
عنه گوید که سبب و شکوه او کم شود سورة البیل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة البیل میخواند دلیل که صدقه
و از آن برود واجب باشد دوست دارد کرانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
خواب بیند که سورة البیل میخواند دلیل که از آفات بلیات امن گردد سورة الشمس این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
که سورة الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلاها امن گردد سورة الليل
این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الليل میخواند دلیل که سایه از مانع نکند و زکوة مال در سورة الضحی این
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الضحی میخواند دلیل که چیزی بخوابند گان بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریبان
فرزند دارد سورة الم نشرح این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد
کرانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی کشاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یا در سورة التین
این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة التین میخواند دلیل که نیک سیرت و خبری و خوب کردار گردد کرانی رحمة الله
عنه گوید که خیر و منفعت یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد سورة العلق این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
که سورة العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن روزی کند کرانی رحمة الله علیه گوید که عالم و فصیح گردد جعفر صادق رضی
عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود سورة القدر این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة القدر میخواند دلیل که از دنیا برون
نرود تا ثواب شب قدر یا بد کرانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز گردد و مراد یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدرش عالی گردد
سورة البیقین این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة البیقین میخواند دلیل که با توبه از دنیا برون گردد کرانی رحمة الله علیه گوید که در
راه خیر و صلاح وارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که همین تا در سورة الزلزال این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که
الزلزال میخواند دلیل که او را با کسی کاری افتد و عدل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فوجی از کافران بپاک کند سورة
الحادیات این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الحادیات میخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست دارد

سورة التین
سورة العلق
سورة البیقین
سورة الزلزال
سورة الحادیات

کرمانی رحمه الله علیه گوید که بخت نزار و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خواستد و مظهر گرد و سورة القاسم
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة القاسم بخواند و دلیل که در قیامت تراوی اعمال
 وی از کردار نیک کران آید کرمانی رحمه الله علیه گوید که در کافیر که شد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مرد مرا کرامی دار و سورة
 الشکا شرا بن سیرین رحمه الله علیه گوید که هر چند که سورة الشکا شرا بخواند و دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمه الله علیه
 که او را با قومی در بیخ زن صحبت افتاد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدار و سورة العصر ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید که اگر بخواب بیند که سورة العصر بخواند و دلیل که در کار با صابر و شکایا بود کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زانی را رسد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید که اگر تجارت کارش نیک شود سورة العنزة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة العنزة بخواند
 و دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم و شناس گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که کمال حرص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید که در راه خدا بتعالی مال نفقه کند سورة الفیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الفیل
 بخواند و دلیل که ظالم را یاری دهد کرمانی رحمه الله علیه گوید که بر دشمن ظفر بید و مردارش حاصل گردد و جعفر صادق رضی الله علیه
 که بر دست و فحی بر آید و بر دشمن ظفر بید سورة القریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة القریش بخواند
 و دلیل که از ترس بیم این گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را فحیت کند و راه وین جعفر صادق رضی الله علیه
 عنه گوید که با خلق همان کند سورة الماعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون بخواند و دلیل که
 گذارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که حذر باید کرد از صحبت بدوی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر بید سورة الماعون
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون بخواند و دلیل که مال بخت یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید که از بزرگان
 یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند سورة الکافرون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که
 سورة الکافرون بخواند و دلیل که براه دعوت رود و دنیا مغرور گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر بدغم بود فرج یابد جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید که اجل او فراسیده باشد زیرا که چون این وره منزل شد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آخر عمر بود سورة
 القصص ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة القصص بخواند و دلیل که در راه خدا تعالی شمول گردد سورة قیامت
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة قیامت بخواند و دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبات خدا تعالی خلاص
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زانی بگردارد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هر چه بدی وی کوشد سورة خلص
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الاخلاص بخواند و دلیل که در راه وین مومند و یگانه گردد و توفیق طاعت
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که پاک دین و نیک عقاد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جانی یابد و عیش و
 خوش گردد سورة الفلق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الفلق بخواند و دلیل که جاد و بر روی کار کند
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که از شر بگردان این گردد سورة الناس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الناس

سورة القاسم
 سورة العصر
 سورة العنزة
 سورة الفیل
 سورة القریش
 سورة الماعون
 سورة الکافرون
 سورة القصص
 سورة قیامت
 سورة خلص
 سورة الفلق
 سورة الناس

میخواند و دلیل که از دست خدای انجمن جدا دارد و روزی بروی فراخ گردود اگر بیند که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم میگفت
دلیل که مال و خواسته یا بد اگر بخواب بیند که آیتی از قرآن میخواند تاویل آن بحرف قاف بیان کنیم انشاء الله تعالی سوزن این سرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوزن داشت و چیزی و دخت دلیل که شغل های پرگنده وی جمع شود و حاجش روا شود و کرامتی
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حرام برسد و دخت دلیل که احوال و نیکو گردد و اگر بیند که سوزن او کم شد دلیل که احوالش بد بود و مغرب
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی سوزنی بوی بخشد دلیل آن گسشتن احوال و باشد و اگر بیند که سوزن بسیار داشت دلیل بر خیر و صلاح
کار او بود و سوسمار این سرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوسمار ویران گردد و دلیل که مضرت یا بد و اگر بیند که سوسمار حرکت
دلیل که دشمن و اهر کندر کرامتی رحمة الله علیه گوید که خورون گوشت سوسمار در خواب دلیل بر منفعت بود و که بوی رسد و اگر بیند
که سوسمار در خانه وی بانگ نکند و دلیل که از خانه وی آواز شیون آید سوسن این سرین رحمة الله علیه گوید سوسن در خواب
بوقت خود و دیدن دلیل که چیزی بوی رسد و او را فرزند آید و بیوقت دیدن دلیل بر عزم و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسن
از دخت بکشد و بخام و او دلیل که غلامش مگر برود کرامتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی و شته سوسن بود و دلیل که
سیان نشان گفتگوئی خیر و مغرب رحمة الله علیه گوید که دخت سوسن در خواب کمتر شود و سوسن این سرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سوسن خور و دلیل که کاری نیک بردست وی بر آید یا امانتی نگذرد یا چیزی را کند و از آنچه میترسد این گردود اگر بیند
که سوسن بد روح خور و دلیل بر خشم خدای تعالی بود و در رحمت افتد مگر توبه کند و در اقام عرق شود و از پا و شاه زبان بیند که سوسن
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوسن خور و دلیل که او را توبه یا دیگر داند گناه و خطا تا سنگار شود و اگر بیند که سوسن خور
خور و دلیل که دینش تباہ شود و اعتقادش خلل پذیرد قوله تعالی و یخلفون علی الکذاب و هم یخلفون
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوسن برست خور و دلیل که اندوه و مضرت بیند سوراخ این سرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ شد و دلیل که از راز یا و شاه آگاه گردود و اگر بیند که در اندام وی سوراخی
بود و از آن جن میرفت و دلیل که او را زانی رسید مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود و دلیل که انجمن
خود نایمن بود و اگر بیند که در شکم سوراخ میکرد و دلیل که در مسلمانان پایدار بود و اگر بیند که در دخی سوراخ میکرد و مالیش
بجلافین بود و معتبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود حکایت در خبر است که مردی پیش امیر کبیر
ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت بخواب دیدم که از سوراخی کوچک کاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که با
بسوراخ رود نتوانست رفت گفت آن سوراخ در من است و آن کاو سخن است چون گفته باز بجای خود فرو و سوسمان
در حرف میم بیان کنیم سلیب این سرین رحمة الله علیه گوید سلیب بخواب دیدن چون سوراخ شد و دلیل بر فرزند بود و چون
باشد شفقت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازار کان بود و چون زرد و سرس بود دلیل
بر بیماریه بود و اگر بیند که سلیب سلیب بد و نیم کرد و دلیل که شرکت با کسی که وار و از وی جدا شود

در خواب

چ

چ

چ

چ

چ

چ

و اگر بیند که سیاهی سرخ از دخت باز کرد و خورد و دلیل که او را دختی آید که آنی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب لیل خبر بود و اگر سیب
ترش بود دلیل خبرنا خوش باشد و اگر بیند که سیب شیرین بود و دلیل که خبر خوش شنود و انیال علیه السلام گوید اگر خواب بیند که
سیب داشت و خورد و دلیل که نفع یابد و سبب همت بیند خواب باشد در شغل و صفت وی و اگر پادشاه سیب بخوابد
و دلیل که مملکت یابد و اگر بازرگان بیند و دلیل که تجارت نیک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب در خواب بر هفت وجه بود
یکی فرزند و دوم منفعت سوم بهاری چهارم کینک پنجم مال ششم فرمان روانی هفتم همت خداوند خواب و خبر غایب و حاضر
سیب این سیرین ج گوید خوردن سیر در خواب مال حرام بود و کرمانی ج گوید خوردن سیر در خواب خبر نشت بود که از پس مردم گویند اگر بیند که سیب بخورد
و دلیل که از سخن نشت توبه کند مغربی ج گوید که سیر در خواب ریخ و کرمانی ج جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب
بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن نشت سیدم غم و اندوه چهارم که سیتن چشم سختی دیدن سیری ابن سیرین رحمة الله علیه
اگر کسی خورد و خواب سیری بیند دلیل که بی نیاز شود و لیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خورد اگر سینه بیند دلیل که معصیت
کند که کرمانی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب است که خورد آن که سینه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود
از وی مزاج ریخ آید سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سیری داشت دلیل که هفت بخور و نیک شکر کرد و اگر بیند
که در زمین او سبزه بود بوقت خود و دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر همت باشد سیکی ابن سیرین رحمة الله علیه
علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیکی شد دلیل که در غنمه افتد و اگر بیند که سیکی می خورد و دلیل که بقدر آن
مال حرام یابد و اگر بیند که سیکی می بخت و می خورد و دلیل که مالی حرام برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سیکی بسیار داشت
و دلیل که بقدر آن از دهقان منفعت یابد که کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیکی می آید و می خورد و دلیل که مالی یابد که بعضی
باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیکی می فروخت و دلیل که چیزی حرام فروشد و با و دهد و سیکی خوردن خیر نباشد و لی
و دلیل بر غل بود و سیکی خراغم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیکی در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم
ترجیح کردن سیوم نعمت اینجانی و سیکی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند سیل ابن سیرین رحمة الله علیه
سیل در خواب ششمی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود اگر خواب بیند که سیل انحراف دفع کرد و بجائی دیگر افتاد و دلیل که بر شوطن
یابد و غم و اندوه وی کم شود و اگر بیند که از سیل میگریخت و دلیل که از دشمن بگریزد که کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیل در خواب در بار
سیر غم و اندوه بود و در بار گرم سیر دلیل بر منفعت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سیل بیند و نداند که این سیل از کجاست
و دلیل که حق سبحانه و تعالی غذائی بدان دیار فرستد قوله تعالی فَاَوْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از متعبران گویند که چون خواب
بیند که سیل جانی خراب میکند و دلیل که مردم آنجا از پا و شاه ترس و هم محاصره بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیل در خواب
بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه متکبر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی سیما ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر خواب بیند که در معدن سیما درون شد یا از آنجا سیما برگرفت و دلیل که زلزله در کار افتد و اگر بیند که سیما بفرخت و سی

دلیل که از ذکر و حلیت زن این کرد و اگر میند که چشمه سیاه عرق شد دلیل که زمان بروی جادو کند سیم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
بسیار مردم باشند که در خواب سیم بینند و در بیداری سیم یابند و بسیار بود که در خواب سیم بینند و در بیداری عجم و اندوه بود و بسبب طبیعت
مای مختلف که آنی رحمه الله علیه گوید سیم در دست در خواب خبر راست باشد و سیم شکسته خبر دروغ باشد اگر سیم در کفیه بود دلیل
کسی پیش او و بعضی هند و انبیا علیه السلام گوید اگر کاسه یا آفتاب یا پشت سپین خواب بیند که بی اندازه آلات سپین یافت دلیل که
آن کس یابد و اگر میند که از معدن سیم پاره بیافت دلیل که از آذین زنی خوابد و سیم پاره در خواب بر وی بود که درختی و سخن از شکسته پند
سیم رخ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در خواب سیم رخ بیند دلیل که با مردی خوش طبع بزرگوار دوستی کند و اگر سیم رخ واده بیند
دلیل که زنی با جمال خوبری بود و اگر میند که سیم رخ با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد و اگر میند که با سیم رخ جنات میگرداند
با مردی بزرگ خصوصت کند و اگر میند که گوشت سیم رخ میخورد دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یابد که آنی رحمه الله علیه گوید اگر
که سیم رخ واده کشد دلیل که دو شیرگی و دختری بستاند و اگر میند که سیم رخ از دست وی پرید دلیل که زنا طلاق دهد و اگر میند که بچه سیم رخ
گرفت دلیل که او دلفریندی ابدی که مغربی رحمه الله علیه گوید سیم رخ در خواب یا پادشاه بود اگر میند که سیم رخ در کوفه فرو آید و او را بل و چه
سیم رخ بکشد دلیل که پادشاه آذین برهنگ شود و اگر میند که از سیم رخ میترسد دلیل که پادشاه او را عطا و بدست میدهد ابن سیرین رحمه الله علیه
علیه گوید که سینه در خواب شریعت بود و قوله تعالی اجن متشجح الله صدقه لایسلا م اگر خواب بیند که سینه وی فراخ
شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد و اگر میند که سینه وی تنگ شد دلیل که در دینش خلل بود و اگر میند که بر سینه وی خطی نوشته
بود دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر میند که بر سینه وی خطی کبود نوشته بود دلیل که در دین او خلل افتد و بی شهادت بجهنم و اگر
بیند که از سینه مری سترده بود دلیل که واپس گذارد شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که سینه وی دم گرفته بود و چنانکه دم نشو
زدن دلیل که دین و دنیا بر وی کساده شود و اگر میند که سینه وی گرم بود و باقی اندام سرد دلیل که دل او متعلق کسی بود و انبیا علیه السلام
گوید اگر میند که سینه او تنگ بود دلیل که تشنگ گردد و اگر سینه او فراخ بیند دلیل که حرم و شاد گردد و بعضی معتبران گویند اگر کا سینه
خود را فراخ بیند دلیل که مسلمان شود و منیر رحمه الله علیه آن یقین پذیر متشجح صدقه لایسلا م حقیق صا و رضی الله عنه
گوید دیدن سینه در خواب بر بخت و جبر بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت سیوم ایمان چهارم کفر پنجم امان ششم مرگ هفتم خلل
صرف الشین شادی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیند عجم و اندوه بود و اگر میند که کسی شادمان
شد دلیل که آن کس عجم و اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و خنجرم بیند دلیل که حالش نیک گردد و خوشش بسعادت بود و بعضی
رضی الله عنه گوید اگر خواب بیند که بی سببی شادمان بود دلیل که اجلش فرارسیده بود و قوله تعالی حتی اذا فرجوا بما اوتوا اخلوا
بفتنة شاد و روان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شاد و روان شود و فراخ در خواب اگر گسترده بود و راست که ملک و دست دلیل
بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر دراز یابد و اگر میند که بشاد و روان با دوستان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود دلیل که آن
دواری عمر و روزی بود و اگر میند که در جایگاهی بیگانه نهد و بشاد و روان گسترده بودند و ندانند که شاد و روان از آن کیست دلیل که او را

5

4

55

五

و این

و این

و این

روی متغیر گردد و در غایت سیر و اگر شاد و روان کوچک در خواب بیند دلیل که بر روزی اندک و عمر کوتاه بود و اگر بیند که شاد و روانی چیده
 بر خور گرفته بود دلیل که از جای خود بجای بگانه رود و اگر بیند که بر شاد و روان در دست مردی نگاشته بود و آن مرد را پیشاخت و با او سخن
 گفت دلیل که آن مرد را بدو رخ ستایش کند و اگر بیند که شاد و روان بفر جنت یا یکسی و او تا ویش بدو و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند
 که شاد و روان گسترده بود دلیل که بر روزی عمر و ساحتی کارا بود و اگر بیند که شاد و روان کوچک بود و در بر او فراخ شد دلیل که روزی
 بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که روزی او تنگ شود و اگر بیند که شاد و روانی فراخ گسترده بود و بدست خود در نوشت
 و بکج خانه نداد دلیل که دولت و اقبال خود تنه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاد و روان گسترده در دیده بود دلیل که بخت
 و نیا مشغول گردد و اگر بیند که شاد و روان سیاه یا کبود بود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که شاد و روان زرد بود دلیل که بیماری روی
 و اگر شاد و روان سپید بیند دلیل بر نعمت و فراخی روزی حلال بود استحقاق شرف رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاد و روانی محمول
 در جایگاهی محمول فکند بود دلیل که آنچه دارد از دستش برود و اگر بیند که شاد و روان معروف در خانه کسی گسترده بود دلیل که خانه
 خانه را روزی و نعمت بود و اگر بیند که در خانه محمول شاد و روانی انداخته بود و او بر آن نشسته بود دلیل که بخت و روزی در آن منزل
 و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاد و روان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال و دوم عمر
 منفعت چهارم سعادت شتخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب لیل بر بردارن و
 فرزندان و خویشان بیند خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و بنوه بود دلیل که خویشان او بسیار و بنوه باشد
 او بسیار گردد و اگر بیند که بخلاف این بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود برید دلیل که از اهل بیت خود کسی را دور
 کند و اگر بیند که شاخ درخت وی خشک شد دلیل که از خویشان او یکی بپاک شود و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود تا ویش بر
 باز گردد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درخت خراب بودی و او ندانید بیاقت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ چیزی
 بخورد دلیل که بقدر آن مال فرزند خود داشته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه در خواب مردی را که را حبت لب نبود در
 او نفاق باشد اگر خواب بیند که سر ویش را شانه میکرد دلیل که از غنی فرج یا بدو ویش گذارده شود و برادر برسد که مانی رحمة الله
 علیه گوید اگر خواب بیند که ریش را شانه میکرد و یکان موی بر روی می آورد دلیل که زکوة مال بدو مغربی رحمة الله علیه گوید شانه در خواب
 یاران موافق در کار خیر باشد و موی را شانه کردن یا فتنه بر او بود و شانه تراش مردی بود که غم و اندوه از دلش برود و او گم گردد
 و بعضی معتبران گویند که مردم خواب روی باشد که از دیدارشان چشم روشن گردد و شانه آدمی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه
 آدمی در خواب دیدن زن بود و اگر بیند که شانه وی قوی و بزرگ بود دلیل که زنی میخورد و اگر بیند که شانه گاو یا گوسفند یافت هم او را
 زنی حاصل شود و اگر بیند که دوش وی بکست دلیل که زنی میرد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد و در گنای
 بود دلیل که در آن سال پنج بسیار بود و اگر بخلاف این بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند در آن شانه سیاهی بود دلیل که در آن
 آفت و بلا باشد و اگر در آن سرخی و یا سیاهی بیند دلیل که آن سال زرخیز از آن باشد و اگر در آن شانه زردی بیند دلیل که بیماری بود

٢٤

٥٤



5

9

دلیل که دشمن و ضعیف باشد و اگر بیند که پیش بسیار بروی جمع شدند و از دیگرند دلیل که در زبان مردم افتد یا اورا نقصان مال بود
 اگر پیشتر خن مردم بخورند و خون بتاویل مال بود شمشه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شمشه جانوری بود که در تابستان در بهشت
 نشین و پوستین افتد و تباها کند و بر سوسن هم خوانند و دین وی هسایه بود و اگر بیند که شمشه جانمهی بخورد دلیل که مال او
 نقصان افتد و اگر بیند که شمشه اسباب پیشین تباها کرد و دلیل که از خانه وی دزد چیزی ببرد و اگر بیند که شمشه رخت دلیل که در دریا گیر
 و مال بستاند شمشه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شب دشت یا بخیزد و سوراخ کرده بود و دلیل که او را دشمنی آید
 و اگر دشمنی بدشمنان شود و دیدن شب که بود سیاه خیزی بنود مغربی رحمه الله علیه گوید شب سپید و سبز بخواب و دیدن دلیل بر خیر و منفعت
 کند و بعضی گفته اند که شب زرد و دلیل بر بیماری بود و شتا فتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بجاری می شتا فتن دلیل که از
 انکار پیشانی یابد و اگر بیند که از این پیشان شد و شتا فتن و دلیل که در انکار شتاب کند مغربی رحمه الله علیه گوید در همه کاری شتاب
 دلیل درنگ بود و در رنگ پیل شتا فتن بود و شتا لنگ یا فتن در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بخواب بیند که باشتا لنگ
 بازی میکرد و با نکت شغب میداشت دلیل که او را خصومت افتد و اگر بهلکام بازی خاموش بود و مال حرام یا بد شراب ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید خوردن شراب بانی که بطعم شیرین بود چون شراب سلیب و شراب امار و شراب ترنج و مانند این شراب و خوردن
 یکی دین دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم ذکر حق تعالی اما شرابها نیکه بوی آن ترش بود چون
 شراب یواس و شراب لیمو و شراب نارنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم و اندوه بود اما شرابها که تلخ باشد چون
 شراب مورد و شراب زوفا خوردن آن در خواب لیل بر فایده دین و دنیا بود و اما شرابها نیکه بطعم معتدل و خوشبو
 بود چون شراب عود و شراب بنفش و شراب کل خوردن آن در خواب لیل بر خیر و خوشی بود و دستایش کند مغربی
 رحمه الله علیه گوید شرابها نیکه از برای دار و خورند در خواب خیر و صلاح و نیک بود و آنچه بخت دار و بکار ندارند دلیل بر صلاح و خیر
 و نیاوی کند شرابی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شراب بخیزد و دلیل که کینه بخیزد و معتبران گویند که شراب
 در خواب خادم خانه بود و اگر بیند که شرابی وی بسکت یا صنایع شد دلیل که کینه یا خادم و عبید و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن شرابی در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیم کینه چهارم قوام دین پنجم صلاح
 دنیا ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال ز قبل زنان شرم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شرم از
 ایمان باشد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود **اَلْحَيَاءُ مِنَ الْاِيْمَانِ** مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که در کاری شرم داشت دلیل که در انکار خیر و صلاح بود و دنیاوی ایمان و شرم داشتن از کاریکه دران شرم بود
 دلیل بر نقصان ایمان بود ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شستن در خواب باب جوی و کاپیز و حوض و دریا و
 برنجان از غم و اندوه اگر این خواب محسوس بیند دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر ارام دارد و امش گذاره شود اگر
 بیمار بیند شفا یابد و اگر تن خود تمام شست دلیل که کارش تمام نشود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرد خود را

شست لیل که خوشان و از غم و اندوه خلاصی یابند و اگر میند که تابش نور خورشید شست لیل که رنجی بوی رسد و اگر میند که جانم یک
 باب چو کین بدست لیل که بربای کار و فساد وین بود و اگر میند که باب سرد و یا باب چو کین خود رسد شست لیل که توبه کند غمی
 سنبین باب سرد و بر چهار وجه بود یکی توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم اینی از ترس شستن باب کرم غم و اندوه
 بود و دست و روی شستن و خواب بر پشت و چه بود یکی حصول مراد و دوم شفا از بیماری سیوم یافتن مال چهارم چو نیم فرج
 ششم اینی به مقام دین پاک رسیدن و اشدن حاجت شش اینی بهرین رحمة الله علیه که پیشش در خواب توبه و وضو می بود و اگر میند
 که کسی شش بدو داد و آنکس معروف بود و لیل که از وی خور می بیند و اگر او شش کسی داد و لیل که خیر بد آنکس سازد و مری
 رحمة الله علیه گوید اگر میند که شش خام یا پخته می خورد و از جان و دیکه گوشتی حلال بود و لیل که بعد از آن مال حاصل کند شش
 اینی بهرین رح که بد شش با حق و خواب بهتان و سخن دروغ بود و اگر میند که شش با حق و خضر علیه و لیل که به بل کسی را غلبه کند
 و بهتان نمکدانی رخ گوید اگر میند که شش نمی باخت لیل که جنگ و مناخات کند و بقران گویند که شش با حق خیر و منفعت بود و
 اینی بهرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که شعر یا غزل بخواند یا دیکه کسی یا چو می بخواند و لیل که سخن باطل گوید بقران و الله اعلم
 یثبتکم الخافون اما اگر توحید یا لغت یا سخن حکمت بخواند پسندیده بود و بزرگوار شود و شغال اینی بهرین رح گوید اگر میند که
 شغال می کشد و متحیر بود و نتوانست گرفت لیل که بپار شود و اگر میند که شغال باری بازی کرد و لیل که بر نی غاش شود و اگر میند
 که گوشت شغال می خورد و لیل که بپار شود و شفا یابد و اگر وام دار و مالش گذارده شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواب
 شغال که اینی بهرین رح گوید شغال و خواب اگر زرد بود و لیل که باری بود و اگر بوقت باشد مضرت کمتر بود و اگر میند شغال
 و زرد نبود و کینک باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شغال و خواب هر پنج وجه بود
 کینک دوم سپهر سیوم علت چهارم مال ختم منفعت از قبل مرید غریب اگر میند که استخوان شغال و بشکست و بخورد و دروغ نگوید
 بر غم و اندوه بود و اگر شیرین بود و لیل که از مریدی بی اصل بعد از آن مال منفعت یا بدشکار کرد و اینی بهرین رح گوید اگر میند که کوه
 یا کاه و کوهی یا خرگور یا مانند این شکار می کرد و گوشت دی می خورد و رحمة الله علیه گوید اگر میند که شکار بکشد و لیل که غنیمی یابد
 کرمانی رخ گوید شکار یک بدام که پند یا بجا طلبند و لیل که زبان بود و بعضی حشران گویند که شکار کرد و خواب چو بینه معاش بود
 اینی بهرین رح گوید پاره شکر و خواب سخن لطیف بود یا بوسه که کسی بدو چون فرزند و برادر و دوست اگر شکر بسیار بود و لیل
 مال روزی حلال بود و مری رخ گوید شکر بسیار کرده بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد و حکمت
 رضی الله عنه گوید شکر و خواب هر پنج وجه بود یکی سخن لطیف دوم بوسه دادن سوم منفعت چهارم فرزند از پنجم مال شکر گذار
 اینی بهرین رح گوید اگر میند که شکر خدایتعالی گذارد و لیل که درستی دین و قوت جاه و مال بسیار است و در جهانی بود و خدایتعالی
 که شست لیل که شست اینی بهرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که چیزی بشکست و لیل که بعد از آن و از آن رسد و اگر
 شکست از آن دیگری بود و لیل که مضرت آن برسد باز کرد و اگر میند که اندامی از اندامهای دی بشکست و لیل که غم و مصیبت نماند

در وقت خواب

در وقت بیداری

در وقت بیداری

در وقت بیداری

در وقت بیداری

در وقت بیداری

در وقت بیداری

در وقت بیداری

در وقت بیداری

اندام تعلق دارد و بود اگر بیند که از آلات چون چنگ و رباب و طبل و نوا می چینی شکست دلیل بر خرمی بود و شکم در وقت بیداری سست است
و انبساط علیه السلام گوید شکم ظاهر و باطن ملل بود و این سرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود که زمانی رحمة الله علیه گوید شکم در خواب باریل بر خوش نشان
اگر بیند که شکم وی بزرگ شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خوش نشان کند و اگر بیند که شکم وی کوچک بود و از پوست وی چیزی
نقصان شد دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیند که هر چه در شکم بود بجهل بیرون آید و بیشت و باز بجای نهد و دلیل بر حال او بیکو
شود و مقصدش حاصل گردد و اگر وی بیند که از شکم وی فرزند بیرون آید و دلیل بر اقبال وی کسی پیدا یابد که مال بیست و از جاه و
بغیر این مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آسپده بیند دلیل بر او مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافتد بیند دلیل
بر او رصیتی سید و اگر کسی بر شکم خود موی رسته بیند دلیل بر او از قبل عیال ام افتد و اگر کسی از شکم خود موی سترده بیند دلیل
بر شکم کرد و او را ش گذاره شود و اگر کسی بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل بر عیال ملل و بجز رجوع صادق ضعیف الله عنه گوید شکم
بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خرمی سیوم نظام عیش چهارم فرزند شکسته ابن سرین رحمة الله علیه گوید شکسته در خواب باز جانی
که گوشت و حلال بود دلیل بر مال حلال بود و اگر بیند که شکسته بر سر کین بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که شکسته چتر خورد دلیل
خیر و شفقت بیند شکسته ابن سرین رحمة الله علیه گوید شکسته در خواب لیل بر خوری و بچاری بود و اگر خواب بیند که او را از شکم
المی رسد دلیل بر بهین بود و اگر بیند که او را از شکم زحمت رسد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که با و شاه او را از شکم کرد
گویند با و شاه که زند بیند شکوفه و رختان شکوفه و رختان تبایل بود و خجسته بهتر بود و شکوفه و زوینا و بل کتله زرخ و سپید بود
و گنار در خواب عروسی بیکو بود و شکوفه و رختان بقدر کوتاهی بلندی و رخت نخی لطیف بود و سبکی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بیکو شکوفه
و رختان بجز دراز کردی که بدان رختان نسبت دارد نخی لطیف شود و از ایشان خیر و شفقت بیند و اگر بیند که شکوفه می پوشید دلیل بر مرد
او را میخ و شا که بیند شل شدن ابن سرین ح گوید اگر بیند که اندامی از او شل شد و بچ خانه افتاده بود و فرو نشت خود است دلیل بر آن
کارهای بد بود که کند و شر و زورم باز دارد و اگر بیند که خواب بیسند بود تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندامی از
اندامهای او خسته بود دلیل بر کس از خوشی که بدان اندام نسبت دارد و آفتی رسد شلغم ابن سرین رحمة الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اند
بود و اگر بیند که شلغم کسی داد و دلیل بر بدگس پنج رسد مغربی رحمة الله علیه گوید شلغم چتر در خواب باز خام بود که زمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که شلغم از خود دور کرد و دلیل بر اندام و اندوه خلاصی یا بد شلوار ابن سرین رحمة الله علیه گوید بد شلوار در خواب کثیر عجبی بود و اگر
دون که بخوابد و اگر بیند که شلوار نو بخرد و بپوشد و دلیل بر کثیر عجبی بخرد و اگر زنی بیند که شلوار پوشیده بود و دلیل بر زنی ستمگر بود و اگر
که او را شلوار بخشیده اند و دلیل بر او را خرمی زیاد شود و اگر بیند که شلوار نو یا یافت دلیل بر عادی او یا بد و اگر بیند که شلوار چربین
دلیل بر عقوبت از حق تعالی معلوم نماید بقوله تعالی سِرَابِلُهُمْ مِنْ طَرَانٍ وَ تَغْنًی وَ جَوْهَرًا اَمَّا اَنْتَ اِنْ اَرَادَ اَنْ يَكُونَ لَكَ شَلْوَارٌ فَرَاغَ
و دلیل بر زنی با حرمت یا بد و اگر بیند که شلوار از دست دلیل بر بیمار شود و اگر بیند که شلوار سبز داشت دلیل بر مرد و او را طاعت کند و اگر
شلوار از کین بیکو باشد اگر زنی بیند که شلوار نو خرید و دلیل بر شوهر کند و اگر بیند که شلوار وی گشته و دلیل بر کثیر عجبی بخرد و اگر بیند که شلوار

در پای داشت دلیل که او را از زنی خواری رسد جعفر صادق علیه السلام گوید شلوار و خواب بر سر نهاده بود یکی زن دوم بکن سود خانم

خانم شلوار بند دلیل بر عورت مرد بود اگر میند که شلوار بند سخت و محکم داشت دلیل بر سختی و محکمگی غضب کند و اگر شلوار بند کنه میند
بر ضعیفی غضب باشد شمار کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که با کسی شمار میکرد دلیل که در محنت انداخته مغربی رحمة الله علیه
گوید هر شمار یک آسان تر بود و محنتش کمتر بود و تاویل حدیث از این که تا صد و هزار در حرف عین بیان خواهم کرد شمشیر و انبال علیه السلام
شمشیر در نیام بودن زن باشد و بی نیام مال خواسته و فرمانروائی بود و اگر میند که شمشیر در دست داشت دلیل که او را سیری یا پدر
میند که شمشیر از نیام بیرون بود تا ویش همچنین بود و اگر میند که شمشیر در نیام بود و نیام شکست شمشیر سبلا میت بود و دلیل که فرزند
سبلا میت بود و مادرش میر بود و اگر میند که شمشیر بر بند در دست داشت و بالا برو تا کسی زن دلیل از سختی اندیشیده بود و کسی که
و اگر میند که شمشیر کسی زود کارگر نبود دلیل که زبان در حق آنکس کشاده باشد و اگر میند که شمشیر کسی زود کارگر بود دلیل که آنکس گم
خزوه باشد شمشیر منقطع شود و اگر میند که شمشیر در گردن حایل داشت دلیل که ولایتی در گردن او بود و اگر حایل شمشیر در زانو دلیل
احتمال ولایت نداشت و اگر میند که حایل شمشیر کوتاه شد دلیل که از ولایت بدو سپارند و اگر حایل شمشیر کوتاه بود و کسب دلیل که از
از دست می برود و اگر میند که بی آنکه جنگ بود کسی را شمشیر زود دلیل که آنکس مشهور گردد و کاروانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که دست خود
او خفته بود دلیل که او را فرزندی آید و اگر فرزند نبود فرمانروائی یا پدر و اگر میند که کسی را شمشیر داد و دلیل که او را مگر گردد و اگر میند که
با نیام هر دو شکست دلیل که فرزند او مادر و پدر و میزند و اگر میند که کسی را شمشیر زود خون از وی روان شد و جامه وی آلوده است
و دلیل که او را مال حرم همت کنند و اگر میند که شمشیر از وی بستند دلیل بر عملی که دارد از وی بستانند و اگر میند که شمشیر میان دست
و دلیل که عرش دراز گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که شمشیر آیینین داشت دلیل که کارش قوی گردد و اگر میند که شمشیر از مبرور است
و دلیل که زنی بزرگ خیر یابد و اگر میند که شمشیر از مر و اید داشت دلیل که از علما یا این قوت یابد و اگر میند که شمشیر از خوب و اید دلیل
که کارش ضعیف شود و اگر میند که شمشیر خالین داشت دلیل که از زنان پا و شاه قوت یابد و اگر میند که نیام شمشیر شکسته بود دلیل که بی آنکه
او میرد و اگر میند که شمشیر وی دور وی بود دلیل که کارش روان گردد و اگر میند که شمشیر لا جور بود و دلیل که کارش پایدار باشد و اگر میند که
او چون آینه بود و میدرخشید دلیل که از هنری نواخت و حرمت یا جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن شمشیر در خواب پنج وجه بود
فرزند دوم ولایت سیوم حجت چهارم منفعت پنجم طفر یافتن بر دشمن شمشیر که در خواب بر وی بود قوی و شمع زبانی شمع این سیرین
گوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر خواب میند که شمع افروخته داشت دلیل که دولت و نعمت زیاد شود و اگر میند
که شمع افروخته در خانه خود نماده بود و همه خانه را از روشن بود و دلیل که در آن سال نعمت بروی فراخ گردد و تجارت وی روان شود
و بعضی گویند که او را زنی با جهل استوده باشد و اگر میند که شمع افروخته او را دادند و دلیل که عز و دولت یابد و اگر میند که او را شمع
با شمعان سپین بود و دلیل که زنی یابد که اصل نیک باشد و اگر میند که شمعان زبرین بود دلیل که زنی از نزدیکان باشد و اگر میند که
و اگر شمعان از راز نیز بود و دلیل که زنی از قبیل متوسط خواهد و اگر میند که شمعان از رس بود و دلیل که زنی بی اصل خواهد و اگر میند که شمعان از

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

بود دلیل که زنی از هسل که با رخا و اگر بید که شمعان از هسل قوی خوا و اگر بید که شمعان از هسل قوی خوا
زنی از مردمان عاصه باشد که زنی از هسل قوی خوا و اگر بید که شمعان از هسل قوی خوا
در دست داشت و کسی بخت دلیل که انگس جسد بر و بزد و اگر بید که شمعان از هسل قوی خوا
گوید که اگر بید شمعان از هسل قوی خوا و اگر بید که شمعان از هسل قوی خوا
انجا عادل و اگر باشد و قاضی منصف و دانشمند و زاهد و خوری در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمعان بسیار بید دلیل که مردمان آن موضع
بطاعت و تعلم علم مشغول باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمعان در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم همای سیم
فرزند چهارم عروس پنجم فرمان روائی ششم مهری هفتم ساری هشتم شادی نهم تو انگری دهم علم یازدهم عیش و بازی دهم
سیزدهم زن چهاردهم دلیل بر بید شدن و گردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شنیدن و گردن در خواب در آب صافی طلب
کردن بحیثیت تدبیر بود و اگر بید که در آن صافی شنیدن و گردن در خواب در آب صافی طلب
که در دریا شنیدن و گردن و بخت انتوانست رفت دلیل که پادشاه او را انعام باز دارد و اگر بید که شنیدن و گردن بر روی آسان بود دلیل
کاروی آسان گردد و اگر بید که شنیدن و گردن در خواب در آب صافی طلب
و اگر بید که آب غلبه کرد و در میان آب برود دلیل که در دست خصمان هلاک شود و اگر بید که از غرق شدن امان یافت دلیل که از غلبه
اینها فی سلامتی یابد و در کار آخرت در آید و اگر بید که آب و از بر زمین فرو برد دلیل که در اعنی پیش آید و اگر بید که از زیر زمین
آید از غم فرج یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که از دریا شنیدن و گردن در خواب در آب صافی طلب
یابد و اگر بخلاف این بید دلیل که تا ویش باز نماند بود و اگر بید که از روی بزرگ بشنا و بگنارد دلیل که از شغل بزرگ است
و اگر بخلاف این بید دلیل که در شغل ماند شکر ف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شکر ف در خواب غم و اندوه بود و اگر
بید که شکر ف داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخلاف این بید که شکر ف خورد و دلیل که بیمار شود و اگر بخلاف این بید که شکر ف
می نگاشت دلیل غم و بل و دنیا فریفته شود و اگر بید که شکر ف چیزی می نوشت اگر قرآن یا دعا یا توحید بود و دلیل نیکی بود
بخلاف این بید دلیل که مضرت یابد شهادت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که شهادت بر می آورد و دلیل که بوقت مرگ
فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر مصلح بود بید که شهادت بر می آورد و دلیل که بوقت مرگ
یابد و اگر بید که مضرت بود و دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بید که خواب شرک بود و دلیل که مسلمان گردد و عاقبت
شاه بلوط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که شاه بلوط داشت میخورد و دلیل که غمگین گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
بید که شاه بلوط داشت یا بکسی داد و دلیل که بقد آن از مردی بخیل منفعت یابد شهادت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
شهادت با مردم بود و تاویل میراث بود یا غنیمت حلال بود اگر بید که شهادت داشت دلیل که بقد آن از اجائی میراث حلال یابد
که زانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که شهادت داشت دلیل که بقد آن علم و دانش حاصل کند و اگر بید که از آن شهادت

خواجه نصیر

شهرستان

و بخوردند و دلیل که مردم از علم او فایده یابند و اگر خلاف این میده منفعت نیابد و معتبران گویند که شهر دلیلی بر توانایی
جستجو صادق رضی الله عنه گوید و خواب شهید دلیل بر نبی و جود و یکی بر ایشاد دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن مجید روزی فراخ بود
شهرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین می ستوار بود و عاقبتش محمود گردد و اگر میند
که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بشهرستان و خواب
برسفت و جود و یکی پادشاه دوم رئیس سیدوم عامه چهارم قوت دین پنجم بهی ششم ظفر یافتن بهی ششم دلیل استواری کارها
شهر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در شهری شد دلیل که دینش می گردد و اگر کاری در دینش دارد تمام شود و دیگر
برسد و اگر میند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که ناهیشتر خلاف این بود اگر کسی خود را بر نگردد یا بر روی
شهر میند و دلیل بر بلاک او بود و اگر میند که از شهری بشهری او را کردند دلیل که زنا طلاق و بد و زن وی شوی دیگر میند و اگر میند
که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر میند که از شهر مسلمانان بشهر کافران تخیل کرد دلیل که از این رهبتین
باطل گردید و باشد که بنی کافره بر بنی کند و اگر در شهری گرم سیر بر فسخ میند دلیل بر خط و تنگی بود و اگر در شهری سرد و سیر بر فسخ
فراخی و ازانی نخت بود و اگر میند که در شهری رفت و آن شهر او را خوش آمد دلیل که عروجه یابد و اگر میند که از روستا بشهری رفت
و دلیل که خیر و منفعت بد و رسد و اگر میند که از شهر بروستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید و قوله تعا و یبکنا اخر جنان من هذا القوم
الظالم اهلها و اگر در شهری گمشده بود و ناپدید شد دلیل که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و فساد
و اگر میند که زنان در آن استه شهر رفتند دلیل که در آن دیار نعمت فراخی بود و اگر میند که زنان بشهر و روستا شدند دلیل که عطا
پادشاه آبخوار و نذر و بر اهل آنجا ظلم و بیدار کنند و اگر میند که روی بسته بشهری در روستا شدند دلیل که در آن شهر خیرهای ناخوش
و اگر در خواب در شهری جانب مشرق میند دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغرب می گوید اگر خواب خود را بشهر میند و ستان میند
و دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهری می ترکستان میند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهری می بلغاری سلطان میند
که بروی خیانت بود و کار یا بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهری می ماوراء النهر میند دلیل که عروجه یابد و بهی یابد و اگر خود
را بخوارزم میند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهری می عراق میند دلیل که دولت کامرانی یابد و اگر خود را در شهری می
خراسان میند کار او با آسانی تمام گردد و اگر خود را در شهر فارس میند دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را در شهر
کرمان میند دلیل که عیالش بسیار شود و اگر خود را در شهری می حجاز میند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهر میند و دلیل که مسکن
و ایمنی بود و اگر خود را در شهری می مصر میند دلیل که شاه دامن و خرم گردد و اگر خود را در شهری می آذربایجان میند دلیل که در
کار رنج و بلا کشد و اگر خود را در شهر ارمیه میند دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را در شهر می مغرب میند دلیل که کارش نفع
افتد و اگر خود را در شهری می فرنگ میند دلیل که کار دنیا می او نیک گردد و اما درین ضعیف باشد و اگر خود را در شهری می شیراز
میند دلیل که کار او نیکو باشد شهرهای مفرو ویدن کرمانی که گوید اگر خود را در مکه میند دلیل که عروجه یابد و اگر خود را در

شهرستان

درین بنید دلیل که او را با تاجا صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهر مین بنید دلیل که از ترس و بیم میمن گردد و اگر خود را

بطایف بنید دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به بهر بهر بنید دلیل که از علما بهره مند گردد و اگر خود را به بهر بنید دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را بکوفه بنید دلیل که از عام نیکوئی یابد و اگر خود را به بغداد بنید دلیل که توانگر شود و با نیکو او را خیر رساند و اگر خود را بجلوان بنید دلیل که معیشت خوش گذرانند و اگر خود را با صفهان بنید دلیل که او را با بزرگی صحبت افتد و اگر خود را بموصل بنید دلیل که برادر رسد و اگر خود را بدشقت بنید دلیل که رفیق بر وی فراخ گردد و اگر خود را بجلب بنید دلیل که از بزرگ منفعت یابد و اگر خود را بانطاکیه بنید دلیل که از متری منفعت یابد و اگر خود را به بیت المقدس بنید دلیل که عفو کارانی یابد و اگر خود را با خلاط بنید دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را بقیصر بنید دلیل که منفعت یابد و اگر خود را در ورتق بنید دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را به تغلیس بنید دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خود را بکنجه بنید دلیل که نعتش زیادت گردد و اگر خود را بجرج بنید دلیل که مالش کم شود و اگر خود را بمرغه بنید دلیل که امان و رحمت یابد و اگر خود را به تیریز بنید دلیل که از بزرگ رسته گردد و اگر خود را بجرج بنید دلیل که اندوگین شود و اگر خود را بهمان بنید دلیل که جهاد و منفعت یابد و اگر خود را بقرون بنید دلیل که او را با متری صحبت افتد و اگر خود را در ری بنید دلیل که او را سوگند افتد و اگر خود را بکرکان بنید دلیل که او را خصومت افتد و اگر خود را بهستان بنید دلیل که مشغول شود و اگر خود را به بطام بنید دلیل که خرمی یابد و اگر خود را بساوه بنید دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را بر ویند بنید دلیل که ساخته بود بجای یابد و اگر خود را آتیشا پور بنید دلیل که با مردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را بطوس بنید دلیل که خیر منفعت یابد و اگر خود را به بلج بنید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را به سمرقند بنید دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خود را بغری بنید دلیل که از بزرگان خیر و منفعت یابد و اگر خود را بجاشغر بنید دلیل که اندوگین شود و اگر خود را با سکنه ری بنید دلیل که کاری در پیش گیرد و از ان پیمان شود و اگر خود را بانکس بنید دلیل که با وی خیانت کند و اگر خود را در حصاری بنید دلیل که کارش فرو بندد و جعفر صادق رضی الله عنه که در دین شهر مایه خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم شکار شدن سیدم عیش و شمع چهارم زنیکه جنتی باشد شور با این سیرین شهر علی که در شور مایه خواب با گوشت داشت و طعم بوی خوش داشت باشد دلیل که منفعت بود و اگر خلاف این بود دلیل که عزم و اندوه بود سفری رحمت الله علیه که در شور مایه خواب با گوشت باشد و خوب بخت باشد شکو باشد و اگر گوشت غلیظ باشد دلیل که عزم و اندوه بود و شوهر سیرین گوید شوهر در خواب دلیل عزم و اندوه کند و خوردنش دلیل بر فقرت کند و نقصان بود و اگر مینکه شوهر بسیار و شست دلیل که در اندوه افتد شوهر شیراز بن سیرین رحمت الله علیه که در شیراز در خواب عزم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه و صبر باشد و اگر مینکه شیراز بن سیرین یا بکسی داد و از ان هیچ نخورد و دلیل که خرمی بنید که مانی ج گوید خردن شیراز در خواب سخن بد بود که از ان بر بخند شیراز بن سیرین رحمت الله علیه گوید شیراز خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل که مانی مال کند و چون ترش بود و مالش خلاف این باشد و اگر مینکه شیراز بن سیرین رحمت الله علیه که بخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی مینکه شیراز بن سیرین رحمت الله علیه که بخورد و دلیل که زنی که شیرازی ریخت و دلیل که او را فرزند می آید و اگر مردی مینکه شیراز بن سیرین رحمت الله علیه که بخورد و دلیل که

در پیش

در خواب

در پیش

در خواب

در خواب

و از پیش می بیرون شد و دلیل که از پادشاه او را حضرت رسد و انشای علیه السلام گوید اگر خواب ببیند که سرش بر یافت و دلیل که پادشاهی را بد
 و اگر ببیند که پادشاهی او را شیر داد و دلیل که پادشاهی خود بد و دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر ببیند که بر سرش
 و دلیل که دولت و مرقت او را زیادت کرد و مغربی رحمة الله علیه گوید شیر نزد خواب پادشاه بود و شیر مادر زن پادشاه بود و اگر زن
 که شیر میسود و شیردلیل که و بر پادشاه گرد و اگر زنی بر این خواب ببیند دلیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر ببیند که شیر را بر پشت گرفته
 بود و دلیل که دشمن بر وی ظفر ببرد و اگر ببیند که شیر او را بگریزد و دلیل که از دشمنی حضرت رسد استعجیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر ببیند
 که شیر او را در بر گرفت و دلیل که مقرب پادشاه گرد و اگر بخلاف این ببیند و دلیل بر دشمنی پادشاه بود و اگر ببیند که با شیر طعام خورد و دلیل که
 پادشاه شود اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله و دلیل بر دشمنی بود و اگر ببیند که گوشت شیر بخورد و دلیل که دشمن را با شیر
 بست آرد و اگر بخلاف این ببیند تا ویش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن شیر در خواب برسته وجه بود و یکی از
 دووم مرد و پیر سوم دشمن قوی شیر خور شد بن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر خور شد در خواب روزی حلال بود اگر در خواب
 ببیند که شیر خور شد جمع میکرد و دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر ببیند که شیر خور شد میخورد و دلیل که مال بر عیال نفقه کند
 و غرض باز یاد و اگر ببیند که شیر خور شد داشت و دلیل که مال از بازار گانی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن شیر
 در خواب برسته وجه بود یکی مال حرام و دوم فراخی عیش و سیوم کام دل یافتن شیشه بن سیرین رحمة الله علیه گوید شیشه در خواب
 زن باشد گویند خادمی بود که خدمت زنان کند و لیکن نباشد نباشد و اگر ببیند که شیشه خالی بود که بوی او اندلیل که زنی
 در ویش خواهد و اگر ببیند که در آن شیشه روغن بود مثل روغن گل و بنفش و دلیل بر زنی دیدن را باشد مغربی رحمة الله علیه گوید زن
 توانا باشد و اگر ببیند که از آن روغن چیزی ببرد و دلیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر ببیند که از شیشه شتری میخورد و چون شتر
 سبب شتر بار نارد و غیره و دلیل که بقدر آن مال زن خورد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که شیشه آگینه داشت و سپید پاکیزه
 و دلیل که زنی خوب روی و پارسا خواهد و اگر ببیند که شیشه شکست و دلیل که زن او هلاک شود و اگر ببیند که شیشه ضایع شد و دلیل که زن
 حلاق دهد استعجیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که شیشه داشت و در وی حباب یا چیزی شیرین بود و دلیل که زنی سازگار
 خوش طبع خواهد و اگر حباب ترش بود تا ویش بخلاف این بود و اگر ببیند که در شیشه چیزی خوش بود و دلیل که زنی مستوره و خوب
 خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن شیشه در خواب برسته وجه بود یکی زنی با جمال و دوم که نیک سیوم خام خانه شیشه طبع
 دارد و نیست که در خردن آن هیچ ضرر نباشد حرف ایضا و صابون بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد
 که جامه خود را بصابون می شست و دلیل که از کارهای بد باز گردد و اگر ببیند که جامه کسی بصابون می شست و دلیل که کسی را از کار
 بد باز دارد و اگر ببیند که صابون میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که صابون بکشد و دلیل که مال خود را بخورد و کسی
 که زانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را شست و دلیل که او را خسته حاصل گرد و اگر ببیند که
 خود بصابون شست و دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه گوید صابون در خواب خریدن باز فروختن بود و اگر صابون

در حدیث

در حدیث

در حدیث

در حدیث

در حدیث

در حدیث

علیه السلام میخواند دلیل که تقاضای او درین مسلمان بود و کبریا و جود او را دوست دارد و میل تمام با ایشان بود صحیفه معنی
 دارد یکی نامه دوم دوم کاغذ سیوم پرده این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی مینوشت دلیل که میراث باید
 و اگر بیند که بر صحیفه کسی از بر خود چیزی مینوشت دلیل که از مردی دین دارد با امانت چیزی باید و اگر بیند که بر صحیفه خطی چیزی
 مینوشت دلیل که از مصیبت زد و چیزی باید و اگر بر صحیفه چیزی مینوشت دلیل که میراث رسد صدق کرمانی رحمه الله علیه
 صدق در خواب زن بود و اگر خواب بیند که صدق داشت دلیل که زنی خواهد یا کثیر یا خرد و اگر بیند که صدق ضایع شد دلیل که
 خادم او بگریزد و صدقه و اوان خلاف است معجز از ادرین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که عالمی صدقه دارد
 دلیل که از علم وی بمروم نفع رسد و اگر بیند که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه داری صدقه داد
 دلیل که شکر از آن کار آموزد کرمانی رحمه الله علیه گوید صدقه و اوان در خواب یعنی بود و خلاصی از پنج و سختی باید مغربی رحمه الله علیه
 اگر وام داری بیند که صدقه داد دلیل که وامش گذارد و شود اگر بیند که صدقه داد دلیل که آزاد گردد و اگر زن دانی بیند که صدقه داد
 دلیل که آزاد گردد و اگر زن دانی بیند که صدقه داد دلیل که خلاصی باید و اگر بخند بیند که صدقه داد دلیل که مسلمان شود فی الجمله صدقه
 و اوان در خواب بر سعادت و جهانی باشد صراط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که بر صراط ایستاده بود
 دلیل که کارهای کج بردست وی درست گردد زیرا که صراط راه راست است قوله تعالی وَ يَهْدِيكَ يَا حَسْبُ طَاهِرًا معنی
 اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که از بلای مرگ و بزرگ این گردد و اگر بیند که از صراط دور و فرج افتاد دلیل که در رنج و بلا افتاد
 افتد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
 دیدن صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صبحی کار سوم ترس چهارم رحمت از قبل سلطان پنجم گناه ششم نفقت
 صفحه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صفحه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی بیند که صفحه سرایش نو و پاکیزه و بلند بود دلیل که بر
 درازی عمر و سلامتی نفس مادر و پدر باشد و اگر بیند که صفحه بخت و در خواب شد دلیل بر بلا و پدر و مادر مغربی رحمه الله علیه
 اگر بیند که صفحه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر بیند که رخنه از جانب چپ بود دلیل که مادرش
 بیمار شود و اگر مادر و پدر نماند دلیل که او را غم داند و رسد صلوات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که صلوات
 بر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم میآید دلیل که حاجتهایش روا گردد و روزی بروی فراخ گردد و وفاتت کارش سعادت
 بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار میآید دلیل که حج کند و گویند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم را خواب بیند دلیل که
 سنتهای پیغمبر صلی الله علیه و سلم بجای آید و صبح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که صبح از درخت انجمن است که فضیلت آن خرد
 و اگر خواب بیند که صبح داشت یا بوی کسی داد و دلیل که بقدر آن از فضل مال کسی بخورد و اگر بیند که صبح بکسی داد و دلیل که از فضل
 مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمه الله علیه گوید صبح در خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان درخت نیست و استخفاف
 اگر صبح با مادر خورد و دلیل که از مردی بخنجر منفعت یا اگر صبح نزد او خورد و دلیل که از مردی بپای منفعت یا بدو اگر صبح سفیدان داشت

کتاب
الاضطباع
در
ضعیف

گوید صنی اکت در خواب بر سرته وجه بود یکی زن خادمه دوم کتیک سیوم منفعت از زمان حرف الضما و ضرابی ابن
سیرین رحمه الله علیه گوید ضرابی در خواب مردی باشد که سخنان خود را بنیاید و بفخر بازگوید اگر بخواب بیند که ضرابی میکرد
دلیل که سخنی چند بی اصل بیاید و لطیف و شیرین بگوید و اگر بیند که درم درویدی میزد و دلیل که بر سخنان درشت و ناخوش
بود که درم از آن سخنان برخیزد ضعیف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر بیند که سروی
شد دلیل که قدر و جاهش کم شود و اگر بیند که چشم وی ضعیف شد دلیل که درین ضعیف باشد و اگر بیند که گوشت وی
ضعیف شد دلیل که زرش یا خاوش بیمار شود و اگر بیند که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر بیند که دیش
ضعیف شد دلیل که سخنان باطل بگوید و اگر بیند که گردنش ضعیف شد دلیل که امانت کم گذارد و اگر بیند که قهای وی ضعیف شد
دلیل که عیبت مردم کند و اگر بیند که دست وی ضعیف شد دلیل که زرش بخورشد و اگر بیند که ساعدش ضعیف شد دلیل که در باقر
بیمار شود و اگر بیند که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و رای وی محال گردد و اگر بیند که پستان او ضعیف شد دلیل که پهن تو دارد
و اگر بیند که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیمار شود و اگر بیند که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنکس که پشت و سپاه او باشد ضعیف
و اگر بیند که سر وی ضعیف شد دلیل که حال متری از خویشان وی بد گردد و اگر بیند که ران وی ضعیف شد دلیل که کسی از خویشان وی
بیمار گردد و اگر بیند که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال او نقصان پذیرد و اگر بیند که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوگین گردد ضعیف
خینا را مالک بود و اگر بیند که در زمین خود تخم میکاشت دلیل که احوالش نیکو باشد و اگر بیند که ضعیف وی بوقت خود رسته بود دلیل که
در راه دین نیکو باشد و اگر بیند که همه ضعیف خود بفرخت و بهیاست دلیل که در رنج و غم افتد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خیر و صلاح
بود و اگر بیند که ضعیف خود آب و ان سید است دلیل که بقدر عمارت مال دنیا حاصل کند و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را نقصان مال
و اگر بیند که سیل ضعیف او را خراب کرد و دلیل که از قبل پادشاه مضرت رسد حرف الطاء طاس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید طاس و طاس
بن خادمه بود و یک کتیک خدمت خان که اگر بیند که طاس و دشت کسی بوی داد و دلیل خانه بخانه آرد و یک کتیک بخور و اگر بیند که طاس وی شکست دلیل
که بیند که ضعیف و با پیر و کانی رحمه الله علیه گوید طاس در خواب کتیک با سیرت بود و اگر بیند که طاس آب بوی داد و بخور و دلیل که او را از
ایمان شود و اگر مادر و پدر ندارد و دلیل که در خواب کتیک بگوید و فرزندی که باشد یا نداند و اگر بیند که آب بخت و طاس بیاعتنا بود و دلیل که فرزندی
در حضرت رسول صلی الله علیه و سلم میداد و طاس در خواب چهار وجه بود یکی زن دوم کتیک سیوم منفعت از زمان طایع ابن سیرین رحمه الله علیه
بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که صلاوت بسیار
مستهای پیغامبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد و صمغ در سر سیوم مال جمع کردن طاعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که
و اگر خواب بیند که صمغ یا بوی کسی داد و دلیل که بقدر آن علت طاعون بود و دلیل که در فتنه و بلا افتد مغربی رحمه الله علیه گوید که
مال خود چیزی کسی دهد مغربی رحمه الله علیه گوید صمغ در خواب منفعتی بگوید طاعون نزد خواب پادشاه عجم بود و اگر بیند که طاعون نزد
اگر صمغ با دام خورد و دلیل که از مردمی خیل منفعت یا دیگر صمغ نذر و اگر خورد

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

دلیل که از پادشاه عاهد و مال حاصل کند و اگر میند که طاوس ماده بود و دانه نکند و دست دلیل که زنی عجمی بزرگ با جمال بخواد و از مال
 و فرزندان حاصل کند که زنی رحمة الله علیه گوید اگر میند که طاوس با کبوتر جفت شد دلیل که قواگی کند و انیال علیه السلام گوید که
 طاوس در خواب زنی مغسده بود و اگر میند که طاوس زنی بادی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر میند که تذرو و طاوس با هم بود
 دلیل که بیکانه با عیال و فساد کند و اگر میند که طاوس از خانه وی پیروی دلیل که زنا طلاق دهد و اگر میند که طاوس را بکشت دلیل که از
 دشمنی و دشمنی بستاند و اگر میند که طاوس در دست داشت دلیل که مال و ثمن یابد و اگر میند که بچه طاوس را بکشت دلیل که
 او را دشمنی آید و اگر میند که طاوس زنا دوست وی پیروی دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاوس
 در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزینه و مال طبایخ در خواب مردی عربی بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند
 که طبایخی میگرد و آن طبع بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت یا بطلیق ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید طبق در خواب خادمی بود که کار مجلس ساز و وقت شادی و هر که دیر آید به پیشش او گردد و اگر میند که طبق بزرگ داشت
 دلیل که بدین صفت او را خادمی حاصل آید و اگر میند که طبق شکست دلیل که خادم او بمیرد و اگر میند که طبق بزرگ داشت
 بود آتش افتاد و بسوخت و دلیل که کینزکی و پاپرستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید بدین طبق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کینزک سوم غایب چهارم بدیه طبل ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید طبل در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر میند که باطل نای در قفس بود دلیل بر غم و صیدت باشد و اگر میند که طبل
 مسفر میزند و دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بدورسد که زانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که طبل میند و دلیل که کاری باطل
 کند و طبل در خواب مردی بود که دروغ آید است که طبلیب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که طلیبی بیمار را علاج کرد و دست
 شد دلیل که یکی را از راه فساد براه صلاح آورد و اگر میند که بیماری بر آنکس صعبتر شد تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که مردم
 را دار و او نافع آید و دلیل که علم گوید و پسند و مردم پسند وی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر دار و وی نافع نباشد
 بخلاف این بود و طلیبی کردن در خواب مردم مصحح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مضطر را صلاح تن و کسب حیثیت
 بود طعام و انیال علیه السلام گوید هر طعام و شراب که آزار رسیده باشد تا ویش بد بود مگر پالوده و غیره زیرا که جواهر حلوا از آن
 روغن و انگبین باشد و این هر دو در تا ویش مل بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر طعام که بخورون و شوار و سیمزه باشد باطل
 پنج دانه بود و هر چه ترش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عذیخش بود که زانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که طعام از زنا
 و سیم بست دلیل بر زیان مال باشد و اگر میند که طعامی در خانه داشت و همه بخورد و دلیل که عمرش بمرده باشد و اگر میند که چندان طعام
 بخورد که طاقت نداشت که بر خیزد و دلیل بر مرگ وی بود و اگر میند که مرده طعام میخورد و دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله عنه
 علیه گوید اگر میند که در ویش را طعام داد و دلیل که از غم و ترس و سیم رسیده گردد و اگر میند که کافرا طعام داد و دلیل که در کار دشمنان
 حقتعالی او یاری دهد و طعمه نیره زون بود و اگر میند که کسی را نیره زد و نیره در تن وی درون شد دلیل که آنکس بقدر آن جنم

و دشمنی اینکس و ردول دار و مغربی رحمه الله علیه گوید طعن زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد اگر میندکس را طعن زد و جای او را
دلیل که از سخن که در حق وی گوید او را در و حاصل آید و اگر در و نکرد تا ویش مخالف این بود طلاق این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند
که زن طلاق داد و او را یک زن بود و دلیل که از شرف و بزرگی افتد اگر او را زنی دیگر بود و بپای این زن و دلیل که از شرف و جاه بعضی
نقصان پذیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که زن را طلاق داد و دلیل که کاری کند که از ان پیشان شود و طلع که در و در خواب
توانگری بود و قوله تعالی و ان یقتربا یقرب الله کلا کما ینسبت طلع این سیرین رحمه الله علیه طلع بار خراب بود اگر میند
که یک طلع یاده یا سه فرا گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر میند که طلع خورد و دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر میند که طلع بسیار
داشت و از ان پیچر و و کسی میند و دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خشنود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع
در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم شدن مال تحصیل طلق این سیرین رحمه الله علیه گوید
طلاق اندک مایه سخنی بود که در کار ناز که جوهر وی از سنگ است اگر میند که از جانی طلق بسیار جمع میکرد و دلیل که او را بکسر حلیت
از سفر مال حاصل کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که طلق بخواند تن بالید و در میان التشریف و لذت نشیمن هیچ بوی بوی
دلیل که شتر پادشاه از وی دفع شود و اگر میند که طلق بخورد و دلیل که مال هر چه و سخنی حاصل کند و اگر میند که طلق از وی صانع
دلیل که مالش تلف شود و طنبور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در خانه و منزل خود طنبور میزد و دلیل که در آنجا نعمت
بود و اگر میند که طنبور وی بشکست و دلیل که توبه کند و اگر میند که طنبور میزد و دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی میند که او را
طنبور می شنید دلیل که سخن باطل شنیدن رضا و بد طوطی این سیرین رحمه الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود
کسی بخواب میند که طوطی از دست بی پرید و دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر میند که طوطی با وی سخن گفت و دلیل که سخنی
گوید یا کاری کند که مرد و از ان عجیب آید و طوطی ماده و خنثی و شیر بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد پار سا
اگر میند که طوطی ماده را بکشت و دلیل که دو شیرگی و خنثی میرد و اگر میند که طوطی از دوان یا از مقعد او بیرون آید و دلیل که او را فرزند
آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند و غلام دوم
و خنثی و شیر سوم شاکر و پارسا طوق این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در گردن او طوق بود از زار یا از سیم و دلیل که
آن ولایت یا بد و در ان انصاف نگا دارد و اگر میند که از آهمن بود و دلیل بر بی امانی و فساد دین بود که مانی رحمه الله علیه گوید
طوق در گردن خود میند و دلیل که دعوی بد و رخ کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق زین میند و دلیل که ولایت
یابد و اگر از مس یا از آهمن بود و دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوق در گردن در خواب شش
وجه بود یکی حج دوم ولایت سیم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کنیز و اگر طوق در گردن اسپ خود میند و دلیل که
از پادشاه مال و بزرگی یا بد طلیسان این سیرین رحمه الله علیه گوید طلیسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر میند که
نموده پاکیزه بود و دلیل که قدرش نیکو بوده اگر بخلاف این میند و دلیل که قدرش کم شود و اگر میند که طلیسان بدرید یا سوخت و دلیل که غریز

فولک
کلی

کلی

کلی

کلی

کلی

کلی

کلی

فراخ

سحر

حکایت

عاج

سحر

تخت

سحر

از آن اومید و انبیا علیہ السلام گوید و بدین طلیسان در خواب امانت و وایست و قوت بین بود و اگر بیند که طلیسان پاکیزه بود
و لیل که امانت بگذارد و اگر طلیسان چرکین بود و لیل که امانت در گذشت باز و اگر بیند که طلیسان زرد بود و لیل که او را غمی سخت
افتد مغربی رحمة الله علیه گوید طلیسان سدید در خواب فرزند مصلح بود و اگر سرخ بود و لیل که فرزندش معاش و طرب دوست دارد
و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین طلیسان در خواب برده و وجه بود و یکی
عزیز جاه و دوم ولایت سوم فرزند چهارم دولت پنجم بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین دهم ششمین حرف الظلم
ظلم کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر و ظلمی وقت لیل که بر ظلم کند نصرت یابد و اگر بیند که او بر کسی ظلم کرد و لیل که
انگس بروی خطیب یابد و اگر بیند که پادشاه بروی ظلم کرد و لیل که پادشاه بوی محتاج شود و اگر بیند که او بر پادشاه ظلم کرد و لیل که
از پادشاه مضرت یابد و سمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر چاره ظلم کرد و لیل که آن چاره را فزین کند و اگر خواجه
بیند که بر بنده ظلم کرد و لیل که از خواجه او را بلا و محنت رسد و ظلمات این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود
و بر و شانی بدل شد و لیل که راه دین بروی کشاده گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بر و شانی آمد و باز
در ظلمات رفت و لیل که منافق باشد قوله تعالی و اذ اظلم علیک فیه فاهوا و کوا شاء الله الایه مغربی رحمة الله علیه گوید
ظلمات در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که در بولانی ظلمات ظاهر شد و لیل که در انداز غم و اندوهی صبر یابد و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب برین وجه بود یکی که فروم تحیر سوم فروستن کار چهارم بدعت پنجم مخالفت اگر تو را بیند
که بدویشی آمد و لیل که زیادت شود و اگر درویشی بیند که تنو انگری رفت و لیل که کارش بد بود و حرف العین عیاج
این سیرین رحمة الله علیه گوید عیاج در خواب دولت بود و اگر بیند که عیاج داشت و لیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که عیاج او
ضایع شد و لیل که مالش ضایع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عیاج در صندوقی داشت و لیل که یکی از خویشان وی زنی
بزرگت خواهد و اگر بیند که دواتی از عیاج داشت و لیل که پادشاه او را کینگی عطا دهد و جاه یابد و اگر بیند که عیاج بشکست یا ضایع
شد و لیل که زن پاکیزه او هلاک گردد و هر چند که عیاج سپید تر و پاکتر باشد مال بیشتر بود عاریت کردن این سیرین رحمة الله علیه
علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند و لیل که ثابت شود و اگر چیزی بود
که دوست ندارند تا مدتی بخل فاسدین بود عیاج این سیرین رح که اگر جواب بیند که عاشق است و حریف بود و لیل ضیاع
و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود و لیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بیند که بر کسی خوب روی عاشق شده بود و اگر در آن
عشق نیت حرام بود و لیل بر شر و فساد و اگر در آن عشق نیت حلال بود و لیل بر خیر و صلاح بود و سمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که از معشوقی کام دل یافت و لیل بر خیر و منفعت بود و عالم اگر بیند که عالم یا فقیه شد و در اصل جاهل بود
و لیل که مردم سخن بکنند و در زبان مردم افتد به بدی و اگر عالم یا فقیه بود و لیل که علمش زیادت شود و اگر بیند که قاضی یا حکیم
یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی بگذشت که در آنجا ترس و بیم بود و لیل که مردم از موضع ترس و بیم این شوند و بپا

جلد ۱ و اگر عدد نو دیند دلیل که چند نزار نزار کان بکلی کند قوله تعالی **وَلَسَعُونَ نَجْتًا وَنَجْتًا**
 و احده و اگر عدد صد دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی **مَائَةٍ لَعَلُّوا مَائَتِينَ** و اگر سلطان خود را
 بیند که صد سوار با وی بود دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر کسی بیند که ویرا صد درم دادند دلیل که همتی نزار باز
 نهند و او را صد چوب بزنند قوله تعالی **فَاَجْلَدُوا كُلًّا وَاحِدًا مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ** و اگر بیند که کسی با او را
 صد دانه کندم یا چوب یا چیزی از دهنها داد و دلیل که او را خیر و برکت بود و عیش و روی فراخ گردد و قوله تعالی **فِي كُلِّ**
سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ و اگر عدد دویست دیند دلیل که دشمنان بروی
 ظفر یابد و اگر عدد سیصد دیند دلیل که بروز کار مرادش حاصل شود قوله تعالی **وَلَكِنَّهُمْ فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ**
سِنِينَ و از ناد و **فَالْيَسَاءُ** و اگر عدد چهار صد دیند دلیل که بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه
 و سلم فرمود که **خَيْرُ الْجُيُوشِ اَوْ لَجَّةُ الْاَفْ** یعنی بهترین خواها چهار صد و بهترین لشکر چهار صد هزار و اگر عدد پانصد
 دیند دلیل که کارش بر موقوف باشد و اگر عدد ششصد دیند دلیل که شاد شود و بمقصود رسد و اگر عدد هفتصد دیند
 دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت بر آید و اگر عدد هشتصد دیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر عدد نهصد دیند دلیل که دشمن
 بروی ظفر یابد و اگر عدد هزار دیند دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قدر کند قوله تعالی **وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ اَلْفٌ يَقْتُلُوا**
اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللّٰهِ و اگر عدد و هزار دیند دلیل که بد باشد و اگر عدد سته هزار دیند دلیل بر فیزی بود و قوله تعالی
يُكَتِّلُهُ الْاَلْفُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ و اگر عدد چهار هزار دیند دلیل بر قوت و نصرت باشد و اگر عدد پنج هزار دیند
 دلیل که مبارک و فرخنده بود و اگر عدد شش هزار دیند همین تاویل دارد و اگر عدد هفت هزار دیند دلیل که کارهای شاد
 گردد و اگر عدد هشت هزار دیند دلیل که کارش بنظام شود و اگر عدد نه هزار دیند دلیل که بد باشد و اگر عدد دوهزار دیند دلیل
 که نصرت و فیزی بود و اگر عدد بیست هزار دیند همین تاویل دارد و اگر عدد سی هزار دیند دلیل که نصرت و ظفر بدینک
 یابد و اگر عدد چهل هزار دیند دلیل که نصرت و ظفر یابد و اگر عدد پنجاه هزار دیند دلیل که سرخ و سختی و عجز فرماتد و قوله تعالی
وَمَقْلُ اَوْدَ خَمْسِينَ اَلْفًا سَنَةً و اگر عدد شصت هزار دیند دلیل که حرم و شادمان گردد و اگر عدد هفتاد هزار دیند
 دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد هشتاد هزار دیند دلیل که کارها بروی پوشیده گردد و اگر عدد نود هزار دیند دلیل که
 دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد صد هزار دیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی **وَاَوْسَلْنَا مَائَةَ اَلْفٍ اَوْ ثَمَانِيَةَ اَلْفٍ**
 عدد ستمت هزار تاویل عدس خلافت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که حضرت
 ابراهیم علیه السلام او را دوست داشتی که زمانی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل
 را از زمین و سلوئی طال گرفت از حق جل و علا عدس و سپر و پیا ز خواستند مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب
 نال بود که از زمان بومی رسد خاصه که گنجه بود و اگر خام بود دلیل بر مضرت و اندوه باشد عزا و هابن سیرین رحمه الله علیه

گوید اگر بیند که عاوه در شمن کافران می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر بیند که عسراوه
 در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که در زمین مسلمانان بخان ناهمسوار گوید و باشد که اهل اسلام را و غایب کند
 و اگر بیند که عاوه می انداخت دلیل که اهل آن موضع با عیبت کند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین رحمه الله علیه
 عرش در خواب میری بزرگ یا مال خواسته بسیار بود و اگر بیند که عرش آراسته بود دلیل که او را بامروی بزرگ صحبت
 افتد و عزت نصرت یابد و اگر عرش را حقیر بیند دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر عرش نشسته بیند دلیل که
 که او را بامروی بزرگ پیوندد و از وی حرمت و جاه بیند و اگر بیند که از عرش بریزد یا در مالش بخلاف این بود و چنانچه
 رضی الله عنه گوید و دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود یکی جناحی بزرگ دوم رخت سوم مرتبت چهارم عزت پنجم بزرگو
 عرش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که عرو داشت دلیل که بامروی هیل او را صحبت افتد و رخت
 عرو بتاویل مروی باشد که نیکی کمتر کند عرق کردن اگر کسی خواب بیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر
 عرق و یر از آن یافتن خاصه اگر عرق وی بر زمین می چکید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که جامه وی از
 عرق تر شده بود و دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود می خورد مال خود بخورد و اگر بیند که عرق
 سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود و کافانی رحمة
 الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روانی کند و اگر بیند که عرق می خورد دلیل که حاجتش روا شود
 و اگر باری بیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین گوید اگر کسی خواب بیند که عروسی بخاست و لیکن او را
 ندید و نامش ندانست دلیل که میرد یا کشته شود و اگر بیند که عروسی بخانه آورد و با وی نجات دلیل که بزرگی یابد و چیزی که
 ملک او نباشد ملک او شود و کافانی رحمه الله علیه گوید عروسی که در آنجا چنکت و چخانه و نامی باشد دلیل بر مصیبت
 بود و مخرمی رحمه الله علیه گوید اگر زنی خواب بیند که عروسی شد و او را نبرد و شوهر می بردند دلیل که عرش یا بخرسید
 باشد و اگر بیند که شوهر او را بست و با وی نیکی کرد دلیل که خیر و منفعت یابد و غل و در کردن از کاری بود و اگر بیند که
 پیر یا معزول کردند دلیل که خواری و بجز مستی سیاه و اگر بیند جوانی معزول کردند یا مالش بخلاف این بود و کافانی رحمة
 علیه گوید اگر بیند که متهرب یا معزول کردند و دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کاری کرد و دلیل بر کسب محبت کند یا مالش
 نقصان محبت می باشد و اگر کارش عملی بد بود که او را غل کردند و دلیل که دست از بدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد
 عسین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با عسین محبت ایشان مردمان مصلح بودند و دلیل که او را خیر و منفعت
 رسد و اگر بخلاف این بیند و دلیل بر شر و مضرت بود و اگر بیند که عسرا را بگرفت که نذر ساند دلیل که از مردم پادشاه
 بوی پنج رسد و اگر بیند که آن عسرا بوی طالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند کافانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عسرا
 وی بر کند یا بد بزرگان کرد و دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد و بجز مستی بیند و اگر بیند که از عسرا خیر نیکی کسی را

عسرا

عسرا

عسرا

عسرا

عسرا

عصا

عصا

عصا

عصا

عصا

عصا

نتوانست گرفت و دلیل که اندک کنایه بودی رسد عصا را بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که عصای میگرد و دلیل که
 بجاری مشغول گردد که او را شاگرد کند و نام نیکی و خیر برود و عصا بن سیرین رحمه الله علیه گوید عصا در خواب مردی بزرگوار
 با قدر بود و اگر ببیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی او و دلیل که او را از مردی بزرگ قدر و جاه پدید آید و اگر ببیند که
 عصای وی ضایع شد و پیش بخلاف این بود و اگر ببیند که شکسته بر عصا کرد و دلیل که بعد از آن مردی بزرگ آنچه میجوید
 گرفتاری رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که عصا در دست دراز شد و دلیل که بر او رسد و اگر گاه شد تا ویش بخلاف این بود و اگر
 ببیند که عصای خود بکسی بخشید و دلیل که بلاک شود و اگر ببیند که عصا با وی سخن گفت و دلیل که او را فرزندی آید و از او منفعت
 یا پدر جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن عصا در خواب برسته و بر وی یکی مردم بزرگوار دوم پادشاه سوم قوت عصا
 بن سیرین رحمه الله علیه گوید عصبه نوعی از حلاها با است و آن بهتر که زعفران بنمود و دیدن او در خواب نالی بود که عصبیت
 بدست آید و اگر ببیند که بقدر عصبه در دهن و بان و دلیل که سخن خوش بشنود و اگر ببیند که عصبه بسیار خورد و دلیل که مال
 بخصوص حاصل کند عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که چیزی او را عطا و او را متعجب باید که بر سر
 او را از این عطائی که دادند چه نوع بود و زیاده یا کم یا جائه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول زن یا مرد بود و چون جمله بپایانست اگر
 تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مردم آرزو و مست میبارد و دلیل که از آن عطائی که بوی داد نیکی بومی رسد و اگر عطا دهنده مجهول
 و دلیل که بسبب دنیا و اخاری رسد و اگر عطا بدهنده خطا بود و آنچه دروغ بود و اگر ببیند که عطا دهنده دیگر باز داد و دلیل که نیک است
 آن ببطا دهنده باز گردد و اگر ببیند که او را مسوده یا جائه یا چیزی شیرین عطا داد و دلیل که با کس پیوستگی کند و اگر عطا دهنده
 جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او بر عبت شد و دلیل که ایمان او خطر باشد و اگر جهود یا ترسا خواب ببیند که کس
 او را ترسا عطا داد و بر عبت بست و دلیل که مسلمان شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که کسی او را عطا داد و او نشکر گفت و دلیل
 که زیادتی مال و تندرستی بود و اگر شکر گفت تا ویش بخلاف این بود و معزنی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که عطا چیزی نیک بود
 و عطا دهنده دون بود تا ویش بد بود و عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که با خود بوی خوش داشت و او مال
 بود و دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر تو انگر بود و دلیل که از مال نفع رساند کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که
 خود عطا داشت و دلیل که مردم او را آفرین کنند و شاگرد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن عطر در خواب بر نه و وجه بود
 شای نیکو و دم سخن خوش سوم علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد کهیم هفتم مرد با فرزندش هشتم دین پاک نهم
 خوش عطا را اگر خواب ببیند که عطاری میگرد و دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر ببیند که مردم بوی خوش میفروخت و دلیل
 و عده دهد و لیکن خلاف کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که با مردم عطا رود و شای نشانی شد و دلیل که مردم
 او را نفع خوش گویند و نام او را شود عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که عطسه او و الحمد لله گفت
 و دلیل که اگر بیمار است او را بطیب احتیاج افتد و اگر تندرست ببیند و دلیل که کسی حاجتش واکند و بر وی منت نهد و اگر ببیند

تجرب

عقل

تجرب

عقل

عقل

عقل

که تبه با عطره وادولیل برنگی و قمری بود و اگر بینه که عطره بسیار وادولیل که مرادش بدشواری برآید و اگر بینه که عطره وادولیل بینی
 بازگشتن گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بینه که چون عطره وادولیل را از بینی بازگرفت و روان شد دلیل که دردی بخی زشت گویند و اگر
 بینه که عطره آید و چند وادولیل که از جگر آن چند وادولیل که از جگر آن آید که بدان حیوان منسوب باشد که آنی رحمة الله علیه گوید
 اگر عطره در خواب با سانی وادولیل که مال آنسانی بدست آید و اگر عطره بدشوار وادولیل که مال بدشواری بدست آورد و عقل
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام و دانند که عقل نیست اگر بیند و خواب
 آن باشد و دلیل که او را با فرزند پادشاه صحبت یافته و از و خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 عقل خود را بدین صورت بیند و دلیل که بخت روی بپوشی بند و غرو جاه یابد و تو انگر شود و انیال علیه السلام گوید عقل و خواب بخت
 و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام دلیل که بخت و دولت یار او شود و مغربی رحمة الله علیه
 عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غائب باشند و زنده بودند و دلیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند و دلیل که و عا
 و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مروی پیش حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آمد گفت بچای دیدم که مال جان
 من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بجان من درآمدند و هر سه بنشینیم و بشرباب شغول کشتم رسول صلی الله علیه و سلم
 فرمود که عقل قسمت این جهان است و جان قسمت آن جهان کار تو بر او شود و اگر بینه که عقل و جان نیزه و لجاج میکردند و دلیل که باطل
 و لایب مناعت کند جعفر صادق رضی الله عنه که عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت دوم مادر و
 سیدم فرزند یا پادشاه چهارم مال و نعمت عقیق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی وادولیل
 با بزرگی مصاحب شود و از و خیر یابد و اگر بینه که عقیق از و ضایع شد وایش بخلاف این بود و اگر بینه که بخواب عقیق داشت و از و
 چیزی بخوابد و دلیل که او را فرزند آید که شرف و بزرگی و جاه یابد و علت کند بود و اگر بینه که علت برایش نداد و دلیل که بخت
 در مال و نقصان شود و اگر بینه که علت میخواشد و دلیل که مالی بخصومت و گفتگو یابد علم در خواب مروی و انما یا امام زاهد بود و شخصی مرده
 بوی افتد کند و اگر بینه که علم در دست داشت دلیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم با کسی آشنایند و از وی راحت یابد و اگر بینه
 که علم از دست وی بقیما و یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و اگر آنی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب دلیل بر ضرر بود و اگر بینه
 که علمی بوی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یا بد خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه
 که علمی سپید بزرگ و درست داشت دلیل که با مردی توانگر صالح او را صحبت یافته و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بینه که علمی سبز
 بدست دلیل که زاهد و دیندار شود و اگر بینه که علمی سیاه داشت دلیل که قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
 علم در خواب بر چهار وجه بود یکی متروک مردم سفر سیدم جاه چهارم نیکی احوال عمارت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند
 که در جایگاهی خواب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد و دلیل بر صلاح دین و ثواب آن جهان بود و اگر بینه که بر زمین خواب
 شده بود و از بهر خوار عمارت میکرد و چون سرای و دوکان و مانند این دلیل که فایده اینجهانی یابد و اگر بینه که جای معروفسه بود و در آن

شد دلیل که در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در جائی محروفت و مشهور و معروف میگردد دلیل که از ان مقام خود
صلاح و منفعت بقدر عمارت ان مقام باید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح نهی
دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش کارهای بسته عمارتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب
که در عمارتی نشسته بود و عمارتی وی بر ستر یا بر اسپ بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر بنید عمارتی بیفتاد و یا از عمارت
بیرون شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عمارتی نشانده دلیل که بزرگی میوزد
و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارتی در خواب بر هفت وجه بود یکی
بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با همشری محمود و ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید عود در خواب مردی درست و راست بود و مختار گویند که پنجهای سخت باشد و اگر بیند که عودی بر کسی زو دلیل
که سختی سخت کسی گوید و اگر بیند که محمود آهین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که محمود از دست
بستند تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عود در خواب بر سه وجه بود یکی مرد درست دوم عمارت
سخت و برشت سوم همشری بزرگ عتاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب داشت و میخورد دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بیند که عتاب نجسی داد و دلیل که از او بد آنس مال رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب از درخت جمع
میکرد و دلیل که بقدر آن مال نجسی حاصل کند عیسای ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عیسای داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد
بیند که عیسای جمع میکند و با ربیافت دلیل که بقدر هست خویش ولایت یابد و اگر بیند که عیسای بی و او دلیل که از او بد آنس منفعت
رسد و اگر بیند که عیسای از وی ضایع شد دلیل که مایه نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عیسای دلیل که بجای او نیکی کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عود در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم شایستگی
عقدا نوعی از او بود چون چنگ و بر لب و مانند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عقدا میزد دلیل که باطن سخن محال
رضاد دهد و اگر بیماری بیند که عقدا بشکست یا بیفتد دلیل که از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عقدا میزد دلیل که زود میرد
عشکبوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عشکبوت در خواب مردی ضعیف و گمراهی و عاهی بود و بعضی مختار گویند که خواب
بود و اگر بیند که عشکبوت از وی دور شد و دلیل که از مردی جلا هم دور شود عود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عود بر
پسوخ و دلیل که از او خیر و منفعت یابد و عود در خواب مردی خوب دوی و لطیف طبع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عود
داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از پادشاهت یا بد و هر چند که عود خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عود در
بر چهار وجه بود یکی مردی خوب دوی دوم سخن خوش سوم ثناء و آفرین چهارم مال منفعت عود و سوز ابن سیرین رحمه الله
گوید عود سوز در خواب کینک یا فربنگ یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عود سوز سپید روی باشد و دلیل که غلام یا کینک از سر
ترس باشد و اگر از مس بود و دلیل که از اصل جهو باشد اگر از آهن بود از اصل کبران باشد و اگر بیند که عود سوز بشکست یا ضایع شد

خبر السعید

عادی

عادی

عادی

عادی

عادی

عادی

عادی

عادی

عادی

عادی

در بیان

حکایت

در بیان

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

دلیل که غلام یا کنیز آن شود عورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مرد و او
 مسیدند دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشید دلیل که ستر او زود پوشیده گردد و معتبر آن
 گویند اگر بیند که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید و دلیل که اگر بپای بود شفا یابد و اگر اوام دارد دلیل که ویش گذارد
 شود و اگر ترس دارد دلیل که ایمن گردد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیند که عورت او برهنه بود و بیدار شد و از آن سر نه
 شد دلیل که آن حال بد بحال نیک آید و اگر بیند که عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت گردد
 یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد و عید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عید قربان بود و دلیل که او را بامری
 کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود و دلیل که او را بامری عاید از اهل صحبت افتد و منفعت دینی باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بیند که عید بود و مردم آن سیرین آمدند و دلیل که از زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود دلیل که شرف او بماند
 گردد عاشر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بیند دلیل که کار گاری یابد و که تعالی اکمل لکم
 دینکم و اتممت علیکم نعمتی و اگر در خواب سه سال و ماه و روز بیند سال و ماه و روز مردی نجات و مبارک بود و دلیل بر خیر و صلاح
 حرف الغین غار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که در کاری سخت گرفتار
 و اگر بیند که در غار شد و زود بیرون آمد و دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در غار
 و آن غار روشن بود و دلیل که او را برزخاند و بعضی گویند که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون آمد و دلیل که برنج
 شود و شفا یابد غارت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمتی می غارت کرد و دلیل که غم و مصیبت بود
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام و یا کفر را گرفت و غارت کرد و دلیل که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بیند که
 لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند و دلیل که غم و اندوه مسلمانان از آن رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب
 بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زبان سوم غم و اندوه چهارم نرخ از آن خالیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غالیه در خواب
 فرسنگ و نام آور بود اگر بیند که غالیه کسی را و دلیل که آنکس را از وی ادب و فریبگاه آموزد کرمانی رحمه الله علیه گوید غالیه نشان
 حج بود و معتبر آن گویند که غالیه یالی باشد که از حضرت بد رسد و اگر بیند که غالیه یافت و دلیل که از زنی یا از مردی باز گان منفعت یابد
 و اگر بیند که کسی چشم وی غالیه مالید و دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند و اگر بیند که کسی بر بنا گوش وی غالیه مالید
 که او را مستمیر و غلوی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرسنگ دوم ثناء
 و فرین سوم حج اسلام چهارم مال و خوسته پنجم خیر و منفعت غایب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که غایبی از سفر
 نزدیکی آمد و دلیل که نامه و یا خبر لغایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد و دلیل که نامه و خبر نزد او نشان وی برسد و خبر
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد و دلیل که کار بسته بروی کشاده گردد و اگر بیند که غایبش ترسیده
 و متفکر بود و ناویش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد و دلیل که غایبش زود با نعمت و مال باز آید و اگر

خبر

ع

خبر

ع

خبر

ع

خبر

ع

خبر

ع

خبر

ع

خبر

ع

خبر

ع

که در میان ایشان فرقت افتد و اگر بیند که خود را از جناب بشت دلیل که شغلش تمام شود مغرب رحمة الله علیه گوید غسل کردن در آن
از جناب دلیل بر پاکی از نور و بر نیاید و نقصان که بشتن از جناب پدید آید دلیل بر دین و روح شود غل این سیر
رحمة الله علیه گوید دیدن غل در خواب کفر باشد و پیشین بناحق بود اگر بیند که غل در گردن داشت دلیل که کافر میزد و اگر بیند که غل
گردن بندست شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که غل در گردن و بند بر پای داشت دلیل که کافر بود و دعوی مسلمان می برد
کنند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غل بر دستها داشت دلیل بر کجی او کند قوله تعالی و قال لا یهودی الا یهودی یذا الله مخلصا و الله
عظمت ایدیهکم و لعنوا جمعا قالوا و مقصود از غل نخل است ابن عباس رضی الله عنه معبران گویند چون مرد صالح غل در گردن
بیند دلیل که دست از کارش بردارد و غلاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غلاف در خواب زن بود اگر بیند که غلاف شیر شکست
و شمشیر و اسلامت بماند دلیل که فرزند اسلامت از مادر بیرون آید و مادر پاک شود و غلاف کار و بهر حکم دارد غلام ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غلام شده بود دلیل که بگاری سخت افتد و در آن رنجور شود و اگر بیند که غلامی بگریخت یا بگریزد دلیل که در آن کار نیکی
بود که مانی رحمة الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود قوله تعالی و کثیر ناکبناکم حکیم و در جای دیگر فرمود یا فاشی هذا
غلاما جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که غلام یا کثیر می فروخت دلیل که نیک بود و اگر بیند که میخرد بد باشد و اگر بیند
غلام و کثیر اگر زود می ستاند بد بود و اگر اجناس تنانیک باشد غلبه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که
غلبه کرد دلیل که بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که خصم بر وی غالب شود غم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب فرج
و شادی بود و اگر بیند که غلبه شده بود دلیل که فرج یا بد و برادر برسد مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندوگین شده بود دلیل که
بقدر آن مال یا بد و اگر بیند که از غم بسته بود تا ویش بخلاف این بود غنیمت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غنیمت یافتن در خواب
اگر مال کاوان بود دلیل که زرخیز گران گردد و اگر بیند که مسلمانان از دیار کاوان غنیمت آوردند دلیل که در آن دیار که غنیمت بخا
بردند نعمت شود و زرخیزان از آن شود و اگر بیند که کاوان از دیار مسلمانان غنیمت آوردند دلیل که بقدر آن او را منفعت حاصل
خواص ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بد یا فرو رفت و مر و آید بد آورد و دلیل که بقدر آن علم و دان آید
و از مال سلطان راحت یا بد و اگر بیند که بد یا یافت و هیچ نیارد و دلیل که بعلم او محتاج مشغول گردد و لیکن فایده نیابد و اگر بیند که
از قصر در آید و دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یا بد غوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که غوره
بوقت خود میخورد و دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد و لیکن پادشاه بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غوره
میخورد و دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که غوره بفرخت یا کسی را و از آن هیچ نخورد و دلیل که اندویش کند بود و اگر غوره بگشت
بخته بود بهتر باشد غوک و در غر و حرف او شرح آن گفته شود حرف الفاء فاخته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فاخته
در خواب زنی ناقص دین بد مهر بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بد دین به چنان بخوابد که
بیند که بچه فاخته گرفت و دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که گشت فاخته میخورد و دلیل که بقدر آن مال نستاند و چ که کند که آن رحمة

فرمان

نارنج

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

سجده

علیه که بد فاخته فرزند بی دروغ زن بود و اگر میند که فاخته بر بام وی با یک یکبار کرد و دلیل که خبر غایتش بود و اگر دوبار با یک کرد بهتر بود و اگر سه بار با یک کرد بغایت نیک بود و اگر میند که فاخته باز باغ برود و بخانه وی در آمدند دلیل که در در خانه وی در آمد و کالای او را
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن فاخته در خواب برسته و چه بود یکی زن دوم فرزند سیدم خادم قال گرفتن ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که قال گرفت و قال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر میند که قال گیری میکرد دلیل که انگشتر بدست
 بسیار خور و جعفر صادق رضی الله عنه گوید قال گرفتن در خواب برسته و چه بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مرد سوم حاجت
 روا شدن اگر قال نیک بود و اگر بد باشد نا و طیش بخلاف این بود و قالوده اگر عفران بود بیماری بود و دیدن قالوده
 رنج و خصومت بود بقدر آن آفتی که بروی رسیده باشد اگر میند که قالوده در دهان نهاد دلیل که سختی لطیف گوید و اگر میند که
 قالوده بکسی داد و دلیل که با انگشتر سختی خوش گوید یا از بهر وی کاری کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید قالوده در خواب بر چهار وجه
 بود یکی سخن خوش دوم مال سوم منفعت چهارم با جنک کاری که بر آید بشواری بود فام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 میند که فام بروی بود دلیل که حج کند و اگر نمازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتی در گردن دارد و باز ساند و اگر وام دارد
 دلیل که بگذارد و فتنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که از جایگاهی بایل شد دلیل که ابل آید یا بخداوند تبارک و تعالی
 باز گردد و اگر نانی رحمه الله علیه گوید اگر از ده چهرگی میند دلیل در انداختن و بلا افتد یکی تاریکی دوم آتش سوم باد شتر چهارم باد
 گرم پنجم سیاهی آفتاب و ششم سیاهی غبار هفتم باران هشتم بر کندن درختان نهم بر سرخ پایسیاه و دهم جامه سرخ و زر و پوشیدن
 فراخی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که از جایگاهی تنگ بفرخی آمد یا از سختی آسانی رسید دلیل که از غم پیغم شود و از
 اندوه فرج یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که خانه بروی فراخ شد دلیل که روزی از عیال از وی فراخ گردد و اگر میند که خانه بروی
 تنگ شد دلیل که روزی بروی و عیال از وی تنگ گردد و اگر میند که خانه بروی تنگ شد و باز فراخ شد دلیل که راه دین و
 شربت بروی مستقیم شود فی الجمله فراخ شدن چیزهای تنگ دلیل بر کشایش کار با بود و برکت و چیزهای فراخ شدن ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید فراخ در خواب دلاله بود که از بهر کسی زن خواهد فرج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که او را
 همچون زن فرج بود دلیل که خوار و بیچاره گردد و اگر میند که کسی با وی محامبت کرد دلیل که حاجت از وی روا شود و اگر دوزن
 میند که ایشان از یک فرج است دلیل که هر دوزن از یک کس باشد که نانی رحمه الله علیه گوید اگر زنی میند که فرج وی از آن زن
 مس بود دلیل که از یافتن مراد نا امید شود و اگر مردی میند که فرج از تن وی پس بود دلیل که آن زن چیزی دوست دارد که رضای
 حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی میند که فرج وی بریده شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی میند که از فرجش بی بیرون آمد دلیل که
 او را و ختری آید و اگر زنی میند که از فرج او گریه بیرون آمد دلیل که او را فرزند از دوز و از هنر پدید آید و اگر زنی میند که از فرج او بیرون
 بیرون آمد دلیل که او را و ختری نابکار آید و اگر زنی میند که از فرج او بیرون آمد دلیل که او را و ختری بیرون آمد و اگر میند که از فرج او بیرون
 بیرون آمد دلیل که او را و ختری بیرون آمد و اگر میند که از فرج او بیرون آمد دلیل که او را و ختری بیرون آمد و اگر میند که از فرج او بیرون

خواجه

جی

کتاب

الاول

جهت آید و اگر بنید که از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مغلس و تنگ دست گرد و اگر بنید که از فرج وی کنج بیرون آمد دلیل که شوهرش
 دور دوست دارد و اگر بنید که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت حیض با وی مجامعت کند و اگر بنید که از فرج وی
 ریم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید و اگر بنید که از فرج او آبی تیره بیرون آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر بنید
 که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال بدو اگر بنید که از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهانند
 و اگر بنید که کسی فرج وی بنزد دلیل که آنرا نکس منفعت یا بدست معطل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید که بر فرج وی موی
 رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خواندگی میهن شود و اگر بنید که بر فرج وی موی نبود دلیل که شاد شود و اگر بنید که
 فرج وی آما سیده بود دلیل که مال بدو اگر زنی بنید که او را بجای فرج قضیب بود اگر آستین بود دلیل که پسر آرد و نماند اگر آستین
 نبود دلیل که پسرش میرد و اگر بنید که از فرج وی گوهر یا مروارید بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید و فرجی بن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر کنج بنید که فرجی پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج و بزرگی یا بدو اگر فرجی چرکین که منته بود تا ویش بخلاف این بود
 اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که فرجی از دیبا بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد ولیکن با مردم پارسا بود و دیبا بی نیک
 از ملون بود و فرجی که باس و بر شیم دلیل بر زیادت وین بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که فرجی زمان پوشیده بود دلیل
 که او را ملامت رسد و اگر بنید که در آن فرجی با کسی مجامعت کرد و دلیل که حاجتش روا شود آنرا نکس که با وی مجامعت کرد و استعجل
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل که بر دینداری و امانت و پارسائی کند و اگر بنید که فرجی سیاه پوشیده
 بود اگر عالم بود دلیل بر راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد اگر فرجی زرد پوشیده بود و یا در بر داشت دلیل بر
 مصیبت و غم و نماند و فرزند این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بنید او را و دختری آمد دلیل که خیر و راحت یا بدو از این
 بیت شادمان شود و اگر بنید که پسری آمد دلیل که دختری و اگر بنید که دختری آمد دلیل که پسری آید و مغربی رحمه الله علیه گوید
 اگر بنید که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بسته دلیل که بیا رشود استمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بنید که در جانی
 افکنده بیافت یا کسی بوی داد و دلیل که از جای نیک امید ندارد و چیزی بوی رسد فرعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بنید که یکی از فرعونان را تقدم یا از پادشاهی تقدم شود در شهری در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون علیه السلام در آن ظاهر گردد و اگر بنید که
 تقدم می در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آن ظاهر گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که فرعون عظامی بود یا
 یا خلعتی و اگر بنید دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یا بد فرعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را بگویند پسر دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید و اگر کسی گوید که ویکت گردان شود
 یعنی بر چند باشد و اگر بنید که بدو گفته که نانی بشکن یعنی برادر از ناخوش دارد و اگر بنید که کسی گوید که گندم بفروش یعنی
 بدو اگر بنید که گویند میان زار بنده یعنی فایده برگیر از کاره اگر بنید که گویند توقف کن یعنی بر دشمنان خیر خواهی باشد اگر بنید
 که کسی گوید یا تشکم باش یعنی مال نگه دار تا در ویش نشود و اگر بنید که گویند چراغ برافروز یعنی مال خرج کن و اگر بنید که گویند

بسته یعنی بخوابد و اگر بیدار نشود که بیدار نشود بجا برینی با خلق خدای نیکوئی کن و اگر بیدار نشود کسی گویش کن یعنی بیدار نشود
باز کرد و اگر بیدار نشود که بیدار نشود بجا برینی با خلق خدای نیکوئی کن و اگر بیدار نشود کسی گویش کن یعنی بیدار نشود
دلیل که شرف و بزرگی از ورا پل گردد و مالش نقصان شود و اگر بیدار نشود از پایه زردبان بزرگ دلیل که در دینش نقصان شود
خاصه که زردبان از کل بود و اگر زردبان از کچ و سنگ باشد دلیل که مالش نقصان شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر
که نگویم فرو و آمد اگر پیش پادشاه بود دلیل که از جهاد شود و در حرمت و جاهش نقصان پذیرد و اگر از پل فرو و آمد دلیل که
بندی اندر نعمت او نقصان شود و فرو ختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر چه در شرح و راه دین عزیز بود و فرو ختن آن
بد بود و اگر بخوابد یعنی که مصحف کلام الله را فروخت دلیل که دین مسلمان از او خوار بود که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار نشود
که بیدار نشود و از بفر و ختن دلیل که حرمت و بزرگی او از زمانان باشد و درشت نام کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار نشود
بفر و ختن آنچه خیر شود و فرو فی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر فرو فی خیر و صلاح بود و نیک بود و لیکن چیزی که در آن
و فساد باشد بود که فرو فی دین و دین تن از زبان نادر و نیک بود و هر چند که فرو فی نیک دلیل که مال غنیمت بیاید و اگر فرو فی تن و دین
رسد دلیل که نقصان و بخر و بیاری و خوشتر از این سیرین رحمه الله علیه گوید ختن در خواب آن نعمت بود اگر بیدار نشود که نضر متقی داشت
و بخور و دلیل که بقدر آن مال نعمت بود و اگر بیدار نشود که مغر متقی داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد مغربی رحمه الله علیه
علیه گوید اگر بیدار نشود که نضر متقی بود و او اند دلیل که مال نعمت یابد فقاع خوردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فقاع
خوردن در خواب دلیل بر خیر و منفعت بود و از قبل خا و میکه بوی رسد و اگر بیدار نشود که فقاع بخورد و دلیل که از خا و می خیر و منفعت
یابد و اگر بیدار نشود که فقاع کسی داد و دلیل که با نیکس منفعت رساند و اگر بیدار نشود که کوزه فقاع بیفتد و بر نیکس لیس که او را
زیانی رسد که تانی رحمه الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب خدمت کردن مردم بود و اگر بیدار نشود که فقاع خورد و دلیل که خدمت
مردی سفله کند و اگر بیدار نشود که فقاع خورد و شیرین بود و دلیل که از او منفعت یابد و اگر ترش و ناخوش بود و دلیل که او از زبان
و مضرت رسد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید فقاع خوردن در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم کوب
سوم خدمت کردن چهارم مرد سفله فقیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار نشود که فقیه و فاضل شده بود و سخن او
نزد علایق قبول بود و دلیل که شرف و بزرگی یابد و ناامید یار به نیکس منفعت گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار نشود
آمی خود را بخواب فقیه بیدار نشود که عوان شود و اگر خود را بخواب عالم تمام بیدار نشود که فاضل شود و فلاخن ابن سیرین رحمه الله علیه
علیه گوید اگر بیدار نشود که فلاخن کسی انداخت دلیل که با نیکس نفرین کند و اگر بیدار نشود که کسی سنگ فلاخن بروی انداخت دلیل که نیکس
بر روی نفرین کند و اگر بیدار نشود که تمام از سنگ فلاخن خسته شد و دلیل که از نفرین آفتی بوی رسد و بخور گردد و فلاوس ابن سیرین
رحمه الله علیه گوید فلاوس در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیدار نشود که فلاوس داشت دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیدار نشود
بسیار داشت دلیل که در غمی سخت گرفتار شود و اگر بیدار نشود که فلاوسها از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و مغربی رحمه الله علیه

بسته یعنی بخوابد
باز کرد و اگر بیدار نشود
دلیل که شرف و بزرگی
خاصه که زردبان از کل
که نگویم فرو و آمد
بندی اندر نعمت او
بد بود و اگر بخوابد
که بیدار نشود و از بفر
و بخور و دلیل که بقدر
علیه گوید اگر بیدار
خوردن در خواب
یابد و اگر بیدار نشود
زیانی رسد که تانی
مردی سفله کند
و مضرت رسد
سوم خدمت کردن
نزد علایق قبول
آمی خود را بخواب
علیه گوید اگر بیدار
بر روی نفرین کند
رحمه الله علیه گوید
بسیار داشت دلیل

فصل

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

علیه گوید غلوس در خوابیدن دلیل بر مغلسی بود فندقی در خواب دیدن مال بود اگر کسی بخواب بیند که فندقی داشت دلیل
که از مردی بخیل منفعت یابد اگر بیند که بخوابد فندقی داشت دلیل که او را با کسی خصوصت افتد که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغلف
شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد فنگب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فنگب در خواب مردی غریب توانگر و آسوده
با خلق بود و پوست و موسی و استخوان از وی مال خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بیند که فنگب مطبخ
نبود دلیل که فایده نیابد و اگر بیند که فنگب با بکشت و پوست و براب کند و گوشت ویران بکند دلیل که مال مردی غریب تلف کند
و اگر بیند که فنگب را خبیه کرد و از گردن او خون روان شد دلیل که دو شیرگی و ختری غریب بستاند و اگر بیند که فنگب بسیار بر وی جمع شد
و از ایشان کز نشید دلیل که در میان گروهی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند حضرت یاقوت ابن سیرین رحمه الله علیه
گوید اگر کسی بخواب بیند که فواق آمد دلیل که ششم گیرد و دشنام دهد و سخن بآسرا گوید که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهنگام نان خورد
و از فواق پدید آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که او را فواق پیاپی می آید دلیل که بی حقی بر کسی خشم گیرد و اگر بیند که فواق او با بکشت
بود دلیل که دروغ گوید و بدان دروغ او را علامت رسد و اگر بیند که فواق نرم و آهسته بود دلیل که بر کسی خشم گیرد و لیکن زود بآزاید
و اگر بیند که فواق میگرد و هر چه بود بر آورد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد فود و خمیر خشک باشد که از آن آبگامه سازند و بپزند
وی در خواب غم و اندوه و دود و اگر بیند که فود میخورد دلیل که بسبب کاری متفکر گردد و فود در خواب جنگ و خصومت با دشمنان
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فوده در خواب بیخ و بیچ و بی باری و دم غم و اندوه سیوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسازگار
بر عیال فوطه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب شادی و آسانی بود و اگر بیند که فوطه از پشه بود که داشت
دلیل بر راحت دین و دنیا وی بود که باید خاصه چون نو فواج بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود و تا ویش بخلاف این بود که آتی رحمة
الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و بیند و مستور بود و دلیل بر زیادتی
ترا بود و اگر بیند که خواب مضطرب بود و دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر جامه فوطه یا دوشاه بیند
دلیل که عدل داد آرد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشیده دلیل که حکم برستی کند و اگر شرک بیند مسلمان شود و اگر فاق بیند
نائب گردد و اگر دزد بیند توبه کند و راه صلاح جوید حرف القاف قاضی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که قاضی شده در میان خلق و اوری میکرد و از اهل قضا نبود و دلیل که در بیخ و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر فست
باشد او را قضاطی بطریق برینند و مالش تلف شود و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیند که خواب عالم نبود و جوان بود و بسفر
بسلامت باز آید که آتی رحمة الله علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخواب بیند دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی
مجهول بیند که نشسته بود و او کسی را وری داشت و در میان ایشان حکم کرد و هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی و الله
يُحْكُمُ لَكُمْ لَمَّا كُنْتُمْ لَهَا كُنُفٌ وَ لَكُمْ فِيهَا حَقٌّ وَ لَكُمْ فِيهَا حَقٌّ وَ لَكُمْ فِيهَا حَقٌّ وَ لَكُمْ فِيهَا حَقٌّ وَ لَكُمْ فِيهَا حَقٌّ وَ لَكُمْ فِيهَا حَقٌّ
و اگر بیند که قاضی بر وی حکم کرد و همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی تر از و در دست داشت دلیل که در میان خلق حکم بر آید

و اگر میند که قاضی مهربان و شفقت بر او نگاه کرد و با وی ملطف و مدارا سخن گفت و دلیل که او را نزد اهل علم حرمت و جواد نبود و خوار و فرومایه
 میند که ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر تا بقافله سوسی خانه می آمد و دلیل که کار بسته وی کشاده کرد و و از خویشان دور شود و قابل
 کالبد بود این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر قابل کفش میبازد و در خواب میبید و دلیل که زن و خانواده کم کارهای وی درست دارند و اگر میند
 که قابلی در پشت و دلیل که خادمی او را حاصل آید و اگر میند که قابل شکست یا بسوخت و دلیل که آنجا دم خانه او هلاک شود و مغربی رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر میند که قابل بسیار داشت و دلیل که او را از خادمان خیر و شفقت رسد و اگر میند که کفش و زرباموزه و وزبویه و دلیل که بهتر است
 قالی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که قالی بزرگ از زبویه یا فکنده بود و دانست که ملک و پست و دلیل که برود از عی شمر
 و فراخی روزی بود و اگر میند که بر تاقان نشسته بود و در جانی بیکانه ندانست که آن جایگاه کیست و دلیل که دنیا بروی متغیر شود و در غایت
 برود که تاقی رحمه الله علیه گوید اگر میند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود و دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود و مغربی رحمه الله علیه
 اگر میند که قالی در چیده بود و دروش داشت و دلیل که از جانی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قالی بزرگتر و فراختر
 باشد سعادت و روزی بیشتر و بهتر بود و اگر میند که بر قالی کوچک نشسته بود و در زبویه فراخ شده و دلیل که عیش و روزی وی فراخ گردد
 و اگر خلاف این میند دلیل که عیش و روزی بروی دشوار گردد و اگر میند که قالی گسترده بود و بدست خود در نوشت و در کج خانه نهاد
 و دلیل که دولت و اقبال و غایت و کند و اگر میند که قالی بر پشت نهاده و میرد و دلیل که بزره بسیار کند و انبیا علیه السلام گوید اگر میند که قالی
 کوچک و سبب بود و دلیل که روزی بروی تنگ شود و اما عمرش دراز شود و اگر میند که قالی سبب و پاکیزه داشت و دلیل که روزی بروی فراخ شود
 و اگر میند که قالی در خانه کسی فکنده بود و دلیل که خداوند آنخانه را و دولت اقبال بود و اگر میند که در خانه مجهول قالی فکنده بود و دلیل که سفر
 کند و مال و نعمت یابد و قبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قبا می کر پاس در خواب پناه و وقت و سفر بود و اگر میند که قبا می کر پاس
 فراخ پوشیده بود و دلیل که از غنای فراخ یا بد و اگر میند که قبا می حریر پوشیده بود و در خواب کرد و بود و مگر که با سلاح پوشیده بود و اما از
 مردی بزرگ شرف و منزلت یابد که تاقی رحمه الله علیه گوید اگر میند قبا پوشیده و محراب میرفت بر دشمن ظفر یا بد و اگر میند که قبا می
 سبب پوشیده بود و دلیل که روشنائی یابد و اگر میند که مصیبت باشد و اگر سیاه بود و نم و نازده باشد و اگر ملون بود کارش نفع نام گردد
 و اگر قبا می کهنه و دریده بود و دلیل که در نزاع و در مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که قبا می عجبی داشت اگر اهل آن قبا باشد و دلیل که
 بواند و بود و اگر میند که قبا می پستین سیاه و سپید پوشیده بود و دلیل که زنی توانگر بزرنی کند و اگر میند که قبا از پوست رو باه بود و دلیل که
 از قی بار سبب بزرنی کند و اگر قبا از پوست سمور بود و دلیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قبا در خواب بر شش و چوب
 چوبی پناه و دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست قبا له ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواند
 که قباله و خط داشت و دلیل که بقدر خط و قباله او را حکمت حاصل شود و اگر میند که پادشاه خط و قباله بوی داد و دلیل که او را آن
 گرداند و اگر میند که قاضی قباله بوی داد و دلیل که علم شیخ او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباله در خواب بر شش و چوب
 چوبی ریاست و دوم حکمت سیوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت قبا له ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قبا له در خواب در کمال

خوشتر بود و کف قبان و خواست نای بود و زبانه اش فروزی بود و وقت گذاردن حکم مغربی رحمه الله علیه که یقیناً در خواب قاضی بود اگر
 بیند که قبلی داشت و دلیل که با وکیل قاضی اورا صحبت افتد و اگر بیند که قبان چیری می سخت دلیل که قاضی را با او صحبت نیست
 قبله ابن سیرین رحمه الله گوید اگر بیند که قبله گذاشت و بجانب شرق نماز گذارد و دلیل که بر او حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بیند که
 قبله نشاخت و دلیل که در راه دین سرگشته و تخیر گردیده و قبه کند بود و در حرف کاف بیان کنیم قحج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بیند که قحج آب یا جلاب داشت و از آن بخورد و دلیل که زن بخوابد یا اینکه خود و فرزند صالح و پارسا بیارند و اگر بیند که آب
 بر ریخت و قحج باز و دلیل که فرزند میر و زن سلامت باشد و اگر بیند که قحج شکست و آب ریخت و دلیل که فرزند و زن هر دو میرند
 و اگر بیند که قدی بود و از آن بخورد و دلیل که او را فرزندی بد کرد و آید و از و محنتی بد و درسد و اگر قدی تپی بخواب بیند و دلیل که او را فرزند
 نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید قحج در خواب برسته و وجه بود یکی زن و دم کینیک سوم خادم که شرک خویش خانه بود
 قدید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قدید در خواب اگر گویند بود و دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسپ بود و دلیل بر غنیمت بود
 سپاه بود و اگر گوشت چارپایان و شتی بود و غنیمت بود و بیابانی بود و خوردن گوشت قدید خیر نباشد قرآن خواندن در خواب
 و دلیل بر حاکم است اگر بخواب بیند که آیه رحمت و بشارت از حق سبحانه و تعالی پس واجب بود که خیرات کند و شکر حق تعالی جل و علا
 بگذارد و اگر بیند که آیه عذاب میخواند دلیل که بر خشم و غضب خدا تعالی عزوجل بود و توبه کردن باید و بخداوند تبارک تعالی باز
 گردیدن و اگر بیند که آیه تخصص و امثال میخواند و دلیل که موصییت کند که رانی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که نیمه قرآن میخواند
 و دلیل که یک نیمه از عمر گذشته بود و اگر بیند که حافظ قرآن شد و دلیل که امانت نگهدارد و اگر بیند که آواز قرآن می شنید و دلیل که کار
 در راه دین نیکو گردد و اگر بیند که کسی قرآن وی میخواند و او از آن هیچ فهم نمیکرد و دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسد مغربی رحمه الله
 علیه گوید اگر بیند که جمله قرآن ختم کرد و دلیل که مراد با بیاید و بعضی از مجتهدان گویند عشرت چه رسیده باشد و اگر بیند که قرآن با او
 بلند میخواند و دلیل که کاش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بیند که یاد دارد که کدام آیه میخواند و دلیل که تفسیر آیه تعبیر
 باشد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چهار یک قرآن میخواند و دلیل که کار وی نیکو گردد و اگر بیند که از اعراف نامیر
 بخواند و دلیل که در میان خلق مشهور گردد و اگر بیند که از مرقا سوره التاس خاند همه حاجات وی بر آید و اگر بیند که تمام سی پاره
 قرآن خواند و دلیل که سال و ماه بروی مبارک باشد و اگر بیند که هفت سی پاره قرآن خواند و دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر
 کسی قرآن خواند و بخواب بیند که قرآن میخواند و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد قوله تعالی افرجه کما بک کفی نفیس
 علیک الیوم حسینا اگر بیند که برهنه بود و قرآن میخواند و دلیل که مراد بود و اگر بیند که بجایگاه پاک و پاکیزه میخواند و دلیل که در عقاب
 خلل پیدا شده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامتی یافتن از آفتادوم
 تا اگر کسی بعد از رویشی سوم مراد و کام دل یافتن چهارم بیداری و پرستش گاری فرمودن کسانی را که مستور باشند و در میان
 حجت ایشان را بعذاب و عقوبت قربان کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که اشتراک یا با او سپند قربان

6

6

100

5

کرد و دلیل که اگر بنده بود آواز شود و اگر در پنج و بلا و محنت گرفتار بود و شفا یابد و اگر بنده بود و خلاصی یابد و اگر در ویش بود تو اگر شود و اگر ترس
 و اگر و این کرد و اگر و ارم و در ویش گذارده شود اگر چه مکرده باشد حج بگذارد و اگر بنده که بصره اجبت قربان فتنه بود و دلیل که آنکه
 از چیزی ترسند این گردند و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر خط و تنگی بود بفرمانی بدل شود و خاصه که این خواب نزدیک عید قربان
 باشد تا ویش زد و ترس کند که رمانی رحمة الله علیه گوید اگر بنده که گوشت قربانی مردم قسمت میکرد و دلیل که مردی چشم آنجا میزد و دلیل
 قسمت کند و اگر بنده که گوشت بدزدید و دلیل که بر خداوند تعالی خود جل و روغ گوید و قربان در خواب بشارت بود و قوله تعالی و
 كُنْ تَرَاهُ بِأَيْضِ نَفْسِي مِنَ الصَّالِحِينَ وَبَارِكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اسْمِهِ اگر خداوند خواب ندن بود حاله پس صلوات بر محمد و آله
 صلوات بر رضی الله عنه گوید تا ویش قربان در خواب بر شش و چهار بود یکی اینی از ترس دوم حاصل شدن مراد و حاجات سوم چیز
 چهارم چشم زوال خط و تنگی قرا به ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرا به در خواب کنده پیری بود که مال و خواسته بدو سپارند و اگر
 در قرا به آب یا جلاب یا چیزی که خوردنش حلال بود بنده دلیل که آن کنده پیر حلال خوار بود و اگر بنده که در قرا به چیزی بود که حرامی
 و دلیل که آن کنده پیر حرام خوار بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنده که قرا به داشت دلیل که او را با کنده پیری صحبت افتد و اگر بنده
 که از قرا به آب یا جلاب خورد و دلیل که او را از کنده پیر خیر و منفعت رسد و اگر از قرا به چیزی ترش خورد و دلیل که غم و اندوه خورد و
 قرا به بختی هیچ خبر و شتر نرسد و اگر بنده که قرا به شکست دلیل که از آن کنده پیر جدا گردد و قرا به فضل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
 و فضل در خواب شنای نیکو بود و اگر بنده که قرا به بسیار داشت و هر کس عطا داد و دلیل که اهل اندیا بر روی شنا گویند و نامش پیر شتر
 گرد و اگر بنده که قرا به میخورد و دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد قرا به ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرا به بر ششم چون سپید باشد
 بر نعمت جهانی باشد و اگر زرد بود و دلیل بر بیماری کند و دیدن بر ششم بخت بهتر از خام بود و اگر بنده که بر ششم یا قرا به سوخت یا صانع
 شد و دلیل که دیر از بانی رسد و اگر بنده که قرا به بر ششم داشت و سفید بود و علت وی بود و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بنده که بهتر باشد و اگر
 سرخ بود و مراد از آب باشد و اگر سیاه یا کبود بود و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بنده که از پیر شتر بر ششم داشت دلیل که او را زهر دگرگی شاع
 و بر ششم مراد از آردین کرده بود و زمار ناسک باشد قضا بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنده که قسط دیز خود میسوخت و دود
 میکرد و دلیل که مردم آن ولایت او را میخ و شنا گویند و نامش و اندیا بر نیکی شتر گرد و اگر دود کننده و ناخوش بود تا ویش نجف
 این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بنده که قسط میخورد و دلیل که نمکین شود و قسمت کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بنده که میان بی
 چیزی قسمت میکرد و دلیل که میان خلق انصاف را نگاه دارد و اگر بنده که مال خود بخیر و صلاح قسمت کرد و دلیل که او را فرزندان آید و مال برایش
 قسمت کند و اگر بنده که مال خود بشتر و قسمت میکرد و دلیل که مال وی تنه شود و اگر بنده که کسی برضای او قسمت کرد و اگر بعد
 یا قضا و دلیل که خیر و شر آن بوی باز گردد و قضا بن سیرین رحمة الله علیه گوید قضا بن سیرین رحمة الله علیه گوید قضا بن سیرین رحمة الله علیه
 که قضا بن سیرین رحمة الله علیه گوید که در آنجا کسی نمیدارد و اگر بنده که او قضا بن سیرین رحمة الله علیه گوید که او قضا بن سیرین رحمة الله علیه
 که با قضا بن سیرین رحمة الله علیه گوید که او با ظالمی صحبت افتد که رمانی رحمة الله علیه گوید اگر بنده که قضا بن سیرین رحمة الله علیه گوید که او قضا بن سیرین رحمة الله علیه

علیه گوید اگر بیند که قفلی محکم بر جانی نهاده و دلیل که مال خود بمصلح سپارد و اگر بیند که قفلش است و ضعیف بود تا پیش
 بخلاف آنکه جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قفل در خواب بر شش وجه بود یکی ساختن کار و دوم قوت سوم حجت چهارم
 منفعت پنجم زن ششم عتاد بر کسی مصلح داشتن قلعه در بود در حرف و ال ذکرش رفته است قلم معجزان در تامل
 قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم امر حق است و خدا تعالی را بقلم و لوح محفوظ نیاز نیست مغربی چشمه
 علیه گوید قلم فرشته است که بفرمان خدا تعالی جل و علی کار کرد و اگر کسی قلم را بصورت که هست بیند دلیل
 که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و حق تعالی جل و علا قلم را داده است **وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُ** و اگر بیند که قلم بر دست
 گرفت دلیل که او را فرزند بی حاصل عالم آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بران قلم در دست داشت چشمه
 نبشت دلیل که علم آموزد و قوله تعالی **عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم** جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قلم در خواب پنج
 وجه بود یکی امر حق تعالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار یا پنجم قلم را خامر گویند و شرح آن در حرف خدا یا دیگر
 قلمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلمی که باب بخت باشد بهتر از آنکه بی آب بخت باشد و هر چند که قلم خوشتر بود و منفعت آن بهتر
 باشد و اگر قلعه از گوشت و فربه باشد و خور و دلیل که در آن سال از ترس بیم بین بود و اگر از گوشت فربه یا زغال خور و دلیل که مالی اندک
 یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قلعه از گوشت سب خور و دلیل که مال از پادشاه و برنج و سختی بدست آرد و اگر از گوشت آرد
 خور و دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آرد و اگر قلعه از گوشت سی خور و دلیل که از جنت زنان بکر مال بدست آرد و اگر از
 خواب بید بود و دلیل بر عظم و اندوه کند و اگر بیند که قلعه از گوشت چهار پانی خور و دلیل که مال حرام خور و متع
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید متع کوچک در خواب غلام و کینه بود و متع بزرگ و بی مرتبه کند و اگر بیند که متع کوچک بخورد
 یا کسی بومی و او دلیل که غلام یا کینه کوچک بخورد و اگر بیند که متع او بشکست یا ضایع شد و دلیل که او را هیچ چیز بر می
 سفر رفت افتد و اگر بیند که متع او سپین بود و دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که متع او آهین
 بود و دلیل که با مردی قوی دایمی و شجاع صحبت افتد و از و خیر و منفعت یابد و قند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قند
 و دلیل که بتجیل کاری کند که از آنکار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پاره قند در دهان او نهاد و دلیل که او را بوسه دهد و اگر بیند که خرفه
 قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند می فروخت و دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن آن
 قندیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قندیل فروخته توفیق عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر کسی بخواب بیند که در خانه
 قندیل فروخته و بخت بود و دلیل که زنی صالحه یا رسا بخوابد و اگر این خواب زنی بید طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید قندیل فروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خواستن دوم توفیق سوم غرور و دولت چهارم کشش
 در کارهای بسته و قندیل نافرخته دیدن منفعت اندک بود و قنوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که قنوت
 خواند دلیل که مردم روح و تن او بیدار و جانش رو اگر در و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند و دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند

در حدیث

در حدیث

که حاصل بود از درگاه حق تعالی حاجتهای او برآید و اگر بیند که مستعد بود دلیل که از بزرگی کارهای دنیای حق برای قسینه بن بخت
رحمة الله علیه گوید قسینه در خواب خادمی بود که طبع خانه بد و بسیار بزرگ کسی بخواب بیند که قسینه داشت و در وی آب بود و این
یا چیزی که خوردن آن حلال بود و آن میخورد و دلیل که مال حلال یا بد و اگر قسینه چیزی حرام بود و آن میخورد و دلیل که او را از آن حرام
چیزی حاصل شود و اگر بیند که قسینه شکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد که تا می رحمة الله علیه گوید قسینه در خواب خادمی
بود که چیزی را بر دست وی باشد قیامت این سرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که قیامت بود و دلیل که حق سبحانه و تعالی
روانیا را غرگسترده گرداند و اگر اهل اندیاز عالم باشد دلیل که اخفی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل اندیاز مظلوم باشد دلیل که مقتضای
غرض جل ایشانرا نصرت دهد و اگر بیند که اهل اندیاز پیش حق تعالی جل علا ایستاده بود و ندولیل بر خشم و عدا حق تعالی جل علا باشد که
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بر خاست اگر مظلوم باشد و دلیل که بر عالم دست یابد و از غم رسته گردد و اگر بیند که علامتی باشد
چنانکه آفتاب در غرب برآمد یا بحال و یا حوج و یا حوج پیدا شدند باید که توبه کند و بخت تعالی گراید و اگر بیند که گور با شکافت و مرد و یا
بیرون آمد و دلیل که بر دشمن نظر یابد و اگر بیند که او را بر تخت باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی جل علا بدو و اگر بیند که دنیا
گد بود و دلیل که در غفلت بود و قوله تعالی اقرب للناس حسبه انهم غفلت معرضون اگر بیند که با وی شمار کرد و دلیل
که او را زیان برسد قوله تعالی فحاسبنا ها حسبا یا شدیدا و عد بنا ها عذابا نكرا و اگر بیند که راه را به سختی
وی یکی زیادت آمد و دلیل که سر انجام کار وی نیکو شود و قوله تعالی فمن ثقلت موازينه قال اولئك هم المفلحون
و اگر بیند که بی وی بیشتر از یکی بود و دلیل که سر انجام کار وی بد بود و قوله تعالی ومن ثقلت موازينه قال اولئك هم المفلحون
انفسهم في جهنم خالدون اگر بیند که ترازوی وی سنگین بود و نامه وی بدست راست داشت و دلیل که وی برادر است
بود و قوله تعالی و انزلنا معهم الكتاب و التيزان ليعوم الناس بالقسط و اگر بیند که نامه کردار وی داده و
که بر خوان اگر اهل صلاح بود کارش نیکو شود و اگر اهل فساد بود بر خطر باشد و قوله تعالی اقرا كتابك كفى بنفسك اتقوا
اگر بیند که بر صراط است و دلیل که برادر است میرو و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت هم راه راست بود و حقیقتا در حق
الله عنه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سیوم نظریافتن بر دشمنان چهارم اقبال
و خامت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این بود قیصر این سرین ج گوید اگر کسی بخواب بیند که قیروشت دلیل که بقدر آن نیست
در روزی یا بدین قری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیصر بسیار داشت و بخانه برد و دلیل که بقدر آن نعمت بخانه برود و اگر بیند که قیصر را خانه
بیرون افکند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که در قیوالتش افتاد و بسوخت و دلیل که پادشاه او را مصاره کند و بالش رساند و اگر
بیند که قیصر میخورد و دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی خبران گویند که او را غم زدستی کردن این سرین ج گوید اگر کسی بخواب بیند
که قی میگرد و آسان بر وی آمد و دلیل که توبه کند و اگر بیند که قی توانست کردن یا در وقت برآمدن باز جانی رفت و دلیل که از توبه
باز گردد و در سر انجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد و گویند که قی میگرد و میخورد و دلیل که از بخت چیزی علیل

در حدیث

در حدیث

از کاف

نصفه کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قی میگرد و طعم او ترش و ناخوش بود دلیل که بعد از توبه بر سر گناه رود و اگر بیند که بهنگام
قی کردن چیزی از شکم وی بزبان آید دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بغم بر آرد و دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار
بر آرد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که صغیر بر آرد و دلیل که از بچه بماند و اگر بر چه در شکم بود بر آرد و دلیل که هلاک شود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید قی کردن در خواب برشش وجه بود یکی توبه دوم پیشانی سیوم نصرت چهارم از غم رستن پنجم امانت باز دادن
ششم کارهای بسته گشاده شدن و اگر بیند که قی کرده و مجز و دلیل که چیزی بکشد و از آن گس باز نماند و حرف الکاحاف
کاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاجی بر وزن کجند و شکوفه و روغن بادام خور و دلیل که بعد از آن
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر وزن و انگبین میخورد و دلیل که بعد از آن راحت یابد و اگر بیند که کاجی بر وزن و ماست میخورد و دلیل که
از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کاجی بخیزی ترش میخورد و دلیل بر غم و اندیشه بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند
که کاجی بخیزی شیرین میخورد و دلیل که او را مال باستانی بدست آید و اگر بیند که بخیزی ترش میخورد و دلیل که غم و اندوه بود و بعد ترشی
کار و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کار و فرزند باشد و نیام کار و زدن بود اگر کسی بخواب بیند که کار و دوست داشت و دوست
از آن ویت و دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کار و صلاح دیگر داشت و دلیل که بزرگی و منزلت یابد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند
که سلاجی پوشیده و گاوی درست داشت و دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار و گری آمد و مغربی رحمه الله علیه
علیه گوید اگر بیند که کار و از نیام بر کشید و دلیل که زرش سپری آرد و اگر بیند که کار و در نیام شکست و دلیل که پندار و یا یکی از خویشان
پدرش بمیرد و اگر بیند که اندام خود را بکار و بخت و دلیل که بعد از جنگی اندام او را زاین رسد و اگر بیند که بکار و چیزی تراشید و دلیل
که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کار و او رخنه افتاده بود یا زنگ گرفت یا علی در و ظاهر شد و دلیل که نقصان مال بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدن کار و در خواب بر هفت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سپه و طفر چهارم پناه پنجم برادر ششم
توانایی هفتم و لانت کارزار کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کارزار کردن در خواب علت طاعون بود و اگر کسی
بخواب بیند که کارزار میگرد و دلیل که او را از علت طاعون بچم بود و اگر در کارزار دشمن را قتل کرد و دلیل که از علت طاعون
یابد و اگر در کارزار دشمن بروی چهره گشت و دلیل که بعد از طاعون هلاک شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کار
با کسی بشیر جنگ میگرد و یکی از ایشان فرصت یافت و دلیل بر خصومت بود و آنرا طفر بود که فرصت یافته بود و اگر کارزار نیم
میگرد و همین تاویل وار و اگر تیر و کمان کارزار میگرد و دلیل که میان ایشان زبان گفتگوئی شود کارزار می ابن سیرین رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که کاری میگرد و اگر کارزار نبود و دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چون جامه بنام وایل غم و اندیشه بود
و کار پاک کننده چرک است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامه و دشتن بر
و دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه دریده و بدخت و دلیل که باز توبه کند و اگر بیند که او بشستن سپید شد و دلیل که از توبه عمل
و رستگاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید نشد و دلیل که همواره در گناه باشد و مغربی رحمه الله علیه گوید که کار و در خواب بر روی

کاجی

کار

از کاف

از کاف

و ان شاء الله

و ان شاء الله

و ان شاء الله

و ان شاء الله

و ان شاء الله

که بدست وی خیرات و حسنات هر دو برود و از هر کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر در خواب مردی باشد
که غم و اندوه از دل مردم بر دوازی سبب بخت آن گویند چون کسی بخواب بنشیند که جامه میپوشد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد
و از گناهان توبه کند خاصه که جامه را سفید بشود کار دنیا کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنشیند که کار
میکرد دلیل بر فساد و نقصان دین وی بود و اگر بنشیند که کار دین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال جهانی تمکین بود
و اگر بنشیند که کار دنیاوی است شده دلیل که با جانش نزو یک باشد و اگر بخلاف این بنشیند عمرش دراز بود و اگر بنشیند که کار دنیا
مشغول بود که او را غیور و از آن منفعت نبود دلیل که بکاری مشغول شود که در آن خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بنشیند که امر وی بکاری نیست و در راه نیست دلیل که مخالف دین بود قوله تعالی **فَرَحَ الْخَالِقُونَ بِمَقْعَدِ هِمِّ خَلْدِ**
النَّبِيِّ الله کاروان این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنشیند که با کاروان در راه بود و باطل آن کاروان صلاح
و پارسا بود دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بنشیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تا ویش بخلاف این بود که
بنشیند که سوار بود و برکت تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بنشیند که در کاروان پیاده بود و برکت نداشت تا ویش بخلاف
این بود که فانی رحمه الله علیه گوید اگر بنشیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کار دنیا بروی کشاده گردد و اگر بخلاف این بنشیند دلیل که کار دنیا
بسته گردد و کار میرزا این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنشیند که در جایگاهی معروف کار تری میکند دلیل که با کسان خود که
و حیلست سازد و این تاویل وقتی بود که بچندن کار نیز آب پیدا نشود و چون آب پیدا یابد و روان گشت حکم کار نیز کندن زمین بجا یابد
که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بنشیند که از کار نیز آب می ستد دلیل که بکر و حیلست مال جمع کند خاصه که کار نیز وی کند باشد منفعت
بقدر آنکه از برادر وی رسد و اگر بنشیند که آب از کار نیز برداشت و در خیمت یا در سبک و دلیل بر مالی باشد که خرج کند و اگر بنشیند که
کار نیز افتاد و دلیل که در بکر و حیلست افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنشیند که باغ را از کار نیز آب می آید دلیل که با بن خود بجا محبت کند و
کار نیز بدین در خواب مردی بود که کار دنیا بکر و حیلست ساز کند کاسه این سیرین رحمه الله علیه گوید کاسه جوهری در وی بود
بود و بخورد و بهر آن از سفر روزی حلال یابد و کاسه خالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندگی و بیچارگی بود که فانی رحمه الله
علیه گوید کاسه طعام خاوی بود با برکت منفعت که بدست وی خیرات رود و مال بوقت حاجت متنت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی
خردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبتی بود و کاسه آبلینه دلیل بر آن کند و کاسه سی و سبز
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنشیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و شیرین داشت دلیل که نعمتی مالی یابد و اگر چیزی ترش
و ناخوش بنشیند دلیل بر غم و اندیشه بود کاسه این سیرین رحمه الله علیه گوید که کاغذ در خواب ثل و بزرگی بود اگر بنشیند که کاغذ سفید و پاکیزه داشت
دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و اگر بنشیند که کاغذ وی در آب بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال و نقصان
شود و کمانی رحمه الله علیه گوید که کاغذ در خواب علم و دانش بود اگر کاغذ و اندخاب پارسا بود و اگر بنشیند که کاغذ بسیار داشت دلیل که در فضل
علم شهرت یابد و اگر کاغذ و اندخاب مفسد و باطل بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین کاغذ در خواب بر چنان

بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم که و حلیت کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که فور در خواب لیل بر نفس پاک بود
 بود روز را حق اگر بیند که کا فور سیاحت و از آن بوی ناخوش می آمد لیل که نیکوئی کند با کسی و از آن منت نذر و اگر بیند که اندکی کا فور
 و لیل که بشمار شش و بیاید و اگر کا فور بسیار یافت و لیل که مال و منفعت بسیار یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین کا فور در خواب
 بر منفعت و جد بود یکی مرد عالم دوم زن سوم و دست چهارم که نیکو خبر و بی چشم مال بسیار ششم شاد و آفرین و سخنهای خوب هفتم شش
 نفس کا فور سبزه غم نباشد که شکوه او زرد بود و از وی بوی کا فور آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود و لیل که روح و شمای او در دنیا
 مجموع مردم باشد و اگر بیند که کا فور سبزه غم از جانی بر کند دلیل که از آن موضع شمای او منقطع شود و اگر بیند که کا فور سبزه غم مجز و دلیل که او را
 غم و اندوه رست جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین کا فور سبزه غم در خواب بوشنیش برشته بود یکی شاد و آفرین و دوم نفع اندک سوم غم
 لطیف نهمین و گفتن کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کا فور شده است دلیل که او را بابت کفر بیل باشد اگر بیند
 که که برشته و آتش برستید دلیل که بخداوند تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نوره شجاع نداشت دلیل که مال حرام جوید و دین خود را مال
 حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کا فور خواب برسته و جد بود یکی میل کفر داشتن دوم صحبت با مردم و بشن و با بچه مقادیر
 نشست و خواست کردن سوم خداوند تبارک و تعالی بروی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور می چنان
 و از شد که کلوی اندر آزی او بسته شد دلیل که دنیا حریص بود و در مرغیت کند که کافی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بلائی می
 بریزد لب بود دلیل که کا فور بوی بسته بود و اگر بیند که کا فور در آتش شده بود و بریده میشد دلیل که بر تن حرص و از بگوید و
 را غیبت نکند کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کا فور خواب جمله و لیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که کا فور میخورد و دلیل که بقدر
 ریح و اندوه بوی رسد و اگر کا فور کسی داد و او بخورد و دلیل که نفس از وی رنجور دل کرد و دو غم و اندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید که کا فور بخورد و برسته و جد بود یکی غم و اندوه دوم مصرت سیدم خصوصت و گفتگوی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 کا فور خواب مال نعمت بسیار بود و خاصه که کا فور گندم باشد و اگر بیند که کا فور بسیار داشت و در خانه میخشد دلیل که مال و نعمت حال
 بسیار حاصل کند و اگر بیند که کا فور بود آنچه گفتیم که از آن باشد که کافی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کا فور دانی رفت و داند که کت است
 و لیل که توافر شود و مراد و جانی یا بد معرخی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کا فوران او افتاد و کا فور او سبخت و دلیل که او را
 او را مصداق کند و مال و خوشه از وی بستاند و اگر بیند که چهار پائی کا فور و دلیل که بجهد مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید بدین کا فور خواب برسته و جد بود یکی مال حلال دوم کسب عیشت سیوم کام دل و شادای کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 اگر کسی بخواب بیند که کا فور شیرین بوقت خود میخورد و دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر بیند که کا فور می تلخ بود و دلیل که حضرت وزیان بین
 و اگر بیند که کا فور تلخ و نیکو بود و دلیل که با کسی گفتگوی کند کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور میخورد و دلیل که او را
 و خوشه یا بد اگر بیند که کا فور بسیار داشت و دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بیند که کا فور بر خورشت و دلیل که او را تنگ
 رسد که کافی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بود و دلیل که مالی اندک یا بد و خیر و نفع در او اندک باشد کا فور و انبیا علیه السلام

و

اگر کسی خواب ببیند که بر کاوشسته بود و کاوازان او بود و دلیل که از پادشاه عمل گیرد و نفع بسیار از وی بیاید خاصه چون کاوشگاه باشد و اگر کاوش نبرد و ببیند دلیل که بیاید بود و اگر ببیند که کاوشی نزارد و خانه وی در آمد و دلیل که حقیقتی در خیر و روزی بروی کشاود
 لیکن اندیش سپری نکرد و اگر ببیند که کاوان نر بسیار داشت دلیل که غلامان بسیار نه بر دست وی شوند و او در کار ایشان بکند و اگر ببیند که کاوشی نزارد و بسرو نبرد و از سرش بیرون برود دلیل که از غلامان او را حضرت رسد و او خود را معزول گرداند
 و اگر ببیند که کاوشی نزارد و بسرو نبرد و از سرش بیرون برود دلیل که بعد بر سر وی غلامش که مال عمل می کند و اگر در اندامی از اندامها
 وی افزون ببیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان ببیند تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید که کاوش
 در خواب عمل بود و پوست او میراثش عامل بود و مردم کاوش خرید و فروخت نیز عامل بود و اگر ببیند که دنبال کاوش نبرد و سر می
 درآمد دلیل که مال بسیار با بد و روزی او فراخ شود و اگر در کچه خویش کاوان بسیار ببیند دلیل که ممتگر گردد و در کار او خیر است
 و برکت پدید آید و اگر کاوشی نزارد و بسرو نبرد و ببیند خاوب صاحب عمل بود و دلیل که معزول گردد و اگر
 باز رگان بود دلیل که زیان او را بد شاه بود و از ملک بختد و اگر ببیند که کاوش نبرد و او ببیند و دلیل که کسی بروی سر
 و بزرگی کند و در غل وی کوشد و مغربی رحمة الله علیه گوید که اگر ببیند که کاوش نزارد و بسرو نبرد و ببیند که در دزد و کاوش
 عامل بود و دلیل که مردی بزرگنازان که چه بکشد و اگر ببیند که کاوش نداشت و کوشش او بخورد و دلیل که خداوند کاوش را نکند
 و مالش نماند و اگر ببیند که کاوشی بکشد که نه کاوش بود و دلیل که مردم محتشم در آن موضع میرند و اگر کاوان بسیار نرود و محکم
 ببیند که در آن موضع آمد و شد میکرد و دلیل که مردم آن موضع در آنسال باری کشند چون لاغر باشند اگر کاوش نبرد باشد و دلیل که
 و از زانی بوده و اگر ببیند که کاوان زمین را پیش کاوشند و دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که اگر
 که با کاوش بکشد و دلیل که او را با ممتی جنگ افتد این میرن رحمة الله علیه گوید که کاوش خواب سال بود و اگر کاوش و ببیند دلیل که در
 آنسال فراخی و نفعی و اگر کاوش لاغر باشد تا ویش بخلاف این بود و کوشش موده کاوش و فراخی در آنسال بود و پوست وی
 از خیر باشد و اگر ببیند که موده کاوش بر مسدود شده و از شیر میخورد و دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده ببیند از در دزد و دلیل که
 گردد و اگر از در ببیند مردم بی نیاز شود و اگر خجاری ببیند عزیز گردد و اگر ببیند که موده کاوش و آبستن بود و دلیل که بر مسدود می بود و حقا سحر رحمة الله علیه
 گوید که ببیند که گوشت کاوش بخورد و دلیل که در آنسال زنی تو اگر زنی کند و اگر ببیند که موده کاوش بدو شید و از آن شیر میخورد و دلیل که مال با جمع کند و
 از آن خیری بخورد و اگر ببیند که موده کاوش با دوی سخن گفت و دلیل که پیش وی فراخ گردد و اگر ببیند که موده کاوشی بی نیاز بود و اگر ببیند که موده
 از وی بگرداند و دلیل که آنسال وی بداند و اگر ببیند که موده کاوشی نشسته بود و ببیند که دلیل که حال بروی تنگ گردد و اگر ببیند که موده کاوش بکشد و دلیل که در آنسال
 خصوصت کند و اگر ببیند که موده کاوش در آن زمین میخورد و دلیل که در آنسال مال نعمت بود و اگر ببیند که موده کاوش را بر دلیل که عیالش با وی خجاست و اگر ببیند که
 موده کاوش ناگاه در خانه او درآمد و دلیل که ناگاه مال بدو میخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که موده کاوش در خواب شیرین
 یکی قرآن روانی دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکی ششم سال نیکی و هفتمی که مانی رحمة الله علیه گوید که کاوشی در خواب

و

که کبوتر بچشم و اند و در اول قبل زنی که نویسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که کبوتر بسیار در خانه او بود و ندلیل که او را
 فرزندان بسیار شود و نیز کند که او را مال بسیار از دست زنان حاصل شود و معرقی رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زمان آید و بود که اگر بیند
 که کبوتر گسار بجلیت گرفت دلیل که بقدر آن مال بکارد و حلیت حاصل کند و اگر بیند که کبوتر از نو پیش وی آمد و مطیع وی شد دلیل که
 از جانی که امید دارد بدو منفعت رسد و اگر بیند که کبوتر بر اطعام او دلیل که زنی را سخن فحش کند و اگر بیند که کبوتر از بسیار جمع شده
 و دانست که ملک است دلیل بر ریاست و سروری کند و بهترین کبوتران در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سفید خام باشد
 و خداوند خواب زن باشد دلیل که شوهری کند یا از او ختری را بدو که بوی تر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند که کبوتر خانه و چرا
 جای زمان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کبوتر در خواب بیخ و جبه بود یکی زن و دوم کثیرک سوم مال چهارم نامه غائب
 پنجم ریاست و معبران گویند کبوتر در خواب هر کوی درم بود که بیاید بختاب خواندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بیند که کتاب بنویسد دلیل که در راه دین و دگر اید و کارهای بسته بر وی کشا دهد و اگر بیند که کتاب فقه میخواند دلیل
 از کارهای ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که کتاب اخبار میخواند دلیل که نزد پادشاه صاحب دای شود و اگر بیند که کتاب اصول میخواند دلیل
 بجاری مشغول شود و منفعت بیخ حاصل کند و اگر بیند که کتاب توحید میخواند دلیل که بعد از مشغول شود که در آن فایده دینی باشد
 و اگر بیند که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تملیل میخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل
 بر سخن اولیا و انبیا حریص بود و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح انجمنانی او را حاصل شود و اگر بیند که کتاب نجوم و ادب میخواند
 دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بیند که کتاب مسائل میخواند دلیل که بصلاح که خدای مشغول گردد و اگر بیند
 که کتاب طب میخواند دلیل که در طلب چیزها و شناختن چیزها مشغول گردد و اگر بیند که کتاب شعر میخواند اگر غزل و مدح بود دلیل که بکار
 مشغول شود که مردم او را طاعت کنند و اگر لغت و توحید میخواند دلیل که نیک باشد و اگر بیند که کتاب فقه میخواند دلیل که بحدیثی نیک
 بهر چیزی منت نهاده و وی چیزی یاد و اگر بیند که کتاب هدایه میخواند دلیل که بهی مشغول شود که مردم او را دانا خوانند و دلیل بر
 سودمندار و اگر بیند که کتاب صاحب و تفسیر میخواند دلیل که بپفرود و او از آن بهره منفعت یابد و اگر بیند که کتاب حساب میخواند دلیل
 بهوار داند و بگین بود و اگر بیند که کتاب مضامک و ضایع میخواند دلیل که کاری کند که از آن زیشت نباشد اگر بیند که کتاب جود و عیب میخواند
 دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد کتان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کتان در خواب مال حلال بود بقدر
 آنکه دیده باشد و منفعت کتان پسند باشد چنانکه در حرف جم یا در کرم جامه کتان در خواب مبارک بود و اگر بیند که تخم کتان بخورد
 دلیل که مال تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال و دوم منفعت سوم
 کتف در خواب آتشکی مرد و جمال وی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتف وی درست بود و دلیل بر زبانی مال و جمال
 و اگر کتف شکسته و ضعیف بیند تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کتف او درست و قوی بیند اما نیت کند و اگر
 ضعیف بیند و اما نیت کند و ماند و اگر کتفهای وی موی بسیار بود دلیل که اما نیت و حق مردم در گردن او باشد و اگر کتف او در گردن

بایک بیند و دلیل که امانت بگذارد و بعضی معتبران گویند اگر بیند که رکعت هجدهم بوی داشت از جای که خبر ندارد مال یا بد کثیر این سیرین رحمت
 علیه گوید اگر بیند که کثیر داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن فضل از روی پیل بوی رسد و اگر بیند که کثیر است بخورد و دلیل که مال
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کثیر در خواب برسته و بر روی فضل مال هر دم دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت
 خواب برسد کج این سیرین رحمت الله علیه گوید که کج در خواب جنگ و خصومت بود اگر بیند که کج داد و دلیل که در جنگ و خصومت
 و اگر بیند که کج کسی را دانا و دانش بخلاف این بود که کجانی رحمت الله علیه گوید که کج در خواب سختی باشد و هر بنیاد که اندک درست بیند چه
 زیرا که همه با تشنجه اند و اگر بیند که کج میخورد و دلیل که هیچ ملک او بود و حال هر که حال را خواب بیند دلیل بر صلاح کار گذشتگان
 و راه نمودن بکارهای که در آن گمراه باشند و اگر بیند که کجالی میکرد و داری او چه بشناسد و دلیل که خلق را به صلاح خواند و اگر
 راه ناید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کجالی میکرد و دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند
 و میان مردم صلاح جوید و اگر داری وی نافع نبود و دانش بخلاف این بود که کجانی کردن این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بیند که کجانی میکرد و چیزی میخواست و دلیل که او را چیزی میخواست و دلیل که او را چیزی میخواست و دلیل که او را چیزی میخواست
 و اگر بیند که از او چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد و دلیل که کار بروی بسته گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کجانی کردن
 خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم معیشت چهارم عز و جاه که و این سیرین رحمت الله علیه گوید که در وقت خواب اگر کسی
 بیند که در خانه او درخت که بود و دلیل که جاه و رفعتش افزون شود و اگر سیرین بیند شفا یابد و اگر سیرین بیند شفا یابد و اگر سیرین بیند
 که دو و اگر مسلمان بیند سلامت بطن خود برسد و اگر فاسق بیند توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کجانی داشت
 و دلیل که از زنی یا پارسا منفعت یابد و اگر بیند که درخت که در این بر کند و دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که کجانی نخواست
 میخورد و دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمت الله علیه گوید که در خواب برسته و بوی عذوبه و دوم
 مال سوم نظام کار را که این سیرین رحمت الله علیه گوید که در خواب مال و غنایست و اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی که بدید و او را اندک
 خاوشی میکرد و در کریم بود و دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که کجانی داشت و وجه از تن وی میخورد
 و ناپدید شد و دلیل که مال جگر روا و تلف شود و بعضی معتبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه بود و دلیل بر نالی که جمیع اعضا حرام
 که با سوختن جانور است و بدن وی در خواب مردی بود که در میان خلق و مردم فساد اندازد و این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی
 بیند که کرباسور گرفت و دلیل که مردی بزرگ بخوابش نزدیک کند و اگر بیند که کرباسوز و بگرفت و دلیل که آن مفسد از نو بگردد
 و اگر بیند که کرباسوز بگرفت و دلیل که آن مفسد را حالی تنه شود و اگر بیند که گوشت کرباسوز میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام از روی
 مفسد خورد که به این سیرین رحمت الله علیه گوید که به در خواب درو مفسد بود اگر کسی بخواب بیند که کرباسوز معروف بخانه و در آمد و دلیل
 که مردی معروف بخانه و در آید و اگر کرباسوز بجهول بود و زوی بیگانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی میخورد و دلیل که در خانه
 وی چیزی برود و اگر بیند که کرباسوز داشت و دلیل که در خانه کجانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که گوشت بخورد و پوست از او بپزد

ولیں

اولیل که بقدر آن مال در وی اورا حاصل شود و اگر بیند که با گرم جنگ میکرد و گریه و رنج میبرد و دلیل که بیمار شود و اگر گریه را قهر کرد
که از بیماری شفا یابد و اگر بیمار را بگریزد دلیل که بیماری بروی دراز گردد و بعضی از متجربان گویند که بیمار تا ویل خام بود و انبیا علیهم السلام
گویند کسی نباشد که گریه بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بنده بخواب بیند که گریه بدو نشاید و شیروی بخورد
دلیل که آزار گردد و و از آن خانه که آذوی یافته باشد زنی را برنی کند و اگر آذوی بیند که شیر گریه خورد و دلیل که او را با کسی دوست
افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گریه و خواب بر هفت وجه بود یکی در دوام غم از سوختن خادم چنانچه بیمار
پنجم از مشفق ششم حسود هفتم جنگ خصومت که در خانه کوفتا باشد که مردم آنرا قهقطن خوانند و پوشیدن آن در خواب
قوت و سفر بود و اگر نه وی سبزی و از موی پناه و قوت یابد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گریه سستی
بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که گریه زد و پوشیده بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که گریه کرد و پوشیده بود
دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که بعشرت نیا مشغول گردد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گریه
بر ششیم پوشیده بود دلیل که از مری بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما درین ضعیف بود و اگر خنک که گریه بپوش
یا ضایع شد دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن گریه در خواب بر چهار
وجه بود یکی قوت و دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کار با گریه و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گریه و خنک
ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان و زمین گرد جمع شده بود دلیل که کار
پوشیده در آن موضع بود که از آن چگونه سیرین آید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او را و آلوده بود دلیل که او را
ریخ و عقوبت رسد و اگر بیند که گرد و خاک بزرگ میبیند که ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن مال و خوشه است یا جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی مال و دوم بلا و ثلث سوم عقوبت و حق تعالی گرون و انبیا علیهم السلام
گوید گردن و خواب جایگاه امانت و جای دین بود و اگر بیند که گردن آن سبزه شد دلیل که او را قوت و امانت گذاردن
و صلاح دین و نگاه داشتن دیانت بود و اگر بیند که گردن او کوفتا و ضعیف بود دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود
و اگر بیند که ماری در گردن وی حلقه شده بود دلیل که زکوة مال ندهد و له تعالی سید طوقون ما بخوابه یوم
القیامه اگر بر گردن خود گرافی بیند بی آنکه چیزی برگردان داشته باشد دلیل که بیمار شود و اگر بر گردن خود بیند
و هیچ گرافی پیدا نبود دلیل بر دوستی دین و داری عمر وی بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن وی سبزه و قوی
شده بود دلیل که امانت نیکو گذارد و کارش قوی گردد و اگر گردن خود را زیند دلیل که امانت گذاردن وی ویرانند
و از گواهی دادن خود بازماند و اگر گردن خود کوفتا بیند دلیل که امانت از گردن خود زود و در کند و اگر گردن خود سبزه
بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکسته بیند دلیل که از مراد خود بازماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانت
بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوفتا بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود موی بیند دلیل که او را

از جناب

از جهت امانت گذاری و امانی یافتن و اگر کسی از گزند خود بستر و لیل که او مش گذارده شود و اگر گوشت از گزند بریده بیند
 و لیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر گزند خود را که توبه بیند و لیل که مالی در پیش وی نهاده باشد خیانت کند مغربی رحمت
 الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گزند وی میخورد تا و لیلش بخلاف این بود اگر بیند که بر گزند کسی نشسته بود و لیل که بر دشمن
 حاضر یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گزند در خواب بر سرخ و جد بود یکی امانت دوم توانایی سوم خیانت چهارم
 و امم پنجم بیماری گزند بند این سیمین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که گزند بند از مراد یا سفید داشت و لیل که در سجده
 و تعالی عزوجل او را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر گزند توبه بود علم و دانش او بیشتر بود که مانی رحمت الله
 علیه گوید اگر بیند که گزند بندوی از زرب و یا از سیم وضع بگوید مانی که لیل که بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که
 امانتی در گزند گیرد و اگر گزند بند او دراز شد و لیل که امانت بگذارد و اگر کوتاه بود تا و لیلش بخلاف این بود مغربی رحمت
 علیه گوید اگر بیند که گزند بند خود بخواهر وضع کرده بود با بر صیغه در گزند داشت و لیل که جاه و ولایت یابد و اگر گزند
 بندوی دراز بود و بخیل که منزلت یابد و اگر کوتاه بود تا و لیلش بخلاف این بود و اگر بیند که گزند بندای بسیار داشت
 و لیل که در علم بسیار کامل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گزند بند زین در خواب بر شش و جد بود یکی
 حج دوم ولایت سوم جنگ و خصوصیت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کینک و هم او گوید گزند بند زین حج باشد
 و از آن سیمین کینک گزند زون این سیمین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که او را گزند زود و سرش زتن جدا شد اگر بیند
 بود و لیل که از او شود و اگر بسیار بود شفا یابد و اگر او را و او مش گذارده شود و اگر خوف دارد و این کرد و اگر کار و بود
 شود و اگر بوقت گزند زون سرش زتن جدا شد تا و لیلش بخلاف این بود و اگر آنکس که گزند زود معروف باشد پنجم
 گفته شد از گزند زنده بدور سد و اگر گزند زنده کوک و نابالغ بود و لیل که اگر بسیار بود و میرد مانی رحمت الله علیه گوید اگر آنکس که
 گزند او زود شد رست است و از او توانگر بود و لیل که از نیک بختی به بد حالی افتاد و مال لغتش نماند و وریش شود و سر
 کار با ملک شود و علی الحمله گزند زون در خواب مرور و ایشان و خداوندان محنت را نیک باشد و مرور و اگر آن و خداوندان
 نعمت را بد باشد گزند و در خواب نال نهان کرده باشد که بیاید و خرج کند و اگر بیند که کرده پخته یا بریان کرده بسیار داشت
 و لیل که بقدر آن مال نهان کرده بیاید و اگر گزند از جانوری که گوشت حلال بود و داشت و لیل که یا فتن مال حلال بود و اگر
 از جانوری که گوشت حرام باشد و لیل که مال حرام بود که مانی رحمت الله علیه گوید که کرده یا فتن و در خواب مال نهان کرده
 و بعضی خبر آن گویند که کرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند می است و از او بود و می آید اسمعیل اشعث رحمت
 علیه گوید اگر بیند که کرده اسب داشت و پخته میخورد و لیل که از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که کرده گا و داشت و لیل که
 در آن سال نال نصیحت حاصل کند و اگر کرده کو سپند داشت و لیل که در آن سال نال نصیحت حلال یابد و قبل ششم اگر بیند که
 کرده های خام میخورد و لیل که مال حرام یابد و اگر کرده های میخورد و آنچه گفتیم که گزند و زون این سیمین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که

سپید

رحمت

رحمت

بزرگی

بزرگی

بزرگی

بزرگی

بزرگی

برگردون نشسته بود گردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی باید و اگر بیند که گردون بی کاوان ایستاده بود و او در گردون
دلیل که در پنج و شش و هجاری افتد و اگر بیند که پادشاه از گرد و نهایی خود گرد و بی برود و دلیل که از پادشاه و منزلت و بزرگی باید
جعفر صادق رضی الله عنه که بدویدن گردون در خواب دلیل بر نبشت و چه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم
بزرگی پنجم سبب ششم خرمی هفتم رفعت هشتم آسای ده کار اگر سنی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر سنی در خواب بهتر از سیری
بود و سیری آب بهتر از ششکی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد و دلیل که حرص و آتش در مال دنیا کمتر باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود و دلیل که بقدر گرسنگی او مصیبت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد
دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود و دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود و دلیل که بر توبه
ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر مصیبت رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سنی در خواب بر چهار وجه بود یکی مصرت دوم
حرص و آرزو سوم مصیبت و گناه چهارم طمع داشتن بر دم کرسی این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بواب علم است
و از راه و خروچین واجب کند که از دستبارک و تعالی جل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است و سع کسبیه السموات
و الارض ابن عباس رضی الله عنه گوید وسیع یعنی علم و ابرار سیر کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی احاطت و قدرت خداست تعالی
و بعضی از متعبران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد یا فقیه
بکمال دارد و یا پادشاهی عاقل و پر پیروز گار و آفرینی و آنچه که در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و منبذ و خوار
از سلطان عادل خیر و نیک میبود و مالش زیاده گرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل
دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان کرسی نشسته بود و دلیل که کار او
بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه و پاد و بهمه مراد و برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق
پیدا شود و اگر این کرسی که در در گریسیا زور در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه نبشت و برت
دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی نبشت و دلیل که دختری و شیرازه بخواد و اگر بیند که در زیر
بروی کرسی شکست دلیل که زن وی میرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کمند بود و دلیل که زن وی در ویش و حقیر و در مانده بود
و اگر بیند که کرسی داشت اما بر نبشت دلیل که از بهر خدمت گردون زنی بخانه آورد و کرسی این سیرین گوید اگر کسی بخوابد
که کرسی بخورد و بوقت خود بود و دلیل که غمگین شود و بعضی از متعبران گویند که چیزی مکرده خورد و اگر بیند که کرسی داشت اما نشسته
آنچه گفتیم کمتر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کرسی در خواب برشته و چه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت و گفتگوی سوم خوار
چیزی کرده و اگر کرسی مرغی بود بقدر که بگردد و تاویل آن برین کنند اگر کرسی در خواب بیند و غریب بود و دلیل که زن کند و اگر کرسی
خورد و اگر بیند که از دست دی برید و دلیل که زن از طلاق دهد و اگر کرسی در دگر بگردد و اگر بیند که او را بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که
آن میراثش یابد که کس این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کس مشرعرغان بود و قوی و تیز بین و داور عمر از مرغان بود و اگر بیند که

و ناله

داشت و لیل که از روی بزرگ منفعت و بزرگی یابد و از پادشاه مال و خواست حاصل کند و اگر استخوان یا بریان گوشت که کس در دست
 بعین تاویل دارد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کس را در گرفت و در بر او بر و نزد یک آسمان رسید و لیل که سفری و در
 و از آن سفر مانده نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بغضا بود و بسبب آنکه نزد و بر کس با آسمان بر رفت و اگر میند که کس را و او را
 از هوا بر نهد یا خود از چنگال کس برفت و لیل که از شرف و بزرگی برفت و کارش خراب شود و اگر میند که کس را و او را با آسمان
 بر و او را بجا مقیم ماند و لیل که بسفر رود و در آن سفر بمیرد و اگر مقیم نشود و باز بر زمین آمد از پادشاه بزرگی یابد و اگر ناله ابل با پادشاه بود
 یا از ابل و خوششان خود بزرگی یابد و اگر کس بی چنگال در خواب بدیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان حلقه العرش بصورت کس
 و اگر میند که کس را بالای سروی شکار میکرد و لیل که میند خواب باز رگانی کند و اگر میند که با کس جنگ میکرد و او بر کس
 غالب شد و لیل که با روی بزرگ خصوصیت کند و بر وی غالب شود و اگر بخلاف این میند و لیل که دشمن او را قهر کند و اگر در خواب
 بچه کس میند اگر زن دارد و لیل که او را فرزند می آید و اگر زن ندارد و لیل که دشمنی دو شیر بزرگ کند و اگر میند که کس بر کس
 نشسته بود و لیل که او را بر و ار کنند و انیال علیه السلام گوید اگر میند که در آن کوه کس فرو آمد و لیل که پادشاهی بهمان کوه فرو
 آید و اگر میند که در آن کوه کس را بکشند و لیل که پادشاه آید یا بر مغزول گردد یا هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
 کس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی و دوم فرمان رسانی سوم زیارت چهارم شتا و ستایش پنجم مرتب ششم شرم نهی
 کردن گرگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کس در خواب پادشاه در روغن زن سکر بود و اگر میند که با گرگ جنگ و نیز سکر و لیل
 که او را با پادشاه یا کسی دشمنی بود و خصوصیت کند و اگر میند که شیر گرگ میخورد و لیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود
 و اگر میند که گوشت کرک میخورد و لیل که از پادشاه سکر بقدر آن مال یابد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کرک را بکشد و لیل
 که ابل اسلام از وی روی بگرداند و روی هیچ چیز نباشد و بعضی گویند دشمن او قهر کند و اگر میند که سر کرک بیافت یا کسی بپزد
 و لیل که شرف بزرگی یابد بقدر وی و اگر میند که کرک در خانه وی درآمد و زبانی انداخت و لیل که او را از پادشاهی محترق رسید
 و اگر میند که زبانی نکر و لیل که پادشاه جهان او را در مغزی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کرک در بستر او میند و لیل که پادشاه ابل
 وی ضا و کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم و دوم زن و روغن زن و سوم
 مخالف ضعیف چنان کرک ندهد مانند کرم یا به ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که با به در خواب غم و اندوه بود و خوشترین شستن شادی و غمی بود و آب تیر و ناله
 و آب سخت کرم بد باشد و اگر میند که در کرم به رفت و غسل کرد و خود را پاک شست و لیل که از پنج فکر سنگاری یابد و اگر میند که در کرم به رفت
 خود را نشست و لیل غم و اندوه بود که بدای رسد بسبب آن که کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کرم به رفت و آب بکشد خود را لید و خود را پاک شست
 و او را این شود و اگر غلغین بود و پادشاه در دو و اگر بیاورد شفا یابد و اگر و ام دارد و امش گذارد و اگر میند که تو اگر گهست از این
 چیز ناگفتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اگر میند که آب بخورد و لیل که کارش تمام نگردد و سفری در راه
 علیه گوید اگر میند که کرم به رفت و دوست و روی و سروتن را بکشد و بیرون آید و لیل که غم بیرون آید و اگر میند که در کرم به

و ناله

و ناله

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

خانه که مایه بود و دلیل که در آن مقام نفی زوی پدید آید و اگر بیند که مایه شدنی آنکه نبشستن محتاج بود و دلیل که نمکین و ام وارشود و اگر
بیند که در مایه جامه او زرد بود و او بر برینه باند و دلیل که بسبب کاری نمکین و رسوا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مایه
در خواب بر شش وجه بود یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین چهارم ناکاری پنجم دوست ششم وام و مایه بان بنا و زن
بود و بعضی میگویند که مایه که خدای سرای بود که مانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مایه بانی میکا و اگر بود و دلیل که زن نخست خواهد بود
زن مشغول شود و اگر زن بود و دلیل که شهبی بدین صفت کند که مان این سرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کرمان بسیار
در شکم وی شدند و طعام در شکم میخورد و دلیل که عیالان دیگر از مال گیری خواهد و اگر بیند که کرمان در از درش می افتاد و زنی
بر تن و جامه وی کرمان بسیار بود و دلیل که مال عیال شتم بسیار و او را حاصل شود و اگر بیند که کرمان از تن خود بر زمین می
افتد و دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و تیارشان ندارد که مانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که بعضی از اندامهای
او کرمان خورد و دلیل که عیالان مال می خوردند و اگر بیند که اگر کرمان تن ویران مضرت میرسد و دلیل که او را از عیالان بی و مضرت
و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از مقعد گرم بیرون می آید و دلیل که بقدر آن مالش با عیالش زیاد شود و اگر بیند
که کرمان از تن وی می افتاد و زوی مردند و دلیل که عیالان وی بکشتن شوند یا زوی جدا گردد و اگر بیند که کرمان بسیار از چوب خانه وی
و غیره بر میریزند و دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کرمان در خواب بر
وجه بود یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته که افکندن این سرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که بر میان کرمان
و دلیل که از کار یک دور بود و بران بچک کند و اگر بیند که کرمان بپایان باز نشود و دلیل که برانکار اعتماد نکند و اگر بیند که چیزی محکم نیست
و کرمان و دلیل که روز کاری در شغل آنچه بسته باند چنانچه نشود و بزودی نتواند اگر آنچه تعلق بدین دارد و یا مایه که مانی رحمت
علیه گوید بپشتن کرمان در خواب دلیل بپشتن کار با کند و هر چند که کرمان سخت تر بود و بپشتن کار او سخت تر بود و اگر بیند که کرمان
نتوانست دلیل که کاری بسته باند که و این سرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که در جانی که راست یا تن خود را بچیزی کرمان
و دلیل که از کرمان بسیار بر تن خود میترسد که کرمان است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود کسی گرد و دلیل که بروی ستم و بسیار
کند و اگر بیند که خود را پیش کسی گرد نهاد و دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی ستم کند که مانی رحمت الله علیه گوید اگر
که خود را بگرد و دلیل که فساد دین کند کل نفسی بجا کسبت و هدیه و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی گرد
و دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند و مضرت یا بد کرد و به این سرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که در پوست دلیل که نمکین
و متفکر شود و اگر بیند که کرمان میخورد و دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و اندوی بوی رسد زیرا که بطعم آن ناخوش بود و
کلی ناخوش باشد و دلیل که غم و اندوه بود که بخت این سرین رحمت الله علیه گوید که بخت و خواب رستگاری بود و
کسی خواب بیند که از دشمن یا از جانفوری گرفته و میکشید و دلیل که از شر و خوف این گرد و بر جسم مظهر شود و زیرا که
علیه السلام در خواب دید که از فرعون علیه السلام میکشید پس از شر فرعون رستگارش و سر انجام بروی نافرمانی

در خواب

از خواب

چ

در خواب

در خواب

در خواب

و بان بنام و بخور و دلیل که دشمن را بجا نوار و دوا می باشد و خفت و خیر کند و اگر بیند که کزوم در درون جامه داشت همین
تاویل و در مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کزوم ترسید و کزوم او را بگریزد و دلیل که از دشمن کردید باید و بعضی را بجهان گویند
بازن جماعت متواتر که کند و اگر بیند که کزومی در پیراهن می بود و دلیل که از دشمن باور حضرت رسد و اگر بیند که در شلوار می
کزوم بود و دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کینک وی حسنا و کینک صا و ق رضی الله عنه گوید و دیدن کزوم در خواب بسیار
وجه بود یکی دشمن دوم حاسد سوم سخن چین کزوم خواره این سیرین رحمه الله علیه گوید کزوم خواره در خواب چیزی
که در خورستان در میان آب می باشد دوم بر زمین می کشند و چون کسی زخم آن خفت و حال هلاک شود که مانی رحمه الله علیه
دیدن کزوم خواره در خواب دشمنی باشد با خود و عظیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که
کزوم خواره او را بگریزد و دلیل که از چنین دشمنی که صفت کزوم بلا و محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از کزوم خواره گزند
ترسید و دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که چیزی مانند کزوم خواره بود و از او ترسید و دلیل که کسی اندیشه دشمنی دارد
و او نه دشمن وی باشد کز این سیرین رحمه الله علیه گوید کزوم در خواب غم و اندیشه بود اگر کسی خواب بیند که کزوم
و دلیل که اندوه بسیار بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کزوم شیرین بود و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر کزوم
گوشت پخته باشد و دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی متعبران گویند خوردن کزوم در خواب بیماری بود و اگر
کزوم بریان بیند هم نیک نباشد و بهتر آن بود که گوشت پخته بود کزوم بریدن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند
که کسی او را بگریزد و دلیل که هر دو ای انگس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را کشیم و کینه ببرد و دلیل که بقدر آن از وی زیادت
برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را خری بگریزد و دلیل که کارش از سخت و خطر بود و اگر بیند که او را بگریزد و دلیل که او را
از سفر زیان برسد و اگر بیند که او را بگریزد و دلیل که در آن سال مصرت بیند و گزیدن جمله دوکان در خواب بر چهار وجه بود
یکی مصرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال گشتی گرفتن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کسی بیگانه
و انگس او را بیند اخت دلیل که حال و نیکو گردد و بر انگس غالب شود و اگر بیند که خود بیگانه و تاویش بخلاف این بود و اگر هر دو
قایم بودند و دلیل که احوال هر دو در خیر و شرمسار باشد اما بظاهر هر باید کرد و دستی کنند کاسنی این سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن
کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و بخورد و دلیل که اندوه کمین شود و مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب
و خصومت بود و گشت و زور این سیرین رحمه الله علیه گوید گشت و زور در خواب نیکو است و عمل و ملا بود و روزی حلال طلب کردن و نیکو
و نیز مردی حاصل نیک محضر باشد و اگر بیند که از بر تخم کشتن زمین کافت و دلیل که خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت هستند
گویند اگر بیند که کاش و زری میکرد و دلیل بر پیاپی بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین کافت و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد
و دلیل که بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که کشته بود و بازش می خورد و از آنچه گفتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن کشته چیزی حاصل نشد
که باشد چگونه است و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گندم می کشت و دلیل که از پادشاه خیر و نیک بوی رسد و اگر بیند که جو می کشت و دلیل که او

مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که کارش سبک است و دلیل که مال اذک یا بد و انبیا علیهم السلام گوید اگر بیند که در زمین خود تنگ نیست دلیل
 که زن خود را به کارش ساخته گردد و اگر باز کافی زمین خود نداشته بیند دلیل که زبان بیند یا کسی خصوص کند و اگر بیند که بجایگاه محمول
 زمین پیشگاه است و تخم می انداخت دلیل که بر فراز صدقات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت بیند دلیل
 نعمت بروی فراخ گردد و اگر کندم یا چادر خشت در زمین خود کشت دلیل بر فراز جاه کند بقدر آنکه کشته باشد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که
 در خواب برنج دیده بود یکی روزی حلال طلبیدن و دوم خیر و منفعت سوم بهاری چهارم غر و جابجیم معیشت کشته زار بن سیرین چیت
 علیه که کشته رستخیز چون معروف بود و در جای معروف بوقت خود بیند دلیل بر فراز زان مردم بود و اگر بیند که کشته همی در و پودل
 مردم در جنگ شوند و انبیا علیهم السلام گوید اگر بیند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عمل کند که در دین و دنیا نیکی باشد و اگر بیند که
 گردد و در وید و در خرمن نکند دلیل امید که دارد بر آید و اگر بیند که در میان کشت زار سپهر و سنند دلیل که با غازیان بغز و و سغری و سغری
 علیه که کشت و در و جواب لیل بر حرب و خصوصت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که در میان کشت زار رفت و هنوز سپهر بود و
 دلیل که در میان بصلاف و دو و اگر بیند که آتش در میان کشت زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در آند یا رقط پیدا شود و اگر بیند
 کشت زار خود را بیدار و دلیل که کاری از دست وی بر آید که دنیا و عقبی و منفعت دهد و اگر بیند که آتشی بیاید و کشت ویران سوخت
 دلیل که او را زبانه حضرت رسد و اگر بیند که در میان کشت زاری رو و بزرگ می آمد و دلیل که در آند یا رقط و تنگی پیدا شود و اگر بیند
 که از خوشه های گندم و انبار بر زمین می افتاد و دلیل که بقدر آن خداوند کشت زار یان رسد و اگر نداند که آن موضع از آن کیست دلیل که
 آن بخداوند خواب بود و قوله تعالی **لَا تَأْكُلْ أَمْوَالَكُم مِّنْ بَيْنِكُمْ أَلَّا تَكُونُوا تَارَةً** و اگر کشت زار در وقت خویش سپهر بیند دلیل
 در آند یا نعمت فراخ گردد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا گردد و اگر بوقت خویش کشته زار برود و خوشه بماند برود و دلیل که
 بود و اگر بیند که در میان کشت زار با یاران میرفت دلیل که بغز و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت و در ویدن خوشه رسیده
 خواب بوقت خود و دلیل و نیکی و منفعت کند چون نارسیده و سپهر بود و دلیل بر و با و بهاری بود و به خلیل اشعت رحمه الله علیه
 کشت و در ویدن بوقت خویش دلیل که امر خدا تعالی بجای آورد و توفیق یابد تا مدتی درویشان خیرات کند و قوله تعالی **وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا**
يُوفِيَ حُكْمَ صَاحِبِهِ اگر این چیز که میدید و میدرد و دلیل که عاقبت کارش محمود باشد کشتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند
 کسی را بکشتن بی آنکه سرش برید دلیل که از مردی توانگر خیر و نیکی بوی رسد و معبران گویند که کشته بر کشته علم ندیده و اگر بیند
 که وی را بکشتند و دلیل که عمرش دراز بود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی را بکشت دلیل که خیر و منفعت بیند و اگر بیند که
 کردی او را بکشتند و دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بد و رسد و قوله تعالی **وَمَنْ قَتَلَ ظُلْمًا مَّا**
فَقَدْ جَسَدًا وَلَكِنَّهُ سَاطِئًا نَّافِلًا يَكْفُرُ فِي الْقَتْلِ و اگر بیند که کسی را بکشت دلیل که عاصی و ظالم باشد و حقتالی
 جن عدا کسی را بکشد و اما او را بر بخاند و قوله تعالی **وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ إِنَّهُمْ لَكُلٌّ أُولَئِكَ لَفِي عَذَابٍ عَظِيمٍ**
 باشد و اگر بیند که کسی را بکشت خون از تن می رواند و دلیل که بقدر آن مال با بد و اگر تن خود خون آلوده بیند و دلیل که از مال خود چیزی با

و پدر و اگر میند که خون روان شد و لیل که دین کشیده برو و جعفر صادق رضی الله علیه و آله گوید اگر میند که ستوری یا چیزی از خشت یا گشت
 و لیل که بر خشم خود نظر نماید و یکسکه بران جنس منسوب باشد قطع کند و کشیده خون آلوده و دیدن غذا و سید دیگر باشد گشتی و انبیا علیهم السلام
 گوید گشتی و دیدن در خواب غم و اندیشه بود و یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بد و رسد غاصه که از رویا گشتی بیرون نیاید
 یا گشتی در رویا فرو ماند و در این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بزند که در گشتی بود و بسیار است از آنجا بیرون آمدن لیل که از
 رنج برده قوله تعالی فَاَجْعَلْنَاهُ وَمِنْ مَحَاسِنِ الْفَلَاحِ لَمْ يَشْعُرْ اگر میند که بدر یا گشتی ملاک شد و لیل که بدست می برد
 شود و اگر میند که گشتی وی بر زمین ماند و لیل که در رنج و بلا گرفتار شود و دستگیری و دست و پدر و اگر میند که گشتی خرق شد و او بسیار
 ماند و لیل که شال سفید شود و او بسیار است ماند و اگر میند که گشتی شکست و حجامه خرق شد و لیل که مصیبتی عظیم کند که بدور شد و اگر میند که گشتی بر جای نماند
 و گشتی در میان آب میرفت و لیل که در از نیا و شاه و وزیر کاران قری و غیرتی پیدا شود و اگر میند که در میان دریا گشتیها و کازما میرفت و لیل که بسفر رود
 لَمْ يَجْعَلْ الْمُسْلِمَ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَاقِ و اگر میند که گشتیها ایستاده بودند و لیل که در سفر رود و او بسیار است و در سفر معتمد شود و اگر
 که در گشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و گشتی را خوش میبرد و لیل که از غم و اندوه فرج یابد و اگر میند که گشتی بسیار در بود و از همه جانب
 گشتی موج می آمد و لیل که او را سختی پیش آید که بیم ملاک وی باشد قوله تعالی وَجَاءَهُمُ الْكَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ اگر میند که گشتی از
 پیش میرفت و او نمنا است رسیدن لیل که در کار وی دشوار افتد و عاقبت خلاصی یابد قوله تعالی فَاَجْعَلْنَاهُ وَاصْصَبِ السَّقِينِ
 اگر میند که در پهلوی گشتی در دریا رفت و لیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود و قوله تعالی يَرْجِعْ لَكُمْ الْفَلَاحُ فِي الْبَحْرِ
 لَمْ يَشْعُرْ مَنْ فَضَّلَ و اگر میند که در میان گشتیها چیزی نبود و تهمی میفتند و لیل که پادشاه رسول از بجای فرستد و اگر میند که
 غرق شدند و لیل که آن رسولان را باز دارند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گشتی بدر یا غرق نشد و دانست که آن گشتی ملاک بود
 و لیل که او را ملاک اندیشه نبود و اگر میند که در گشتی نشسته بود و او را پادشاه میترسید و لیل که مقرب پادشاه شود و بقدر بزرگی گشتی او را منفعت
 و اگر در گشتی بر نشسته بود و لیل که او را از پادشاه چهره بود و اگر میند که در دریا گشتیها بجای همای طون آرمه بود و لیل که پیش پادشاه میرفت
 شود و اگر میند که گشتی در قهر و یا فرو شد و لیل که او را از پادشاه قوی عظیم باشد و اگر میند که گشتی نه برفت تا و پیش مخالفین بود و لیل
 اشفت رحمة الله علیه گوید اگر میند که در گشتی کوچک نشسته بود و در دریا میرفت و لیل که او را غم و اندوه زیاد شد و او را میند که گشتی در آب
 روان بود و لیل که بسفر رود و زود باز آید و اگر گشتی خود را در خشک ایستاده بینه و لیل که بجاری در ماند جعفر صادق رضی الله علیه و آله گوید
 و دیدن گشتی در خواب بر پشت و جبهه بود یکی فرزند خودم بدستوم زن چهارم مگر یکم چشمم اینی مغرم میشم ششم تو اگر کسی کشف
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشف سنگ نیست را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مردی زاهد عالم باشد و از صحبت او
 رسد اگر کسی بخواب میند که کشف داشت یا بخاشه او در آمد و لیل که او را باز از بهی صحبت افتد و اگر میند که گشتی کشف میبرد و لیل
 بقدر آن علم حاصل کند که زانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که گشتی در سرکین وانی بیافتد و لیل که صحبت عالمی رسد و اگر میند که گشتی در جبهه
 جای خیر نیافتد و لیل که زاهد شود و بنزدیک بزرگان و علما او را محرم باشد جعفر صادق رضی الله علیه و آله گوید دیدن کشف در خواب

برسته بود یکی از اهدا دوم مردی عالم سوم مردی صانع در کارها کشکاب ابن سیرین گوید اگر میند که کشکاب عیسی علیه السلام
میخورد و دلیل که او را مالی حلال اندک دست یابید و چون از اویش نبرد و اگر میند که کشکاب عیسی علیه السلام خوردن تا و لیکن بخلاف این
بود کشمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند اگر میند که کشمش داشت یا کسی بود یا بخورد
و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بداند اگر میند که کشمش صدارد و بخورد اگر عالم بود و دلیل که کشمش زیادت شود و اگر بازرگان
بود مالش زیادت شود و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که کشمش بخورد و داشت اگر عالم بود و دلیل که مال زیادت شود و اگر میند که
بود و دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب خوردن برسته وجه بود علی منفعت دم
مال حلال سوم کسب کشمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میند که کشمش داشت و خورد
که بقدر آن اوج غم و اندوه بود کعب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کعب بواب تا ویل مقام بود اگر میند که کعب بازی
میکرد و دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر میند که کعب بسیار داشت دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر میند که کعب پای او
بشکست دلیل که فرزند او میرد یا جمعی بوی رسد که بنا برین شاعت بود و کعبین خصومت و مکر و حیل باشد مغربی رحمه الله علیه
بازی کردن با کعبین دلیل بر دشمنی و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب برنج و جود بود و کعب
دوم زن سوم فرزند چهارم بانجم گفتگوی قوله تعالی و کواعب اکثر ابا و کاسا دهها قال اگر میند که کعب بازی داشت
که گوشت وی حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و اگر حرام بود بر مال حرام بود کعب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کعب در خواب
خلیفه بود و هر کس که قبله وی کعب بود و هر زیادت و نقصان که در کعب میند دلیل بر خلیفه بود و اگر میند که طوف کعب میکرد و دلیل بر صلاح
وی بود و اگر خلیفه راحت میابد و اگر میند که حرام گرفته بود و وی کعبه داشت دلیل بر زیادت و صلاح است و بود و اگر میند که سحر می
شده بود و دوم زیادت میکرد و دلیل که امانت نیکو نگه دارد و هر منفعت منزلت یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر پادشاه میند که کعب
میرفت دلیل که خلیفه بزرگی میابد و اگر میند که کعبه بنیاد یا آتش سوخت دلیل که احوال خلیفه بد گردد و اگر میند که کعبه چیزی برگرفت
دلیل که او را از خلیفه فایده برسد و اگر میند که در کعبه نماز میکند و دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید کعب
ایمانت و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه میند دلیل که از شر دشمنان برود و در عایش سحاب گوید قوله تعالی و من دخله
کان امانا و اگر میند که روی بخیر الاسود بناده بود و بوسه میداد و دلیل که چنگ گزید و اگر میند که زیارت خیر حضرت رسول صلی
علیه وسلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دید و دلیل که هیچ رود و سلامت یابد و اگر خود را بر بام کعبه میند دلیل که بد مذمت
جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام سوم ایمان و مسلمانی چهارم یعنی از بیم گفتار
در خواب زدن زشت پسند و بد کردار باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که کعبه پسته بود و دلیل که زنی زشت طلبی بخورد و اگر
که گوشت گفتار میخورد و دلیل که بروی جاد و کنته کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که کعبه شکر گفتار میخورد یا از پوست یا از تخوان یا از چیزی
داشت دلیل که از آن زن فایده یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که کعبه یا وی سخن گفت دلیل که زن با وی زبان بازی

جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین گفتار در خواب بد باشد کفچه این سیرین رحمة الله علیه گوید کفچه در خواب کار فرمای خانه بود
 اگر بیند که کفچه نزد پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود تا ویش بخلاف این بود و مرغی رحمة الله علیه
 گوید اگر بیند که کفچه وی شکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر ضایع شود یا بسوخت نیز خادم بمیرد و کفچه آتش افشان
 گوید سلاطین و ملوک چون بیند دلیل که نایب وی باشد و انگش که خیز این دو بیند دلیل بر غارتگری خانه و اهل وی باشد
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفچه آتش داشت دلیل که او را غارتگری حاصل شود و اگر انظام بکشت یا ضایع
 دلیل که خدمتکارش بمیرد یا بمیرد و کفش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفش در خواب زن باشد اگر بیند که کفش نزد
 بود پای کرد دلیل که زن خواهد یا اینکه خرد و اگر بیند که کفش دیگر دپای کرد دلیل که زنی بیوه بخوابد و اگر کفش سیاه بود دلیل
 زنی سلیقه کار بود و اگر کفش سبز بود دلیل که زنی معاشه و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر
 کفش سفید بود دلیل که زنی خوب روی خواهد کرد و اگر کفش از پوست گاو بود دلیل که زنی با اصل خواهد و اگر از پوست
 گوسفند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخوابد و اگر بیند که کفش از پانی وی بغیا و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
 بیند و اگر کفش دپای او شکست بود دلیل که زن او تنباه کار بود و نیز گویند که کفش کهنه در خواب و دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر
 صادق رضی الله عنه گوید وین کفش در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کینه چهارم قوت پنجم ششم
 ششم مال هفتم سفر و کفش در خواب مردی بود که قسمت میراث کند کف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی در
 کف داشت دلیل که بعد از آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفها دست بر جمعی سودند دلیل که آنجا عروسی و شادی بود
 و اگر بیند که کفها اوخته یا ریش بود دلیل که از سفر و تحویل ان زمانه و اگر بیند که کفهای وی کشاده و قوی بود دلیل بر سفر و حج وی
 بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین کف در خواب بر شش وجه بود
 یکی دست فراخی دوم مال سوم زیارت چهارم فرزند پنجم دلیری ششم بازن هفتم بگرام و در شدن کف در میان ابن سیرین رحمة الله علیه
 علیه گوید کف در خواب منفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود و کف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از هر مرد
 یا زنده کف بیاخت اگر انگش معروف بود دلیل که آن انگش بوی برخی رسد و اگر بیند که کفن مرد معروف کند دلیل که در دنیا طریقی
 آن مرده جوید که زانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرده میدرد معتبران گویند اگر بیند که صالح و پارسا بود و طالب علم
 و سخنامی بادی که دلیل که دنیا روی بوی دهند و مال حرام جمع کنند و اگر بیند که مرد کاثر کفن میکند و از جانی بجای میسر دلیل
 که مالهای حرام بدست وی روان شود و اگر بیند که مفید بود دلیل که منافق و غماز باشد و فساد مردم گوایی و در گلاب
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گلاب در خواب تند رستی بود و اگر بیند که گلاب بوی ریخت دلیل که تند رست بود و مردم او
 روح و تنگ گویند و اگر بیند که گلاب بر کس میسازد دلیل که نامش در آید یا منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که نقل از علم وی بهره
 مند گردند و گلاب از مرغیست و آنرا اعتق گویند در خواب وین وی دلیل بر مردی بی وفا و بدین بود و اگر بیند که گلاب از

کفچه
 کفش
 کف
 کفچه

کفش

کفش

کفش

کفش

کفش

کفش

اگر رفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلاه نه برود و دلیل که با مردی بدین صفت
 که گفتیم خصومت کند و اگر بیند که کلاه نه از دستش می‌پایزد و دلیل که ترک صحبت آنمزد کند و اگر بیند که کلاه نه را بکشت و گوشت
 وی بخورد و دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مالی بخورد و کلاغ این سیرین حمله اند علیه گوید کلاغ در خواب مردی با حق
 و بد عهد بود اگر کسی بخواب بیند که کلاغی را بگرفت و دلیل که غنیمتی از کسی بگنجی و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ درختی نشسته
 بود و یا نکست و دلیل بر وبال و می باشد اگر دو کلاغ بیند و دلیل بر بخت و مشقت بود و در دیدن کلاغ در خواب خیر نبود کلاه
 و اشیا علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عروجه بود بقدر قیمت کلاه اگر بیند کلاه غازیان بر سر داشت و دلیل که بر خصم حیره شود
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بختی منفعت یابد و اگر بیند که کلاه مغنا
 بر سر داشت دلیل که غنا چنانی یابد و الا درین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند و دلیل که خدمت و جاه یابد و اگر بیند
 که کلاه حجابی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه بر روی سر داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند
 و اگر کلاه بر سر دستار نهاد و بود و دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان یابد و داشت و اگر کلاه بر شمشیر داشت
 و دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاهی از زر بر سر داشت و دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مردوارید بیند و دلیل که پیش مردم
 عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دار و غازی بود و اگر از آیین بود و دلیل که از پادشاه عروجه و قوت بیند و یا بدو اگر
 از چوب بود و دلیل که خود را از مردمان غازی بدارد و دروغ و محال گوید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر سر
 بر سر نهاد و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه این بیند و دلیل که از مردان باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیماری جهان پوشید
 و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بفتاد و دلیل که از عمل مغرور گردد و یا غمی بخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی ازین کلاهها
 که صفت کردیم بر سر ویش نهاد و دلیل که بقدر قیمت کلاه از محترمی جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی برگرفته بود و دلیل که از
 عروجه بفتد و اگر زنی بیند که کلاهی دو گوشه بر سر نهاد و دلیل که آنرا از اسیری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه وید بر سر
 نهاد و دلیل که آنس بدین بود و اما پادشاه از آن شک بود و مغربی رح گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت و دلیل که شرف و منزلت
 زیادت کرد و اگر بیند که کلاه وریده و کهنه بود و دلیل که اندوختن شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از سر وی در بود و دلیل که از مردی
 بزرگ دور شود و اگر کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این و دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کامل در دین
 و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیماری برگزیده بود و اگر سفید باشد و دلیل بر نیکی وی کند و اگر سبز بود و دلیل بر بد او کند
 بلکه ازین نوع کلاه داشته باشد و بیماری و اگر کلاه سرخ بود و دلیل بر بیماری باشد و همچنین اگر بیند که کلاهی سرخ
 پوشیده بود و دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین او نقصان بود و اگر بیند که کلاهی آتش افشانه بود و دلیل
 که پادشاه او را مصاره کند و جعفر معاذق صنی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب شرف
 بود و کلی ولایت و دوم ریاست سوم بزرگی چهارم عروجه و پنجم مقدار شرف و منزلت کلاه و در خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند

کتاب
تجربین
م

کتاب
تجربین
م

کتاب
تجربین
م

کتاب
تجربین
م

کل شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سر وی کل شده بود دلیل که مال خوشه بسیار یا بد و بعضی از متجران گویند که غم
 اند و دانه می ریزد و اگر و ام دارد و او ش گذارده شود و اگر بیند که او را با مردی کل صحبت بود دلیل که با مردی تو اگر دوست
 و آشنا شود و اگر بیند که سر وی کل بود و بعد از آن موی بر آورد دلیل که مال وی تلف شود و او ام دارد و کل ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید حکم بر کل در خواب برود و نوع بود یکی آنکه کل بر درخت بود و یکی آنکه کل درخت شده باشد و یکی که از ابقالی نبود دلیل عمر
 و اندوه بنیده خواب بود و اگر کسی گشخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را فرزندی آید و چون بیوقت بیند دلیل که
 بسبب فرزندان او مصیبت بود و درخت کل در خواب مهتری و سخن روانی بود و درخت کل زردنی بود باز رگان حاجت
 روا کننده و درخت گل سفید دلیل سرخ و دولت و جاه بود اگر در سرای خویش درخت کل بیند دلیل که دختر را بیگانه آورد
 و اگر در سرای خود کل صبر کن بیند دلیل که بسبب فرزندان شود و اگر کلها از هر گونه شگفته بیند دلیل که از خویشان و اهل
 بیت شادمان شود و اگر هیچ درخت کل از زمین کشته بیند دلیل که مردم سرایش کار نباشد مغربی رحمه الله علیه گوید کل در خواب
 دون همت و بد عهد بود که با کسی فاکند و اگر بیند که کل کسی داد یا از دست بیگانه یا صحبت چنین مردی دور نه همتیست
 رحمه الله علیه گوید کل در خواب نماند بود که از غایبی بد و رسید یا بدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب
 بر شش وجه بود یکی فرزند دوم دوست سیوم مرد و دو همت چهارم کینن خیم غلام ششم نامه غائب گشتن ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید کلش در خواب کل انگبین در خواب غنیمت و مال حلال بقدر که خود داده باشد و اگر بیند که کلش با کل این
 داشت و از آن بخور و اگر کلش بود دلیل که مالش زیاد شود و اگر بسیار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر و ام دارد
 و امش گذارده شود کل خوردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که کل میخورد دلیل که از پس مر و گان بدست
 و اگر بیند که کل خاک میخورد دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بیند که از خاک تربت حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم میخورد دلیل
 که حج گذارد و اگر بیند که خانه بگل می اندود دلیل که غمگین شود و مغربی رحمه الله علیه گوید دیدن کل سفید در خواب مال حلال بود و کل زرد
 بیماری بود و کل سرخ لهو و طرب بود و کل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و کل آب تیره دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که در میان کل
 غرق شده بود دلیل که در محنتی عظیم افتد که راهی نیابد و اگر بیند که از میان کل بیرون آمد و خود را و جانم خود را پاک شست دلیل که از غم
 و اندوه راهی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب در سر و سر صعبتر بود که در گرم سیر کلبتین ابن سیرین رحمه الله علیه
 گوید که کلش در خواب دانی بود که بوی مال از دست پادشاه بدارد و بر مردم نفقه کند و اگر بیند که کلبتین در دست داشت دلیل که او را مال نعمتیست
 و اگر بیند که کلبتین وی ضایع شد دلیل که او را زانی چند که راهی نبرد و اگر بیند که کلبتین چیزی از میان او آتش بیرون آورد دلیل که بعد از آن از او
 کلام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کلم داشت و بخورد دلیل که از زنی منفعت یابد و چون بی گوشت خورد و دلیل که
 کمتر بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر گوشت کلم با هم بخورد و دلیل که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد و منفعت کمتر باشد و اگر کلم پخته
 بخورد و دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود و منفعتش بیشتر باشد کلش را ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کلش در خواب عروسی

پاکیزه بود یا کثیری خوب خاصه که به هنگام خواب بر دخت بیند اگر بیند که گنار از دخت میفتد و دلیل که از دیدار عروس پاکیزه پاکیزه
 ماند کلنگت در خواب مردی غریب بود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنگی گرفت یا کسی بودید و دلیل که با مردی
 غریب پیوند و با وی نیکویی کند و اگر بیند که پاکیزه است و داشت دلیل که از مردی غریب راحت بیند که رانی رحمة الله
 علیه گوید اگر بیند که کلنگ از هیچرساند دلیل که بر گروهی غریبان و دورویشان مستر گردد و اگر بیند که خاصه کلنگ داشت دلیل که در
 شود و کلان سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کلوی وی سلامت است و هیچ الی ندارد و دلیل که امانت و اطمینان
 بگذارد و اگر بیند که ریخ و افقی در کلوی وی پدید آید تا ویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را فریاد بیند دلیل که روزی بر وی
 گردد و اگر کلنگ بیند بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانت را از دست بگذارد و سفری رحمة الله علیه
 اگر بیند که کلوی او را بریزند و دلیل که بر نذر بروی ظلم کند یا درین او طعنند و هر جانوری که کشتن باور و انا باشد چون بیند
 کلوی او را بریزند و دلیل بر مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم را قسم کند و اگر بیند که بهیچ راه کلوی بریزد دلیل که کار بروی
 گردد و اگر بیند که کلوش را بضرورت بریزد و کوشش بخورد و اگر گوشت آن جانور حلال باشد و دلیل که مال حلال باید و اگر حرام بود
 مال حرام باید و اگر بیند که کلوی او می بریزد و دلیل که بر آنکس سدا و قسم کند یا درین او طعنند و اگر بیند که کلوی کسی را بفرستد
 کرد و دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خواب دلیل بر دخل و خرج مردم کند اسمعیل
 رحمة الله علیه گوید که کلوش در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش و غلبه بود و کلیچ این سیرین رحمة الله علیه گوید که کلوش در خواب
 عیش و خوش نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچ میخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که
 بخورد و داشت دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچ در دهان نهاد و نتوانست خوردن و دلیل که مال و نعمت
 دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوردن کلیچ در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که با آسان بدست آید و دوم روزی
 و اخ سوم نعمت چهارم عیش و خوش کلید این سیرین رحمة الله علیه گوید که کلید در خواب مردی کشاید کار بود اگر کسی خواب بیند که
 قفل یا کلید باز کرد و در بخت و دلیل که کارهای بسته بروی کشاید و شود و مردی دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در دست کلید بسیار
 و دلیل که بدست یابد و نیز گویند که کج یابد سفری رحمة الله علیه گوید که کلید بسیار بود و مال بیشتر بود و نیز
 که کلید دعا و استغفار و حاجت خواستن از فرقا و باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفل نهاد و در را باز کرد و دلیل که حاجت
 او کار بسته شد و کشاید شود و اگر بیند که کلید در کلید و ان شکست و دلیل که دعا و نوحی خالص نباشد و اگر بیند که کلید و قفل از دست

مخالف
مخالف
مخالف

مخالف

مخالف

مخالف

و در باز کرد و لیل که زنی خبر وی بخوابد حقه بر حقه الله علیه گوید اگر کسی دست خود را بکشد میند و لیل که نماز کند زنده بود و اگر بکشد می بیند
 لیل که کابل نماز بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بکشد و خواب بر پشت وجه بود و یکی کشا و ن کار با دوم فرغ از غم سوم شفا از بیماری چهارم
 یا حقن مراد چشم تو بین چشم که از خون جحیم چشم اجابت چشم دانستن علم بکشد و ان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکشد و
 زود بکشد و در سخت نماز و لیل که کارهای دینی و دنیا و دنی کشا و زود اگر بیند که بکشد و ان بدشواری بکشد و تا ویش بخلاف این بود
 و اگر بیند که بکشد و ان توانست کشد و در بسته نماز و لیل که کارهای دینی بکشد و زود و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمة الله علیه
 اگر بیند که بکشد و ان زود باز کرد و اگر بکشد و لیل که زود فرج یابد و اگر بیمار بود زود و شفا یابد و اگر سینه بود زود و اگر جگر و اگر جگر و اگر
 روا شود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارهایش نظام گردد و کلیسا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکشد و کلیسا رفت و در خوابی
 قبله نماز کرد و لیل که آنکس از گناه توبه کند و در دین قوی شود و از هر گناه کلیسا جای عبادت است که آن رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 کلیسا بود و لیل که میتل از بابت پرستان باشد خاصه چون نماز سومی قبله ایشان بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که
 شد اگر بیند که خواب پارسا باشد و لیل بد بود خاصه که بیند و اینجا میقت شد کلیسا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بکشد و خواب
 و سرور بود و اگر بیند که خواب متر بود و لیل که بزرگی و جاه و نفیر یابد و بعضی از مجربان گویند هر وی صالح و گریه بود و از درویش
 و بیدار بود که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلیسی بایست و لیل که زنی توانگر بزی کند و اگر این خواب بی بیند و لیل که شوهر کند و از
 خیر منفعت بیند و اگر بیند که کلیسی که نشسته بود و لیل که زنی خبر وی و پارسا و موافق بزی کند و اگر بیند که کلیسی متر بود و لیل که زنی سینه
 و بیدار بود و اگر بیند که کلیسی سرخ بود زنی معاش و طرب دوست بود و اگر کلیسی زود بود زنی بیمار کون باشد و اگر کلیسی سیاه بود و ان
 که باشد زنده و عاید بود و اگر کلیسی ملون بود و اینجمله گفتیم در زن موجود بود و اگر بیند که کلیسی پوشیده بود و لیل که در دنیا و متری پارسا
 و از منفعت یابد و اگر کلیسی از خود دور افکند و ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بیند و کلیسی و خواب
 برنج و جود بود و یکی مرد ویش دوم متر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم کثیر خیر منفعت حکان و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که
 کما زانی می کشد و لیل که بسفر رود و با فایده باز گردد و اگر بکدام کشیدن زنه کمان برید و لیل که سفرش تمام نشود و باشد که در سفر
 رسد و اگر بیند که کسی کمانی بوی داد و لیل که پسر یار آرد و اگر بیند که کمانی شکست و لیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از
 مال و تلف شود و اگر بیند که از کمان تیری انداخت و لیل که از بزرگی نامه بد و رسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کمانی تیری
 انداخت و لیل که سخن حق و باطل گوید بسبب و کج رفتن تیر و اگر بیند که از تیر خود کمانی ساخت و لیل که او را از پادشاه عجمی شرف و بزرگی
 یازنی عجمی بخوابد و پارسا آید و اگر بیند که از کمان تیری توانست انداخت و لیل که او را از پادشاه یا از از زن فایده و نباشد و اگر بیند که کمان از تیر
 یا کسی داد و لیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تیر و از زنی عمر بود که زمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمانی نو
 و پاکیزه داشت و لیل که زن خواهد و اگر بیند که کمان بکشد و لیل که زن پادار بود و اگر بیند که کمان ضایع شد و لیل که از زن جدا شود و اگر بیند که کمان
 او سخت بود و وقت کشیدن نرم باشد و لیل که زنی بکلی بخوابد و کما و آسان برآید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن سفر برآید

خداوند

کتاب

چهارم

کتاب

سیر

و اگر بیند که گمان شده بود و سخت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که گمانی از بدست خویش از هر چه و میساخت دلیل که کار ساخته
 گردد و اگر بیند که گمان بفرخست و اندامهای او در هم و دنیا رسته دلیل که دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بهای گمان بخود هم چیزی می
 بست دلیل که مراد وی حاصل شود و اگر بیند که گمانی عطا بوی دادند و دلیل که روزی را خواهد بود و دشمن ظفر باید اگر بیند که گمان خنید و کشید
 بوی و او ندانید که گمان را کشید دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند که گمان در گمان و ان نهاد و دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که گمانهای
 بسیار داشت دلیل که او را در وستان بسیار باشند که بجا و سختی بفرمایند و وی رسند و اگر بیند که گمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که کردار وی
 نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و حج گذارد و آنچه بدین اند بخداوند تعالی نزدیک بود و قوله تعالی تمکین قلوب قوم مسلمین و کلمه
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن گمان در خواب بر شش و جبر و یکی سفر و دوم فرزند یار و سوم زن چهارم قوت نجم کردار و
 نیک ششم مرد درست در کار و گمان حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گمان حلاجی در خواب شناخت زنده بود و اگر بیند
 که گمان حلاجی در دست داشت دلیل که متقاضی کند و اگر بیند که گمان حلاجی داشت و ندانست که ملک داشت دلیل که شایسته
 خواهد که گمان آسمان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که گمان آسمان زد بود و دلیل بر بیماری مردم آند یا در و گمانی حرمه
 الله علیه گوید اگر بیند که سبزی گمان آسمان بیشتر از مرغی بود و دلیل که در آند یا در نعمت فراخ گردد و اگر بیند که سبزی بیشتر از مرغی بود
 تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان آسمان علامت سحر می بود و اگر عمو شد و دلیل که پادشاه آند یا در اوقات و
 کامکاری رسد و اگر عموهای بسیار ببیند تا ویش بخلاف این بود گمان کرد و همه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گمان کرد و
 در خواب کار پادشاه بود با غم و اندوه و اگر بیند که گمان کرد و همه در دست داشت و بلکه می انداخت دلیل که کسی را سخن شربت
 گوید و دشنام و بد زبانی که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه گله مردم آند
 و دلیل که سبب آزار مردم نمکین شود و اگر بیند که گمان کرد و همه می شکست یا صنایع بشد دلیل که آزار کسی بخود دیگر سبب این
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در میان مری بسته بود و دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و
 پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود
 وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محشم قبایل گردد و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود
 دلیل که او را مال محشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود
 که در شکست و بیفتی و و صنایع شد و دلیل که در مال و بزرگی با و نقصان شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود
 بود و دلیل که بهتر قومی شود و این سبب می تواند که شود و اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود
 او را که و شمشیر شد و دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کرد و خواب شش وجه بود و یکی شفقت از قبل
 یا برادر یا خویشان و دوم فرزند سوم بزرگی و پناه چهارم عمر دراز پنجم نضاف دادن و یافق مرد ششم پاک دین و اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و همه در راه دین ناپسندیده بود
 و است داشت دلیل که انصاف از خصمان است و اما نمک کرده شده بود و کم شده ان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که

دلیل که در این موضع که او بود ضایع شود زیرا که او را معرفت شناسد و قریب و دانا نداند اگر بیند که عیال یا فرزندان گشت و دلیل که اگر بیند
 اندوه بگیرد شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی گشت اگر آن چیز بنا بر میل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت
 از وی زایل شود و کارش نظام گردد و اگر آن چیز بنا بر میل بد بود غم و مضرت از وی زایل نشود و کارش نظام نشود و ممکن است این سیرین
 گوید اگر کسی خواب بیند که کندی بدین اخت و مرد را گرفت دلیل که با ندازه کند اندر گیاهی خوابیده اگر بیند که کندی از
 رسن بود دلیل که از مردی همسایری خوابیده اگر بیند که کندی از مردی که فریادی خوابیده اگر بیند که کندی
 انداخت و در گردن مرد آمد دلیل که از مردی ضعیف یا زنی خوابیده مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در دست آن مرد افتاد دلیل که از
 مردی مسخره فریادی خوابیده اگر بیند که کندی انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس او را یاری ندهد کنا این سیرین
 گوید کنا در خواب بی غش بود و از میوه یا هیچ میوه را خاصیت آن نبود و گویند که میوه حضرت آدم علیه السلام در بهشت کنا بود
 و اگر بیند که کنا بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت پیش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کنا در خواب
 مال حلال بود و در حوزی فراخ باشد و اگر بیند که کنا رها کرد و داشت دلیل که مال بسیار یا بد کنا این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که کنا میکشد و دانست که آن کنا چه بود دلیل که در گناه و فتنه افتد کنا قاتی رحمه الله علیه گوید کنا هر کون در خواب هم مصیبت
 و کنا بود و توبه باید کرد تا از عقوبت حق تعالی غرض عملی این شود و کارش تصلاح آید کندی این سیرین ح گوید کندی در خواب
 بود و اگر کندی پاکیزه بیند و داند که ملک و ست دلیل که زنی خوزوی خوابد کنا قاتی ح گوید کندی در خواب شرف بزرگی بود و اگر بیند
 که در کندی بزرگ بود دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کندی در خواب بر چهار وجه بود
 یکی آن دو کم کنین سوم منفعت چهارم عذابه کج این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کج نیافت دلیل که بیمار گردد و
 یا برخی بدل او رسد و اگر بیند که کج او ضایع شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید کج یا فتن در خواب در جایگاه
 خواب بیمار یا پاک شود و اگر بیند که در جایگاه آبادان یا بد دلیل که بیمار شفا یابد کج این سیرین رحمه الله علیه گوید کج در خواب
 مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بیند که کج داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که کج کسی داد
 دلیل که بقدر آن مال خود او را منفعت رسد و اگر بیند که کج خورد و طعم آن نماند دلیل که بقدر آن مال حرام یابد بعضی
 از معبران گویند که او غم و اندوه رسد کندی این سیرین ح گوید کندی میرد خواب نیا باشد و کند پیر مسلمان که بیمار آید
 باشد دلیل که مال حلال یابد و کند پیر که بیمار چرکین باشد و کافر بود بنا بر مال حرام بود و کند پیر خردی و نیکو با مبتدیان
 ایچان و آن جهان باشد و اگر بیند که کند پیر فریب و مسلمان زنی خواست و دانست که ملک و ست دلیل که مال حاصل کند
 و اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد و دلیل که ترک دنیا بکوشد و راه آخرت جوید و اگر بیند که با کندی
 پیری محاممت کرد دلیل که مراد از اینانی او را حاصل شود و کندر و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کند زنی بخورد یا
 دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خائیدن مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کند زنی داشت دلیل که عینش

نکته

نکته

و متعین بقیه ولی نهجه و لحظه اگر بیند که ماده پیشی را گرفت یا کسی بوی او در لیل کن زنی بچفت که کفیت او را محب و خوشگاری
 شود و از وی مال حاصل کند و اگر بیند که ماده پیشی ضایع شد دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل اشفت رتبه و تکریم
 اگر بیند که ماده پیشی را کلو برید دلیل که زنی مستور و ایتان کند و اگر ماده پیشی سیاه بود دلیل که آن زن از عرب بود و اگر
 بود و اگر بچم باشد و پوست کوسپند غنیمت مال حلال بود و دیدن کوسپند و خواب برنج و جید بود یکی بهتر و دوم زنی
 سوم مال چهارم فرمان چپم ماه و منفعت کوشته و انیال علیه السلام گوید که شتر با تاویل هر چند بخت خور دلیل
 بر مال منفعت کند که آسان بدست آید و کوشته ای که خام خور و دلیل که مال برنج و سختی بدست آید و خرید و فروخت
 کوشته را و خواب غم و اندوه و او این سیرین رحمة الله علیه گوید خور و ن گوشت پنجه بهتر از بریان باشد و خور و ن گوشت
 بریان بهتر از خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خور و میخورد دلیل که غیبت ابل خانه کند و بعضی از متجران گویند کاری کند
 که از انکار ریشیانی خور و اگر بیند که گوشت مردم میخورد دلیل که غیبت مردم بناحق کند و له آیت حاکم آن یکی
 کلمه احمیه میگوید فکر هفتوه و اگر بیند که مردی را برادر کرده بودند و او گوشت او میخورد و دلیل که مال حرام خور و اگر
 بیند که گوشت کوسپند خور و بخت بود و میخورد و دلیل که مال لغمت یا بد و اگر بیند که کوسپندی مسلخ بخانه آورد و دلیل کسی
 بزگوار در آنجا بمیرد و اگر بیند که برخی از اندام کوسپند در خانه آورد و دلیل که در آن خانه کسی بپاک شود مغربی رحمة الله
 علیه گوید گوشت خور و بهتر از گوشت لاغر بود و اگر بیند که گوشت تازه کسی را بمیزد و دلیل که او از بریان بخور و اگر اندام او را
 غیبت کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد و دلیل که بقدر آن روزی با غم و اندوه یا بد و اگر بیند که از مضایب گوشت
 بخور و بهایش بداد و بمنزل خود برود و دلیل که بپاک شود و اگر بیند که گوشت از دو میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن
 بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت اسب میخورد و دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از پادشاه
 چیزی بدور رسد و اگر بیند که گوشت شتر میخورد و دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بیند که گوشت
 شتر میخورد و دلیل که بقدر مال میمیزی بخورد و بعد از آن بیمار شود و شفایا بد و بعضی از معبران گویند که از مردم پادشاه
 او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت شتر مرغ میخورد و دلیل که بقدر آن از مردم بیایانی او را منفعت رسد و اگر بیند
 که گوشت آله میخورد و دلیل که از پادشاه ستمگر او را درم و دینار حاصل شود و اگر بیند که گوشت آهو میخورد و دلیل که بقدر آن
 از زنی خور و می او را مال حاصل آید و اگر بیند که گوشت بز میخورد و دلیل که او را صفت مال دشمن بدست آورد و خرج
 کند و اگر بیند که گوشت پست میخورد و دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از متجران گویند که مال دشمن بخورد و اگر
 بیند که گوشت بخت و دلیل که بقدر آن مال و لغمت یا بد و اگر بیند که گوشت پلنگ میخورد و دلیل که در جنگ نام آور باشد
 و شرف نزدیکی یا بد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد و دلیل که از مال مردی زنی را مال فرزند بقدر آن او را مال حاصل شود
 و اگر بیند که گوشت بوزله میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که گوشت پیل میخورد و دلیل که بقدر آن از سلطان مال یا بد و

از این

بینه که گوشت چرخ میخورد و دلیل که از پادشاه و شکر اور منفعت رسد و اگر گوشت تذرو میخورد و دلیل که مال مردی خدار خود و اگر
 بینه که گوشت چرخ میخورد و دلیل که مال در دیده خورد و اگر بینه که گوشت چکا و ک میخورد و دلیل که چیزی از مال بنده خورد
 و اگر بینه که گوشت خرمیخورد و دلیل که مال حرام یا بد و اگر بینه که گوشت خرگوش میخورد و دلیل که از مال زن چیزی اندک بیاید
 و بعضی این معتبران گویند که میراث یا بد و اگر بینه که گوشت خروس میخورد و دلیل که بقدر آن از مردی عجبی منفعت یا بد و اگر بینه
 که گوشت خرچنگ میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بینه که گوشت درج میخورد و دلیل که مال
 زن بستاند و خرج کند و اگر بینه که گوشت راس میخورد و دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یا بد و اگر بینه که گوشت ناز میخورد و دلیل
 که بقدر آن از مال فاسق میخورد و اگر بینه که گوشت سنگ خاره میخورد و دلیل که از مال مردی بده منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت
 سوسمار میخورد و دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر و منفعت یا بد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار و دلیل بر کمال فتنه
 اینجانی یا فتنه باشد و اگر بینه که گوشت سگ میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد و اگر بینه که گوشت سنجاب میخورد و دلیل که مال
 مردی غریب خورد و اگر بینه که گوشت سیخ میخورد و دلیل که مال مردی بزرگوار بد و در سده و اگر بینه که گوشت شتر میخورد و دلیل که از
 مال مردی شکر نفع یا بد و اگر بینه که گوشت بره میخورد و دلیل که با کسی مکره محرم میخورد و اگر بینه که گوشت شتر میخورد و دلیل که
 تجارت با خویشان خصوصیت کند و اگر بینه که گوشت طایوس میخورد و دلیل که مال و نعمت یا بد و اگر بینه که گوشت طوطی میخورد و دلیل که حکم
 و در این منفعت نکند و اگر بینه که گوشت فک میخورد و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بینه که گوشت قمری میخورد و دلیل که از زنی
 خوب منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت ماده کا میخورد و دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظم گردد و اگر بینه که گوشت کبوتر
 میخورد و دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کمتر نفع رسد و اگر بینه که گوشت کبوتر میخورد و دلیل که از مال زن او را بهره برسد و اگر
 بینه که گوشت کبوتر میخورد و دلیل که منفعت یا بد و اگر بینه که گوشت کرک میخورد و دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یا بد و اگر بینه
 که گوشت کشف میخورد و دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بینه که گوشت کفتار میخورد و دلیل که پیرو زنی بروی جادو کند و اگر بینه
 که گوشت کلاره میخورد و دلیل که مال مردی بیابانی خورد و اگر بینه که گوشت کوه میخورد و دلیل که مال و منفعت یا بد و اگر بینه
 که گوشت ماکیان میخورد و دلیل که او را مال از کینه یا از خادوم جمع شود و اگر بینه که گوشت ماهی میخورد و دلیل که چیزی از مال زن بخورد
 و اگر بینه که گوشت مرغابی میخورد و دلیل که بزرگی و ولایت یا بد و اگر بینه که گوشت مرده میخورد و دلیل که آن مرده را به بدی یا بد کند و اگر بینه
 که گوشت نهنگ میخورد و دلیل که بزرگ و بلا بد و در سده و اگر بینه که گوشت بد میخورد و دلیل که از مردی زیرک و بزرگ منفعت یا بد و اگر بینه
 که گوشت همای میخورد و دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بینه که گوشت هزار و شصت میخورد و دلیل که از مال
 زن یا فرزند یا غلام او را منفعت رسد و اگر بینه که گوشت واشه میخورد و دلیل که از مال شصت میخورد و اگر بینه که گوشت میخورد و دلیل که از مال شصت
 بخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال و دوم میراث سوم توانگری چهارم مصیبت اندوختن
 گوشت این سبب است و جمله این علیهم السلام گوید اگر کسی بخواب بینه که گوشت او بیفتا و یا بریده شد و دلیل که از آن اطلاق یا بد و خشن میخورد یا بد

نوید گورستان در نواز بدیدن صحبت با جاهلان بوده که دین و دنیای ایشان بفساد و گمراهی و غم و پشیمانی بود که آنی رحمة الله علیه
 گوید اگر بیند که اهل گورستان را زیارت میکرد و دلیل که اهل زندان را زیارت کند و اگر بیند که در گورستان باران بارید دلیل که اهل گورستان را
 رحمت از حق سبحانه و تعالی بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر تو انگر بیند که در گورستان میرفت و بر کوفه اسلام میکرد دلیل که در پیشگاه
 و از مردمان که اهل گورستان است و اگر بیند که در گورستان معروف بود و مردگان از گور برخاسته بود
 دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد و اگر بیند که در گورستان گور را باز میکرد بعضی مرده دید و بعضی زنده دلیل که در آن
 ولایت محنت و تنگی پدید آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در گورستان در خواب بر سر و وجه بودگی زندان دوم غم و غم
 محنت و بلا کوز و در خواب مالی بود که بجهت و بلا و بیخ و سختی حاصل گرد و اگر بیند که با کوز بازی میکرد و با کوز در دست داشت
 دلیل که جنگ و خصومت بود که آنی رح که بکوز که مغرآن تبا شده باشد دلیل که مال حرام بدور رسد بقدر کمی و بسیاری و اگر
 مغر کوز بطعم خوش بود مال حلال بدور رسد و اگر بیند که کوز میکشت و دلیل که از مردی عجبی مال گیر و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوز
 داشت دلیل که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کوز تلخ و ناخوش بود دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بیند
 که از مغر کوز روغن بیرون آورد دلیل که از مردی بخیل او را منفعت رسد کوز بپندی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی کوز بپند
 بوی داد و دلیل که سخن قاتل گیر و در محنت شود و اگر بیند که کوز بپندی میخورد و دلیل که سخن ایشان راست پندارد و بعضی از متبرکان کوز
 کوز بپندی در خواب مروی و در آن یک نفر بپندی بود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوز بپندی میخورد و دلیل که سخنان بپندان
 پندارد و اعتقاد بر آن داشته باشد کوز بویا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوز بویا در خواب صلاح دین بود و دانستن علم شریع
 بیند که کوز بویا خورد و دلیل که مصلحت راه دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد و کراتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوز بویا بسیار
 و میخورد و ببرد و دلیل که در علم و حکمت یگانه شود و از آن علم او را دیگر از منفعت بود و اگر بیند که کوز بویا بی که داشت از آن
 کسی نداد و دلیل که از آن علم منفعت نبرد و او را نه دیگر از آن باشد و بعضی گویند که خوردن کوز بویا و دلیل بر تعلیم علم نجوم کند کوی
 زمین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوی زمین در خواب مالی بود که بکرو و حیل بدست آورد و اگر بیند که کوی زمین پنهان بود
 که از آنجا او را برون آمدن نبود و دلیل که بکرو و حیل خود را در کاری افکند که از آن بدستواری بر آید و هر چند که کوی در تیر بود کار
 صعب بود و اگر بیند که آن کوی مانند سرباب بود و دلیل که در دوازدهوی چیزی ببرد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوی یا چاهی
 و دلیل که از هر کسی بکرو و حیل سازد و اگر از آن کوی آب بیرون آمد و دلیل که در آن کوی بکرو و حیل چیزی بدست آورد و بدین
 معیشت کند و اگر بیند که کوی از هر کسی دیگر بود و دلیل که آنچه گفتیم آنکس را باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در
 کوی افتاده بود و از آن بیرون نتوانست رفت دلیل که در کاری ستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این بیند
 و دلیل که در ستکاری باید کوز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوز و از سیدیه روغن یا از مس بود و در خواب خام باشد و اگر
 سفالین نموداشت دلیل که او را کینتر کی حاصل شود و بقدر خوبی کوزه و اگر بیند که کوز آب خرد و دلیل که با کینتر جماع کند

جدا شود و بعضی متجان گویند که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که او کشته چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند و دلیل بر فساد او
 و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گوش در خواب بر پشت و وجه بود یکی زن دوم خیر سوم و دو سچ چهارم
 ز قهر پنجم و ششم غلام هفتم مال خوشه هشتم ترس و بیم نهم گوشواره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در هر دو گوش
 گوشواره داشت و دلیل که او را پیش آرایش و جمال افزون کرده و اگر بیند که در هر دو گوش مروارید گرانمایه داشته بود و دلیل که علم و
 بیاموزد و عالم و دانا شود و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و در دیگر بنود و دلیل که علم و قرآن بیاموزد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر
 بیند که هر دو گوشواره داشت و دلیل که بزرگی جاه باید و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زر و یکی از سیم
 و دلیل که زنا طلاق دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش
 دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه سبب طلاق دادن زن کو شکست این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 بخواب بیند که در گوشش شمشیر شد و دلیل که او را مال خوسته حاصل آید خاصه که گوشک از خشت خام و گل بود و اگر بیند که از گل است
 و دلیل که مال با مادر و برادر نقصان بود و اگر بیند که پادشاه گوشش بود و دلیل که از پادشاه مال حاصل کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که گوشک و خراب شد و دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در گوشک آتش بیفتد و دلیل که پادشاه او را صاعقه بزند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید و دیدن گوشک در خواب بر پشت و وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم مرتب چهارم ریاست پنجم بزرگواری
 پادشاهی هفتم پیشتر شادی و خرمی بعد باندی و نیکی گوشک گوگرد و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب
 و اندوه بود و در دیدن گوش و خیر و منفعت بود گوشک و انیال علیه السلام گوید که گوشک در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که
 شده بود و در کتاب چیزی پیش علم میخواند و دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که گوشک صلاح از فساد و خاندن و مستقر گفته اند اگر
 خود را گوشک بیند و دلیل که کارش ضعیف شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشک بر میان کرده پیش او نشاند
 و میخورد و دلیل که نه وی خیر بسیار یا بد و آن گوشک با حشام بسیار برسد که مانی رحمة الله علیه گوید که گوشک خبر بوی تنها و دل فتنه
 بوده که گوشک زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیر خواره شده بود و دلیل که این مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که گوشک
 شیر سپید و دلیل که بوقت زاد و سلامت بود گوش و انیال علیه السلام گوید اگر گوش را بگوئی بلند بیند و اندک آن گوشه پاک است
 و دلیل که مردی بزرگشوار در پناه خود گیرد و اگر بیند که گوشه را از جای خود بر کند و دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که گوشه بر مقام
 گرد و دلیل که از مردی بزرگ غرور جاه یا بد و اگر بیند که بر بالای گوشه می شود و دلیل که بزرگی و جاه یا بد و بعضی متجان گویند که اگر بیند
 بر بالای گوشه می شود و دلیل که غم و اندوه بد و رسد اگر بیند که از گوشه بزرگ بر آید و دلیل که بزرگی و جاه و نقصان شود و اگر بیند که بر سر کوبی مقام
 و دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مقرب شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر کوبی غایب میگردد و یا بانگ ناز میزند و دلیل که
 او نیکو شود و مغرور رحمة الله علیه گوید بالای گوشه گوشک و فتنه در خواب دلیل بر مقصودی که دارد و یا بد و اگر بزرگ بر آید تا ویش بخلاف
 این بود و اگر بیند که بر دهن گوشه بیفتد و دلیل که اند و بگین شود و اگر بیند که بر دهن گوشه ناز میگذارد و دلیل که کاری کند که موافق این باشد

و اگر بیند که مردی از کشتن پادشاه با وی بود و دلیل که از پادشاه حرمت یابد و اگر بیند که کوه بچند و بعد از آن قرار
 گرفت و دلیل که مردی بزرگ در آنجا بخور شود و شفا یابد و اگر بیند که کوه را میسند و کوه کشتن بروی آسان بود و دلیل که بزرگ و عطا
 یابد و اگر بیند که کوه از خاک بود و دلیل که او را با جهری خیس طبع باشد و اگر بیند که بر کوه قاف نشسته بود و دلیل که اجلش فرا رسیده باشد
 و اگر بیند که بر کوه طور سینا بود و دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مردش حاصل آید و اگر بیند که بر کوه عرفات بود و دلیل که توبه کند
 و از کشته پشیمان شود و اگر بیند که بر کوه کعبان بود و دلیل که با حلیا و صلی صحبت دارد و اگر بیند که بر کوهی تاریک بود و دلیل که او را
 بیم ملاک باشد و اگر بیند که بدره شد و دلیل که اجلش نزدیک آید یا بزرگان گرفتار آید و اگر بیند که بر کوهی روشن بود و دلیل که مال را به
 استخیر اشعش رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوهی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدستواری میرفت و تیری انداخت و دلیل که
 او را پادشاه بستاند و اگر بیند که میان دو کوه میرفت و تیری انداخت و دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر بیند که در
 سوراخی بود و در آن سوراخ شد و دلیل که از راه پادشاه آگاه شود و اگر بیند که از آن سوراخ چیزی بیرون آورد و دلیل که از آن پادشاه عطا
 یابد و حافظه مستخرج گوید اگر بیند که بر کوهی بالا میرفت و دلیل که بخدمت مردی بزرگ مشغول گردد و اگر بیند که اگر چه بهاس سنگ میگرفت
 و هر یک بجای می انداخت و او بر سر میگرفت و بر کوه پنهان و دلیل که ماطه ای بقره جمع کند و اگر بیند که از کوه بهادران گرفته بود و دلیل
 که خود را کسی بزرگ بندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از کوه بزرگافتا و دلیل که مردش بر نیاید و اگر بیند که بر کوه نزدانی آید
 و اگر بسته بود و بدان زبان بر سر کوه شد و دلیل که مردش نزد و حاصل شود و اگر بیند که زبان از کوه خشت خام بود و دلیل که بهتر باشد
 و اگر از من بود بد باشد و اگر از بزرگ بود مردش بر نیاید و اگر بیند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود و دلیل که خاص و مقرب پادشاه گردد و
 مال بسیار یا بچهره صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر سر کوه بود و یکی پادشاهی دوم بر سر کوه بود و هر یک سوم طهر چهارم بکند
 چشم ریشی یا فتن گوید هر یک بر سر کوه ایستاده علیه گوید دیدن کوه در خواب زن با جمال توانگر بود و اگر بیند که گهری داشت و دلیل که
 دارد و طلاق دهد و اگر بیند که گهر بسیار داشت و دلیل که مال بسیار حاصل کند که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گهر میرفت و دلیل
 که دشمنان مشغول گردد و دلالی کند و اگر بیند که بعضی گهر با سوراخ داشت و بعضی نه داشت و دلیل که دلالی و خزان و دیناره و زن
 میوه کند و مغربی رحمة الله علیه گوید که بر سر کوه در خواب فرزند بود و اگر بیند که گهر سفید داشت و دلیل که او را فرزندی آید و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر سر کوه بود و یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بجهان پنجم زن با جمال
 ششم سخن مفید هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب تو را نباشد و دلیل پشیمانی بود و گهر فروش در خواب
 علم و حکمت بود و گهری بر سر کوه رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کوه آید و آن بود و دلیل که خیر و منفعت بوی رسد و خاص
 که در مرد مصلح باشد و اگر خلاف این بیند و دلیل که شر و مضرت بدور رسد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوه خیر و منفعت
 دلیل که علم و اندوه بوی رسد و گهری اگر کسی بخواب بیند که گهری داشت یا کسی بود یا دلیل که اندوه بوی رسد و اگر بیند که گهری داشت
 و دلیل که علم و اندوه صبر بود و اگر بیند که گهری داشت یا دلیل که علم و اندوه بوی رسد و در دیدن گهری هیچ منفعت نباشد

و الله اعلم حرف اللام لباحه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لباحه در خواب دیدن نیکوئی و ناپسندی دین بود و چنانچه
 که سبزه باشد و اگر بینه که لباحه سمور یا سحاب داشت دلیل که پناه مردی باو بایست بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه
 که لباحه سبز داشت دلیل که او از مردی دیندار با امانت منفعتی رسد و اگر بینه که لباحه چسبیده بود دلیل که از مردی مصلحت
 تو انکار او را نفی رسد و اگر لباحه سرخ بود پوشیده دلیل که از مردی مسافر بقدر بهای آن او را منفعت رسد و اگر
 لباحه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لباحه بنفشه بود پوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لباحه سیاه پوشیده بود
 اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مصرت و بچهرتی یا بدستگیری اشکست رحمه الله
 علیه گوید لباحه دیدن مردان از انقضای دین بود و زنا تراشادی بود و لباحه عنابی مردان زنا تراشید و خالصه
 سفید و فراخ بود دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لباحه در خواب نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لباحه که پارس زنا
 و مردان زنا تراشید بود و لباحه در خواب بر چهار وجه بود یکی زمان دوم امانت داری سوم صلاح کار و چهارم خیر و منفعت
 لباس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که لباس تابستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود
 اما ترس و بیم عظیم بود پس دلیل که انجامش نیکو باشد و اگر زنی بینه که لباس روان پوشیده بود دلیل که بشویش خیر می رسد
 کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن بینه که در بیداری بود دلیل که کادش بد شود و اگر بهتر بینه که
 و اگر بر خود لباس بهتر از آن بینه دلیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان بینه دلیل که گناه بسیار کند و اگر بینه که لباس
 سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بینه که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بینه
 صوفیان داشت دلیل که از دنیا دست بردارد و اگر بینه که لباس نوکران داشت دلیل که بجمع کردن مال حریص بود و اگر بینه که لباس جهودان یا ترسانان
 داشت دلیل که دلش با ایشان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لباس در خواب بر هفت وجه بود یکی دین پاک دوم تو انگریزی
 هر وجه چهارم منفعت پنجم عیش و شرمش عمل نیکو و هفتم عدل خواهد لباحه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لباحه در خواب
 دیدن دلیل بر برآوردن حاجات بود و لب نه برین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از تعبیران گویند لب در خواب خجسته
 و قریبات بود و اگر بینه که لب بالائی وی باز جازا مل شد دلیل که مال وی در زوال شود و لب برین بهین تا وی مل دارد و اگر
 بینه که لب بالائی وی بریده دلیل که زنا طلاق دهد یا زن او را طاک کند و اگر مرد و لب افتاده بینه دلیل که او را مصیبت
 رسد از جهته مادر و پدر و نیز گویند که غماز بود و اگر لبهای خود را در و مند بینه دلیل که تخمین شود و اگر بینه که لبها چین
 پوشیده بود و چنانکه باز نتوانست کشود دلیل که کارش بسته گردد و اگر زنی لب خود خالی سیاه بینه دلیل که غم و زاری
 گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه
 بیم طاک و بود و اگر بینه که لبهاش آسیده بود دلیل که مال وی زیادت شود و اگر بینه که لبهاش سرخ شده بود دلیل که غم
 روا گردد و اگر بینه که لبهاش سبز یا سفید بود دلیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر بینه که لبهاش سیست و ضعیف بود

دلیل که حالش بد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا و دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود
 الحاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید الحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که الحاف نمود داشت دلیل که زن
 خواهد و اگر بیند که الحاف نمود بخیر دلیل که کینه نیک و خوشبختی بخیر و اگر بیند که الحاف او ضایع شد و دلیل که زن را طلاق دهد
 و اگر الحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که الحاف
 نمود داشت دلیل که زنی ویندارد و توانگر خواهد و اگر بیند که الحاف سفید بود دلیل که زنی توانگر
 و نارسا و زرا بود و اگر بیند که الحاف سرخ بود دلیل که زنی طرب را دوست دارد و اگر الحاف
 زرد بود دلیل که بر زنی بیمارگون باشد و اگر الحاف او ملون بود دلیل که زنی شکر مکاره و فریبنده بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین الحاف در خواب چون نوا باشد بر تنه و چه بود یکی زن عالم
 و دم دختر و شیر سوخته لرزیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لرزش میلزید
 دلیل که در امانت داری ضعیف بود و اگر بیند که سروی میلزید دلیل که از عاقلش زیان رسد
 و اگر بیند که قفایش میلزید دلیل که زنیست و آبشکی ندارد و اگر بیند که دستهای وی میلزید
 دلیل که نیکبختیست بود و اگر بیند که سینه وی میلزید دلیل که سختی بشود که اندوگه بشود و اگر بیند که شکم وی میلزید دلیل که
 از مردی که قوت او بود و پناه او بود و بختی بود برسد و اگر بیند که پایش میلزید دلیل که در سفر بختی بودی رسد و اگر بیند که اندامش
 میلزید دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود و بختی بود و انشای علیه السلام گوید لرزیدن اندامها در خواب ترس و بیم بود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم
 مضرت بیماری لرزیدن چشم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید دلیل که در آندیشه
 و ظلم و ضنا بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید دلیل که پادشاه آندیشه دارد و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان
 لرزید دلیل که آشوب در نزدیکیان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میلزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه
 لرزید دلیل که پادشاه آندیشه را مضرت رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عرش میلزید دلیل بر ضنا و بی و یا نیتی عمل بود
 و اگر بیند که لوح و قلم میلزید دلیل بر بد حالی و بی امانی علم بود و اگر بیند که هفت آسمان لرزید دلیل که عذاب خشم باری سبحا
 و تعالی بسبب ضنا و بر اهل آندیشه رسد و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان میلزید دلیل بر جنگ و خصومت
 پادشاه آندیشه و قتل و خونریزی بود و اگر بیند که کوشک یا سرای پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن وضع برسد و اگر
 بیند که قوی لرزید دلیل بر مصیبت و ضنا بود و لشکر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر و جاگجایی بود یا و از
 دلیل که اهل آن وضع را لرزندی رساند و اگر لشکر است بیند دلیل بر قوت و نصرت آندیشه که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود
 که لشکر از آن بود و اگر لشکر بی سلاح بود و دلیل بر ضعف و محنت آن پادشاه بود و دوم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن

الحاف
 الحاف

الحاف

الحاف

الحاف

لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکی آن دوم میل سوم با دخت چهارم چنانکه خصوصیت پنجم بلا و محنت لعل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید
 لعل در خواب فی با جمال توانگر بود و اگر بیند که لعل آتش فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخیزد دلیل بر بدبختی است که لغتیم فی بخوابد یا کین
 پاکیزه و خرم و اگر زارش باشد و خمری با جمال لطیف صورت نماند و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل بر بقدر آن مال حاصل کند لیکن درین
 گروه بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی آتش پذیرد لعل بر دیا و دلیل بر بقدر و قیمت آن فی توانگر از خویشان خود خواهد و اگر بیند
 که بیکانه او را پاره لعل داد دلیل بر زی مجهول بدبختی خواهد و اگر بیند که جوانی پاره لعل با و داد دلیل بر مال حاصل کند چنانکه جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کین سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران لعوق
 پسیدن بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که طعم آن شیرین و خوشنوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که چول لعوق
 و لعوق چلغوزه و لعوق خشخاش آنچه بدین ماند و اگر تلخ و ترش بود بوی ناخوش داشت دلیل بر ضرورت باشد مغربی رحمه الله علیه
 رحمه الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و آنچه ترش بود تا ویش بخلاف این بود افلاح الشما
 و مستنبویه را گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مستنبویه بخورد و دلیل بر بیمار شود و اگر کسی داد آن کن بیمار گردد و اگر بیند که
 افلاح را بوی میگرد دلیل بر سخنی خوش شود و اگر بیند که افلاح بسیار داشت دلیل بر مال و خواسته یا بد جعفر صادق رضی الله عنه
 افلاح در خواب بر شش وجه بود یکی خرجش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلاف لقلق ابن سیرین رحمه الله
 علیه گوید لقلق در خواب مردی با حسب و نسب و ازاد و غایت اندیش بود و اگر بیند که لقلق گرفت یا کسی بویاد و دلیل بر او را
 یا کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند که لقلق ناکشت دلیل بر دشمنی بزرگ بر دست وی دراک شود و اگر بیند که لقلق بادی
 سخن گفت دلیل بر کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از محترمی او را منفعت رسد و اگر بیند که لقلق بر بام وی نشست
 دلیل بر محترمی در خانه وی و آید و اگر بیند که لقلق از دست وی پرید دلیل بر او محبت مردی و بهقان جدا ماند و اگر بیند
 که گوشت لقلق بخورد و دلیل بر بقدران مال و بهقان خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقلق در خواب بر چهار وجه بود یکی
 مردم و بهقان دوم پادشاه ضعیف سوم با سبان چهارم غیبی و درویشی بود لقمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند
 که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد و دلیل بر آنکس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تا ویش بخلاف این بود
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد و صلیح بود دلیل بر مال حلال یا بد و اگر بیند که لقمه شیرین
 گرم در دهان وی نهاد و دلیل بر آن سخن کسی در دهان افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید لقمه در خواب در دهان نهادن مرسته وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر لغت
 لغوه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد بیند که بوی از علت لغوه کج شده بود دلیل بر آن مردم حقیر و خوار شود و اگر
 بیند که رویش پاکیزه و نیک بود دلیل بر آن خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقمه در خواب دلیل بر منافقتی بود
 که میان مردم سخن نفاق گوید و اگر بیند که لقمه هشته بود دلیل بر آشکارا شدن علت و نقصان وین بود لگام ابن سیرین رحمه الله

علیه گوید اگر بیند که گام بشکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که گام بر سر و است چنانچه سپان
را باشد دلیل که روزه و از و از کنه توبه کند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسی که با بکار و بدستگاه تر بود و گام در
والتش رود و مغربی رحمه الله علیه گوید گام در خواب بر سر سینه نیکی بود که پیوسته بفرمان خواص باشد و بر سر آواز نیکی نبود و گویند
که بیند خواب با اوب و فرزند باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گام در خواب بر سر است و جبهه بود یکی شرف و بزرگی
دوم روزه داشتن سوم اوب و فرزند و گام فروش در خواب در کارهای ولایت باشد لکن زون این سرچشمه
علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که کسی را بگذرد و دلیل که از وی یا از خویشانی او از زیان رسد و اگر بیند که اسب را بگذرد و دلیل که در
شرف و بزرگی او نقصان پیدا یابد و بعضی از متبحران گویند بفساد و مشغول گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زنی او را بگذرد
و دلیل که بسبب زنی اند و بگین شود و اگر بیند که کند پیری بگذرد و دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که اشتداد و بگذرد و دلیل که از امر و
محشتم او از زیان رسد و اگر بیند که خری و یا بگذرد و دلیل که در سفر او از زیان و مضرت رسد و اگر بیند که کا و او را بگذرد و دلیل که در دنیا
او از زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بگذرد زون در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم مضرت سوم غم و اندوه چهارم
فساد و عیال لک این سرچشمه رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که لک داشت و دلیل که از کسی فرومایه او در مضرت رسد و اگر
که لک را برایش نهد و او و دیگر و دلیل که نامش در اندام بیهوشی منتشر گردد و اگر بیند که لک میخورد و دلیل که عین شود و اگر بیند که کا
در دست و می بود و لک محکم میکرد و دلیل که در میان دو کس مصالح پیوندد کند و بسیار این سرچشمه رحمه الله علیه گوید که لوبیا در خواب
بوقت خورد و اگر بیوقت نخورد یا غم و دلیل غم و اندوه بود و لوح محفوظ این سرچشمه رحمه الله علیه گوید که لوح محفوظ بتاویل عالم
با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند که مانی رحمه الله علیه گوید که لوح محفوظ بتاویل علم و حکمت و قرآن باشد اگر
بیند که لوح محفوظ را کوچک و حقیر بود و دلیل که حال وی بد بود و اگر بیند که بقلع بر لوح محفوظ چیزی می نوشت و دلیل که کارش نیکو گردد
بیند که بر لوح محفوظ میرفت و دلیل که او را با یاد و بناهی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ باشد
بود و دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادتی دوم سپردن
علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت و او نیز این سرچشمه رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که لوزینه بشکند و او را
نهد و دلیل که از کسی سخنی لطیف شود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد و دلیل که بعد از آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد و او را
او را سخنی خوش گوید یا از بهر کاری نیکی کند مغربی رحمه الله علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل مال نعمت بود و اگر بیند که لوزینه خورد
یا خرید یا کسی بوی داد و دلیل که بعد از آن مال نعمت از حلال یا بدو خرج کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد و دلیل که از وی بزرگسالی
رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بدزدید و دلیل که آن نقصان مال بود لک شدن این سرچشمه رحمه الله علیه گوید اگر بیند
که لک شد بود و دلیل که کار با طلب کند از خیر و شر و مست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از متبحران گویند اگر کسی خود را
لک و حقیر بیند و دلیل که چشم مردمان خوار و حقیر گردد و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را لک بیند و دلیل که در دین و دنیا

حسین

حسین

حسین

حسین

حسین

حسین

بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بخواهد از آنکس ساخت دلیل که از کسی بخت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که
 آنکس شده بود و بصا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد که مردم بروی اعتماد و کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که
 بقصد خود را آنکس ساخت دلیل که بظاهر بر کسی اعتماد کند و اعتقادش حقیقی نبود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
 خود را بدو یاری آنکس بیند چنانکه بدو دست چوبه گرفته بود و میرفت دلیل که لشکر که خدائی در ویش عاجز و در دست بود
 و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نمیتوانست رفت دلیل که دشمن کس این کرد و اگر بیند که در بهر دو
 پای وی خوار بود و آساییده بود و بی لشکر دلیل که دشمن بروی حسد و مال جاه و وی زیادت شود و همگیل اشاعت صحت
 الله علیه گوید اگر آنکس خواب بیند که پای او درست شد چنانکه بی لشکر دلیل که کارهای بسته بروی کشاده گردد و از امر
 که نمیشد بشاید و کارش بنظم گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب برنج وجه بود یکی سستی در کار را
 و دم نامرادی سوم در ویش چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش لوید و خواب خدمتکار خانه که اصلش ترس بود و
 و اگر بیند که در دست لویدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتکارش با امانت بوده باشد و اگر لویدی کهنه و چرخین
 و کوچک بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که لوید بنفقا و ویش بکشت دلیل که خدمتکارش بیسر و کمانی رحمة الله علیه
 گوید اگر بیند که لوید و سوار شده بود دلیل که خدمتکارش بیمار شود و اگر بیند که لوید پیران آب صافی بود و دلیل که خدمتکار او
 منفعت رسد و اگر بیند که لویدش پر خور و بی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوید خود دلیل
 از خدمتکارش خیر و منفعت رسد لیمو و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بوقت چون زرد
 بود دلیل بیماری و درد و برنج بود و چون سبز بود غم و اندوه کمتر باشد و در دیدن لیمو خیر و منفعت نبود و
 اعلم بالصواب حرف المیم ما را ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر
 بیند که در خانه وی مار بود دلیل که دشمن خاکی بود و اگر در صحرای بیند دلیل که دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با مار
 و نیزه میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چیره شده دلیل که بر دشمن ظفر شاید و اگر بیند که مار
 او را بگزید دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن اتمر کند و اگر بیند که گوشت مار خورد
 دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار را بدو پاره کرد و دلیل که از دشمن و او خود بستاند و اگر بیند
 که هر دو نیمه را گرفت دلیل که مال دشمن فراگیرد و اگر بیند که مار با وی بطرف سخن گفت دلیل که ویرا عجب کاری پدید آید
 که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بزوی به تنه میزد و شتی سخن گفت دلیل که دشمن بروی ظفر شاید و اگر ماری مرده بیند
 دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند بی آنکه بخی بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود و دلیل که جاه و بزرگی
 و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل که ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی دیندار
 امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران گریه بود و دلیل که لشکری بود و اگر ماری زرد بود و دلیل که دشمنی بیمارگون باشد و اگر

بود دلیل بر دشمنی طرب دوست معاش بود و اگر بیند که با پاپا داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد و اگر بیند که مار بسیار
در پیش می جمع شده بود مذکورند و از بار سائیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند و لیکن از ایشان متضررند
و اگر بیند که ماران سر و نهاده و نهاده باشند دلیل که دشمن او کینه دارد و بدسیرت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مار
از بینی یا از گوش یا از پستان یا از قصب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دمان و پیر
آمد دلیل که سخنی گوید که پیر او را نوبال باشد و همچنین شصت رحمة الله علیه گوید مار غنید دشمن بود و مار بسیار سر بکشت لشکری
باشد و اگر بیند که مار میگرخت و مار را ندید دلیل که درش و غرق میاید و اگر بیند که مار را بگرفت و گزندی نکرد دلیل که بزرگی یا
از دشمن است و در حلقه صفهائی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز را مطیع شد دلیل که بخی یا بد و اگر بیند که راستین
ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار بکشت و خوش درخورد دلیل که مال دشمن یا بد و اگر بیند که بر سر خود ماری
دلیل که دشمن میرد و اگر بیند که مار از گردن او بیرون آمد و بر زمین فرو شد دلیل که هلاک گرد و دوار مار در خواب دشمن ضعیف بود
صاف و صافی رحمة الله علیه گوید دیدن مار خواب برده و خبر بود یکی نهادنی دوم زندگانی سوم سلامت چهارم پادشاهی پنجم سپهسالاری ششم
دولت هشتم مرگ نهم سپردنم سیلاب مار چوبه اگر بیند که مار چوبه از زمین جیح میگرد بوقت خود دلیل که بقدر آن او
منفعت رسد و اگر بیند که مار چوبه خام میخورد و دلیل بر ضرر و بخر بود و قشیش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار
در خواب دلیل بر بخر و ضرر و بیماری بود و دیدن او در خواب خیر نباشد مار و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از
درخت مار زخمی کرد دلیل که بخر و سختی مال حاصل کند و اگر بیمار بیند که بخورد مار و داشت دلیل که مال کرده بود و اگر بیند
که مار میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر مار زرد بود دلیل که بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود دلیل غم و اندوه بود و جعفر
رضی الله عنه گوید مار و در خواب بر چهار وجه بود یکی مال کرده دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم بخر و سختی مار زیون
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مار زیون در خواب در وقت و بیوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال
هلاک شدن بود و دیدن وی خیر نباشد ماست ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر و منفعت
و ترش غم و اندوه بود و انیال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست بخورد دلیل که مال بخر
حاصل کند حاصل که شیرین بود و اگر بیند که از ماست سکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد دلیل که مال حلال بدست آورد و ماست ترش غم و اندوه بود و ماست ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید ماست در خواب اگر بخرت بود دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد و نگین شود و اگر بیند که ماست در خانه گذاشت
و بر دم داد و قیل که بخرم کرد و کرمانی رحمة الله علیه گوید ماست در خواب چه خشک و تر و خام یا بخرت دلیل غم و اندوه
باشد ماکیان مرغ خانگی بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خام و کثرت بود و اگر بیند که مرغ
خانگی بخرد یا کسی بیدد دلیل که کثیر بخرد و یا خانگی بخرد اگر مرغهای خانگی بسیار و بقیاس داشت دلیل که ریاست و سرور دارد

باز

نم

نم

نم

نم

نم

نم

یابد و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد و دلیل که بقدر آن مانع نعمت از خدا و مان یابد و اگر بیند که ماکیان را بکشت و دلیل که کینک را بدو
 برساند و اگر بیند که بچه ماکیان را بکشت و دلیل که فرزند او یا فرزند غلامش یا کینک او تبلائی گرفتار شود و گاهی رحمت الله علیه که
 اگر بیند که خانی ماکیان را بکشت و دلیل که او را در خستی آید یا مالی از خدا و مان حاصل کند مغربی رحمت الله علیه گوید ماکیان در خواب
 زنی با جمال بود و ماکیان سیاه برتر از ماکیان ابلق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی همچون خر و سبک با ناکت کرد و دلیل که سخن با خوش
 شنود و اسمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید بچه ماکیان در خواب بر سر نه و وجه بود یکی زن با جمال دوم کینک سوم خادم مامیس این
 سیرین رحمت الله علیه گوید مامیر خواب دلیل بر بیماری کند که ویران از آن خیر و صواب حاصل شود اما پیش این سیرین رحمت الله علیه
 گوید اما پیش خواب اگر بوقت یا بوقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن اما پیش خواب خیر نباشد ماه و انبیا علیه السلام گوید
 در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فرار گرفت یا در ملک خود دید دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد
 و اگر بیند که با ماه جنگ نمود و دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد و دلیل که او وزیر پادشاه
 گردد و اگر بیند که فرما به بست و دلیل که وزارت یابد و اگر بیند که ماه از آسمان فرار گرفت و نور و شمع داشت نیز تار کینک
 بود و دلیل که از غنا فرج یابد و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود و دلیل که وزیر پادشاه بجای محتاج وی گردد این سیرین
 رحمت الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد و دلیل که وزیر یا پادشاه
 و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت و دلیل که مردم از وی تعلق کنند و او خود خواهد و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت و دلیل که ولایت یابد
 و اگر که دو ماه با یکدیگر جنگ میکرد و دلیل که دو پادشاه با هم دیگر جنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی بقیلا و ماه پاره و نقصان
 شد و دلیل که از آن دو پادشاه یکی پادشاهی بقیلا مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود و دلیل که
 زن خواهد و اگر ماه هلال بود و دلیل که زن به اصل و نسب از او کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه بود و دلیل که زن از اصل مولد او گان باشد
 و اگر ماه بدر بود و دلیل که آن زن با اصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بدین صفت بخوابد و اگر بیند
 که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت و دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از وی یابد و اگر بیند که چیزی ماه را برایشان نیل
 که پادشاه بر وزیر متغیر شود و اگر بیند که ماه منخف شده بود و دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد و گاهی رحمت الله علیه
 اگر ماه بدر و منور بیند موضع خویش و نورش مقابل خانه وی تافت و دلیل که اهل آن خانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند
 و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند دلیل که او را بخت و کرامت رسد و اگر ماه هلال از مطلع خویش بر آید لیکن نه با قله و نورش زیاد
 شد یا بدر گشت و دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال نه از موضع خود بر آید و دلیل که از وی فرزندی آید یا
 کاری صعب افتد که مردم از آن غم و اندوه باشند و بعضی از متبحران گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب بیند دلیل که پادشاه
 و یا بر او پسری آید و اگر نور ماه یابد بیند دلیل که آن پسر زنده گانی در اندوه و اگر ماه را بدر بیند دلیل که عمرش میانم بود و اگر ماه نقصان
 بیند دلیل که بخت پادشاه یا وزیر مشغول شود و اسمعیل اشعث رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا کینک را بدو

دلیل که فرزندی عالم و دانا و آید و اگر این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند دلیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ماه و اوقات صلح
 ستارگان فرا گرفت و همسر و وسیله بود و دلیل که بیند خواب ملک شود و اگر مصلح بود و در غم و اندوه افتد یا سینه یا کار
 و عاقبت غایت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین ماه در خواب بر نهفته و جبهه بود یکی پادشاه و دوم وزیر سوم ندیم چهارم
 رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم کینه هشتم غلام نهم کار باطل دهم والی یازدهم عالم سیزدهم دوازدهم هنر و کرم
 سیزدهم پدر چهاردهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هیفدهم بزرگواری ماهی و انبیا علیهم السلام گوید ماهی در خواب
 در دنیا و کرم سیر بلاد سختی بود و در سر و سر تا ویش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ بسیار وید و دلیل بر مال غنیمت است
 و اگر ماهی خرد و بیند غم و اندوه یا بد کار و دشمنی ماهی مرور یا دید یافت دلیل که او پسری آید این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 خشک یا شور کسی بود یا دلیل که از پادشاه یا بزرگی او حضرت رسد و اگر ماهی شور خورد و دلیل که غلام بوی حضرت رسد و بعضی گویند
 که ماهی شور بریان کرده بتاویل سفر و طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن ماهی خرد و خصوصت باشد اگر بیند که چیزی
 از انعام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد یافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بیند
 که در دریا ماهی گرفت و بزرگ بود و دلیل که از اهل کسی زنی بجز آنکه او را مال بسیار باشد سفری رحمة الله علیه گوید ماهی تازه بریان
 کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهی تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام آستان
 آورده اند قوله تعالی وَبَنَّا آدَمَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ الْمَائِدَةِ اگر بیند که از دمان ماهی بیرون آمد دلیل که سفری در کاری
 و اگر ماهی از قضیب وی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از دمان وی ماهی بیرون آمد دلیل که اندک دین شود و اگر
 بیند که از دریا ماهی گرفت دلیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یا بد و اگر بیند که ماهی تازه میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند دلیل
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی فروشی میکرد و دلیل که او را کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ماهی از حوض یا از جوی می گرفت
 و دلیل که از مردی عامه بزرگ و حلیت چیزی مبتدا و اگر بیند که ماهیان دریا یا با او سخن در آمدند و دلیل که از پادشاه آشکارا گردد و جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید بدین ماهی در خواب بر نهفته و جبهه بود یکی وزیر دوم لشکر سوم دختر و شیر چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کینه
 ماهی خواره این سیرین رحمة الله علیه گوید ماهی خواره در خواب آن بود اگر بیند که ماهی خواره را گرفت یا کسی بوی او دلیل
 زن خواره و اگر بیند که ماهی خواره از دست وی ببرد یا ضایع شد و دلیل که زنی را طلاق دهد و اگر بیند که گوشت ماهی خواره میخورد
 و دلیل که بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی خواره بتاویل عمر و اندوه باشد و سوان باشد این سیرین رحمة الله
 علیه گوید اگر بیند که مبروی و اشتب و رنگ بدان میزد و دلیل که کاری مشکل روی کشا دهد و خاصه که آسن ملک باشد و اگر بیند
 که آسن روشن پاکیزه را در آنجا بخیزی میزد و دلیل که کاری کند که در آن زیان و حضرت بیند و بعضی گفته اند که مبر و سخن نرم باشد
 و اگر بیند که مبر و او بشکست یا ضایع شد و دلیل که کاری طلب کند و بدست وی باصلاح نیاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که کسی از آفتاب یا خورشید بر او روشن میکرد و دلیل که چیزی از وی بخاوم خانه وی رسد یا شغل خاومش سبب و یا از خلاصی یابد

ج

ماهی خواره

م

دلیل که اورا شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد و تر کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد مرده پندید و دلیل که در دنیا
 پند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مرد مرده پند و پندیده بود و دلیل که او بخیر است
 تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کرد تا اورا از شر و فتنه نگاه دارد و مادی آب نشا بود و چون کسی شهادت باز کند
 اول آب ندی از قضیب او فرو آید این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن ندی در خواب شادی و خرمی بود و بقدر آنچه دیده باشد
 مر جان این سیرین رحمة الله علیه گوید مر جان در خواب فرزند بود اگر مرگ فرزند خویش بود و اگر مر جان با جواهر نامی بسیار بیند
 و دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مر جان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند و یکی
 زینت سوم حال چهارم مال از جهت خادم مرده و محروفت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند و بیند
 همچنان بیند با هم نام او یا کسی که مانند باشد و اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که تحت
 باشد و خیر و بزرگی یا بقدر اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود و دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که
 مویش سیاه شده بود تا مویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادت دیانت و استقامت و شکی نیست
 او در دین بود و اگر مردی جوان را بیند دلیل که از بزرگی و عظمت و کرامت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخن سرو می گفت دلیل
 که با مردی بدان صفت و خصوصیت افتد و بر وی ظفر یا بد و اگر مردی بیند که کودک شده بود و دلیل که کاری بچهل کند که او را همه مردم
 علامت کنند و اگر مردی بیند که زن ویرا قضیب بود چنانکه مردان را باشد و دلیل که او را پسری آید که موثر این است گردد و اگر مردی دید
 که او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و بد حالی وی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود
 مرد مرده دیدن مرد جوان که در حلیت خیر یا مکر و بود مر و اسنگ این سیرین رحمة الله علیه گوید مر و اسنگ در خواب بیماری یا زخم
 و اگر بیند که مر و اسنگ می خورد و دلیل که بیمار شود چنانکه بیم ملاکت باشد و اگر بیند که مر و اسنگ بکسی بخشد یا بفروخت دلیل که از بخت
 و بیماری بپوشد و مر و اسنگ زرد و بیماری و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مر و اسنگ در خواب بر سه وجه بود یکی
 دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مردن و خواب و انبال علیه السلام گوید اگر بیند که مرد مرده بروی میگر بیند و زاری
 میکردند یا ویرا بیند و در گفن پیچیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند یا بخیل و دلیل بر فساد او در دین بود و اگر آنکه بیند که او را که
 بر گنجینه و بیرون آوردند بعد از آن که دفن کرده بودند و اگر بیند که او را دفن کردند و گورش از خاک پر کردند و مرده مردم از سر کرده
 باز گشتند دلیل که دینش بر کار صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که مرد مرده و بر جنازه نهادند و حال جنازه اش برداشتن و خلق
 بسیار از پس جنازه وی می رفتند دلیل که شرف و بزرگی یا بد و فرمان روا گردانند یا ایشان ظلم کند و اگر بیند که مرده بود و زنده شد دلیل
 که گمانی که کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمی روی دلیل که شهادت
 شود و اگر بیند که نزد کسی بروی نگر نیست و از پس جنازه او کسی نبوده دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد هرگز آباد
 نه شود و اگر در خواب خود را در میان بیند و او را تصور باشد که ویراسته و مرده است و دلیل که با مردمان جاهل سفر

در خواب
 مرده دیدن
 اسنگ دیدن

اسنگ دیدن
 اسنگ دیدن

میتواند بر سرین حقه الله علیه گوید بر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک است یا نه چگونه است اگر مردگان صلاح و برادر و خا
میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و کشاده روی بودند و دلیل که حال وی نزدیک است سبانه و تقالی نیکو بود و اگر بدید که
مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی برگردانیدند و دلیل که حال وی نزدیک است باری تعالی بد باشد مغرب حقه الله علیه
گوید که منافات در خواب دیدن و دلیل بر راحت نمودن و عذاب کافرو بود و اگر منافات نبود و ضا و برین بود و هر چند
که جان کند و خود سخت تر بیند عذاب عقوبت بهتر بود و اگر بدید که بر و کسی از اهل بیت دلیل که ثابت کرد و اگر بدید که از چنان زنده وی قوی
بر و امیر فتنه دلیل که بزرگی از آن شهر و سفر میرد که زمانی رخ گوید که بدید که بر و او را بر جنازه نهادند و خلق را بر جنازه نهادند و دلیل که خشنود
و لایق بزرگی یا بد و اگر مرد و بر جنازه کران بود و دلیل که بر مردم قهر و تنگنا بود و اگر بدید که بر جنازه سبک بود و دلیل که با خلق نیکو می کند و اگر بدید که مرد
بر و اهل بیت وی بر و دلیل که مال حرام یا بد و اگر بدید که زنده بر و او را بر تخت خوانند و آن تخت بر کف نهادند و دلیل
که بخدمت پاوست و بود و جازوی منفعت و راحت یا بد و اگر بدید که بر و زنده شد و دلیل که آن شهر خراب گردد و اگر بدید که بر
بار و بر و دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بدید که فرزندی از آن او بر و دلیل که او اگر شود و وزیر گویند که از دشمن است و
و اگر بدید که پدر و مادر وی بر و دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بدید که آستین بود و مردم بر وی میگردانند
و دلیل که او از پسری آید و تمجیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بدید که مرده بار دیگر بر و برکت گوید و بلکه آیه میگردانند و دلیل
که از اهل بیت وی بخیر از بی کند و شادی و خرمی بود و اگر بدید که برکت وی زمان و مردان فغان بر و داشتند و نوحه میکرد و دلیل
که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بدید که بر و او را بشستند و بر جنازه نهادند و دلیل که سخن نیکو گوید و اگر بدید که او
و من کرد و دلیل که بد باشد مرده زنده شدن کربانی حقه الله علیه گوید اگر بدید که مرده زنده شد و دلیل که حال وی
نیکو شود و خاصه که مرده را شاد و کشاده روی بدید و اگر زنده را مرده بدید و دلیل که حال بروی بد باشد خاصه که بر و
بود و اگر کسی بدید پدر خود را که مرده است زنده و خرم و کشاده روی و با جامه پاکیزه بدید و دلیل که دولت اقبال
و کارش ساخته گردد و اگر مادر را زنده بدید و دلیل که از غم فرج یا بد و اگر زنی بدید که پسری زنده شد و دلیل که غایتش از سفر بیاورد
و اگر بدید که مرده بیگانه زنده شد و دلیل که احوال خلیشان آن مرده نیکو شود و اگر بدید که زنده بر و تا ویش بخلاف این بود
و اگر بدید که مرده را زنده کرد و دلیل که کافر بدست می رسد و مغرب حقه الله علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را از ترس و
و غمگین و با جامه های چرکین بدید و دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد و زیرا که در ساری حق است هر صفت کسی مرده
در خواب بدید و دلیل که احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را کشاده روی و با جامه های پاکیزه بدید و دلیل که
بسیار یا بد و اگر برادر خود را بدین صفت که کریم زنده بدید و دلیل که شرف و بزرگی و جاه یا بد و اگر بخلاف این بدید و دلیل
بخلاف این بود که کربانی حقه الله علیه گوید اگر کسی مرده را در خواب دید و پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام و دلیل که سخن
مرده نیکو دران جهان باشد و حق سبانه و تقالی از وی خوشنود باشد و تقالی و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

نیکو

مرده زنده

بل

بَلْ أَحْيَاكَ لَعَلَّكَ تَتَّقِي ۚ وَمِنْ قَوْلِ فَارُوقَ بْنِ قُعْصِبَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَيْدُ الْكَافِرِينَ
 گوید و اگر بیند که مرده خرم و شادمان بخانه خود رفته است دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گوید اگر بیند که
 مرده بخانه خویش در کنار گرفت دلیل که تنه است و نیل است بود و اقبال و دولت یابد و از آن مرده بازخویشان او
 بود و دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و
 خرمی بود و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند تا ویش خلاف این بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت خود بد روی و جدی و
 بدوی منظره میگرداند دلیل یا روی بگردانید دلیل که آن مرده وصیت کرده باشد و وصیت او بجانیا وروده باشد و اگر
 بیند که مرده شاد و خندان بنزدیکی آمده دلیل که دعا و صدقه بدوی رسیده است و اگر خلاف این بیند دلیل که در حق وی
 تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد و اگر سخن بدگفت یا او را وصیت کرد تا ویش بدش
 و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پسند داد و دلیل بر خیر و صلاح وین و دیانت خداوند خواب بود و اگر
 را به تر و شکر تر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت دلیل که خاستگارش بخیر و سعادت پیوسته و اگر خلاف این بیند
 دلیل که مرده از عذاب خدا تعالی امین باشد و عاقبت محمود بود و حاقط متوجه گوید اگر بیند که مرده دست در گردن او در آورد و در کنار
 گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بهر وی صدقه باید داد و او را بدعا
 یا کند و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند دلیل که عاصی و گناهکار بود و اگر مرده بخندید و بازنگویست دلیل که آن مرده مسلمان نموده
 و اگر مرده ضیا در پیش رو دلیل که کافر مرده باشد و الله تعالی فَاَمَّا الَّذِي يُوْا قَوْلَهُ تَوَدَّتْ و جَوْهَهُمْ أَكْثَرُ ثُمَّ بَعَدًا يَمْلِكُ فَيَقْضُوهُ
 الْكِتَابَ يَمَّا كُنْتُمْ تُكَفِّرُونَ و اگر مرده را در مانده و بیجا بیند دلیل که حال مرده بد باشد اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید
 اگر بیند که مرده در نماز بود و دلیل که آن مرده در زندگی استغفار بسیار کرده باشد و متعبران گفته اند که مرده را بجای طاعت ثواب است
 دلیل که بیننده خواب طاعت و نماز کامل باشد و اگر مرده را در چنانکه بزندگی نماز کردی در نماز دید دلیل که پاک دینی مرده و صلاح
 عاقبت زنده بود و مرده چیری و اوعن و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرا چیری از متعلق دنیا و دلیل که از دنیا
 که امید ندارد چیری بوی رسد و اگر بیند که مرده چیری از خود دنی و آتش امیدنی بود یا در بخور و دلیل که روزی حلال باشد و اگر بخور و آتش
 بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامه خود چیری بوی داد و در پوشید دلیل که او را از زمان نفس غم و اندوه رسد و اگر باره پوشید
 در چنان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بسته و بدو او و از آن جامه
 در پوشید و باز سیرین کرد و بر دم داد و دلیل که او را هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت کرد و اگر بیند که جامه خود بر دم داد و گفت
 که جامه بدوز یا بسوز یا بکا یا در دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را بجا ریت بدو داد و دیگر باره از وی
 طلب میکرد دلیل که آن مرده را کردار بد باشد و اگر مرده جامه بسته بدو داد و دلیل که خداوند خواب در ویش کرد و اگر جامه نبود که
 دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامه کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند و دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

از چهره می دان

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مروه جامه میفرودخت و دلیل که انچه که کران کرد و اگر چیزی برده می بخشد و قبل نکرده لیل که اور حضرت و زبان رسیده و در دنیا
بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی مروه را بد حال و نالیده بیند و دلیل که از کر و در دنیا که در و باشد از دهی سوال کند و اگر مرد
را بچار بیند و دلیل که اور از دین و ایمان سوال کند و اگر مروه از در و سر بیند و دلیل که از بچر که در دنیا کرده باشد و از سوال
و بعضی گفته اند که تقیسی که در حق مادر پدر کرده است و از سوال کند و اگر از در و دندان می نالید و دلیل که از غیبتی که در حق
از هم کرده باشد و از سوال کند و اگر از در و چشم بیند و دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده باشد از آن سوال کند و اگر در و ترقیب نالید و دلیل که
سخن خوش شنیده باشد و دنیا و از اندک سوال کند و اگر از در و دست بیند و دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان و برادران کرده باشد از سوال کند
و اگر از در و پهلوی بیند و دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان کرده بود از سوال کند و اگر از در و پشت بیند و دلیل که آنچه در حق مادر پدر کرده باشد از
سوال کند و اگر از در و عورت بیند و دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد از وی سوال کند و اگر از در و سر بیند و دلیل که آنچه در حق
خویشان از سفر حضر کرده باشد از وی سوال کند و اگر از در و ساق و پاهای بیند و دلیل که در دنیا کرده باشد از وی سوال کند
مجامعت کردن با مروه جعفر صادق رضی الله عنه گوید فصل من خواب است که اگر با مروه مجامعت کند
منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تا ویل آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تا ویلش باطل باشد
و اگر بیند که با مروه مجامعت کرده و دلیل که از جانی که امید ندارد و امیدش بر آید و اگر با مروه مجامعت کرده بود و مجامعت
کرد و دلیل که از جانی که امید ندارد و امیدش بر آید و اگر با مروه مجامعت کرده بود و مجامعت کرد و دلیل که صدقه و کوا
بدان مروه برسد و اگر بیند که با مروه که اهل حرمت بود مجامعت میکرد و دلیل که از آن مروه چیزی بوی رسد و اگر مروه را
بشورت بوسه میداد و دلیل که زن خواهد و از بهر مروه خیری کند یا اورا بدعا یاد کند و اگر با مروه مجامعت کرد و دلیل که از نال
مروه چیزی بوی رسد از پس مروه شدن که باقی رحمه الله علیه گوید از پس مروه شدن و دلیل که اگر مصلح و بار سا
بود راه او گزیند و اگر فاسق بود راه و میرت او گیرد و اگر نداند که مروه مصلح بود یا مفصل و از پی وی میشود و دلیل که بهما
شود و عاقبت شفا یابد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مروه و بر بانهت خواب داد و مروه را ندید و دلیل که از دنیا
زود برود و اگر بیند که در پس مروه و بسرانی مجهول در شد و دلیل که بمیرد و اگر مروه را گفت که فلان وقت پیش من بیا و گفت
که بیایم و دلیل که در فلان وقت رحلت کند و قتی که مروه مصلح و راست گوئی بوده باشد و اگر بیند که مروه اورا بسرانی
خواند و اورا منع نتوانست کرد و دلیل که بروفات او بود و اگر بیند که مروه را بسرانی خود خواند و او بر سرای مروه نرفت و دلیل
که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مروه اورا به بازار برود و دلیل که کسب و معیشت او نیک گردد و او سخیل اشقت رحمه الله علیه
گوید اگر کسی خود را در میان مردگان بیند و دلیل که آن مرد معروف نمی شود و اگر مروه را بیند که با مروه دوستی گفت
و دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادای و قهر می یابد و اگر بیند که میان مردگان بود چنانکه خیر و سیان
کسی دیگر زنده نبود و دلیل که با گروهی مجالست کند که دین ایشان نجسا بود و اگر بیند که او بسفر چو ایشان مروه

و دلیل

دلیل که در دین او نیز فساد بوده اگر بیند که روی مردگان طعام خوردند دلیل که در اندام طعام کران شود و حافظ مقبره رحمة الله علیه
گوید اگر کسی بیند که پاره از تن مرده میخورد و دلیل که از زمین کنی یا بد و اگر بیند که مردگان مجهول را بشمشیر کردن همیز و اگر مصحح
بود و دلیل که مردم بدست وی توبه کنند و از کردار بد باز آیند و بعضی معتبران گویند که با مرده مباحسته و مناظره کند و همه دلیل
و حجت غلبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مرده او را راه می نمود و دلیل که راه شریعت در یاد او اگر بیند که مرده خود را می
دلیل که خویشان او را غم رسته کردند و اگر بیند که مرده را بر زمین می کشید دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار یا بد و اگر بیند که مرده
را بر داشت و دلیل که مال حرام یا بد و اگر بیند که مردگان را زنده میگرد و دلیل که و باغی کند و اگر بیند که با مرده در یک خانه خفته بود
دلیل که عرش در آن بود و مرده را حجاج عباس بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده جامه سبز پوشیده بود دلیل که با بیست
از دنیا رفته باشد و اگر بیند که جامه سپید داشت دلیل که در جبه او نیکی باشد و اگر بیند که جامه سیاه پوشیده بود دلیل که با بیست
بد باشد و جامه دو رخسان سیاه باشد و اگر بیند که جامه سرخ پوشیده بود دلیل که بد باشد و اگر بیند که جامه زرد یا کبود پوشیده
بود دلیل که بیننده خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود دلیل که بوقت زندگی بگناهی بیننده را با او حسرت
باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بیند حق بجانب زنده بود و بعضی از معتبران گویند زنده در خواب چون مرده را
جامه پودشاید دلیل که اجلش رسیده باشد تاویل کفن مرده که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده معروف است
کفن کند و دلیل که در دنیا طریق آن مردم بود اگر عالم بود و عالم را مالدار بود و مال و اگر بجانب بیند که مرده را کفن کند و دلیل که
آن مرده در کور زنده بود و حال آن مرده در کور نیک بود و اگر بیند که مرده را کفن کرد و دلیل که از خویشان آن مرده یکی را حاکم کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرده در خواب برسته وجه بود یکی مال و دم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر بیند که
مرده بگریست دلیل که عیش و سرگشته بود و دلیل که در سرش خرابی افتد و اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بود و کسی ظاهر
کرد چنانکه اگر مغرول بود و عمل یا بد و اگر پادشاه بود علم و حکمت زیادت بود و امیدیکه وارد و اگر در از شغل ترو بود یا
یابد قوله تعالی فاما کانت الله مائة عام ثم بعثه الایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مهری یا عالمی زنده شد
بود دلیل که مذنب یا سیرت زنده شود اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر بیند که مرده او را آغوش گرفت و دلیل که عیش و سرگشته
و کافیش بالا گیرد و اگر بیند که چیزی برده و او دلیل که آنچه غریز کرد و در تن او گران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهبه بود و اگر بیند
که مرده از وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد و مرز نکوش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده
می پوشید دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خدو ندان علم و فرزند است و اگر بیند که مرز نکوش از جایی خود بر
دلیل که پسرش بیمار کرد و اگر فرزند ندارد و او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که در مینی که ملک وی بود مرز نکوش بسیار رسته و دلیل
که در امر دم مصحح بسیار باشد که مانی رحمه الله علیه گوید و درخت مرز نکوش در خواب کسی بود که اهل خانه او در او دست زد و او را کشت
که مرز نکوش سبز بود و در زمین او رسته بود و دلیل که کسی از اهل بیت او دست داشت شود و اگر بیند که مرز نکوش زرد پشور بود و دلیل

بسیار

آدمی

نصیح

آدمی

که آنکس مفسد بود بخت بود مرغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل که بتش در آنکار غلب کند که
عظیم تر باشد و اگر ببیند که مرغ آن بسیار در جایگاهی بماند میگرداند دلیل که آن موضع را غم مصیبت رسد و اگر ببیند که خای مرغ
داشت دلیل که او را فرزندی آید که آنی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر ببیند
که مرغ در دست او برود دلیل که اندوگین شود و اگر ببیند که باز بر پشت مرغ ننهد بود دلیل که بدان مرغ منسوب شد
او را مصرت رسد و اگر ببیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی بر بود دلیل که مال او بزرگتر است و اگر ببیند که گوشت از اندام خود میبرد
پیش مرغ می افکند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر ببیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش می افکند دلیل که مال آن
و بدانکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بد منسوب بود و این تاویل بیان کرده ایم مغربی رحمه الله علیه گوید هر مرغی
مخاس بود که غلام و کنیزک فروشد استخفیل است رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ آن مختلف در شهری گرداند دلیل که
شکری بیگانه و یا بخار رسد و اگر ببیند که مرغ چشمهای وی بر کند دلیل که در زمین او از کسی تباهی رسد و اگر ببیند که خون مرغ
میخورد دلیل که بقدر آن نقصان مالش رسد مرغ ابی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مرغابی در تعبیه بهتر از مرغ آن دیگر است
و اگر ببیند که مرغ ابی فرا گرفت یا کسی بود یا او دلیل که مال و نعمت و بزرگی یا بد و بکام دل برسد و اگر ببیند که مرغ ابی بسیار در زمین
شدن دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و هر دشمن ظفر یا دیگر آنی رحمه الله علیه گوید مرغ ابی معیشت بود و اگر ببیند که مرغ ابی بجز
یا کسی بود یا او دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یا بد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ ابی
جانی میبشد دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر ببیند که بچه مرغ ابی را گرفت یا کسی بود یا او دلیل که او را فرزندی آید جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغ ابی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دم بزرگی سوم ریاست چهارم فرمانروائی زیرا
که مرغ ابی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خدا در این سبب است که هر که مرغابی در خواب ببیند هر
مردیکه خواهد بود مردمان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مردمان بسیار جامه های بنفشه داشتند دلیل بر این است که
و پاک دینی وی بود و اگر ببیند که مردمان جامه های سیاه و چرکین داشتند تا ویش بخلاف این بود و اگر ببیند که جامه های کبود
دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر ببیند که جامه های نو و فراخ داشتند دلیل بر عیش و فراخی نعمت بود و هر غم را ابن سیرین رحمه
الله علیه گوید اگر کسی بخواب مرغاری ببیند که جوهر نباتهای او نشاء و دلیل بر دین و سلام او بود و اگر ببیند که میان مرغزار
بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل بر عقاود دین پاک وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود او را متاسف بود
دلیل که صحبت او با بنده گان باشد و اگر ببیند که در مرغزاری خوش و خرم میکشید دلیل که عیش بر وی فراخ شود و کار او بنظام گردد
و مرغزار در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکوئی و اگر مرغزار بزرگوار ببیند و اندک ملک اوست دلیل که او را
با مردی بزرگ پیوندی بود و از وی خیر و منفعت یا بد و اگر ببیند که بوقت بهار در میان مرغاری بود خوش و خرم و گلها و گیاهان
روی شکفته بود و جوی آب روی روان بود و دلیل که مرگ وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری ببیند با شهادت

نوع مرغ

نوع مرغ

نوع مرغ

نوع مرغ

معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود و دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتاد که آن مرد از خدمت چشم خویش جدا
مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرم بیند از سبزه و گلها و آب روان بیاید و آن مرغزار را از بیج بر کند و خراب گرد و دلیل که
پادشاه اند یا راکم مخاجات رسد مغربی که گوید اگر بیند که در مرغزاری درون شد و در آن جایشان دید و دلیل که پادشاه اند یا راکم
و شکر بود و اگر در آن مرغزار گویند پادشاه اند یا راکم بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغزار گاو و خرن دید و دلیل که لشکر پادشاه و سوار
و برایشان عطا و نثار و اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد و دلیل که او را پادشاه خیر و منفعت رسد سبزه و گلها و عطا و نثار
مرغزار در خوابن بود اگر بیند که در مرغزاری سبزه خرم رفت و در آنجا مقام کرد و دلیل که در آنجا از وی سبزه و خوروی بر نی کند و اگر بیند که مرغزار سبزه
بود تا ویش بخلاف این بود و حقیقت صراحتی انداخته گوید دیدن مرغزار در خواب بر غایت خوب بود و یکی دین و دهم عقدا و سوم سعادت و نظام
چهارم پادشاه و پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مراد و هر یک از این رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که مردم در آنجا
خسته و دریش میباشند و دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مردم میخورند و دلیل که حرام خورد یا نداده و مضرت بد و رسد
و اگر مردی بیند که مردم کسی داد و دلیل که فرزندان مرد را خیر و منفعت رسد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مردم مردم را خسته و
دریش نهد و آن مردم گوشت میخورند و دلیل بر نقصان مالی بود و مرد را دید و انبیا علیه السلام گوید مرد را دید و خواب فرزند
یا فرزند کینک بود این سیرین رحمت الله علیه گوید مرد را دید و خواب کینک خبر وی بود یا زن با جمال اگر بیند که مرد را بسیار
چنانکه در شمار دنیا و دلیل که بعد مرد را دید و منفعت رسد و بعضی خبر آن گویند که چون مرد را دید پرانده بیند دلیل بر سخن حکمت
بود و بعضی گفته اند دلیل بر پسران و دختران بود این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند پسران و دختران کند و اگر
که مرد را دید بسیار داشت دلیل که بعد آن مال باید و اگر بیند که از آن وی عقد مرد را دید بیرون آمد دلیل که از آن وی کلام
از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مرد را دید میخورند و دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را پوشانید و آنرا فراموش کند و اگر
بیند که در منزل یا در راه عقد های مرد را دید کسرت و بیست و دلیل که در راه علم و حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی
علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هر چه مرد را دید میسوخت دلیل که علم و حکمت بسیار بود و نمونه زد که سزای علم و حکمت
و اگر بیند که مرد را دید بسیار داشت و او و بیند و پارسا بود و دلیل بر زیادتی دین و پابندی وی کند و اگر تو اگر بود و دانش زیاده
که مافی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مرد را دید داشت دلیل که او را فرزندی خوبری آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام جمیع فرموده
است **كَانَ نَهْمُ لَوْ لَوْ هَكَوْنُ** و اگر مرد را دید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود و دلیل که مان بسیار و احوال حاصل گردد و اگر بیند
که مرد را دید و بفرخت دلیل که علم و قرآن فراموش کند و اگر بیند که مرد را دید و بان انداخت و فرود دلیل که او را حق تعالی
علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مرد را دید را بجای مجهول بیند یا خدایت دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آنکار نداند و اگر
بیند که عقد مرد را دید و دست بسته داشت دلیل که او را دختری آید مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مرد را دید بسیار داشت
و دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از آن وی یک نیک مرد را دید که آنرا بیرون می آید و دلیل که

سخنهای نیکو گوید و مردم آزار نرساند و اگر بیند که عقد مراد یا از دست و بیفتا و شکست دلیل که بسیار گوید اسمعیل شریف
 علیه که دیگر بیند که مراد بدین سرین و آن یا بجای پیدا کند دلیل که علم و حکمت و پیش مردم نادان گوید و اگر بیند که مراد بدین بانش خست
 یا شکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بیند که مراد بدین بر پای و بی شکست دلیل که خردش بسود و اگر بیند
 مراد بدین قضیب و بی بیرون آمدن مراد بدین و ناخ نداشت دلیل که او را خوشی آید و اگر بیند که عقد نامی مراد بدین در گزین
 دلیل که او را نه علم حاصل کند و اگر در گزین کسی است دلیل که اگر علم و حکمت آموزد و اگر بیند که او شواره و اندر مراد بدین در هر دو
 داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند که مراد بدین بخوار و داشت دلیل که بقرآن مال حاصل کند حافظ مغربی رحمه الله علیه گوید
 بیند که مراد بدین فرشی میگرد و دلیل که اگر کس با پندار مصلح بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر کس از اهل علم نبود و دلیل که او را فرزندان
 بسیار حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین مراد بدین در خواب برشش وجه بود یکی قرآن دوم حکمت و فریبک و سوم مال
 چهارم زن پنجم گزند با جمال ششم فرزند نیک و مراد بدین فروش در خواب کسی بود که فرزندان و مال بسیار دارد و علم و دین و چهار
 مراد و آن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مراد در خانه وی کار میکند و دلیل که او را با خویشان یا در شاه خصوصیت
 افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در خانه کسان مزدوری میکند و دلیل که بجاری صاحب گرفتار
 شود و خداوند خانه را کسی خصوصیت افتد و اگر بیند که مراد در خانه وی کار میکند و دلیل که غمگین شود اسمعیل شریف رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که مراد در خانه وی خاکت یکشند و دلیل که بقد آن او مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف بیند
 و دلیل که مال و نقصان شود و شرکان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شرکان در خواب نگهداشتن برین باشد اگر کسی بخواب بیند که
 شرکان وی جنبید و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شرکان چشم فرو ریخت و دلیل که دین وی ضايع و بود و اگر کسی رحمه الله علیه گوید اگر
 بیند که شرکان چشم وی بازگشود و دلیل که بقد آن او از زبان مال بود و اگر بیند که شرکان چشم وی جنبید و دلیل که بیمار شود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین شرکان در خواب بر چهار وجه بود یکی نگهداشتن برین دوم دست مؤلفی سوم مال
 و روزی چهارم ضرری بقد فرزند فی الجمله بر خیر و شر که بر شرکان بیند و دلیل برین چهار وجه بود هر طور ما ابن سیرین رحمه الله علیه
 علیه گوید مراد چون ترش و ناخوش نبود و در آن چربی باشد و دلیل بر خیر و منفعت کند چون ترش و ناخوش بود و دلیل
 منفعت و غم بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید پس از چوبه جوان باشد و اگر بیند که مس داشت و دلیل که بقد آن او مال
 مال حاصل شود و اگر کسی رحمه الله علیه گوید آوند حسن مشرب و اقبانه و آنچه بدین مانند جمله دلیل که خدای بود و مغربی رحمه الله علیه
 علیه گوید اگر بیند که مس میخواست و صاف پاکیزه گرد و دلیل که کاری مشکل بر دست نوی گشاده گردد و گویند که مال حلال است
 پست آور و مستی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مستی و خواب مال حرام بود و در نماز کما یل کرد و چنانکه در کلام مجید فرمود
 تَرَكُوا لِطَائِفِ الْبَاطِلِ الْأَمْثَالَ الْأَقْسَرَ مِنَ الْأَصْلَاحِ وَأَقَمُوا لِكُلِّ حَقٍّ حَقَّهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُعْمَلُونَ
 شرب بود و دلیل که بقد مستی ترش و عظیم بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مستی و خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم

سوم تا توانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد این سیرین رحمة الله علیه گوید مسجد آوان و بنا و میل مردمی عالم بود که
 مردم نیز و یکت او بسیار آیند از هر صلاح و حق تعالی در کلام قدیم فرموده قوله تعالی وَمَسْجِدَ الْجَدِيدِ كُوفٍ هَا سَمِ اللَّهُ كُنْ
 اگر بینه که مسجد بنا کرد و دلیل که از هر مسلمانان خیر و نیکی کند و از آن اورا بر و ثواب بخواهد و بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بزرگ
 و شریعت دارد و مغربی رحمة الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نباشد زن خواستن بود اگر بینه که مسجدی بنا کرد و دنیا و تمام کرد
 دلیل که زن حلال خواهد از زن و دیندار و پارسا بود و اگر بینه که چراغ مسجد بکشت و دلیل که فرزندانش میرند و اگر بینه که در مسجد جامع
 نشسته بوده پیرامن و سبزی رسته بود و دلیل که بروی مکانها بر نهد که در وی نباشد که کسی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که کسی او را
 مسجد باز داشت و دلیل که آنکس بر وی ستم کند و اگر بینه که در مسجد نماز میکند و در ویش سوی قبله بنویسد و یا ویش بدو کند
 بینه که در مسجد دست و روی می شست دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرا و شر حاصل شود و اگر بینه که مسجد ویران
 و دلیل که عالمی میرد و سبیل اشقت رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خاوش بود و جمیع کردن مردمان
 که در فضیلت باشد از هر صلاح آمدن و غنیت کردن اعدا چنانکه حق تعالی جل و علا فرمود قال الذین عَمِلُوا اَعْلٰی اَمْرِهِمْ
 لَنُخَفِّقَنَّ عَلَیْهِمْ سَبْعَ اَکْرَبِیْنِ که جایگاهی از ملک می مسجد کشت و دلیل که درین شرف و بزرگی یا بد و خلق را
 بدعت حق خواند و اگر بینه که با قومی مسجد میرفت و دلیل که زنی ستیزگی برنی کند و اگر بینه که در مسجد چراغی برافروخت و دلیل که او
 فرزندی صالح آید و اگر بینه که در مسجد مکعب یا در مسجد مدینه و رون شده دلیل که از همه ترس امن گردد و جعفر صادق رضی الله عنه
 گفته گوید دیدن مسجد در خواب برد و از ده و وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس چشم امام ششم خطیب
 هفتم مؤذن هشتم مسجد تمام امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن و از دهم نیکو کردن و اگر بینه که مسجد او بین
 می آید است و دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بینه که مسجد را عمارت میکرد و دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و اگر
 بینه که در مسجد شد و دلیل که از خوف این شود قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا مسجد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
 بینه که مسجد موزه میکرد و دلیل که او از فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که مسجد خود
 میکرد و دلیل که به سفر رود و در آن سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی به نظام گردد و مسجد این سیرین رحمة الله علیه گوید
 روغن تازه بنا و میل مال نعمت حلال بود و اگر بینه که مسجد فرا گرفت یا کسی نبوی و او از آن بخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال
 یا بد که کافی رحمة الله علیه گوید مسجد خزون و خواب گواهی راست و اوان بود و اگر مسجد که پسند در خواب بخورد و دلیل که او
 مال و نعمت حاصل شود و مسجد کا و دلیل که انسان بر وی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یا بد فی الجمله مسجد جانوریکه
 گوشت حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد و دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید مسجد و خواب و دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم محصیت مسواک
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بینه که مسواک کرد و دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن هیچ ثواب نباشد مغربی

در جواب این
که اگر کسی
بگوید که
مصدق
است
که هر چه
بگوید که
در این
موضوع
مصدق
است

رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دشمنی پیشین را مسواک کرد و دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند و اگر بیند که همه زندانها را
مسواک کرد و دلیل که با همه خیرانشان نیکی کند مشرق و مغرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن مشرق در خواب لیل بر ملک عالم
است و بر آمدن آفتاب بر حاجت روائی و فرمان از جهته باو نشان بود و فرو شدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بجاری
صلاح بشیرت بود و دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد بیند دلیل که مرادش بر نیاید و همه حال جای بر آمدن آفتاب بهتر از فرو
شدن باشد و جای آفتاب بر آمدن دلیل از اقبال بزرگی بود و جای فرو شدن آفتاب لیل از بار و فرو ماندگی بود و مشرق شدن
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شده دلیل که در مسلمان می میرد و اگر بیند که مشرک سومی قبله نماز میکند و دیگر مشرک
تعالی میکند و دلیل که مسلمان شود و نعمت بر وی زیادت گردد و چنانچه الله تعالی فرموده قوله تعالی ان الله نودى السموات
فانزلن منسلا منسلا فوجیه که شکوه الله اگر بیند که مشرک در خانه مسلمان می آید همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر کسی مشرکی را بخواب بیند و بیند که خواب ستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر بیاورد اگر مستور نشاند دلیل که با بر
بد مذنب او را صحبت افتد مشک و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک با خود داشت دلیل که با او ب و فرزند ب و و همه
کس بروی آفرین کنند و نشا گویند و اگر بیند که بوی مشک از وی می آید یا کافور دلیل که یقین می یابد پاکیزه و صاف گردد و در راه
حق در آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مشک را بسود و دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافه مشک بشکافت و از آن
مشک بوی ناخوش می آید تا دیش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب برشش وجه بود یکی
زن و دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کینه کینچ مال بسیار ششم سخن خوش ششم آب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مشک
سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نوبد و دلیل که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب کهنه بود تا ویش بخلاف
این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی مصحف
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مصحف در خواب تاویل علم و حکمت بود و اگر بیند که مصحف بخرد و دلیل که طالب علم بود و او نشاند شود و اگر
بیند که مصحف را بافتن سوخت و دلیل بر فساد دین او بود و اگر آبی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصحف کشاوه و بر سر او دید و نهاده
و دلیل که هر چه کند بقدر آن کار کند و و الی الله که در دو و اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر خیر گفت لیل بر خیر کند و اگر شر
گفت لیل بر شر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب و دلیل بر پنج بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم
امانت چهارم روزی حلال خمس دین و دیانت مصطفی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر نبی
که مصطفی می خوانند دلیل که دیر گفتگونی بود و اگر آبی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مصطفی باب
میخاند دلیل که بقدر نمایند با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطفی بافتن بخور میکرد و دلیل که دیر از پا داشت و پنج رسد
مطلبوخ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطلبوخ از بهر بیماری می بخشد و آن مطلبوخ موافق بود و دلیل که صلاح و برنج
اگر مطلبوخ موافق نبود و دلیل که صلاح دین از وی بخوید و اگر بیند که مطلبوخ بخورد و در وی اثر کرد و دلیل که صلاح و شندستی و خیر بود

بجای این بنید دلیل کسب و زیان باشد مطرب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطرب میگرد و چیزی از سر و در
سیر و دلیل که بخیرهای حرام را بد چون فساد و طبل و آنچه بدین مانند سیر و دلیل که اندوخته شود و مطرب را کردن در خواب خیر و منفعت
معتبر خواب که از بود و مردی باشد که چون قاضی و مفتی و و خطیر که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و بخیر و دلیل
کند معجون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معجون از هر در و بیاری می ساخت و دلیل که مردم را از و خیر و منفعت باشد و اگر بیند
که معجون از هر بهر تن بود و دلیل که از و بر و مان خیر و منفعت رسد معده ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معده وی قوی و بی
آفت است دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند عرش کوتاه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خوابش
وجه بود یکی مال حرام و دوم شفاعت سوم سخنی ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی دراز ششم کار کردن و منفعتی که از و حاصل شود
بودن مغرول شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کاری مغرول شد یا کسی را مغرول کرد و دلیل که زنا و طلاق
و دیگر گریز ندارد و تجارت زیانی کند معصم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن معصم در خواب بر سر و وجه بود یکی بیماری دوم
و اندوه سوم کارهای که از آن کار کردن رنج و سختی او را رسد معصم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید معصم در خواب بر سر و و اندوه
و اگر بیند که معصم میگرد و کوکب از علم می آموخت دلیل که با مردمان سخن حق گوید که آتی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که معصم میگرد و
کوکب از علم می آموخت دلیل که شایسته پادشاهی بنود و در موضع خود او را سخن روا کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معصم
کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروایی دوم عز و جاه سوم بزرگی چهارم حکم کردن مغر و انبیا علیه السلام گوید مغر سر و سر
در خواب مالی بود که به ذخیره نماند بود اگر بیند که مار و گزوم مغر سر و می بخورند و دلیل که بقدر آن مال مردم بخور و استیلا تحت
رحمة الله علیه گوید مغر سر در خواب مال فینه بود اگر بیند که مغر کند و ناخوش خورده بود و دلیل که مال او حرام بود یا زکوٰه نماند باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن جمله مغر در خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر مبتدا است ابن
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نمیتوانست خاستن دلیل که در کار او ضعیف و سست بود مغر فی رحمه الله
علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد و کیشش را بکس تباه کند و مغر فی بوی رساند مقرر اض ناخن گیر بود و در ظرف نون میان خود بگرد
مقعد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعد در خواب و درین شغل و کسب می بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمده دلیل
که کسب و کاری تباه گرد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد و دلیل که کار و کسب بروی بسته گرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سوم معیشت مقعنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مقعنه در خواب ناز
شوی و مردان را زن بود اگر بیند که مقعنه از سر و می جدا شد و دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقعنه سیاه بیند و دلیل که شوهرش فاسق بود
و اگر سرخ بود شوهر وی محاش و طرب و دوست بود و اگر گنبد بیند و دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند و دلیل که شوهرش
بیمارگون بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقعنه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کمترین سوم خادم چهارم منفعت
از زمان و اگر مقعنه که پسان یا پیشین بود و دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود و مسلمان شدن ابن سیرین رحمه الله

مغر و انبیا علیه السلام

مغر سر و سر

مغر سر و سر

مغر سر و سر

مغر سر و سر

مغر سر و سر

مغر سر و سر

مغر سر و سر

علیه گوید اگر مسلمان از خواب بیدار شود و دیگر باری مسلمان نشد و دلیل که از بلا و آفتنا امین گردد و اگر کافری بیدار شود و دلیل که کافری
 حقیقی مسلمان روزی کند اگر بیدار شود مسلمان کافرا گفت که مسلمان نشو دلیل که کار نامی وی مستقیم شود مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر بیدار شود مسلمان کافرا نشو و خاست کارش نیکو شود و اگر بیدار شود کافری بدست وی مسلمان شد
 دلیل که کسی را از فقر و فساد باز دارد و مسلمان را برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بسیار بیند و دلیل بر مردی بزرگ بود
 که بکار را ایستاده باشد و هم پیوندد و بعضی معتبران گویند که مسافر خواب پاوشاه یا امیری بزرگ بود اگر بیدار شود مسافری بزرگ
 تویداشت و دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و اگر بیدار شود چیزی بسیار بدوخت و دلیل که تشبیب مردی بزرگوار کار نامی بر
 او بصلاح آید و جمع شود و اگر بیدار شود مسافر شکست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بسیار
 خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار و دوم مردیکه با مردان عهد پیوندد و سوم امیر یا والی چهارم مکرده و حضرت کار را مفسر
 این برین رحمه الله علیه گوید مفسر در خواب مردم سفله و درویش بود اگر بیدار شود کسان بروی جمعیند یا در چشم و دمان وی
 و دلیل که اگر کسی سفله مال حاصل کند اما مضرت یا بدو اگر بیدار شود مفسر و در کوشش وی شد و دلیل که اگر کسی سفله سخن رشت شود که از آن
 خاطر کرد و اگر بیدار شود با نیکو کسی می شنید دلیل که از مردم غوغا بیند که باقی رحمه الله علیه گوید مفسر در خواب مردی حاسد و فزونی
 بود اگر بیدار شود برین و کسان جمعی شوند دلیل که با مردم حاسد و در اختلاف افتد و اگر در خواب بیدار شود کس بسیار در خانه وی میکشند
 که مردم سخن وی گویند و اگر بیدار شود کسان او را میکشند دلیل که مردم دون بر خویشان او حسد بر نه و اگر بیدار شود کس میکشند دلیل
 که حاسد از او قهر کند و اگر بیدار شود کسان در زیر زمین میشنند دلیل که حاسدان از مال نمان کرده وی ایستاد و خرنه کنند و در
 حضرت رسد مفسر انگبین این برین رحمه الله علیه گوید مفسر انگبین در خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کنند و
 و اگر بیدار شود مفسر انگبین فراغت یا کسی بود دلیل که بقدر مال و غنیمت حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار شود
 کسان انگبین بروی جمعیند و او را میکشند و دلیل که برین مال و نعمت حاصل کند و اگر بیدار شود کسان انگبین میخورند
 و دلیل که او را بقدر آن زبان و مضرت رسد و اگر بیدار شود انگبین از کسان می ستند و دلیل که سختنای باخیر و منفعت
 و از آن فایز بیند مفسر انگبین این برین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را در که بیدار دلیل که زیارت کعبه
 کند و حج در یابد و اگر بیدار شود که بکمال از بهر تجارت رفته تا از بهر حج و دلیل که حرص مال دنیا دارد مغربی رحمه الله علیه
 گوید اگر بیدار شود که در که بصلاح و زهد بود و عبادت مشغول بود و دلیل که در منفعت و نیا باشد
 و اگر که را با دو پر بیدار دلیل که مال و نعمت بروی فراخ شود و اگر خواب بیدار شد تا ویش
 بخلاف این بود و طبع این برین رحمه الله علیه گوید که در خواب لشکر بود و طبع پنجه درم و دینار بود و اگر بیدار شود
 شهری یا در موضعی طبع پیدا شد و در اینجا مضرت رسانید دلیل که بقدر آن طبع در اینجا لشکر جمعی شود و اهل موضع را
 بلا و همت رسد که باقی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار شود طبع بسیار جمع گردد و در ظرفی می انداخت و دلیل که مال جمع کند و بکار

دن و دو اگر بینه که طبع بقیاس در دریا می جمع شده و نبات انجا خور و ندلیل که مال بقیاس در انجا جمع شود و همه
 بتا راجع بینه و دلیل که خراب کنند مناوی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بینه که مناوی گذشت و کلامش
 موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود و صلاح و پارسا بود و دلیل بر خیر و بشارت کند متفرقی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که
 مناوی بصلاح انجمنی کرد و دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر مناوی بخیر و شایسته کرد و دلیل که مراد انجمنی بسا بود و اگر بشیر
 و خناس بود تا ویش بخلاف این بود و مناره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مناره در خواب مردی بود که مرد را باز بر
 دین خواند و اگر بخواب بینه که مناره بنابر که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمع دارد و اگر بینه که مناره
 و خراب کرد و دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا بروی که باقی رحمه الله علیه گویند
 در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره بینه و دلیل که بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره را نچ و اگر
 دلیل که از منتهی سلطان بود و اگر مناره از خشت خام بود و دلیل که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره
 از سنگ و آهک بینه و دلیل که آن مهتر پادشاه شکر بود و اگر مناره از چوب بینه و دلیل که آن مهتر سفلن و دین عمت باشد و اگر
 مناره بر مرد مسیحی و دلیل که آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بخوار می شریعت خواند و اگر بینه که مناره مسجد افتاد و
 و دلیل که از یکی بزرگان دین ملک شود و میان خلق تشویش و پرکنش افتد و اگر بینه که میان شهر مناره بود و دلیل که
 کند و اگر بینه که سران مناره از مسیح یا یمن بود و دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بینه که سران از زبازیم بود و دلیل که
 پادشاه دروغ زن و عذاب بود و اگر مناره از خشت بخت بود و دلیل که پادشاه که نکش و متکبر بود و اگر خود را بر مناره
 انده بینه و دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر بینه که بر مناره طعام نهاد بود و دلیل که در آن مناره
 پیدا آید متفرقی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که در مناره بود و بانگ نماز میگفت و دلیل که پادشاه خلق را وعده نیکو دهد و اگر
 بینه که در مناره مسجد جامع بانگ نماز داد و دلیل که عمره آرد و اگر بینه که مناره بجنبه و دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بینه که
 مادش مناره را ببنگند و دلیل که پادشاهی بساید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند و جعفر صادق رضی الله
 عنه گوید در مناره در خواب بر چپا روجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار ستم امام چهارم مؤذن منتهی
 رحمه الله علیه گوید منبر و خواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شریک در منبر بینه تا به پیش بر سلطان کند و اگر بخواب بینه که
 منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل نه بود و دلیل که فرخنده شمس یا کسی از ایشان را عالم شود و اگر بینه که بر منبر
 میخواند یا سخن خلاف شریعت میگفت و دلیل که در میان اهل اسلام به بدینی و بدعت رسوا گردد و بعضی از متقدمین گویند که
 بر او کند و اگر پادشاهی بینه که بر منبر بود آن منبر بقیاس و یا شکست و دلیل که از پادشاهی مغرور گردد و اگر پادشاهی
 الله علیه گوید اگر بینه که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آمد و دلیل که از خطابت مغرور گردد و اگر از فی بینه که
 ظالم و حکمت و علم در میان مردم میگفت و دلیل که رسوا شود زیرا که زنازا علم گفتن و خطبه خواندن در میان مردمان رسوا

و نیز هر دو از آن خاندان هم میان زنان بد باشد و اگر بیند که از منبر بیفتد و اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوا
 و حقیر شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر نشاند و دلیل که عالم و مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یا بد و اگر منصف بود دلیل
 که او را بد زوی بگیرد و بر دار بکشد و هر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر میند منزلت و جاه بلند تر بود و جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید دیدن منبر در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاه و دوم قاضی سوم امام چهارم خطیب پنجم بر دار کردن منجم این سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که منجم شد دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزت یا بد و منزلت و بالا گوید و اما سخن دروغ و محال گوید محال
 که در خواب سخن از احکام بخم گفته باشد که فی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم نجوم و حدیث افلاک میگفت دلیل که پادشاه و
 بزرگان او را حرمت دارند و اگر بیند که سخن در احکام نجوم میگفت تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید منجم
 در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدا تعالی بخند منجذبق این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهر یا در قلعه مسلمانی
 سنگ منجذبق می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنهای بد گوید و اگر بیند که در شهر یا در قلعه کافران سنگ منجذبق می انداخت
 دلیل که ایشان را دشمن بود و پیوسته سخنان ایشان میگوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پیر من شهری منجذبق بناوه بود و بد
 و بنا می آشوب را خطر بگیرد و دلیل که آشوب را از دشمن خطر بود و اگر بیند که منجذبقها بشکست یا با تش بسوخت دلیل که پاد
 آشوب دشمنان مظفر و منصور شود و اهل آشوب از ترس بر زمین شوند منبذیل و شمار بود این سیرین رحمه الله علیه گوید منبذیل
 خادم بود و هر زیادت و نقصان که در وی بیند بخادم باز کرد و اگر بیند که منبذیل نداشت یا کسی بود یا دلیل که او را خادمی صفا شود
 و اگر منبذیل نبرد یا سفید بود و دلیل که خادم وی با و یا نیت بود و اگر منبذیل سرخ بود و دلیل که خادم وی معاش و سرکش بود و اگر منبذیل
 بود دلیل که خادمش بیمار گردد بلکه در اصل بیمارگون بود و اگر کبود بود دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر منبذیل وی
 قرطه بود و دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که منبذیل از چشم یا پنبه بود و دلیل که خادمش با امانت و دیندار بود و اگر از گمان نودیک
 باشد و اگر از قریب بر شیم بود و دلیل که خادمش وفا و متکبر بود و اگر چرکین یا کهنه پلوریده بود و دلیل که از آن خادم نیکی نمیداد و اگر منبذیل
 ضایع شد و دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر منبذیل سوخت و دلیل که خادمش بپزد و منشور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که
 مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بد و دادند که در آن کامها منبشته بود و دلیل که صلاح وی در دین و تجارت عزت باشد سعادت
 دنیا و آخرت یا بد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که دستگاهی نیاید و اگر بیند که پادشاهی منشور بود یا دلیل که شرف و بزرگی یا بد
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بد و داد و در آشوب مردمان مصلح بودند و دلیل که از پادشاه بزرگ منترتی عظیم یا بد
 و کارهای وی بنظام شود و اگر بیند که آشوب خراب و ولایتی درون بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید اگر بیند که فرشته یا پیغمبر منشور بخط منبشته بد و داد و دلیل که حقتعالی او را بیا مرد و از وی خوش شود و در رضی شود و اگر منشور
 سیاه بود تا ویش بخلاف این بود منشور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را بناسخ منقار بود و دلیل که بقدره
 منقار مانع حاکم کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون اله و کرکس و مانند این او را منشور بزرگ و داد و کرد و دلیل که در اینج و منجمی

و نقصان مال می بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مقدار عمری داشت و دلیل که بقدر قیمت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و خیر و
رسد و اگر بیند که مقدار داشت و مرد مرا به مقدار کند سانسید و دلیل که مرد مرا از وی گرفت و رحمت رسد منی آبی بود که از وی فرزند
پیدا کرد این سیرین رحمة الله علیه گوید و دیدن منی در خواب مالی بود که باید و از آن نشا و شود و اگر بیند که یک سبوی از آب منی
داشت و دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که قضیب می منی بسیار بیرون آید و دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر
منی که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب می منی آب منی همی رفت و دلیل که بقدر آن مال بزرگی گانه بدور رسد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرو آید و دلیل که مال باید چنانکه باری تعالی عز و جل فرمود **اَلَا نَخْلُقُكَ اَلَا نَشَاجِ**
يَتَّبِعُكَ اَلْحَقِيقَةُ صَادِقُ رَضَى الله عنه گوید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و دوم زیادتی مال سوم نقصان مال
چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آید معتبرا باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی نمی آید نقصان مال
بود محمد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محض نشسته بود و خداوند خواب سزاوار محمد بود و دلیل بر راحت آسایش
و عیش خوش می بود و اگر ترس و بیم این گردد و اگر بیند که از محض بیفتاد و او بایش بخلاف این بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در محض نشسته بود و دلیل که زنی مهربان خواهد یا کینتری خبر وی خرد و بعضی معتبران گفته اند که محض در خواب اگر
و خود مرقت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان جای حبس بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید محض
در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسایش و راحت و دوم عیش سوم غنچارم و دولت پنجم مرتبت ششم یعنی بهشت
کینک مهربان ششم زن و دیدن مهر در ویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه
چهارم بزرگی و محنت محمد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشتین نهاد و دلیل که خداوند انگشتین نصفت
و بزرگی باید و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد و دلیل که معاينه چیزی بدور رسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشتین بود باید که
و خزینه را محسوس کن اگر سزاوار بود و دلیل که خزینه بوی بسیار اند و اگر سزاوار خزان پادشاهی نباشد و دلیل که از بزرگان یکی
مال خود بد و بسیار ده اگر بیند که پادشاه مهر خود بد و داد و سپرد و دلیل که از وی بزرگی و منزلت باید و اگر بیند که پادشاه
بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است و دلیل که زود ولایت یا بدو حاجت می رسد و شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید محض
نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین مانند بر پشت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم خیرت دین سوم بریاست چهارم حقیقت
و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب محمد ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا بخیزد یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر قیمت آن مهره مال بدور رسد یا او را خدشگاری
حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود و دلیل که آن خدشگار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بیند و دلیل که خدشگار
سبازک روی بود و اگر زرد بود و دلیل که خدشگار شش چهارگون باشد و اگر سیاه بود خدشگار شش سختی و بدخواب است
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خدشگار سوم کینک چهارم مال تمام آید

و فرستاد ششم فرزندش غلام خرد و پسر زاده شد و نقصان که در مهره بیند بین هفت چتر که میخوان این سیرین رحمه الله علیه
 گوید جهانی در خواب اجتمع در چیزی بود اگر بیند که قومی را به جهانی خواند دلیل که کاری کند که انکار او را از همه شغل باز دارد و اگر
 بیند که او را در باغی به جهانی برود که آن باغ پر از میوه نامی الوان و آب روان بود دلیل که بغزار و دو شمشید شود و قوله تعالی فیما
 قاکه کثیرة و شراب کرمانی رحمه الله علیه گوید دیدن جهانی در خواب که در آنجا چنگ و چخانه و نای و رقص بود
 دلیل بر نعم و اندوه و مصیبت بود و اگر از اینها نبود و خبر و برکت و غرضی باشد مغربی رحمه الله علیه گوید جهانی در خواب دلیل
 بر باز آمدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عوسبی بی کجاست و جهانی کرد دلیل که او را غم و اندوه
 مورچه این سیرین رحمه الله علیه گوید مورچه این سیرین مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیزی شد دلیل که مردم بسیار در آن
 وی قرار دهند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل که مردم آن سرای بخوابی دیگر کنند و اگر بیند که مورچه
 بیگانه در خانه وی شد دلیل که در آنجا خانه وی رود و اگر بیند که برتن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا از دانه ای
 بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر خانه خود مورچه
 بسیار بیند دلیل که سلسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که سلسلش کم شود و سلسلش شغل رحمه الله
 علیه گوید مورچه خرد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر دمانی از این است
 و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند و در هوا می پریدند دلیل که خلیشان از سر باز آیند جعفر صادق رضی
 عنه گوید دیدن موران تاویل این بیت بنیده خواب بود اگر بیند که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال آنجا دشوار شود و این سیرین
 رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب مردم زاده و خوش طبع و خوب روی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که مورچه در آنجا
 که او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یا بد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که درخت مورد شکست
 یا از جهانی بر کند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب مال نعمت
 بسیار بود و بعضی از متبحران گویند که مورد و فرزند صالح بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مورد و خواب
 بر چهار وجه بود یکی از فرزندان عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دسته مورد بسته
 شود هر داد دلیل که کجایشان پدید آید و مورد این سیرین رحمه الله علیه گوید مورد تو اگر از مال بود و دیدن از زاده
 و برکت مورد بهترین برکت در دنیا بود و اگر بیند که مورد را گرفت یا کسی بویاد و آنکس تو اگر بود دلیل که مالش زیاده
 گردد و اگر بیند که مورد میخورد دلیل که منفعت دینی و دنیوی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مورد و خواب بر سه وجه
 بود یکی زیاده مال دوم زیاده دین سوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از متبحران گویند اگر بوقت پیش بیند که مورد را
 که زنی خوب روی و توانگر برنی کند و از وی منفعت یا بد مورد این سیرین رحمه الله علیه گوید مورد و خواب از آن متبحران
 دلیل بر خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندوه متبحران خلاف کرده اند این سیرین رحمه الله علیه گوید

بیند که موزه در پایی داشت و سلاح پوشیده بود و دلیل که دشمن از وی متحیر بود و اگر بیند که با موزه سلاح نداشت
 دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزه اویم در پایی داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند
 که موزه اویم در پایی داشت و باز کوزه بود و دلیل که او را غم و اندوه رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست میش
 داشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد و اگر بیند که زیر موزه او دریده بود و دلیل که زلزلن میرود و اگر بیند که از پایی موزه میرود
 او را و دلیل که شادی و خرقی یابد و اگر زندان بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزه آتش سوخت و دلیل که زلزلن میرود و اگر بیند
 که موزه او ضایع شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه بهین تاویل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه شش
 از خانه برداشته است دلیل که زنا اطلاق دهد و اگر بیند که موزه بزم بیگانه داد یا بفرخت دلیل که زن او ببرد و اگر
 بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که زن او بمیرد و اگر بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که جوانان قصد عیال و کنند جعفر صادق
 رضی الله عنه گوید موزه در خواب چون نرم بود و پائین از او دلیل بر بخت و جود بود که زن و دم خادم سوم کینه که چنان
 خرت چرخ عیش ششم ظفر یافتن بخت و منفعت یافتن موشش این سیرین رحمة الله علیه گوید موش در خواب بی بود
 که بظاهر مستوره باشد و باطن فاسقه بود و اگر بیند که موش را گرفت یا کسی بود یا و دلیل که زنی بدین صفت که کفیه
 خواهد و اگر بیند که موش را در طبله گرفت دلیل که زنی بکر و حیلت خواهد و اگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند
 و جمله یکسان بودند دلیل که بقدر موشان زنان در خانه وی جمع آیند و اگر بیند که موشان مختلف بودند چنانکه بعضی
 سیاه و بعضی سپید و دلیل که اختلاف بتاویل آن در شب و روز بود و جز بهست از سید عالم صلی الله علیه و سلم که فرمود
 شب و روز و موش اند که عمر مرد مرا می بیند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از سوراخ مینی یا از سوراخ قضیب او
 موش بیرون آید دلیل که او را و ختری نابکار آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه موشان دشتی آید و دلیل که
 در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تعبیر موشان در خواب مال و کالای زنان مضربه بود و موش خانگی و دشتی یا کجایان بود
 استعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که دیدار بیند که موش گرفت و دم داشت دلیل که زنی حامل خواهد و اگر بیند که موشی در دست
 وی بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بیند که موش را بسپای مالید و دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بیند
 که سنگ بموش انداخت و دلیل که کسی را ممتهم گرداند و اگر بیند که موشی در بستر وی بود و دلیل که زنی منفعه و منفعت فساد کند
 و اگر بیند که موش میخورد و دلیل که مال زنی مضربه بخورد و موش این سیرین رحمة الله علیه گوید موش سپید در خواب مال و نعمت
 بود و موش زرد بیماری و اگر بیند که موش سپید میخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که موش از وی ضایع شد یا بفرخت
 دلیل بر نقصان مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید که موش هر زنگ که باشد مال و نعمت بود و اگر بیند که موش سپید
 بود و میخاید بهتر از موشهای دیگر بود و اگر بیند که موشی میخاید و دلیل که کسی شکایت کند و اگر بیند که موش با آتش میسوخت
 و دلیل که بقدر آن پا و شاه از مال وی بستاند و اگر بیند که از موش شمع میسوزد و موش میسوزد و دلیل که مال خود بخیر و صلاح و خشنود

کتاب
توکل

فرج کند و بامردم خود و احسان کند مومنانی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مومنی میخورد و دلیل بر غم و اندوه بود و گوید
 بیند که مومنی کسی بخشد یا از خانه بیرون انداخت و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بختی
 اندام مومنی خرد و صحت یافت تا و پیش بخلاف این بود مومی دانایل علیه السلام گوید مومی در خواب میبیدارند و اندوه
 نور از ریش و مومی چهار پایان مال اندک بود و اگر مومی بیند که مومی همراه و از شد دلیل که او ریش و صلاح یابد و اگر مومی
 بنود دلیل که غم و اندوه بود بقدر وادی مومی و اگر بیند که قدری از مومی ببرد و بیند اخت دلیل که غم و اندوه از وی رانل شود
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در وقت حج مومی سر را سترد دلیل بر صلاح دین و کفایت گناهایان بود و اگر در خواب
 ملو بهمانی حرام نهی رجب و ذی حجه و ذی القعدة و محرم بیند دلیل که دوش گذارده شود و از غم فرج یابد و اگر بیند که مومی تمام
 سترد دلیل که آنچه گفتیم بیشتر باشد و اگر صاحب خواب آن امیری بود و بیند که مومی سر سترد دلیل که شورش میرود و پاوالی کرمانی
 الله علیه گوید اگر پادشاهی مومی خود بیند دلیل بر لشکر بود و اگر رعیت بیند دلیل بر زبانی غم و اندوه بود و زبانی مومی ستم
 غم و اندوه بود و اگر مردی بیند که مومی سر او آشفته بود دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر مومی سر خود و اوخته بیند دلیل
 بر غم و اندوه بسبب مادر و پدر یا جهت بهتری بود و اگر سر خود را صلیع بیند بنا بر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بیند که او را بسا
 علوبان و دو گیسوی بود دلیل که بهتری یابد و نیکنام گردد و اگر بیند که مومی خود را میکند دلیل که کسان وی مال تلف کنند و اگر بیند
 که مومی خود را شانه میکند و دلیل که بر کارهای خود قادر شود و بر منفعت بود و مغرب رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مومی بغل سترد دلیل که
 صلاح دین وی باشد و مومی بغل ستردن دلیل بر یافتن مال و مراد بود و ناستردن مومی بغل دلیل بر زیادتی میرونی بود و اگر
 بیند که در سینه مومی بود دلیل که دام بر وی جمیع شود و مومی بر تن و آلم گوید و اگر بیند که مومی از تن خود سترد دلیل بر نقصان
 مال وی بود و اگر انگش و رویش و دام دارد بود و دوش گذارده شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که انگش بر تن خود سترد
 و مومی از تن خود سترد اگر توانگر بود دلیل که در ویش گردد و اگر در ویش بود توانگر گردد و استمیل شعث رحمة الله علیه گوید اگر
 که قدری از مومی فرا بخت اگر توانگر بود دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر در ویش بود توانگر گردد و اگر دام دارد باشد و دوش گذارده
 شود و اگر سباز بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که مومی راست او بر شوق رفت و مومی چپ او مغرب دلیل که او را دوا پسرا باشد
 که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد و حافظ معتبر رحمة الله علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که مومی او جند بود دلیل بر عت
 دولت وی بود و اگر عاقل بخواب بیند دلیل که نعمت و عزت یابد و اگر بیند که مومی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که مومی زبانه
 دراز بود دلیل که او را زبانی رسد و رازی مومی زبانه زانیک باشد و اگر بیند که مومی زبانه خود می سترد دلیل که دین وی نقصان شود
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن مومی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن و دوم سفر کردن سوم عزت و جاه
 چهارم امینی تجم دولت و بار بیتیالی در کلام می فرمود محققین و مؤسسون و موقضین این اگر خداوند خواب را مومی ستر
 عادت بود و دلیل که نیک و بدان سهل باشد مومی بختی این سیرین رحمة الله علیه گوید با و مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند

کتاب
توکل

که غنی خور و دوست شد دلیل که بقدر مستی آن جاده و منزلت یابد و اگر بیند که بی می بچند و خمر مست شد دلیل که ترس بر عظیم بود
 قوله تعالى لا تولى الناس سكاوى الخ مغربی رحمه الله علیه گوید مستی از می بچند یا شراب بریزد بخوردن مال نعمت کم شود
 و اگر بیند که می بچند داشت و بهمنامی خورد دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می بچند غرق شد دلیل
 در خصومت و مالک شود و اسمعیل شعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که می بچند میخورد دلیل که مال حلال بگرام مبدل گرداند و اگر بیند
 که می بچند باب صافی بود دلیل که مال بدست آورد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زمان بستاند و اگر بیند که می
 بچند بی فروخت دلیل که چیزی حرام فروشد میخ این سیرین رحمه الله علیه گوید میخ در خواب برادر بود و اگر بیند که میخ در دیوار
 زد و دلیل که برادرش در آنجا که میخ زد و مردی فراگیرد زیرا که دیوار بنا و میل مرد باشد و اگر بیند که میخی بر سنی بست دلیل که برادر
 بر مردی پیوند و اگر بیند که میخ بر پشت زد و دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا اشرف و بزرگی تمام برسد یا آید
 شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد و گمانی رحمه الله علیه گوید میخ در خواب همه چیزی بزرگی و شرف و دین و دنیا بود و اگر
 بیند که میخی بر در خانه او بود و دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند که میخ از خانه خود بچند و بعد از آن تا ویش بخلاف این
 و اگر بیند که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن هر دو نوع بود یکی آنکه زن خواهد بود
 گیرد و اگر بیند که میخی در ستون یا در چوب زد و دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر درخت زد و قرار دهد یا کند
 در آن که چه درست بود تا میل از آن درخت کند بدستی یا بکلج یا ببطا و وصدت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میخ از استخوان
 یا از مس بود بنا و میل نکند باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود و دلیل که نیکوئی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخ آهنین بود
 و دلیل که او را فرزندی آید که شایسته پادشاه بود و اگر بزرگوار و دلیل که حقتعالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از ابل علم بنا
 و دلیل که ابل علم و باد و دست دارد و اگر بیند که میخ زترین یا سیمین در زمین زد و دلیل که از کسب خود توانگر گردد و جعفر صادق علیه
 السلام گفته که بدوین میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر و دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خواستن همیشه این سیرین
 رحمه الله علیه گوید پیش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز از کی ذکر کنیم اگر بیند که بر زنه
 میشی نشسته بود و وسطی او بود و دلیل که مردی بزرگ فرمان بردار او شود و اگر ماده میشی در جنگ بود و آن زنه میشی بر روی
 چهره گشت و دلیل که خصم بر وی غالب گردد و اگر بیند که شاهجای زنه میشی بزرگ و قوی گشته دلیل که انکس قوی و توانگر شود
 و اگر بیند که زنه میشی فرا گرفت یا کسی بویاد و دلیل که از مردی بزرگ مال نعمت یابد و اگر بیند که پوست زنه میشی بکند و گوش
 جدا کرد و دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی بستاند و اگر بیند که زنه میشی را از کشتن باز داند و دلیل که از غم برادر گمانی رحمه الله
 علیه گوید اگر بیند که ماده میش با وی جنگ کند دلیل که زنی با وی کرجیت کند و اگر بیند که گوشت ماده میش از خانه وی بخاک کشی
 شد و دلیل که زن وی بوشن کسی دیگر مشغول گردد و جعفر صادق علیه السلام گفته که بدوین زنه میش در خواب بر شش وجه بود یکی
 آتام دوم خلیفه سوم میر چهارم رئیس خشم مال ششم فرزند میوه ه این سیرین رحمه الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود و دلیل

افشا

خبر و منفعت بود و هر میوه که خام و ترش و در خوردنش بود و دلیل بر سختمای پیرویه و سرد باشد و اگر سیاه و اگر وزین و لیل
 بر غم و اندوه بود و اگر میند که از درخت میوه چید و دلیل که بقدر آن میوه از مری بزرگوار مال یا بد و اگر میند که نشسته بود و از درخت
 میوه می چید و دلیل که آنچه را بدخلال و شایسته بود و اگر میند که بی آنکه دست بردخت کرد و میوه چید و دلیل که بی هیچ و تعب و زور
 ما حلال حاصل شود و اگر میند که از درخت لجنی میوه فرا گرفت اگر بوقت باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بوقت
 باشد تا ویش بخلاف این بود و انیال علیه السلام گوید هر میوه که در وقت خود جواب بیند و بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل
 و اگر میوه بوقت خود نباشد و دلیل که مالش را بکند شود و دلیل بر میوه باصل درخت باز کرد و خواه نیکت یا بد بود و میوه آنچه
 از بود و دلیل بر مری بود و اگر ترنج و پرتو و اگر این بر سر درخت و این بیان دارد و میوه های ترش غم و اندوه بود و میوه های ترش پیوسته شیرین بود
 باشد و دلیل بر روزی حلال بود و میوه های ترش و ناخوش در خواب لکن بوقت بیند دلیل بر غم و اندوه بود و میوه که اگر بوقت خور و دلیل است که کار را
 بسیار شود و اگر آنی رحمه الله علیه گوید میوه شیرین در خواب اگر بوقت بیند دلیل بر غم و اندوه بود و میوه که اگر بوقت خور و دلیل است که کار را
 و بی کسی بود فی الجمله هر میوه که بنه و تر و خوشبوی و شیرین بود و تا دلیل خبر و منفعت بیشتر باشد استمعیل شفت رحمه الله علیه
 گوید اگر میند که میوه میفرودخت اگر میوه باشد که مردم آنرا دوست دارند و دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و اگر میوه ترش
 و ناخوش فروشد و دلیل که غم و اندوه و رنج بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروش در خواب چون میوه خوش بوی
 فروشد و دلیل بر شرم و مضرت بود و معتبر باید که نیک و بد جنس فیه من اندک که اندک چکونه باید گفت و خواهی های هر کسی را بدان
 نوع فرق تواند کرد و تا دلیل آن بنمادن تا از اصل خطا نیفتد و الله اعلم **حرف النون** ما بین این سیرین رحمه الله علیه
 جلدیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نابینا شده است و دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر میند که بی چشم وی که گشت و دلیل
 که بنیه دین وی بشود و یا کتابی بزرگ کرده باشد و بیگ نام از اندامهای وی مصیبت رسد یا شکست کرمانی رحمه الله علیه
 گوید اگر میند که نابینا یا دست گرفت و بر و دلیل که گمراه گردد و سفری رحمه الله علیه گوید اگر میند که نابینا شود و دلیل که کارهای خوب
 بر دست وی بگذرد و اگر میند که بی چشم کسی را که در و دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر میند که چهار پای را که در و دلیل
 بر کسی بود که بدان چهار پای منسوب باشند و بر آنرا نزد مضرت رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نابینائی در خواب
 بر مضرت وجه بود و کسی در ویشی و دم بد حال سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم شایسته
 قوله تعالی **صَبَّحَ نَحْمٌ عَجْجٌ فَهَمٌّ لَا يَرْجِعُونَ** و اگر نابینائی بخواب بیند که نابینا شود و دلیل که کارهای دنیا بر وی کشاید
 شود و از آنچه نمیدگشته باشد استیوار گردد و از رحمت حق تعالی نصیب یابد قوله تعالی **لَا تَقْطَعُ رِجْلَهُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ بَيْنَهُ**
نقصان مال ما بین این سیرین رحمه الله علیه گوید ناخن در خواب و دلیل بر سخاوت و قوم مردم بود و بعضی از متبران گفته اند
 که خداوند سلاح را ناخن بود اگر میند که ناخن را بمقراض ببرد و دلیل که دین وی قوی گردد و کرمانی رحمه الله علیه گوید
 در خواب فوت و توانائی در حاصل کردن مال دنیا بود و اگر میند که ناخنهای وی بشکست و دلیل که مال تواند حاصل کردن و اگر

نقصان

که بهتر

که ناخن از بن بیفتا و دلیل که قدری از مال می خنای شود و اگر بیند که ناخن بقیه دو و دیگر باره بویست و زیادت شد دلیل که کار وی نیکو
 گردد و مال بسیار بدست آرد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود و دلیل بر مصیبت او بود و اگر بیند که ناخنهایش
 چنان دراز شده بود که هیچ شکستن داشت و دلیل بر باد شدن ناخنهایش از بن بریده بود و متخیر گشته دلیل بر بیماری کار و
 باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود و دلیل بر صلاح دین و دنیا می و می بود و اگر بیند که ناخن
 راست میگرد و دلیل که مال بسیار زیاد و ناخن پای و دست را یک تاویل بود و بعضی از مجربان گفته اند تاویل ناخنهای دست
 حاصل کردن مال بود و از آن پای هم حاصل کردن مال بود و تاویل بر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب پیش
 و چه بود یکی قوت و توانائی دوم مقدر از مردم و دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم سنده زادگان یا برادران
 ناخن پیرا یعنی مقراض بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناخن پیرا در خواب مردی بود که قنیت کند اگر بیند که روی سر پیرا
 پیرا برید یا ناخن پیرا جامه برید و دلیل که این جمله نیکو بود و اگر بیند که کسی ناخن پیرا بوی داد یا بخیزد اگر پسری دارد دلیل که پسری
 آید و اگر دختر دارد و دختری دیگرش آید و اگر ناخن پیرا دو باره بود بهیچ تاویل بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن
 برود و یا بخیزد یا بیاقت اگر پسری دارد و دلیل که پسری دیگر بخیزد یا بنیاد و اگر ملکی دارد و ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل بر پیرا
 باشد از چیه که یکی باشد دیگر حاصل کند مغربی رحمه الله علیه گوید مقراض در خواب مردی نیکنام و نیک اصل باشد که با این
 کوهی بکنند و دین و دنیا می و زیادت گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پیرا در خواب برسته و جدا بود
 یکی امر و منفعت کننده دوم مرد نیک و دوست ناموافق ناز یا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناز یا در خواب زدن
 چون شیرین بود و بگوشت گو سپید یا بگوشت مرغان پنجه بود و دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر گوشت گاو یا گوسفتنی علف
 باشد دلیل بر غم و اندوه بود ناز مشک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او ناز مشک رسته و دلیل
 که ناز مشک بخیزد و خرمی و خوبی در اندام او منقش گردد و اگر بیند که ناز مشکها از زمین بر کند تا ویش بمالین بود که مانی
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناز مشک تازه داشت و بوقت خویش بود و دلیل که خیر و منفعت یابد ناز بچ و نایان
 السلام گوید ناز بچ که زرد است اما بوی خوش دارد و دیدار نیک پاکیزه است و انیسو نای بهشت است لاجرم
 در خواب نیکو باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناز بچ در خواب از یکی تا سه فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد بقیه
 آن ناز بچها و ناز بچ سبز خواب بهتر باشد و ناز بچ زرد بوقت خود بد نباشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناز بچ سبز
 بود و بعضی از مجربان گفته اند که ناز بچ سبز در خواب دلیل بسیاری و غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناز بچ
 در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منافعت سوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان با طاف ابن سیرین
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد و دلیل که او را مال نعمت بسیار بدست آید و خیر است
 و احسان بسیار کند مغربی رحمه الله علیه گوید ناطف انگبین و ناطف دو شب دلیل بر نعمت و مال بسیار بود و الا ناطف

ناخن

ناخن

ناخن

ناخن

ناخن

ناخن

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

ناتوان انگیزین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناطف انگیزین در خواب بر سر و جبهه بود یکی سخن شیرین و دوم مال حلال
سوم محبت ناطف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناطف در خواب آن بود که کثیر که نیر و دست می باشد و اگر بیدار
که ناطف وی بقیه دلیل که ناز طلاق و بد یا کثیر نشیند و اگر بیدار که ناطف بریده است و دلیل که عیال می میرد و بهر
وی تباها گردد و اگر بیدار که ناطف می گوید که ناطف شد و مالش بخلاف این بود و اگر بیدار که ناطف و سوراخ شد و دلیل که در حال
خلل پیدا می نماید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که ناطف یا سینه او به خطی موی برآمده بود و دلیل که بختهای پیش چشم
علیه وسلم را عجب گردد و اگر بیدار که ناطف اصل ناطف می بریده بود و دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر از ناطف تا شکم
شکافه بود و دلیل که دانا و عالم گردد و لیکن مالش برود و اسبیل شد رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که ناطف کسی سپرد
و دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناطف در خواب بر سر و جبهه بود یکی زن
خوب روی و دوم کثیر سوم مال و روزی چهارم پسر خیم مادر و پدر ناطف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناطف
در خواب روی منافق دروغ زن بود و در هیچ خبر نباشد و اگر بیدار که ناطف زود دلیل که با مردی منافق نشیند
و بدلقاق سخن دروغ گوید و رضا دهد و اگر ناطف شکست و مالش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن ناطف در خواب بر سر و جبهه بود یکی دروغ گفتن دوم منافق سوم جهل کفو و دل و شستن نام
گروانیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نام گردانیدن خوابا گرام و از نامها بهتر باشد چنانکه محمد و
و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین یاد و دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد و دلیل که
و مینا و کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کمیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الحیر و ابو الفضل و ابو
یا علی البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بیند چون ابو جبل و ابو لب و عتبه و شیب و
یحیی العنبر و دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم نام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیدار
که نام سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشنود و اگر نام سر شاده داشت دلیل که چیزی آش بشنود و اگر بیدار
که نام سر مجر و داشت دلیل که مهر نامه آن خیر بود که بوی رسد که نامی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که کسی نامه بود یا
که روی آن نامه بخواند و دلیل که از کسی خیر بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان نمود و دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیدار که
نوشته بود و محض داشت و کسی بخواند و دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاهر نیکو نماید و به باطن غم و اندوه قضا کند و اگر بیدار
که مهر نامه بکشد و بخواند و دلیل که عز و جاه و زیادت گردد و اگر بیدار که خواب خواننده بود و دید که نامه را بخواند
که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از معبران گویند که اجلس نزد یک آده باشد قوله تعالی اقض کتبات کفی
فی نفسک الیوم علیک حسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار که نامه پادشاه بدو داد اگر نکشاد و بخواند
و دلیل که غم و اندوه بود و اگر برکشاد و بخواند و بشارت بسته بود و دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای

و این

ناخوش نبشته بود و دلیل بر عیش ناخوش ترش و تسلیم بود و اگر بیند که نامه به پیاقت و بیادشاهی و او دلیل بر خیر بود و اسمعیل ششت رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل بر امیدواری بود و کارهای وی با بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنهای ناخوش نبشته بود دلیل که کارهای او بر نیاید تا چنانکه انبیا علیهم السلام گویند تا نهایی پاکیزه و خواب عیش باشد و اگر مان پاکیزه نباشد دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیند که مان خرد و بختانه بود و دلیل بر خیر و منفعت بود و روزی فرخ از مال حلال بود و اگر بیند که مان کسی داد و دلیل که راحت با آنکس رساند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستان مان یافت دلیل که از غم و اندوه برده و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جانی مجبور نم مان یافت دلیل که نیت عمار گذشته بود و اگر بیند که مان یافت و نتوانست خوردن دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که نهایی بسیار داشت و میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که مان کرم میخورد و دلیل که اندوهی تویرسد کرانی رحمة الله علیه گوید مان کرم بخواب دیدن دلیل بر عیش و راحت کند و مان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن و دلیل بر قطع و تکلی بود و مان کرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و مان کاوش دلیل بر تنگی عیش و پر برهنگاری بود و مان جوین خوردن دلیل بر بزد و موع بود و مان برنجین دلیل بر سختی و بستی کار نم کند و مان عدس و مان باقلا دلیل بر غم و اندوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مان خشک میخورد و دلیل که روزی بروی فرخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن نان در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که مان کرده بر پیشانی او نبشته بود و دلیل که درویش گردد و اسمعیل ششت رحمة الله علیه گوید تا مان مان برام و مردم بزرگ در دنیا نیست و اگر سلطان یک مان بخواب بیند دلیل که ملکش زیادت گردد و اگر باز مان بیند دلیل که مانش زیادت شود و یک مان از یک مردم تا هزار مردم باشد بقدر شخص و اگر رعیت بیند ضیاع و قمارش زیادت شود دلیل که او بد هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از آن نباشد زیرا که مان در خواب مال حلال بود که هیچ بدست آید و مان بختن در خواب بتایل کار کردن باشد و طلب عیش و تمجیل کردن از مان بزرگی حاصل کردن باشد مال حقیق صادق یعنی شکر گوید مان در خواب چهار وجه بود یکی عیش خوش و دوم مال حلال سوم ولایت شهری چهارم خیر و برکت و اما مان در خواب کسی بود که طلب مال کند و اگر بیند که مان باشد دلیل که بسیار مال بجایک و خصومت جمع کند و بعضی از مسیرین گفته اند که مان در نامه پادشاه عادل بود ناخواه این سیرین رحمة الله علیه گوید ناخواه و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که ناخواه کسی را یابند احتیاج دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و در زمین و خوردن ناخواه هیچ منفعت نباشد بجز غم و اندوه تا و دان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که فی ناودان آب از باها فرو می آید دلیل که در مقام جنگ و خصومت و خونریزی بدید آید و اگر بیند که باران نمی آید و از ناودانها آب فرو می آید دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصافح و رنج رسد و اگر بیند که ابر باران بود و از ناودانها آب فرو می آید دلیل که از حق تعالی اجل و علایق اهل آن موضع عنایت است باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناودان بر بام خود بنا و دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که ناودان خازنه

و این

مقتدا و منکست دلیل که تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که نادران حسین یا امین بود و دلیل که نظام کارش مستدام باشد و اگر
 که از نادران کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن کسی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نادران در خواب بر سر خود خوابیده
 رئیس شهر و مردم مترسوم خیر و منفعت اندک نامی زدن این سرین رحمة الله علیه گوید نامی زدن و خواب دلیل غم و اندوه و مصیبت
 بود و شنیدن آواز نامی دلیل غم و تفکر بود و اگر میند که نامی میزد و دلیل که غم و اندوه گرفتار نشود و اگر نامی رحمة الله علیه گوید نامی زدن کسی
 که بر سر مردم برساند و نامی زدن خیر نباشد نبات این سرین رحمة الله علیه گوید هر نباتی که بوقت خیر و میند که او را ساق نباشد
 و دلیل خیر و منفعت کند و هر نباتی که او را ساق و پیشانی شلخ باشد دلیل یا فرونی مال و منفعت و جاه و بقدر برتری و کوتاهی و کمبود
 او باریکی شاخهای وی بود و اگر میند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و هر چند نبات
 بیشتر میند خیر و منفعتش بیشتر باشد چون میند که بر چشم و گوش و زبان وی نبات رسته بود دلیل که او را بزرگی زیادت کرد و اگر نامی
 رحمة الله علیه گوید نبات زمین در خواب نمست و مال بود و خوشتر مردم خاتم عالم را و اگر میند که در زمین که ملک او و نبات بسیار
 بود و دلیل که میند که خواب دین و دار و مسلمان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم
 منفعت و بزرگی و جاه سوم معیشت خوش چهارم زیادتی و ولایت نبات جلالت این سرین رحمة الله علیه گوید نبات جلالت جلالت
 دین سخن خوش بود و چون بسیار میند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر میند که نبات در دامن وی نباشد و دلیل که اگر آنکس سخن خوش
 یا بر او رسد و هر که نامی رحمة الله علیه گوید اگر میند که بخوار نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه
 گوید نبات جلالت در خواب بر پنج وجه یکی سخن خوش و دوم بزرگواران سوم منفعت و مال چهارم فرزندان پنجم روزی حلال نباشد آنکس
 که کفن از مردگان بکند بزرگی این سرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخراب میند که نباشد اگر آنکس از ابل علم بود دلیل که علم افزوده
 و طلب دنیاوی باطل باشد و عمر خود را در انصایح و صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر نباشی میند که کفن بسیار جگر و دلیل که صلح
 شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از متبران گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم ملامت و سرزنش یابد و نویسنده دانایان علیها
 گوید اگر میند که چیزی می نویسنده و نویسنده باشد دلیل که بکر و حیل مال کسی استاید و کار ناکردنی بکند و اگر میند که از بهر پادشاه چیزی
 می نوشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر میند که از بهر مردم عامی نوشت دلیل که دل مردم بخواهش بکر و حیلت گرم کند
 این سرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که ناگاه نویسنده شد و دلیل که بکر و حیلت روزی از مردمان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد
 و میند که نویسنده می شود و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر میند که شعر و غزل و افسانه می نوشت دلیل که بشغل و دنیا مشغول گردد
 و شغل آخرت فرود آرد و اگر میند که قرآن و توحید و دعوات می نوشت دلیل که خیر و منفعت یابد مغربی ج گوید اگر میند که نامه
 نوشت و مداومتش بود و دلیل که قباله را بنویسد سمیع شریف رحمة الله علیه گوید اگر در میری بخراب میند که خفا بهتر می نوشت اگر صلح بود دلیل
 دین و دانت او ضایع گردد و اگر فاسق بود و تاب کرد و اگر میند که بسری می نوشت دلیل که عیش و عشرت دنیا کند و اگر میند که بزرگی
 نوشت دلیل که بسیار گردد و اگر میند که بسری می نوشت دلیل که نامش بخیر و خرمی در اند یا رنشدگر و اگر میند که بزرگتر می نوشت دلیل که

منکست
دلیل
مقتدا

دلیل

دلیل

دلیل

و او حضرت بر سه جعفر صادق رضی الله عنه گوید نزد بان در خواب مصلح و پارسا بود و بر دشمن ظفر باید و خاص بر پستان
بود و نرسد و انبیا علیه السلام گوید که نرسد در خواب مردی ظریف و خوبروی و لطیف بود این سیرین رحمه الله علیه گوید
نرسد در خواب سخن شیرین باشد و اگر زنی میند که نرسد تازه فرا گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزندی خوبروی آید و اگر
شوهر نداد و دلیل که شوهری خوبروی کند و اگر میند که نرسد از زمین بر کند و دلیل که زنا طلاق دهد یا فرزندی بمیرد و اگر میند
که نرسد از درخت بر کند و بنواحد و او دلیل که غلامش بگریزد و اگر زنی میند که دهنه نرسد شوهر داد و دلیل که شوهرش طلاق دهد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نرسد در خواب بر سه وجه بود یکی مرد ظریف خوبروی دوم فرزند سوم دوستی که در
وی دیر ماند و اگر میند که نرسد گر زنی دلیل که حسان و نیکوئی کند و در خیر شوهر گردد و اگر میند که نرسد در روز نیت شد دلیل که عیال بخیر است و اگر نرسد
نرم صاف تا خاتمه اگر میند که نرم را گرفت و دلیل که بقد آن ضلالت گاهی یا بدین و اگر میند که نرم بود و بروشانی بدل شد و دلیل که نایب گردد
و اگر میند که نرمش بود و با نرمش شد و دلیل که منافق بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که نرم تا یک شد و دلیل که نرم
داند و بود و کارهای شان بسته گردد و اگر میند که بهار روشن بود و ناکاه نرم بدید آمد و دلیل که مرگ و طعنه جات در دنیا
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نرم در خواب بر چهار وجه بود یکی تا خیر دوم پوشیدن کار ناسوم بدعت چهارم
استحیال است و رحمه الله علیه گوید اگر میند که از نرم بروشانی آمد و دلیل که از درویشی بتوانگری آید و از بدعت و ضلالت
دور باشد این سیرین رحمه الله علیه گوید نرم در خواب خوب نباشد سیرین این سیرین رحمه الله علیه گوید سیرین در خواب
اگر بوقت خود بود و دلیل که چیزی بویرسد و نیز گویند که او را فرزندی آید و اگر سیرین از درخت دور باشد دلیل که نرم و نایب
بود و اگر میند که کسی دهنه سیرین بود و دلیل که میان ایشان گفتگوی پیدا شود و اگر گل سیرین بر درخت میند و دلیل که
خرم بویرسد و باشد که و بابا باشد که از کسی چیزی اندک یابد نشناسته این سیرین رحمه الله علیه گوید نشناسته گندم در
خواب مال حلال بود که از تجارت مرج بدست آید اگر میند که نشناسته سحز و دلیل که اند و بگین شود و بعضی از مهران گفته اند
بهار گردد و اگر میند که از نشناسته حلوا گردد و بخورد و دلیل که مال و نعمت بدست آید و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از نشناسته
نشناسته میکرد و دلیل که از گشت خود مرج و سختی چیزی حاصل کند نشناستن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که بر
مقیم نشسته بود و قرار گرفته بود و دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر میند که بسیار خفته بود و بین نایل دارد و جعفر صادق رضی الله عنه
نشستن جراب یا زستر یا بر خیزد دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم مرقت چهارم فرمانروائی و نشستن بر باد و دلیل که
کند چنانکه نایب طبع او باشد که زانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که با مردم مصیبت و دورا و نشست و دلیل که هوا و احوال مخالف دین
چنانکه خدایتا در کلام مجید فرمود قوله تعالی فرح الخالفون بمقعدهم و اگر میند که مخالف دین بود و میرفت و دورا و نشست
ناویش خلاف این بود و استحقاق نشستن بود و ناویش خلاف این بود و نعل این سیرین رحمه الله علیه گوید نعل در خواب مال بود و اگر سیرین
گرد و اگر میند که با فاسقان نشسته بود و ناویش خلاف این بود و نعل این سیرین رحمه الله علیه گوید نعل در خواب مال بود و اگر سیرین

سید

2

بدو رسد و اگر بیند که نعل است و داشت دلیل که از پا و شاه منفعت یابد و اگر بیند که نعل خزان داشت دلیل که بقدر آن مال زبردگان حاصل کند
 و اگر بیند که نعل بند می میکرد چهار پایان خود را دلیل که بسفر رود و نعل بند می کسی بود که میان مردم دوستی جوید نعلین این سخن
 رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که دوازده نعلین شکست دلیل که روزگاری در سفر بازماند و اگر بیند که نعلین او سوخت و داشت
 دلیل که سبب کاری از سفر بازماند و در پنج گشته و اگر بیند که نعلین او بسوزد دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر بیند که نعلین پایش
 بر آن سبب از سفر بازماند دلیل که کینگی یا بدختری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نعلین او سیاه بود دلیل که از زن مالدار باشد و اگر
 سیخ بود زن معاشرت و وطرب دوست دارد و اگر بیند که نعلین او سفید بود دلیل که از زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر بیند که
 نعلین او بلور بود این صفتی است که گفتیم از هر یکی بر می روی بود و اگر بیند که نعلین او از پوست کاه و بند داشت دلیل که از زن از
 اصل جم بود و اگر بیند که بند نعلین او از پوست است دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او سفید و وضاحت
 احتیاط کند و آن نعلین از پوست چرب بود و اگر از پوست است دلیل که زارش بپاشد و استعجال شست رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
 نعلین او در پیر بهیمن و میل دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلین در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم زن سوم کینگی و نفع
 بود و نعلین پیر رحمة الله علیه گوید نفع در خواب غم و اندوه بود اگر کسی خواب بیند که در زمین ملک و نفع بود دلیل که در غم و
 و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نفع میخورد دلیل که اندویش بیشتر بود و اگر بیند که نفع در زمین دیگران بود دلیل که خداوندین
 را غم و اندوه بود و اگر بیند که نفع از زمین خود بر کند و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و نعت ابن سیرین رحمة الله علیه
 گوید نعت در خواب زنی با بکار بود اگر زنی خواب بیند که نعت در خود تألیف و دلیل که با زنی نابکار جمع شود و بعضی از معبران گفته اند که
 چیزی حرام خورد و اگر بیند که نعت بسیار داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید نعت در خواب بر سه وجه بود
 یکی زن با بکار دوم مرد غماز خوان سیوم مال حرام نفرین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که بر ظالمی نفرین میکرد
 و دلیل که بر آن ظالم ظفر یابد و اگر بیند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد و تا ویش بخلاف این بود که زنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
 که بیاحتیاطی بیگانه ای را نفرین میکرد دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردی را بیاحتیاطی نفرین کرد و دلیل که کار او
 بد شود و بعضی از معبران گویند که نفرین بیاحتیاطی در خواب بخدا و خواب با خدا و اگر نفرین بحق کند تا ویش بر آن کس باشد
 که او را نفرین کند و مرد مصلح را زودتر از آنکه مرگد و منفعت و منفعت اگر نفرین بحق یا ناحق کند بخصم باز گردد و نفع او در عالم
 و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چیزی است بهترین باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی وین را مصلح نفع
 شد دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر او اسکار دنیا بود دلیل که از بهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و آن که
 کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفع در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفید جعفر
 رضی الله عنه گوید نفع در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد و دانا دوم حکیم سوم مرد و دانا و چهارم در آینده کار نفع دلیل که
 از آنکه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که نفره از کار خود گرفت دلیل که از آن موضع و ولایت که او بود زنی را ببرد

خواب
 نعلین

نفع

تفصیل

نعت

نعت

نعت

نقصان
نقصان
نقصان

کند زیرا که نقره و هر زمان باشد اگر بیند که در سخا که معدن نقره بود و درون شود و از آنجا نقره بیرون آورد و دلیل که بعد از آن
 مال حاصل کند که زمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که نقره بسیار داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید در
 نقره در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم مال چهارم معیشت نقصان این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی
 بیند که در زن او نقصان بود دلیل که بعد از آن مالش نقصان شود و اگر نقصان زن آن که در آن صلاح بود چنانکه در باب زنان فرمود
 در حرف زاید کردیم که زمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مال خراسته و چیزی نقصان شد دلیل که متفکر شود و آقا اول حضرت سید
 کاکر گری ابن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که نگر گری میکرد بر سقف دیواری خانه و دلیل که او دوستدار
 و وفایه و مغرور دنیا باشد که زمانی رحمت الله علیه گوید نگر گری و صورتی در خواب کار باطل نیست و چنانکه خداوند تعالی
 میفرماید و مودقه تعالی ما هله التماسیل التي انتم لها عاكفون مغرور رحمت الله علیه گوید نگر گری در خواب
 فریفته باشد و دنیا و راه راست گذشته و راه باطل گرفته باشد اسمعیل شعث رحمت الله علیه گوید اگر بیند که دستهای خود را
 بسیار خناب و نگارید و دلیل که در کسب دنیا خداوند کرم و حلیت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نگر گری در خواب بر چهار وجه بود
 یکی آرایش دنیا دوم کار باطل سوم کرم و حلیت چهارم فریب و دفع نگر گری ابن سیرین رحمت الله علیه گوید نگر گری در
 خواب شرف و بزرگی و مال بود و بعضی گفته اند که فرزند باشد اگر بیند که نگر گری بیشتر از وضایع شد و دلیل که در بزرگی و
 او نقصان پدید آید یا فرزندش برود و اگر بیند که نگر گری بیشتر از شکست همین دلیل کند و اگر بیند که ناگاه نگر گری بر بیشتر
 ظاهر شد و دلیل که بعد از وقت آن نگر گری نعمت یا بد مغرور رحمت الله علیه گوید نگر گری و تاج پوشا و ولایت بود و در زمان شکی
 و عامه احوال و نیکوئی جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن نگر گری بیشتر در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم مال سوم و
 چهارم عیش و شرم فرزند ششم شرمی هفتم مال نعمت هشتم عمل نماز این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که نماز در
 جانب مشرق میکند و دلیل که کج رود و اگر محل چنان باشد پیشش بر جانب ترسایان باشد و اگر بیند که بر جانب مغرب نماز کند
 و دلیل که درین سلام پس پشت انداخته باشد و اگر بیند که بر راه نماز میکند و پشت سوی قبله داشت دلیل
 که اجلس نزدیک رسیده باشد و باید کرد و اگر بیند که نماز گذارد و ندانست که قبله کجاست دلیل که در راه دین مخیر بود و اگر کسی
 سوی قبله گذارد و دلیل که در راه دین مستقیم شود که زمانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قومی را امامت میکرد و دلیل که بعد از جماعتی که امام
 دینی بود و در سروری بایده اگر بیند که وقت نماز گذشت و جای پاکیزه نداشت که نماز بگذارد و دلیل که کارش بدشواری برآید
 بیند که نماز قطع کرد و نماز گذارد یا نمازی وضو گذارد و دلیل که در طلبی که باشد آن مطلب میسر نشود و اگر بیند که در مسجدی یا در
 امامت میکرد و دلیل که پادشاه آید یا مطیع وی شود و اگر بخلاف این بیند تا و پیش بگذارد این بود اگر بیند که در نماز رکوع و سجود تمام
 بجای آورد و دلیل که در دین و دنیا میروی نیکو کرد و مغرور رحمت الله علیه گوید اگر بیند که نماز پیشین بوقت میکند از آسمان روشن ناگه
 بود و دلیل که دفع حاجتی حضرت حق تعالی باشد و اگر آسمان تیره و باران بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که نماز گذارد و دلیل

نقصان

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

تمام کند و او را ویش بکلاف این بود نه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ندی سید و پاکه در او است دلیل که مال حلال باشد و اگر بیند
 بیند و آن هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که نه بسیار داشت دلیل که بعد آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بیند که نه بسیار داشت دلیل
 مال غصب و تلف کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که برتن خود جامه از نمد سپید داشت دلیل که زنی تو اگر خواهد یا کسی که در پیش
 خود و اگر بیند که نه از پیشتر بود دلیل که از پادشاه منفعت یا به مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نه داشت و از صنایع شد دلیل
 که در مالش نقصان شود و در خواب مردی بود که بجلال که اید و از حرام بر میزد ناید نکات این سیرین رحمة الله علیه گوید نکات در خواب
 درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بیند که نکات سپید داشت دلیل که بعد از درم نقد حاصل کند که مانی رح که گوید
 بیند که نکات خور و دلیل که راه زاهد گیر و دو کار خیر کند و نکات چرکین سیاه و دلیل جنگ و ضرورت بود جعفر صادق رضی الله عنه
 عنه گوید نکات در خواب بر سر و وجه بود یکی درم نقد و دوم آبروی سوم شکوفی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نکات خوش
 در خواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره دوم مخنمای ناخوش سوم غم دانه و چهارم خورسندی نکات سودا
 سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نکات سود و فر به بود و خورد و دلیل که نصحت و روزی بود و میراث یا به و اگر نکات
 سود لاغر بود دلیل که زیانی بد و رسد و هر چند که شور و تر و لاغر تر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن در
 دلیل بر غلبت کردن بود و مغربی رح گوید اگر بیند که گوشت قدید است لاغر بود دلیل که از مردم یا پادشاه او را زیان رسد
 و اگر گوشت بیشتر لاغر بود دلیل که از مغربی مضرت یا به و اگر نکات سود و از گوشت چهار یا بیان دشتی بخورد و لاغر بود دلیل که از مردم
 بیابانی مضرت بیند فی الجمله در گوشت لاغر منفعت نباشد و نکات این سیرین رح گوید نکات در خواب در دبا شد و تنگ
 و سستیز نه بود و اگر کسی بخواب بیند که نکات او را سوسوی آب کشید و عرق شد دلیل که در آب پاک شود و اگر بیند که نکات او را
 بگریزد دلیل که بقدر کند و از دشمن مضرت رسد و رحمت بیند که مانی رح گوید اگر بیند که او را آب خور و در دلیل که با میان
 پاک کند و اگر بیند که نکات بر و غالب شد تا ویش بکلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا تخم یا استخوان نکات
 داشت دلیل که از دشمن مضرت یا به مغربی رح گوید اگر بیند که نکات او را آب کشید و دلیل که در دست دشمن شمشیر شود
 نو و دیدن این سیرین رح گوید هر چیز نیکو نباشد پس ندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و گوشت را در حرف گاف بیان
 نوحه کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد
 و مردمان بهتر از آن موضع متفرق شوند و اگر بیند که والی آن شهر بد و مردم بر نوحه میکرد و دلیل که ایشان از آن جای رنج و سختی
 رسد و بعضی از مجربان گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که با نوحه میکرد پسند و دلیل که بر ایشان بهیاد و ستم کند و از بیم
 وی نمکین و ستمند شوند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم دانه و ده بود
 دانه و مضرتش رسد و اگر بیند که میکشید و آسته نوحه میکرد و دلیل خرم و شادی بود و اگر بیند که با زبان مردمان بسیار بود
 و نوحه یا از میکشید و دلیل که بسبب پادشاه و آن موضع غم دانه و رسد و نشاء در این سیرین رحمة الله علیه گوید که

در خواب

را بدعا بود اگر کسی بخواب بید که فرغی گرفت دلیل که با مردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بید که با فرغ بید که چنین
 مردی خصومت کند و اگر بید که فرغ بسیار در جائی جمع شد ندو فریاد میکرد و دلیل که در آن موضع عذاب خداست و از سر مغربی ج
 گوید اگر بید که فرغ و از گوشت وی بخورد و دلیل که مردی را بد را قهر کند و بقدر آن مال او بستاند و خزینه کند و اگر بید که
 فرغ او را بکشد و دلیل که از مردی را بد ویرانج رسد و اگر بید که فرغی را از آب گرفت و بر خشک انداخت و دلیل که را بد را از کار
 باز دارد و حضرت رساند و زیر این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که فرغ و از پادشاه را کاری نیکو بود و دلیل که آن وزیر را کا
 نیکو شود و دولتش زیاد گردد و اگر بخلاف این بید تا ویش بد بود و اگر کسی بید که فرغ و منصف و دادگر بود
 و دلیل که بقدر عدل انصاف بخش و بزرگی یابد و اگر بید که فرغ و بزرگساز و دلیل که عمارت و نعمت مال بر وی فراخ گردد و خوش
 راز بود و اگر بید که فرغ ویران خلعت و کلاه داد و دلیل که مردم ویرا والی گردانند و اگر بید که فرغ و در سبزی او آمد و دلیل که او را
 بسبب پادشاه غم و اندوه رسد که مانی رخ گوید اگر بید که فرغ و بزرگساز و دلیل که از وی شرف بزرگی یابد و اگر بید که
 خانه وزیر افتاده بود و یا بیمار بود یا پادشاه او را مضروب کرده بود یا اسیر و یا بگند یا کاری او را بپسوند و یا اینکه دلیل
 بر غل می بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بید که چشم و آفتاب و آفتاب
 کشته بود دوم آنکه چون بید که چشم او و جمله بید و کشته بود سوم آنکه چون بید که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه
 از چهار یا ران رسول صلی الله علیه و سلم کی حاجی بر سر او نهاد و پنجم دلیل بر یافتن وزارت کند و سیمه این سیرین رحمة
 علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که زمینی داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه بود و
 بید که زمینی داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بید که در سیمه از زمین برگردد و
 بیداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بید که سیمه سحری و دلیل که بسبب عیال و درج و محنت افتد و اگر کسی بید
 که در سیمه و سیمه بدو داد و دلیل که میان ایشان خصومت افتد مغربی رخ گوید اگر بید که در سیمه و سیمه بدست عیال خود داد و دلیل
 که از بید که جدا گردد و در دیدن و سیمه خیر نباشد و سیمه این سیرین رحمة الله علیه گوید و شد در خواب غم و اندوه بود و اگر
 که و شد بردار داشت دلیل که غم و اندوه زیاد گردد و اگر و شد کسی داد و دلیل که از غم و اندوه خلاص شود مغربی رحمة
 علیه گوید اگر بید که چیزی بوشه و نشانید و دلیل که کار پرانگنده او جمع شود و اگر بید که و شد میخواید و دلیل که غیبت مردم بسیار
 گوید و ضحوی نماز این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که دست و روی بآب صافی بشست و دلیل که کاری جوید که تمام
 کار بید و مقصودش حاصل گردد و اگر بید که بآب پدید روی حی شست تا ویش بخلاف این بود که مانی رخ گوید اگر بید که
 در روی خود را می شست دلیل که از بید یا ران خود یا ران خواهد و اگر بید که دست و روی شست دلیل که مرادش حاصل شود
 و دلیل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که دلیل که و شد و در شغل خود منصف بود و دلیل که خیر قابل
 دنیا یابد و اگر دلیل قاضی شد چنان قبول دارد و اگر در شغل و کالت منصف و دادگر نبود تا ویش بخلاف این بود مغربی

خواب واری

واری

واری

واری

واری

واری

رحمة الله علیه گوید اگر وکیل بیند که منسوب را بخواخت دلیل که او را بامردی سخن لطیف گفته شود و اگر منسوب آتش زده زوی
بیند دلیل که او را منسوب منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بدو واری علت حرام بود و بدین او در خواب
مالی بود که بوی رسد خاصه که در تن آید سفید بیند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درفش واری بسیار شده بود
دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معتبران رج گفته اند که او را معروف کرد و اند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید واری در خواب در ویش را تو انگری و نعمت بود و تو انگر از ایستادن از کنه و اگر بیند که چنان شده که همه
افتاده بود و دلیل که کارهای نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود و ویرانی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
که ویرانی خانه و دوکان و آنچه بدین ماند دلیل که ابری بود و درین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تا ویش بخلاف این بود
که ویرانی روح گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل تجارت و بلا مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان
میکرد و دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و بیند که از گمراهی بر راه صلاح آید مغربی روح گوید اگر ویرانی از کردار خالق است
و دلیل که بیند را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
که در سرب یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کاروی باشد حرف اطاء و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
تا ویران و دست هر دو شریک باشند که ایشانرا از یکدیگر نازیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند
و اگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد و اگر بیند که در تا ویران چیزی میکوفت و آن چیز خوردنی بود و دلیل که بقدر وقت
آن او را بخت و سستی نفع رسد و اگر آنچه زاره بود اگر داری امساک بود و دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر آنچه در تا ویران میکوفت شیرین بود و دلیل که برنج و سبزی فایده یابده اگر تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر چه بر تا بود که
تا ویران میکوفت و می سود و دلیل که بقدر آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف بکند بسیار بدانکه کرد و زوره آفتاب
بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بسیار خواب سخن باطل کرد و می پرانده بود که در آن خیر و منفعت نباشد چنانکه حقیقت
در کلام مجید فرموده است و جعلناه هباء منسودا جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سبانی سرخ در بر او پدید
آید دلیل که در اندام بیمار شود و اگر سیاه بود و دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود و دلیل که هیچ غم نباشد و در ابن حزمین
علیه گوید که در خواب مردی زیرک و دانا بود که از کار دنیا بی مردم خبر دهد و اگر بیند که در دیگر فت یا کسی بود یا در دلیل که در
دانا بزرگ بیصفت که گفتیم او را صحبت افتد و از وی فریفتگی صانع و اگر بیند که در در بخت دلیل که بر مردی دانا و بزرگ ظرف باشد و بر وی کس
و اگر بیند که گوشتی بخورد و دلیل که بقدر آن مال از مردم غش حاصل کند که نانی روح گوید که در خواب بدین صاحب خبر بود یا رسول نیک بود
و اگر بیند که در دایمی سخن گفت دلیل که از آن بکار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین در خواب بر چاه و چاه بودی خوشتر نشود
و دوم بزرگی سوم بر دشمن ظرافتن چهارم در آنکار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حقیقت فرمود و در سیر مغربی روح گوید اگر بیند که
دا و الا آن هدیه چیزی نیکو باشد که لایق و پسندیده بود و بود و دلیل که هر دو منفعت بود و اگر چیزی نیکو بود و دلیل که

و صلاح ایشان باشد زیرا که هر چه فرو تر بود و پیش از علم تعبیر دشمن قوی تر بود و از جنبه گانی که نه بره دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و درین مردم خواب تمهید باشد که با کشتن آن بنام و حاسد با کرد و بهر چه این سرین ج گوید بهر چه تر خشک در خواب جنگ خصوصیت و سخن چینی بود و اگر بنام که بهر چه در خانه خود او و دلیل که بقدر بهر چه او را در آن شهر و خانه جنگ خصوصیت بود و اگر بنام کسی بجا نه بهر چه بد و بخشد و دلیل که ویرا با مردم که بقدر بهر چه جنگ خصوصیت افتد که با آنی ج گوید اگر بنام که از پیشه یا از صحرای گردنه بهر چه جمع میکرد و دلیل که اینکس بد کردار و حاسد و سخن چینی بود و از گرفتار شود و قوله **الحاکم فی حیدها حبل من قسید** اگر بنام که از دشمنان بهر چه جمع میکرد و دلیل که میان جغتشان و بزرگان اید و از آنرا کنند و سخنانی بی دلیل که آن در خانه بهر چه از آن جمع میکرد و میوه دارد و بود و دلیل که میان بزرگان بزرگ است بود و جغتشان باشد بی دلیل که درین بهر چه تر خشک و بنام جعفر صادق صفا گوید بهر چه تر خشک در خواب باقی سخن چینی باشد و بهر چه تر در خواب جنگ خصوصیت گفتگوی و بهر حال بهر چه در خواب بد باشد حرف الیای یاره در خواب چینی بود و از جنس دست و پا این سرین ج گوید اگر مردی بنام که یاره درین دست و پا و دلیل که مردی بد و رسد و اگر یاره همین دست و پا و دلیل که غم و اندوه بوی کمتر رسد و جمله پیرانه زمان مردان از نیک باشد و از آن مردان و از و طوق و گوشواره و غیره که زینت پادشاهی باشد مردان از آن بود و از آنرا نشوهر بقدر و قیمت آنچه دیده باشد و شرح هر یکی از اینها و اول کتاب میان که دیم یا سیمین این سرین ج گوید اگر بنام که دوستی داشته یا سیمین بد و داد و دلیل که میان ایشان گفتگوی افتد و از بهر چه جدا شوند و اگر بنام که از آن سرین از دوستی بچید و بشوهر داد و دلیل که نشوهر او را طلاق دهد و اگر بنام که همین بختام داد و دلیل که او را غلام بگزید و درخت سیمین در خانه است بی تکه گرد و بدین سرین و غلام حاسد باشد و اگر با سیمین خوشبوی بود و دلیل که از زن با وجود آن بود یا فتن این سرین ج گوید اگر کسی بنام که چیزی یافت اگر خداوند خواب با صلاح بود و دلیل که رسیداری چیزی یا بد و اگر صالح و خوشبوی و دلیل که او را غم و اندوه رسد که آنی ج گوید اگر بنام که چیزی یافت هر دو بخشن و دلیل که خیر و منفعت بود و وجه عمر کند و اگر بنام که در چیزی یافت هر دو بخشن بود و دلیل که خیر و منفعت روزی حلال یافت بود و شمار دیگر برین قیاس است و اگر آنچه یافت یک صفت باشد تا و پیش باشد یا فتن بی این سرین ج گوید اگر کسی بنام که کوه کند و کان زربایفت و دلیل که بقدر و ولایت یا بد و اگر بنام که مصلح و یا رسا بود و این سرین که حقیقا او را علم و حکمت از ذاتی دارد و اگر بنام که کان سیم یافت و دلیل که از بزرگان از آنرا که با جمال مال بود و بعضی از خبر آن گویند که او را فرزندی مبارک می آید و اگر بنام که کان سیم یا سیم یافت و دلیل که او را با مهری بد کردار و جرم صحبت است و اگر بنام که کان از بزرگ یافت و دلیل که از بزرگ یافت و اگر بنام که کان سیم یا سیم یافت و دلیل که او را با مهری قوی صحبت یافت و از وی مال یا بد و اگر بنام که کان مبر یافت و دلیل که از پادشاه یا از پادشاه یافت و دلیل که صاحب آن جاه کرد و اگر بنام که کان یافت و دلیل که خود مالش زیادت کرد و اگر بنام که کان پیروزه یافت و دلیل که بر دشمن غلبه یابد و او را قهر کند و اگر بنام که کان عقیق یافت و دلیل که از پادشاه نفع یابد و اگر بنام که کان شهر یافت و دلیل که با مهری گفتگوی کند و اگر بنام که کان لعل یافت و دلیل که جاه و شمت یابد و اگر بنام که کان نوشا یافت و دلیل که اندوگین شود و اگر بنام که کان نکشت یافت و دلیل که از بزرگ منفعت یابد و اگر بنام که کان سره یافت و دلیل که کان یافت و دلیل که غم خورد و اگر بنام که کان گل زرب یافت و دلیل که بیمار کرد و اگر بنام که کان گل حنفی یافت و دلیل که با مهری او را صحبت یافت یا قوت است این سرین ج گوید که بنام که قوت سرخ یا سبز یا کزهره داشت و دلیل که بی یاکتیر بنیکو و احوال آید یا او را خمری خبر وی آید و اگر بنام که قوت سرخ داشت و دلیل که کان سرخ

بزرگ

بیه

سپید

نیت

نیکو

کشت

CALL No. { ۱۳۵۵۳ } ACC. No. ۸۶۵۳

AUTHOR _____

TITLE مجلس التعلیم دینی خوارب نامہ

ACC. No. ۸۶۵۳

۱۳۵۵۳



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

